



# مکانیسم مالی اتحادیه اروپا و ایران؛ به زودی؟!

پشت پرده سازمان منافقین در گفتگو با مقام ارشد سیا

گفتگوی اختصاصی با طراح آمریکایی تحریمهای ایران

گفتگوی اختصاصی با وزیر خارجه آلمان

گفتگوی اختصاصی با رییس پارلمان پاکستان

راهبرد بریتانیا در ایندوپاسیفیک

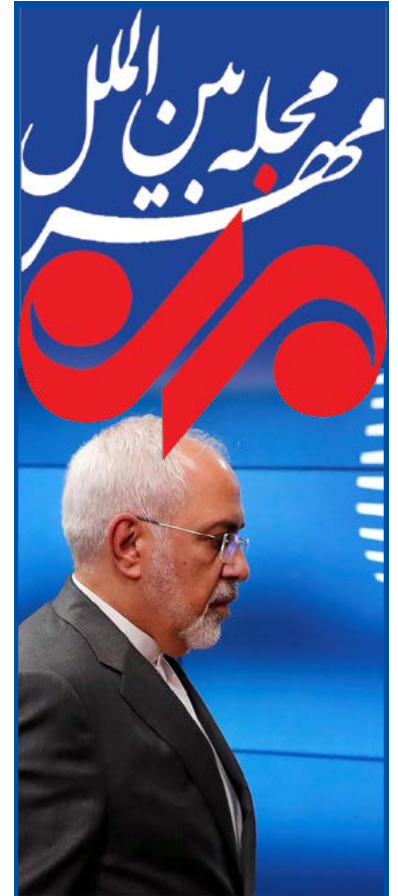
چهل سال پس از سیاست درهای باز چین

موازنه قوا پس از خروج امریکا از سوریه

با آثار و گفتارهایی از:

شیرین هانتر - پل پیلار - نادر انتصار - ریچارد نفیو - جیمز دورسی - محمود منشی پوری - مهران کامروا

فهرست مطالب



شناختنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیر حسن دهقانی،  
مجید رفیعی، جواد حیران نیا

دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

همکاران این شماره: سمیه خمار باقی،  
رامین حسین آبادیان، عبدالحمید بیاتی،  
مریم خرمائی، فرزاد فرهاد توسکی،  
بنفشه اسماعیلی، مهدی ذوالفقاری،  
محمد فاطمی زاده، فاطمه محمدی پور،  
شقایق لامع زاده، فاطمه صالحی، رضا  
عمویی، الناز صفوی

مدیر هنری: محبوبه عزیز

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۳۶۰

پست الکترونیک: [world@mehrnnews.com](mailto:world@mehrnnews.com)

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات‌الهی،  
کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقه‌مندان می‌توانند مقالات و مطالب خود را  
برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.

ایران در جهان

۳



- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸

چرا انگلیس نگران موشک‌های ایران هست و نگران موشک‌های عربستان نیست؟  
رئیس جمهوری عراق در ایران؛ توسعه و تقویت روابط در دستور کار  
شکست آمریکا در همراه ساختن عراق با تحریم‌های ضد ایرانی  
ناتوی عربی علیه ایران؛ آرزویی که محقق نمی‌شود  
تنتایهو توصیه سردار سلامی را جدی بگیرید؛ این مرد شوخی ندارد

خاورمیانه و شمال آفریقا

۲۳



- ۲۴
- ۲۵
- ۲۶
- ۲۷
- ۲۸

درسی که عراقی‌ها به رئیس‌جمهور آمریکا دادند/ ترامپ عبرت می‌گیرد؟  
سایه سنگین تحولات «منبج» بر مذاکرات صوری روسیه و ترکیه  
نقض آتش‌بس در «الحدیده» به سبک سعودی  
شمارش معکوس برای نبرد سرنوشت‌ساز در «منبج»/ مقاومت در اوج آمادگی  
ارتشی بزرگ برای آزادسازی فلسطین تشکیل خواهد شد

اروپا

۷۰



- ۷۱
- ۷۲
- ۷۳
- ۷۴
- ۷۶

اولین سند رسمی مدیریت مهاجرت در دنیا در معرض رأی‌گیری  
سه دلیل بی‌توجهی ترامپ به اروپایی‌ها/ افول جایگاه سیاسی قاره سبز  
صادرات سلاح انگلیس به عربستان/ تجاوز به یمن و ترور خاشقجی نیز مانع نشد  
راهبرد بریتانیا در ایندوپاسیفیک: فتح جهان از عرشه کشتی  
ایران روی تضمین‌های موگرینی بیش از اندازه حساب باز کرده است

آمریک

۸۴



- ۸۵
- ۸۶
- ۸۷
- ۸۹
- ۹۰

احتمال معامله بزرگ ترامپ و چین/ چین بلد است چگونه او را دور بزند  
اهداف سفر منطقه‌ای پمپئو/ صحنه گردانی آمریکا در غیاب شورای همکاری  
ترامپ و چرخش ناگهانی به سمت سیاست خارجی جدید  
تحرکات مشکوک آمریکایی‌ها در عراق؛ دست مقاومت روی ماشه پیروزی است  
اولین نشست کابینه ترامپ در سال ۲۰۱۹؛ نمایش پوستر ضدایرانی

آسیا

۱۰۳



- ۱۰۴
- ۱۰۷
- ۱۰۹
- ۱۱۰
- ۱۱۲

آمریکا و داعش منافع مشترک در افغانستان دارند  
دولت جدید پاکستان برای گسترش رابطه با ایران عزم راسخ دارد  
تصمیم ترامپ به روند صلح افغانستان ضربه می‌زند  
طالبان و طبیعت در حال تغییر ناسیونالیسم پشتون  
کلاف سردرگم روابط استراتژیک آمریکا و پاکستان



# ایران در جهان

سفیر سابق انگلیس در سازمان ملل:

## چرا انگلیس نگران موشکهای ایران هست و نگران موشکهای عربستان نیست؟!



نماینده سابق انگلیس در آژانس بین المللی انرژی اتمی با ارائه دلایلی مستند، دولت لندن را به نفاق و اتخاذ رویکردهای دوگانه در قبال ایران متهم کرد. «پیتر جنکینز» عضو ارشد مرکز سیاست امنیتی ژنو و سفیر سابق انگلیس در سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی، در مطلبی که در «لوبلاگ» منتشر شد، دولت‌های غربی به ویژه لندن را از بابت اتخاذ سیاست‌های دوگانه در قبال برنامه موشکی ایران، به دورویی متهم کرد.

وی با اشاره به ادعای «جرمی هانت» وزیر خارجه انگلیس مبنی بر اینکه آزمایش موشکی اخیر ایران «از توجیه آن در قالب دفاع ملی فراتر می‌رود» گفت: این ادعا القا کننده این موضوع است که هنجاری بین المللی برای ارزیابی اینکه آیا سامانه‌های تسلیحاتی به عنوان ابزار دفاعی استفاده می‌شوند، وجود دارد حال آنکه این امر صحت ندارد.

جنکینز می‌افزاید: تصور کنید که با اتکا به این (قانون نانوشته) به انگلیس بگوییم راهبرد بازدارندگی هسته‌ایش در قالب دفاع ملی توجیه پذیر نیست. این دیپلمات سابق در ادامه، این ادعای لندن را دورویی تلقی می‌کند چرا که رژیم صهیونیستی موشک‌هایی دارد که بُرد آنها به مراتب بیشتر از موشک‌های ایران است. پس با این حساب، طبق چه استدلالی ایران حق موازنه قوا را ندارد! علاوه بر این، سهم عربستان سعودی که به لطف غرب از همه انواع تسلیحات پیشرفته برخوردار است در ثبات زدایی از خاورمیانه چیست؟

عربستان همچنین موشک‌هایی میان بردی دارد که جای سوال است چرا انگلیس نگران آنها نیست. اسرائیل هم دارای تسلیحات شیمیایی و هسته‌ای است و جای تعجب است انگلیس نگران آنها نیست.

وی همچنین از بابت اینکه «ژان ایو لودریان» وزیر خارجه فرانسه نیز در این دورویی، همتای انگلیسی را همراهی می‌کند، ابراز تأسف کرده و می‌گوید: آیا اروپا قرار است به این شیوه اعتماد ایران را برای ماندن در برجام جلب کند!

جنکینز در ادامه فرضیه‌ای متناقض را مطرح کرده و احتمال می‌دهد چنانچه ایران طی ۱۰ سال آینده با اتکا به قدرت موشکی خود قادر به تخریب دارایی‌های راهبردی دشمن شود؛ کمتر از گذشته به پیشبرد برنامه هسته‌ای خود فکر خواهد کرد. به این ترتیب، موشک‌های میان برد و متعارف ایران به مبنایی برای ثبات خاورمیانه بدل خواهند شد و تضمینی خواهند بود برای آنهایی که نگران فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستند. وی در نهایت باز هم از دورویی انگلیس شکایت کرده و گفت اگر لندن این همه درباره موارد «ناسازگاری» یا قطعنامه‌های شورای امنیت نگران است، پس چرا آنگونه که شایسته بود به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ و خروج آمریکا از برجام واکنش نشان نداد.

### گفتگوی اختصاصی با عضو شورای روابط خارجی آمریکا:

## ترامپ به زودی به برجام باز خواهد گشت / فشار بر ایران نتیجه ندارد

جوآدریانیا



«جیمز چارلز اسلتری» نماینده سابق کنگره آمریکا معتقد است که ترامپ به زودی به برجام باز خواهد گشت و به اهمیت این توافق در کسب منافع آمریکا پی خواهد برد. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، چند هفته پیش اعلام کرده بود که قبل از پایان سال ۲۰۱۸، سازوکار ویژه اتحادیه اروپا برای تسهیل دادوستد با ایران اجرایی خواهد شد.

دسامبر تمام شد و سال نو فرا رسید، اما سازوکار ویژه اروپا برای جبران خسارت‌های خروج یکجانبه آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارد. از زمان اعلام آن طی جلسه‌ای در نیویورک در اواخر سپتامبر ۲۰۱۸، SPV فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. موانع متعددی، از تهدیدات آمریکا گرفته تا عدم تمایل کشورهای اروپایی به میزبانی از آن، سر راه SPV قرار گرفته و اجرایی شدن آن را به تاخیر انداخته است.

از سوی دیگر، مقامات ایران به طور فزاینده‌ای بی‌عملی اتحادیه اروپا انتقاد می‌کنند. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، به اروپا گفته که نمی‌تواند بدون خیس شدن شنا کند. یعنی اروپا برای جبران خسارت خروج کاخ سفید از برجام، باید هزینه بپردازد.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز دیروز ضمن انتقاد از تأخیر اتحادیه اروپا در اجرای ساز و کار مالی

مکانیسم مالی اروپا با ایران موسوم به SPV به خبرنگار مهر گفت: اینکه وضعیت این مکانیسم به کجا خواهد رسید چندان مشخص نیست. وی افزود: با وجود اینکه سیاست آتی ترامپ در خصوص ایران نیز نامشخص است اما به نظر من برجام باید حفظ شود. نماینده سابق کنگره آمریکا در ادامه یادآور شد: تصور من این است که پرزیدنت ترامپ به زودی به برجام باز خواهد گشت. او به زودی متوجه خواهد شد که برجام توافقی است که باید به آن احترام بگذارد.

جیم اسلتری در ادامه تأکید کرد: پرزیدنت ترامپ به زودی متوجه خواهد شد که برجام بهترین تأمین کننده منافع آمریکا و همه طرف‌های امضاءکننده آن است. وی یادآور شد: برجام نباید از بین برود و این را ترامپ به زودی در خواهد یافت. برجام را باید حفظ کرد و مسائل دیگر، باید مبتنی بر آن شکل بگیرد.

عضو شورای روابط خارجی آمریکا افزود: در واقع برجام باید مبنا و محور تصمیمات همه طرف‌های امضاءکننده آن باشد و همه طرف‌ها باید به آن پایبند باشند.

وی در ادامه تأکید کرد: از این وضعیت است که آمریکا به وجود آورده باید تأسف خود و متأسف بود. امیدوارم عقلانیت در سیاست خارجی آمریکا حاکم شود و از تنش با ایران دوری کنند. جیم اسلتری در پایان گفت: حتی در این وضعیت بغرنج هم می‌توان به صلحی در خاورمیانه دست یافت که مبتنی بر تعهدات اعضای آن باشد.

موسوم به SPV پس از خروج آمریکا از برجام، تصریح کرد: اتحادیه اروپا در ایجاد ساز و کار مالی با حسن نظر ورود کرد و اراده سیاسی مثبتی نیز از خود نشان داد، اما در طول زمان و طی مذاکرات ماه‌های گذشته این احساس کم‌کم جدی تر می‌شود که کشورهای اروپایی با یک سری ناتوانی‌های جدی در اجرای SPV مواجهند.

وی سیطره دلار و همچنین در هم تنیدگی اقتصاد اروپا و آمریکا را از دلایل اصلی تأخیر در اجرای SPV خواند و افزود: اتحادیه اروپا و حتی سه کشور اروپایی طرف ایران در برجام نیز در اسارت و گروگان اقتصاد آمریکا هستند، لذا لازم است که در جهت استقلال خود و برای ادامه حیات مستقلانه تصمیم بگیرند.

«جیمز چارلز اسلتری» نماینده سابق کنگره و عضو شورای روابط خارجی آمریکا در خصوص وضعیت

به بهانه سفر برهم صالح به تهران؛

## رئیس جمهوری عراق در ایران؛ توسعه و تقویت روابط در دستور کار

رامین حسین آبادیان



سفر رئیس جمهوری عراق به ایران نشان می دهد که بغداد حتی پس از اعمال تحریم های ضد ایرانی ایالات متحده آمریکا، عزم جدی برای توسعه مناسبات خود با تهران دارد.

«برهم صالح» رئیس جمهوری عراق امروز شنبه در صدر هیأتی بلندپایه از مقامات عراقی به منظور دیدار و گفتگو با مقامات و شخصیت های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران، وارد تهران شد.

طبق آنچه که از سوی منابع عراقی اعلام شده، قرار است «برهم صالح» رئیس جمهوری عراق در جریان سفر به تهران با «حسن روحانی» همتای ایرانی خود دیدار و گفتگو کند. سفر صالح به تهران دو روز به طول خواهد انجامید و او طی این مدت در خصوص مسائل مختلف با مقامات تهران به بحث و تبادل نظر می نشیند.

یکی از اهداف اصلی و اساسی رئیس جمهوری عراق از سفر به جمهوری اسلامی ایران، تقویت و توسعه روابط میان تهران و بغداد در زمینه های مختلف است؛ سفری که بدیهی است در شرایط کنونی و پس از اقدام آمریکا در اعمال تحریم های اقتصادی علیه تهران، به مذاق واشنگتن خوش نمی آید.

همانطور که گفته شد، تقویت و توسعه روابط میان تهران - بغداد از اهداف و محورهای اصلی سفر برهم صالح به ایران است، چراکه در طول این سفر، مقامات مختلف دو کشور، سندهای همکاری متعددی را در زمینه های گوناگون، جهت توسعه روابط، به امضاء می رسانند.

علاوه بر مسأله تقویت و توسعه روابط دوجانبه، صالح در جریان سفر به تهران، در خصوص مسائل و تحولات منطقه ای و بین المللی نیز با مقامات ایرانی گفتگو خواهد کرد و پیش بینی می شود که رئیس جمهوری عراق فرصت پیش آمده را مغتنم شمرده و بار دیگر بر موضع بغداد در مخالفت با تحریم های ضد ایرانی تأکید کند.

پیشتر نیز رئیس جمهوری عراق موضع خود در قبال تحریم های ضد ایرانی ایالات متحده آمریکا را صراحتاً و به صورت شفاف اعلام کرده بود. وی در این خصوص تأکید کرده بود: «ما در عراق به هیچ وجه نمی خواهیم که از تحریم های ضد ایرانی آمریکا متضرر شویم».

رئیس جمهوری عراق در این خصوص همچنین گفته بود: «ما نمی خواهیم که عراق بار تحریم های آمریکا علیه ایران را به دوش بکشد». موضع شفاف رئیس جمهوری عراق در قبال تحریم های ضد ایرانی گویای این واقعیت است که مقامات عراقی حتی در سایه اعمال این تحریم های ضد حقوق بشری، عزم جدی برای تقویت روابط اقتصادی خود با تهران دارند.

از آنجایی که پیشتر آمریکایی ها حتی با زمان تهدید، صراحتاً اعلام کرده بودند که خواستار پایبندی بغداد به تحریم های ضد ایرانی هستند، اما سفر برهم صالح به ایران در شرایط کنونی و تصمیم هیأت عراقی برای امضای توافقنامه های همکاری با تهران، نشان می دهد که اوضاع آنطور که آمریکایی ها می خواهند پیش نمی رود.

مقامات ایالات متحده آمریکا که با تهدید مقامات عراقی

تاریخی محسوب می شود؛ مسأله که نشان می دهد برهم صالح از جمله شخصیت های سیاسی و دیپلماتیکی است که همواره قدردان حمایت های ایران بوده و سفرش به تهران نیز بی ارتباط با این قدرشناسی نیست.

مسأله دیگری که در خصوص سفر «برهم صالح» رئیس جمهوری عراق به ایران حائز اهمیت محسوب می شود این است که عراق با وجود اعمال برخی فشارها از سوی مرتجعین عرب، حاضر نیست روابط خود با تهران را قربانی مناسباتش با کشورهای عربی کند.

در واقع، مقامات عراقی تلاش می کنند تا به جای فروختن روابط خود با تهران در ازای داشتن مناسبات گوناگون با کشورهای عربی، تمامی این روابط و مناسبات با طرف های مختلف را مدیریت کرده و اجازه ندهند که مناسبات و مرادوات با همسایگان عرب به قیمت از دست رفتن روابط با ایران تمام شود.

در همین حال، واضح است که برهم صالح، نامزد مورد توافق دو ائتلاف بزرگ در پارلمان عراق یعنی «الاصلاح» و «البنا» بوده است؛ این بدان معناست که قاطبه گروه های شیعی از او حمایت کرده و می کنند.

به عنوان مثال می توان به گروه ها و شخصیت های شیعی همچون سید عمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی، هادی العامری، رهبر جریان الفتح، قیس الخزعلی، دبیرکل عصاب اهل الحق و همچنین جنبش مقاومت اسلامی نجباء اشاره کرد در عرصه سیاسی عراق حامی برهم صالح هستند.

لذا از آنجایی که برهم صالح به عنوان نامزد مورد توافق بسیاری از گروه های شیعی و حتی برخی گروه های سنی موفق به تصدی ریاست جمهوری عراق شد، بنابراین سیاست های این دیپلمات کارکشته و شناخته شده عراقی نیز مورد تأیید تمامی این گروه ها است؛ گروه هایی که از مواضع شفاف صالح در عرصه سیاسی در طول دهه های گذشته مطلع بوده اند.

در هر صورت، آنچه که واضح است، آن است که روابط میان بغداد و تهران، در مرحله کنونی با سرعت بیشتری بر ریل توسعه قرار گرفته است و عوامل و متغیرات خارجی که اخیراً نیز به وضوح مشاهده شده اند، نمی توانند تغییر در مسیر توسعه و تقویت این روابط ایجاد کنند.

به عدم برقراری مرادوات اقتصادی و تجاری با تهران، تمام تلاش خود را برای کاهش نفوذ ایران در عراق به کار گرفته اند، پیام سفر برهم صالح به ایران را دریافت خواهند کرد و بار دیگر درخواست یافت که حاکمیت «نظام تک قطبی» در جهان دیگر پایان یافته است و دیگر این واشنگتن نیست که حرف اول و آخر را می زند.

سفر برهم صالح به ایران تنها چند صباحی پس از روی کار آمدن وی در عراق به عنوان رئیس جمهور، البته حاوی پیام دیگری نیز برای طرف های خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا است و آن، اینکه تصمیمات سیاسی در جامعه عراق متأثر از عوامل خارجی نیست.

این بدان معناست که مقامات عراقی عزم خود را جزم کرده اند تا روابط خود با دیگر کشورها از جمله ایران را در چارچوبی خارج از سیاست های تنش زای آمریکا در منطقه، تعریف و تبیین کنند. این مسأله حاکی از آن است که سیاست «تطمیع و تهدید» کشورها برای انزوای ایران نه تنها مثمرتر نبوده، بلکه نتیجه معکوس نیز داشته است.

از سوی دیگر، اینکه جمهوری اسلامی ایران یکی از ایستگاه های اولیه سفر منطقه ای برهم صالح محسوب می شود، خود نشان می دهد که مقامات بغداد قصد دارند فصل جدیدی از روابط تنگاتنگ دوجانبه را میان ایران و عراق، رقم بزنند. پیشتر صالح به کویت و امارات و اردن سفر کرده بود. نگاه دولتمردان جدید عراق به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک متحد قدرتمند در منطقه، یک نگاه راهبردی و استراتژیک است.

این را نیز باید در نظر داشت که مقامات عراقی قدردان حمایت های جمهوری اسلامی ایران از دولت و ملت عراق در نبرد علیه تروریسم هستند و برهم صالح یکی از شخصیت های عراقی است که به این حمایت های کاملاً واقف بوده و پیشتر نیز بدان اشاره کرده است. وی پیشتر در گفتگویی صراحتاً تأکید کرده بود: «ایرانی ها در روزهای سخت کنار ما بودند و از ما حمایت کردند. چرا ما نباید از آنها دفاع کنیم؟ ما نمی خواهیم از سوی طرف های خارجی هیچ آزاری به جمهوری اسلامی ایران برسد».

این تنها بخشی از اظهارات پیشین رئیس جمهوری عراق در خصوص حمایت های تهران از بغداد در مراحل مختلف

گزارش خبری - تحلیلی؛

# شکست آمریکا در همراه ساختن عراق با تحریم‌های ضد ایرانی

رامین حسین آبادیان



ایالات متحده آمریکا حساب ویژه‌ای روی همراه ساختن عراق با تحریم‌های ضد ایرانی باز کرده بود که البته با مواضع اصولی دولت و گروه‌های شیعی عراق در حمایت از تهران، معادلات تغییر کرد.

ایالات متحده آمریکا پس از خروج یکجانبه و غیرقانونی از توافق هسته‌ای (برجام) تحریم‌های ظالمانه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد؛ تحریم‌هایی که برخلاف ادعای دروغین مقامات آمریکایی، تنها مردم و معیشت آنها را هدف قرار داده و می‌دهد.

آمریکایی‌ها در ادامه سیاست شکست خورده «اعمال تحریم» خود علیه ایران، در ماه جاری فهرست بلندبالایی از تحریم شخصیت‌ها و مؤسسات حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران را منتشر و شرکت‌های بین‌المللی از جمله شرکت‌های اروپایی را از تعامل با این شخصیت‌ها و مؤسسات برحذر داشت.

تحریم‌های ضد ایرانی ایالات متحده آمریکا موجی از مخالفت‌ها در نزد متحدان جمهوری اسلامی را در پی داشت و آنها در مقابل این اقدام واشنگتن، صراحتاً لب به اعتراض گشودند. از جمله این متحدان، می‌توان به دولت عراق و گروه‌های شیعی در این کشور اشاره کرد که تاکنون بارها و در مناسبت‌های مختلف حمایت خود از تهران را رسماً اعلام کرده‌اند. در این میان، دولت جدید عراق به نخست‌وزیری «عادل عبدالمهدی» مواضع اصولی و هوشمندانه‌ای را در قبال تحریم‌های ضد ایرانی ایالات متحده آمریکا اتخاذ کرده است؛ موضعی که البته به پاس حمایت‌های بی‌دریغ تهران از بغداد در زمینه‌های مختلف به ویژه در عرصه مبارزه با تروریسم، اتخاذ شدند.

در همین راستا، «عادل عبدالمهدی» نخست‌وزیر عراق ضمن اتخاذ مواضع شفاف و راهبردی در قبال تحریم‌های ایران تأکید کرد: «عراق از تحریم‌های ضد ایرانی آمریکا تبعیت نخواهد کرد؛ بغداد از پایبندی به این تحریم‌ها، معاف است.» وی همچنین افزود: «عراق بخشی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران نیست.»

این مواضع اصولی در حال اتخاذ شد که رسانه‌های وابسته به محور غربی - عربی پیشتر و به دنبال اعلام دولت العبادی مبنی بر پایبندی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران، روابط دوجانبه تهران - بغداد را هدف سنگین‌ترین حمله‌های خود قرار داده بودند و عملاً از پایان این روابط سخن می‌گفتند. با این حال، اتخاذ موضع هوشیارانه و به موقع نخست‌وزیر جدید عراق، تمامی نقشه‌های رسانه‌های تحت امر آمریکا و غرب برای ایجاد انشقاق در روابط و مناسبت تنگاتنگ میان دو متحد استراتژیک یعنی تهران و بغداد، نقش بر آب شد.

عبدالمهدی با این مواضع خود ضمن به شکست کشاندن توطئه‌ها برای خدشه وارد کردن به روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق، نشان داد که روابط میان دو طرف نه تنها آسیبی ندیده است بلکه با حمایت‌های بغداد از تهران پس از اعمال تحریم‌های جدید ایالات متحده آمریکا، این روابط وارد مرحله تازه‌ای نیز شده است.

اما اتخاذ مواضع حمایتی از جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌های آمریکا تنها محدود و محصور به نخست‌وزیر عراق نمی‌شود، چراکه «برهم صالح» رئیس‌جمهوری این کشور نیز مواضع خود در مخالفت با تحریم‌ها ضد ایرانی واشنگتن را صراحتاً اعلام کرده است.

وی در این خصوص در واکنش به تهدیدات گذشته آمریکا مبنی بر مجازات بغداد در صورت عدم تبعیت از تحریم‌های ضد ایرانی آمریکا، گفته است: «ما در عراق به هیچ وجه نمی‌خواهیم که از تحریم‌های ضد ایرانی آمریکا متضرر شویم.» رئیس‌جمهوری عراق در ادامه مواضع خود در خصوص تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: «ما نمی‌خواهیم که عراق بار تحریم‌های آمریکا علیه ایران را به دوش بکشد». اشاره صریح رئیس‌جمهوری عراق به سیاست تحریمی واشنگتن در قبال تهران نشان می‌دهد که مقامات عراقی عزم جزمی برای تداوم روابط تجاری و اقتصادی خود با تهران حتی پس از تحریم‌های آمریکا، دارند.

به نظر می‌رسد که پس از اتخاذ این مواضع از سوی یکی از متحدان جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ایالات متحده آمریکا پیام واضحی را از سوی مقامات عراقی در خصوص تحریم‌های اعمالی علیه ایران، دریافت کرده باشد. واشنگتن اکنون به خوبی می‌داند که اگر خواستار تداوم روابط خود با بغداد است، نمی‌تواند با اعمال زور، مقامات این کشور را وادار به تبعیت از تحریم‌های ضد ایرانی کند.

عدم واکنش مقامات آمریکایی به سلسله اظهارات مقامات عراقی در خصوص تحریم‌های ضد ایرانی نیز بر ادعای مذکور، صحنه می‌گذارد و آن را تأیید می‌کند. بنابراین، کاملاً واضح است که آمریکایی‌ها از حمایت همسایه عراقی ایران از تحریم‌های ضد ایرانی، کاملاً ناامید گشته‌اند.

از سوی دیگر، علاوه بر واکنش‌های مقامات عراقی در سطوح رسمی، احزاب و جریان‌های مختلف شیعی در عراق نیز به حمایت از جمهوری اسلامی ایران برخاسته و مواضع شفاف و اصولی را در قبال این تحریم‌های ظالمانه اتخاذ کرده‌اند؛ موضعی که نشان از عمق روابط دوستانه تهران با تمامی اقشار شیعی در عراق است.

به عنوان مثال، «سید عمار حکیم» رهبر جریان حکمت ملی در سخنانی ضمن محکوم کردن تحریم‌های ضد ایرانی ایالات متحده آمریکا تأکید کرد: «در حال حاضر نباید در قبال تحریم‌های آمریکا علیه ایران سکوت کرد. این تحریم‌ها تبعات خطرناکی برای واشنگتن به دنبال خواهد داشت.»

وی در این خصوص همچنین اظهار داشت: «با تحریم‌های ضد ایرانی مخالفیم چراکه تضعیف ایران، به نفع عراق و

منطقه نیست. اقدام آمریکا در اتخاذ تصمیم‌های انفرادی علیه ایران یک رویه خطرناک خواهد بود که پیامدهای تاسف‌باری برای جامعه بشری و بین‌المللی برجا خواهد گذاشت.»

این در حالی است که دیگر گروه‌های شیعی عراق نیز به تحریم‌های ضد ایرانی واشنگتن واکنش نشان داده و آن را به شدت محکوم کرده‌اند. در همین راستا سخنگوی رسمی مقاومت اسلامی نجف با تأکید بر اینکه دولت عراق نباید از تصمیم یکجانبه آمریکا برای تحریم ایران بترسد، افزود: «این تصمیم شورای امنیت نیست که در برابر آن تسلیم شویم.»

جنبش نجف‌آباد همچنین با صدور بیانیه‌ای به صورت رسمی به تحریم‌های ضد ایرانی واکنش نشان داد و تأکید کرد: «جمهوری اسلامی با رهبری حکیم، فرزانه و شجاع در برابر نقشه‌های ظالمانه آمریکا علیه ایران و منطقه می‌ایستد. تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران، با هدف برهم زدن ثبات و استقرار در منطقه و به فقر کشاندن ملت‌ها اعمال شده است.»

در همین حال، جماعت علمای عراق نیز تحریم‌های آمریکا علیه ایران را محکوم کرد و این تحریم‌ها را ظالمانه و توجیه ناپذیر دانست. شیخ خالد الملا رئیس این جماعت، این تحریم‌ها را مجازات دسته‌جمعی علیه یک ملت دانست و تأکید کرد ایران در حمایت از ملت عراق پیشتاز بوده است.

سازمان بدر به ریاست هادی العامری نیز حمایت این سازمان را از ملت و دولت ایران اعلام کرد و حمایت‌های ایران از ملت عراق در سختی‌ها را یادآوری کرد. گردان‌های حزب الله نیز اعلام کرد تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی دولت آمریکا علیه ملت ایران نشان دهنده میزان سیطره لابی صهیونیستی و اموال سعودی بر تصمیم‌گیری‌های دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران است.

با این حال، مواضع گروه‌های متعدد شیعی در قبال تحریم‌های آمریکا علیه ایران نشان داد که روابط میان جمهوری اسلامی ایران و عراق کاملاً مستحکم بوده و هیچ چیز نمی‌تواند این روابط راهبردی، عمیق و استراتژیک را برهم بزند. بدیهی است، در چنین شرایطی ایالات متحده آمریکا نیز در صدد کاهش نفوذ ایران در عراق بر آمده است اما مواضع گروه‌های شیعی این توطئه را نیز تاکنون خنثی کرده و در آینده نیز خنثی خواهد کرد.

گزارش تحلیلی؛

# ناتوی عربی علیه ایران؛ آرزویی که محقق نمی‌شود

فاطمه صالحی



آرزوی آمریکا برای تشکیل یک ائتلاف متحد عربی با نام ناتوی عربی علیه ایران در منطقه با چالشهای زیادی رو به رو است که تولد این ائتلاف را به بعد موکول می‌کند.

روز شنبه بزرگ‌ترین تمرین نظامی زمینی، هوایی و دریایی عربی با مشارکت هشت کشور در مصر آغاز شد. تمرین‌های زمینی در پایگاه نظامی محمد نجیب در شمال غربی مصر و تمرین‌های هوایی و دریایی نیز در محدوده دریای مدیترانه انجام می‌شود.

در مانورهای سپهر عرب ۱ هشت کشور عربی شرکت دارند که عبارتند از مصر، اردن، عربستان، کویت، امارات، بحرین، مراکش و لبنان. دو کشور مراکش و لبنان نیرویی اعزام نکرده و صرفاً ناظر هستند. این مانور دو هفته ادامه می‌یابد.

قاهره هدف از برگزاری این مانور را تقویت روابط نظامی با کشورهای شرکت‌کننده و مقابله با چالش‌های مشترک اعلام کرده است البته دور از ذهن است که این اعلان مصر، هدف اصلی این برنامه باشد. این مانور، «سپهر عرب ۱» نام گرفته و از شماره‌بندی آن مشخص است که سرآغازی است برای سپهرهای عرب ۲ و ۳ و...

این اقدام نظامی در حالی است که مدتی است حرف و حدیث‌ها از شکل‌گیری ناتوی عربی بالا گرفته است. نکته جالب اینجاست که قطر و عمان در این تمرین شرکت ندارند و محل انجام آن نیز مصر است که نشان می‌دهد به احتمال زیاد مقرر فرماندهی در این کشور خواهد بود که بزرگ‌ترین ارتش عربی را دارد.

در خصوص اهداف تشکیل این ناتو می‌توان به این نکته اشاره کرد که هدف از آن مقابله با رژیم صهیونیستی نیست چرا که کشورهای عربی در مسیر عادی سازی روابط خود با تل آویو قدم برمی‌دارند و این مسأله طی دوره اخیر شدت یافته است. در واقع دولت آمریکا به دنبال آن است که اجرای گام به گام طرح معامله قرن و رونمایی از آن در آخرین پلان به شکل‌گیری یک نظم امنیتی و نظامی جدید در منطقه ختم شود. از این رو، هدف نهایی این تشکل نظامی امنیتی نوعی مقابله با مخالفان نظم جدید و در راس آن‌ها ایران، نیروهای مقاومتی فلسطین و لبنان است.

این رمزایش تنها بعد از گذشت یک ماه از دیدار اخیر مایک پومپئو وزیر خارجه آمریکا در نیویورک با وزرای خارجه کشورهای عربی مذکور صورت می‌گیرد. پیشتر نیز فرماندهان نظامی این کشورهای حوزه خلیج فارس بنا به دعوت فرمانده نظامیان آمریکایی در منطقه نشست را در کویت برگزار کردند.

دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تلاش دارد تا با اعمال فشار پنهان بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به همراه مصر و اردن به اصطلاح نسخه عربی ائتلاف ناتو را برای رویارویی با ایران آماده کند. البته ناگفته نماند که این ائتلاف مؤقتاً تحت عنوان ائتلاف استراتژیک خاورمیانه تشکیل خواهد شد ولی در باطن همان ناتوی عربی معروف است. وزیر خارجه بحرین شنبه گذشته در نشست امنیتی منامه مدعی شده بود که این ائتلاف با آغاز سال جدید تشکیل خواهد شد. این در حالیست که بسیاری از تحلیل‌گران شک و تردیدهایی زیادی در این

ائتلاف نمی‌تواند به صورت یکپارچه در برابر ایران بایستد.

بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که تشکیل این ائتلاف به آغاز سال ۲۰۱۹ موکول خواهد شد به ویژه آنکه پرونده ترور جمال خاشقجی منتقد سعودی در کنسولگری عربستان در استانبول به دست عناصر رژیم آل سعود همچنان باز است.

شاید بتوان گفت که یکی از دلایل به تأخیر افتادن تشکیل ناتوی عربی این است که آمریکا منتظر دیدن نتایج تحریم‌های غرب علیه ایران در بدهای اقتصادی و سیاسی است. کشورهای عربی مذکور نیز قبل از پیوستن به این ائتلاف منتظر بررسی نتایج این تحریم‌ها هستند.

علاوه بر این کشورهای عربی برای تشکیل این ائتلاف نیاز به زمان بیشتری دارد چرا که این کشورها در عرصه سیاسی و نظامی با چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. بحرین قطر، تجاوزه به یمن، پرونده جمال خاشقجی، اختلافات کشورهای عربی بر سر مسائل منطقه‌ای و به ویژه فلسطین از جمله مهم‌ترین این چالشها است.

هم چنین به عنوان نمونه، عربستان و مصر دارای قرائتهای متفاوت از تروریسم هستند. در حالی که عربستان با گروه «خوان المسلمین» در یمن و سوریه همکاری دارد، مصر آنرا گروهی تروریستی می‌داند. همچنین در خصوص این گروه اختلافات شدیدی بین عربستان و قطر وجود دارد.

هم چنین باید به این نکته اشاره کرد که نفوذ ایران در کشورهای عربی از جمله سوریه، عراق و لبنان موانع بیشتری بر سر راه تشکیل این ائتلاف و رویارویی با ایران ایجاد می‌کند. گزارش‌های رسانه‌ای بیانگر آن است که قرار است ترامپ یک نشست در واشنگتن برگزار کرده و طی آن تشکیل ائتلاف منطقه‌ای را اعلام کند.

آمریکا با پذیرفتن به تأخیر افتادن تشکیل این ائتلاف شروطی را پیش روی کشورهای عربی قرار داده است که از جمله آن می‌توان به لزوم تحقق اهداف نظامی عربستان در یمن و باز پس‌گیری بندر استراتژیک الحدیده و آشتی با قطر اشاره کرد.

در این میان ترامپ به دنبال یک فرصت مناسب برای اعلام طرح موسوم به معامله قرن است تا به زعم خود مسأله فلسطین را حل و فصل کند و برای این کار به یک موضع یکپارچه در میان کشورهای عربی نیاز دارد. طرف دیگر این معادله ایران است. جمهوری اسلامی ایران منتظر نمی‌ماند تا کشورهای عربی برای رویارویی با آن وارد عمل شوند بلکه دست به تقویت پیمان استراتژیک خود با برخی کشورهای زده و برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود تلاش می‌کند.

در پایان می‌توان گفت که آرزوی دیرینه آمریکا برای تشکیل یک جبهه عربی یکپارچه علیه ایران قطعاً با شکست رو به رو خواهد شد چرا که کشورهای عربی با چالش‌های زیادی در منطقه و مسائل داخلی جنجال برانگیزی دست و پنجه نرم می‌کنند و اختلافات داخلی این کشورها و حل نشدن آنها با وجود اعمال فشار آمریکا مانع از تحقق این آرزو می‌شود علاوه بر آن نفوذ منطقه‌ای ایران و همراه نشدن تمام کشورهای عربی منطقه با ائتلاف ضد تهران باعث می‌شود که یک موضع یکپارچه در این خصوص اتخاذ نشود.

خصوص دارند. ناتوی عربی یک طرح متحول شده است که ابتدا در سال ۲۰۰۴ در استانبول کلید خورد. در ژوئن ۲۰۰۴ یک طرح همکاری با نام «ابتکار عمل در همکاری استانبول» برای گسترش ناتو به خلیج فارس تصویب شد. سال ۲۰۱۱ احمد الصباح پیشنهاد افتتاح دفتر ناتو را در کویت داد و توسط دبیر کل ناتو افتتاح شد. اما در این طرح با توجه به چند تحول، تغییراتی ایجاد شد:

- ۱- حذف ترکیه و قطر
- ۲- ناتوی عربی به جای ادامه پیمان ناتو با هدف استتقال عمل از ناتو
- ۳- برداشتن محدودیت و گستردگی آن از خلیج فارس تا دریای سرخ به خصوص مصر
- ۴- حمایت ویژه آمریکا
- ۵- مقابله با نفوذ ایران در تمامی مناطق خاورمیانه
- ۶- هماهنگی اطلاعاتی- عملیاتی با اسرائیل

تصویب سند ابتکار همکاری استانبول (Istanbul Cooperation Initiative) سرآغاز روابط ناتو و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود. هدف ابتکار استانبول رسیدن به نوعی رژیم امنیتی است که با منافع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس آمیخته باشد. در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۰۴ در شهر استانبول سران این پیمان تصمیماتی را برای گسترش همکاری‌های این سازمان با دیگر کشورهای خاورمیانه تحت عنوان ابتکار استانبول (ICI) اتخاذ کرده بودند، همکاری ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را می‌توان در راستای استراتژی ترویج ثبات در همسایگی ناتو و مناطق پیرامونی آن قلمداد کرد و آنرا ادامه برنامه مشارکت برای صلح و گفتگوی مدیترانه ارزیابی کرد.

در واقع ناتو درصدد است تا با تهدیدات نوین از جمله بنیادگرایی اسلامی، تروریسم و ... مقابله کند، مانع از تضعیف رژیم منع گسترش سلاحهای هسته‌ای شده و با تضمین امنیتی شرکای منطقه‌ای، مانع دسترسی آنها به سلاح هسته‌ای شود، امنیت منابع انرژی و خطوط انتقالی آنرا تضمین کند و الگویی از نظم منطقه‌ای را با این کشورها ارائه کند که ایران و عراق در آن جایی نداشته باشند.

طرح تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای جدید قرار بود دایره بسیار گسترده‌ای پیدا کند و ناتوی عربی بتواند با نیروهای منطقه‌ای به اصطلاح متخاصم رویارویی کند اما بعد از بحران منطقه خلیج فارس میان قطر و کشورهای عربی این حوزه در ژوئن سال ۲۰۱۷ به نظر میرسد این

## عطوان تحلیل کرد؛

# نتانیاهو توصیه سردار سلامی را جدی بگیرد؛ این مرد شوخی ندارد



تحلیلگر مشهور جهان عرب در سخنانی با اشاره به سخنرانی اخیر سردار سلامی علیه صهیونیستها گفت: نتانیاهو توصیه سردار سلامی را جدی بگیرد چراکه این مرد با کسی شوخی ندارد.

«عبدالباری عطوان» نویسنده و تحلیلگر مشهور جهان عرب با انتشار مطلبی در روزنامه فرامنتکه ای «رأی الیوم»، نوشت: سردار سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران روز جمعه در جریان یک سخنرانی به بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی توصیه ای کرد.

عطوان در ادامه آورده است: سردار سلامی به نتانیاهو توصیه کرد تا هرچه زودتر شنا کردن در دریای مدیترانه را یاد بگیرد چراکه ممکن است در آینده نزدیک مجبور باشد از طریق راه دریا پا به فرار بگذارد. این نصیحت، همگان از جمله ما را غافلگیر کرد. البته مشابه چنین توصیه ای پیشتر نیز از سوی سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان شنیده شده بود. چند ماه پیش بود که دبیرکل حزب الله لبنان در آن زمان، نه تنها نتانیاهو را بلکه عموم اسرائیلی ها را به فرار از طریق راه دریا توصیه کرد تا شاید بتوانند جان خود را حفظ کنند.

این تحلیلگر عرب زبان مشهور ادامه داد: سید حسن نصرالله در آن زمان تأکید کرده بود که موشک های حزب الله لبنان هنگامی که بر مواضع صهیونیستها فرود می آیند زمانی برای فرار آنها باقی نمی گذارند. بدیهی است که سردار سلامی به صورت تصادفی چنین توصیه ای نمی کند، چراکه شخصی با چنین جایگاه والای نظامی می داند که چه می گوید. تمامی سخنان چنین شخصیتی حاوی پیام های مهمی است که پیشتر روی

آن فکر شده است. بنابراین، مسأله کاملاً فراتر از نوعی تلاش برای ایجاد جنگ روانی است.

عطوان می افزاید: فرماندهان اسرائیلی طی هفته های اخیر تهدیدات خود برای حمله به مقاومت به ویژه حزب الله را تشدید کردند. نتانیاهو نیز سخنانی را که متضمن تهدیداتی علیه مقاومت بود در جریان سخنرانی اش در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح کرد. او همچنین تصاویری را که به زعم وی فعالیت های هسته ای ایران را بر ملا می کرد، به نمایش گذاشت. نخست وزیر اسرائیل همچنین مدعی شد که حزب الله در نزدیکی فرودگاه بیروت تأسیسات موشکی بنا کرده است.

وی در ادامه آورده است: جبران باسیل، وزیر خارجه لبنان برای اثبات دروغ بودن ادعای نتانیاهو، هیأت روسی متشکل از ۶۷ سفیر و دیپلمات را به مکان هایی که نتانیاهو به آنها اشاره کرده بود، بُرد. پس از بازدید این هیأت روس از مکان های مشخص شده، باسیل خطاب به آنها اعلام کرد که این اسرائیلی است که با نقض مکرر حریم هوایی لبنان، جان مردم این کشور را تهدید می کند.

عطوان در ادامه می نویسد: حال این سؤال پیش می آید که اگر نتانیاهو در خصوص فعالیت های هسته ای مخفیانه ایران و همچنین انبار موشکی حزب الله در نزدیکی فرودگاه بیروت راست می گوید پس چرا دست روی دست نهاده و هیچ حمله ای را علیه این مواضع ترتیب نمی دهد؟ مگر اسرائیل مدعی نیست که در طول ۱۸ ماه گذشته ۲۰۰ حمله به مواضع ایران در خاک سوریه انجام داده است؟ چرا همین اقدام را علیه مواضع مذکور صورت نمی دهد؟

این تحلیلگر مشهور عرب می نویسد: جواب به این سوال به صورت خلاصه «ترس از حزب الله و موشک هایش» است. همین ترس و وحشت باعث شده تا نتانیاهو پیش از صدور فرمان هجوم به بیروت، میلیون ها بار به این مسأله فکر کند. در سخنرانی مذکور نیز سردار سلامی صراحتاً اعلام کرد که حزب الله، همپیمان ایران است و به تنهایی می تواند اسرائیل را نابود کند. سردار سلامی تأکید کرد اسرائیل حتی تهدیدی هم برای ما به حساب نمی آید و حزب الله برای نابودی آن کافی است.

عطوان همچنین می افزاید: این مسأله را نیز در نظر باید گرفت که تحویل سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ روسی به ارتش سوریه، هرگونه تلاش اسرائیل برای حمله به لبنان را نیز با سختی فراوانی مواجه خواهد کرد. علت هم آن است که بُرد موشک های سامانه دفاعی اس ۳۰۰ به ۲۵۰ کیلومتر هم می رسد و قادر است جنگنده های اسرائیلی را پیش از ورود به خاک لبنان هدف قرار دهد.

وی در پایان می نویسد: حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از قدرت موشکی راهبردی موفق شدند موازنه هراس را در منطقه برقرار سازند. از سوی دیگر، بازپس گیری بیش از ۹۰ درصد از خاک سوریه از تروریست های تکفیری، به برقراری این موازنه هراس کمک شایانی کرده است. به همین دلیل نتانیاهو باید توصیه سردار سلامی را جدی بگیرد چراکه سردار سلامی با کسی شوخی ندارد. زمان یاغی گری اسرائیل پایان یافته است. اگر کسی غیر از این فکر می کند، این گوی و این میدان؛ می تواند امتحان کند.



## گفتگو با معاون اسبق کاخ سفید:

# جهت جلوگیری از شکست برجام طرفهای مقابل ایران به تعهداتشان عمل کنند

گوید: پاسخ اشتباه به یک اقدام اشتباه منتج به نتیجه درست نمی شود.

وی افزود: اقدام «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در خروج از برجام یک اشتباه وحشتناک بود. برجام تمام مسائل و مشکلات ایران و آمریکا و با خاورمیانه را قرار نبود حل و فصل کند اما از بدتر شدن اوضاع جلوگیری کرده بود.

استاد دانشگاه پرینستون آمریکا در ادامه یادآور شد: برجام در واقع اولین گام برای حل و فصل سایر مسائل بود. حال با خروج آمریکا از آن این فرصت برای حل و فصل سایر مسائل از بین رفت.

وی افزود: خروج ایران از برجام همان چیزی است که مثلث ترامپ، نتانیاهو و محمد بن سلمان می خواهند. در واقع هدف آنها این است که جنگی بین آمریکا و ایران رخ دهد تا آنها بتوانند منافع خود را دنبال کنند.

معاون اسبق امنیت ملی کاخ سفید گفت: من می دانم ایران از اعمال تحریمهای مجدد آمریکا که توسط ترامپ اعمال شد تحت فشار قرار گرفته است و از منافع برجام بهره مند نشده است اما امیدوارم طرفهای دیگر برجام بتوانند توافق هسته ای را حفظ کنند و بتوانند تعهدات خود در قبال آنرا اجرایی کنند.

پروفسور فن هیپل در ادامه یادآور شد: می توان امیدوار بود که اگر برجام برقرار بماند و همه طرفها تعهدات خود را انجام دهند در آینده آمریکا نیز به آن ملحق شود و زمینه برای حضور مجدد آمریکا تسهیل شود.

استاد دانشگاه پرینستون آمریکا در پایان افزود: چین، روسیه و هند و در مجموع اروپا همه خواهان روابط عادی و نرمال با ایران هستند. همچنین حامیان برجام در ایالات متحده آمریکا خواهان روابط عادی با ایران هستند.



اجرای SPV مواجهند.

وی سیطره دلار و همچنین در هم تنیدگی اقتصاد اروپا و آمریکا را از دلایل اصلی تأخیر در اجرای SPV خواند و افزود: اتحادیه اروپا و حتی سه کشور اروپایی طرف ایران در برجام نیز در اسارت و گروگان اقتصاد آمریکا هستند، لذا لازم است که در جهت استقلال خود و برای ادامه حیات مستقلانه تصمیم بگیرند.

پروفسور «فن هیپل» معاون اسبق امنیت ملی کاخ سفید در خصوص عدم اجرایی شدن تعهدات اروپا در خصوص مکانیسم ویژه مالی با ایران موسوم به SPV به خبرنگار مهر گفت: خروج ایران از برجام اقدامی یک موضوع منفی خواهد بود. درست است که اقدام ترامپ در خروج از برجام و نقش آن یک اشتباه فاحش بود ولی خروج ایران از برجام نیز اشتباه خواهد بود. مثلی هست که می

پروفسور «فرانک فن هیپل» معتقد است طرفهای مقابل ایران باید به تعهداتشان برای جلوگیری از فروپاشی برجام عمل کنند.

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، چند هفته پیش اعلام کرده بود که قبل از پایان سال ۲۰۱۸، سازوکار ویژه اتحادیه اروپا برای تسهیل دادوستد با ایران اجرایی خواهد شد.

دسامبر تمام شد و سال نو فرا رسیده، اما سازوکار ویژه اروپا برای جبران خسارت‌های خروج یکجانبه آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از زمان اعلام آن طی جلسه‌ای در نیویورک در اواخر سپتامبر ۲۰۱۸، SPV فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. موانع متعددی، از تهدیدات آمریکا گرفته تا عدم تمایل کشورهای اروپایی به میزبانی از آن، سر راه SPV قرار گرفته و اجرایی شدن آن را به تأخیر انداخته است.

از سوی دیگر، مقامات ایران به طور فزاینده از بی‌عملی اتحادیه اروپا انتقاد می‌کنند. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، به اروپا گفته که نمی‌تواند بدون خیس شدن شنا کند. یعنی اروپا برای جبران خسارت خروج کاخ سفید از برجام، باید هزینه بپردازد.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز دیروز ضمن انتقاد از تأخیر اتحادیه اروپا در اجرای ساز و کار مالی موسوم به SPV پس از خروج آمریکا از برجام، تصریح کرد: اتحادیه اروپا در ایجاد ساز و کار مالی با حسن نظر ورود کرد و اراده سیاسی مثبتی نیز از خود نشان داد، اما در طول زمان و طی مذاکرات ماه‌های گذشته این احساس کم کم جدی تر می‌شود که کشورهای اروپایی با یک سری ناتوانی‌های جدی در

## گفتگوی اختصاصی با محقق موسسه مطالعات خاورمیانه آمریکا:

# اتهامات شیمیایی آمریکا علیه ایران ماهیت سیاسی دارد

جواد حیران نیا

آمریکا و استاد مدرسه مطالعات بین المللی دانشگاه فنی نانیانگ سنگاپور در خصوص ادعاهای شیمیایی مطرح شده از سوی آمریکا علیه ایران در سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی به خبرنگار مهر گفت: بله ادعاهایی که توسط آمریکا علیه ایران مطرح شد پیش از این سابقه نداشت.

وی افزود: صرف نظر از درستی یا نادرستی ادعاهای مطرح شده باید توجه داشت که این موضوعات برای فشار بیشتر بر ایران مطرح شده است. دورسی در ادامه یادآور شد: ایران نیز برای اینکه نادرستی ادعاهای مطرح شده توسط آمریکا را نشان دهد اقدامات شفاف سازی را انجام می‌دهد تا نشان دهد در صدد تولید تسلیحات شیمیایی نیست.

محقق ارشد موسسه مطالعات خاورمیانه آمریکا در خصوص این موضوع که آیا آمریکا قادر به اجماع سازی علیه ایران در خصوص این ادعاها هست یا خیر گفت: اینکه آمریکا قادر به اجماع سازی علیه ایران نزد متحدان خود است یا خیر به مدارک و اسنادی بستگی دارد که آمریکا در اختیار آنها قرار دهد. وی در خصوص رد قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین و عدم رای آوردن آن که نشان از دسیسه جدید غرب در خصوص مسائل شیمیایی است نیز گفت: به هر حال قطعنامه به تصویب نرسیده است و قطعنامه غربی‌ها در این خصوص به تصویب رسیده است. دورسی در ادامه گفت: البته باید توجه داشت که دولت ترامپ که سیاست «اول آمریکا» را دنبال می‌کند به هیچ کدام از قطعنامه‌ها و رویه‌های بین المللی اعتنا ندارد و آنها را نقض می‌کند.

خصوص این اتهامات اظهار داشت: هیات آمریکا در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی روز پنجشنبه در جریان برگزاری کنفرانس بانگوری کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی در لاهه اتهامات بی‌پایه و اساسی را طبق عادت مالوف و همیشگی خود علیه جمهوری اسلامی مطرح کرد که این اتهامات را قویا مردود می‌دانیم.

قاسمی افزود: براساس آیین کار کنفرانس، هیات کشورهایمان نزد آن سازمان و پس از پایان مباحث عمومی به این اتهامات بی‌پایه و اساس پاسخ مقتضی خواهد داد. سخنگوی وزارت خارجه همچنین افزود: آنچه که مسلم و کاملا عیان می‌باشد این است که آمریکا به عنوان تنها کشور عضو سازمان، دارنده زرادخانه تسلیحات شیمیایی است که تاکنون به تعهدات خود برای نابودی آنها عمل نکرده، بلکه همزمان از برنامه تسلیحات شیمیایی رژیم صهیونیستی جانبداری می‌کند و این گونه اتهامات نادرست و ناراست را صرفاً از سر خصومت با ملت ایران و برای انحراف افکار عمومی جامعه بین المللی از نقض تعهدات و حمایت‌های مکرر خود از زرادخانه‌های شیمیایی رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی مطرح می‌نماید.

دکتر «جیمز دورسی» محقق ارشد موسسه مطالعات خاورمیانه

«جیمز دورسی» معتقد است اتهامات شیمیایی آمریکا علیه ایران در نشست اخیر سازمان منع تسلیحات شیمیایی ماهیت سیاسی دارد و برای فشار بیشتر بر ایران است.

«کنث وارد» نماینده آمریکا در سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی، روز پنجشنبه (اول آذرماه ۹۷) مدعی شد ایران در تناقض با کنوانسیون ۱۹۹۷، تسلیحات شیمیایی اعلام‌نشده‌ای را در اختیار دارد.

وی افزود: ایران یک سایت تولیدی اعلام‌نشده دارد که از آن برای پرکردن بمب‌های هوایی استفاده کرده حال آنکه همزمان برنامه ساخت تسلیحات سمی ممنوعه را نیز دنبال می‌کند! آمریکا نگران است مبادا ایران به دنبال مواد شیمیایی باشد که سیستم اعصاب مرکزی را هدف قرار می‌دهند. وی همچنین ایران را به ارسال تسلیحات شیمیایی به لیبی در دهه ۱۹۸۰ میلادی متهم کرد.

این ادعاها در حالی بود که آمریکا هیچ‌گاه پیش از این ایران را به نقض کنوانسیون سلاحهای شیمیایی متهم نکرده بود. بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در

گفتگوی اختصاصی با عضو شورای اطلاعات ملی آمریکا:

## صبر ایران به هیچ وجه نامحدود نیست / دشواری توجیه ادامه برجام

فاطمه محمدی



فعالیت اقتصادی بین ایران و بخش خصوصی اروپایی دارد. دولت ایران همچنان به تعهدات خود در چارچوب برجام متعهد بوده احتمالاً با امید تغییر سیاسی در ایالات متحده آمریکا که امکان تعهد دوباره آمریکا به برجام در سال ۲۰۲۰ را ایجاد می کند.

اما صبر ایران به هیچ وجه نامحدود نیست. اگر منافع اقتصادی قابل مقایسه ای با آنچه ایرانیان امید داشتند- زمانی که برجام را امضا کردند- محقق نشد، برای هر رهبر ایران به طور فزاینده ای دشوار خواهد بود که به مخاطبان سیاسی داخلی خود ادامه پایبندی به برجام را شرح دهد. باز هم، این فقط یک موضوع SPV نیست، بلکه تصویر کلی مربوط به تجارت و سرمایه گذاری است.

**ایران همچنین اعلام کرده است که فقط بر مکانسیم مالی با اتحادیه اروپا تمرکز ندارد. تهران معتقد است که علاوه بر اروپا، قادر به ادامه تجارت با کشورهای دیگر، از جمله روسیه، چین و هند خواهد بود. آیا همکاری اقتصادی و مالی ایران با کشورهای غیر اروپایی اهداف تهران از برجام را محقق می سازد؟**

داستان اقتصادی فقط در مورد اروپا نیست و تجارت با قدرت های دیگر بخش مهمی از اهداف تهران است. اما واقعیت این است که قدرت های دیگر هرگز نمی توانند از لحاظ اقتصادی جایگزین ایالات متحده و اروپا شوند.

علاوه بر این، حتی تصمیمات قدرت های دیگر در مورد تجارت با ایران نیز ممکن است توسط وضعیت روابطشان با ایالات متحده آمریکا تحت تاثیر قرار گیرد. به عنوان مثال، برای چین حل و فصل اختلافات تجاری خود با ایالات متحده آمریکا مهمتر از هر فعالیتی است که با ایران دارد. چین ممکن است فرصت های اقتصادی در ایران را کاهش دهد؛ اگر بتواند به توافق تجاری کلی با واشنگتن دست یابد.

پیلاز سابقه حضور در شورای اطلاعات ملی آمریکا را به عنوان یکی از اعضای اصلی آن نیز دارد.

**با توجه به اینکه آمریکا مخالف مکانسیم مالی بین اروپا و ایران است و کشورهای اروپایی را جهت جلوگیری از اجرای کانال مالی تحت عنوان SPV با ایران تحت فشار قرار می دهد، آیا شما فکر می کنید مکانسیم مالی (SPV) بین ایران و اروپا اجرایی شود؟**  
احتمالاً مکانسیم مالی بین ایران و اتحادیه اروپا شکل خواهد گرفت که نام شرکت با هدف خاص (SPV) را داشته و این مکانسیم به کار گرفته خواهد شد. اما هنوز مشخص نیست که تاثیر آن در ارتقای تجارت بین ایران و اروپا چقدر می تواند باشد.

(SPV) ابزار لازم برای انجام تعهدات مالی را بدون نیاز به تکیه بر سیستم بانکی ایالات متحده آمریکا فراهم می کند. اما شرکت های بخش خصوصی که سهام در بازار ایالات متحده آمریکا دارند هنوز هم مایل نیستند که در تجارت یا سرمایه گذاری با ایران شرکت کنند. دلیل این امر نیز ترس از جریمه ها و مجازات هایی است که توسط دولت ایالات متحده آمریکا به آنها تحمیل می شود.

**بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اخیراً اظهار داشت که کشورهای اروپایی به علت فشار ایالات متحده آمریکا قادر به اجرای SPV نیستند، از سوی دیگر، شکست اجرای SPV و شکست مکانسیم مالی بین ایران و اتحادیه اروپا ممکن است منجر به نتایج نامناسب در روابط ایران و اتحادیه اروپا شود. به نظر شما، اگر مکانسیم مالی ایران و اتحادیه اروپا با شکست مواجه شود، سرنوشت توافق هسته ای ایران (برجام) چه خواهد بود؟**

سرنوشت برجام احتمالاً تا حدودی بستگی به میزان

«پل پیلاز» معتقد است که اگر منافع اقتصادی قابل مقایسه ای که ایرانیان امید داشتند زمانی که برجام را امضا کردند محقق نشد، توجیه پایبندی به برجام برای رهبران ایران دشوار خواهد بود.

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، چند هفته پیش اعلام کرده بود که قبل از پایان سال ۲۰۱۸، سازوکار ویژه اتحادیه اروپا برای تسهیل دادوستد با ایران اجرایی خواهد شد.

دسامبر تمام شد و سال نو فرا رسید، اما سازوکار ویژه اروپا برای جبران خسارت های خروج یکجانبه آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) همچنان در حاله ای از ابهام قرار دارد. از زمان اعلام آن طی جلسه ای در نیویورک در اواخر سپتامبر ۲۰۱۸، SPV فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشت. موانع متعددی، از تهدیدات آمریکا گرفته تا عدم تمایل کشورهای اروپایی به میزبانی از آن، سر راه SPV قرار گرفته و اجرایی شدن آن را به تأخیر انداخته است.

از سوی دیگر، مقامات ایران به طور فزاینده ای بی عملی اتحادیه اروپا انتقاد می کنند. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، به اروپا گفته که نمی تواند بدون خیس شدن شنا کند. یعنی اروپا برای جبران خسارت خروج کاخ سفید از برجام، باید هزینه بپردازد.

پیمان سعادت، سفیر ایران در اتحادیه اروپا، هم همین هشدار را طی یادداشتی در وبگاه یورونیوز تکرار کرده و گفته اروپا باید از بیانه های سیاسی فراتر رود و اقدامات عملی انجام دهد. در غیر این صورت، صبر ایران بی نهایت نخواهد بود.

در این راستا خبرنگار مهر گفت و گویی با پروفیسور «پل پیلاز» رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) انجام داده که در ادامه می آید.

پیلاز از اساتید دانشگاه «جرج تاون» است و تاکنون مسئولیت های متعددی را بر عهده داشته که از جمله آنها می توان به ریاست واحد تحلیل عملیات های سیا در شرق نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد.

## گفتگوی اختصاصی با سفیر سابق انگلیس در سازمان ملل: بند موشکی قطعنامه ۲۲۳۱ برای ایران الزام آور نیست



«پیتر جنکینز» با بیان اینکه قطعنامه ۲۲۳۱ از ایران «می خواهد» از توسعه «نوع خاصی از موشکها» اجتناب کند گفت: امریکا حق ندارد ایران را به نقض این قطعنامه متهم کند.

«پیتر جنکینز» عضو ارشد مرکز سیاست امنیتی ژنو و سفیر سابق انگلیس در سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی، در مطلبی که در «لوبلاگ» منتشر شد، دولت‌های غربی به ویژه لندن را از بابت اتخاذ سیاست‌های دوگانه در قبال برنامه موشکی ایران، به دو رویی متهم کرد. وی با اشاره به ادعای «جرمی هانت» وزیر خارجه انگلیس مبنی بر اینکه آزمایش موشکی اخیر ایران «از توجیه آن در قالب دفاع ملی فراتر می‌رود»، گفت: این ادعا القا کننده این موضوع است که هنجاری بین المللی برای ارزیابی اینکه آیا سامانه‌های تسلیحاتی به عنوان ابزار دفاعی استفاده می‌شوند، وجود دارد حال آنکه این امر صحت ندارد.

این دیپلمات سابق در ادامه، این ادعای لندن را دورویی تلقی می‌کند چرا که رژیم صهیونیستی موشک‌هایی دارد که بُرد آنها به مراتب بیشتر از موشک‌های ایران است. پس با این حساب، طبق چه استدلالی ایران حق موازنه قوا را ندارد علاوه بر این، سهم عربستان سعودی که به لطف غرب از همه انواع تسلیحات پیشرفته برخوردار است در ثبات زدایی از خاورمیانه چیست؟ عربستان همچنین موشک‌هایی میان بردی دارد که جای سوال است چرا انگلیس نگران آنها نیست، اسرائیل هم دارای تسلیحات شیمیایی و هسته‌ای است و جای تعجب است انگلیس نگران آنها نیست.

در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با وی انجام داده است که در ادامه می‌آید. «پیتر جنکینز» دانش آموخته دانشگاه‌های کمبریج و هاروارد است و دو بار در وین حضور داشته است و مأموریت‌های دیپلماتیک در آمریکا، فرانسه، برزیل و اتریش داشته است. جنکینز سفیر سابق انگلیس در سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی بوده است.

**کشورهای غربی ادعا می‌کنند که فعالیت های مربوط به برنامه موشکی ایران تهدیدی برای نظام بین المللی است. آیا نوعی**

«هنجار بین المللی توافق شده» وجود دارد که بتوان ارزیابی کرد آیا یک سیستم تسلیحاتی می‌تواند به عنوان یک ابزار «دفاعی» موثر توجیه شود یا خیر؟

هیچ توافقی بین المللی وجود ندارد که مالکیت یا خرید موشک های کوتاه برد، موشک هایی با برد متوسط یا موشک های بین قاره ای را ممنوع کند. فهرستی از کشورهای دارای موشک در سایت انجمن کنترل تسلیحات نشان می‌دهد که بیش از ۳۰ کشور (دولت) دارای یک یا چند نوع از این موشک ها هستند.

قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ باعث ایجاد تعهدات قانونی برای همه کشورها در رابطه با ابزار پرتاب سلاح های خاص (مثل موشک ها) می‌شود، اما این تعهدات شامل ممنوعیت تولید و مالکیت آنها نیست.

**اسراسر ایران توسط پایگاه های ایالات متحده امریکا در منطقه، موشک های عربستان سعودی و تسلیحات هسته ای و شیمیایی اسرائیل تهدید می‌شود. در این منطقه، آیا منطقی است ایران برنامه موشکی خود را نادیده بگیرد؟**

من واقعا نمی‌توانم بگویم چه سیاستی برای ایران منطقی یا چه سیاستی غیر منطقی است. اما اگر من یک شهروند ایرانی بودم خواهان این بودم که دولت تسلیحات بازدارنده در اختیار داشته باشد تا از حمله دولت های متخاصم به ایران جلوگیری کند.

به عنوان یک شهروند بریتانیایی، من می‌خواهم که دولت بریتانیا قادر به جلوگیری از حملات خصمانه علیه کشورم باشد. اگر دولت ایران معتقد است که به موشک ها به عنوان بخشی از توان بازدارنده ایران نیاز دارند، به نظر من این اعتقاد سزاوار درک است تا محکومیت.

نظر من کاملا متفاوت خواهد بود اگر دولت ایران خواهان دستیابی به سلاح هسته ای باشد زیرا ایران از لحاظ قانونی متعهد است از انجام این کار خودداری کند و در حال حاضر تمام کشورهای دیگر این قرارداد به آن احترام می‌گذارند.

**ایالات متحده امریکا ادعا می‌کند که برنامه موشکی ایران خلاف قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. آیا شما با این نظر موافقت می‌کنید؟**

پاسخ به این سوال به معنی که شما از کلمه contrary برداشت می‌کنید، بستگی دارد. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد از ایران می‌خواهد («upon») از توسعه نوع خاصی از موشک ها اجتناب کند.

«Call upon» یک قاعده از لحاظ قانونی الزام آور نیست. بنابراین ایالات متحده امریکا حق ندارد ادعا کند که ایران قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض می‌کند (همانطور که خودش این قطعنامه را نقض می‌کند)، یا مفاد آن را رعایت نمی‌کند. اما ادعا می‌شود عملکرد ایران با قطعنامه ۲۲۳۱ ناسازگار است یا ایران خواسته های شورای امنیت سازمان ملل را نادیده می‌گیرد.

**در دوره صدام، عراق شهر های ایران را با موشک های خود بمباران کرد. ایران برای حفاظت از خود در برابر این حملات موشکی نداشت. فرض کنید ایران برنامه موشکی خود را نادیده بگیرد سپس کدام کشورها از ایران در مقابل تهدیدی مانند عراق در دوره صدام - در منطقه ای که حاکمانی مانند صدام وجود دارد - محافظت می‌کنند؟**

پاسخ به این سؤال نیز مانند پاسخ به سؤال دوم برای یک غیر ایرانی دشوار است. ممکن است دولت ایران با یک یا چند دولت خارجی به این درک مخفی رسیده باشد که این دولت ها هر کشوری که به ایران حمله کند را به پرداخت هزینه بسیار سنگینی تهدید می‌کنند و این تهدید برای جلوگیری از مهاجم احتمالی به اندازه کافی معتبر خواهد بود.

اما در این مرحله هیچ دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم چنین درکی وجود دارد و این نشان می‌دهد که عاقلانه است ایران منابع خود را ارزیابی کند؛ اگر بر این باور است که به توانایی بازدارندگی نیاز دارد.

گفتگوی اختصاصی با شیرین هانتر:

## عربستان و امارات تهدید منطقه هستند نه ایران

عربستان سعودی تحت تأثیر قرار دهد.

**|| شورای همکاری خلیج فارس موفق به یافتن یک راه حل جامع داخلی برای حل بحران قطر نشد. با توجه به این شکست، آینده شورای همکاری خلیج فارس را چگونه ارزیابی می کنید؟**

شورای همکاری خلیج هیچگاه یک سازمان موثر نبوده است. به طور مشخص همکاری و مشارکت در این نهاد نابرابر است به این معنا که عربستان سعودی سازمان را تحت سلطه قرار داده است. شورای همکاری خلیج فارس به عنوان پاسخی به انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، جنگ ایران و عراق و تهدید ایرانی متصور علیه امنیت خلیج فارس شکل گرفت.

اکنون عراق عملاً از معادلات استراتژیک منطقه، حداقل در آینده قابل پیش بینی خارج است. ایران دیگر در بلندمدت تهدیدی ایدئولوژیک یا امنیتی برای کشورهای عربی خلیج فارس نیست. در مقابل، جاه طلبی ها و رفتار عربستان و امارات است که منطقه را بی ثبات می کند. به عبارت دیگر، حقیقت وجودی بسیار مهم شورای همکاری خلیج فارس ناپدید شده است. بنابراین جای تعجب نیست که شورای همکاری خلیج فارس نتوانسته است منافع و چشم انداز های متنوع قطر و عربستان سعودی را برآورده کند.

**|| در صورت خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس، آیا احتمال وجود یک اتحاد جدید میان قطر و ترکیه وجود دارد؟**

در کوتاه مدت، شورای همکاری خلیج فارس به حیات خود ادامه خواهد داد، هر چند اثربخشی آن بیشتر تضعیف خواهد شد. در بلندمدت، حیات آن به آنچه در عربستان سعودی و ایران اتفاق می افتد بستگی دارد.

تغییر نگرش عربستان سعودی در جهت همکاری بیشتر و تحکم کمتر به بازیگران منطقه ای ممکن است شورای همکاری خلیج فارس را احیا کند. حضور ایران در جامعه بین المللی، حتی می تواند فرصتی برای تبدیل شورای همکاری خلیج فارس به یک سازمان منطقه ای جامع تر ایجاد کند که عراق و ایران نیز بتوانند به آن ملحق شوند.

در مورد اتحاد ترکیه - قطر باید گفت که هنوز مشخص نیست شکل این اتحاد چگونه خواهد بود.

هر چیزی فراتر از آن چه که در حال حاضر وجود دارد، به ویژه همکاری نظامی گسترده و حضور نظامی گسترده ترکیه در خلیج فارس، باعث ایجاد نگرانی های دیگر کشورهای منطقه، از جمله ایران و عربستان سعودی در مورد اهداف بلند مدت ترکیه و جاه طلبی های آن می شود.

حضور نظامی گسترده ترکیه در خلیج فارس همچنین می تواند باعث ایجاد اضطراب در میان کشورهای اروپایی شود. به طور کلی، اتحادهای دوجانبه بین کشورهای خلیج فارس و کشورهای فرامنطقه ای از جمله ترکیه می تواند بی ثبات کننده باشد.

یک سازمان امنیتی قابل قبول باید شامل تمام کشورهای حوزه خلیج فارس شود و کشورهای دیگری همچون پاکستان، ترکیه و احتمالاً مصر می توانند اعضای وابسته باشند و یا به عنوان ناظر شرکت کنند.



اکنون این سوال مطرح می شود که آینده شورای همکاری خلیج فارس چگونه خواهد بود؟ جهت پاسخ به این سوال خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «شیرین هانتر»، استاد دانشگاه «جورج تاون» آمریکا داشته است که در ادامه می آید.

**|| اجلاس سالانه شورای همکاری خلیج فارس در حالی در ریاض برگزار شد که امیر قطر و سلطان عمان از شرکت در آن خودداری کردند. دلایل امتناع این کشورها از شرکت در اجلاس چیست؟**

بی میلی رهبران عمان و قطر جهت شرکت در نشست شورای همکاری خلیج فارس و ارسال نماینده سطح پایین تر به این اجلاس، اختلافات آنها با عربستان سعودی و نارضایتی آنها از تلاش های ریاض برای تسلط بر شورای همکاری خلیج فارس را منعکس می کند.

مسائل فعلی عربستان سعودی پس از ترور جمال خاشقچی، موقعیت و اعتبار آن را تضعیف کرده و در نتیجه سرزنش عربستان سعودی برای دوحه و مسقط راحت تر شده است.

**|| قطر از اوپک خارج شد و با توجه به برخی گزارش ها، در صدد است از شورای همکاری خلیج فارس نیز خارج شود. آیا فکر می کنید قطر شورای همکاری خلیج فارس را ترک خواهد کرد؟**

تصمیم قطر برای خروج از اوپک لزوماً به این معنی نیست که قطر از شورای همکاری خلیج فارس نیز خارج خواهد شد. با این حال، با توجه به تقسیمات در شورای همکاری خلیج فارس و این واقعیت که اکثر اعضای شورای همکاری خلیج فارس از عربستان سعودی در مناقشه با قطر حمایت می کنند، قابل تصور است که قطر این شورا را ترک کند.

با این حال، با توجه به حمایت ایالات متحده آمریکا از شورای همکاری خلیج فارس، حداقل در کوتاه مدت، چنین تصمیمی می تواند امنیت قطر و همچنین موقعیت آن را در رویارویی با

«شیرین هانتر» معتقد است که بقای شورای همکاری خلیج فارس به آنچه در عربستان سعودی و ایران اتفاق می افتد بستگی دارد.

چند روز قبل بود که سخنان «سعد الکعبی» وزیر انرژی قطر در خصوص اینکه دوحه از ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی از اوپک خارج می شود موجی از واکنشها را در محافل بین المللی به دنبال داشت.

گرچه مقامات قطری اعلام کردند که این تصمیم کاملاً فنی بوده و در دائره تحلیل های سیاسی نمی گنجد اما مشخص است که خروج قطر از اوپک در سایه ادامه دار شدن بحران دوحه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از یک سو و حرف و حدیثها در خصوص احتمال خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس از سوی دیگر ثابت می کند که هدف دوحه از کنار گذاشتن این سازمانها چیز دیگری است. منابع عربی حوزه خلیج فارس در گفتگو با روزنامه الرأی کویت گزارش دادند که مقامات قطر مسأله خروج از شورای همکاری خلیج فارس و یا باقی ماندن در آن را بررسی می کنند.

در همین حین، سی و نهمین نشست شورای همکاری خلیج فارس در حالی در ریاض برگزار شد که سران قطر و عمان به عنوان ۲ عضو این شورا از مجموع ۶ عضو، در آن در سطح امیر و سلطان شرکت نکردند و بحران قطر به عنوان برجسته ترین اختلاف بین اعضای شورا، بر این نشست سایه افکنده بود.

علی رغم تلاش های امارات و عربستان برای القای این مطلب که شورای همکاری خلیج فارس همچنان به قوت خود باقی است اما اختلافات بین کشورهای عضو این شورا به حدی شدت گرفته که احتمال فروپاشی این شورا را قوت بخشیده است همچنانکه قطر بارها به خروج از این شورا تهدید کرده است و علاوه بر آن عدم حضور سران شش کشور عضو این شورا در نشستهای آن حاکی از عمق اختلافات در این شورا است به گونه ای که در نشست سال گذشته نیز که به میزبانی کویت برگزار شد سران عربستان، امارات و بحرین در آن شرکت نکردند.

گفتگوی اختصاصی با مدیر عامل راه آهن سوریه:

## از سرگیری قطار مسافری تهران-دمشق / قطار حومه‌ای دمشق احداث می‌شود



وحید پور تجریشی - آزاده پور صدایی

عراق و ساحل سوریه خواهد بود.

**|| سوریه به لحاظ موقعیت ژئواکونومیک خود می‌تواند به عنوان هاب صادرات خاورمیانه به اروپا از طریق مدیترانه در نظر گرفته شود، دست یافتن به چنین افقی چه مقدار زمان نیاز دارد؟**  
ما برای اتصال به ایران در سریع‌ترین زمان ممکن تلاش خود را معطوف می‌کنیم اما این مساله به پایان یافتن جنگ در سوریه و خروج نیروهای آمریکایی از شرق سوریه بستگی دارد.

**|| قطار تهران-دمشق یکی از قطارهای خاطره‌انگیز برای توریست‌ها و زوار ایرانی و سوری در دوران پیش از جنگ سوریه بود. به نظر شما امکان از سرگیری راه اندازی این قطار چه زمان محتمل خواهد بود؟ آیا پروژه مهم ریلی برای تسهیل رفت و آمد زائران حرم حضرت زینب (س) در دست دارید؟**

ما مشغول نوسازی این محور به صورت کامل هستیم و به کمک و یاری ایران امیدواریم. سفرهای بین دو کشور در این محور در اسرع وقت از طریق محور جدید تنف از سر گرفته خواهد شد و امیدواریم سفرهای سیاحتی و حمل و نقل بار همچون گذشته و بهتر از آن شود. همانگونه که در جنگ باهم پیروز شدیم بر مشکلات اقتصادی نیز چیره خواهیم شد.

نکته‌ای که مایلیم بدان اشاره کنم، پروژه مهم و حیاتی قطار حومه‌ای برقی دمشق و حومه آن به طول تقریبی ۱۰۰ کیلومتر است که از چهار محور تشکیل شده است: دمشق-فرودگاه با گذشتن از حرم حضرت زینب (س)، محور دمشق-صحنایا-الدير علی، خط آهن دمشق-الهامه و راه آهن دمشق-قطنا.

مجدد با کشورهای همسایه از جمله ایران افتاده اند. در همین راستا، خبرگزاری مهر گفتگویی با «محمد علی حسنین» مدیر عامل راه آهن سوریه انجام داده که در ادامه به نظر مخاطبان می‌رسد.

با پیشروی نیروهای دولت سوریه در جبهه‌های جنگ علیه گروه‌های تروریستی حاضر در این کشور، آیا سوریه برنامه توسعه و بازسازی خطوط ریلی خود را تدوین کرده است؟ اگر پاسخ شما به این سؤال مثبت است، زمان اجرای این برنامه‌ها را اعلام کنید.

با تلاش نیروهای سوری و همکاری برادران ایرانی و مقامات هر دو کشور، قسمت اعظم زمین‌های سوری از دستان تروریست‌ها آزاد شده و در حال حاضر وزارت حمل و نقل سوریه و موسسات ریلی، بازسازی راه آهن را از سر گرفته‌اند. فعالیت در بعضی از محورها مانند محور لاذقیه-طرطوس به سمت حمص بی‌وقفه در جریان است. از سویی نوسازی خط به سوی دمشق و همچنین محور دمشق-زبدانی (سیاحتی) تقریباً تکمیل شده است و همچنین خط فسفات از حمص - طرطوس نیز از خطوط دیگری است که نوسازی آن را آغاز خواهیم کرد.

**|| به نظر می‌رسد قرار است اتصال ریلی ایران و عراق به مدیترانه از طریق مسیر ابوکمال-لاذقیه امکان پذیر شود. آیا چشم‌انداز روشنی در برابر این پروژه وجود دارد؟ وضعیت امنیت این مسیر از دید شما چگونه است؟**

بله این اتصال امکان‌پذیر است و بین ما و برادران عراقی از طریق تنف به بندر طرطوس و لاذقیه هماهنگی‌هایی انجام شده است. این خط، محوری امن و شریانی حیاتی بین ایران،

مدیرعامل راه آهن سوریه با بیان اینکه قطار تهران-دمشق در مسیر راه اندازی قرار دارد گفت: سفرهای بین دو کشور از طریق محور «تنف» از سر گرفته خواهد شد.

آغاز جنگ در سوریه و عراق و شدت گرفتن شعله آن از یک سو تمامی زیرساخت‌های حمل و نقل کشورهای درگیر جنگ را مورد هدف خود قرار داد و از سوی دیگر بر روابط ترانزیتی کشورهای مذکور با دیگر کشورهای منطقه از جمله ایران تأثیر منفی داشته است؛ موضوعی که در جریان‌نقدها و بررسی‌های انجام شده در خصوص جنگ داخلی سوریه و عراق کمتر به آن پرداخته شده است.

به عنوان مثال روابط تجاری میان ایران و سوریه و همچنین سفر زائران دو کشور به مقاصد یکدیگر از جمله نمونه‌های مناسبات تجاری میان ایران و سوریه بود که حتی روابط سیاسی دو کشور را نیز تا حدی تحت الشعاع خود قرار می‌داد. یکی از خاطرات شیرین زائران و گردشگران عازم سوریه، سفر به این کشور با استفاده از قطار بود که ایران را به مقصد ترکیه و سپس سوریه ترک می‌کرد. سفری پر خاطره که با کمترین هزینه در قیاس با هواپیما انجام می‌شد.

اما شکل‌گیری جنگ در سوریه و حضور داعش در این کشور منجر به از بین رفتن زیرساخت‌های ریلی سوریه شد. به ویژه تخریب خط ریلی مرزی عبوری از داخل خاک ترکیه که بسیاری از مواقع در اختیار داعش و دیگر گروه‌های تروریستی بود، منجر به قطع ارتباط ریلی کامل میان ایران و سوریه شد. اصالتی ماه‌های اخیر و با پیشرفت نیروهای دولتی سوریه در شکست گروه‌های تروریستی در داخل خاک این کشور، مسئولان وزارت راه سوریه به همراه شرکت‌های تابعه آن از جمله راه آهن این کشور به فکر بازسازی زیرساخت‌های ارتباطی تخریب شده طی سال‌های گذشته و برقراری ارتباط

فاطمه صالحی

گفتگوی اختصاصی با عضو شورای سیاسی حزب الله لبنان:

## ایران سرآمد آزادی خواهان جهان است

عضو شورای سیاسی حزب الله لبنان تاکید کرد که انقلاب اسلامی ایران در منطقه زلزله ایجاد کرده و ملت‌های آزادی خواه جهان در سایه عادی سازی روابط اعراب و صهیونیست‌ها دوستدار ایران هستند.

روند عادی سازی روابط در منطقه میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی و بی توجهی اعراب به آرمان‌های فلسطین از یک سو و حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های مقاومت در منطقه علیه این رژیم و هژمونی آمریکا بر خاورمیانه سبب شده تا ملت‌های آزادی خواه بیش از پیش دوستدار ایران و مواضع این کشور در قبال مسائل امت عربی و اسلامی باشند.

«حاج حسن حب الله» عضو شورای سیاسی حزب الله لبنان در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص روند عادی سازی روابط میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی تاکید کرد: امروزه آمریکا از عربستان می‌خواهد روابط علنی با اسرائیل برقرار کند و هم پیمان اسرائیل علیه محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه باشد.

وی افزود: بنابراین آمریکا به دنبال علنی کردن این روابط است و نمی‌خواهد این روابط به صورت مخفیانه و سری باقی بماند. امروزه موضع عربستان در این زمینه کاملاً مشخص است. عربستان می‌خواهد هر چه سریعتر روابط خود را با اسرائیل عادی کند تا در نهایت به بخشی از ائتلاف اسرائیل در منطقه علیه مقاومت درآید.

وی در خصوص نقش و جایگاه ایران در حمایت از مقاومت در منطقه تاکید کرد: به نظر من پیروزی انقلاب اسلامی در

ایران یک زلزله در منطقه ایجاد کرد. البته این زلزله با زلزله اشغالگری رژیم صهیونیستی علیه فلسطین متفاوت است. عضو شورای سیاسی حزب الله لبنان تاکید کرد: ایران بعد از انقلاب اسلامی تبدیل به محور تمام جنبش‌های آزادی خواه شده و این جنبش‌ها را در منطقه علیه صهیونیست‌ها و اشغالگری اسرائیل در حمایت از فلسطین رهبری می‌کند. حب الله تاکید کرد: ایران هم چنین از جنبش‌های ضد هژمونی آمریکا در منطقه و هیمنه کشورهای غربی بر خاورمیانه حمایت می‌کند. ایران از جنبش‌های ضد غارت ذخایر منطقه توسط آمریکا و هم پیمانانش در ناتو حمایت می‌کند.

وی در ادامه یادآور شد: بنابراین ایران محور اصلی در خصوص این رویارویی و سرآمد آزادی خواهان در جهان عرب و اسلام و به صورت کلی در جهان محسوب می‌شود. وی در خصوص موضع حزب الله در قبال تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ایران تصریح کرد: ما تحریم‌ها علیه ایران و یا حزب الله و یا علیه هر جنبش و کشوری که پیروی از سیاست‌های آمریکا را نمی‌پذیرد محکوم می‌کنیم.

عضو شورای سیاسی حزب الله لبنان تاکید کرد: ما معتقدیم که این سیاست‌ها در واقع اهرمی برای تحقق اهداف برتری جوینان آمریکا به شمار می‌رود. آمریکا می‌پندارد حاکم تمام ملت‌های جهان و پلیس منطقه است و می‌خواهد خود را اینگونه نشان دهد. وی در ادامه تاکید کرد: بنابراین ما اصل و بنیان این تحریم

ها را علیه تمام گروه‌ها و حامیان مقاومت در منطقه رد کرده و خواهان مبارزه با آن نه فقط در سطح ایران و حزب الله بلکه در سطح تمام ملت‌های منطقه هستیم.

حب الله هم چنین در ادامه افزود: اگر ملت‌های منطقه و دولت‌های آنها با این مسأله مخالفت نکنند در آینده خود آنها در صورت مخالفت با تصمیم‌های آمریکا به همین سرنوشت دچار می‌شوند.

وی در خصوص جایگاه ایران در میان ملت‌های منطقه تصریح کرد: ایران از جایگاه خوبی در میان ملت‌های منطقه مانند لبنان، سوریه، فلسطین و اردن برخوردار است. آنها معتقدند که ایران نماینده تفکر اسلامی درست و مخالف با تسلط بیگانگان بر منطقه است.

عضو شورای سیاسی حزب الله لبنان تاکید کرد: این مسأله در میان مردم عراق و کشورهای شمال آفریقا نیز مصداق دارد. من به کشورهای شمال آفریقا سفر کرده و دیده‌ام که ملت‌های این کشورها دوستدار ایران هستند. آنها معتقدند که ایران نماینده تفکر اسلامی و آرمان‌ها و خواسته‌های ملت‌ها است.

حب الله تاکید کرد: نظر دولت‌ها در این خصوص در بُعد دیگری می‌گنجد. آنها با اهداف گروه‌های تروریستی همسو هستند چرا که خود این کشورها گروه‌های تروریستی را با همکاری آمریکا و صهیونیست‌ها برای رویارویی با تفکرات اسلامی صحیح در منطقه ایجاد کرده‌اند.

گفتگوی اختصاصی با نامزد صلح نوبل:

## صهیونیست‌ها پشت پرده حمایت گسترده ترامپ از «سازمان مجاهدین خلق»

جواد حیران نیا

پروفسور «پل پیپلار» رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و از اساتید دانشگاه «جرج تاون» چند روز قبل در یادداشتی با عنوان «مجاهدین خلق و سیاست شکست خورده آمریکا در قبال ایران» در سایت لوبلاگ آمریکا نوشت: «در میان بسیاری از سیاست‌های نادرست دولت «دونالد ترامپ» در قبال ایران، یکی از واضح‌ترین آنها خاطرخواهی گروه منافقین است. «جان بولتون» مشاور امنیت ملی و «رودی جولیان» وکیل ترامپ، از برجسته‌ترین افراد تیم ترامپ هستند که در نشست‌ها و سخنرانی‌های این گروه تروریستی شرکت کرده‌اند و این گروه را جایگزینی برای نظام کنونی ایران می‌دانند.

این گروه در واقع یک جنبش دانشجویی بود که ابتدا در مخالفت با رژیم شاه شروع به مبارزه کرد و به شکلی عجیب و غریب ایدئولوژی اسلامگرایی را با مارکسیسم در هم آمیخت. این گروه از همان نخست مواضع بسیار ضد آمریکایی داشت. این گروه حتی با آزادی گروگان‌های آمریکایی در سفارت ایالات متحده مخالفت کرد.

استفاده از گروهی همچون منافقین برای پیشبرد سیاست در قبال ایران، ورزشکستگی سیاست آمریکا را نشان می‌دهد. به عبارتی اگر منافقین در این بازی باشند، این بازی نمی‌تواند براساس دموکراسی، حقوق بشر یا حقوق مردم عادی ایران باشد. بولتون و دستکم برخی افراد دیگری که از این گروه



حمایت می‌کنند به اندازه کافی باهوش هستند که از ماهیت واقعی این گروه خبردار شده باشند. این گروه بی شک علاقه‌ای به دموکراسی ندارند، بلکه در خرابکاری، تخریب و ترور در ایران توانمند هستند؛ توانایی که هنوز مجاهدین خلق آن را رها نکرده است.»

«رابرت دیوید استیل» افسر پیشین اطلاعاتی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص علت حمایت گسترده دولت ترامپ از سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) گفت: ریشه سیاست‌های اشتباه آمریکا در خصوص سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به صهیونیست‌ها باز می‌گردد.

نامزد دریافت جایزه نوبل صلح در ادامه گفت: هر تصمیم بد و اشتباهی که در سیاست خارجی آمریکا وجود داشته باشد صهیونیست‌ها پشت آن قرار دارند.

وی افزود: قبلاً هم به شما گفته بودم که جان بولتون فردی احمق و فاسد است و به صهیونیست‌ها خدمت می‌کند.

استیل یادآور شد: در حال حاضر اطراف ترامپ افرادی هستند که طرفدار شدید صهیونیست‌ها هستند و منافع اسرائیل را دنبال می‌کنند.

وی افزود: دشمن آمریکا، ایران نیست بلکه صهیونیست‌ها هستند. به خاطر باید داشت که قتل «جان اف کندی» توسط صهیونیست‌ها صورت گرفت. آنها در قتل آمریکایی‌های دیگری نیز نقش داشته‌اند.

استیل در ادامه گفت: «جرم کوشر» داماد ترامپ عامل دستگاه جاسوسی اسرائیل «موساد» است. او مورد نظر دو مأمور معروف موساد به نام‌های «جفری ایستین» (Jeffrey Epstein) و «مکس ول» (Ghislaine Maxwell) برای نزدیک بودن به دختر ترامپ «ایوانکا ترامپ» هدف موساد قرار دارد.

افسر پیشین اطلاعاتی سازمان جاسوسی آمریکا پیش از این نیز تصریح کرده بود: ۱۰ بانکدار شرکت خدمات مالی و بانکداری «گلدمن ساکس» (Goldman Sachs) در میان کارمندان نزدیک به ترامپ هستند. همچنین بیش از ۵۰ نفر از یهودیان اشکنازی (Ashkenazi Jews) کنترل تمامی ابعاد اقتصادی و سیاست خارجی این کشور را در راستای منافع صهیونیست‌ها، وال استریت و نیز «شرکت سیتی لندن» (City of London Corporation) - شهری درون شهر لندن که قلب بخش مالی و بازرگانی بریتانیا است - را به دست دارند که همه علیه منافع توده آمریکایی‌ها و با قانون اساسی این کشور فعالیت می‌کنند؛ قانونی که ربع قرن است مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

معاون وزیر خارجه پیشین آمریکا:

## آمریکا قادر به اجماع سازی علیه ایران در خصوص اتهامات شیمیایی نیست



متحدہ امریکا ملحق شوند. در هر صورت روسیه این درخواست را وتو خواهد کرد.

**|| اخیرا با تلاش کشورهای غربی با یک قطعنامه که در این سازمان تصویب شد و مورد مخالفت روسیه و چین بود، مسئولیت شناسایی عاملان استفاده کننده از سلاحهای شیمیایی به این سازمان واگذار شده است. با توجه به مخالفت روسیه و چین آینده این مکانیسم را چگونه ارزیابی می کنید؟**

OPCW یک بازیگر مهم خواهد بود. اما اقتدار و نفوذ آن باید تقویت شود. در مخالفت با قطعنامه، روسیه و چین یک دیدگاه بدبینانه دارند.

**|| آمریکا به عنوان تنها دارنده ذخایر سلاح های شیمیایی تاکنون به بهانه مشکلات فنی از انهدام ذخایر سلاح های شیمیایی خود، که مهم ترین وظیفه و اولویت کشورهای عضو کنوانسیون است، خودداری ورزیده است. چرا آمریکا در عین اینکه تسلیحات شیمیایی خود را منهدم نمی کند کشورهایی چون ایران که همواره موضعی روشن در مخالفت با سلاح های کشتار جمعی از جمله سلاح های شیمیایی داشته و به تعهدات خویش پایبند بوده است را مورد اتهام قرار می دهد؟**

هرچند تاسف بار است، اما دلایل فنی قانونی برای تاخیر در از بین بردن این ذخایر وجود دارد. آنها باید به نحوی امن و دقیق تخریب شوند و هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم این ابزارها تهدیدی ایجاد می کنند!

ممکن است آمریکا ریاکار باشد که ایران را به نقض قوانین OPCW متهم می کند، زمانی که هنوز وظیفه خود را برای از بین بردن ذخایر انجام نداده است.

نقض تعهدات و حمایت های مکرر خود از زرادخانه های شیمیایی رژیم صهیونیستی و گروه های تروریستی مطرح می نماید.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «مارک فیتزپاتریک» مدیر فعلی برنامه خلع سلاح و منع اشاعه موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک (IISS) تنظیم نموده که در ادامه می آید.

**|| سفیر آمریکا در نشست اخیر سازمان منع تسلیحات شیمیایی (OPCW) مدعی شد ایران درباره تاسیسات تولید گازهای شیمیایی خود گزارشی به این سازمان نداده و ایران این کنوانسیون را نقض کرده است. آمریکا هیچ گاه پیش از این ایران را به نقض کنوانسیون سلاحهای شیمیایی متهم نکرده بود. به نظر می رسد این ادعا نیز ادعایی سیاسی برای فشار حداکثری به ایران باشد. نظر شما چیست؟**

ایالات متحده آمریکا نگرانی هایی در مورد عدم شفافیت ایران در رابطه با استفاده دوگانه بالقوه و متشا سلاح های لیبی مطرح کرده است. اما زمان اتهام در مورد نقض OPCW مشکوک است. به نظر می رسد که این مهم به عنوان بخشی از کمپین «حداکثر فشار» بر ایران از لحاظ سیاسی باشد.

**|| آیا آمریکا قادر خواهد بود موافقت سایر کشورها در مورد ادعایش در خصوص ایران را جلب کرده و خواستار تحقیق و تفحص از ایران درباره این موارد ادعایی شود؟ (البته می دانیم ایران عضو این سازمان نیست و روسیه نیز در این سازمان می تواند چین درخواستی را وتو کند)**

با توجه به زمان اتهامات، من انتظار ندارم بسیاری از کشورها برای درخواست تحقیق و بررسی به ایالات

«مارک فیتزپاتریک» معتقد است که بسیاری از کشورها برای درخواست تحقیق و بررسی اتهامات شیمیایی واشنگتن علیه ایران به آمریکا ملحق نمی شوند.

«کنث وارد» نماینده آمریکا در سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی، روز پنجشنبه (اول آذرماه ۹۷) مدعی شد ایران در تناقض با کنوانسیون ۱۹۹۷، تسلیحات شیمیایی اعلام نشده ای را در اختیار دارد.

وی افزود: ایران یک سایت تولیدی اعلام نشده دارد که از آن برای پر کردن بمبهای هوایی استفاده کرده حال آنکه همزمان برنامه ساخت تسلیحات سمی ممنوعه را نیز دنبال می کند! آمریکا نگران است مبادا ایران به دنبال مواد شیمیایی باشد که سیستم اعصاب مرکزی را هدف قرار می دهند.

وی همچنین ایران را به ارسال تسلیحات شیمیایی به لیبی در دهه ۱۹۸۰ میلادی متهم کرد.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در خصوص این اتهامات اظهار داشت: هیات آمریکا در سازمان منع سلاح های شیمیایی روز پنجشنبه در جریان برگزاری کنفرانس بازنگری کنوانسیون منع سلاح های شیمیایی در لاهه اتهامات بی پایه و اساسی را طبق عادت مالوف و همیشگی خود علیه جمهوری اسلامی مطرح کرد که این اتهامات را قویا مردود می دانیم.

قاسمی افزود: براساس آیین کار کنفرانس، هیات کشورمان نزد آن سازمان و پس از پایان مباحث عمومی به این اتهامات بی پایه و اساس پاسخ مقتضی خواهد داد. سخنگوی وزارت خارجه همچنین افزود: آنچه که مسلم و کاملاً عیان می باشد این است که آمریکا به عنوان تنها کشور عضو سازمان، دارنده زرادخانه تسلیحات شیمیایی است که تا کنون به تعهدات خود برای نابودی آنها عمل نکرده، بلکه همزمان از برنامه تسلیحات شیمیایی رژیم صهیونیستی جانبداری می کند و این گونه اتهامات نادرست و ناراست را صرفاً از سر خصومت با ملت ایران و برای انحراف افکار عمومی جامعه بین المللی از

گفتگوی اختصاصی با عضو شورای اطلاعات ملی آمریکا:

## آمریکا از «مجاهدین خلق» حمایت می کند



«پل پیلار» معتقد است که حمایت واشنگتن از سازمان مجاهدین خلق در راستای سیاست ها و خط مشی این کشور است.

پروفسور «پل پیلار» رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و از اساتید دانشگاه «جرج تاون» چند روز قبل در یادداشتی با عنوان «مجاهدین خلق و سیاست شکست خورده آمریکا در قبال ایران» در سایت لوبلاگ آمریکا نوشت: «در میان بسیاری از سیاست های نادرست دولت «دونالد ترامپ» در قبال ایران، یکی از واضح ترین آنها خاطرخواهی گروه منافقین است. «جان بولتون» مشاور امنیت ملی و «رودی جولیان» وکیل ترامپ، از برجسته ترین افراد تیم ترامپ هستند که در نشست ها و سخنرانی های این گروه تروریستی شرکت کرده اند و این گروه را جایگزینی برای نظام کنونی ایران می دانند.

این گروه در واقع یک جنبش دانشجویی بود که ابتدا در مخالفت با رژیم شاه شروع به مبارزه کرد و به شکلی عجیب و غریب ایدئولوژی اسلامگرایی را با مارکسیسم درهم آمیخت. این گروه از همان نخست مواضع بسیار ضد آمریکایی داشت. این گروه حتی با آزادی گروگان های آمریکایی در سفارت ایالات متحده مخالفت کرد.

استفاده از گروهی همچون منافقین برای پیشبرد سیاست در قبال ایران، ورشکستگی سیاست آمریکا را نشان می دهد. به عبارتی اگر منافقین در این بازی باشند، این بازی نمی تواند بر اساس دموکراسی، حقوق بشر یا حقوق مردم عادی ایران باشد. بولتون و دستکم برخی افراد دیگری که از این گروه حمایت می کنند به اندازه کافی باهوش هستند که از ماهیت واقعی این گروه خبردار شده باشند. این گروه بی شک علاقه ای به دموکراسی ندارند، بلکه در خرابکاری، تخریب و ترور در ایران توانمند هستند؛ توانایی که هنوز مجاهدین خلق آن را رها نکرده است. در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «پل پیلار» رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) انجام داده که در ادامه می آید.

پیلار از اساتید دانشگاه «جرج تاون» است و تاکنون مسئولیت های متعددی را بر عهده داشته که از جمله آنها می توان به ریاست واحد تحلیل عملیات های سیا در شرق نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار سابقه حضور در شورای اطلاعات ملی آمریکا را به عنوان یکی از اعضای اصلی آن نیز دارد.

### || چرا دولت اوپاما مجاهدین خلق را از فهرست تروریستی ایالات متحده حذف کرد و دولت ترامپ به طور جدی از این گروه تروریستی حمایت می کند؟

برای اولین بار نیست - و برای آخرین بار نیز نخواهد بود - که تصمیم گیری برای افزودن یا حذف گروه ها از لیست سازمان های تروریستی خارجی ایالات متحده آمریکا خط مشی و سیاست این کشور را منعکس کرده و این تصمیمات نتیجه بررسی عینی ماهیت این گروهها نبوده است.

حذف مجاهدین خلق از فهرست تروریستی بعد از تلاش کمپین لای (از لحاظ مالی تامین شده و باسابقه) که موفق به تحریک سیاستمداران در هر دو حزب عمده شده است - کسانی که اکثر آنها آگاهی اندکی در مورد آنچه مجاهدین خلق انجام داده اند دارند - انجام شد.

دموکراتیک پیشرو در جهان از چنین گروهی پشتیبانی می کند؟ زمانی که ما فرض می کنیم سیاست خارجی بر اساس لیبرالیسم ادامه سیاست داخلی است و سیاست داخلی ایالات متحده بر مبنای ارزش های آزاد و لیبرالیسم قرار دارد تناقض ایجاد می شود. دولت ایالات متحده آمریکا چگونه این تناقض را حل می کند؟

دولت ترامپ به وضوح نگران چنین چیزهایی نیست زیرا نشانه هایی وجود دارد که وی اهمیت کمی برای این ارزش ها در مدیریت روابط خارجی قائل است. با نحوه واکنش واشنگتن نسبت به قتل «جمال خاشقچی» این واقعیت اخیرا کاملا روشن شده است، قتلی که در پی آن رئیس جمهور ترامپ گفت: چنین قتلی می تواند تبریئه شود تا زمانی که سعودی ها سلاح های ایالات متحده را خریداری می کنند.

### || طبق گزارش RAND، فعالیت های تروریستی مجاهدین خلق تا سال ۲۰۰۹ ادامه داشته است. اما ایالات متحده ادعا کرد که در ۱۰ سال گذشته، هیچ فعالیت تروریستی توسط این گروه انجام نشده است. کدام یک درست است؟

یک دلیل برای حذف مجاهدین خلق از لیست تروریسم ایالات متحده آمریکا این بود که در سال های اخیر این گروه در کشتار آمریکایی ها دخالت نکرده است. قانون حاکم بر این فهرست می تواند این گونه تفسیر شود، هر چند اغلب اوقات، تصمیم در مورد لیست گروههای تروریستی و حذف از آن بر اساس چنین دیدگاه محدودی اتخاذ نمی شود.

گروه تروریستی، یک گروه تروریستی است، حتی اگر خونی که می ریزد، خون آمریکایی نباشد. مجاهدین خلق از سال ۲۰۰۹ تاکنون در خشونت های سیاسی مرگبار شرکت داشته است.

### || دولت ترامپ از گروه تروریستی مجاهدین خلق (MEK) به عنوان یک جایگزین دموکراتیک برای سیستم سیاسی فعلی ایران حمایت می کند. چرا دولت ترامپ از گروهی میان ایرانیان نداشته و ایرانیان آن را به عنوان یک گروه تروریستی قلمداد می کنند؟

سیاست دولت ترامپ در رابطه با ایران شامل استفاده از هر گونه ابزاری برای آسیب رساندن به ایران و تحت فشار قرار دادن آن است، در حالی که توجه کمی به ماهیت ابزار استفاده شده یا اثرات منفی استفاده از آنها دارد.

اگر چه به نظر می رسد هدف برخی از شعارهای دولت این است که دموکراسی بیشتر در ایران مستقر شود، دموکراسی نقش کمی در تصمیمات دولت ایفا می کند: همان طور که با پیوند قوی خود با رژیم عربستان سعودی که کاملا غیر دموکراتیک است این واقعیت مهم را نشان داده است.

اگر مجاهدین خلق با نظم سیاسی فعلی در تهران مخالف باشد، همه این موضوعات به دولت ترامپ مربوط است.

### || همانطور که شما در مقاله خود در سایت لوبلاگ آمریکا ذکر کردید بسیاری از فعالیت های مجاهدین خلق به پول زیادی نیاز دارد، کدام کشورها یا گروهها ممکن است به آنها کمک کنند؟

باید گفت که منابع بودجه آنها همیشه نامشخص است. به احتمال زیاد منابع مالی آنها از سوی کشورهای است که رقبای منطقه ای ایران هستند.

### || ایدئولوژی مجاهدین خلق ترکیبی از قرائتی از اسلام و مارکسیسم است. آنها همچنین به عنوان یک گروه تروریستی فعالیت می کنند. چرا ایالات متحده به عنوان یک کشور



گفتگوی اختصاصی با عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان:

## اگر ایران نبود عربستان نابود شده بود / معامله قرن محکوم به شکست است



اند که ایران تنها کشور صادقی است که رویکرد درستی در پیش گرفته و حرفها و اقدامات مسئولان آن بایکدیگر تطابق دارد چرا که مقامات عربی حرفهایی می زنند که در عمل آنها را انجام نمی دهند و حرف و عملشان یکی نیست.

وی در خصوص روند تشکیل دولت در لبنان و موانع پیش روی آن به ویژه از سوی جریان المستقبل تاکید کرد: از روز نخست مکلف شدن سعد الحریری نخست وزیر لبنان برای تشکیل دولت ما شاهد موانع و مشکلاتی در این مسیر بودیم، الحریری به مشکل حضور نمایندگان سنی بی توجه بود. این ۶ نماینده سنی از لحاظ قانونی حق دارند در دولت مشارکت داشته باشند.

وی یادآور شد: حزب الله در ابتدا از این نمایندگان به صورت غیر رسمی حمایت می کرد و از الحریری می خواست تا این مشکل را حل کند. نمایندگان حزب الله با میشل عون رئیس جمهور لبنان نیز در این خصوص رایزنی کردند. اما به نظر می رسد آنها در خصوص این مسأله جدی نیستند چرا که فکر می کنند این مسأله بدون ایجاد هیچ مشکلی از بین خواهد رفت.

شیخ حسن بغدادی تاکید کرد: بعد از گذشت مدت زمانی از این مشکل، سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان آن را به صورت علنی مطرح کرد. حزب الله از ابتدا قصد نداشت این مسأله را رسانه ای کند تا کشور به سمت بحث و جدل سوق داده شود اما امروزه شاهد آن هستیم که می خواهیم یک دولت وحدت ملی تشکیل دهیم که باید نماینده تمام اقشار باشد.

وی در پایان یادآور شد: این مشکل در آینده حل خواهد شد و نیازمند گذشت زمان است. ما باید دولتی تشکیل دهیم که تمام اقشار به صورت قانونی در آن نماینده داشته باشند و حزب الله حامی این مسأله است.

و طرح آمریکا برای منطقه در آن زمان تجزیه خاورمیانه بود و عربستان نیز یکی از این اهداف به شمار می آمد.

وی یادآور شد: آنچه که باعث شده نظام عربستان و به صورت کلی منطقه تاکنون پابرجا بماند برکات جمهوری اسلامی ایران و هم پیمانان آن است که در برابر طرح ها و نقشه های آمریکا علیه منطقه پایداری کرده اند. بنابراین سخنان و مواضع این کشورها در قبال ایران بسیار جای تعجب دارد.

وی در ادامه افزود: آنها به دنبال ایجاد یک ائتلاف در منطقه علیه ایران هستند اما باید بدانند آن نیرویی که آنها را در سوریه و عراق و لبنان و فلسطین نابود و سرنگون کرد همین کار را ادامه می دهد.

عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان تاکید کرد: در حمله اخیر رژیم صهیونیستی به غزه دیدیم که حماس چگونه پایداری و مقاومت کرد وقتی آنها در برابر حماس نمی توانند به یک پیروزی دست پیدا کنند چگونه می توانند به عنوان مثال با حزب الله روبرو شوند. آنها به هیچ عنوان نمی توانند به اهداف خود دست پیدا کنند. در خصوص طرح آمریکا علیه مسأله فلسطین موسوم به معامله قرن نیز همین مسأله مصادق پیدا می کند این معامله در نهایت به پایان رسیده و اجرا نخواهد شد.

شیخ حسن بغدادی در خصوص موضع ملت های منطقه در قبال ایران تصریح کرد: ملت های منطقه با مذاهب و رویکردها و زبان های مختلف خود ایران را دوست دارند و طرفدار این کشور هستند و این رژیم ها و نظام های عربی هستند که با این مسأله مشکل دارند.

وی تصریح کرد: ملت های منطقه بعد از آنکه همه چیز آشکار شده و نقاب رژیم های عربی برداشته شده فهمیده

«شیخ حسن بغدادی» عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان تاکید کرد که روند عادی سازی روابط میان کشورهای عربی و دشمن صهیونیستی نقاب از چهره اعراب برداشت و آنها به دنبال ایجاد یک ائتلاف علیه ایران هستند.

«شیخ حسن بغدادی» عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص روند عادی سازی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی تاکید کرد: این مسأله متأسفانه از ابتدا به صورت مخفیانه میان دو طرف در جریان بوده و امروزه شاهد علنی شدن آن هستیم.

وی افزود: این کشورها نقاب از چهره برداشته اند. روابط آنها با دشمن صهیونیستی مربوط به دیروز نیست بلکه سابقه طولانی دارد. زمانیکه مسئولان آمریکایی به این کشورها سفر می کنند در واقع از آنها می خواهند دوست و یاور دشمن صهیونیستی باشند.

وی در ادامه افزود: این کشورها در مقابل ملت های خود تظاهر می کنند که مشکل واقعی آنها با ایران است اما باید بدانند که جمهوری اسلامی ایران نظام و رژیم های آنها را متزلزل خواهد کرد. ایران تنها کشوری است که به دنبال حمایت از مسائل کشورهای عربی و همسایگان خود است.

وی تصریح کرد: این کشور در حال حاضر متحمل شدیدترین فشارهای اقتصادی است چرا که مدافع مسائل کشورهای عربی از جمله مسأله فلسطین بوده و این فشارها به هیچ وجه به دنبال مسائل داخلی ایران به وجود نیامده است.

عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان تاکید کرد: خود عربستان نیز اگر ایران نبود چیزی از آن باقی نمی ماند چرا که قرار بود در زمان سقوط نظام صدام در سال ۲۰۰۳ عربستان نیز به پایان برسد چرا که نقشه

## گفتگوی اختصاصی با استاد دانشگاه آلاباما آمریکا

# اتهام شیمیایی آمریکا علیه ایران خیمه شب بازی جدید ترامپ است

جواد حیران نیا



رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما گفت: اتهام اخیر آمریکا در مورد نقض کنوانسیون سلاحهای شیمیایی توسط ایران چیزی شبیه یک بازی سیاسی است و جان بولتون کارگردان اصلی این خیمه شب بازی است. «کنث وارد» نماینده آمریکا در سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی، دیروز پنجشنبه (اول آذرماه ۹۷) مدعی شد ایران در تناقض با کنوانسیون ۱۹۹۷، تسلیحات شیمیایی اعلام نشده‌ای را در اختیار دارد.

وی افزود: ایران یک سایت تولیدی اعلام نشده دارد که از آن برای پرکردن بمب‌های هوایی استفاده کرده حال آنکه همزمان برنامه ساخت تسلیحات سمی ممنوعه را نیز دنبال می‌کند! آمریکا نگران است مبادا ایران به دنبال مواد شیمیایی باشد که سیستم اعصاب مرکزی را هدف قرار می‌دهند.

وی همچنین ایران را به ارسال تسلیحات شیمیایی به لیبی در دهه ۱۹۸۰ میلادی متهم کرد.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در خصوص این اتهامات اظهار داشت: هیات آمریکا در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی روز پنجشنبه در جریان برگزاری کنفرانس بازنگری کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی در لاهه اتهامات بی پایه و اساسی را طبق عادت مالوف و همیشگی خود علیه جمهوری اسلامی مطرح کرد که این اتهامات را قویا مردود می‌دانیم.

قاسمی افزود: براساس آیین کار کنفرانس، هیات کشورمان نزد آن سازمان و پس از پایان مباحث عمومی به این اتهامات بی پایه و اساس پاسخ مقتضی خواهد داد.

سخنگوی وزارت خارجه همچنین افزود: آنچه که مسلم و کاملا عیان می‌باشد این است که آمریکا به عنوان تنها کشور عضو سازمان، دارنده زرادخانه تسلیحات شیمیایی است که تا کنون به تعهدات خود برای نابودی آنها عمل نکرده، بلکه همزمان از برنامه تسلیحات شیمیایی رژیم صهیونیستی جانبداری می‌کند و این گونه اتهامات نادرست و ناراست را صرفا از سر خصومت با ملت ایران و برای انحراف افکار عمومی جامعه بین المللی از نقض تعهدات و حمایت‌های مکرر خود از زرادخانه‌های شیمیایی رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی مطرح می‌نماید.

در خصوص تحرکات اخیر آمریکا در سازمان منع تسلیحات شیمیایی در خصوص ایران خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما آمریکا داشته است که در ادامه می‌آید. انتصار از اساتید مطرح مطالعات خاورمیانه در سطح بین المللی است و کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» از وی منبعی قابل توجه در مطالعات کردی است.

**|| سفیر آمریکا در نشست اخیر سازمان منع تسلیحات شیمیایی مدعی شد ایران درباره تاسیسات تولید گازهای شیمیایی خود گزارشی به این سازمان نداده و ایران این کنوانسیون را نقض کرده است. آمریکا هیچ گاه پیش از این ایران را به نقض کنوانسیون سلاحهای شیمیایی متهم نکرده بود. به نظر می‌رسد این ادعا نیز ادعایی سیاسی برای فشار حداکثری به ایران باشد. نظر شما چیست؟**

های آمریکا باشد و این نوع بازبهای رژیم کنونی آمریکا را دست کم نگیرد و عکس العمل محکمی در اسرع وقت انجام دهد.

**|| آیا آمریکا قادر خواهد بود موافقت سایر کشورها در مورد ادعایش در خصوص ایران را جلب کرده و خواستار تحقیق و تفحص از ایران درباره این موارد ادعایی شود (البته می‌دانیم ایران عضو این سازمان نیست و روسیه نیز در این سازمان می‌تواند چنین درخواستی را وتو کند)؟**

نقوذ آمریکا در سازمان منع تسلیحات شیمیایی همواره از کشورهای دیگر بیشتر بوده است و برای همین است که تیم ترامپ تصمیم گرفته است که از طریق این سازمان فشارهای سیاسی روی ایران را تشدید کند.

با توجه به ساختار این سازمان آمریکا امیدوار است که موافقت اکثر کشورها در مورد ادعایش در خصوص ایران را جلب کند.

موفقیت آمریکا تا مقدار زیادی بستگی به عملکرد دیگر کشورها، به خصوص روسیه خواهد داشت. ایران همچنین باید رفتار اروپا را زیر نظر داشته باشد یعنی متوجه دو پهلو صحبت کردن و رفتار دو پهلوئی آنها باشد.

**|| اخیرا با تلاش کشورهای غربی با یک قطعنامه که در این سازمان تصویب شد و مورد مخالفت روسیه و چین بود، مسئولیت شناسایی عاملان استفاده کننده از سلاحهای شیمیایی به این سازمان واگذار شده است. با توجه به مخالفت روسیه و چین اینده این مکانیسم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

این بستگی به این دارد که چین و روسیه تا چه اندازه قاطعانه عمل کنند و بتوانند که تعداد دیگری از کشورها را به مخالفت به این مکانیسم تشویق کنند.

**|| آمریکا به عنوان تنها دارنده ذخایر سلاح های شیمیایی تاکنون به بهانه مشکلات فنی از انهدام ذخایر سلاح های شیمیایی خود، که مهم ترین وظیفه و اولویت کشورهای عضو کنوانسیون است، خودداری ورزیده است. چرا آمریکا در عین اینکه تسلیحات شیمیایی خود را منهدم نمی‌کند کشورهای چینی چون ایران که همواره موضعی روشن در مخالفت با سلاح های کشتار جمعی از جمله سلاح های شیمیایی داشته و به تعهدات خویش پایبند بوده است را مورد اتهام قرار می‌دهد؟**

آمریکا سازمانهای بین المللی را ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود می‌داند. این موضوع در رژیم ترامپ ابعاد جدیدی به خود گرفته است. یعنی در مورد قوانین بین المللی و تعهدات بین المللی رژیم ترامپ اجرای قوانین را زمانی مناسب می‌داند که به نفع آمریکا باشد. در غیر اینصورت ترامپ و اطرافیانش نه به مجوزات قانونی اهمیت می‌دهند و نه به قوانین و عهدنامه‌های بین المللی. آنها حتی قوانین داخلی آمریکا را نیز لگد مال می‌کنند، لذا نباید انتظار اجرای تعهدات و قوانین بین المللی را از این رژیم داشت.

اتهام اخیر آمریکا در مورد نقض کنوانسیون سلاحهای شیمیایی توسط ایران چیزی شبیه یک بازی سیاسی است و به نظر من جان بولتون کارگردان اصلی این خیمه شب بازی رژیم ترامپ را بر عهده دارد.

اگر به یاد داشته باشید آمریکا در سال ۲۰۰۲ میلادی نیز همین بازی سیاسی را برای عراق در یک نشست سازمان منع تسلیحات شیمیایی راه انداخت.

البته عراق از سلاحهای شیمیایی بر علیه ایران و کردها در دهه ۸۰ استفاده کرده بود ولی در سال ۲۰۰۲ سازمان منع تسلیحات شیمیایی در حال تهیه گزارشی بود که نشان دهد دولت عراق اجازه بازرسی مخازن تسلیحات شیمیایی قبلی خود را داده است و سازمان در نظر دارد که بگوید که عراق سلاحهای شیمیایی خود را نابود کرده و دیگر اثری از تسلیحات شیمیایی در عراق وجود ندارد.

آمریکا از انتشار چنین گزارشی راضی نبود چون هدفشان در آن زمان این بود که بگویند عراق سلاحهای شیمیایی و اتمی خود را نابود نکرده است. یعنی رژیم بوش پسر می‌خواست از این ادعا بهانه‌ای برای حمله و اشغال عراق استفاده کند.

لذا «جان بولتون»، آقای «خوزه بوستانی»، دیپلمات کار کشته برزیلی را که رئیس سازمان منع تسلیحات شیمیایی بود را تحت فشار گذاشت که گزارشی را که بر خلاف نظرات آمریکا بود را منتشر نکند.

وقتی که آقای بوستانی به همکاری سازمان منع تسلیحات شیمیایی با عراق ادامه داد، آمریکا با زور و قلدری سازمان منع تسلیحات شیمیایی را مجبور کرد که بوستانی را از مقامش اخراج کند در حالی که سه سال دیگر از اتمام دوره ریاست بوستانی باقی مانده بود.

این اولین بار در تاریخ بود که کشوری با قلدری توانست یک سازمان بین المللی را مجبور کند که رئیس خود را قبل از انقضای دوره ماموریت اش از کار بر کنار کند.

بوستانی بعدها گفت که جان بولتون او و خانواده اش را تهدید کرده بود. بوستانی چندی بعد از سازمان منع تسلیحات شیمیایی در دادگاه قضائی سازمان بین المللی کار به علت اخراج غیر قانونی اش شکایت کرد.

این دادگاه هم رای داد که اخراج بوستانی سیاسی بوده و غیر قانونی بوده و برای راضی کردن آمریکا صورت گرفته است. البته رای دادگاه بیشتر سسمبلیک بود چون بوستانی دیگر کارش را از دست داده بود و شخص دیگری به جای او انتخاب شده بود.

این توضیحات را برای این دادم که ایران متوجه دسیسه

گفتگوی اختصاصی با سخنگوی اسبق وزارت خارجه فرانسه:

## خروج آمریکا از برجام ضربه‌ای به امنیت اروپا بود



«مارک فینو» معتقد است که خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و پیمان INF در واقع ضربه‌ای به امنیت اروپا بود. نخستین زرمه‌های ایجاد ارتش واحد اروپایی اندکی پس از جنگ جهانی دوم در میان کشورهای درگیر آغاز شد. شماری از کشورهای اروپایی بر این باور بوده و هستند که ایجاد ارتش واحد اروپایی می‌تواند به مثابه دیواره امنیتی محکمی برای آنها عمل کرده و می‌تواند بواسطه آن ثبات، آرامش و صلح را برای مردم خود به ارمغان بیاورند.

اکنون با گذشت بیش از نیم قرن از جنگ جهانی دوم بار دیگر داعیه تاسیس «ارتش اروپایی واقعی» در میان قدرتهای اروپایی از سر گرفته شده است.

هفته گذشته همزمان با گفتگوی «مانوئل ماکرون» رئیس جمهور فرانسه با «راديو اروپا ۱» موج جدیدی از ایجاد ارتش واحد اروپایی در میان رهبران و مقامات اروپایی به راه افتاد. ماکرون با اشاره به این نکته که اروپا بواسطه هم‌مرزی با روسیه می‌تواند مورد تهدیدهای احتمالی این کشور قرار بگیرد اظهار داشت که اروپا باید تا جایی توان دفاعی خود را بالا ببرد که بدون هرگونه وابستگی به آمریکا قادر به دفاع از خود باشد.

وی در توضیح و توجیه خود برای لزوم تاسیس و راه‌اندازی «ارتش واقعی اروپایی» با اشاره به موضع اخیر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا درباره خروج از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای دور برد گفت که هدف از چنین برنامه‌ای حفاظت اروپا در مقابل چین، روسیه و حتی آمریکا است.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «مارک فینو» دیپلمات فرانسوی و محقق حوزه‌های تروریسم، خاورمیانه، کنترل تسلیحات، امنیت اروپا، حقوق بشر و ... تنظیم نموده که در ادامه می‌آید.

«مارک فینو» دیپلمات سابق فرانسوی که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ در «مرکز سیاست امنیتی ژنو» (GCSP) فعالیت کرده است، اکنون یک عضو اجرایی این سازمان است. وی در حال حاضر فعالیت‌های مربوط به گسترش تسلیحات را رهبری می‌کند.

**|| طرح تشکیل ارتش مشترک اروپایی اگر چه ایده جدیدی نیست ولی در روزهای اخیر با اظهار نظرهای ماکرون و آنکلا مرکل و واکنش ترامپ ابعاد جدیدی به خود گرفته است. دلایل جدی شدن پیشبرد این طرح از سوی کشورهای چون فرانسه و آلمان چیست؟**

در واقع این ایده به جنگ سرد و تلاش شکست خورده اتحادیه اروپا در سال ۱۹۵۲ باز می‌گردد که راه را برای استقرار اتحادیه اروپا و ادغام آلمان غربی در ناتو هموار کرد. در طول سالهای متمادی اتحادیه اروپا سیاست مشترک و امنیتی خود را توسعه داد که شامل ظرفیت‌ها و همکاری‌های نظامی مشترک و از ناتو متمایز بود و در واقع بخشی از پیمان لیسبون ۲۰۰۷ است.

به دلیل اولیاتی که اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نسبت به ناتو جهت اطمینان از دفاع جمعی دارند و همچنین حضور کشورهای خنثی در اتحادیه اروپا، توازن و توزیع نقش بین دو سازمان همیشه با دقت حفظ شده

و اتحادیه اروپا عمدتاً از ظرفیت‌های نظامی و غیر نظامی خود در عملیات‌های مدیریت بحران خارجی استفاده می‌کند (به عنوان مثال در بوسنی، سومالی، عراق، اوکراین، لیبی، نیجر، کوزوو و غیره).

اخیراً، دلیل اینکه فرانسه و آلمان علاقمند به توسعه استقلال استراتژیک اتحادیه اروپا هستند به کاهش ظاهری علاقه آمریکا به همبستگی ترانس‌آتلانتیک و چشم انداز خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا مرتبط می‌شود چرا که انگلیس یکی از دو قدرت برتر نظامی در اروپا بوده و همیشه مخالف هرگونه پیشرفتی به سوی تشکیل ارتش اروپایی بود.

**|| امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه چند روز پیش در گفتگو با شبکه رادیویی «Europe 1» خواستار تشکیل ارتش اروپایی واقعی برای مقابله با تهدیدات روسیه و همچنین عدم وابستگی به آمریکا شد. رئیس‌جمهوری فرانسه در این مصاحبه گفت: باید از خود در برابر روسیه، چین و حتی آمریکا دفاع کنیم. چرا فرانسه در حال حاضر از آمریکا در کنار چین و روسیه به عنوان تهدید نام می‌برد؟ این اظهارات از آنجا محل تامل است که فرانسه و آمریکا عضو ناتو هستند و اینکه یک عضو دیگری را تهدید بدانند مانع از همکاری در ناتو می‌شود. با توجه به این اظهارات آینده ناتو را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

این یک نقل قول تحریف شده است. در واقع، رئیس‌جمهور ماکرون گفت که اتحادیه اروپا باید ارتش مختص خود را جهت دفاع از خود در مقابل روسیه و چین داشته باشد تا برای دفاع شخصی خود وابستگی کمتری به ایالات متحده آمریکا داشته باشد.

**|| ترامپ در مخالفت با این طرح و در واکنش به اظهارات ماکرون تشکیل این ارتش را**

توهین آمیز خواند. با توجه به واکنش ترامپ و اینکه وی مجدد خواستار دادن پول از سوی اروپایی‌ها به ناتو شد آیا این اختلافات می‌تواند آینده ناتو را با تهدید مواجه سازد؟

این واقعیت که دولت ترامپ به طور یک طرفه خروج خود را از برجام و پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد اعلام کرد در واقع در اروپا به عنوان ضربه‌ای برای امنیت اروپا مورد توجه قرار گرفت و فشار آمریکا برای افزایش هزینه‌های دفاعی توسط کشورهای عضو ناتو در اروپا در واقع به معنای فشار برای وارد کردن اسلحه‌های آمریکایی بیشتر است.

این اختلافات ترانس‌آتلانتیک در واقع اتحادیه ناتو را تضعیف می‌کند و تلاش کشورهای اروپایی برای تبدیل شدن به خودمختاری را توجیه می‌کند.

**|| «اورز لا فون در لاین» وزیر دفاع آلمان اخیراً اظهار داشته است که تاسیس ارتش اروپایی و فعالیت‌های آتی آن می‌تواند نه تنها در خصوص افزایش امنیت کشورهای اروپایی بلکه در حل بحران‌های بین‌المللی نیز تاثیر بسزایی بر جای بگذارد. اگر قرار باشد ارتش مشترک اروپایی علاوه بر ماموریت‌های درون اروپا مبادرت به ماموریت در خارج از اروپا داشته باشد در این صورت آیا نوعی موازی کاری با ناتو نیست؟**

برای سالهای متمادی، هم ناتو و هم اتحادیه اروپا توانایی‌های مشخص خود را جهت مدیریت عملیات خارجی توسعه دادند در حالی که همکاری و هماهنگی بین خود را به خوبی حفظ می‌کردند. این هماهنگی به آنها اجازه می‌دهد از تکرار جلوگیری کنند وقتی که اتحادیه اروپا هم عملیات مدیریت بحران نظامی و هم غیر نظامی را در کشورهایی که ناتو غایب است انجام می‌دهد.

در هر صورت، ایجاد یک «ارتش واقعی اروپایی» تنها می‌تواند هدف بلند مدت باشد حتی اگر با برگزیت ساده‌تر شده باشد.

## گفتگوی اختصاصی با رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا: حمایت سیاسی طرفهای برجام زیان ایران را جبران نمی کند

عبدالحمید بیانی



رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا معتقد است اقدام کاخ سفید در بازگرداندن تحریم های ایران ضربه ای دیگر به اعتبار واشنگتن در مسائل مربوط به عدم اشاعه تسلیحات هسته ای وارد کرده است.

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در ادامه اقدامات ضد ایرانی خود تحریم های لغو شده به موجب برجام را مجددا علیه تهران اعمال کرد و همزمان با این اقدام مقامات مختلف دولت وی نیز با آب و تاب فراوان درباره شدت این تحریم ها و تاثیر آنها بر جمهوری اسلامی سخن گفته و اعلام داشتند که تغییر رفتار ایران می تواند عاملی باشد برای توقف فشارهای آمریکا.

در همین رابطه «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه آمریکا نیز عنوان داشته که تحقق شروط ۱۲ گانه ای که وی پیشتر در خصوص ایران مطرح کرده بود می تواند موجب تغییر رفتار واشنگتن در قبال تهران شود.

وی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی فاکس نیوز مدعی شد: هدف از تحریم ها علیه ایران تغییر رفتار ایران بوده است. سیاست فشار حداکثری ترامپ بر ایران به صورت کامل اجرا می شود. تحریم ها علیه ایران سخت خواهند بود.

در همین رابطه و برای اطلاع از دیدگاه کارشناسان و مقامات سابق آمریکایی در خصوص اقدامات ضد ایران کاخ سفید خبرنگار مهر با «داریل کیمبال» رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا به گفتگو نشست که در ادامه می آید.

کیمبال از سال ۲۰۰۱ تا کنون مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکا است و در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط نشنال ژورنال به عنوان یکی از ۱۰ چهره تاثیرگذاری که نظریات آنها به شکل گیری سیاست های آتی در مورد آینده تسلیحات هسته ای کمک می کند معرفی شده است. متن کامل این گفتگو به شرح زیر است:

**|| همانطور که قبلا اعلام شد، ایالات متحده آمریکا همه تحریم های هسته ای علیه ایران را بازگرداند. آیا شما فکر می کنید که این تحریم ها در راستای منافع ملی ایالات متحده آمریکا در بلندمدت است؟**

اعمال مجدد تحریم های نفتی علیه ایران در تاریخ ۵ نوامبر بصورت یکجانبه از سوی دولت ترامپ با بی پروایی و بی مسئولیتی رئیس جمهور آمریکا و تصمیم او در ماه می برای نقض توافق هسته ای ایران همراه شد. ترامپ بدون اعتنا به تعهد ایران به این توافق، تحریم ها علیه تهران را مجددا اعمال کرد. این یک نمره منفی قابل توجه دیگر برای دولت ترامپ بود که در مسائل منع اشاعه تسلیحات هسته ای اعتبار کمی را دارد.

فشار حداکثری که دولت ترامپ از آن حرف می زند یک استراتژی مناسب برای جایگزین کردن برجام نیست. اگر چه در کوتاه مدت بعید است که تحریم های آمریکا موجب شود ایران به تعهدات خود در برجام عمل نکند اما در بلند مدت پایداری این توافق هسته ای در معرض خطر قرار می گیرد.

**|| آمریکا هشت کشور را بطور موقت از ممنوعیت خرید نفت ایران معاف کرده است. به نظر شما آیا این کشورها می توانند جایگزینی برای نفت ایران پیدا کنند؟**

دولت ترامپ تشخیص داد که در تاریخ ۵ نوامبر نمی تواند صادرات نفت ایران را به صفر رسانده و یا حتی صادرات این کشور را به نزدیکی صفر برساند از همین رو استثناهایی را قائل شد که به موجب آن کشورها می توانند به واردات نفت از ایران ادامه بدهند و این یک منفعت قابل لمس برای ایران است.

تاثیرات معاف شدن این هشت کشور از تحریم های نفتی ایران بر اقتصاد این کشور هنوز مشخص نیست. بخشی از این ابهام بدلیل آن است که هنوز جزئیات این معافیت ها از جمله اینکه کشورها چه میزان نفت از ایران می توانند وارد کنند مشخص نیست.

حتی با وجود این استثناءها، تحریم های جدید نفتی ایران را از برخی از فوایدی که به موجب توافق هسته ای ۲۰۱۵ برجام به تهران وعده داده شده بود محروم می کند. با این وجود ما انتظار نداریم که در کوتاه مدت و به دلیل این تحریم ها تغییری در پایداری ایران به تعهدات خود در برجام ایجاد شود.

**|| «استیو منوچین» وزیر خزانه داری آمریکا اعلام کرده که واشنگتن خواستار توقف سرویس دهی «شبکه جهانی پرداخت» (سوئیفت) برای طرف هایی است که تحریم های ایران را نقض می کنند در غیر اینصورت سوئیفت نیز ممکن است با تحریم های آمریکا مواجه شود، آیا آمریکا می تواند چنین کاری را انجام بدهد؟**

سوئیفت مجبور به همراهی با خواسته آمریکا نیست اما با اعلام ۵ نوامبر دسترسی برخی از بانک های ایرانی به سوئیفت قطع شد. سوئیفت اعلام کرده که از تصمیم برای تعلیق دسترسی بانک های ایران متاسف است اما این کار برای حفظ ثبات در سیستم بانکداری بین المللی ضروری است. این وضعیت کار را برای کشورهای دیگر از جمله متحدان

نزدیک آمریکا برای آنکه تجارت قانونی با ایران داشته باشند سخت می کند. این وضعیت بر عملکرد مکانیسم اتحادیه اروپا موسوم به «اس پی وی» (ساز و کار مالی مستقل اروپا) که اجازه تجارت قانونی با ایران را می دهد، تاثیر می گذارد و این امر خیلی مهم است.

**|| اگر ایران نتواند نفت صادر کرده و با سوئیفت کار کند، برجام چه معنایی دارد؟ منظور این است که اگر آمریکا نتواند اراده خود را بر این دو موضوع که برای ایران کلیدی هستند تحمیل کند آیا ماندن در برجام برای ایران منطقی است؟ اگر چنین اتفاقی رخ بدهد واکنش اتحادیه اروپا، چین و روسیه چگونه خواهد بود؟**

هرچند معافیت هایی برای صادرات نفت ایران اعلام شده اما همکاری در پروژه های هسته ای که در برجام به آنها اشاره شده به شکل مثبتی به ثبات این توافق مرتبط هستند و اعلام ۵ نوامبر و بازگشت تحریم های ایران تاثیری منفی بر اقتصاد ایران داشته و بهره مندی های ایران را که به موجب برجام به این کشور اعطا شده بود را کاهش می دهد.

پایبندی کشورهای باقی مانده در برجام شامل انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین به این توافق و گسترش موقعیت های انجام تجارت قانونی با ایران یک پیام مهم در خصوص حمایت سیاسی را مخابره کرد اما این امر نمی تواند زیان هایی را که با بازگشت تحریم های آمریکا متوجه ایران شده را جبران کند.

ما قویا تمامی طرف های حاضر در برجام را دعوت به ادامه عمل به تعهداتشان در برجام و حفظ تجارت قانونی با ایران فرا می خوانیم. جامعه جهانی باید قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل که توافق برجام را تأیید کرد، پایبند باشد و از همه کشورها بخواهد از آن حمایت کنند تا زمانی که آمریکا به تطبیق خود با این توافق پرداخته (به برجام بازگردد) و امکان مذاکرات جدید با رویکرد برد-برد برای تداوم برجام با تکیه بر اصول اصلی این توافق فراهم شود.

گفتگوی اختصاصی با محقق موسسه مطالعات خاورمیانه آمریکا:

## تحریمهای امریکا علیه مردم ایران است نه حاکمیت



جواد حیران نیا

کارهای مستقل از دلار تشدید می شود و پیگیری این مکانیسم شکل جدی تر و سریعتری به خود می گیرد و در مسیری حرکت خواهند کرد که دلار را از مبادلات خود حذف کنند.

**اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند و نتواند با سوئیفت کار کند، پس مفهوم برجام برای ایران چیست؟ منظورم این است که اگر ایالات متحده بتواند اراده خود را بر این دو موضوع کلیدی برای ایران تحمیل کند، آیا منطقی است ایران در برجام بماند؟**  
ماندن در برجام این امکان را به ایران می دهد تا به لحاظ اخلاقی اعلام کند که به تعهدات خود در قالب برجام پایبند بوده است و از مفاد این توافق عدول نکرده است.

**برخی استدلال می کنند که تحریمهای امریکا علیه ایران فقط نظام و نخبگان سیاسی آنرا هدف قرار داده است و تأثیری بر مردم عادی ندارد. نظر شما چیست؟**  
خیر، اینگونه نیست. بدون شک تحریمها علیه مردم ایران وضع شده اند نه فقط حاکمیت و این استدلال که تحریمهای امریکا بر مردم عادی ایران اثری ندارد کاملاً نادرست است.

**آیا مکانیسم اروپایی ها تحت عنوان "Special Purpose Vehicle" نیازهای تجاری ایران و منافع اقتصادی-مبادلاتی ایران ناشی از برجام را محقق خواهد کرد؟**  
مسئله این مکانیسم کامل نخواهد بود و تمام منافع ایران را تأمین نخواهد کرد. اما این مکانیسم قادر خواهد بود برخی آثار تحریمهای امریکا علیه ایران را کاهش و تخفیف دهد.

هر کار لازم را در راستای حفظ منافع و گسترش تجارت و همکاری های مالی و اقتصادی با ایران انجام می دهد و اقدامات جدید ویرانگر آمریکا را شدیداً محکوم می کنیم. در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با دکتر «جیمز دورسی» محقق ارشد موسسه مطالعات خاورمیانه آمریکا و استاد مدرسه مطالعات بین المللی دانشگاه فنی نانیانگ سنگاپور تنظیم نموده که در ادامه می آید.

**همانطور که قبلاً اعلام شد، ایالات متحده امریکا همه تحریم های هسته ای علیه ایران را بازگرداند. آیا شما فکر می کنید که این تحریم ها در راستای منافع ملی ایالات متحده امریکا در بلند مدت است؟**

شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه در حال حاضر قادر به پرداختن به این موضوع نیستیم. با توجه به شواهد خودتان می توانید آن را بررسی کنید.

در کوتاه مدت به صورت مشخص تحریمها به نفع منافع ملی امریکا خواهد بود. اما در بلند مدت بستگی به میزان توسعه و پیشرفت اقتصادی ایران دارد.

در واقع آنچه باعث می شود تحریمها به نفع ایالات متحده امریکا باشد یا خیر به خود ایران بستگی دارد که چقدر در مسیر توسعه و پیشرفت اقتصادی گام بردارد.

**«استیو منوچین» وزیر خزانه داری آمریکا اعلام کرده است که واکنشگتن می خواهد شبکه سوئیفت را به ائتصاصی که توسط تحریم های ایران تحت تأثیر قرار می گیرند قطع کند و هشدار داد که در غیر این صورت ممکن است سوئیفت نیز تحریم شود. آیا ایالات متحده می تواند این کار را انجام دهد؟**  
بله ایالات متحده قادر به انجام این کار خواهد بود. اما باید توجه داشت اگر چنین کاری را امریکا انجام دهد در این صورت تمایل کشورهای اروپایی برای ایجاد ساز و

«جیمز دورسی» معتقد است که تحریمها علیه مردم ایران وضع شده اند نه فقط حاکمیت و این استدلال که تحریمهای امریکا بر مردم عادی ایران اثری ندارد کاملاً نادرست است.

دولت آمریکا در دومین مرحله از اعمال تحریم ها علیه ایران بار دیگر بخشی از تحریم های متوقف شده را از سر گرفت.

«دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا، با تأکید دوباره بر اعمال «شدیدترین تحریمها» علیه ایران گفت: مقامات جمهوری اسلامی بالاخره برای مذاکره درباره توافق جدید اتمی باز خواهند گشت.

وی بار دیگر از برجام به عنوان توافقی بسیار بد یاد کرد و افزود: به جای آن توافق، شدیدترین تحریمها را علیه ایران اعمال می کنیم.

در واکنش، «دبتر کمف» رئیس اتحادیه فدرال اقتصاد آلمان در گفتگویی با خبرگزاری آلمان اظهار داشت: عواقب از سرگیری تحریم های امریکا علیه ایران کمی نگران کننده به نظر می رسد. اقدام اخیر امریکا می تواند بی ثباتی در خاورمیانه را به همراه داشته باشد، چرا که مناسبات و معادلات بین المللی تحت تأثیر این اقدام قرار می گیرد. همه می دانند که ایران چه نقش مهم و تأثیرگذاری در ثبات خاورمیانه دارد و این روند می تواند تأثیرات بدی به دنبال داشته باشد.

وزارت خارجه روسیه نیز با انتقاد از اقدام «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا، در باز گرداندن تحریم های هسته ای ایران، این اقدام را خطرناک و ضربه سخت دیگری بر «ان پی تی» خوانده و با صدور بیانیه ای اعلام کرد: موج جدید تحریم های ضد ایرانی اعلام شده از سوی آمریکا تحت فشار قرار دادن تلاش های در حال انجام از سوی کشورهای حاضر در توافق اقدام جامع مشترک (برجام) است.

مسکو اعلام کرده که با وجود تحریم های امریکا،

جواد حیران نیا - فاطمه محمدی

## گفتگوی اختصاصی با مدیر خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا: تحریم مجدد ایران، آمریکا را منزوی کرد



«کلسی داوینپورت» معتقد است اعمال مجدد تحریم ها فقط امنیت آمریکا و اهداف عدم گسترش سلاح های هسته ای را در معرض خطر قرار می دهد. دولت آمریکا در دومین مرحله از اعمال تحریم ها علیه ایران بار دیگر بخشی از تحریم های متوقف شده را از سر گرفت.

«دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا، با تاکید دوباره بر اعمال «شدیدترین تحریم ها» علیه ایران گفت: مقامات جمهوری اسلامی بالاخره برای مذاکره درباره توافق جدید اتمی باز خواهند گشت. وی بار دیگر از برجام به عنوان توافقی بسیار بد یاد کرد و افزود: به جای آن توافق، شدیدترین تحریم ها را علیه ایران اعمال می کنیم.

در واکنش، «دیترو کف» رئیس اتحادیه فدرال اقتصاد آلمان در گفتگویی با خبرنگاری آلمان اظهار داشت: عواقب از سرگیری تحریم های آمریکا علیه ایران کمی نگران کننده به نظر می رسد. اقدام اخیر آمریکا می تواند بی ثباتی در خاورمیانه را به همراه داشته باشد، چرا که مناسبات و معادلات بین المللی تحت تاثیر این اقدام قرار می گیرد. همه می دانند که ایران چه نقش مهم و تاثیرگذاری در ثبات خاورمیانه دارد و این روند می تواند تاثیرات بدی به دنبال داشته باشد.

وزارت خارجه روسیه نیز با انتقاد از اقدام «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا، در باز گرداندن تحریم های هسته ای ایران، این اقدام را خطرناک و ضربه سخت دیگری بر «ان پی تی» خوانده و با صدور بیانیه ای اعلام کرد: موج جدید تحریم های ضد ایرانی اعلام شده از سوی آمریکا تحت فشار قرار دادن تلاش های در حال انجام از سوی کشورهای حاضر در توافق اقدام جامع مشترک (برجام) است.

مسکو اعلام کرده که با وجود تحریم های آمریکا، هر کار لازم را در راستای حفظ منافع و گسترش تجارت و همکاری های مالی و اقتصادی با ایران انجام می دهد و اقدامات جدید ویرانگر آمریکا را شدیداً محکوم می کنیم.

در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «کلسی داوینپورت» مدیر بخش خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا، تنظیم نموده که در ادامه می آید.

**|| همانطور که قبلاً اعلام شد، ایالات متحده آمریکا همه تحریم های هسته ای علیه ایران**

را بازگرداند. آیا شما فکر می کنید که این تحریم ها در راستای منافع ملی ایالات متحده آمریکا در بلند مدت است؟

تصمیم ترامپ برای نقض قرارداد هسته ای با ایران و تحریم مجدد آن فقط واشنگتن را منزوی می کند، اعتبار ایالات متحده را تضعیف می کند و اجرای تحریم ها خطرناکی را برای این کشور ایجاد می کند. این یک ضربه جدی دیگر به دولت در حال حاضر کم اعتبار ترامپ در مورد مسائل مربوط به منع گسترش سلاح های هسته ای است.

با اعمال مجدد تحریم ها، علی رغم پایبندی ایران با برجام و برخلاف خواسته های متحدان کلیدی ایالات متحده آمریکا که از این موافقتنامه حمایت می کنند، دولت ترامپ آینده این توافق را بدون بیان طرحی واقعی برای جایگزینی آن در معرض خطر قرار می دهد.

رویکرد تحریم محور ترامپ، هنگامی که با یک رمپ دیپلماتیک واقعی و قابل اعتماد جفت می شود موثر است و برنامه دولت ترامپ برای مذاکره «توافق بهتر» با ایران هیچ یک از این دو نیست.

بنابراین این حرکت بی پروای اعمال مجدد تحریم ها فقط امنیت ایالات متحده آمریکا و اهداف عدم گسترش سلاح های هسته ای را در معرض خطر قرار می دهد. به همین دلیل برجام برای سیاستگذاران ایالات متحده آمریکا که از آن حمایت می کنند مهم است و آنها بر ارزش غیرمستقیم توافق تاکید می کنند و مسیر را برای ایالات متحده آمریکا باز نگه می دارد تا در آینده به این توافق بازگردد.

ایران ممکن است تمایل بیشتری به ماندن در برجام داشته باشد - حتی بدون سود پیش بینی شده اقتصادی - اگر طرفداران این توافق در ایالات متحده آمریکا از بازگشت آمریکا به برجام در دوره بعدی ریاست جمهوری خبر دهند.

**|| ایالات متحده آمریکا هشت کشور را به طور موقت از تحریم واردات نفت از ایران معاف کرد. آیا شما فکر می کنید این کشورها می توانند منابع دیگری را جایگزین نفت ایران کنند؟**

پیش بینی اینکه بازار نفت در ۱۸۰ روز آینده - زمانی که آمریکا باید مجدداً علیه ایران مجازات اعمال کند - چگونه خواهد بود، سخت است. واضح است که بازار تا ۵ ماه دیگر نمی تواند کاهش کامل صادرات نفت ایران - هدف اصلی دولت ترامپ - را حل کند.

بدون تردید، طی ۱۸۰ روز آینده، دولت ترامپ فشار را بر دولت هایی که از قانون کاهش بیشتر خرید نفت از ایران چشم پوشی می کنند، افزایش می دهد. اما این دوره فرصتی نیز به طرفداران برجام می دهد تا گزینه های اضافی را برای حفظ خرید قانونی نفت از ایران که توسط برجام مجاز است دنبال کنند.

**|| «استیو منوچین» وزیر خزانه داری آمریکا اعلام کرده است که واشنگتن می خواهد شبکه سوئیفت را به اشخاصی که توسط تحریم های ایران تحت تاثیر قرار می گیرند**

قطع کند و هشدار داد که در غیر این صورت ممکن است سوئیفت نیز تحریم شود. آیا ایالات متحده می تواند این کار را انجام دهد؟

دولت ترامپ می تواند سوئیفت را به عنوان بخشی از تلاش خود برای افزایش فشار بر ایران هدف قرار دهد. اما پیگیری تحریم های سوئیفت می تواند پیامدهای منفی برای ایالات متحده داشته باشد و دولت ترامپ باید قبل از رفتن به این مسیر با دقت در مورد این اثرات درازمدت فکر کند.

در حال حاضر تعدادی از دولت ها تحریم های خارج از قلمرو ایالات متحده آمریکا را به عنوان نقض حاکمیت خود می بینند و برجام بیشتر این ناامیدی را تشدید می کند. این واقعیت ممکن است دولتها را تحریک کند تا مکانیسم های دائمی جایگزینی را دنبال کنند که سیستم مالی ایالات متحده را دور بزنند.

اگر ایالات متحده آمریکا قصد داشته باشد سودمندی تحریم ها در دراز مدت را حفظ کند و تحریم ها یک ابزار مهم حکمرانی باشند - وقتی به عنوان بخشی از یک استراتژی بزرگتر با اهداف واقع بینانه مورد استفاده قرار می گیرند - باید با دقت بنگرد که چگونه هدف قرار دادن سوئیفت ممکن است توانایی ایالات متحده برای موفقیت تحریم ها در آینده را تضعیف کند.

**|| اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند و نتواند با سوئیفت کار کند، پس مفهوم برجام برای ایران چیست؟ منظورم این است که اگر ایالات متحده بتواند اراده خود را بر این دو موضوع کلیدی برای ایران تحمیل کند، آیا منطقی است ایران در برجام بماند؟ وظایف اتحادیه اروپا، روسیه و چین در خصوص حفظ این دو فاکتور چیست؟**

طرفهای باقیمانده این توافق - اتحادیه اروپا، فرانسه، آلمان، انگلستان، چین و روسیه - بارها تعهد خود را به اجرای برجام تا زمانی که تهران همچنان به توافق پایبند باشد، نشان داده اند و به درستی بر مزایای عدم گسترش سلاح های هسته ای و امنیت این توافق تاکید دارند.

این دولتها همچنین اقداماتی را انجام داده اند از جمله Special Purpose Vehicle مکانیسم ویژه برای ادامه همکاری اقتصادی با ایران را در نظر دارند تا منافع اقتصادی پیش بینی شده در توافق را حفظ کنند.

در حالی که دولت ها نمی توانند شرکت ها را مجبور به تجارت با ایران کنند، اقدامات انجام شده توسط اتحادیه اروپا یک سیگنال قوی سیاسی برای حمایت از برجام ارسال می کند.

علاوه بر این، در حالی که برجام بر لغو تحریم ها تاکید کرد، این توافق حاوی مزایای دیگری برای ایران است که هنوز حفظ می شود از جمله در پروژه های همکاری هسته ای و حذف محدودیت های سازمان ملل بر فعالیت های هسته ای ایران. بهترین وضعیت برای ایران این است که به طور کامل به برجام پایبند باشد و با گزینه P4 + 1 برای حفظ تجارت مشروع کار کند.



# خاورميانه و شمال افريقا

# درسی که عراقی‌ها به رئیس‌جمهور آمریکا دادند / ترامپ عبرت می‌گیرد؟

رامین حسین آبادیان



سفر غیرمنتظره رئیس‌جمهوری آمریکا به عراق با پاسخ قاطعانه تمامی اقصای این کشور همراه شد؛ پاسخی که انتظار می‌رود ترامپ در تعیین خط مشی سیاسی خود در قبال عراق، از آن عبرت گرفته باشد.

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در ادامه سلسله اقدامات عجیب و غریب خود از زمان تکیه زدن بر کرسی ریاست جمهوری در این کشور، روز چهارشنبه هفته گذشته به صورت مخفیانه به عراق سفر کرد. ترامپ پس از ورود به خاک عراق مستقیماً به پایگاه آمریکایی «عین الاسد» در الانبار رفت تا با نظامیان مستقر در آن دیدار کند.

ترامپ در جریان این سفر محرمانه و غیرمنتظره همسرش ملانیا را نیز با خود همراه ساخته بود. آنها پس از ورود به پایگاه عین الاسد واقع در استان الانبار اقدام به سلفی گرفتن‌های متعدد از خود با نظامیان آمریکایی کردند؛ گویی که خاک عراق به صحنه تبلیغات انتخاباتی رئیس‌جمهوری آمریکا تبدیل شده است.

## نقض حاکمیت ملی عراق

جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد که سفر غیرمنتظره و محرمانه رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا به عراق، نقض حاکمیت ملی این کشور و اهانت به مسئولان آن محسوب می‌شود. این سفر برخلاف موازین و قوانین دیپلماتیک انجام شد.

شایسته آن بود که رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا ضمن رعایت موازین دیپلماتیک، مقامات عراقی را به صورت رسمی در جریان زمان دقیق سفر خود به این کشور می‌گذاشت تا بدین ترتیب، خود نیز آماج حملات و هجمه‌های سیاسی، رسانه‌ای و مردمی در عراق و حتی منطقه قرار نگیرد.

کارشناسان و ناظران سیاسی بر این باورند که ایالات متحده آمریکا پس از متحمل شدن شکست سنگین در عراق، اکنون به هر نحوی تلاش می‌کند تا حضور خود در این کشور را مسأله‌ای عادی و طبیعی جلوه دهد. بدین ترتیب، سفر غیرمنتظره و محرمانه ترامپ به خاک عراق آن هم برخلاف موازین دیپلماتیک را نمی‌توان با این مسأله بی‌ارتباط دانست.

در هر صورت، آنچه که اتفاق افتاده، نقض صریح حاکمیت ملی عراق محسوب می‌شود؛ هرچند که رئیس‌جمهوری آمریکا به منظور رهایی از فشارهایی که به دلیل اقدام غیرمعتادش به وی تحمیل شده، تلاش می‌کند مسیر فرافکنی را در پیش گرفته و از اقدام خود دفاع کند.

## استقبال با طعم موشک

مقامات، احزاب، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و همچنین مردم عراق از سفر محرمانه و غیرمنتظره «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا به این کشور هیچگونه استقبالی به عمل نیاوردند تا به رئیس‌جمهوری آمریکا این پیام را مخابره کنند که هر دیپلماتی در هر جایگاهی هم که باشد، باید به حاکمیت ملی عراق احترام بگذارد و در غیراین صورت متقابلاً، احترامی هم نخواهد دید.

با این حال، سفر غیرمنتظره رئیس‌جمهوری عراق به آمریکا بدون استقبال هم نبود و عراقی‌ها به سبک خود از او استقبال به عمل آوردند و همزمان با سفر ترامپ،

را از عراق بیرون بکشد». وی سفر غیرمنتظره ترامپ به عراق و مختصر کردن آن به دیدار با سربازان آمریکا در یک پایگاه نظامی را نشانه عدم احساس امنیت او در عراق دانست. الحسینی گفت که فرماندهان مقاومت اسلامی در عراق وعده داده‌اند که دستانی که خواهد به کشورهای همسایه از جمله سوریه تعدی کند قطع خواهند کرد. وی تأکید کرد که تصمیم بر خروج نیروهای آمریکا از عراق نه به‌دست ترامپ که در اختیار ملت و پارلمان عراق است.

در همین حال، «هاشم الموسوی» سخنگوی رسمی جنبش التجیاء در واکنش به سفر ترامپ گفت: دونالد ترامپ رئیس‌جمهور احق آمریکا باید بداند که حاکمیت عراق با خون شهدا به دست آمده است و ایجاد پایگاه‌ها (ی نظامی) در کشور مقاومت و شهدا امکان ندارد. وی افزود: بر دولت واجب شد که نیروهای آمریکایی را بیرون کند چرا که نقض حاکمیت کشور بشمار می‌روند. وی با تأکید بر اینکه توهین به حاکمیت عراق توسط ترامپ بدون مجازات نخواهد ماند، تصریح کرد: ما اجازه نخواهیم داد که عراق پایگاهی برای تهدید کشورهای همسایه باشد.

## ترامپ عبرت می‌گیرد؟

اکنون این سؤال ذهن افکار عمومی را به خود مشغول ساخته که آیا «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا از اتفاقاتی که برای وی در عراق رخ داد و درسی که احزاب، جریان‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی به وی دادند، درس عبرت می‌گیرد یا نه. هرچند ترامپ تلاش می‌کند وانمود کند که سفر وی به عراق موفقیت آمیز بوده است، اما خود نیز به خوبی می‌داند که این تلاش مذبوحانه چیزی از واقعیت را تغییر نمی‌دهد.

واکنش‌های به موقع، سنجیده و قاطعانه احزاب و جریان‌ها و ائتلاف‌های پارلمانی عراق و همچنین اعتراضات گسترده مردمی به سفر سرزده، غیرمنتظره و محرمانه دونالد ترامپ به این کشور، درس بزرگی بود که عراقی‌ها به صورت یکصدا و یکپارچه به رئیس‌جمهوری آمریکا دادند و اکنون باید دید که آیا او از این درس مهم، عبرت می‌گیرد و یا به رویکرد خود در قبال عراق ادامه می‌دهد؛ که در این صورت، باید منتظر پاسخ قاطعانه تری از سوی دولت، ملت و احزاب سیاسی عراق باشد.

سفارت واشنگتن در منطقه سبز بغداد را هدف شلیک دو موشک قرار دادند تا بدین سان، استقبال از ترامپ طعم موشک به خود گیرد!

عراقی‌ها این پیام را به رئیس‌جمهوری آمریکا ارسال کردند که بی‌توجهی به حاکمیت ملی کشورشان موجب پهن کردن فرش قرمز برای او نخواهد شد و بلکه برعکس، واکنش قاطعانه آنها را در پی خواهد داشت. این اقدام عراقی‌ها موجب ظهور و بروز نوعی ترس و وحشت در ترامپ شد و خود نیز به این مسأله اقرار کرد.

## پیام قاطعانه گروه‌های سیاسی به رئیس‌جمهوری آمریکا

سفر محرمانه ترامپ به عراق و اظهاراتش درباره استفاده از پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق برای حمله به سوریه در صورت لزوم و رعایت نکردن اصول دیپلماتیک و خودداری از رفتن به بغداد با واکنش تند مردم و جریان‌های سیاسی عراق روبرو شد.

در ابتدا ائتلاف اصلاح و سازندگی در پارلمان عراق با صدور بیانیه‌ای سفر ترامپ را محکوم و اعلام کرد: «اقدام رئیس‌جمهوری آمریکا در نقض آشکار حاکمیت عراق و ورودش به پایگاه عین‌الاسد در الانبار به گونه‌ای بود که گویا این کشور ایالتی از ایالت‌های آمریکا است. برگزاری جلسه فوق‌العاده پارلمان امری ضروری برای بررسی این نقض حاکمیت ضروری گشته است».

ائتلاف البناء عراق نیز در بیانیه‌ای سفر رئیس‌جمهوری آمریکا به این کشور را نقض آشکار و واضح قوانین و موازین دیپلماتیک دانست و تأکید کرد این سفر بیانگر برخورد برتری‌جویانه ترامپ در قبال دولت عراق است. «محمود الریعی» عضو دفتر سیاسی جریان «عصائب اهل الحق» نیز گفت: «ورود این چنینی ترامپ به عراق دلیلی بر بی‌توجهی آمریکا به استقلال، حاکمیت و اعتبار دولت (بغداد) است و همین امر، این مسأله را ضروری می‌سازد که بر لزوم سرعت بخشیدن به تصویب قانونی جهت اخراج نیروهای بیگانه از عراق تأکید کنیم».

«جعفر الحسینی» سخنگوی «گردان‌های حزب‌الله عراق»، وابسته به الحشد الشعبی، گفت: «این نیروهای مقاومت اسلامی هستند که آمریکا را مجبور خواهند کرد نیروهایش



تاکید دمشق؛ تکذیب آنکارا؛

سایه سنگین تحولات «منبج» بر مذاکرات صوری روسیه و ترکیه



در بیانیه وزارت دفاع ترکیه از همه گروه‌ها در شمال سوریه خواسته شده است تا از هر اقدامی که موجب افزایش بی‌ثباتی در این منطقه شود، پرهیز کنند.

در این بیانیه گفته شده است که گروه‌های YPG/ PKK حق ندارند که دیگر گروه‌ها و واحدها را به منطقه فرا بخوانند و این اقدام آنها غیرقانونی و به منزله تحریک بی‌ثباتی بیشتر در شمال سوریه است.

بنا بر اعلام یک مقام آمریکایی که نخواستگی است نامش فاش شود نیز آن دسته از نیروهای آمریکایی که همچنان در شهر منبج باقی مانده‌اند و مواضع خود را حفظ کرده‌اند می‌گویند که هیچ نشانی از ارتش سوریه در درون شهر دیده نمی‌شود و به این ترتیب اعلام ارتش و رسانه‌های دولتی سوریه مبنی بر کنترل دولت مرکزی بر منبج نادرست است.

کردهای «پی پ گ» از دولت مرکزی سوریه خواسته بودند تا از این شهر در مقابل تهدیدات ترکیه حمایت کند. بنا بر آخرین اخبار رسیده از منابعی همچون دیدبان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن، ارتش سوریه روز جمعه در حوم منبج مستقر شده و از ورود به داخل شهر خودداری کرده است.

شورشیان تحت حمایت ترکیه نیز در همان نزدیکی حضور داشتند و به همین دلیل ارتش سوریه سعی کرده است با ایجاد موانعی میان دو طرف فاصله‌ای ایجاد کند. بنا بر اعلام یک مقام آمریکایی که نخواستگی است نامش فاش شود نیز آن دسته از نیروهای آمریکایی که همچنان در شهر منبج باقی مانده‌اند و مواضع خود را حفظ کرده‌اند می‌گویند که هیچ نشانی از ارتش سوریه در درون شهر دیده نمی‌شود.

شهر منبج در سال ۲۰۱۶ از تصرف داعش آزاد شد و پس از آن نیروهای کرد مورد حمایت آمریکا در این شهر مستقر شدند اما اکنون با توجه به تحولات در حال انجام در این شهر پیش‌بینی می‌شود که کانون تحولات آتی سوریه باشد.

ورود ارتش به این شهر تأیید نشده است. یک هیأت از سوی ترکیه عازم روسیه می‌شود و در خصوص مسأله شهر منبج با طرف روسی رایزنی می‌کند و ممکن است من یا ولادیمیر پوتین همتای روس خود دیدار داشته باشند.

وی افزود: ترکیه می‌خواهد به کردهای مسلح در سوریه درس بدهد. آنکارا با تجزیه سوریه مخالف است و هدف ما خروج گروه‌های تروریستی از آن است و در صورت تحقق این هدف هیچ کاری برای انجام دادن در این کشور نداریم.

واکنش ائتلاف آمریکایی به تحولات منبج

ائتلاف بین‌المللی مدعی شد که شواهدی مبنی بر تغییر اوضاع نظامی در منبج مشاهده نمی‌شود و اینکه از ورود ارتش سوریه به منبج خبر داده شده، نادرست است. شایان ذکر است که فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده بود: با توجه به مسئولیت نیروهای مسلح برای حمایت قرار دادن تمامی خاک این کشور و در پاسخ به درخواست اهالی منطقه منبج، نیروهای ارتش سوریه وارد این منطقه شده و پرچم سوریه را در آن به اهتزاز درآوردند. ما بر اهمیت تقویت تلاش‌های تمام مردم سوریه برای حمایت از کشور و مبارزه با تروریسم و اشغالگران و بیرون راندن آنها از خاک سوریه تأکید داریم.

این در حالی است که، فرماندهی نیروهای دموکراتیک سوریه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که این نیروها از شهر منبج واقع در شمال شرق سوریه عقب نشینی می‌کنند و از دولت سوریه می‌خواهند با حضور در این مناطق حمایت لازم را از این نیروها در برابر حمله احتمالی ترکیه به عمل آورند.

وزارت دفاع ترکیه نیز قبلاً با صدور بیانیه‌ای نسبت به تحرکات در شمال سوریه و به ویژه در شهر منبج هشدار داد.

وزیران دفاع و خارجه ترکیه به روسیه رفته‌اند تا در خصوص آخرین تحولات سوریه رایزنی کنند. پیامدهای تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری ایالات متحده، برای خارج کردن نظامیان آمریکایی از سوریه همچنان ادامه دارد به طوری که قرار است امروز در مسکو وزیران دفاع و خارجه ترکیه با همتایان روسی خود مذاکراتی را در این خصوص انجام دهند.

به نظر می‌رسد تمرکز این مذاکرات در خصوص نحوه برخورد با نیروهای کرد سوریه است که تا پیش از این مورد حمایت آمریکا بودند و در روزهای اخیر خبرهایی در خصوص توافق آنها با دولت سوریه و ورود ارتش سوریه به شهر منبج منتشر شده است.

دیروز جمعه پس از انتشار بیانیه ارتش سوریه مبنی بر ورود به منبج، شورشیان تحت حمایت ترکیه نیز اعلام کردند که به همراه نیروهای ترکیه حرکت خود را به سمت این شهر آغاز کرده‌اند تا «عملیات نظامی برای آزادسازی آن را شروع کنند» بنا بر اعلام شاهدان در روز جمعه، کاروان شورشیان تحت حمایت ترکیه حاوی مسلسل و خودروهای زرهی به سمت منبج در حرکت بودند.

حرکت شورشیان به سمت شهر در حالی انجام شد که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه پیش‌تر اعلام کرده بود «اگر شبه‌نظامیان کرد از منبج خارج شوند کاری در این شهر نداریم». با این وجود رئیس‌جمهوری ترکیه پس از ساعاتی لحن خود را تغییر داد و گفت که عجله‌ای برای حمله به منبج ندارد. او افزود قرار است شماری از مقامات کشورش روز شنبه به روسیه سفر کنند تا با مقامات کرملین درباره سوریه به گفتگو بپردازند.

واکنش اردوغان به تحولات منبج

رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه در گفتگو با خبرنگاران ورود ارتش سوریه به شهر منبج را در چارچوب یک جنگ روانی توصیف کرد و گفت: هنوز

## نقض آتش بس در «الحدیده» به سبک سعودی / ماشین کشتار متوقف شدنی نیست

رامین حسین آبادیان



مبارزه می‌کنند. بیش از ۶ هزار کودک از ابتدای جنگ علیه یمن در ۲۰۱۵ میلادی تاکنون کشته یا زخمی شده‌اند. بیش از ۲۰ هزار نفر در الحدیده به آب و غذا و دارو نیاز مبرم دارند». با وجود تمامی این مصائب که البته موارد مذکور تنها قطره‌ای از دریای جنایت متجاوزان علیه یمنی‌ها محسوب می‌شود - سازمان ملل باز هم ترجیح می‌دهد در نقش نظاره‌گر تحولات یمن، حاضر شود.

### مقاومت یمن قدرتمندتر از گذشته

با وجود تمامی آنچه که در خصوص اقدامات ریاض برای زدن تیر خلاص به توافق سیاسی استکهلم گفته شد، اما باید به این مسأله نیز اشاره کرد که گروه‌های مقاومت یمن و در رأس آنها جنبش «أنصارالله» نه تنها در برابر سرریال تجاوزگری نظامی سعودی دست بسته ننشسته‌اند بلکه قدرتمندتر از گذشته به حملات وحشیانه آنها علیه غیرنظامیان بی‌دفاع و بی‌گناه، پاسخ می‌دهند. نباید این واقعیت را فراموش کرد که این قدرت نظامی، دفاعی و بازدارندگی مقاومت یمن بود که مزدوران سعودی و مهره‌های دست‌نشانده آنها را به پای میز مذاکرات در استکهلم کشاند. اکنون نیز همین واقعیت (قدرت نظامی و دفاعی مقاومت یمن) دامن‌گیر متجاوزان و مزدوران سعودی در صحنه نبردهای میدانی شده و خواب را از چشمان آنها ربوده است.

در طول مدت زمانی که از حصول توافق سیاسی در سوئد و برقراری آتش بس در الحدیده سپری می‌شود و سعودی‌ها و متحدانشان به صورت مداوم اقدام به نقض این توافق مبادرت ورزیده‌اند، نیروهای مقاومت یمن نیز ضربات سخت، مهلک و غیرقابل جبرانی را به صفوف آنها تحمیل کرده‌اند. به عنوان نمونه، اخیراً یگان پهبادی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن، تجمع بزرگ مزدوران رژیم سعودی را در یکی از پایگاه‌های نظامی در «الجوف» را هدف قرار داد. سرتیپ «یحیی سریع» سخنگوی رسمی نیروهای مسلح یمن، اعلام کرد: یگان پهبادی یمن، تجمع بزرگ مزدوران سعودی را در پایگاه «السویقا» در منطقه «الیتمه» در الجوف هدف قرار داد.

وی همچنین گفت: مزدوران هدف قرار گرفته شده در حال آماده شدن برای انجام عملیاتی جدید و تشدید درگیری‌ها در استان الجوف به نفع ائتلاف سعودی بودند. وی افزود: در این حمله، دهها نفر از نیروهای مذکور کشته و شماری دیگر زخمی شدند و موجی از ترس و وحشت در صفوف نیروهای متجاوز به وجود آمد.

در هر صورت، واقعیت آن است که سعودی‌ها به دلیل عدم تحقق اهدافشان در جریان مذاکرات صلح سوئد، اکنون به همان مسیر سابق خود یعنی کشتار بی‌رحمانه مردم بی‌گناه ادامه می‌دهند؛ حال آنکه خود نیز به خوبی می‌دانند که قدرت نظامی و دفاعی امروز مقاومت یمن قابل قیاس با آنچه که در اوایل تجاوز نظامی به این کشور، شاهد بودند، نیست.

طبق اعلام سخنگوی نیروهای مسلح یمن، ائتلاف متجاوز عربی به سرکردگی رژیم سعودی تاکنون ۲۲۳ مرتبه آتش بس در الحدیده را نقض کرده است و این امار با توجه به تداوم حملات تجاوزکارانه سعودی، رو به فزونی است.

### سازمان ملل تنها در نقش نظاره‌گر

از آغاز جنگ ظالمانه علیه مردم بی‌دفاع و بی‌گناه یمن در فروردین ماه سال ۹۴ تاکنون، سازمان ملل متحد به هیچ‌یک از مسئولیت‌های سازمانی، حقوقی و انسانی خود در قبال یمنی‌ها عمل نکرده است و به نوعی تنها در نقش تماشاچی جنایت‌های رژیم سعودی و متحدانش علیه غیرنظامیان یمنی ظاهر شده است. این سازمان تحت تأثیر نفوذ سیاسی و مالی متحدان فرمانطقه‌ای ریاض در طول این مدت از هیچ‌یک از ابزارها و ظرفیت‌های جهت متوقف ساختن ماشین کشتار سعودی بهره‌برداری نکرده است.

اکنون نیز که آتش بس در یمن از روز سه‌شنبه هفته گذشته به مرحله اجراء درآمده و سعودی‌ها حصول توافق سیاسی را به هیچ‌انگاشته و آن را آشکارا زیر پای گذاشته‌اند، همچون گذشته شاهد تداوم نقش منفعلانه سازمان ملل متحد به عنوان بزرگترین و اصلی‌ترین سازمان متولی مسائل حقوق بشری در جهان، هستیم. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که حتی توافق سیاسی استکهلم در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به تصویب رسیده است.

این انفعال‌گشونده در قبال جنایت‌هایی که توسط سعودی‌ها و متحدانشان صورت می‌گیرد، در شرایطی است که حتی در سایه بایکوت رسانه‌ای واقعیت‌های میدانی در یمن، گزارش‌های تکان‌دهنده و حیرت‌آوری از وضعیت انسانی در این کشور به گوش می‌رسد. به عنوان مثال، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل موسوم به «یونیسف» با انتشار گزارشی تأکید کرده است: «بیش از ۱۱ میلیون کودک یمنی از کمبود غذا در سایه نبود کمک‌های انسان‌دوستانه رنج می‌برند. هر ۱۰ دقیقه یک کودک در یمن به دلیل بیماری‌هایی که قابل پیشگیری هستند، می‌میرد».

این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد در ادامه گزارش خود می‌آورد: «۴۰۰ هزار کودک یمنی از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند و برای زنده ماندن

در حالی که دو هفته از حصول توافق آتش بس در الحدیده در مذاکرات صلح «استکهلم» سپری می‌شود، اما ماشین کشتار سعودی در این شهر در سایه سکوت جامعه جهانی، به کار خود ادامه می‌دهد.

در حال حاضر دو هفته از مذاکرات صلح یمن در شهر استکهلم پایتخت سوئد سپری می‌شود؛ جایی که گروه‌های مقاومت یمن و هیأت نمایندگی از دولت مستعفی این کشور بر روی میز مذاکرات در مقابل یکدیگر نشستند و در نهایت بر سر برقراری آتش بس در الحدیده و موارد محل اختلاف دیگر، به توافق رسیدند.

این توافق که به نوع خود اولین توافق طرف‌های درگیر از زمان آغاز تجاوز نظامی سعودی به یمن محسوب می‌شود، بارقه امید را در قلب‌های مردم این کشور ایجاد کرد و موجب شد تا آنها بیش از پیش به پایان کابوس ویران‌کننده و خانمان‌سوزی که سعودی و متحدانش بر سرشان نازل کردند، امیدوار شوند. با این حال، خیلی زود امید حیات بخش مردم یمن پس از توافق استکهلم به رؤیایی دست نیافتنی برایشان تبدیل شد.

علت تبدیل امید فزاینده مردم یمن به یک رؤیای غیرقابل دسترس به سلسله اقدامات خصمانه رژیم سعودی و متحدان آن باز می‌گردد که هر چه را که در چنته داشتند برای به شکست کشاندن توافقات سیاسی حاصل شده در مذاکرات صلح استکهلم به کار بستند. سعودی‌ها حتی حاضر به توقف حملات وحشیانه خود به شهر الحدیده و منازل غیرنظامیان در ساعات اولیه توافق سیاسی، نشدند.

### آتش‌بسی که چند ساعت دوام آورد

علیرغم توافق حاصل شده در شهر استکهلم سوئد که همانطور که پیشتر گفته شد یکی از مهمترین بندهای آن برقراری آتش بس در شهر الحدیده بود، اما رژیم سعودی ضمن نقض این اصل مهم، در همان ساعات اولیه اجرایی شدن توافق یعنی بامداد روز سه‌شنبه هفته گذشته، حملات خود به الحدیده را حتی شدیدتر و دامنه‌دارتر از گذشته از سرگرفت. در همین ارتباط، «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن صراحتاً اعلام کرد که جنگنده‌های سعودی و متحدان آن در ائتلاف متجاوز عربی در ساعات اولیه آغاز توافق آتش بس، بیش از ۴۰ مرتبه مناطق مختلف یمن از جمله شهر الحدیده را بمباران کردند. همین اظهارات سخنگوی نیروهای مسلح یمن کافی بود تا افکار عمومی نسبت به پایبندی ریاض به تعهدات مهره‌ها و مزدورانش در مذاکرات استکهلم، تشکیک کرده و دوام توافق سیاسی را در هاله‌ای از ابهام ببینند.

اکنون که دو هفته از حصول توافق و بیش از ۱۰ روز از اجرایی شدن آن در الحدیده سپری می‌شود، رژیم سعودی و هم‌پایه‌های آن بیش از ۲۰۰ مرتبه به نقض آتش بس در الحدیده مبادرت ورزیده‌اند.

## شمارش معکوس برای نبرد سرنوشت ساز در «منبج» / مقاومت در اوج آمادگی

رامین حسین آبادیان



در حالی شمارش معکوس برای عملیات احتمالی ترکیه در شهر «منبج» آغاز شده است که نیروهای مقاومت سوری برای خنثی سازی هرگونه اقدام تجاوزکارانه علیه این شهر استراتژیک در اوج آمادگی قرار دارند.

دولت آنکارا مدتهاست که اعلام کرده قصد دارد شهر گردنشین «منبج» در شمال استان حلب و در نزدیکی با مرزهای ترکیه را مورد هجوم قرار دهد. مقامات آنکارا هدف از این عملیات قریب الوقوع را استقرار نیروهای دموکراتیک کرد سوری در منبج اعلام کرده اند.

این ادعا در حالی مطرح شده است که شهر منبج به طور کامل جزو اراضی سوری محسوب می شود و هرگونه عملیات نظامی خارجی در آن بدون مجوز دولت دمشق، نقض حاکمیت ملی و وحدت اراضی سوریه به شمار می رود. ترکیه با وجود آگاهی از قوانین بین المللی در خصوص حاکمیت ملی و وحدت اراضی کشورهای دارای حاکمیت مستقل همچون دمشق، قصد دارد عملیات خود در منبج را کلید بزند.

این در حالی است که دمشق نیز صراحتا اعلام کرده که در مقابل هرگونه عملیات خارجی احتمالی در اراضی خود می ایستد و اجازه نمی دهد که هیچ کشوری حاکمیت ملی آن را نقض کند. سلسله تحولات اخیر از جمله اعلام تصمیم خروج آمریکا از سوریه و همچنین اظهارنظرهای متعدد مقامات ترکیه ای حاکی از قریب الوقوع بودن عملیات غیرقانونی در شهر منبج واقع در حلب است.

در همین راستا، وزارت دفاع ترکیه با صدور بیانیه ای نسبت به تحرکات در شمال سوریه و بویژه در شهر منبج هشدار داد. در بیانیه وزارت دفاع ترکیه از همه گروه ها در شمال سوریه خواستار شده است تا از هر اقدامی که موجب افزایش بی ثباتی در این منطقه شود، پرهیز کنند. در این بیانیه گفته شده است که گروه های YPG/PKK حق ندارند که دیگر گروه ها و واحدها را به منطقه فرابخوانند و این اقدام آن ها غیرقانونی و به منزله تحریک بی ثباتی بیشتر در شمال سوریه است.

### اهمیت استراتژیک شهر «منبج»

واقعیت این است که شهر منبج واقع در حلب از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است و همین اهمیت و ویژگی موجب شده تا مقامات آنکارا تصمیم به انجام عملیات نظامی در این شهر بگیرند. شهر منبج در واقع، دروازه شرقی شهر حلب محسوب می شود. از شهر حلب به سمت شرق، دو بزرگراه و جاده ترانزیتی وجود دارد که یکی از آن ها به سمت شهر «الباب» و دیگری به سمت «دیر حافر» می باشد. بزرگراه الباب حلب، مهم ترین جاده ترانزیتی شمال سوریه است که بخشی از مسیر تاریخی جاده ابریشم را در برمی گیرد. این بزرگراه در واقع بزرگراه ارتباطی «حسکه» به

هموار سازد و آنکارا و دمشق این مسأله را به خوبی می دانند.

در همین ارتباط، «عبدالرحمن عباره» تحلیلگر سوری با اشاره به سلسله تحولات اخیر در شهر منبج و همچنین اعلام تصمیم عقب نشینی نیروهای آمریکایی از سوریه و تصمیم آمریکا برای حمله به منبج، معتقد است: «یک واقعیت آشکار و انکارناپذیر وجود دارد و آن، اینکه هر کس سریعتر موفق به تسلط بر منبج شود، بدون شک می تواند در سریعترین زمان بر بخش عمده ای از شرق فرات نیز مسلط شود».

### فراکنی آنکارا برای سرپوش نهادن بر دستاورد مقاومت

هنوز ساعاتی از ورود ارتش سوریه به منبج نگذشته بود که فراکنی آنکارا در این خصوص شروع شد. رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه در گفتگو با خبرنگاران ورود ارتش سوریه به شهر منبج را در چارچوب یک جنگ روانی توصیف کرد. وی در ادامه افزود: هنوز ورود ارتش به این شهر تأیید نشده است. اردوغان هم چنین گفت: یک هیأت از سوی ترکیه فردا عازم روسیه می شود و در خصوص مسأله شهر منبج با طرف روسی رایزنی می کند و ممکن است من با ولادیمیر پوتین همتای روس خود دیدار داشته باشم.

وی همچنین افزود: ترکیه می خواهد به کردهای مسلح در سوریه درس بدهد. آنکارا با تجزیه سوریه مخالف است و هدف ما خروج گروه های تروریستی از آن است و در صورت تحقق این هدف هیچ کاری برای انجام دادن در این کشور نداریم. این اظهارات اردوغان در حالی مطرح می شود که نیروهای سوری حتی پرچم کشور خود را نیز بر فراز آسمان منبج به اهتزاز در آورده اند و تصاویر آن نیز منتشر شده است. به همین دلیل می توان گفت که اظهارات مقامات ترکیه ای نوعی فراکنی

«حلب» می باشد که در طول مسیر از «منبج» و «الباب» می گذرد.

دومین اهمیت استراتژیک شهر منبج به نزدیکی بسیار زیاد آن به الرقه باز می گردد. اگر شهرهای بزرگ واقع در تمامی استان حلب را در نظر بگیریم، این شهر منبج است که بیش از هر شهر دیگری در حلب به استان الرقه نزدیک تر است. بنابراین، هرگونه تسلط بر شهر منبج از سوی هر طرفی، می تواند در سیر تحولات الرقه و حاکمیت آن نیز تأثیرگذار باشد. لذا کاملا واضح است که در صورت تسلط نیروهای مقاومت سوری بر شهر منبج، الرقه را نیز باید در حوزه حاکمیت دمشق قلمداد کرد. اهمیت استراتژیک دیگر شهر منبج در نزدیکی آن به مرزهای ترکیه باز می گردد. البته شهر منبج حدود ۴۰ کیلومتر از مرزهای ترکیه فاصله دارد اما مقاومت آنکارا به خوبی می دانند که تسلط نیروهای مقاومت سوری بر این شهر می تواند به کنترل بیش از پیش مرزهای مشترک میان دو طرف توسط دمشق بینجامد. این مسأله نیز ذهن حاکمان ترکیه را به خود مشغول ساخته است.

### منبج؛ سرآغاز عملیات شرق فرات

می توان از عملیات احتمالی ترکیه در شهر منبج به عنوان سرآغازی برای عملیات نظامی این کشور در شرق فرات یاد کرد. هرچند که شهر منبج در غرب فرات واقع شده است اما اهمیت استراتژیک آن به ویژه پس از اعلام تصمیم آمریکایی ها برای خروج از سوریه، موجب شده تا مقامات آنکارا به آن به عنوان تونل ورودی به عملیات شرق فرات، بنگرند. در واقع، از یک سوی مناطق واقع در غرب فرات دارای پیوستگی سرزمینی با مناطق واقع در شرق فرات هستند و از سوی دیگر، شهر منبج آخرین نقطه تحت سیطره نیروهای دموکراتیک کرد سوری در غرب فرات است. بنابراین، هرگونه تسلط بر شهر منبج می تواند مسیر تسلط بر شرق فرات را نیز



برای سرپوش گذاشتن بر دستاورد مقاومت در منبج محسوب می‌شود.

### روس‌ها: حاکمیت دولت مرکزی تثبیت شد

ورود قدرتمندانه نیروهای مقاومت سوری به شهر منبج همچنین واکنش مقامات روسی را نیز به دنبال داشت. «دمیترو پسکوف»، سخنگوی کاخ کرملین روسیه ضمن استقبال از ورود نیروهای ارتش سوریه به شهر منبج در شمال سوریه، آن را پیروزی بزرگی نامید که نشانه تثبیت حاکمیت دولت مرکزی سوریه بر مناطق کردنشین است. پسکوف همچنین ورود ارتش سوریه به منبج را گامی روبه جلو در مسیر دستیابی به ثبات و صلح داخلی در سوریه پس از هفت سال جنگ در این کشور عنوان کرد.

پس واضح است که اقدام نیروهای مقاومت سوری در ورود به شهر منبج در راستای حمایت، حفاظت و حراست از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی سوریه صورت گرفته است و هیچ کشوری نمی‌تواند به این مسأله اعتراضی داشته باشد. درست به همین دلیل است که می‌توان گفت موضع صریح و شفاف مقامات روسی در خصوص ورود نیروهای سوری به منبج با قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل مطابقت دارد.

ارتش سوریه وارد این منطقه شده و پرچم سوریه را در آن به اهتزاز درآوردند. در ادامه این بیانیه آمده است: ما بر اهمیت تقویت تلاش‌های تمام مردم سوریه برای حمایت از کشور و مبارزه با تروریسم و اشغالگران و بیرون راندن آنها از خاک سوریه تاکید داریم.

### پایان سخن

ماحصل آنچه که گفته شد نشان می‌دهد که شهر منبج از اهمیت فوق‌العاده‌ای چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ جغرافیایی برخوردار است و از همه مهمتر، نیروهای مقاومت سوری با آمادگی کامل منتظر مقابله با هرگونه ماجراجویی نظامی تجاوزکارانه در این شهر هستند. اکنون که بیش از ۹۵ درصد از اراضی اشغال شده سوری آزاد شده، بدون شک نیروهای مقاومت برای مواجهه با هرگونه تجاوز خارجی در اوج آمادگی قرار دارند.

پی در پی ترکیه در خصوص لشکر کشی به مناطق شمالی سوریه و ویران کردن این مناطق و بیرون راندن ساکنان آنها مانند آنچه که در جرابلس، اعزاز، الباب و عفرین صورت گرفت ما اعلام می‌کنیم که بعد از عقب نشینی از منبج تمام تلاش خود را برای مبارزه با داعش در شرق فرات و دیگر مناطق به کار می‌گیریم.

در این بیانیه تاکید شده است: از همین رو از نظام سوریه می‌خواهیم تا نیروهای مسلح خود را برای تحویل گرفتن این مناطق اعزام کرده و اقدامات لازم را برای حمایت منبج در برابر تهدیدات ترکیه اتخاذ کند.

در واکنش به این بیانیه، فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: با توجه به مسئولیت نیروهای مسلح برای تحت حمایت قرار دادن تمامی خاک این کشور و در پاسخ به درخواست اهالی منطقه منبج، نیروهای

### نیروهای مقاومت در اوج آمادگی

اخیرا فرماندهی نیروهای دموکراتیک سوریه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که این نیروها از شهر منبج واقع در شمال شرق سوریه عقب نشینی می‌کنند و از دولت سوریه می‌خواهند با حضور در این مناطق حمایت لازم را از این نیروها در برابر حمله احتمالی ترکیه به عمل آورد. در ادامه این بیانیه آمده است: در سایه تهدیدات

## معاون دبیر کل حزب الله لبنان در گفتگو با مهر:

# ارتشی بزرگ برای آزادسازی فلسطین تشکیل خواهد شد

ها مقاومت و رهبری است. همچنین مردم و ملت‌های اسلامی نیز باید در این راستا تحرک و اقدامی داشته باشند.

معاون دبیر کل حزب الله لبنان در پایان گفت: از سوی دیگر گام‌هایی نیز باید در عرصه فرهنگی توسط نخبگان و علما برداشته شود. تمام این گام‌ها با یکدیگر جمع می‌شود و ارتشی بزرگ را برای آزادسازی فلسطین تشکیل خواهد داد.

به گزارش مهر، سی و دومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی امسال با شعار «قدس؛ محور وحدت امت» صبح شنبه ۳ آذر ماه با سخنرانی آیت‌الله محسن اراکی دبیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی آغاز شد. در این کنفرانس بیش از ۳۰۰ اندیشمند، سیاستمدار و هنرمند برجسته از ۱۰۰ کشور جهان حضور دارند.

یکی از ویژه برنامه‌های این کنفرانس تبیین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته است. امسال ۳ کمیسیون در خصوص فلسطین با عناوین، «فلسطین و معامله قرن»، «فلسطین و قدس شریف» و «فلسطین و حق بازگشت»، برگزار شد.



جلوگیری از اجرای پروژه غربی‌ها موسوم به معامله قرن برای حذف مسأله فلسطین نیز تاکید کرد: باید بدانیم و آگاه باشیم این کنفرانس و مشابه آن یک گام هستند و گام‌های بسیاری وجود دارد که در عرصه میدانی باید برداشته شود.

شیخ نعیم قاسم در ادامه تصریح کرد: از جمله این گام

شیخ «نعیم قاسم» تاکید کرد برای آزادسازی فلسطین و مقابله با توطئه‌های غربی‌ها علیه مسأله فلسطین و کشورهای اسلامی باید گام‌هایی عملی در عرصه میدانی و فرهنگی هم برداشت.

شیخ «نعیم قاسم» معاون دبیر کل حزب الله لبنان در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص دستاوردهای کنفرانس وحدت اسلامی در شرایط کنونی به ویژه در بعد اقتصادی برای مقابله با حمله اقتصادی غرب به محور مقاومت تصریح کرد: کنفرانس وحدت اسلامی که به همت ایران برگزار می‌شود، به دنبال بررسی مسائل و موضوعات اقتصادی نیست.

وی یادآور شد: البته برخی گروه‌ها و جهت‌ها هستند که باید به صورت مستقل و متشکل از کارشناسان و متخصصان حوزه اقتصاد به پروژه‌ها و طرح‌ها در این زمینه پرداختند و مسأله اقتصادی میان امت اسلامی را مورد بررسی قرار دهند که امکان دارد به نتیجه‌های معین و مشخصی برسد اما این کنفرانس به این موضوع نمی‌پردازد.

وی در ادامه در رابطه با تاثیر برگزاری این کنفرانس در

## بازگشایی سفارت امارات در دمشق / اعراب در صف بازگشت به سوریه هستند



فرزاد فرهادی

ترکیه ای و خلیج فارس حرکت کردند؛ تاریخ مصرفشان تمام شده است و دستور دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای خروج نیروهایش از سوریه با هدف تأکیدی بر این واقعیت است و راه را برای بازگشت اعراب هموار کرد.

عطوان می نویسد: برخی کشورهای حوزه خلیج فارس مانند سلطان نشین عمان هرگز سفارت خود را در دمشق نیستند و یوسف بن علوی وزیر خارجه این کشور چند ماه قبل به دمشق سفر کرد. همچنین از منابع موثق مطلع شدیم که بحرین نیز به دنبال بازگشایی سفارتش در دمشق در هفته آینده است و شیخ خالد بن خلیفه وزیر خارجه آن در سپتامبر گذشته با گرمی ولید المعلم همتای سوری خود را در آغوش کشید.

این تحلیلگر معروف جهان عرب در ادامه بیان کرد: بازگشایی سفارت امارات در دمشق از اهمیت زیادی با توجه به روابط ائتلافی محکمی که میان ابوظبی و ریاض وجود دارد، برخوردار است و بعید نیست که امارات به کانال ارتباطی میان دو پایتخت یعنی ریاض و دمشق تبدیل شود و برکناری عادل الجبیر از وزارت خارجه که همواره جمله بشار اسد پرود را تکرار می کرد؛ همزمان با بازگشایی سفارت امارات در دمشق تصادفی باشد.

وی در پایان نوشت: اعراب نادم و پشیمان به سوریه باز خواهند گشت زیرا ارتش سوریه بر توطئه غلبه کرده و رهبران سوریه پایداری کرده اند و با وجود حجم گسترده توطئه ای که هدفش براندازی نظام سوریه بود، عقب نشینی نکردند. سوریه به محور مقاومت وابسته است که بازوی کوبنده قوی و انباری از سلاح پیشرفته در اختیار دارد که قدرت بازدارندگی در برابر رژیم اسرائیل ایجاد کرده و این محور دست بالا را در تحولات منطقه پس از خروج خفت بار آمریکا دارد به ویژه که آمریکا متحدان خود اعم از عرب و کرد را تنها می گذارد.

به هر حال آنچه می توان گفت این است که پایتخت سوریه شاهد سفرهای هیات های عالی رتبه خواهد بود به ویژه که بسیاری از کشورهای ضد دمشق متوجه اشتباه خود شده اند. این به مثابه پیروزی برای دمشق هفت سال پس از جنگ ضد گروههای تروریستی و توطئه هایی است که ضد دمشق در جریان است. به عبارت دیگر پایداری بر توطئه غلبه کرده است.

قطع کرد. «الباجی قائد السبسی» رئیس جمهوری کنونی تونس، قطع رابطه با سوریه را اشتباه دانسته و زمان تبلیغات انتخاباتی وعده داده بود روابط با سوریه را از سر گیرد.

رسانه های عربی طی چند روز گذشته اخباری مبنی بر رایزنی و تلاش تونس و الجزایر با کشورهای عربی برای بازگشت سوریه به اتحادیه عرب منتشر کرده اند.

سی امین دور اجلاس سران کشورهای عربی قرار است ماه مارس آینده در تونس برگزار شود و گفته می شود تونس تلاش می کند «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه را به این اجلاس دعوت کند.

اما بحث بازگشایی سفارت امارات در سوریه از جنبه های مختلف قابل بحث و بررسی است؛ این تحرک ابوظبی در شرایطی رخ می دهد که دشمنان سوریه با هدف ساقط کردن نظام سوریه از هیچ تحرکی دریغ نکردند.

«عبدالباری عطوان» تحلیلگر معروف جهان عرب در این باره در رای ایوم نوشته است: «انتظار می رود که صف طولانی پشت درهای دمشق برای از سرگیری روابط شکل بگیرد و همه خواهان از سرگیری روابط با آن شوند تا سوریه به شرایط ماقبل توطئه بازگردد و البته این بار قوی تر از قبل خواهد شد.

این تحلیلگر اعلام کرد: درباره بحث فرود هواپیمای سوری در تونس نیز این یک گردشگری سیاسی است آنهم به کشوری که بیش از ۵ هزار سلفی تونس در قالب گروههای افراطی مورد حمایت آمریکا و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس برای سرنگونی نظام سوریه، به سوریه صادر کرد.

به گفته عطوان؛ این موج آمدن به دمشق انتظار می رود که با شروع سال میلادی جدید تشدید شود و شاهد هواپیماهای ریاست جمهوری کشورهای عربی باشیم که در فرودگاه دمشق بر زمین بنشینند و رهبران عرب از آن پیاده شوند و طلب دوستی با بشار اسد کنند. عمر البشیر رئیس جمهور سودان که به گرمی بشار اسد را در آغوش کشید تنها نخواهد بود و شاهد حضور تعداد بیشتری از روسای جمهوری در سوریه خواهیم بود.

### هنگامی که رهبران عرب تسلیم می شوند

از نگاه این تحلیلگر معروف موضوعات منطقه؛ بیشتر رهبران عرب درباره ماندن بشار اسد تسلیم شده اند و معارضان مسلحی که به مدت هفت سال برای براندازی حکومت وی با حمایت آمریکایی، اروپایی،

بازگشایی سفارت امارات در پایتخت سوریه سرآغازی برای تحولات جدید در این کشور و به مثابه پیروزی دیگری برای دمشق محسوب می شود.

در کنار تحولات امنیتی که همواره سوریه را کانون اخبار رسانه ها کرده است از جمله حمله رژیم صهیونیستی به سوریه؛ این روزها دمشق به محلی برای طرفهایی که از توطئه و جنگ چند ساله علیه سوریه دستاوردی به دست نیاوردند، تبدیل شده است.

پس از اینکه دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از خروج نظامیان این کشور از سوریه خبر داد و ترکیه هم از عزم جدی برای عملیات در شرق فرات خبر می دهد و رژیم صهیونیستی مجدداً با پوشش قرار دادن هواپیماهای غیرنظامی از حریم هوایی لبنان اهدافی را در سوریه را هدف قرار داد و البته در برابر سامانه دفاعی سوریه توفیق چندانی به دست نیاورد حالا نوبت اخبار خوب برای دمشق در عرصه سیاسی است.

خبر تازه اینکه اماراتی ها از بازگشایی سفارت خود در دمشق خبر دادند و هواپیمای خطوط هوایی سوریه حامل ۱۵۰ گردشگر در فرودگاه المنستیر تونس فرود آمد تا مسافران به گردش و تفریح بپردازند.

برای نخستین بار پس از حدود ۸ سال، یک فروند هواپیمای مسافربری سوری در فرودگاه بین المللی الحیب رقیبه «المنستیر» واقع در شمال شرقی تونس فرود آمد. این هواپیما از فرودگاه بین المللی دمشق به پرواز درآمده بود و حامل ۱۵۰ مسافر سوری بود که برای گذراندن تعطیلات سال جدید میلادی به تونس آمده اند.

این هواپیما متعلق به شرکت هواپیمایی «جنحه الشام» است. پیش از فرود این هواپیما، شمار زیادی از تونسی ها برای استقبال از مسافران سوری و خوشامدگویی به آنها به فرودگاه رفته بودند.

راديو «جوهره اف ام» تونس نیز اعلام کرد که «طلال حسن» رئیس انجمن سوری های مقیم تونس پیش از این، از فرود نخستین هواپیمای سوری در تونس از سال ۲۰۱۱ در روز پنجشنبه خبر داده بود.

وی شمار مسافران سوری این هواپیما را ۱۶۰ نفر اعلام کرد و گفت، آنها یک هفته در تونس می مانند و از امکان دیدنی شهرهای مختلف تونس دیدار می کنند.

«المنصف المرزوقی» رئیس جمهوری پیشین تونس در ماه فوریه سال ۲۰۱۲ روابط کشورش را با سوریه



## تقلای محکوم به شکست «نتانياهو» برای باقی نگاه داشتن آمریکادر سوریه

رامین حسین آبادیان

هرچند که افکار عمومی منطقه و جهان به هیچ وجه تحت تأثیر دروغ پردازی ها و فرافکنی های رسانه های صهیونیستی قرار نگرفتند. در همین ارتباط، منابع موثق به شبکه المیادین گفتند: «آنچه رسانه های رژیم صهیونیستی درباره هدف قرار دادن فرماندهان حزب الله در سوریه منتشر کرده اند، نادرست است. این منابع بیان کردند: آنچه نیوزویک از هدف قرار گرفتن فرماندهان حزب الله منتشر کرده، بی اساس است.»

### تقلای نتانياهو برای باقی نگاه داشتن آمریکایی ها در سوریه

پس از اعلام تصمیم ایالات متحده آمریکا برای خروج از سوریه به نظر می رسد که رژیم صهیونیستی تلاش جدیدی را به منظور باقی نگاه داشتن آمریکایی ها در سوریه آغاز کرده باشد. اظهار نظرهای مقامات صهیونیسم پس از باخبر شدن از تصمیم ترامپ در خصوص سوریه جملگی نشان می دهد که این تصمیم به مذاق آنها خوش نیامده است.

مقامات صهیونیسم صراحتاً اعلام می کنند که خروج نیروهای آمریکایی از سوریه به ضرر رژیم صهیونیستی خواهد بود. همین مسأله موجب شد تا نتانياهو ماجراجویی جدیدی را در سوریه آغاز کند تا بدین سان شاید دونالد ترامپ برای باقی نگاه داشتن نیروهای آمریکایی در سوریه مجاب شده و از تصمیم خود در این زمینه صرف نظر کند. ماجراجویی نظامی و محکوم به شکست اخیر رژیم صهیونیستی علیه دمشق نیز در همین چارچوب قابل تعریف است. نتانياهو با اتخاذ تصمیم تجاوز نظامی مجدد به دمشق تلاش کرد تا وضعیت میدانی در سوریه را بغرنج ساخته و ارتش سوریه را وادار به اقدام تهاجمی علیه تل آویو کند تا بدین سان نیروهای آمریکایی مجبور به ورود به میدان برای دفاع از تل آویو شوند.

با این حال، مقابله هوشمندانه ارتش سوریه با حمله صهیونیسم بدون انجام عملیات تهاجمی، این هدف نتانياهو را با شکست مواجه ساخت و نخست وزیر فاسد صهیونیسم نتوانست به هدف خود در خصوص مجاب کردن آمریکایی ها برای بقاء در سوریه برسد.

### ضربه سختی که مقاومت به صهیونیسم تحمیل کرد

یک منبع میدانی سوری اعلام کرد که ارتش این کشور برای نخستین بار از موشک های جدید در جریان دفع حمله هوایی جنگنده های رژیم صهیونیستی طی شب گذشته استفاده کرده است. همچنین یک منبع نظامی سوری اعلام کرد که پدافند هوایی سوریه ۸ موشک از میان ۱۰ موشک شلیک شده از سوی جنگنده های رژیم صهیونیستی را ساقط کرده است.

صهیونیست ها پیشتر قدرت سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ تحویلی روسیه به سوریه را آزمایش کرده بودند و متوجه شده بودند که این سامانه از قدرت کافی برای سرنگون کردن اهداف متجاوز برخوردار است. با این حال، رژیم صهیونیستی این بار از موشک های پیشرفته تری استفاده کرد تا شاید این موشک ها قادر به عبور از سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ باشند.

علیرغم تلاش جدیدی که صهیونیستها انجام دادند، اما موشک های جدید هم در مقابل اس ۳۰۰ نتوانستند کاری انجام دهند. «الکسی پوشکوف» نماینده پارلمان روسیه در پست توئیتری خود با اشاره به حمله جنگنده های رژیم صهیونیستی به سوریه تأکید کرد: تجهیز سوریه به سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ توسط روسیه باعث شده تا قدرت این کشور در مقابله با حملات موشکی افزایش چشمگیری داشته باشد. بنابراین می توان گفت که صهیونیسم بار دیگر ضربه سنگینی از مقاومت دریافت کرد.

### شهادت فرماندهان ارشد حزب الله؛ دروغ بزرگ تل آویو

پس از آنکه رژیم صهیونیستی نتوانست در حمله اخیر خود به سوریه نتایج دلخواهش را کسب کند و بدین ترتیب شکست دیگری را متحمل شود، رسانه های صهیونیستی در اقدامی برنامه ریزی شده تلاش کردند تا برای عملیات تجاوز کارانه اخیر تل آویو در سوریه «دستاوردسازی» کنند. بدین ترتیب، این رسانه ها به دروغ اینگونه اقیاء کردند که فرماندهان ارشد حزب الله لبنان در جریان حمله جنگنده های صهیونیست به دمشق جان باخته اند؛

ماجراجویی اخیر رژیم صهیونیستی در سوریه را نمی توان با تلاش این رژیم برای بقای بیشتر نیروهای آمریکایی در سوریه بی ارتباط دانست.

بامداد چهارشنبه بود که پدافندهای هوایی سوریه «اهدافی خصمانه» را در غرب دمشق رهگیری کرده اند. تلویزیون دولتی سوریه نیز گزارش داد که «این تجاوز هوایی از فرز خاک لبنان صورت گرفته و شماری از جنگنده های دشمن سرنگون شده اند».

بنابر گزارشها، این جنگنده ها پیش از حمله به اهدافی در «قطننا» در حومه جنوب غربی دمشق، به حریم هوایی لبنان وارد شده اند. گزارشهای غیررسمی و غالباً متعلق به منابع وابسته به مخالفان دولت سوریه مدعی شدند که در این حمله هوایی، ۲۲ فروند موشک موضعی را که ادعا می شود انبارهای تسلیحاتی ایران در خاک سوریه است، هدف قرار دادند.

این تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به خاک سوریه در حالی اتفاق افتاد که صهیونیستها پیشتر نیز در اقدامی خصمانه مواضع سوری ها را هدف قرار داده بودند که موشک های شلیک شده توسط آنها توسط پدافند هوایی سوریه مهار شدند. با تمامی این ها، رژیم صهیونیستی بار دیگر تصمیم گرفت شانس خود برای ضربه وارد کردن به مواضع ارتش سوریه را آزمایش کند.

وزارت خارجه سوریه دو نامه جداگانه به آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل و رئیس دوره ای شورای امنیت درباره تجاوز رژیم صهیونیستی به شهر دمشق و حومه آن، ارسال کرد. در این نامه ها آمده است: حمله ناجوانمردانه اسرائیل در راستای تلاش های مداوم اسرائیل برای طولانی کردن بحران در سوریه و جنگ داخلی آن و بالا بردن روحیه تروریستهای باقیمانده و مزدور این رژیم است.

وزارت خارجه سوریه اعلام کرد: سوریه تأکید می کند که ادامه سیاست های خطرناک و تجاوز کارانه اسرائیل اگر حمایت مستمر و نامحدود آمریکا نبوده، رخ نمی داد. شورای امنیت به مسئولیت خود در حفظ امنیت و صلح بین المللی عمل کند و اقدامات فوری برای ممانعت از تکرار این حملات اسرائیل انجام دهد.

## تغییرات در کابینه سعودی؛ مرگ سیاست خارجی تهاجمی و ماجراجویانه

جواد حیران نیا



پادشاه عربستان امروز دست به تغییرات مهمی در کابینه خود زد که نشان از تأثیرات قتل خاشقجی بر ساختار قدرت این کشور و ناکارآمدی سیاست خارجی تهاجمی این کشور دارد.

«سلطان بن سلمان بن عبدالعزيز» پادشاه عربستان سعودی فرمان فوری تغییر در کابینه را صادر کرد. به موجب این تغییرات، عادل الجبیر وزیر خارجه سعودی برکنار شد. الجبیر وزیر مشاور دولت در امور خارجه تعیین شده است. الجبیر از آوریل ۲۰۱۵ سه ماه پس از به قدرت رسیدن محمد بن سلمان سلطان سعودی وزیر خارجه سعودی، «ابراهیم العساف» وزیر امور خارجه جدید عربستان سعودی شد. وزیر خارجه جدید عربستان سعودی، یک سال پیش جزء بازداشتی‌های بن سلمان در هتل «ریتز کارلتون» بود. او از ژانویه ۲۰۱۸ آزاد و به کار خود بازگشته بود.

«محمد بن نواف بن عبدالعزيز آل سعود»، سفیر ریاض در لندن از سمت خود برکنار شد. به موجب این فرمان، «عبدالله بن بندر بن عبدالعزيز» نیز به عنوان وزیر گارد ملی عربستان سعودی و «ترکی بن عبدالله الشبان» به عنوان وزیر اطلاع رسانی منصوب شده‌اند.

همچنین «فیصل بن خالد» برکنار و به جای وی «ترکی بن طلال» به عنوان امیر منطقه عسیر معرفی شده است.

«سلطان بن سلمان بن عبدالعزيز» که از ریاست هیئت گردشگری و میراث ملی کناره‌گذاشته شده است به ریاست هیئت تازه تأسیس موسوم به «هیئت فضا» منصوب شده است.

«ترکی آل الشیخ» رئیس هیئت عمومی ورزش نیز برکنار شده است. وی که دست راست ولیعهد بود به سمت مدیر کلی «هیئت ترفیه» (تفریح و سرگرمی) منصوب شده است.

این تغییرات حاوی نکاتی چند است:

۱- قتل خاشقجی کار را به زمزمه‌های تغییر بن سلمان نیز کشاند. سنای آمریکا اخیراً متعاقب گزارش «جینا هاسپل» رئیس سازمان سیا، «محمد بن سلمان» را مسئول قتل خاشقجی معرفی کرد. باب کورکر، رئیس جمهوریخواه کمیته روابط خارجی سنه، در پایان این جلسه به خبرنگاران گفت به باور او اگر ولیعهد سعودی محاکمه شود ظرف «حدود ۳۰ دقیقه» هیات منصفه او را گناهکار اعلام خواهد کرد.

سنانور لیدسی گراهام هم پس از نشست با مدیر سیا گفت «احتمال آن صفر است» که محمد بن سلمان در قتل خاشقجی مشارکت نداشته باشد.

وی افزود: «باید خیلی کور بود که به این نتیجه نرسید این (قتل) از سوی افرادی اجرا و سازماندهی شد که تحت فرماندهی محمد بن سلمان بودند». گراهام به طعنه گفت: «دود تفنگی وجود ندارد، دود اره است». اشاره وی به گزارش مقام‌های ترکیه است که می‌گویند این روزنامه‌نگار منتقد سعودی پس از شکنجه و به قتل رسیدن در کنسولگری عربستان در استانبول، با اهر قطعه قطعه شده بود.

سنانور دموکرات باب مندز که خواستار واکنش قوی ایالات متحده به قتل خاشقجی است نیز گفت: نظری

باشد تا مهره اصلی سعودی «محمد بن سلمان» در قدرت بماند.

۴- سیاست خارجی ماجراجویانه سعودی منجر به افزایش اختلافات با قطر، کویت، جنگ سوریه و جنگ یمن و تشدید اختلافات با ایران شد. عربستان همچنین نتوانست عرصه لبنان و عراق آنگونه که مد نظرش بود به دست آورد و بازداشت سعد حریری در عربستان نیز حتی باعث انتقاد برخی اعضای جریان المستقبل لبنان وابسته به سعودی شد و نسبت به نقش عربستان در امور لبنان از سوی دوستان ریاض تردید وارد شد.

۵- بی‌اعتمادی آمریکا به مدیریت مسائل منطقه ای. اختلاف با قطر برای آمریکا هم قابل تحمل نبود و طرح ناتوی عربی به رهبری آمریکا نشان از نوعی بی‌اعتمادی آمریکا به عربستان در حل و فصل مسائل منطقه داشت. طرح بحث ناتوی عربی به رهبری آمریکا نشان از این داشت که ملک سلمان و ولیعهد جوان نتوانسته‌اند مسائل منطقه را خوب مدیریت کنند و برای همین خود آمریکا دست به کار شد تا با اعمال نظم دستوری از بالا ابتکار عمل را در دست گیرد.

۶- تحولات منطقه و لزوم بازسازی سوریه و عراق از جمله اهداف تغییر در رویکرد سیاست خارجی تهاجمی و ماجراجویانه سعودی می‌تواند باشد. گروه بین‌المللی بحران در گزارشی مطول، به ریاض پیشنهاد می‌کند تنها راه نفوذ در عراق راهکار اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این کشور و مشارکت در طرح‌های زیربنایی و اقتصادی است. این گروه به ریاض پیشنهاد می‌کند از درگیری با ایران در عراق بپرهیزد چرا که نخواهد توانست نفوذ ایران در عراق را داشته باشد. چند روز پیش نیز متعاقب خروج نیروهای امریکایی از سوریه؛ ترامپ اعلام کرد عربستان بازسازی سوریه را انجام خواهد داد. این حرف نشان از این دارد که نقشی سعودی در دوران کنونی و در مرحله پس‌انگیز در این کشورها باید تغییر کند و گذار به سیاست خارجی اقتصاد محور باید در اولویت باشد.

۷- نشست اخیر عربستان با کشورهای حوزه دریای سرخ نشان از این دارد ریاض نیازمند بلوک بندیهای جدید در نتیجه تضعیف ائتلافهای موجود در منطقه خلیج فارس دارد. از رهگذر سیاستهای تهاجمی و «نگاه‌آبالا» سعودی کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله قطر، عمان و حتی کویت خواهان ایفای نقش مستقل از ریاض برآمده‌اند. لذا سیاست خارجی تهاجمی ریاض باعث گسلهای جدی در میان ائتلافهای قدیمی و سوق دادن کشورهایایی چون قطر به سمت ترکیه و ایران شده است.

که من قبلاً داشتم بیشتر تقویت شد. تلاش مخالفان ترامپ برای چنین اقداماتی علیه عربستان از این جهت است که آنها می‌دانند در صورت خدشه وارد شدن به روابط ترامپ با عربستان، بسیاری از اهداف اقتصادی که ترامپ در سر می‌پروراند به خیالی تبدیل می‌شود. در واقع رابطه با عربستان و پول‌های این کشور برای ترامپ حکم مرگ و زندگی را دارد. از اینرو بود که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در مصاحبه با رویترز گفت که علیرغم ارزیابی سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) مبنی بر دخالت ولیعهد سعودی در قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار عربستانی، وی همچنان در کنار محمد بن سلمان خواهد ایستاد.

۲- محمد بن سلمان با شروع اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، خود را تبدیل به قهرمانی نزد غربی‌ها کرده بود. بسیاری از مقامات و تحلیل‌گران غربی «محمد بن سلمان» را در قامت قهرمانی می‌دیدند که توانایی تغییرات ساختاری در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی سعودی را دارد. اصلاحات بن سلمان توانسته بود جوانان سعودی را با خود همراه کند و تا حدی مقابل دکتربنیهای سنتی «آل شیخ» بایستد و راهی جز تسلیم برای آنها مقابل ولیعهد باقی نگذاشته بود. از رهگذر همین نگاه مثبت به اصلاحات بن سلمان، او توانست مخالفان خود را در بازجویی‌های مشهور هتل «ریتز کارلتون» قلع و قمع کند.

۳- با به قدرت رسیدن ملک سلمان و ولایتعهدی «محمد بن سلمان» عربستان سیاست محافظه‌کارانه خود در سیاست خارجی که سیاست سنتی این کشور از رهگذر قرائت دینی بود را کنار گذاشت و دست به ماجراجویی‌های مستقیم در کشورهای منطقه از جمله حمله به یمن، مداخله در سوریه و ... زد. این سیاستها نتوانست خواسته‌های سعودی را محقق کند و از رهگذر قتل خاشقجی دامنه مانور عربستان در یمن محدود شد و متعاقب مصوبه سنه، کمک واشنگتن به ریاض در خصوص یمن قطع شد و عربستان را پای میز مذاکره در استکهلم سوئد کشاند. تغییر «عادل الجبیر» و جایگزین کردن او با «ابراهیم العساف» که دانش آموخته دکتری اقتصاد است و جزو بازداشتی‌های هتل «ریتز کارلتون» است به معنای بی‌نتیجه بودن سیاست خارجی ماجراجویانه و امنیتی است و احتمالاً تمرکز بر امور اقتصادی در راستای اصلاحات مد نظر بن سلمان است.

۳- تغییرات صورت گرفته در کابینه سعودی می‌تواند به منظور کاستن از فشارهای ناشی از قتل خاشقجی

## راز تشدید جنگ لفظی نتانیاهاو اردوغان



جنگ لفظی میان نخست وزیر رژیم صهیونیستی و رئیس جمهور ترکیه توجه ناظران امور را دربارہ چرایی آن به خود مشغول کرده است. با بالاگرفتن جدال لفظی میان نخست وزیر رژیم صهیونیستی و رئیس جمهوری ترکیه، بنیامین نتانیاهاو و رجب طیب اردوغان یکدیگر را به دیکتاتوری و قتل عام زنان و کودکان بی‌گناه متهم کردند.

### سابقه تاریخی تنش

اصولاً روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی با فرزاد و نشیب های زیادی روبرو بوده است. روابط این دو به ۲۸ مارس ۱۹۴۹ باز می‌گردد. ترکیه نخستین کشور مسلمانی بود که این رژیم را به رسمیت شناخت. از آن پس بود که رژیم صهیونیستی مهم ترین حامی تسلیحاتی و نظامی ارتش ترکیه گردید و همکاری استراتژیک و دیپلماتیک بین طرفین در سطحی عالی برقرار شد. در اواخر دهه شصت به دنبال جنگ ۱۹۶۷ و تبعات آن بحران میان طرفین شروع شد و در سال ۱۹۸۰ مجدداً بحران به علت اعلام قدس پایتخت رژیم صهیونیستی مجدداً میان این دو بروز کرد.

موضع ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی در قبال درگیری های عرب ها و رژیم صهیونیستی در زمان های مختلف، متفاوت بود. پس از جنگ ۱۹۶۷ رژیم صهیونیستی با عرب ها، ترکیه در اعلام محکومیت اعمال تل آویو به کشورهای عربی پیوست. در همان زمان از این رژیم خواست که از مناطق اشغالی عقب نشینی کند، اما در عین حال هیچ گاه اسرائیل را یک رژیم مهاجم قلمداد نکرد.

پس از دسامبر ۱۹۸۷ و افزایش سرکوب فلسطینیان، ترکیه این عمل صهیونیستها را محکوم و از حاکمیت فلسطینی ها بر سرنواشت خود حمایت کرد و در سال ۲۰۰۴ ترکیه ترور

شیخ احمد یاسین از سوی اسرائیل را «عمل تروریستی» خواند و آن را محکوم کرد. همچنین پس از سیاست های خصمانه رژیم صهیونیستی در نوار غزه، این کشور را حامی تروریسم نامید.

در سال ۲۰۰۶ پس از دیدار خالد مشعل رهبر تازه منتخب فلسطینیان از ترکیه؛ دیپلمات های رژیم صهیونیستی این دیدار را با دیدار مقامات رسمی اسرائیل با عبدالله اوجلان (رهبر کردهای پ ک ک) مقایسه کردند که این امر خشم مقامات ترکیه را در بر داشت و ترکیه این اظهارات را «غیر مسئولانه و نادرست» خواند. پس از این دیدار، روابط تل آویو و آنکارا رو به سردی نهاد.

البته برخی این سردی روابط را نمایش دولت ترکیه به مردم مسلمان جهان اسلام می دانستند به این دلیل که ترکیه به عنوان یک کشور مهم اسلامی در بسیاری از موضوعات مهم مانند درگیری های رژیم صهیونیستی - فلسطین و بحران های لبنان موضعی بی طرف داشته است.

عملیات نظامی صهیونیستها در غزه و خبر افزایش تلفات عمومی که با تصاویر غم انگیزی از مظلومیت زنان و کودکان فلسطینی همراه بود با واکنش تندی از سوی ترک ها مواجه شد و این درگیری منجر به وخامت روابط بین این دو شد. رجب طیب اردوغان در واکنش شدید سیاسی نسبت به این عمل اعلام انزجار و آن را به شدت محکوم کرد.

در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ که طی آن هزار و سیصد فلسطینی به دست صهیونیستها به شهادت رسیدند، رجب طیب اردوغان از تل آویو خواست که این جنگ را متوقف و از همه عملیات های نظامی اش عقب نشینی کند. وی عمل رژیم صهیونیستی را «جنایت علیه بشریت» نامید و این رژیم را با کلمات تند مورد خطاب قرار داد و گفت

این عملیات باعث افزایش تنش بین کشورهای مسلمان خواهد شد.

وی به دیپلماسی فعال منطقه ای و مذاکره با سران کشورهای عربی از جمله مصر، سوریه، اردن و عربستان سعودی پرداخت. مردم ترکیه در واکنش به این درگیری که باعث از میان رفتن روابط رژیم صهیونیستی با ترکیه شد تظاهرات گسترده ای علیه رژیم صهیونیستی در شهرهای مختلف به راه انداختند که بیشترین آن در شهر استانبول با دوپست هزار نفر تظاهر کننده بود. هفته ها پس از آتش بس، روابط بین این دو رژیم به طور روز افزونی رو به وخامت گرایید.

در نشست جهانی اقتصاد در داووس (۲۹ ژانویه ۲۰۰۹) رجب طیب اردوغان این کنفرانس را به نشانه اعتراض ترک کرد. در این مذاکرات وقتی به موضوع سیاست در خصوص جنگ غزه کشیده شد اردوغان با شیمون پرز به مشاجره برخاست و به شدت از صهیونیستها انتقاد کرد و گفت: شما مردم را کشته اید. وی همچنین به اختصاص زمان زیادتری برای صحبت های پرز (۲۵ دقیقه) در مقایسه با خود (۱۲ تا ۱۵ دقیقه بود) اعتراض کرد.

### جدیدترین جنگ لفظی میان نتانیاهاو اردوغان

جدیدترین درگیری لفظی میان اردوغان و نتانیاهاو پس از آن شدت گرفت که نخست وزیر رژیم صهیونیستی گفت: «اردوغان، اشغالگر قبرس شمالی که ارتشش زنان و کودکان را در روستاهای کردنشین در داخل و خارج ترکیه قتل عام می کند نمی تواند به اسرائیل درس اخلاقی بدهد».

اردوغان نیز در واکنش به آن اعلام کرد: «نتانیاهاو؛ این بار به بیراهه زد. تو صدای ظالمان هستی. تا زمانی که اسرائیل به خاطر جنایت علیه بشریت و



محور مقاومت حلقه را بر نتانیاهو تنگ تر کرده و برنامه هایش را با شکست روبرو کرده است. همه گروه‌های مورد حمایت نتانیاهو به دست محور مقاومت نابود شده اند. سوریه از جنگ پیروز خارج می شود در حالی که نتانیاهو خواهان فروپاشی سوریه و نابودی نقش منطقه ای آن بود.

- نتانیاهو پس از اینکه حزب الله در سوریه وارد شد به دنبال نابودی این حزب در داخل سوریه از طریق کشتن فرماندهان و نیروهای آن برآمد اما نتیجه این هم عکس بود و حزب الله قوی تر از قبل شد و نیروهایش مجرب تر شدند و موشک های پیشرفته تری هم به دست آورد که در هر نبرد احتمالی موثر است.

- نتانیاهو سعی کرد که بازی مضحک توله‌های حزب الله را به راه اندازد و عملیات موسوم به سپر شمال را آغاز کرد تا شاید از طریق پیروزی توهمی به دست آورد اما کسی این دروغ را باور نکرد و این با وجود توجیهات رسانه وی بود. وی پس از آن به شورای امنیت رفت و بازم نتیجه ای نگرفت.

فترات و شاخه زیتون در سوریه به غیرنظامیان و بی گناهان آسیبی نرسانده است و آثار فرهنگی و تاریخی و مقدسات دینی را هدف قرار نداده حتی اگر مجبور به تعویق عملیات شده است.»

### نگاه کارشناس

«عبدالباری عطوان» تحلیلگر مسایل منطقه و سردبیر روزنامه رای الیوم نوشت: «جنگ کلامی که هم اکنون میان اردوغان رئیس جمهوری ترکیه و نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل بوجود آمده، نشان دهنده بحرانی است که نتانیاهو در داخل و خارج این رژیم در آن بسر می برد و نیز از تلاش های مایوس او برای منحرف کردن اذهان از پیگرد قانونی در پرونده فساد و تنگ تر شدن حلقه اتهامات به گردنش حکایت دارد.

### اولین گلوله این جنگ لفظی را نتانیاهو شلیک کرد

اولین گلوله این جنگ لفظی را نتانیاهو شلیک کرد، زمانی که ترکیه را متهم به اشغال شمال قبرس و قتل کودکان

ویرانگری مؤاخذه نشده است، حق ندارد کسی را متهم به ارتکاب جرم بکند. سربازان شما زنان و کودکان را لگدمال می کنند، تو ظالمی و در رأس یک حکومت تروریستی هستی، این القاب براننده تو است. نتانیاهو از حمایت هایی که از مظلومان و قربانیان فلسطینی می شود، ناراحت است و اظهارات توهین آمیزی علیه ترکیه به کار می برد. دست به اتهام پراکنی می زند، ترکیه را متهم به اشغال قبرس و کشتار زنان و کودکان می کند. تصور می کنم نخست وزیر اسرائیل اشتباه لپی کرده است، احتمالاً می خواسته بگوید که خودشان اشغالگر بوده و در ملاء عام دست به قتل عام زنان، کودکان و فلسطینیان بی گناه با اسلحه، بمباران و کوچ اجباری می زنند.»

«بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی پس از آن با موضع گیری تند علیه «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه گفت: «اردوغان دیوانه و دیکتاتوری ضدیهودی است که عقده های ضداسرائیلی دارد.»

در همین حال، مولود چاوشو اوغلو، وزیر خارجه ترکیه نیز در حساب توییتر خود نوشت: نتانیاهو قاتل خونسرد عصر مدرن و مسئول قتل هزاران فلسطینی بی گناه است.

ابراهیم کالین سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه نیز در این باره گفت: «تحقیقاتی که در اسرائیل علیه نتانیاهو در جریان است، او را به در دسر انداخته است و اکنون تلاش می کند افکار عمومی را از این موضوع منحرف کند و به همین علت به رئیس جمهوری و نیروهای مسلح کشورمان توهین میکند. ولی سخت در اشتباه است. او هرگز قادر به سرپوش گذاشتن بر سیاستهای اشغالگریانه و ظالمانه خود نخواهد شد. قبل از هر چیز نتانیاهو باید حساب اعمال خود را پس بدهد. مگر نتانیاهو سمپاتیان مخفی سازمان تروریستی و تجزیه طلب پ ک ک است؟

### کالین: مگر نتانیاهو سمپاتیان مخفی سازمان تروریستی و تجزیه طلب پ ک ک است؟

هر وقت که ترکیه اقدام به ترتیب عملیات ضد ترور در سوریه و عراق کند، واکنشی از سوی اسرائیل و دفتر نخست وزیری این کشور بر می آید. آیا چیزی که آنها را نگران ساخته عملیات های ضد ترور و دفاع مشروع ما در برابر اقدامات تروریستی است؟ آیا سازمان تروریستی پ ک ک با حکومت اسرائیل و نخست وزیر این کشور رابطه ای مخفیانه دارد؟ برای روشن شدن این موضوع باید این سوال ها را از آنها پرسید. ترکیه قاطعانه به مبارزات ضد ترور خود ادامه خواهد داد. از اینرو اجازه و تایید گرفتن از اسرائیل و کشور دیگری به هیچ وجه مورد بحث نمیباشد.»

وزارت دفاع ترکیه نیز اعلام کرد: «افتراهای بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی ضد ارتش ترکیه مردود و بی اساس است. نتانیاهو به دنبال منحرف کردن انظار از موضوعات فساد و مشکلات سیاسی که در داخل اسرائیل با آن دست و پنجه نرم می کند، است. تاریخ ارتش ترکیه خالی از هر اقدام شرم آوری است و کسانی که دستشان به خون کودکان بی گناه فلسطین آغشته است نمی توانند که وجهه ارتش ترکیه را تخریب کنند. ارتش ترکیه کودکان را می کشد و به غیرنظامیان حتی اگر مجبور به تعویق عملیاتش شود، آسیبی نمی زند. ارتش ترکیه در عملیات برقراری صلح در جزیره قبرس، سپر



-نتانیاهو که اتهامات فساد علیه وی در داخل وجود دارد و در سوریه هم دستاوردی نداشته و در موضوع توله‌های ادعایی نیز توفیقی به دست نیابده است به جنگ لفظی با اردوغان روی آورد که هدفش خالی کردن کینه و شکستی که در رگهای نتانیاهو وجود دارد. قاتلی که عامل شهادت بسیاری از فلسطینی ها بوده و جنگنده هایش ۲۰۰ بار به سوریه حمله کرده اند و غیرنظامیان را هدف قرار داده اند.

اما درباره اهداف جنگ کلامی از سوی اردوغان هم «حسن مصطفی» در مطلبی در روزنامه زمان ترکیه (مخالف اردوغان) آورده است: «چرا اردوغان این عبارات را به کار گرفت با وجود اینکه تحول جدیدی میان ترکیه و اسرائیل رخ نداده است؟ پاسخ بسیار ساده است. موعد انتخابات نزدیک است (انتخابات محلی ترکیه با هدف مشخص کردن شهرداران شهرهای ۸۱ استان در ماه مارس ۲۰۱۹ برگزار می شود). اردوغان قبل از هر انتخاباتی از تاکتیک های کلاسیک استفاده می کند تا احساسات رای دهندگان و هواداران را برانگیزد و این علت حملات به اسرائیل قبل از هر انتخاباتی است.»

و زنان گرد در «عفرین» کرد و ارتش اسرائیل را با اخلاق ترین ارتش دنیا دانست که موعظه های اردوغان را که غیر نظامیان را بدون تفاوت قاتل شدن، بمباران می کند، نخواهد پذیرفت.

رئیس جمهوری ترکیه که به خوبی می دانست نتانیاهو تمایلات جدایی طلبانه کردها را حمایت می کرد و به ترکیه که از «جنبش مقاومت اسلامی فلسطین» (حماس) حمایت می کند، علاقه ای ندارد در نتیجه فرصت را غنیمت شمرد و سکوت اختیار نکرد و محق بود که گفت، نتانیاهو صدای ظالمان بوده و سمبل تروریسم بین المللی است و برای اتهام زنی به دیگران پیش از بازخواست خود و رژیمش به دلیل خطاها، جنایت های جنگی ضد بشریت و کشتارهایی که مرتکب شده، حقی ندارد.»

اما درباره علل جنگ لفظی میان نتانیاهو و اردوغان باید به موارد زیر اشاره کرد: -نتانیاهو شرایط سختی را در داخل و خارج از این رژیم سپری می کند. با وجود حمایت حزبی از وی اما امور تقریباً در حال خارج شدن از سیطره اش است. در سوریه

# استقبال موشکی از سفر ترامپ به عراق؛ فرش قرمزی در کار نخواهد بود

جواد حبران نیا



MEHR NEWSAGENCY  
Photo: Received

رئیس جمهور آمریکا چهارشنبه وارد عراق شد و متعاقب آن حمله موشکی به سفارت آمریکا در بغداد صورت گرفت؛ حمله ای که حاوی پیام برای واشنگتن است.

ترامپ و همسرش در سفری از پیش اعلام نشده وارد عراق شده و در پایگاه عین الاسد در الانبار با نظامیان آمریکایی دیدار کردند.

کاخ سفید اعلام کرد که ترامپ و همسرش به منظور بازدید از نیروهای آمریکایی به صورت غیرمنتظره به عراق سفر کرده اند.

در همین راستا، ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده برنامه ای برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق ندارد. رئیس جمهوری آمریکا افزود: در صورتی که بخواهیم اقدامی در سوریه انجام دهیم می توانیم از عراق به عنوان یک پایگاه استفاده کنیم.

وی در عین حال از تصمیم خود برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه دفاع کرد.

ترامپ همچنین افزود که عجله ای برای تعیین وزیر دفاع جدید آمریکا ندارد و ممکن است سرپرست وزارت دفاع برای مدت زمان طولانی در این منصب باقی بماند.

## حمله موشکی به جای فرش قرمز

متعاقب این سفر حمله موشکی به سفارت آمریکا در منطقه سبز بغداد صورت گرفت که تحت تدابیر شدید امنیتی قرار دارد. بر اساس اعلام رسانه ها سفارت آمریکا در منطقه سبز عراق هدف حمله دو موشک قرار گرفته است.

بر اساس اعلام شبکه العالم سفارت آمریکا در بغداد متعاقب این حادثه به حالت آماده باش درآمده است. واکنشها به سفر ترامپ

این اقدام ترامپ واکنش منفی گروه ها و محافل سیاسی عراقی را به همراه داشته و آن را نقض حاکمیت عراق برشمردند.

## عصائب اهل الحق عراق

عصائب اهل الحق عراق در واکنش به سفر سرزده دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا به عراق اظهار داشت: اگر نیروهای آمریکایی با تصمیم پارلمان از عراق خارج نشوند، مجبور خواهند شد همچون سال ۲۰۱۱ از این کشور خارج شوند.

قیس الخزعلی در این رابطه گفت: بازدید ترامپ از پایگاه نظامی آمریکا بدون رعایت عرف دیپلماتیک بیانگر حقیقت پروژه آمریکا در عراق است.

وی خاطر نشان کرد: واکنش عراقی ها در خصوص خروج نیروهای آمریکایی با تصمیم پارلمان خواهد بود و اگر خارج نشوند ما تجربه و توانایی اخراج آنها به روش دیگر را داریم روشی که آمریکایی ها را مجبور کرد در سال ۲۰۱۱ از عراق خارج شوند.

## جنبش نجبا

«هاشم الموسوی» سخنگوی رسمی جنبش النجباء در واکنش به سفر ترامپ گفت: دونالد ترامپ رئیس جمهور احمق آمریکا باید بداند که حاکمیت عراق با خون شهدا به دست آمده است و ایجاد پایگاه ها (ای نظامی) در کشور مقاومت و شهدا امکان ندارد.

«هاشم الموسوی» افزود: بر دولت واجب شد که نیروهای آمریکایی را بیرون کند چرا که نقض حاکمیت کشور بشمار می روند.

وی با تاکید بر اینکه توهین به حاکمیت عراق توسط ترامپ بدون مجازات نخواهد ماند، تصریح کرد: ما اجازه نخواهیم داد که عراق پایگاهی برای تهدید کشورهای همسایه باشد.

گردان های حزب الله عراق؛ مقاومت آمریکا را مجبور به خارج کردن نظامیان خود از عراق خواهد کرد از سوی دیگر «جعفر الحسینی» سخنگوی گردان های حزب الله عراق اظهار داشت که تصمیم گیری در خصوص خروج نیروهای آمریکایی از عراق به خواست و اراده مردم و پارلمان عراق مربوط است. وی افزود: مقاومت ایالات متحده آمریکا را مجبور خواهد کرد که نظامیان خود را از عراق خارج کند.

## واکنش فراکسیون پارلمانی اصلاح و سازندگی

فراکسیون پارلمانی اصلاح و سازندگی عراق در واکنش به سفر غیرمنتظره دونالد ترامپ به عراق خواستار برگزاری جلسه اضطراری مجلس نمایندگان این کشور شد.

«صبح الساعدی» رئیس فراکسیون پارلمانی اصلاح و سازندگی گفت: با توجه به نقض آشکار حاکمیت عراق توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و حضور وی در پایگاه عین الاسد الانبار به گونه ای که هیچ احترامی برای حاکمیت عراق قائل نشده و گویی عراق یکی از ایالات آمریکا بشمار می رود برگزاری جلسه اضطراری مجلس نمایندگان به منظور بررسی این اقدام و توقف این اقدامات ترامپ که باید حد خودش را بداند به امری حتمی و واجب تبدیل شده است.

وی افزود: عادل عبدالمهدی به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح، محمد علی الحکیم به عنوان وزیر خارجه، عثمان الغانمی به عنوان رئیس ستاد ارتش باید به منظور بررسی حضور نیروها و پایگاه های نظامی آمریکا در عراق باید در این جلسه حاضر شوند.

الساعدی همچنین گفت: خروج نیروهای آمریکایی از سوریه توجیهی برای باقی ماندن نیروهای آمریکایی در

عراق و تبدیل آن به عنوان یکی از پایگاه های خود در منطقه و غرب آسیا نیست.

## فراکسیون صادقون

فراکسیون پارلمانی صادقون نیز سفر سرزده دونالد ترامپ به عراق را توهین به حاکمیت عراق برشمرده و بر ضرورت اینکه این اقدام انگیزه ای برای تصویب قانونی جهت اخراج نظامیان آمریکا از عراق باشد تاکید کرد. عصاب اهل الحق

دبیرکل عصاب اهل الحق نیز به سفر غیرمنتظره دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا به عراق واکنش نشان داد. «قیس الخزعلی» در حساب توئیتری خود نوشت: سفر ترامپ به یک پایگاه نظامی آمریکایی بدون مراعات عرف دیپلماتیک نشانگر ماهیت طرح آمریکا در عراق است.

وی خطاب به ترامپ گفت: پاسخ عراقی ها به این اقدام از طریق تصمیم پارلمان برای اخراج نیروهای نظامی تو در حالی که تمایلی به آن نداری، خواهد بود و اگر خارج نشوند ما از تجربه و توان برای خارج نمودن آنها به روشی دیگر برخورداریم. روشی که نیروهای تو که مجبور به خروج خفت بار در سال ۲۰۱۱ (از عراق) شدند از آن اطلاع دارند.

## بیانیه دفتر نخست وزیر عراق

در همین حال و در پی واکنش منفی محافل و گروه های سیاسی عراق به سفر سرزده ترامپ به پایگاه عین الاسد در الانبار، دفتر عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق در بیانیه ای اعلام کرد که مسئولان آمریکایی از قبل بغداد را از این سفر مطلع کرده بودند.

مطابق این بیانیه قرار بود ترامپ دیداری دو جانبه با عبدالمهدی صورت دهد ولی این دیدار به دلیل اختلاف بر سر نحوه برگزاری آن لغو شد و طرفین طی گفتگویی تلفنی به بررسی اوضاع بهویژه بعد از اعلام تصمیم آمریکا به عقب نشینی از سوریه، همکاری مشترک در امر مبارزه با داعش و برقراری ثبات و امنیت در کشورهای منطقه، پرداختند.

موشکی به سفارت آمریکا در بغداد حاوی این پیام است که حضور آمریکا در عراق با فرس قرمز همراه نخواهد بود.

۶- پیام گروههای مقاومت به سفر ترامپ به عراق حاوی این نکته است که حاکمیت ملی عراق وجه المصلحه هیچ چیز قرار نخواهد گرفت.

۷- واکنش مقاومت نشان می دهد که عرصه حساسیت و توجه به منافع ملی عراق صرفا در میدان جنگ خلاصه نمی شود و با شکست تروریستها، مقاومت نسبت به حاکمیت و منافع ملی عراق حساس است.

۸- ترامپ بعد از سفر به عراق گفت بسیار غم‌انگیز است که آمریکا هزاران میلیارد دلار برای برقراری امنیت و ثبات در خاورمیانه هزینه کند، اما رئیس‌جمهورش برای سفر به آنجا مجبور شود تدابیری امنیتی بسیار محدود کننده و عملیات حفاظتی گسترده‌ای به اجرا گذارد. این سخن نشان از این دارد که سیاستهای آمریکا در خاورمیانه به طور عام و در عراق به طور خاص هیچ امنیتی را به همراه نیاورده و خود رئیس‌جمهور آمریکا نیز در سایه ترس و هراس باید به این کشور سفر کند.

۹- صرفنظر از اینکه حمله موشکی به سفارت آمریکا در عراق از سوی چه گروهی صورت گرفته اما حاوی این پیام است که برای حضور مجدد آمریکا در عراق فرس قرمز پهن نخواهد شد.

۲- عدم دیدار ترامپ با نظامیان آمریکایی در تعطیلات کریسمس که بعد از سال ۲۰۰۲ میلادی سابقه نداشت باعث انتقادات شدید به ترامپ شده بود. ترامپ پیش از دیدار با نظامیان آمریکایی در عراق دیداری با نظامیان آمریکایی پس از رسیدن به قدرت نداشته است. سفر به عراق و دیدار با نظامیان آمریکایی در عراق به منظور کاستن از دور جدید انتقادات داخلی بود؛ انتقاداتی که در نتیجه تعطیلی دولت آمریکا در روزهای اخیر به حد انفجار رسیده است.

۳- پیام جریانهای سیاسی و گروههای مقاومت در عراق به سفر ترامپ نشان از این دارد که حاکمیت عراق به هیچ عنوان نقض شدنی نیست و ضامن آن «شهادت» است.

۴- پیام جریانهای سیاسی و گروههای مقاومت به سفر ترامپ نشان می دهد که وضعیت عراق با چند سال پیش که واشنگتن آنرا «ملک طلق» خود می دانست بسیار فرق کرده و دیگر ملت عراق اجازه چنین خودنمایی‌هایی را به واشنگتن نخواهد داد.

۵- متعاقب خروج نظامیان آمریکایی این گمانه مطرح شد که حضور نظامی آمریکا در عراق ابعاد و شکل گسترده تری به خود بگیرد. ترامپ هم در دیدار با نظامیان کشورش در پایگاه عین الاسد واقع در استان الانبار اعلام کرد که آمریکا در صورت لزوم از عراق به عنوان پایگاهی برای انجام عملیات در سوریه استفاده خواهد کرد. حمله

اما، کاخ سفید درخصوص عدم دیدار دوجانبه رئیس‌جمهوری آمریکا با نخست‌وزیر عراق در جریان سفرش به این کشور منطقه، تصریح کرد ترامپ با نخست‌وزیر عراق دیداری صورت نداد؛ برای این که این سفر تنها اندکی قبل از انجام آن، به طرف عراقی ابلاغ شد و در حالی که ضروری بود تدابیری در راستای تضمین امنیت رئیس‌جمهوری آمریکا در جریان این بازدید اتخاذ شود.

«سارا سندرز» سخنگوی کاخ سفید افزود، ترامپ با نخست‌وزیر عراق تلفنی دیدار و از او برای سفر به واشنگتن دعوت کرد که با واکنش مثبت عادل عبدالمهدی مواجه شد.

## اهداف سفر و پیام مردم عراق و گروه های مقاومت

۱- سفر ترامپ به صورت سر زده و بدون اطلاع قبلی به عراق مطابق اعلام رسانه‌ها اطلاع در آخرین لحظه - به معنای نقض حاکمیت عراق و مغایر با حقوق و عرف بین المللی است. اگرچه ترامپ با چنین شکلی از سفر نشان می دهد که حاکم مطلق در عراق آمریکاست اما شرایط کنونی عراق، انسجام و قوت نیروهای مقاومت از یک سو و وجود دولتی برآمده از تمام جریانهای سیاسی در این کشور از سوی دیگر این فرض ترامپ را باطل می کند.

## تحولات سرزمین های اشغالی؛

# روایت متناقض نظر سنجی هادرباره آینده سیاسی نتانياهو

شرکت کند، ممکن است جایگاه ضعیف این اتحاد را اندکی تقویت کند اما گبایی با سپردن رهبری اتحاد به لیونی مخالف است.

از سوی دیگر، موشه یعلون، ژنرال و وزیر جنگ پیشین، روز سه‌شنبه با اعلام تشکیل یک حزب تازه، از رقابت با بنیامین نتانياهو برای بدست گرفتن رهبری سیاسی رژیم صهیونیستی خبر داد؛ این در حالی است که حزب تازه یعلون یارای رقابت با حزب لیکود که خود او در گذشته عضو آن بوده است را نخواهد داشت.

موشه کاخلون، وزیر دارایی کابینه کنونی و رهبر حزب کولانو و نفتالی بنت، وزیر آموزش و پرورش کنونی و رهبر حزب راستگرای خانه یهود نیز خود را شایسته نخست‌وزیری می‌دانند اما جایگاه نه چندان قوی احزابشان در افکار عمومی، این خواسته آنها را فعلا در حد یک رویا باقی می‌گذارد.

طبق نظرسنجی معاریو، در انتخابات پیش رو، حزب «اسرائیل خانه ما» به رهبری اویگدور لیبرمن، وزیر جنگ پیشین، تنها پنج کرسی، حزب چپ «مرتز» شش کرسی، هر یک از احزاب مذهبی یهودی پنج تا شش کرسی، و یک زن سیاستمدار جوان به نام «اورلی لوی» که حزب اجتماعی تازه‌ای تشکیل داده، شش کرسی خواهند داشت.

این نظرسنجی نشان می‌دهد که ۲۱ درصد اعراب شهروند اسرائیل اگر اتحاد پیشین خود را حفظ کنند، در دوره بعدی کنست ۱۳ کرسی خواهند داشت اما نشانه‌هایی از اختلاف میان شخصیت‌های اتحاد عربی بروز کرده و ممکن است آنها دوباره به صورت احزاب کوچک و نه یک فهرست مشترک، وارد کارزار انتخابات شوند.

کابینه حال حاضر نتانياهو، از امروز چهارشنبه ششم دی که دوره کنونی کنست رسماً منحل می‌شود، کابینه گذار و انتقالی محسوب خواهد شد.

گرفت و با دیگر احزاب کابینه ائتلافی را تشکیل داد. عامل اصلی به هم ریختگی کابینه ائتلافی رژیم صهیونیستی، قدرت نمایی توان موشکی گروه‌های مقاومت در نوار غزه و تسلیم ارتش تل آویو برای قبول آتش بس و در نتیجه کناره گیری وزیران جنگ و دارایی از کابینه بود.

## سایه سنگین پرونده فساد نتانياهو بر انتخابات

در این میان اما «یائیر لاپید» رئیس حزب یاش آتید دپروز سه‌شنبه از مناخ مندلیلیت، دادستان اسرائیل، خواست اعلام کند که آیا می‌خواهد علیه بنیامین نتانياهو در پرونده‌های تحقیقاتی فساد علیه او، کیفرخواست ارائه کند یا نه.

لاپید می‌گوید که انتخابات در سایه چهار پرونده فساد نتانياهو برگزار می‌شود و افکار عمومی باید حقیقت را بدانند. پلیس اسرائیل به دادستانی توصیه کرده بود که علیه نخست‌وزیر کیفرخواست صادر کند و دادستان گفته که کار رسیدگی به این پرونده‌ها را بدون ارتباط به انتخابات دنبال می‌کند.

برخی از سیاستمداران لیکود ارائه کیفرخواست علیه نتانياهو در انتخابات را نادرست می‌دانند ولی همزمان می‌گویند که حتی با وجود کیفرخواست، نتانياهو می‌تواند در صحنه رقابت حضور داشته باشد.

اگر برای نتانياهو کیفرخواست صادر شود، بعید نیست که گیدئون ساعر، سیاستمدار تازه بازگشته به لیکود، بارزترین چهره این حزب باشد.

در این میان، آوی گبایی، رهبر حزب کارگر، دوشنبه شب مدعی شد که انتخابات این بار، صحنه رقابت بین او و نتانياهو است؛ این ادعا، نظر به کاهش چشمگیر کرسی‌های این حزب در نظرسنجی، با حقیقت همخوانی ندارد.

زیپی لیونی، وزیر خارجه اسبق، اگر به جای آوی گبایی در رهبری اتحاد صهیونیستی (شامل حزب کارگر) در انتخابات

اعلام انتخابات زودهنگام در سرزمین های اشغالی موجب گرم شدن بازار نظرسنجی‌ها در میان صهیونیست‌ها شده و نکته جالب در این میان نتایج متناقض این نظرسنجیها با یکدیگر است.

در حالیکه روز گذشته رسانه‌های مختلف به نقل از «معاریو» نظرسنجی را منتشر کردند که نشان می‌داد «بنیامین نتانياهو» در انتخابات ماه آوریل به راحتی به پیروزی می‌رسد امروز چهارشنبه نتایج یک نظرسنجی دیگر حکایت از آن دارد که ۵۲ درصد صهیونیست‌ها تمایلی به حضور بنیامین نتانياهو در سمت نخست‌وزیری این رژیم ندارند.

بر اساس اولین نظرسنجی بعد از این تحولات، که به خواست روزنامه معاریو انجام شده، در انتخابات پیش رو، حزب لیکود با کسب ۳۰ کرسی، که همسان کرسی‌های این حزب در دوره منحل شده است، همراه با احزابی که راست‌گرا هستند، در مجموع ۶۳ کرسی از ۱۲۰ کرسی کنست را در اختیار خواهند داشت.

اما امروز چهارشنبه شبکه ۱۲ تلویزیونی رژیم صهیونیستی در یک نظرسنجی اعلام کرد که ۳۴ درصد مردم نیز با نخست‌وزیری نتانياهو پس از انتخابات آتی موافق و ۵۲ درصد مخالف هستند.

در حالی این نظرسنجی صورت گرفته است که روز دوشنبه احزاب کابینه ائتلاف تل آویو پارلمان را منحل کردند و به برگزاری انتخابات زودهنگام در ماه آوریل آینده (اردیبهشت/ خرداد ۹۸) رای دادند. براساس اعلام رسانه‌های صهیونیستی، انتخابات آینده در نهم آوریل ۲۰۱۹ برگزار خواهد شد، در حالی که کابینه ائتلافی نتانياهو براساس قانون می‌توانست تا نوامبر ۲۰۱۹ (آبان ۱۳۹۸) ادامه یابد.

از سال ۲۰۱۵ و آخرین انتخابات در سرزمین های اشغالی - حزب لیکود به رهبری نتانياهو ۳۰ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی (۲۵ درصد کرسی‌ها) را در کنست (پارلمان) به دست

## واکاوی تغییرات در عربستان / هدف بستن همه روزنه های خطر است



تغییرات گسترده‌ای که از سوی ملک سلمان در بدنه کابینه و نهادهای امنیتی این کشور انجام شد، توجه ناظران امور را به خود مشغول کرد.

ملک سلمان پادشاه عربستان تغییرات امنیتی و وزارتی انجام داد که علامت سئوال های زیادی درباره هدف حقیقی و گامهای آتی ایجاد کرد. ساختار سیاسی در عربستان به شکلی است که کابینه زیر نظر پادشاه فعالیت می کند. بعد از تغییرات ساختاری سال ۲۰۱۵ در این کشور، کابینه عربستان سعودی با ۲۳ وزیر فعالیت می کند.

در روند تغییر ساختار کابینه و شورای امور سیاسی و امنیتی عربستان، عادل الجبیر برکنار و ابراهیم العساف به عنوان جانشین وی انتخاب شد. العساف وزیر اقتصاد و دارایی عربستان بود که دو سال پیش در جریان اقدامات بن سلمان با عنوان مبارزه با فساد برکنار شد. الجبیر به عنوان وزیر مشاور در امور خارجه تعیین شد. الجبیر از سال ۲۰۱۵ تا کنون وزیر خارجه عربستان سعودی بود. «ابراهیم العساف» وزیر امور خارجه جدید عربستان سعودی شد. وزیر خارجه جدید عربستان سعودی، یک سال پیش جزء بازداشتی های بن سلمان در هتل «ریتز کارلتون» بود. او از ژانویه ۲۰۱۸ آزاد و به کار خود بازگشته است.

در میان دیگر تغییرات کابینه از سوی پادشاه عربستان، ترکی الشبانه به عنوان وزیر اطلاع رسانی این کشور منصوب شده است. همچنین محمد بن نواف بن عبدالعزیز آل سعود، سفیر ریاض در لندن نیز از سمت خود برکنار شده است. پادشاه عربستان عبدالله بن بندر بن عبدالعزیز را به عنوان وزیر گارد ملی منصوب کرد.

حمد آل الشیخ نیز وزیر آموزش شده و فیصل بن خالد از امارت منطقه عسیر برکنار و ترکی بن طلال جانشین او شده است. سلطان بن سلمان از ریاست هیات گردشگری برکنار و به سمت هیات سعودی فضا، گماشته شد. پدر بن سلطان از امارت منطقه الجوف برکنار و فیصل بن نواف جایگزین او شد. در همین حال مساعد العیسان نیز به سمت مشاور امنیت ملی منصوب شده است. ترکی آل الشیخ از سمت خود برکنار و عبدالعزیز بن ترکی فیصل به عنوان رئیس هیات ورزش تعیین شد. سپهبد خالد بن قرار الحربی نیز به سمت مدیر کل اداره امنیت عمومی منصوب شد. در حکم ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان همچنین از سرگیری فعالیت شورای امور سیاسی و امنیتی به ریاست محمد بن سلمان ولی عهد سعودی صادر شده است.

### اهداف ریاض از تغییرات نمادین

ناظران امور با اشاره به تغییرات عربستان آنرا به نوعی تفاهم ایجاد شده با ولیعهد دانستند و اینکه ملک سلمان وانمود کند که هنوز قدرت در دستان وی است. در واقع عربستان با این تغییرات سعی دارد که به دنیا وانمود کند که تغییراتی در عربستان حاصل شده است تا فشارهای خارجی علیه ریاض با توجه به رسوایی ها و پرونده های موجود از جمله جمال خاشقچی و جنگ یمن و سیاست خارجی عربستان در قبال همسایگان دور و نزدیک که عامل بی ثباتی منطقه است، کاسته شود.

دامنه عزل و نصبها از دایره صرف داخلی فراتر نمی رود و به نوعی هدف راضی کردن برخی بود. در این تغییرات

تمایلی برای تغییر سیاست های نظام سعودی مشاهده نمی شود و افراد وابسته به محمد بن سلمان همچنان بر اوضاع سیطره دارند و به نوعی این تغییرات را می توان در راستای تثبیت قدرت در دست ملک سلمان و فرزندش و به حاشیه رانده شدن بقیه شاهزادگان قوی مثل متعب بن عبدالله فرزند ملک عبدالله شاه سابق و محمد بن نایف ولیعهد سابق دانست.

برخی تلاش های برای راضی کردن رخ داده است از جمله گماشتن شاهزاده ترکی بن طلال برادر ولید بن طلال به عنوان امیر منطقه عسیر. در این تغییرات از خالد بن سلمان سفیر سعودی در آمریکا و فرزند پادشاه حرفی به میان نیامده است. همچنین از دستگاههای امنیتی که در قتل معارض سعودی نقش دارند، خبری نیست.

این تغییرات به تغییرات سیاست عربستان در قبال یمن و قطر و دیگر کشورهای منطقه و نیز معارضان و فعالان سعودی در داخل منجر نخواهد شد؛ بلکه قدرت محمد بن سلمان را بیش از قبل قوی می کند. برخی از ناظران امور تشدید تنش با قطر و ترکیه را نیز احتمال می دهند.

البته برخی تحلیلگران سعی دارند که نوعی نگاه خوش بینانه این تغییرات داشته باشند و آنرا در راستای اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر آرام کردن بحرانها می دانند که به اعتقاد این ناظران می توان احتمال نزدیک شدن به سوریه، برخورد به شکل متوازن با طیف های سیاسی و طایفه ای لبنان، بهبود روابط با عراق و زمینه سازی برای خروج تدریجی از بحران یمن را داد؛ به ویژه که ابراهیم العساف وزیر خارجه جدید سیاستمدار کهنه کاری است که با سه پادشاه یعنی ملک فهد، ملک عبدالله و ملک سلمان کار کرده است. در حال خوشبینانه تر شاید بتوان به گشوده شدن باب گفتگو با ایران هم در این راستا فکر کرد.

به اعتقاد ناظران و تحلیلگران؛ ریاض با این تغییرات به دنبال تغییر یا اصلاح وجهه تخریب شده عربستان است به ویژه که پس از ترور جمال خاشقچی به شدت آسیب دیده است.

حاکمان عربستان همچنین هدف دیگری را هم دنبال می کنند و آن وانمود کردن کنار زدن عوامل مهم نزدیک به محمد بن سلمان از جمله عادل الجبیر و نیز ترکی آل الشیخ وزیر ورزشی که عامل برخی مشکلات شده بود، است. علت اینکه می گوییم وانمود کردن به خاطر آن است که این افراد در سمت های دیگر گماشته شده اند. برخی تحلیلگران؛ این تغییرات را به گامهای آتی مرتبط کرده اند که اینکه یا مقدمه ای برای تغییر محمد بن سلمان و انتخاب ولیعهد جدید است تا بحران ایجاد شد با مجلس سنای آمریکا پس از مصوبه اخیر این مجلس علیه بن سلمان در موضوع خاشقچی کاسته شود یا اینکه محمد بن سلمان در ورای این تغییرات به عنوان حاکم فعلی است تا به بهانه بیماری ملک سلمان را کنار زند و خود بر عرش شاهی تکیه زند و منتقدان خارجی و داخلی را در برابر عمل انجام شده قرار دهد. که این تحلیلگران گزینه دوم را ارجح می دانند یعنی شاه شدن محمد بن سلمان به ویژه با توجه به گزارش های پزشکی که از وخیم شدن حال ملک سلمان حکایت دارد.

محمد بن سلمان بر منصب خود مسلط است و اینکه تا زمان مرگ یا هر تلاشی برای کنار زدنش یا گرفتن اختیاراتش مقابله خواهد کرد به ویژه که تهدید داخلی چندانی هم تاکنون برایش وجود نداشته است.

### بستن روزنه های خطر ضد بن سلمان

به هر حال تغییرات سیاسی، ظاهری و فاقد ارزش است اما تغییرات امنیتی به ویژه تغییرات در گارد ملی که به موازات ارتش است و از ناحیه آن احساس خطر می شود و از حیث نظری به مثابه بازوی کوبنده معارضان و شاخه فرزندان ملک عبدالله پادشاه سابق و متحدانشان توصیف می شود و این موضوع درباره مشاور امنیت ملی جدید و بازنگری در ساختار دستگاه اطلاعات از سوی کمیته تحت رهبری ولیعهد سعودی نیز صدق می کند که هدفش سلطه قوی تر بن سلمان و بستن روزنه خطرناک برای حکومت وی یا بلندپروازی هایش است.

## در هشتمین سال روز بهار عربی؛ از بوعزیزی جدید تا انقلاب نان

دولت وفاق ملی با معترضان داشت و وعده رفع نیازهای آنها را داد، این میدان نفتی باز شد. سراج از اختصاص ۱۲۰ میلیون دینار لیبی (۸۵.۴ میلیون دلار) برای طرحهای خدماتی فوری در شهرهای جنوبی خبر داد.

### لبنان؛ ۳ خواسته

فعالان لبنانی نیز جلیقه زرد را برای اعتراض به شرایط ناگوار اقتصادی این کشور برگزیدند. اولین تظاهرات یکشنبه گذشته برگزار شد و صدها نفر در میدانهای الشهداء و ریاض الصلح در مرکز بیروت پایتخت این کشور دست به تظاهرات زدند. این در پی فراخوانی در شبکه اجتماعی با عنوان من به خیابان خواهم آمد، بود. این تظاهرات با بستن راهها همراه بود که ارتش وارد عمل شد.

تظاهرات از بیروت به دیگر مناطق از جمله صور، صیدا، نبطیه در جنوب و طرابلس در شمال اما با تعداد کمتر سرایت کرد. این در میان درخواست هایی برای افزایش تحرکات و تبدیل آن به تظاهرات یک روز در هفته بود. معترضان سه خواسته داشتند؛ کاهش مالیات بر قیمت های سوخت، ایجاد طرح بهداشتی فراگیر که شامل کارتهای بهداشتی شود و بازگرداندن سود اوراق قرضه به ۷.۵ درصد اولیه.

این اعتراضات در شرایط اقتصادی دشواری که لبنان با آن روبروست، رخ می دهد و نیز همزمان با اختلافات سیاسی است که روند تشکیل دولت این کشور را به بن بست کشانده است.

### اردن؛ اوضاع ملتهب

اردن در سال ۲۰۱۸ شاهد اعتراضاتی به اوضاع اقتصادی بد و وضع مالیاتهای جدید بود. شروع این حوادث از فوریه بود و خواسته معترضان برکناری دولت و انحلال پارلمان به دنبال افزایش مالیات و قیمت سوخت و برداشتن سوبسید نان بود. این اعتراضات به تدریج به همه استانهای و شهرهای اردن رسید و در اواخر ماه مه گذشته هشت روز برگزار شد و کانون اصلی آن اطراف فلکه چهارم در مرکز امان یعنی جایی که مراکز دولتی در آن قرار دارد، بود.

این اعتراضات به استعفای هانی الملقی منجر شد. در ژوئن، عبدالله دوم شاه اردن، عمر الرزاز را مامور تشکیل کابینه کرد. وعده الرزاز آرامش را بازگرداند اما عمل نکردن به وعده مجدداً خشم اردنی ها را به دنبال داشت و هزاران نفر به همان مکانی که الملقی را سرنگون کرده بودند یعنی فلکه چهارم بازگشتند تا خواهان برکناری الرزاز و دولت شوند. این در شرایطی که اوضاع اقتصادی اردن شرایط خوبی را سپری نمی کند و آبستن تحولات بی شمار است.

قدر مسلم آن است که در حالی سال جاری میلادی رو به اتمام است که بسیاری از کشورهای عربی شرایط ناگوارتر دارند که در این میان شرایط لبنان و سودان ناگوارتر است. در سودان حکومت نظامی برقرار است و در لبنان نیز در حالی که روند تشکیل دولت رو به اتمام بود اما اختلاف نظرها مجدداً مانع از شکل گیری آن شد.

نکته قابل توجه این است که عمده خواسته های اعتراضاتی که در کشورهای عربی برگزار می شود؛ اقتصادی است و این زنگ خطر را برای دولتمردان این کشورها به ویژه سودان به صدا درمی آورد که اگر اقدام جدی به عمل نیاورند، نمی توانند در مسیر تبدیلی که سال ۲۰۱۱ برخی حاکمان از جمله زین العابدین بن علی، حسنی مبارک و معمر قذافی را با خود برد، دوام بیاورند.



شعله های انقلاب را برافروخت، است. علاوه بر آن تونس هرزگاهی شاهد اعتراضاتی است از جمله اعتراضاتی که در خیابان حبیب بور قیبه در پایتخت این کشور در ماه جاری رخ داد و هزاران نفر دست به تظاهرات زدند.

خواسته ها آنها افزایش دستمزد بود. به پیروی از جلیقه زردهای فرانسه فعالان و معترضان تونسی جلیقه قرمز را انتخاب کردند. فعالان اعلام کرده اند که تحرکات مسالمت آمیزی در روزهای آتی در اعتراض به اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به راه خواهند انداخت. این در حالی است که اختلاف نظرها میان الباجی قائد السبسی رئیس جمهور و یوسف الشاهد نخست وزیر نیز مشکلاتی ایجاد کرده است به ویژه که الشاهد گفت که اگر حمایت سیاسی واقعی داشت، نتایج اقتصادی بهتری به عمل می آمد. تونسی ها همچنان به تظاهرات خود ادامه می دهند و با سنگ به نیروهای امنیتی حمله می کنند و پلیس نیز از گاز اشک آور استفاده می کند.

### مغرب؛ افزایش دستمزدها

جلیقه زردها به مغرب هم رسیده است به طوری که کارکنان بخش دولتی و خصوصی در ۱۷ دسامبر جلیقه زرد پوشیدند و خواهان بهبود شرایط معیشتی و افزایش دستمزدها شدند.

این حرکت اعتراضی به دعوت اتحادیه تکنسین ها رخ داد و این در سالروز شروع انقلاب تونس در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ رخ داد. یکروز قبل از آن نیز شهر رباط پایتخت این کشور شاهد اعتراضاتی برای آزادی بازداشت شدگان که در شهرهای الحسیمه و جراده به دنبال اعتراضات بازداشت شده بودند و خواسته هایشان ایجاد فرصت شغلی وساخت بیمارستان و دانشگاه بود، رخ داد.

محمد ششم پادشاه این کشور اقداماتی از جمله کنار گذاشتن چهار وزیر به علت ناتوانی در انجام برنامه توسعه و عفو صدها زندانی انجام داد. دولت نیز گفتگوهایی با اتحادیه ها کارگری برای دستمزدها و بحث بازنشستگی و حقوق کارگران و خواسته های کارفرمایان انجام داد؛ اما این گفتگوها پس از آنکه دولت افزایش ۳۰۰ درصدی (۳۰ دلاری) را به مدت دو سال مطرح کرد با اقبال اتحادیه های کارگری روبرو نشد زیرا آنها بسیار ناچیز می دانستند که برآورده کننده خواسته های کارگران نیست و از همین رو از گفتگو دست کشیدند.

### لیبی؛ خشم جنوبی ها

در لیبی تظاهرات در شهرهای جنوبی این کشور است. جنبش «خشم فزان» اقدام به بستن میدان نفتی الشراره در نزدیکی شهر اوباری در ۸ دسامبر جاری قبل از اینکه اعتراضات به ۱۲ منطقه جنوبی برسد کرد. خواسته آنها کار و توسعه منطقه و فراهم آوردن سوخت برای ساکنان بود. پس از دیداری که فائز السراج رئیس شورای ریاستی

برخی کشورهای عربی در هشتمین سالروز انقلابهای بهار عربی با اعتراضات گسترده ای همراه است که عمده خواسته های تظاهرات کنندگان موضوعات اقتصادی است. سال جاری میلادی در حال رو به اتمام است که شاهد اعتراضات در برخی کشورهای عربی هستیم که سقف خواسته ها و شدت تظاهرات و اعتراضات نیز در آن متفاوت است اما همگی از اوضاع اقتصادی نابسامان ناشی می شود و معترضان خواهان بهبود شرایط معیشتی هستند و برخی خواسته ها نیز سیاسی است.

اعتراضات سودان، تونس، مغرب، لیبی، لبنان و اردن را شامل می شود و این همزمان با هشتمین سالروز انقلابهای بهار عربی است که از تونس در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و منجر به فرو ریختن رژیم های حاکم بر برخی کشورهای عربی شد.

برخی اعتراضات مانند آنچه در لبنان و تونس می گذرد برگرفته از جلیقه زردهای فرانسه است که از ۱۷ نوامبر گذشته علیه سیاست های اقتصادی امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه و بالا رفتن قیمت های انرژی و هزینه های زندگی شروع شد.

در این میان اعتراضات سودان شدیدترین و سقف خواسته های آن بیشتر بوده و به حد برکناری نظام حاکم بر این کشور رسیده است.

### سودان؛ انقلاب نان

در ۱۹ دسامبر شراره های اعتراض سراسر شهرهای سودان از جمله خارطوم پایتخت این کشور را در برگرفت و تاکنون به ۱۴ استان این مجموع ۱۸ استان این کشور رسیده است. وخامت اوضاع معیشتی علت اصلی این اعتراضات بوده است. دولت اقدام به افزایش قیمت نان کرد تا قیمت هر قرص نان از یک پوند سودان به چهار پوند سودان برسد.

در کنار آن سودانی ها از مدت های مدید از عدم فراهم بودن سوخت و نقدینگی شکایت دارند زیرا بانکها مانع از دسترسی مردم به پول می شوند. بانکها علت ناتوانی خود را خارج کردن پس اندازها از سوی مردم و تبدیل آن به دلار می دانند. در پایتخت سودان نیز محدود صرافی هایی باقی نمانده است که آنها به شکل پراکنده کار می کنند و بانکها به شهروندان سودانی اجازه برداشت بیش از ۱۰ دلار در روز را نمی دهند.

پس از اینکه گرانی نان موضوع اعتراضات بود کار به شعار «مردم خواهان سرنگونی رژیم هستند» رسید و این شعار معروف در جریان انقلابهای بهار عربی بود. در روز ششم اعتراضات عمر البشیر وعده اصلاحات حقیقی برای تضمین زندگی کریمانه برای مردم این کشور داد. در این اعتراضات طبق آمار مقامات این کشور ۸ نفر و طبق آمار مخالفان ۲۲ نفر کشته و دهها نفر دیگر زخمی شدند.

### تونس؛ بوعزیزی جدید؟

در سال ۲۰۱۸ تونس شاهد اعتراضاتی در بالا رفتن خواسته های اجتماعی در کشوری که مهد انقلابی که منجر به سرنگونی زین العابدین بن علی بود، است. این اعتراضات در ۲۴ دسامبر در شهر القصرین در غرب این کشور رخ داد و میان نیروهای امنیتی و تظاهرات کنندگان درگیری رخ داد و این به دنبال خودکشی عبدالرزاق الرزقی عکاس تلویزیونی بود که خودش را در اعتراض به اوضاع اجتماعی نابسامان و به ویژه بیکاری در این شهر آتش زد.

این واقعه یادآور حوادث هشت سال قبل یعنی زمانی که محمد بوعزیزی خودش را در استان سیدی بوزید آتش زد و

## رمز گشایی از اعترافات فرماندهان صهیونیسم؛ بحران امنیتی شدت گرفت؟

رامین حسین آبادیان

چند روزی است که فرماندهان نظامی صهیونیسم به ناتوانی امنیتی این رژیم در اراضی اشغالی و به ویژه غزه اذعان می کنند؛ مسأله ای که نشان می دهد این رژیم با یک بحران امنیتی بزرگ مواجه است.

«گادی آیزنکوت» رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی اخیراً در سخنانی به ناتوانی این رژیم در تأمین امنیت شهرک نشینان اذعان کرده است. وی در این خصوص اذعان کرد: «۳ سال است که موفق به تحقق امنیت برای ساکنان شهرک‌های صهیونیست‌نشین مجاور نوار غزه نشده است».

آیزنکوت در ادامه سخنان خود در این خصوص گفت: «سخت است اما باید اعتراف کرد که در طول این سالها نتوانستیم برای ساکنان اسرائیل در نزدیکی غزه امنیت را به ارمغان آوریم». با این حال، نمی توان گفت که آیزنکوت اولین فرمانده صهیونیست است که به ناتوانی امنیتی این رژیم در مرزهای نوار غزه اذعان می کند، بلکه پیشتر نیز شماری دیگر از فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی چنین اعترافات را کرده اند. واقعیت آن است که رژیم صهیونیستی مدت هاست که با یک بحران امنیتی گسترده در اراضی اشغالی فلسطینیان و به ویژه در مرزهای باریکه غزه دست و پنجه نرم می کند؛ بحرانی که موجب ایجاد اختلافات و کشمکش های درونی میان مقامات تل آویو نیز شده و به کلی ساختار سیاسی حاکم بر اراضی اشغالی را زیر سؤال برده است. با این حال، مقامات صهیونیست هیچکدام تاکنون موفق به ارائه راه حلی جهت برون رفت از بحران کنونی، نشده اند.

### عملیات های مقاومتی؛ بالای جان صهیونیسم

یکی از مهمترین علل و عواملی که موجب ظهور و بروز مشکلات امنیتی برای رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطینیان شده، روند فزاینده عملیات های مقاومتی شهروندان فلسطینی علیه نظامیان و شهرک نشینان صهیونیست است. نظامیان صهیونیست تاکنون هیچ راه حل جهت متوقف ساختن عملیات های مقاومتی فلسطینیان، نیافته و تنها به اقدامات سرکوبگرانه علیه عاملان این عملیات ها و خانواده های آنها بسنده کرده اند.

به عنوان مثال، هدف قرار دادن عاملان عملیات های مقاومتی و به شهادت رساندن آنها و سپس یورش بردن به منازل خانواده هایشان جهت تخریب آنها، بخشی از اقدامات سرکوبگرانه تل آویو علیه مردان مقاومت فلسطین محسوب می شود. با این حال، این راهکار نیز تاکنون پاسخ نداده و فلسطینیان همچنان به انجام عملیات های مقاومتی به عنوان یک گزینه استراتژیک و راهبردی در نبرد با صهیونیسم، می نگرند.

در همین راستا، گزارش های سازمان امنیت داخلی رژیم صهیونیستی حاکی از افزایش ۳ برابری عملیات های مقاومتی فلسطینیان در ماه دسامبر گذشته است. بر اساس این گزارش ها، عملیات های مقاومتی فلسطینیان در ماه



دسامبر گذشته ۳ برابر شده و به ۲۴۹ مورد عملیات در کرانه باختری و نوار غزه رسیده است. این در حالی است که در ماه قبل از آن یعنی ماه نوامبر، ۸۴ عملیات مقاومت و در ماه اکتبر نیز ۷۱ عملیات به وقوع پیوست.

بنابراین، عدم توانایی رژیم صهیونیستی در کاهش میزان عملیات های مقاومتی فلسطینیان در اراضی اشغالی، یک بحران امنیتی گسترده را برای این رژیم به دنبال داشته است. علاوه بر این، بحران دیگری به تازگی در این زمینه برای صهیونیست ها ایجاد شده و آن، بعضاً ناتوانی در بازداشت و یا قتل عاملان عملیات مقاومتی است که به عنوان نمونه می توان به شهید «شرف نعالوه» اشاره کرد. صهیونیست ها تا چند ماه قادر به شناسایی و بازداشت این جوان فلسطینی نبودند تا اینکه چند روز پیش وی را به شهادت رساندند.

### ابتکار خلاقانه بالن های آتش زا و بادبادک های آتشین

یکی دیگر از جمله علل و عواملی که رژیم صهیونیستی را با بحران امنیتی در اراضی اشغالی فلسطینیان و همچنین نوار غزه مواجه ساخته است؛ ابتکار خلاقانه ای است که فلسطینیان از چند ماه پیش تاکنون برای مقابله با تل آویو در پیش گرفتند و آن، ساخت بالن های آتش زا و بادبادک های آتشین و فرستادن آنها به مواضع رژیم صهیونیستی است.

استفاده از بادبادک هایی که به آنها مواد آتش زا متصل است، ابزار جدید فلسطینی ها در مبارزه با رژیم صهیونیستی به شمار می رود و این بادبادک ها طی راهپیمایی های بازگشت رایج شد. شبکه تلویزیون «کان» رژیم صهیونیستی در گزارشی به تأثیر این بادبادک ها پرداخت و اعلام کرد ارتش به شکست در نحوه مقابله با این بادبادک ها اعتراف کرده است.

ارتش رژیم صهیونیستی برای سرنگون کردن بادبادک ها از پهپادهای پیشرفته مجهز به دوربین و ابزارهای تیز استفاده می کند اما با این حال نتوانسته است جلوی آنها را به نحو چشمگیری بگیرد. گفته می شود بادبادک ها تا کنون حدود سه هزار دونم (هر دونم هزار متر) از اراضی زراعی فلسطین اشغالی هم مرز با غزه را به آتش کشیده اند. بسیاری از مقامات صهیونیسم از جمله وزیر جنگ مستعفی و همچنین وزیر آموزش این رژیم خواستار اعدام کسانی شدند که اقدام به ارسال بادبادک ها و بالن های آتش زا به سمت مواضع تل آویو می کنند.

### راهپیمایی های که خواب را از چشمان صهیونیسم ربود

به ضرس قاطع می توان از تظاهرات و یا راهپیمایی های بازگشت در نوار مرزی غزه به عنوان اصلی ترین، اساسی ترین و مهمترین چالش و بحران امنیتی رژیم صهیونیستی یاد کرد. شهروندان فلسطینی تاکنون ۳۹ هفته متوالی در روزهای جمعه اقدام به برگزاری راهپیمایی های بازگشت در نوار مرزی غزه کرده اند.

در جریان راهپیمایی های که طی ۳۹ هفته گذشته برگزار شده، صهیونیست ها تنها موفق به کاستن از میزان مشارکت فلسطینیان در این راهپیمایی ها نشدند، بلکه افزایش چشمگیر شرکت کنندگان در این راهپیمایی ها مشاهده کرده اند. در جریان این

سلسله راهپیمایی های فلسطینیان، تاکنون بیش از ۲۵۰ شهروند فلسطینی به ضرب گلوله نظامیان صهیونیست به شهادت رسیده و هزاران تن دیگر به شدت زخمی شده اند.

می توان گفت که راهپیمایی های بازگشت خونی تازه در رگ های انتفاضه در اراضی اشغالی تلقی می شود. این اقدام به موقع فلسطینیان در واقع، بار دیگر موجب شد تا مسأله فلسطین در کانون توجه رسانه ها و افکار عمومی قرار گیرد و تلنگری برای کسانی باشد که از روی آگاهی یا ناآگاهی چشمان خود را به روی واقعیت های فاجعه آمیز امروز در فلسطین بسته اند. جای هیچ شکی نیست که قرار گرفتن مسأله فلسطین در کانون توجهات کمک شایانی به شعله ورتر شدن بیش از پیش آتش انتفاضه در سرزمین های اشغالی خواهد کرد؛ مسأله ای که طی روزها و ماه های آتی به منصفه ظهور خواهد رسید.

### تحلیلگر عرب چه می گوید؟

در همین ارتباط، «یاسر زعانه» تحلیلگر عرب زبان در مطلبی در خصوص راهپیمایی های بازگشت می نویسد: «برنامه های تظاهرات بزرگ بازگشت در مرزهای باریکه غزه ادامه یافت و به موازات آن خشم و تهدیدات تجاوزات صهیونیست نیز استمرار پیدا کرد. این نشان می دهد که این راهپیمایی دستاوردهای مهم بسیاری را محقق ساخته است؛ هر چند که برخی آنرا اقدامی نمادین می دانند». وی همچنین می افزاید: «اهمیت این راهپیمایی زمانی زیاد می شود که بدانیسم متجاوزان همزمان با این راهپیمایی امیدهای زیادی به استفاده از آتش شعله ور شده در منطقه داشتند و از سوی دیگر، دونالد ترامپ در راس قدرت آمریکا قرار دارد و تیم وی در کاخ سفید شدیداً از رژیم صهیونیستی حمایت می کند و از سوی دیگر، وضعیت جهان عرب به شکل بی سابقه ای به قهقرا می رود و این مسأله را به راحتی می توان در اقدامات عملی و مواضع سفاهی در قبال دشمن صهیونیستی مشاهده کرد». بنابراین، همانطور که از ظاهر امر پیداست، صهیونیست ها به تظاهرات و راهپیمایی های بازگشت به عنوان یک بحران امنیتی می نگرند که هر لحظه ممکن است به شعله ور شدن انتفاضه ای فراگیر منجر شود؛ انتفاضه ای که می تواند پایه های سست رژیم حاکم بر اراضی اشغالی را برای همیشه به لرزه درآورد.

## انقلاب نان در سودان / قطع رابطه با ایران هم مشکل البشیر را حل نکرد!



افزایش قیمت نان در کنار مشکلات مترکم طی سالیان و از دست رفتن بخش اعظم منبع درآمد سودان سبب شعله‌ور شدن تظاهرات و اعتراضات در کشور آفریقایی سودان شده است.

کشور سودان مدتی است که شاهد تظاهرات و اعتراضات گسترده است. برای آگاهی از وضعیت ناگوار و اسفناکی که سودان در آن به سر می برد کافی است که به حرفهای یکی از تظاهرات کنندگان سودان در گفتگو با رویترز توجه کرد که گفت: «چهار روز است که توانسته ام نان بخرم».

روند تحولات در سودان با شتاب حرکت می کند و دامنه آن به پایتخت سودان هم رسیده است. متعاقب آن، اینترنت در این کشور با اختلال مواجه و برخی شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک، توئیتر و واتساپ، فیلتر شد. مدارس هم تعطیل شد. در دو شهر ام درمان و عطبره پلیس با تظاهرات کنندگان معترض به افزایش شدید قیمت ها و کم شدن نقدینگی، درگیر شد و گاز اشک آور فضای این دو شهر را پر کرد.

طبق گزارش رسانه ها؛ معترضان در خارطوم در یک کیلومتری کاخ ریاست جمهوری با سردادن شعارهایی، خواستار کناره گیری عمر البشیر رئیس جمهوری سودان از قدرت شدند. برخی منابع از کشته شدن قریب به ۱۰ نفر و برخی دیگر از ۲۲ کشته خبر داده اند. مهمترین کانون تظاهرات و اعتراضات در شهر عطبره سودان بود.

### شهر عطبره خاستگاه اعتراضات کارگری و پایگاه دیرین حزب کمونیست سودان

عطبره دومین شهر مهم استان نهر النيل پس از شهر الدامر مرکز این استان است. دفتر شرکت راه آهن دوران استعمار انگلیس در شهر عطبره قرار داد به همین دلیل است که عطبره شهر آهن و آتش نامیده می شود. شهر عطبره پایگاه دیرین حزب کمونیست سودان است. عطبره شهری کارگرنشین است و به همین دلیل در طول تاریخ معاصر خاستگاه اعتراضات کارگری علیه نظام های حاکم دیکتاتور بود. دفتر ریاست دانشگاه وادی النيل و چند کارخانه سیمان و صنایع مواد غذایی سبک نیز در شهر عطبره قرار دارد.

اولین تظاهرات شهر عطبره روز ۱۹ دسامبر کنونی آغاز شد و این تظاهرات را دانش آموزان و کارگران راه آهن در اعتراض به علت کمیاب شدن نان برگزار کردند و خیابان منتهی به ساختمان رادیو و تلویزیون را بستند. تظاهرات دیگری نیز در منطقه الحصابا برگزار شد و معترضان ساختمان حزب حاکم کنگره ملی را سنگ باران کردند و چند تظاهرات دیگر در مناطق دیگر برگزار شد و تعداد مشارکت کنندگان در تظاهرات خیابان تلویزیون به ۳ هزار نفر رسید.

مهمترین بخش این تظاهرات ها این بود که تظاهرات کنندگان در خیابان سینما شعار سرنگونی نظام را سر دادند و گروهی از نیروهای یگان توپخانه که با یک دستگاه نفربر در حال عبور از محل تظاهرات بودند، در واکنش به شعار ارتش با ما است تفنگ های خود را به نشانه همبستگی با معترضان تکان دادند.

یکی از صحنه های مهم تظاهرات شهر عطبره آتش زدن ساختمان دو طبقه دفتر حزب حاکم بود و معلوم نیست که چه کسی این ساختمان را به آتش کشید

و آیا کسانی که ساختمان حزب حاکم را آتش زدند، معترضان عصبانی بودند یا افراد دیگری؟ شک و تردیدهایی درباره آتش سوزی های اخیر سودان وجود دارد به نحوی که مخالفان معتقدند که افراد شبه نظامی و نیروهای امنیتی عامل این آتش سوزی ها و تخریب املاک عمومی و خصوصی هستند تا چهره و وجهه معترضان را مخدوش کنند همانگونه که در قیام سپتامبر ۲۰۱۳ اتفاق افتاد.

### نان علت شروع تظاهرات بود

باوجود اینکه تظاهرات در سودان برای مقامات این کشور غافلگیر کننده بود اما اوضاع کنونی حاصل بحرانهای مترکم شده در طی سالیان است به ویژه که از سال ۲۰۱۱ و پس از جدایی جنوب سودان، درگیر بحران اقتصادی شدید است و یکی از علت های آن جدا شدن حوزه های نفت خیز با استقلال جنوب سودان از شمال آن است.

در واقع این اعتراضات از چند روز قبل قابل پیش بینی بود به ویژه که گزارش های رسیده از داخل سودان حکایت از وضعیت بغرنج به ویژه نان و سوخت دارد. اقتصاد سودان بدترین وضعیت خود را سپری می کند و تورم زیادی در آن وجود دارد و ارز این کشور روند نازلی را در برابر دلار طی می کند. از دست رفتن درآمدهای نفتی با استقلال سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ در این زمینه نقش زیادی ایفا کرد.

بسیاری از سرمایه گذاران از کار و سرمایه گذاری در سودانی که هنوز در فهرست حامی تروریسم واشنگتن است خودداری می کنند و رئیس جمهور آن نیز به علت کشتار جمعی در دارفور تحت تعقیب دادگاه بین المللی است.

سودان وارد کابوس اقتصادی شده است و بانکها به علت اینکه شهروندان سودانی پولهای خود را از بانکها بیرون کشیده و آنرا تبدیل به دلار کرده اند، کاملاً ناتوان شده اند فقط چند صرافی آنهم به شکل پراکنده در خارطوم فعالیت می کنند و بانکها در مناطق دیگر ای کشور فقط

اجازه خروج ۱۰ دلار در روز را به شهروندان می دهند. اوضاع به اندازه ای نابسامان شد که دولت این کشور از فراهم کردن آرد برای صنعت نان و سوخت خودروها و وسایل حمل و نقل عمومی عاجز ماند. پس از آن قیمت ها سر به فلک کشید و بازار سیاه راه دست یابی به این نیازهای ضروری شد.

دولت سودان هنگامی که سهم نان و سوخت دیگر مناطق را به پایتخت اختصاص داد مرتکب اشتباه راهبردی شد. قیمت هر قرص نان در پرت سودان که از کانون های مهم اعتراضات است به سه پوند سودان افزایش یافت و در برخی مناطق به ۴ پوند سودان افزایش یافت. برخورد با تظاهرات کنندگان در ابتدا نرم بود اما پس از مدت اندکی به خشونت کشیده شد.

### آیا نظامیان از رژیم دست کشیده اند؟

نکته قابل آنچه در شهر عطبره رخ داد، است که نیروهای ارتش با تظاهرات کنندگان در برابر پلیس و نیروهای امنیتی حمایت کردند و این از ویدئوهایی که منتشر شده مشخص می شود. نیروهای ارتش در برخی مناطق مستقر شده و مانع برخورد خشونت آمیز پلیس می شود و در برخی مناطق از جمله عطبره و القضارف از تظاهرات کنندگان حمایت کرد. برخی از گزارش ها از پیوستن نیروهای پلیس به تظاهرات کنندگان در شهر ظنکله حکایت دارد. اینکه سرلشگر محی الدین الهادی فرمانده لشکر دوم پیاده در شهر القضارف در پیشاپیش تظاهرات کنندگان قرار دارد به منزله حمایت نظامیان است.

برخی تحلیلگران این اقدام را به منزله فاصله گرفتن نظامیان و نهادهای نظامی این کشور با عمر البشیر و دست کشیدن از حمایت وی و برخی دیگر آنرا تلاشی برای آرام کردن معترضان خشمگین دانسته اند.

### احزاب سیاسی در کجای انقلاب نان هستند؟

احزاب سیاسی در ابتدا موضعی در قبال تظاهرات اتخاذ نکردند و شاید به دلیل اینکه خود را از اقدامات برخی

سامان دادن به اوضاع اقتصادی نظامیان این کشور را به جبهه های جنگ در یمن اعزام کرد اما بسیاری از جریان های سیاسی و کمپین های مردمی در سودان خواستار بازگشت نیروهای این کشور از جنگ یمن هستند.

روزنامه اخبار الیوم السودان اخیرا در گزارشی به نقل از منابع آگاه نوشت: «در میان سران حکومت سودان اختلاف نظرهای شدیدی درباره ادامه ماموریت نیروهای سودانی در جنگ یمن وجود دارد و این به علت مطالبه های مردمی و پارلمانی است که حضور نیروهای این کشور در آن جنگ را دارای هزینه ای سنگین می داند. کشورهای عضو ائتلاف عربی و در راس آنها عربستان، سودان را در بحران اقتصادی خود رها کردند، پس چرا خارطوم باید هزینه جنگی را بدهد که نتیجه ای برای آن ندارد»

### چرا خارطوم باید هزینه جنگی را بدهد که نتیجه ای برای آن ندارد

فیصل یاسین نماینده پارلمان سودان به خبرگزاری آنا تولی ترکیه گفت: «ما خواستار خروج نیروهای مسلح سودانی از یمن هستیم، قرار نیست به نمایندگی از دیگران بجنگیم».

کمال عمر عبدالسلام نماینده حزب کنفرانس مردمی گفت: «ارتش سودان در جنگ یمن در حالی مشارکت دارد که به او نه ربطی دارد و نه سودی عایدش می کند. تصمیم مشارکت در جنگ یمن کاملا سیاسی است و بدون مشورت با احزاب و پارلمان اتخاذ شد».

فراکسیون نیروهای تغییر در پارلمان سودان نیز خواستار خروج فوری نیروهای سودانی از جنگ با یمن شد و مشارکت نیروهای مسلح سودانی در جنگ را مخالفت با قانون اساسی خواند.

در حالی که به خاطر کمبود سوخت، سودانی ها ساعت ها در صف های مقابل پمپ ها می ایستند، سربازان سودانی در خط مقدم جنگ یمن، خون می دهند و هزینه جنگ را به تنهایی می پردازند. نکته غریب این است که رسیدن یک نفتکش از چین به سودان، بیش از ۲۰ روز طول می کشد، در حالی که برای برخی کشورهای خلیج فارس مثل عربستان چند ساعتی بیشتر طول نمی کشد تا بحران سوخت سودانی ها حل شود، اما متأسفانه سعودی ها پشت سودان را خالی می کنند.

قدر مسلم آن است که اشتباهات راهبردی عمر البشیر از جمله روی آوردن به سراب برای بهبود اوضاع در سودان به جای اینکه مسیر درست را طی کند و نیز از دست رفتن بخش اعظم درآمد نفتی و در کنار آن سوء مدیریت سبب شده است که اوضاع این کشور آفریقایی به وضع کنونی برسد.

عمر البشیر در این خیال خام بود که با خروج از محور مقاومت و قطع روابط با ایران همه چیز بر وفق خواسته های وی پیش می رود و روند دادگاه بین المللی علیه وی متوقف می شود و آمریکا و متحدانش با آغوش باز از وی استقبال خواهند کرد اما آمریکایی که به عهد شکنی معروف است و تازه ترین مورد آن نیز در سوریه و دست برداشتن از نیروهای سوریه دموکراتیک رخ داد، آمل عمر البشیر را بر آورده نکرد.

به نظر می رسد که بحران کنونی متفاوت از موارد قبلی از آن است و باید سیر تحولات سودان را دنبال کنیم و منتظر باشیم که انقلاب نان به کجا ختم می شود.



سودان؛ هیچ کسی بیش از ۲ دوره نمی تواند متصدی سمت ریاست جمهوری شود.

### نگاه کارشناسی

عبدالباری عطوان تحلیلگر معروف جهان عرب درباره اعتراضات سودان در رای الیوم آورده است: «بسیاری از شهرهای سودان شاهد تظاهرات مردمی است که علت اصلی آن شرایط معیشتی و گرانی و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی است و نمی توان آنرا از مدیریت غلط و فساد که این کشور را فرا گرفته و نیز سیاست ها و ائتلافهای خارجی که عمر البشیر و وزیران و معاونانش از آن پیروی می کنند، جدا دانست.

هنگامی که عمر البشیر روابطش را با ایران قطع کرد و به ائتلاف تحت سرکردگی سعودی ها و اماراتی ها در جنگ یمن ملحق شد به دنبال تحقق برخی اهداف بود که از جمله آنها می توان به رفع محاصره سیاسی و اقتصادی آمریکای سودان اشاره کرد که خواسته البشیر در این زمینه میسر نشد.

از جمله دیگر اهدافش این بود که با ورود به جنگ یمن کشورهایی که جنگ را ضد یمن به راه انداخته بودند به ویژه عربستان و امارات میلیاردها دلار به شکل کمک و وام و به اشکال دیگر به خارطوم بدهند تا با آن بتواند از بحرانهای اقتصادی خارج شود و روند کاهش ارزش ارز این کشور را متوقف کند اما در این زمینه نیز اهداف مورد نظر وی محقق نشد.

عمر البشیر هنگامی که از جانب آمریکا و متحدانش به ویژه سعودی ها و اماراتی نتیجه ای نگرفت به مسکو و آنکارا و قطر روی آورد تا به محور قدیمی بازگردد و گره مشکلات اقتصادی را باز کند اما این رویکرد نیز به ویژه با توجه به اینکه قطر مورد خشم امارات و عربستان است نتیجه ای نداد. به نظر می رسد که عمر البشیر که میان محورهای عربی و آفریقایی و غربی در چرخه بوده است این بار با چالش جدی روبرو است که متفاوت از چالشهای قبلی است».

### نقش مشارکت نظامیان سودانی در جنگ یمن در بحران

عمر البشیر به امید به چنگ آوردن پول برای سرو

تظاهرات کنندگان در تخریب اموال دولتی و خصوصی دور نگه دارند. اما هنگامی که تحولات شدید شد و از کنترل حزب حاکم خارج شد و مقررات منع آمد و شد در القضا و عطیره اعمال شد حزب امت صادق المهدی موضعش را تغییر داد و از هواداران خود خواست که در تظاهرات شرکت کنند و به نظام کنونی سرنوشت رژیم های دیکتاتوری قبلی را یادآور شد.

### نگرانی حاکم مصر از سرایت تظاهرات سودان و تحریکاتی که انجام داد

مقام های امنیتی و نهاد ریاست جمهوری مصر برای جلوگیری از وقوع اتفاقات مشابه در این کشور به رسانه ها دستور داده اند که از پرداختن به تظاهرات سودانی ها خودداری کنند. این گزارش حاکی است رسانه های مصری پس از گذشت ۴ روز از ناآرامی های سودان که با کشته و زخمی شدن ده ها تن از تظاهرکنندگان همراه بوده است، هنوز واکنشی به این حوادث نشان نداده اند. حتی روزنامه های منطقه ای الاهرام، الاخبار و الجمهوریه تاکنون هیچ خبری از حوادث سودان منتشر نکرده اند. دولت مصر به علت همسایگی این کشور با سودان نگران است که دامنه اعتراض ها به اوضاع بد معیشت و مشکلات اقتصادی در آینده نزدیک، به مصر هم سرایت کند.

### دلایل امتناع عمر البشیر از ترک کرسی ریاست جمهوری

اگر عمر البشیر از قدرت کناره گیری کند، باید تسلیم دیوان کیفری بین المللی شود زیرا عمر البشیر به اتهام ارتکاب جنایات جنگی، جنایات ضد بشری و کشتار جمعی در منطقه دارفور در غرب سودان تحت پیگرد دیوان کیفری بین المللی است و این دادگاه بین المللی سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ حکم بازداشت وی را صادر کرد.

دلیل دیگر اینکه عمر البشیر با وجود تشدید بحران های موجود، خود را برای انتخابات سال ۲۰۲۰ آماده می کند و از هیچ تلاشی برای پشت سر گذاشتن موانع موجود در قانون اساسی فروگذار نمی کند؛ این در حالی است که طبق ماده ۵۷ قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۵



با خروج نظامیان آمریکا از سوریه؛

# گردهای «یگانهای مدافع خلق» سوریه امید به مسکو و دمشق دوخته اند



در زمانی که سیل بازیگران دولتی و غیردولتی علیه داعش در سوریه با یکدیگر همکاری می کردند؛ گروهی از شبه نظامیان کرد در خط مقدم نبرد علیه داعش، نظر مثبت مقامات واشنگتن و مسکو را جلب کرد.

«جورجیو کافیرو» در تحلیلی که برای سایت لوبلاگ آمریکا نوشته به بررسی وضعیت گروه کردی «یگانهای مدافع خلق» بعد از خروج آمریکا از سوریه پرداخته است که در ادامه ترجمه آن آمده است.

در شرایطی که سیل بازیگران دولتی و غیردولتی در نبرد علیه گروه تروریستی داعش در سوریه با یکدیگر همکاری و تشریک مساعی می کردند، گروهی از نیروهای کرد موسوم به «یگانهای مدافع خلق» (ی پ گ/ YPG) هم با آمریکا و هم با روسیه همکاری می کرد. نقش این گروه - که شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک سوریه است - در خط مقدم نبرد علیه داعش نظر مثبت مقامات واشنگتن و مسکو را جلب کرد.

نکته جالب توجه آن است که مقامات ترکیه در حالی که همواره همتایان آمریکایی خود را بر سر اتحاد واشنگتن و «ی پ گ» به باد انتقاد می گرفتند، در مورد همکاری کرملین با این گروه از شبه نظامیان کرد سوری سکوت اختیار می کردند.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی، روسیه بواسطه روابط تاریخی خود با کردها از این نقطه ضعف ترکیه بهره برد. در آن دهه، آنکارا از روابط خود با جدایی طلبان مسلمان در چین برای دور ساختن مسکو از همکاری بسیار نزدیک با کردها استفاده کرد. در سال ۲۰۱۶ نیز که حزب اتحاد دموکراتیک سوریه یک دفتر نمایندگی سیاسی در مسکو تأسیس نمود، ترکیه از یک اهرم فشار برای اعمال نفوذ بر روسیه محروم شد؛ به ویژه که پس از کودتای نافرجام پانزدهم ژوئیه (۲۰۱۶) آنکارا گرایش بیشتری به سمت مسکو پیدا کرد.

به عبارت ساده تر، رهبری ترکیه در موقعیتی قرار نداشت که کرملین را به دلیل همکاری با «ی پ گ» مورد مؤاخذه و سرزنش قرار دهد؛ حتی زمانی که این همکاری منبع اصلی اختلاف در روابط دوجانبه آنکارا - مسکو به شمار می رفت.

با این حال در ماه ژانویه، هنگامی که دولت ترکیه عملیات شاخه زیتون خود را علیه کردهای مسلح «ی پ گ» در شمال غربی سوریه آغاز کرد، روسیه فضا را برای عملیات آفندی آنکارا باز نمود. در نتیجه این اقدام، اختلاف نظرهایی میان روسیه و نیروهای کرد ظاهر شد. رهبران یگانهای مدافع خلق مسکو را شریکی غیرقابل اعتماد و مشتاق یافتند که ایجاد روابط حسنه با ترکیه را بر روابط با آنها ترجیح می دهد. این وضعیت سبب شد که این گروه کرد برای دریافت حمایت خارجی رو به جانب آمریکا آورد.

در ماه مارس، پس از آنکه ترکیه گروه «ی پ گ» و شاخه سیاسی حزب اتحاد دموکراتیک سوریه را در عفرین از قدرت برکنار کرد، شبه نظامیان «ی پ گ» به سرعت نواحی تحت محاصره کردها را رها کرده و در بخشهای دیگری از شمال سوریه مستقر شدند و تحت حفاظت نیروهای نظامی آمریکا قرار گرفتند؛ نظامیانی که برای ایجاد بازدارندگی در برابر عملیاتهای ترکیه علیه نیروهای کرد فعالیت می کردند.

در شرایطی که تداوم عملیات و کنترل بخشهای بزرگی از شمال سوریه به سود کردهای «ی پ گ» است، بن بست موجود میان ترکیه و آمریکا در شمال سوریه یک بازی خطرناک بشمار می رود. آنکارا تصمیم دونالد ترامپ برای خارج ساختن نیروهای آمریکا از شمال سوریه را - که هفته پیش اعلام شد - نشانه یک خوش بینی - تاحدودی محتاطانه - به رفع معضلی دانست که سالها سرچشمه تنش در روابط دوجانبه این دو کشور عضو «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) یعنی آمریکا و ترکیه بوده است.

در این میان، ترامپ از اتخاذ اقدامی دیگر که خطر برخورد مستقیم میان آمریکا و ترکیه را افزایش می داد، اجتناب کرد. ترامپ به خشنود سازی «جیب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه مبادرت کرد؛ اقدامی که روابط دوجانبه را به طور قابل توجهی بهبود بخشید. اما «ی پ گ» اعلام این تصمیم ترامپ [خروج نظامیان آمریکا از سوریه] را نشانه ای دال بر خیانت دولت واشنگتن تفسیر کرد. هرچند شراکت آمریکا و «ی پ گ» ازآما با خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه پایان نخواهد یافت (چرا که واشنگتن ممکن است به طرق دیگر به حمایت خود از شبه نظامیان کرد ادامه دهد)، نیروهای «ی پ گ» باید به واقعیات جدید در سوریه راضی شوند و تصدیق کنند که «بشار اسد» رئیس جمهور سوریه در جنگ «پیروز شده است». پیروزی دولت قانونی سوریه در کنار خروج آمریکا احتمالاً «ی پ گ» را به سمت دولت‌های روسیه و دمشق سوق خواهد داد.

بنابراین، خروج نیروهای آمریکا احتمالاً خلائی ایجاد می کند که روسیه برای پر کردن آن خلاء دست به اقدام می زند. با خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه، رهبری روسیه در راستای تلاشهایش جهت دستیابی به یک اهرم فشار بزرگتر، تجدید شراکت با «ی پ گ» را کلیدی برای دستیابی به این هدف تلقی می کند.

سال گذشته نیز روسها گشایش کانالهای ارتباطی میان «ی پ گ» و مقامات دمشق را تسهیل کردند. هدف مسکو وادار ساختن طرفهای درگیر به یافتن راه حلی است که

به موجب آن، این گروه گُرد و تحت حمایت آمریکا در ازای دریافت امتیازاتی از مقامات دمشق در درون دستگاه امنیتی دولت سوریه ادغام شود. با وجود گزینه های محدود، به نظر می رسد که «ی پ گ» باید بر روی فرصتهای این چنینی جهت دستیابی به یک توافق با دولت اسد سرمایه گذاری کند.

با این حال، در خصوص ادغام احتمالی «ی پ گ» در درون نهادهای امنیت ملی دولت سوریه، برخی پرسشهای مهم و حساس پابرجا می مانند. آیا دولت سوریه انعطاف پذیر است و در خصوص فرهنگ و زبان کردی امتیاز می دهد؟ دمشق چه میزان خودمختاری به کردهای سوریه اعطا خواهد کرد؟ چه مقدار از مناطق شمال سوریه که «ی پ گ» همچنان تحت کنترل خود دارد، از سوی نیروهای کرد به دولت مرکزی سوریه منتقل می شود؟ آیا «ی پ گ» همچنان مناطق پرجمعیت در شمال سوریه را اداره و کنترل خواهد کرد؟ این پرسشها همچنان بی پاسخ مانده اند، با این حال این بار نوک پیکان این پرسشها بیشتر متوجه مقامات دمشق است تا رهبران «ی پ گ».

سخنان «جیب طیب اردوغان»، رئیس جمهور ترکیه در روز ۲۱ دسامبر مبنی بر این که آنکارا عملیات علیه کردهای «ی پ گ» را به زمانی دیگر موکول خواهد کرد، احتمالاً رهبری «ی پ گ» را برای تسریع تلاشها جهت حصول به یک توافق با دولت اسد تحت فشار قرار خواهد داد. چنانچه دوطرف به توافقی دست یابند، این خود نشانه قدرتمند دیگری دال بر نقش روسیه به عنوان یک عامل اثرگذار برای حل و فصل مناقشه در سوریه خواهد بود؛ روندی که آمریکا از آن کنار گذاشته می شود. روسیه برای کسب اعتماد و اطمینان «ی پ گ»، لازم است هرگونه عملیات نظامی ترکیه علیه این گروه کرد در شمال سوریه را رد کند. این امر تضمین خواهد کرد «ی پ گ» - که هم اکنون ۲۵ درصد از خاک سوریه را تحت کنترل خود دارد - به طور رسمی به نیروهای وابسته به دولت سوریه بپیوندد تا نهایتاً در غیاب نیروهای آمریکایی، از نیروهای خود محافظت و حراست نماید.

## جلیقه‌های رنگی در تونس / آیا انقلاب دوم در راه است؟

فاطمه صالحی



تونس می‌ها در حالی به استقبال سالگرد انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ می‌روند که اعتراضات و تظاهرات مردمی بر سراسر این کشور سایه افکنده و به نظر می‌رسد وارد مرحله جدیدی شده است.

کشور تونس این روزها در آستانه سالگرد انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ و بعد از گذشت ۸ سال از شعله ور شدن شراره های انقلاب در حال و هوای ملتهبی به سر می‌برد و به نظر می‌رسد که تونس می‌ها خود را برای یک اقدام جدی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورشان در چارچوب کمپین «جلیقه قرمزها» آماده می‌کنند.

فعالان تونس می‌ها به تازگی رسماً از آغاز جنبش اعتراضی «جلیقه قرمزها» با هدف درخواست برای تغییرات و اصلاح در کشور خبر داده‌اند. این جوانان تونس می‌ها الگوگیری از جنبش «جلیقه زردها» در فرانسه جنبش اعتراضی «جلیقه قرمزها» را در تونس به راه انداخته‌اند. فعالان تونس می‌ها در بیانیه‌ای که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، اعلام کردند: جنبش جلیقه قرمزها گامی در مسیر مبارزه برای بازپس‌گیری کرامت و عزت تونس می‌هاست. این جنبش به اعتراضات مسالمت آمیز پایبند خواهد بود.

در این بیانیه آمده است: ما جوانان تونس می‌ها امروز پس از گذشت هشت سال از جنبش ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰ و سیستمی که جز شکست، فساد، گرانی، بیکاری مدیریت نادرست و موارد دیگر برای مردم به همراه نداشته، به طور رسمی تشکیل کمپین جلیقه قرمزها را اعلام می‌کنیم.

جنبش جلیقه قرمزها ۲۲ خواسته اجتماعی و اقتصادی را مطرح کرده است. خواسته‌های این جنبش شامل بهبود وضعیت زندگی، ایجاد اصلاحات فوری در بخش‌های بهداشت، آموزش و حمل و نقل عمومی، بهبود وضعیت دستمزد و مستمری بازنشستگی، تعمیر و حفاظت از جاده‌ها و زیرساخت‌ها و همچنین مجازات مفسدین است.

### پیروزی در انتقال قدرت و ناکارآمدی در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی

انقلاب تونس با حرکت خودجوش «محمدبو عزیزی» دست فروش ۲۶ ساله تونس می‌ها در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ در تونس شروع شد و به سایر کشورهای عربی نیز کشیده شد. بوعزیزی در اعتراض به اوضاع بد اقتصادی خود را به آتش کشید و روز بعد یعنی ۱۸ دسامبر مردم شهر سیدی بوزید در حمایت از بوعزیزی و اعتراض به وضعیت بد اقتصادی و رشد فزاینده بیکاری تظاهرات برگزار کردند.

چهارم ژانویه بوعزیزی درگذشت و در تاریخ ۱۴ ژانویه «زین العابدین بن علی» دیکتاتور وقت تونس پس از انحلال دولت و مجلس و بعد از ۲۴ سال از قدرت کنار رفت.

وخت اوضاع اجتماعی و اقتصادی در تونس و اعتراضات در این کشور در حال افزایش است. تونس طی ماه‌های اخیر شاهد برگزاری تجمع‌های اعتراض آمیز و تحصن‌های سندیکایی در اعتراض به مشکلات صنفی بوده و در حال حاضر دامنه این اعتراضات به جوانان خشمگین از اوضاع نابه سامان کشور در زمینه‌های مختلف کشیده شده است.

با وجود آنکه انقلاب تونس توانست روند انتقال

دموکراتیک قدرت را در این کشور تضمین کند اما نتوانست اوضاع اقتصادی و اجتماعی این کشور را در سایه افزایش نرخ بیکاری در میان جوانان و افزایش هزینه‌های زندگی و فساد بهبود بخشد.

دولت تونس از سه سال قبل تاکنون با مشکلات صنفی بخش‌های مختلف این کشور در خصوص افزایش دستمزدها دست و پنجه نرم می‌کند و این مشکلات هنوز حل نشده است.

همین چند روز قبل بود که معلمان تونس می‌ها با برگزاری تجمعات و تظاهرات گسترده در تمام استان‌های این کشور صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین تونس رساندند. معلمان تونس می‌ها این اعتراضات خود را در قالب کمپین «جلیقه سفیدها» برگزار کردند. علاوه بر این کارگران بخش فنی ناوگان هوایی در فرودگاه قرطاج تونس نیز طی روزهای گذشته تحصن ۲ روزه‌ای را برگزار کردند که در اثر آن حرکت هواپیماها در این کشور با مشکل روبه‌رو شد.

### انقلاب دوم یا تضعیف انقلاب‌های بیداری اسلامی؟

برخی تحلیل‌گران در تونس معتقدند که نشانه‌های ظهور و بروز انقلاب دوم در این کشور در سایه ادامه یافتن نارضایتی‌ها از عملکرد حکام چه قبل و چه بعد از انقلاب ژانویه مشخص شده است. این در حالیست که دسته دوم از تحلیل‌گران معتقدند که برگزاری اعتراضات و تجمعات در این کشور به ذات مردم تونس که اصولاً معترض هستند بر می‌گردد و ربطی به احتمال وقوع انقلاب دوم ندارد. بر اساس این تحلیل هر انقلابی در درون خود ضعفها و قوت‌هایی دارد و اعتراض مردم که عامل اصلی انقلاب به شمار می‌آید یک عنصر کاملاً طبیعی برای تقویت آن محسوب می‌شود. آنها معتقدند که راه کار بهبود شرایط در تونس در وقوع انقلاب دوم نهفته نیست بلکه در برخورد مطلوب حاکمیت با معترضان و درخواستهای مردمی آنها به دور از هرگونه نگاه سیاسی نهفته است.

برخی نیز معتقدند که اعتراضات گسترده در تونس کاملاً حزبی بوده و احزاب مخالف این کشور به ویژه حزب

نداء تونس که انتقادات زیادی به دولت و یوسف الشاهد نخست‌وزیر این کشور دارد در پس اعتراضات مذکور ایستاده‌اند.

این در حالیست که باید به نقش کشورهای خارجی در تضعیف و ناکارآمد نشان دادن انقلاب‌های بیداری اسلامی در منطقه توجه داشت. در همین راستا عماد الدائمی معاون رئیس‌جمهور این کشور تلاش کرد که کشور امارات با تشکیل یک ائتلاف عملیات در دبی تلاش دارند تا در انقلاب‌های به وقوع پیوسته در منطقه سنگ اندازی کند. وی تاکید کرد که این ائتلاف عملیات در دبی با هماهنگی رژیم صهیونیستی تشکیل شده و امارات بد طولانی در خصوص تلاش برای ناکام گذاشتن انقلاب‌های منطقه دارد. این ائتلاف عملیات اماراتی صهیونیستی توسط کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و کشورهای غربی که خواهان پیشرفت امت نیستند حمایت مالی می‌شود.

### ضرورت تعامل سازنده حاکمیت با درخواستهای مردمی

در هر صورت در بررسی و تحلیل اوضاع تونس و اعتراضات مردمی در این کشور بعد از گذشت ۸ سال از انقلاب اولیه باید به این نکته توجه داشت که اعتراض مردم علیه اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در هر دوره حتی پس از وقوع یک انقلاب امری اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان به صرف پیروزی یک انقلاب حق اعتراض را از مردم یک کشور گرفت چه بسا همین اعتراضات مردمی باعث شود انقلاب در مسیر اصلی خود قرار گرفته و منحرف نشود و بنیان‌های آن بیش از پیش استوار گردد.

هم چنین حرکت به سمت یک انقلاب دیگر به فاصله ۸ سال از انقلاب نخست می‌تواند پیامدهای پیچیده و قابل توجهی را برای تونس می‌ها به دنبال داشته باشد چرا که هر انقلابی در درون خود نوعی بهم ریختگی اوضاع را سبب می‌شود و در شرایط کنونی بهترین راه برای آرام کردن اوضاع در این کشور تعامل سازنده حاکمیت با مردم و خواسته‌های آنها که بیشتر رنگ و بوی اقتصادی دارد است.

## پایان فصل خزان در سوریه / چه کسانی پشت دروازه‌های دمشق به صف شدند؟



با گذشت قریب به ۸ سال از بحران سوریه، کشورهای عربی و غیر عربی علیرغم نقش مخربشان در این کشور، یکی پس از دیگری به منظور عادی سازی روابط خود با دمشق، پشت دروازه‌های سوریه به صف ایستاده‌اند. علیرغم گذشت قریب به ۸ سال از بحران سوریه و هجومه های فزاینده محور غربی - عربی علیه دمشق، اما امروز و با آشکار شدن پیروزی‌ها و دستاوردهای ارزشمند میدانی نیروهای مقاومت سوریه، کشورهای عربی یکی پس از دیگری در پشت دروازه‌های سوریه و به منظور عادی سازی روابطشان با دمشق، به صف ایستاده‌اند.

این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که سران اتحادیه عرب در سال ۲۰۱۱ تحت فشارهای گسترده ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی، رأی به تعلیق عضویت سوریه از این اتحادیه دادند. اما اکنون و با تغییر معادلات در عرصه میدانی، کشورهایی که پیشتر رأی به تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب داده بودند، امروز برای از سرگیری روابط خود با دمشق از دیگران پیشی می‌گیرند.

این رویداد از آنجا حائز اهمیت بسیار محسوب می‌شود که نگاهی هرچند گذرا به سیر تحولات سیاسی و میدانی سوریه در طول هشت سال گذشته به خوبی نشان می‌دهد که سران کشورهای عربی در طول مدت مذکور نقش مهم و تعیین کننده‌ای در تشدید بحران سوریه و طولانی تر شدن هرچه بیشتر زمان آن داشته‌اند. لذا تصمیم شماری از این کشورها برای بازگشت از مسیری که طی سالهای گذشته آن را پیموده‌اند، نمی‌تواند معنایی جز اذعان آنها به شکست استراتژی‌شان در برابر دمشق، داشته باشد.

طی ماه‌ها، هفته‌ها و روزهای اخیر سلسله اتفاقاتی رخ داده است که جملگی نشان از آن دارد که شمار نه چندان اندکی از کشورهای عربی ضمن پشیمانی از سیاست‌های سابق خود در قبال سوریه، تمایل به از سرگیری روابطشان با این کشور دارند. درست به همین دلیل است که آنها یا خود و نمایندگان تام‌الاختیارشان به سوریه سفر می‌کنند و یا از مقامات سوریه برای سفر به کشورهايشان دعوت به عمل می‌آورند.

### دعوت رسمی مصر از رئیس دفتر امنیت ملی سوریه

«علی المملوک» رئیس دفتر امنیت ملی سوریه به تازگی طی سفری رسمی به قاهره، پایتخت مصر رفته است. وی در جریان سفر خود به مصر با مقامات امنیتی عالی‌رتبه این کشور دیدار و گفتگو کرد. از جمله این مقامات امنیتی عالی‌رتبه می‌توان به «عباس کامل» رئیس سازمان اطلاعات مصر اشاره کرد که دیدار مشترکی را با المملوک داشته است. دو طرف در جریان این دیدار در خصوص تحولات امنیتی منطقه و راهکارهای از سرگیری مناسبات نظامی - امنیتی دمشق و قاهره بحث و تبادل نظر کردند.

در همین راستا، خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) با انتشار مطلبی اعلام کرد که سفر المملوک به مصر به دعوت رسمی «عباس کامل» رئیس دستگاه اطلاعات این کشور انجام شده است. طبق اعلام این رسانه رسمی سوریه، دو طرف در جریان دیدار مشترک خود همچنین در خصوص نحوه همکاری‌های دوجانبه در عرصه مبارزه با تروریسم گفتگو کرده‌اند.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که سفر رئیس

دعوت امنیت ملی سوریه به قاهره، پایتخت مصر و دیدارش با مقامات این کشور برای بار دوم طی حدود دو سال گذشته، اتفاق می‌افتد. این مقام امنیتی سوریه در تاریخ ۲۲ اکتبر سال ۲۰۱۶ نیز بنابر دعوت رسمی طرف مصری به قاهره سفر کرده بود. وی در آن زمان با «خالد فوزی» نایب رئیس دستگاه امنیت ملی مصر و شماری دیگر از مقامات بلندپایه امنیتی این کشور دیدار و گفتگو کرده بود.

دعوت امنیت ملی سوریه به قاهره، پایتخت مصر و دیدارش با مقامات این کشور برای بار دوم طی حدود دو سال گذشته، اتفاق می‌افتد. این مقام امنیتی سوریه در تاریخ ۲۲ اکتبر سال ۲۰۱۶ نیز بنابر دعوت رسمی طرف مصری به قاهره سفر کرده بود. وی در آن زمان با «خالد فوزی» نایب رئیس دستگاه امنیت ملی مصر و شماری دیگر از مقامات بلندپایه امنیتی این کشور دیدار و گفتگو کرده بود.

### بازسازی سفارت امارات متحده عربی در دمشق

به تازگی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تصاویری را منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد امارات متحده عربی در حال بازسازی مقر سفارت خود در دمشق، پایتخت سوریه است. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که منابع خبری از گفت‌وگوی مقامات اماراتی و سوریه برای از سرگیری روابط دیپلماتیک خبر می‌دهند. مسأله بازسازی

علاوه بر آنچه که گفته شد، اخیراً یک هیأت اماراتی از اداره شرکت املاک «داماک» امارات با دعوت رسمی شرکت‌های سوریه متخصص در بازسازی ساختمانها هفته گذشته به دمشق سفر کرده و اعضای آن در دیدار با هم‌تایبان سوریه خود راههای همکاری در زمینه توسعه املاک در مرحله آتی و برپایی طرح‌های جدید در سوریه را بررسی کردند. شرکت «داماک» از شرکت‌های مطرح



در زمینه ساختمان سازی در جهان عرب است که در حال حاضر بیش از ۲۰ پروژه را در خاورمیانه به پیش می برد. «عبدالستار بوشناق» پژوهشگر سیاست بین الملل درباره علت این سفر گفت: این سفر همزمان با اعلام «دونالد ترامپ» برای خروج نیروهای آمریکایی از سوریه صورت گرفته و مشخص است که در این سفر دستورالعمل های نظامی و اقتصادی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این پژوهشگر سیاست بین الملل ادامه داد: این سفر هیأت اماراتی تنها بخشی از حرکت کشورهای عربی به سمت نظام سوریه است.

### عبدالله دوم و اذعان به عادی سازی روابط با سوریه

از سوی دیگر، می توان از کشور اردن به عنوان یکی دیگر از جمله کشورهای یاد کرد که پشت دروازه های سوریه به منظور عادی سازی روابط خود با این کشور در صف ایستاده است. اظهارات اخیر «عبدالله دوم» پادشاه اردن در خصوص سوریه و ماهیت روابط میان دمشق و امان با یکدیگر، می تواند بهترین منبع برای استناد به تمایل اردن به از سرگیری روابط با سوریه باشد. «عبدالله دوم» پادشاه اردن اخیراً در اظهار نظری تصریح کرده است: «روابطمان با سوریه به روال قبلی باز خواهد گشت. شاهد آن هستیم که اوضاع در سوریه در حال بهبود است و اردن برای سوریه آرزوی خیر و نیکی دارد. ان شاءالله اوضاع در سوریه به حالت عادی بر می گردد». اگر همکاری های تنگاتنگ اخیر میان امان و دمشق برای بازگشایی گذرگاه مرزی «النصیب» را نیز در کنار اظهار نظر پادشاه اردن قرار دهیم، به خوبی در خواهیم یافت که اتفاقات جدیدی در عرصه عادی سازی روابط با سوریه، در حال رخ داده است.

### پیام آشکار اعراب برای بازگشت به سمت دمشق

«عمر البشیر» رئیس جمهور کشور سودان روز یکشنبه هفته جاری وارد دمشق، پایتخت سوریه شد. این نخستین سفر رهبر یک کشور عربی به سوریه از زمان آغاز جنگ داخلی در این کشور در سال ۲۰۱۱ محسوب می شود. از سفر «عمر البشیر» به عنوان رئیس جمهوری سودان به سوریه می توان به عنوان مقدمه بازگشت رسمی اعراب به سمت دمشق یاد کرد.

در همین ارتباط، حزب اتحاد لبنان در بیانیه ای اعلام کرد: «سفر عمر البشیر رئیس جمهور سودان به دمشق در واقع تثبیت بازگشت اعراب به سوریه است. این تنها سفر نخواهد بود و به دنبال آن شاهد سفرهای مسئولان کشورهای عربی خواهیم بود و این در حالی است که همچنان در لبنان درباره روابط با دمشق نوعی عنادورزی وجود دارد در حالی که منطقه تاریخ و جغرافیا حکم به داشتن روابط با سوریه می کند».

در خصوص سفر عمر البشیر به سوریه، «محمد خیر العاکر» کارشناس مسائل سیاسی و بین المللی معتقد است: «کشورهای عربی که هرآنچه در چنته داشتند علیه دمشق و مقاومت سوریه به کار گرفته اند، اکنون در حال وفق دادن خود با این حقیقت هستند که دمشق در جنگ علیه تروریسم به پیروزی رسیده است. آنها روابط آینده خود با دمشق را بر مبنای همین حقیقت، پایه ریزی می کنند».

### ترکیه هم تلویحاً به ماندن اسد رضایت داد

علاوه بر کشورهای عربی، ترکیه نیز که همواره در خط مقدم حمایت از گروه های مسلح معارض در سوریه ایستاده بود و اکنون نیز به برخی تحرکات مشکوک خود در این کشور ادامه می دهد، تلویحاً به ماندن «بشار اسد» در رأس هرم قدرت سوریه رضایت داده است. این مسأله از اظهار نظر اخیر «مولود چاوش اغلو» وزیر خارجه ترکیه به خوبی پیداست.

در همین ارتباط، «مولود چاوش اغلو» وزیر خارجه ترکیه در سخنانی تصریح کرده است: «اگر بشار اسد در جریان یک انتخابات دموکراتیک به پیروزی برسد، شاید ترکیه و دیگر کشورها گزینه همکاری با وی را مورد بررسی قرار دهند». وی برخلاف رویه گذشته که اسد را جنایتکار جنگی می خواند و حضورش در روند سیاسی سوریه را غیرممکن توصیف می کرد، در پاسخ به سؤالی پیرامون همکاری آنکارا با دولت اسد، گفت: «در ابتدا باید انتخابات برگزار شود و سپس در این خصوص اظهار نظر کنیم».

سخنان چند روز پیش «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه نیز نشان می دهد که آنکارا علیرغم عدم ترک کامل سیاست های سابق خود در قبال دمشق، نیم نگاهی به باقی ماندن اسد در قدرت دارد و قصد دارد با این مسأله کنار آید. درست به همین دلیل است که اردوغان اخیراً تأکید کرد که ترکیه به

خاک سوریه چشم طمع ندارد. در واقع، این اظهار نظر بیش از هر چیزی ارسال نوعی پیام به سران دمشق است تا بدین ترتیب از شدت تنش میان دو طرف به ویژه در شرق سوریه بکاهد.

### تلاش برای لغو «تعلیق عضویت» در اتحادیه عرب

علاوه بر آنچه که گفته شد، تلاش برای لغو «تعلیق عضویت» سوریه در اتحادیه عرب و بازگرداندن کرسی دمشق به آن، مسأله دیگری است که بر روند تلاش اعراب برای عادی سازی روابط با سوریه صحنه می گذارد؛ هرچند که شاید این روند با نفوذ سیاسی و مالی عربستان سعودی در اتحادیه عرب به نتیجه مطلوب منجر نشود.

در همین راستا، یک منبع آگاه در دولت تونس اعلام کرد که رئیس جمهوری این کشور تلاش های تازه ای را جهت رفع تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب کلید زده است. این منبع که نخواست نامش فاش شود در این خصوص گفت: «السیسی در حاشیه نشست اقتصادی سران کشورهای عربی که قرار است در لبنان برگزار شود، با طرف های عربی رایزنی هایی را پیرامون لغو تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب، انجام خواهد داد».

این منبع همچنین اظهار داشت: قرار است در جریان رایزنی های السیسی با طرف های عربی، مسأله دعوت از بشار اسد برای شرکت در نشست اتحادیه عرب در ماه مارس آتی، بحث و تبادل نظر صورت پذیرد.

### پایان سخن

پایان سخن آنکه سلسله تلاش های برخی کشورهای عربی و غیرعربی برای عادی سازی روابط با دمشق و بازگرداندن این روابط روی ریل اصلی آن نه از سر تغییر و تمایل قلبی، که به خاطر شکستی است که تمامی این طرف ها در طول سال های گذشته در سوریه متحمل شده اند.

اکنون سران عرب و متحدان منطقه ای و فرامنطقه ای آنها به این نتیجه رسیده اند که تداوم روند کنونی عایدی جز خسارت های بیشتر برایشان نخواهد داشت؛ به ویژه اینکه آمریکایی ها هم تصمیم به خروج از سوریه را اتخاذ کرده اند. حال باید منتظر ماند و دید که فصل جدید روابط اعراب با دمشق چه زمانی فرا خواهد رسید.

## قانون تحریمی آمریکا علیه مقاومت / وحشت از نفوذ سیاسی حزب الله



اکنون که شمارش معکوس برای تشکیل دولت جدید لبنان آغاز شده، ترامپ قانون تحریمی جدیدی را علیه حزب الله به امضاء رسانده که نشان می دهد از افزایش نفوذ این گروه در لبنان به شدت در هراس است. به نظر می رسد که اقدامات خصمانه ایالات متحده آمریکا علیه محور مقاومت در منطقه همچنان تمامی ندارد؛ به ویژه اینکه این فرایند (اعمال فشار بر مقاومت) از زمان روی کار آمدن ترامپ در آمریکا بیش از پیش نیز تشدید شده است.

در ادامه همین اقدامات خصمانه و فشارهای غیرقانونی بر محور مقاومت در منطقه توسط ایالات متحده آمریکا، «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری این کشور به تازگی قانون جدیدی را علیه حزب الله لبنان و جنبش مقاومت اسلامی حماس به امضاء رسانده است؛ قانونی که پیشتر به عنوان لایحه مطرح شده بود و با امضای ترامپ به صورت رسمی به یک قانون الزام آور تبدیل شد.

در همین راستا، کاخ سفید در بیانیه ای اعلام کرد که رئیس جمهوری آمریکا لایحه اعمال تحریم بر اعضای حماس و حزب الله را به قانون تبدیل کرد. کاخ سفید در کمال تعجب مدعی شده که این قانون به دلیل استفاده از غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی؛ توسط ترامپ امضاء شده است. در بیانیه کاخ سفید همچنین آمده است: این قانون، ترامپ را ملزم می سازد تا تحریم های ویژه ای را بر اعضای حزب الله و حماس اعمال کند.

تداوم دشمنی با حزب الله به دلیل پیروزی در انتخابات در واقع، تلاش های ایالات متحده آمریکا برای ضربه وارد آوردن به حزب الله لبنان در این کشور، پس از مشخص شدن نتایج انتخابات پارلمانی اردیبهشت ماه، بیش از پیش تشدید شد. علت اصلی این تلاش های مذبحخانه نیز به ماهیت نتایج انتخابات پارلمانی لبنان باز می گردد؛ نتایجی که نشان می دهد حزب الله و گروه های حامی مقاومت در مجموع حائز بیشترین تعداد کرسی ها در پارلمان شده و پیروزی را به خود اختصاص دادند.

بنابراین، تلاش های آمریکایی ها علیه حزب الله از همان زمان آغاز شد. اولین اقدام آمریکایی ها علیه حزب الله پس از انتخابات پارلمانی زمانی بود که وزارت خزانه داری ایالات متحده با صدور بیانیه ای شماری از مقامات حزب الله لبنان را در لیست تحریم های این کشور قرار داد. این وزارتخانه در بیانیه منتشر شده از سوی خود در اقدامی تعجب برانگیز از «سید حسن نصرالله» دبیر کل حزب الله لبنان نیز به عنوان تروریست یاد کرد!

در آن زمان، وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا در بیانیه خود تحریم هایی را علیه «شیخ نعیم قاسم» معاون دبیر کل حزب الله، «ابراهیم امین السید» رئیس مجلس سیاسی حزب الله، «محمد یزیک» رئیس شورای شرعی و «حسین خلیل» معاون سید حسن نصرالله در امور سیاسی، اعمال کرده است. نکته قابل تأمل این است که بلافاصله پس از اعمال تحریم های جدید آمریکایی ها علیه حزب الله لبنان، شماری از متحدان این کشور از جمله عربستان سعودی نیز تحریم هایی را علیه حزب الله اعلام کردند و نام شماری از مقامات و مسئولان این گروه را در لیست سیاه خود قرار دادند.

بنابراین پر واضح است که تحریم های جدید آمریکایی ها در واقع به مثابه انتقام جویی از حزب الله لبنان به دلیل تحقق دستاورد ارزشمند در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ محسوب می شود و نمی تواند معنایی غیر از

المستقبل» در انتخابات پارلمانی اردیبهشت ماه وارد پارلمان شدند، اکنون دیگر باید منتظر اعلام رسمی تشکیل دولت لبنان باشیم.

آمریکایی ها با اقدام خود در امضای قانون علیه حزب الله قصد دارند تا احزاب، جریان ها و گروه های لبنانی و در مجموع، بدنه دولت را در مقابل حزب الله قرار دهند و اینگونه القاء کنند که حضور پررنگ چنین گروهی در عرصه سیاسی می تواند تبعات منفی گسترده ای برای دولت و ملت لبنان به دنبال داشته باشد. لذا از قانون ضد حزب الله می توان به عنوان یک اقدام تحریک آمیز برای بسیج کردن اقلیت سیاسی و اجتماعی داخلی لبنان علیه این گروه یاد کرد.

آمریکایی ها خود به خوبی می دانند که سعد الحریری، نخست وزیر این کشور به دلیل پیروزی حزب الله در انتخابات پارلمانی اخیر، نمی تواند این گروه را در تشکیل دولت نادیده بگیرد. لذا آنها کاملاً به این مسأله واقف هستند که حزب الله و متحدان آن در دولت آینده نقش پررنگ و تعیین کننده ای دارند. بر همین اساس تلاش های خود برای اخلال در روند تشکیل دولت را کلید زده اند.

### تأمین منافع و مصالح مرتجعین عرب

در همین ارتباط روزنامه لبنانی «البناء» می نویسد: «از دیگر اهداف ایالات متحده آمریکا از انجام اقدام خصمانه تحریمی علیه حزب الله تأثیر گذاری بر فرایند تشکیل دولت آینده در لبنان است که قرار است به زودی صورت پذیرد. آنچه که در مسأله دولت آینده لبنان برای آمریکایی ها بسیار حائز اهمیت است، این است که منافع و مصالح حکام مرتجع عرب رعایت شود؛ مخصوصاً کسانی که واشنگتن را در اعمال تحریم های جدید علیه حزب الله همراهی کردند».

این روزنامه لبنانی همچنین در ادامه مطلب خود در این خصوص آورده است: «آمریکایی ها با این تحریم ها به حزب الله هشدار دادند که باید در تشکیل دولت جدید به منافع متحدان آن نیز توجه شود. این هشدار در حالی است که نتایج انتخابات به خوبی گویای آن است که حزب الله به دلیل پیروزی قاطعانه در جریان انتخابات پارلمانی قادر است کابینه ای همسو با رویکردهای خود به ویژه در عرصه سیاست خارجی، تشکیل دهد».

این مسأله داشته باشد. قانون جدید علیه حزب الله نیز در واقع، تداوم دشمنی ایالات متحده با این گروه مقاومت به دلیل پیروزی در انتخابات، محسوب می شود.

### خوش خدمتی به متحدان منطقه ای

از قانون جدید ایالات متحده آمریکا علیه جنبش مقاومت اسلامی حماس و حزب الله لبنان می توان به عنوان نوعی خوش خدمتی از سوی واشنگتن به متحدان منطقه ای اش و در رأس آنها عربستان سعودی، یاد کرد. در واقع، ایالات متحده آمریکا با این اقدام، خود را برای دوشیدن بیشتر گاور شیرده خود یعنی آل سعود، آماده می کند. آمریکایی ها قصد دارند از این اقدام به عنوان امتیازی برای عربستان یاد کنند که مقامات سعودی متقابلاً باید بهایش را بپردازند.

همین ارتباط، پایگاه «البناء» لبنان می نویسد: «مسأله ای که وجود دارد این است که ایالات متحده آمریکا از رهگذر اعمال تحریم های جدید علیه حزب الله لبنان تلاش کرده تا پیام هایی را به طرف های مختلف مخابره کند. واشنگتن با این اقدام این پیام را به متحدان خود مخابره کرد که پیروزی حزب الله لبنان نمی تواند به مثابه سیطره کامل آن بر فضای سیاسی داخل لبنان باشد؛ به همین دلیل نباید از نتایج حاصل از انتخابات پارلمانی اخیر در این کشور نگران بود».

این پایگاه در ادامه مطلب خود در خصوص تحریم های ضد مقاومت ایالات متحده آمریکا آورده است: «آمریکایی ها همچنین با این اقدام به هم پیمانان خود اعلام کردند که حمایت های واشنگتن از آنها در برابر حزب الله همچنان ادامه دارد و آمریکا اجازه نخواهد داد لبنان به عرصه ای برای یک تازی حزب الله تبدیل شود. این یعنی اطمینان دادن به متحدان غربی - عربی برای تداوم خصومت ها با حزب الله».

### اخلال در روند تشکیل دولت جدید لبنان

واقعیت آن است که دولت جدید لبنان پس از گذشت هفت ماه در آستانه تشکیل شدن قرار گرفته است و احزاب و جریان های لبنانی بر کلیت نحوه تشکیل دولت و چیدمان سیاسی آن به توافق دست یافته اند. با کوتاه آمدن سعد الحریری در پذیرفتن مشارکت فراسکسون ۶ نفره نمایندگان مستقل اهل سنت که خارج از حزب «جریان

## توافق راهبردی و گره گشای الحديده / آتش بس دوام می آورد؟

توافق الحديده که از سه شنبه شروع شده، توافقی ژئوپلیتیک است که سرآغاز واقعی برای پایان جنگ یمن به شکل کامل اگر موفق شود، خواهد بود.

پس از توافق میان گروههای یمنی که با تلاشهای سازمان ملل رخ داد، آتش بس در الحديده از روز سه شنبه اجرایی شد که شرط اجرای آن توقف عملیات نظامی به شکل کامل از سوی همه طرفها به عنوان گام اولیه و به دنبال آن خالی کردن شهر الحديده از گروههای نظامی و عقب نشینی نیروهای ائتلاف ضد یمن از اطراف و حومه شهر به مناطق مورد توافق تحت نظارت کمیته های سازمان ملل و کمیته های ارتش و کمیته های مردمی و فرماندهی ائتلاف متجاوز است.

استان الحديده در ۲۲۶ کیلومتری غرب صنعاء پایتخت یمن واقع شده و همین بر اهمیت استراتژیک آن افزوده است. این بندر تنها گذرگاه امدادسانی و ارسال کمک های بشردوستانه برای مردم یمن محسوب می شود. بندر الحديده اولین گذرگاه آبی به سمت جزایر یمنی در عمق استراتژیک این کشور به شمار می رود و این مسأله بر هیچکس پوشیده نیست. همین اهمیت استراتژیک نیز موجب شده تا سعودیها تحت هیچ شرایطی حاضر به دست کشیدن از عملیات تجاوزکارانه و گسترده خود در الحديده نباشند.

بندر حیدیه که به عروس دریای سرخ معروف است در ۲۰۰ کیلومتری شهر صنعاء پایتخت یمن قرار دارد. این شهر، دومین بندر تجاری بزرگ یمن بعد از بندر عدن است و به دلیل داشتن امکانات صادرات و واردات و نزدیکی به معابر بین المللی حمل و نقل کالا از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. امروزه بخش بسیار زیادی از مواد غذایی یمن از این بندر وارد یمن می شود و به نوعی می توان این بندر را شاه رگ اقتصادی و حیاتی در یمن دانست.

### توافق الحديده رمز عبور پایان جنگ یمن

توافق الحديده که از سه شنبه شروع شده است توافقی ژئوپلیتیک است که سرآغاز واقعی برای پایان جنگ یمن به شکل کامل اگر موفق شود، خواهد بود؛ زیرا الحديده یکی از مهمترین استانهای یمن از حیث نظامی و سیاسی و دارای اهمیت ژئواستراتژیک در بحران یمن است.

تنش در الحديده در پیچیده کردن بحران یمن نقش زیادی دارد و خارج کردن آن از کشمکش دستاورد بزرگی خواهد بود زیرا یکی از بزرگترین گره ها در مقابل توقف جنگ یمن را باز می کند به ویژه که در مذاکرات سابق هنگامی که به بحث الحديده می رسیدند بن بست حاصل می شد و شکست مذاکرات را رقم می زد و اگر توافق جدید کنونی موفق شود رمز عبور برای پایان جنگ به شکل کامل در یمن خواهد بود.

اما اگر شکست بخورد، قطعا به مفهوم رمز عبور ناپودی آتش بس و دستاوردهای نشست استکهلم خواهد بود که به دنبال آن تشدید درگیری ها حتمی خواهد بود به ویژه که شیخ آن در افاق با توجه به ادامه نقض آتش بس از



سوی ائتلاف متجاوز ضد یمن حاکم است.

### ائتلاف متجاوز به شکل عمدی در راستای نقض آتش بس حرکت می کند

ائتلاف متجاوز به شکل عمدی در راستای نقض آتش بس با وجود درخواست های مکرر مارتین گریفیتس نماینده سازمان ملل در امور یمن مبنی بر پایبندی به آتش بس حرکت می کنند.

گواه آن ادامه حملات ائتلاف متجاوز به محله های مسکونی در خیابان پنجاهم در بخش الحالی در استان الحديده و شهادت یک غیرنظامی و زخمی شدن هفت نفر دیگر و نیز حملات موشکی و توپخانه ای و خمپاره ای متجاوزان به هتل های الاتحاد والواحه و شهرک الشعب در خیابان نودم و شرق فرودگاه الحديده و نیز گلوله باران روستای الزعفران در ۱۶ کیلومتر و منازل شهروندان در غرب الدیهمی و همچنین ایجاد استحکامات از سوی متجاوزان در شرق شهرک الشبیب در خیابان نودم در بخش الحالی و حملات راکتی و موشکی متجاوزان به جنوب الحیتنا و پروازهای جاسوسی و جنگی در آسمان الحديده است.

از این رو با بررسی آخرین رخدها می توان گفت که توافق الحديده با وجود موارد مثبتی که به دنبال دارد و نقش ژئوپلیتیک آن در تحقق صلح در یمن در معرض شکست قرار دارد زیرا بند آتش بس آن که عامل اساسی برای موفقیت آن است از سوی ائتلاف متجاوز رعایت نمی شود و این ناشی از زورگویی این ائتلاف است. شرط موفقیت آتش بس الحديده پایبندی ائتلاف متجاوز به آن است که بعید به نظر می رسد.

### نقض آتش بس از سوی ائتلاف متجاوز به مثابه تیر خلاص به آن است

در حال حاضر نمی توانیم با خوش بینی کامل به آتش بس الحديده نگاه کرد زیرا همچنان طعمه آسانی برای نقض از سوی ائتلاف متجاوز است. اگر اقدامات نقض آتش بس این ائتلاف ادامه یابد این به مثابه تیر خلاصی به آتش بس خواهد بود و به دنبال آن شلیک تیری به انبار باروت است که منفجر خواهد شد و به دنبال آن همه جبهه ها به ویژه جبهه الحديده شعله ور خواهد شد که تبعات آن برای متجاوزان ویرانگر خواهد بود به ویژه که تحرکات این ائتلاف به مثابه آتش در هیزم است.

جدای از سرنوشتی که بر سر آتش بس در الحديده خواهد آمد آنچه می توان گفت این است که مذاکراتی که در سوئد میان گروههای یمنی برگزار شد از انسجام و تأثیری بهتری در مقایسه با مذاکرات قبلی در سوئیس و کویت برخوردار بود.

### لزوم اعزام سریع ناظران سازمان ملل برای نظارت بر آتش بس

بسیاری امیدوارند که سازمان ملل ناظران خود را برای نظارت بر آتش بس و نیز نظارت مستقیم بر مبادله اسیران و بازداشت شدگان سریعاً اعزام کنند. حداقل اعتماد و آمیدی که به دست آمده است؛ اجازه دور جدیدی از مذاکرات که موانع را برطرف کند را می دهد تا راه حلی برای توقف بحران یمن ایجاد شود.

استفان دوچاریک، سخنگوی آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل در کنفرانس مطبوعاتی در شهر نیویورک در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران درباره پیش نویس طرحی که روز سه شنبه از سوی انگلیس به شورای امنیت ارائه شد، اظهار کرد: دبیرکل سازمان ملل قصد دارد در اسرع وقت ناظرانی بین المللی را برای نظارت بر توافقنامه آتش بس در شهر حیدیه یمن مستقر کند.

در این پیش نویس پیشنهاد شده شورای امنیت ناظرانی بین المللی را بنا به درخواست دبیرکل سازمان ملل تا پیش از پایان ماه جاری میلادی در شهر حیدیه مستقر کند. همچنین در این پیش نویس خواسته شده در انتقال کالاهای تجاری و کمک های انسانی به حیدیه مانع تراشی نشود و از دولت (مستعفی) یمن نیز خواسته شده در اسرع وقت پول به اقتصاد این کشور تزریق کند. در این پیش نویس که پیش بینی می شود هفته آینده تصویب شود، حملات بی هدف دو طرف علیه غیرنظامیان محکوم شده و از دبیرکل سازمان ملل خواسته شده هر هفته گزارشی از وضعیت یمن به شورای امنیت ارائه کند. دوچاریک در پاسخ به سوالات خبرنگاران درباره انتشار خبرهایی از نقض آتش بس گفت: در چنین درگیری این مسأله برای ما غافلگیر کننده نیست، اما بی تردید مارتین گریفیتس، فرستاده ویژه سازمان ملل به یمن برای حفظ آتش بس در یمن تلاش می کند.

سخنگوی دبیرکل سازمان ملل در ادامه بدون اشاره به تعداد ناظران فاش کرد: ناظران بین المللی که در یمن مستقر خواهند شد، لباس فرم نظامی نخواهند داشت. قدر مسلم آن است که در حالی طرفین درگیر در یمن یکدیگر را به نقض آتش بس متهم می کنند که سازمان ملل به تلاش های خود برای حفظ بارقه آمیدی که برای پایان جنگ یمن ایجاد شده ادامه می دهد. اما این آتش بس شکننده است و نیازمند تلاش های بین المللی برای حمایت از این توافق است.

اما اگر آتش بس الحديده پابرجا بماند این بر روند اوضاع در یمن بسیار موثر خواهد بود. ارتش و کمیته های مردمی یمن با آتش بس الحديده توان خود را در جبهه های دیگر خواهند گذاشت و الحديده از روند درگیری ها خارج می شود.

## سفر «عمر البشیر» به دمشق؛ پیام تمایل اعراب برای بازگشت به سوریه



سفر رئیس جمهوری سودان به سوریه نشان داد که کشورهای عربی در حال وفق دادن خود با این حقیقت هستند که دمشق در نبرد با تروریسم به پیروزی نهایی رسیده و گریزی از آغاز مجدد روابط با آن، نیست. «عمر البشیر» رئیس جمهور کشور سودان روز یکشنبه هفته جاری وارد دمشق، پایتخت سوریه شد. این نخستین سفر رهبر یک کشور عربی به سوریه از زمان آغاز جنگ داخلی در این کشور در سال ۲۰۱۱ محسوب می شود. البشیر پس از ورود به دمشق مورد استقبال «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه در فرودگاه، قرار گرفت. دو طرف پس از پایان مراسم استقبال، با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند. بشار اسد و عمر البشیر در این دیدار تاکید کردند که رویارویی با بحران های کشورهای عربی نیازمند همکاری های عربی جدید بر اساس احترام متبادل و عدم مداخله در امور داخلی آنها است.

آنها همچنین اظهار داشتند که آنچه که در منطقه و کشورهای عربی روی می دهد مستلزم آن است که تمام تلاش ها در راستای حل مسائل این کشورها و نقشه های طرح ریزی شده علیه آنها به کار گرفته شود. اسد تصریح کرد: «سوریه با وجود جنگ چند ساله در این کشور همچنان به اصول عربی پایبند بوده است اما برخی کشورهای عربی به غرب تکیه کرده اند». از سوی دیگر، عمر البشیر تاکید کرد: «تضعیف سوریه در واقع تضعیف امت عربی است و حوادث سالهای گذشته در این کشور را نمی توان از این واقعیت جدا دانست و با وجود جنگ در این کشور، سوریه به اصول امت عربی پایبند مانده است».

وی همچنین گفت: «امیدواریم که سوریه امنیت خود و نقش گذشته اش را در منطقه بازپس گیرد و بدون مداخله خارجی سرنوشت خود را تعیین کند. ما در کنار سوریه و امنیت این کشور ایستاده ایم». این دیدار در حالی در دمشق انجام شد که بسیاری از کشورهای عرب منطقه از زمان آغاز بحران داخلی در کشور سوریه (۲۰۱۱) تلاش کرده اند تا از دولت و رئیس جمهور قانونی سوریه فاصله بگیرند.

### مقدمه بازگشت اعراب به سمت سوریه

از سفر «عمر البشیر» به عنوان رئیس جمهوری سودان به سوریه می توان به عنوان مقدمه بازگشت اعراب به سمت دمشق یاد کرد. این سفر در حالی انجام شد که پیش از آن اخبار مختلفی درخصوص ابراز تمایل برخی کشورهای عربی برای از سرگیری روابط و مناسبات خود با دمشق، منتشر شده بود. به عنوان نمونه می توان به امارات متحده عربی اشاره کرد که رسماً خواستار از سرگیری روابط میان ابوظبی و دمشق شده بود. علاوه بر این، همکاری های اردن و سوریه در مناطق مرزی به ویژه در گذرگاه مرزی «النصیب» نیز به تدریج در حال تبدیل شدن به از سرگیری روابط میان دو طرف است.

علاوه بر این، پیشتر «فیصل المقداد» معاون وزیر خارجه سوریه اعلام کرده بود که شماری از کشورهای عربی و عربی خواستار از سرگیری روابط دیپلماتیک خود با دمشق شده اند و این مسأله در دست بررسی است. بر اساس آنچه که گفته شد، پر واضح است که سفر عمر البشیر به سوریه نه یک رویداد معمولی بلکه یک رویداد مهم و مقدمه ای برای بازگشت رسمی اعراب به سمت سوریه است؛ کشوری که در طول حدود هشت سال گذشته با

وجود محدودیت های فراوان، خطر تروریسم تکفیری را از جغرافیای خود و منطقه دور ساخت. در همین ارتباط، حزب اتحاد لبنان در بیانیه ای اعلام کرد: «سفر عمر البشیر رئیس جمهور سودان به دمشق در واقع تثبیت بازگشت اعراب به سوریه است. این تنها سفر نخواهد بود و به دنبال آن شاهد سفرهای مسئولان کشورهای عربی خواهیم بود و این در حالی است که همچنان در لبنان درباره روابط با دمشق نوعی عنادورزی وجود دارد در حالی که منطقه تاریخ و جغرافیا حکم به داشتن روابط با سوریه می کند».

### وعده مقاومت در سوریه محقق شد

زمانی که بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ آغاز شد و کشورهای عربی یکی پس از دیگری از پشت خنجر خود را بر پیکر دمشق وارد کردند، این مقاومت سوریه بود که وعده داد آن روز که اعراب در پشت دروازه های سوریه بایستند و دق الباب کنند، دیر نیست. مقاومت سوریه در همان زمان اعلام کرده بود کشورهایی که خود سوریه را تحریم و بدان پشت کردند، خود نیز به سمت آن باز خواهند گشت.

لذا سفر عمر البشیر به سوریه در واقع از جمله نشانه های تحقق وعده مقاومت در سوریه محسوب می شود. در همین ارتباط، «محمد خیر العکار» کارشناس مسائل سیاسی و بین المللی معتقد است: «کشورهای عربی که هرآنچه در چنته داشتند علیه دمشق و مقاومت سوریه به کار گرفته اند، اکنون در حال وفق دادن خود با این حقیقت هستند که دمشق در جنگ علیه تروریسم به پیروزی رسیده است. آنها روابط آینده خود با دمشق را بر مبنای همین حقیقت، پایه ریزی می کنند».

این کارشناس مسائل سیاسی و بین المللی همچنین تصریح می کند: «تمامی نشانه ها حاکی از آن است که نه تنها سوریه به روند همکاری های مشترک عربی خواهد پیوست بلکه خود به تنهایی فرایند این همکاری ها را مدیریت خواهد کرد و محوریت آن را برعهده خواهد داشت. اکنون دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که هیچگونه همکاری عربی مشترکی بدون سوریه میسر نخواهد بود».

### تداوم عنادورزی رسانه های عرب زبان

نکته ای که در سفر رئیس جمهوری سودان به سوریه بیش از هر چیز دیگری به چشم خورد، سکوت معنادار آمیخته با حقد و کینه رسانه های عربی و همچنین برخی رسانه های غربی درقبال این سفر بود. در واقع، این رسانه ها از جمله العربیه و الحدث و ... گمان می کردند که با پایکوت رسانه ای اولین سفر رسمی یکی از رهبران جهان عرب به سوریه از سال ۲۰۱۱ می توانند اهمیت چنین رویدادی را از افکار عمومی پنهان کنند.

این تلاش مذبحانه درحالی اتفاق افتاد که سفر مذکور بازتاب گسترده ای در رسانه های ارتباط جمعی داشت و موجب شد تا موج گسترده ای از تحلیل ها درخصوص این سفر، اهداف و پیامدهای آن به راه بیفتد. این بحث ها و تحلیل ها در شبکه های اجتماعی حتی تا جایی پیش رفت که نوعی مطالبه عمومی از سران اتحادیه عرب برای بازگرداندن کرسی سلب شده دمشق به آن در این اتحادیه، در نزد افکار عمومی جهان عرب شکل گرفت.

### تجدیدنظر ریاض در سیاست های ضد

#### سوری؟

علاوه بر مطالبی که پیرامون مقدمه چینی برای از سرگیری روابط میان اعراب و دمشق مطرح شد، برخی نیز در خصوص سفر «عمر البشیر» رئیس جمهوری سودان به سوریه اعلام کردند که این سفر با هدایت یکی از کشورهای عربی انجام شده است. در همین راستا روزنامه «الآخبار» به نقل از منابع آگاه اعلام کرد که سفر اخیر «عمر البشیر» رئیس جمهور سودان به سوریه با اطلاع عربستان صورت گرفته است.

این روزنامه به نقل از منابع آگاه نوشت: عمر البشیر به عنوان فرستاده «ئتلاف عربی جدید» (عربستان، امارات و هم پیمانانشان) به سوریه سفر کرد. اگر تحلیل این روزنامه لبنانی درست باشد، این مسأله نشان می دهد که عربستان در سیاستهای خصمانه و جنگ طلبانه خود علیه سوریه طی سالهای گذشته تجدیدنظر نظر کرده است و این مسأله به مثابه عقب نشینی آشکار ریاض از موضعش در برابر مقاومت است.

## چرایی تصمیم ترامپ برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه

### واکوی دلایل تصمیم ترامپ برای خروج نظامیان آمریکایی از سوریه

به هر حال تصمیم به خروج نیروهای آمریکایی از سوی ترامپ در شرایطی رخ می‌دهد که همواره اخبار ضد و نقیضی در این باره مخابره می‌شود و رئیس‌جمهور آمریکا آنرا به حمایت مالی کشورهای حوزه خلیج فارس ربط می‌داد. تصمیم ترامپ برای خارج کردن نیروهایش از سوریه از ابعاد مختلف قابل بررسی است. نیروهای آمریکایی بدون خواست دمشق در سوریه حضور داشتند و به مثابه نیروهای اشغالگری بودند که دولت سوریه همواره خواهان خروج این نیروها و دیگر نیروهایی که بدون مجوز در سوریه حضور دارند شده بود و از این حیث بازهم می‌توان نوعی پیروزی برای دمشق در این زمینه قائل شد. نیروهای سوریه دموکراتیک و کردها که به آمریکایی‌ها دلخوش کرده بودند نیز باید در یابند بار دیگر آمریکایی‌ها نشان دادند که نمی‌توان به آنها اعتماد داشت و آنها متحدان خود را تنها می‌گذارند و واکنش کردهای مورد حمایت آمریکا که از این خروج به مثابه خنجر از پشت و خیانت نام برده اند گواه این موضوع است.

از سوی دیگر باید دید که میان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه چه گذشته است که پس از اینکه اردوغان از عملیات قریب الوقوع در شرق فرات سخن گفت و اینکه در جریان این عملیات با نظامیان آمریکایی در سوریه رخ به رخ نخواهیم شد که خود گویا تحلیل‌های بسیار است به ویژه که خبر امضای قرارداد خرید سامانه پاتریوت آمریکا و ترکیه مخابره شد و با توجه به شناختی که از ترامپ هست می‌توان تصور کرد که تا چه اندازه برای پول و قرارداد سودآور نظامی آب دهانش سرازیر می‌شود.

این در حالی است که مجتهد کاربر مشهور و افشا کننده اسرار درونی آل سعود در تحلیل این ماجرا این سؤال را مطرح می‌کند که آیا خروج نظامیان آمریکایی از سوریه به موضوع دور کردن این نظامیان از تیر رس نیروهای ایرانی مربوط می‌شود؟

وی مدعی است که احتمال خروج این نیروها در واقع با هدف آماده شدن برای ماجراجویی با ایران برای اینکه خود را از بحران داخلی در آمریکا برهاند و نیز محمد بن سلمان ولیعهد سعودی را نجات دهد، است.

مجتهد تماس‌ها میان «چرد کوشنر» داماد ترامپ با بن سلمان را یادآور شده و اینکه احتمال این سناریو یعنی ماجراجویی ترامپ علیه ایران وارد است و این موضوع اواسط ژانویه و اوایل فوریه رخ خواهد داد.

بر اساس تحلیل مجتهد؛ گزارش مولر در حال پایان است و آنچه از آن نشست کرده حاکی است که ترامپ محکوم خواهد شد و ترامپ مطمئن است که عزل و محاکمه به خیانت خواهد کرد. به نظر مجتهد، ترامپ تصمیم به تحریم ایران و سپس استثنای برخی کشورها از این تحریم گرفت تا بگوید که ایران با محاصره تنبیه نشده است و باید به آن حمله شود. به گفته مجتهد؛ بحث روابط مالی شخصی ترامپ با بن سلمان نیز پس از اینکه دموکراتها در کنگره باب آنرا گشودند، هست و این خطرش برای ترامپ کمتر از تحقیقات مولر نیست و ماجراجویی علیه ایران حلقه نجات است.

قدر مسلم آن است که جدای از هر دلیلی که ترامپ را به خروج نظامیان این کشور از سوریه سوق داده، این تحول، دستاوردی برای دمشق و متحدانش محسوب می‌شود و همپیمانان آمریکا گنج و میوه‌ت از این تصمیم واشنگتن هستند.



به تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج نیروهایش از سوریه واکنش نشان داد.

وی در توییتری اعلام کرد: ترامپ می‌گوید که ما داعش را در سوریه شکست دادیم و این تنها علت حضور نیروهای ما در دوره ریاست جمهوری من بوده است. مگر داعش در عراق شکست نخورده است چرا نیروهای ما از عراق خارج نمی‌کنی؟

دبیر کل جنبش عصائب اهل الحق عراق؛ مگر داعش در عراق شکست نخورده است چرا نیروهای ما از عراق خارج نمی‌کنی؟

### شاید علت دیگری برای حضور نیروهای در عراق وجود دارد!

«لیندسی گراهام» نماینده جمهوریخواه مجلس سنای آمریکا امروز چهارشنبه و در واکنش به تصمیم دولت این کشور برای خروج نیروهای آمریکایی از سوریه گفت: خروج نیروهای آمریکایی از سوریه به مثابه پیروزی بزرگی برای ایران و «بشار اسد» (رئیس‌جمهور سوریه) است. نماینده جمهوریخواه مجلس سنای آمریکا در ادامه افزود: ترامپ اشتباه بزرگی را مانند اوپاما درباره سوریه انجام داد. نیروهای سوریه دموکراتیک به خروج نیروهای آمریکایی از سوریه واکنش نشان دادند. نیروهای سوریه دموکراتیک خروج نیروهای آمریکا از سوریه را به مثابه خنجر از پشت و خیانت دانستند.

این تصمیم با استقبال دمشق روبرو شد و یک منبع سوری به تصمیم آمریکا برای خروج نیروهایش از سوریه واکنش نشان داد.

این منبع بیان کرد: ما از خروج نیروهای آمریکایی استقبال می‌کنیم در عین حال به نیت آمریکا برای اجرایی کردن تصمیم خروج کامل از سوریه با دیده تردید می‌نگریم.

منبع سوری اعلام کرد: سوریه همواره خواهان خروج نیروهای نامشروع آمریکایی از سوریه بوده است. مطلوب این است که همه نیروها از شرق فرات و پایگاه التنف خارج شوند. خروج نیروهای آمریکایی به دنبال آن خروج نیروهای خارجی از الحسکه، الرقه و دیرالزور را به دنبال خواهد داشت.

امروز به یکباره آمریکایی‌ها از تصمیم خود برای خروج نظامیانشان از سوریه گرفتند و جدول زمانی نیز برای آن مشخص کردند.

امروز چهارشنبه به یکباره آمریکا از تصمیم برای خروج نیروهایش از سوریه خبر داد که این تحولی ناگهانی در راهبرد آمریکا محسوب می‌شود و پایانی بر فرضیه‌های حضور نظامی بلند مدت آمریکا از سوریه که جیمز ماتیس وزیر آمریکا و مسئولان آمریکایی ارشد از حامیان آن بودند محسوب می‌شود.

### تصمیم ترامپ و مشخص شدن جدول زمانی

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا امروز چهارشنبه در پیامی توییتری درباره خروج نیروهای این کشور از سوریه نوشت: ما داعش را در سوریه شکست دادیم، این تنها دلیل ما در دوران ریاست جمهوری ترامپ برای ماندن در آنجا بود.

یک مقام آمریکایی امروز چهارشنبه اعلام کرد که همه کارکنان وزارت خارجه این کشور ظرف ۲۴ ساعت از سوریه خارج می‌شوند.

این مقام آمریکایی در ادامه گفته است که تمام نیروهای آمریکا نیز بین ۶۰ تا ۱۰۰ روز آینده از سوریه خارج می‌شوند. سارا سندرز سخنگوی کاخ سفید در خصوص انتشار اخباری دال بر خروج نیروهای آمریکا از سوریه ادعا کرد: پیروزی‌ها بر داعش در سوریه به معنی پایان ائتلاف در مبارزه مذکور نیست.

سخنگوی کاخ سفید در این خصوص گفت: هم‌زمان با مرحله جدیدی از این مبارزه، ما بازگشت نظامیان آمریکایی از سوریه را آغاز کرده ایم.

### واکنش‌ها به تصمیم غافلگیرکننده پنتاگون؛ از خشم قسد تا خوشحالی دمشق

«گاوین ویلیامسون» وزیر دفاع انگلیس به دنبال تأیید اخبار منتشره درباره خروج نیروهای اشغالگر آمریکا از سوریه از سوی کاخ سفید گفت: قویاً با تصمیم ترامپ درباره شکست داعش در سوریه مخالفم.

قیس الخزعلی دبیر کل جنبش عصائب اهل الحق عراق



## اهداف برگزاری نشست دوحه/ قطر در برابر عربستان قد علم می کند

فاطمه صالحی



برگزاری نشست بین المللی دوحه با حضور چهره های برجسته بین المللی تنها چند روز بعد از نشست ریاض که در سطح پایین تری برگزار شد پیام های مشخصی برای کشورهای متخاصم از جمله عربستان دارد. نشست بین المللی دوحه روز شنبه به مدت دو روز در قطر با حضور تمیم بن حمد آل ثانی امیر این کشور در چهار محور امنیت، صلح و میانجیگری، توسعه اقتصادی و رویکردها افتتاح شد. علاوه بر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان، «آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل، «ساریا فرناندا اسپینوزا گارسز»

رئیس مجمع عمومی سازمان ملل، «شیخ محمد بن عبدالرحمان آل ثانی» معاون نخست وزیر و وزیر خارجه قطر، «مولود چاوش اوغلو» وزیر خارجه ترکیه، «حسن خیر» نخست وزیر سومالی، «تارو کونو» وزیر خارجه ژاپن، «یوسف بن علوی» وزیر مسئول در امور خارجی عمان، «الیستر برت» معاون وزیر خارجه انگلیس در امور خاورمیانه و «نادیا مراد» برنده صلح نوبل از جمله دیگر شرکت کنندگان و سخنرانان این نشست دو روزه بودند. یک هیأت روسی نیز در این نشست نیز حضور داشت.

در این نشست حرفهای مهمی از سوی شرکت کنندگان مطرح شد که حاوی پیام های خاصی برای دیگر کشورها است. امیر قطر تاکید کرد که موضعگیری کشورش در مورد بحران منطقه خلیج فارس با دوحه تغییر نکرده است. وی بر لزوم لغو محاصره اعمال شده بر قطر و حل مشکلات از راه گفتگو و دخالت نکردن در امور داخلی دیگر کشورها تاکید کرد.

محمد بن عبد الرحمن، وزیر خارجه قطر نیز در حاشیه این نشست با انتقاد از سیاست های شرکای منطقه ای قطر در خلیج فارس، اقدام عربستان سعودی و به ویژه امارات را در محاصره کشورش ناعادلانه توصیف کرد. او همچنین از تحریم های آمریکا علیه ایران انتقاد کرد. وی تاکید کرد: ما در حال حاضر با عربستان سعودی بر سر محاصره قطر، جنگ بی دلیل در یمن و نحوه ربودن نخست وزیر لبنان اختلاف نظر داریم.

### یارگیری قطر در برابر سیاستهای سلطه جویانه عربستان

نشست بین المللی دوحه در حالی با حضور سطح بالا و پررنگ هم پیمانان و کشورهای دوست قطر برگزار شد که چند روز قبل از آن نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در ریاض با حضور کم رنگ نمایندگان کشورهای عربی و در غیاب سران سه کشور قطر، عمان و امارات برگزار شد. این نشست که بدون حضور امیر قطر برگزار شده بود نتوانست به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابد و در سایه تشدید اختلافات اعضا در خصوص مسائل مختلف از جمله ایران و هم چنین شرایط بحرانی عربستان در زمینه پرونده ترور جمال خاشقچی به پایان رسید.

قطر با برگزاری این نشست مهم و جمع کردن چهره های برجسته بین المللی از ایران، ترکیه، روسیه ... نشان داد که می تواند با وجود اقدامات خصمانه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و محاصره دوحه بیش از پیش

در عرصه بین الملل عرض اندام کرده و کشورهای هم پیمان را برای تشکیل یک ائتلاف در برابر عربستان گرد هم آورد. عکسهای صمیمانه وزرای خارجه ایران، قطر و ترکیه در حاشیه نشست دوحه توجه رسانه های جهان را به خود جلب کرد چرا که این عکسها در شرایط کنونی پیام خاصی را به کشورهای متخاصم مخابره می کند. حضور وزیر خارجه ترکیه در این نشست نیز قابل توجه است چرا که روابط میان آنکارا و ریاض بعد از ترور جمال خاشقچی به دست عناصر نظام عربستان در خاک ترکیه به شدت تیره و تار شده است. ترکیه بارها به صورت غیر مستقیم محمد بن سلمان ولی عهد عربستان را مسئول این ترور معرفی کرده و خواهان تحویل گرفتن عناصر شرکت کننده در این جنایت شده اما ریاض تاکید کرده که هیچ کدام از شهروندان سعودی را تحویل آنکارا نخواهد داد.

خروج ناگهانی قطر از سازمان اوپک در سایه ادامه یافتن بحران خلیج فارس نشان داد که دوحه واهمه ای از رویارویی با این بحران ندارد و احتمال خروج از شورای همکاری خلیج فارس را نیز بررسی می کند. قطر تلاش می کند تا بیش از پیش نشان دهد که دنباله رو و سرسپرده سیاستهای سلطه جویانه عربستان نیست و با وجود مساحت بسیار کم این کشور در برابر دیگر کشورهای عربی از جمله عربستان می تواند در برابر ریاض بایستد.

### قدرت اقتصادی قطر در سایه تحریم کشورهای عربی

قطر از همان ابتدای بحران تلاش کرد تا با تدوین یک برنامه اقتصادی مشخص در برابر تحریم های اعمال شده از سوی کشورهای عربی به رهبری عربستان سر خم نکند و نه تنها دچار بحران اقتصادی نشود بلکه قدرت و رشد اقتصادی خود را نیز در این برهه به رخ کشورهای همسایه بکشد.

مقامات قطر تلاش کردند در حاشیه نشست بین المللی دوحه با امضای توافق نامه های اقتصادی بسیار قابل توجه با سازمان ملل نشان دهند که با وجود تحریم این کشور از سوی عربستان نه تنها اقتصاد دوحه دچار تزلزل نشده بلکه به حدی قدرتمند است که به آوارگان یعنی و نهادهای سازمان ملل کمک می کند.

دولت قطر و «کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان» برای ساخت پناهگاه برای بیش از ۲۶ هزار تن از آوارگان یمن توافقنامه ای را به امضا رساندند. این توافقنامه با بودجه ای بالغ بر ۳ میلیون دلار روز یکشنبه میان «صندوق توسعه قطر» و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و در حاشیه نشست دوحه به امضاء

رسید.

وزیر خارجه قطر هم چنین در نشستی مطبوعاتی، از کمک کشورش به موسسات سازمان ملل به میزان ۵۰۰ میلیون دلار خبر داد و گفت توافقنامه هایی برای افتتاح دفتر نمایندگی یونیسف و نیز مقر امور بشردوستانه سازمان ملل در دوحه به امضا رسید.

دوحه به این حد نیز اکتفا نکرده و دایره سرمایه گذاری های خود را به آمریکا کشانده است به طوری که مدیرعامل قطر پترولیوم به تازگی اعلام کرد که این شرکت ظرف چند سال آینده، حداقل ۲۰ میلیارد دلار در ایالات متحده سرمایه گذاری خواهد کرد.

این درحالی صورت می گیرد که این کشور عربی به تازگی از سازمان اوپک خارج شده است و از ریسک های قانونی احتمالی در آمریکا در امان است. سعد الخابی که مدیرعامل بزرگترین شرکت تولید گاز طبیعی مایع (الان جی) در جهان است، اعلام کرد که قطر پترولیوم در اواسط سال آینده، شرکای خارجی خود برای خط تولید جدید الان جی این شرکت را معرفی خواهد کرد.

### جنگ رسانه ای کشورهای تحریم کننده علیه نشست دوحه

در این میان رسانه های وابسته به عربستان و امارات تلاش کردند با ارائه تحلیل های جهت دار و مانور تبلیغاتی نشان دهند که نزدیکی قطر به ترکیه و ایران در سایه طولانی شدن بحران خلیج فارس بسیار خطرناک بوده و این مسأله می تواند به ضرر عربستان تمام شود.

این رسانه ها مدعی شدند که قطر جایگاهی برای ایران ایجاد کرده که بتواند از این تریبون برای تبلیغ برنامه موشکی خود استفاده کند. مقامات اماراتی و سعودی نیز نسبت به برگزاری این نشست ابراز نارضایتی کردند به طوری که انور قرقاش وزیر مشاور امارات در امور خارجه اعلام کرده بود که قطر از ایران و ترکیه پیروی می کند. «مشعل أبا الودع الحربی» یکی از تحلیل گران اماراتی با انتشار یک مقاله دور از واقعیت در چارچوب جنگ رسانه ای علیه قطر مدعی شد: شاهد حضور شخصیت هایی از ایران و ترکیه در نشست بین المللی دوحه بودیم. قطر به شرکت کنندگان در این نشست پول داده و مواضع آنها را خریده تا در حمایت از سیاستهای قطر سخن بگویند.

عمرو ادیب مجری شبکه ام بی سی مصر نیز با ارائه تحلیل های نادرست و مغرضانه در خصوص نشست دوحه از حضور نمایندگان ایران و ترکیه در کنار وزیر خارجه قطر و انتقاد آنها از عربستان به شدت ابراز نارضایتی کرد.

شبکه بی بی سی فارسی نیز با انتشار گزارشی با تیتیر قابل تأمل «چگونه قطر در جمع برادر خوانده های عربش به «جوجه اردک زشت» تبدیل شد؟» با تاکید بر کوچک بودن و سنی بودن قطر اعلام کرد که این کشور مدت زیادی در سایه تبعیت از عربستان به سر برده است.

در نهایت می توان گفت که به نظر می رسد پیروز بحران منطقه خلیج فارس در واقع قطر است که بدون کوتاه آمدن از مواضع خود و پاسخ ندادن به خواسته های ۱۳ گانه کشورهای عربی که بیشتر معنی دیکته کردن به دوحه را دارد توانسته پیامدهای تحریم ها را پشت سر بگذارد و بدون منزوی شدن در منطقه برای خود در برابر عربستان بارگیری کند.

استاد دانشگاه تگزاس آمریکا در گفتگو با مهر:

## موضوع خاشقجی شبیه فیلمهای «جیمز باند» بود / چرایی برجسته شدن قتل



گفتگو از جواد حیران نیا

«ماکسول مک کومبز» استاد دانشگاه تگزاس آمریکا و واضع نظریه برجسته سازی معتقد است که قتل خاشقجی جنبه رازآلود داشت و شبیه فیلمهای «جیمز باند» بود.

رسانه‌های جمعی در ایجاد اولویت‌های فکری و تعیین موضوعات مهم و مورد بحث عامه مخاطبان، نقش اساسی ایفا می‌کنند. اگر موضوعی از نظر زمان و مکان در رسانه‌ها برجسته شود، می‌تواند مخاطبان را به این اندیشه وادارد که موضوع مذکور مهم است.

بر این اساس رسانه‌ها اگر چه نمی‌توانند به ما بگویند که چگونه فکر کنیم، اما می‌توانند بگویند درباره چه چیزی فکر کنیم.

بررسی نقش رسانه در برجسته سازی مسایل کم اهمیت و آنچنان که «مک کومبز» آنها را مسایل خاموش می‌نامد مستلزم پرداختن به مقوله افکار عمومی است تا چگونگی شکل‌گیری آنها تبیین شود.

در عصر ارتباطات با گسترش رسانه‌های همگانی و شبکه‌های شدن جهان و همچنین باسوادتر شدن عامه مردم، نیروی تازه‌ای با عنوان افکار عمومی پای به صحنه گذاشته است. این نیروی تازه که تجلی اراده مردم و خواست آنها است، در تمام جهان به ویژه در کشورهایی که نظام‌های پارلمانی و مردمی دارند، نقش مهمی در شکل‌دادن به حوادث و رخداد‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد و کمتر نقش آن نادیده گرفته می‌شود.

مطابق نظریه برجسته سازی رسانه‌های جمعی در ایجاد اولویت‌های فکری و تعیین موضوعات مهم و مورد بحث عامه مخاطبان، نقش اساسی ایفا می‌کنند. نظریه مذکور، پیش‌بینی می‌کند که اگر موضوعی از نظر زمان و مکان در رسانه‌ها برجسته شود، می‌تواند مخاطبان را به این اندیشه وادارد که موضوع مذکور مهم است.

شواهد تجربی این نظریه، در سال 1968، توسط

«دونالد شاو» (Donald Shaw) و «ماکسول مک کومبز» (Maxwell. Mc. Combs)، در طول انتخابات ریاست جمهوری آمریکا فراهم گردید. این دو اندیشمند، با طرح سؤالاتی از رأی دهندگان، در یافتند که آنچه را رأی دهندگان به عنوان ویژگی‌های نامزدهای انتخاباتی خود معرفی می‌کنند، همان مطالبی است که طی روزهای گذشته به صورت برجسته ای در مطبوعات ارائه شده است. یعنی رابطه ای مثبت و قوی بین اولویت‌های رسانه‌ها و موضوعاتی که از نظر رأی دهندگان مهم بود، وجود داشت و البته این رابطه، رابطه ای علی به حساب نمی‌آمد.

با استفاده از شواهد بدست آمده از این مطالعه، شاو و مک کومبز، به این نتیجه رسیدند که رسانه‌ها می‌توانند در ایجاد اولویت‌های فکری مخاطبان مؤثر باشند. یعنی به مخاطبان بگویند، درباره چه چیزی فکر کنند و یا سخن بگویند.

با فهم این نظریه دست اندرکاران روابط عمومی باید بتوانند بر اولویت‌های رسانه‌ها، از طریق اخبار و اطلاعات گوناگون و جذاب، به منظور نفوذ در افکار مخاطبان خود، تأثیر گذار باشند.

بر این اساس برجسته سازی در رسانه‌ها در دو سطح بررسی می‌شود: سطح اول آن انتخاب اخبار و رویدادهای مهم و سطح دوم تصمیم‌گیری در خصوص تعیین قسمت‌هایی از اخبار و رویدادها برای تکرار و برجسته سازی است.

با برداشتی آزاد از نظریه مک کومبز می‌توان پرداختن به موضوع «جمال خاشقجی» را بر اساس نظریه برجسته سازی تحلیل کرد. اگرچه خود شخص خاشقجی معروف بوده و رسانه‌ها نمی‌توانستند به راحتی از کنار قتل تراژیک او بگذرند ولی حجم و گستره پرداختن به موضوع خاشقجی در رسانه‌ها جالب توجه بوده است.

در همین رابطه خبرنگار مهر با «ماکسول مک کومبز» استاد دانشگاه تگزاس آمریکا و واضع نظریه برجسته سازی گفتگویی انجام داده است که در ادامه می‌آید.

ماکسول مک کومبز از صاحب‌نظران و اندیشمندان علم ارتباطات و استاد دانشگاه تگزاس آمریکا است. کتاب اخیر مک کومبز «رسانه‌های جمعی و افکار عمومی» نام دارد. او استاد دانشگاه‌های کارولینای شمالی و UCLA آمریکا نیز بوده است.

عمده شهرت او برای نظریه «برجسته سازی» (agenda-setting) است. کارکرد برجسته‌سازی رسانه‌ها، به تأثیر گذاشتن به آنچه مردم درباره آن فکر می‌کنند یا آنچه مهم تلقی می‌شود، می‌پردازد.

پروفسور مک کومبز در گفتگو با خبرنگار مهر و در خصوص این پرسش که مطابق با نظریه برجسته سازی شما، آیا موضوع خاشقجی توسط رسانه‌ها برجسته شد یا انعکاس طبیعی آن بود گفت: نسخه کلاسیک نظریه برجسته سازی بر این موضوع تأکید می‌کند که مسائل و موضوعاتی ممکن است توسط رسانه‌ها طی هفته‌ها و یا یک ماه مورد تأکید قرار بگیرد ولی بعد از آن توسط مردم به فراموشی سپرده شود.

وی افزود: البته موضوع ممکن است مهم باشد ولی بعد از یک انعکاس رسانه‌ای ممکن است توسط مردم به فراموشی سپرده شود.

مک کومبز تأکید کرد: برخی موضوعات و مسائل، اغلب بلاای طبیعی، ممکن است خیلی فوری در صدر اخبار رسانه‌های دنیا قرار گیرد و اولویت اول مردم عادی باشد. به عبارت دیگر مردم عادی این موضوعات را به طور پیگیرانه دنبال کنند.

واضح نظریه برجسته سازی عنوان کرد: قتل خاشقجی نیز در زمره چنین پدیده‌هایی قرار دارد. یکی از دلایل اصلی توجه به آن تأکید زیاد و مداوم رسانه‌ها و افکار عمومی به این موضوع بود.

وی افزود: قتل خاشقجی جنبه رازآلود داشت و از سوی جذابیتهای خبری برای رسانه‌ها و مردم را داشت. برای همین مردم آن را دنبال می‌کردند.

استاد دانشگاه تگزاس آمریکا در پایان افزود: قتل خاشقجی شبیه رمانهای «تام کنلسی» یا فیلمهای «جیمز باند» بود.

وزیر مشاور در دولت نجات ملی یمن در گفتگو با مهر:

## موشکهای «هوشمند» موجب تغییر معادلات منطقه‌ای می‌شود

محمد فاطمی زاده



وزیر مشاور در دولت نجات ملی یمن اعلام کرد: دفاع از وطن و سرزمین ما حقی مشروع و مورد تأیید ادیان آسمانی و اصول انسانی و قوانین است و در یمن فقط به خدا توکل می‌کنیم.

نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن در ادامه دستاوردهای خود طی حدود ۴ سال مقاومت در برابر سعودی‌ها، دستاورد جدیدی کسب کردند. «یحیی سریع» سخنگوی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن روز یکشنبه به آزمایش یگان موشکی قبل از رونمایی از موشک بدر پی ۱ و نیز عملیات نظامی طی هفته گذشته پرداخت. «محمد عبدالسلام» سخنگوی انصارالله یمن نیز، راه اندازی مرحله موشک‌های هوشمند و تولید اولین موشک با این فناوری با نام «پی ۱» را تبریک گفت و آن را نشانه توانمندی یمنی‌ها و ذهن خلاق و نوآور آنها دانست.

بر همین اساس خبرنگار مهر با «عبدالغزیز احمد البکیر» وزیر مشاور در دولت نجات ملی یمن گفتگو کرده است که شرح آن از نظر می‌گذرد.

**|| اخیراً نیروهای ارتش یمن از نسل جدید موشک‌های بالستیک و هوشمند رونمایی کردند. اهمیت این دستاورد نظامی برای یمنی‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اهمیت این قدرتی که نیروهای یمنی به آن دست یافتند، در افزایش روحیه نیروها و تأکید بر قدرت یمنی‌ها در تغییر معادلات منطقه‌ای است. همچنین اهمیت این دستاورد نظامی در اثبات توان و قدرت یمنی‌ها در مقاومت و غلبه بر تمام شرایط تحمیلی برای شکستن اراده ملت یمن و از بین بردن کرامت مردم ما در طول

تاریخ است.

**|| برنامه ارتش یمن برای مقابله مستقیم با امارات و سعودی‌ها چیست؟ آیا امکان هدف قرار دادن پایتخت این کشورها وجود دارد؟**

دفاع از وطن و سرزمین ما حقی مشروع و مورد تأیید ادیان آسمانی و اصول انسانی و قوانین است و اجازه تعدی به آن را نمی‌دهیم.

**|| با توجه به قتل جمال خاشقجی، دولت‌های غربی از احتمال توقف صدور تسلیحات به سعودی‌ها سخن می‌گویند. آیا چنین چیزی از سوی حامیان رژیم سفاک سعودی امکان دارد؟**

اولاً که ما در یمن فقط به خدا توکل می‌کنیم و ثانیاً ایستادگی ما در قبال تداوم ارتکاب جنایات از سوی سعودی‌ها توازن قوا و معادلات را تغییر داد. یمنی‌ها

وارد چهارمین سال صبر و ایستادگی و محاصره شده‌اند و خداوند وعده داده که مستضعفین و مومنین را به دلیل همین صبر، به پیروزی می‌رساند. یمنی‌ها روی این وعده حساب کرده‌اند که موجب تغییر معادلات شده است. ما بر خداوند توکل کرده و به وسیله او پیروز خواهیم شد.

**|| آیا مسلمانان با حضور در راهپیمایی‌ها و تجمعات عظیم خود مانند پیاده روی اربعین می‌توانند به مردم یمن کمک کنند؟**

ما یمنی‌ها از نوادگان انصار و یاران نبی مکرم اسلام و از دستداران خدا و پیامبر و اهل بیت ایشان هستیم. بنابراین از جهت تاریخی و اسلامی پیرو این بزرگواران به ویژه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام هستیم. ما همان راه مستقیم حضرت و روش ایشان را در پیش گرفته‌ایم و به وسیله آن به دین الهی و پیامبر و عترت ایشان متصل می‌شویم.

دبیر کل جنبش النجباء عراق در گفتگو با مهر:

## عراق با اتحاد توانست در برابر داعش بایستد / تفرقه؛ ضعف امت اسلامی

بزرگی را محقق کنند. شیخ «اکرم الکعبی» دبیر کل جنبش النجباء در گفتگو با خبرنگار مهر تأکید کرد: عراق با اتحاد خود توانست در برابر گروه تروریستی داعش بایستد و هر زمان مسلمانان در برابر تروریسم ایستاده‌اند، توانسته‌اند پیروزی‌های بزرگی را محقق کنند. وی در ادامه تصریح کرد: ما با اتحاد اسلامی خود و تقویت تلاش‌ها توانستیم کمر گروه تروریستی داعش را بشکنیم. ما در نهایت این لشکر کثیف تروریست‌ها را که از حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تفرقه افکنی در امت اسلامی برخوردار بودند شکست دادیم. وی در ادامه در خصوص برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی تأکید کرد: این چنین کنفرانس‌هایی در واقع امتداد رویکرد قرآنی امام خمینی (ره) به شمار می‌آید. ایشان تأکید داشتند که قدرت امت اسلامی در اتحاد آن نهفته است و ارزش این کنفرانس‌ها در اتخاذ این رویکرد قرار دارد. وی افزود: امام خمینی هم چنین تأکید داشتند که ضعف امت اسلامی و ضعف ما در تفرقه خلاصه می‌شود و به همین دلیل دشمن به شدت تلاش می‌کند تا میان امت اسلامی تفرقه افکننده تا راحت‌تر به استعمار سرزمین‌های ما و کشورهای ما مشغول شود.

الکعبی در خصوص راه‌های اجرایی کردن شعارهای کنفرانس‌هایی که در خصوص وحدت برگزار می‌شود تأکید کرد: مشارکت فعال تمام علمای مسلمان و رهبران مسلمانان در این کنفرانس نشان خوبی است و اهمیت بسیار زیادی در زمینه اجرایی کردن نتایج این کنفرانس دارد.

شیخ «اکرم الکعبی» تأکید کرد که عراق با اتحاد خود توانست در برابر گروه تروریستی داعش بایستد و هر زمان مسلمانان در برابر تروریسم ایستاده‌اند، توانسته‌اند پیروزی‌های





محمود الزهار در گفتگو با مهر مطرح کرد؛

## توافق آتش بس میان مقاومت فلسطین و اسرائیل در دست واسطه ها است

محمد قاطمی زاده

عضو ارشد جنبش حماس تاکید کرد که تاکنون آتش بسی با رژیم صهیونیستی حاصل نشده است اما برخی واسطه ها برای آرام سازی اوضاع مداخله کرده اند و با این حال نبرد ما با اسرائیلی ها سر جای خود باقی است.

در ماه های اخیر چندین بار گزارش های مختلفی مبنی بر حصول توافق آتش بس بین گروه های مقاومت در نوار غزه و ارتش رژیم صهیونیستی منتشر شده بود که هر بار یکی از طرفین یا آن را تکذیب می کرد یا با تبادل آتش، نقض می شد.

در همین زمینه خبرنگار مهر با «محمود الزهار» عضو ارشد جنبش حماس فلسطین گفتگو کرده است که شرح آن از نظر می گذرد.

**|| اخیرا اخباری مبنی بر حصول توافق آتش بس میان حماس و رژیم صهیونیستی منتشر شده است. آیا وجود چنین توافقاتی را تایید می کنید؟**

اولا واقیعت موجود بر روی زمین این اخبار را تایید یا رد می کند؛ جمعه گذشته ۵ فلسطینی شهید و دهها نفر زخمی شدند. پس چگونه حصول مصالحه میان ما و طرف اسرائیلی با وجود این تعداد شهید ممکن است؟ ثانیاً بر فرض اینکه بخواهیم توافق بکنیم، بر سر مصالحه توافق نمی کنیم بلکه بر سر آرام سازی اوضاع یا آتش بس توافق خواهیم کرد که این موضوع نیز در اسلام مشروع و البته دارای شروطی است. در صورتی که شروط مسلمانان محقق نشود، پس آتش بس محسوب نمی شود و باطل است. همچنین مصالحه با دشمن اسرائیلی غیرممکن است. تاکنون آتش بسی حاصل نشده است

تیراندازی میان طرفین متوقف می شود و در صورت نقض طرف مقابل در هر زمانی، امکان پاسخگویی به آن بدون توجه به التزاماتش وجود دارد.

**|| تاثیر راهپیمایی های بازگشت بر دشمن صهیونیستی را چگونه ارزیابی می کنید؟**

تاثیر متعددی داشته است؛ نخستین تاثیرش این است که شرایط پرداخت حقوق و قطع آب و برق موجب خیزش و مقاومت مردم علیه اشغالگران شد. ثانیاً اشغالگران درک کردند که اکنون توازن واقعی در واکنش نشان دادن وجود دارد؛ به این معنا که حجم پاسخ های ما به جنایات آنها غیرمتناسب است. بنابراین دستاوردهای بسیاری داشته و بر عدم تداوم محاصره تاکید دارد. همچنین هر نوع حمله ای را با قدرت پاسخ می دهیم و مردم فلسطین نیز قادر به گسترش این قدرت تا مرحله آزادسازی فلسطین هستند.

**|| اکنون شاهد برگزاری راهپیمایی اربعین در عراق هستیم. اولاً نظر شما درباره این راهپیمایی چیست و ثانیاً چگونه می توان از آن علیه صهیونیست ها و به نفع فلسطین استفاده کرد؟**

اولا هر نوع پیاده روی که موجب افزایش آگاهی مردم و حضور شخصیت های محوری برای آگاهی بخشی به مردم در مبارزه با اشغالگران در عراق و هر جای دیگری برگزار شود، موجب تقویت مقاومت فلسطین می شود و به ویژه در زمان عادی سازی روابط با صهیونیست ها، فلسطینی ها احساس می کنند تنها نیستند. بنابراین ما درخواست می کنیم که این راهپیمایی ها به موضع سیاسی دولت عراق و دیگران علیه اشغالگران اسرائیلی و در حمایت از مقاومت فلسطین تبدیل شود.

اما برخی واسطه ها برای آرام سازی اوضاع مداخله کرده اند. با اشغالگران اسرائیلی به هیچ وجه مصالحه نخواهیم کرد و وجود آن را حتی در یک وجب از سرزمین خود به رسمیت نمی شناسیم.

بر همین اساس هیچ نوع مصالحه ای میان ما و دشمن اسرائیلی در زمینه سیاسی و دینی و اخلاقی صورت نخواهد گرفت اما ممکن است به توافق آرام سازی اوضاع و آتش بس مشروط دست یابیم. با این حال نبرد ما با اسرائیلی ها سر جای خودش است و به نبرد موسوم به «عهد الآخره» ایمان داریم که اسرائیل را نابود و فلسطین را به مسلمانان باز خواهد گرداند.

**|| بنابراین تاکنون توافقی دال بر آتش بس میان حماس و صهیونیست ها حاصل نشده است؟**

تاکنون این توافق در دست واسطه ها به ویژه مصر است اما نمی توانیم بگوییم که وارد مرحله اجرایی شده است زیرا همچنان مسیرها موجود است و جنگنده های اسرائیلی در فرودگاه ها مشغول پرواز هستند. وضعیت از ابتدا آرام تر است اما نمی توانیم بگوییم توافقی مشخص در موضوعی معین حاصل شده است که از طرفین عدم تشدید تنش ها را بخواهد.

**|| چه موانعی بر سر دستیابی به این توافق وجود دارد و شما چه انتظاراتی از صهیونیست ها برای توافق آتش بس دارید؟**

اولا ما خواستار جنگ علیه نیروهای خود نیستیم بلکه در صدد آماده کردن نیروهای خود برای نبرد آزادسازی فلسطین هستیم. در صورتی که شرایط وخیم شود، به «آرام سازی» اوضاع پناه می بریم و نه «آتش بس» که شروطی الزام آور دارند؛ در آرام سازی اوضاع، درگیری و

استاد دانشگاه آکسفورد در گفتگو با مهر:

## دین قادر به حل مسائل لاینحل بین الملل کنونی است

جواد حیران نیا - رضا عموی



استاد دانشگاه آکسفورد با اشاره به اینکه دین و سیاست همیشه در کنار هم بوده‌اند گفت: دین قادر به حل مسائل لاینحل بین الملل کنونی است. بحث رابطه دین و سیاست، موضوعی تقریباً چالش برانگیز و در عین حال بسیار دامنه‌دار است که تقریباً در همه دوره‌های تاریخ معاصر مورد توجه واقع شده است. در این میان رابطه دین با مسائل بین المللی موضوعی جزئی‌تر از میان مباحث کلی دین و سیاست است که تا کنون کمتر به آن توجه شده است و در همین ارتباط خبرگزاری مهر گفتگویی را با پروفیسور فرهنگ جهانپور دنبال کرده که در آن رابطه دین و مسائل بین المللی مورد پرسش و بررسی قرار گرفته است. پروفیسور فرهنگ جهانپور، پیشتر استاد دانشگاه اصفهان بوده و در حال حاضر به تدریس در دانشگاه های «کمبریج» و «آکسفورد» مشغول است. وی همچنین استاد دوره های آنلاین در دانشگاه های «آکسفورد»، «ییل» و «استنفورد» است. جهانپور بورس یک ساله فرصت مطالعاتی در دانشگاه «هاروارد» را داشته و طی ۲۸ سال گذشته به تدریس در رشته سیاست های خاورمیانه در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه «آکسفورد» مشغول بوده است.

### از چه زمانی اندیشمندان علوم سیاسی برای نخستین بار دین را با سیاست پیوند زدند؟

از یک جهت مذهب همیشه با سیاست همراه بوده است. حتی براساس آثار باستانی بدست آمده از تمدن سومر، هند، مصر، بابل و ایران باستان و حتی تاریخ باستانی یهود، مذهب همیشه پیوندی تنگتنگ با دولت و سیاست داشته است.

در نخستین بخش های «حماسه گیلگمش» که متعلق به «سلسله سوم اور» (۲ هزار قبل از میلاد) می باشد؛ از گیلگمش، پادشاه تاریخی شهر «اوروک» در بابل به عنوان الهه‌ای با زندگی ابدی و جاوید یاد می شود.

همچنین حمورابی (مرگ ۱۷۵۰ قبل از میلاد و به عنوان نخستین کسی که مجموعه‌ای قوانین را در قالب ۲۸۲ اصل تنظیم کرد)، ششمین پادشاه «عموری‌ها» در بابل بود که خود را نماینده «آنو» و «بل» (از خدایان بابل) معرفی می کرد و در مقدمه معروف مجموع قوانین خود می گوید: «آنو و بل مرا با نام خودم، حمورابی و به عنوان پادشاهی نیکوکاری که از خدا می ترسد و بدنبال گسترش عدل در زمین و نابودی شر و شیطان هستم، فراخوانده‌اند»

در مصر باستان نیز فرارعه خود را به عنوان خدا و یا نمایندگان مقام عالی معرفی می کردند. کتاب معروف «مردگان» که مربوط به دوره پادشاهی های میانه (۲۰۰۰ تا ۱۷۵۰ قبل از میلاد) است از پادشاهان الهی سخن می گوید و صحنه‌هایی از زندگی، مرگ و رستاخیز خدایان «زیریس» را به عنوان تاریخ پادشاهان به تصویر می کشد.

حتی سال ها پیش از آن که کتاب مقدس نوشته شود، ما شاهد اثر دیگری با نام «داستان اقات Tale of Aqhat» بودیم که در سال های ۱۳۶۵ پیش از میلاد مسیح و همزمان با یک زلزله ویرانگر در شهر اوگاریت )

را به عنوان یکی از نخستین آثار شسیت ها عنوان کنند. برخی حتی معتقدند که آئین یهود نیز بیش از مسائل مادی، بر موضوعات روحی و درونی فرد توجه داشت. مثلاً آن جا که در این آئین گفته می شود: «پادشاهی من فقط متعلق به این جهان نیست» یا تفکیک سزار و خدا از هم در برخی از آیات. در این آیات به روشنی تفکیک جدایی مسائل مادی از معنوی دیده می شود.

اگرچه در دوره ایران باستان، حاکمان از نام اهورامزدا برای کسب مشروعیت استفاده می کردند یا تا پایان دوره ساسانی روحانیون زرتشتی یا مغ های زرتشتی قدرت زیادی داشتند و در مسائل سیاسی دخالت می کردند، اما با این حال در آموزه های زرتشتی هیچ نشانه ای که بتواند این دخالت ها را توجیه و یا تفسیر کند، وجود ندارد و آموزه های اخلاقی در سه عبارت « پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» خلاصه شده بود.

یا در قرآن می توانید آیات زیادی را ببینید که بر آزادی فردی تاکید دارد و تحمیل اجباری عقاید را محکوم می کند. مثلاً در آیه ۲۵۶ بقره خداوند می گوید: در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست.

قرآن همچنین کسانی را که به آزار و اذیت مومنان روی می آورند، به صلح فرا می خواند. قرآن در آیه ۸۹ سوره الزخرف خطاب به بت پرستان که دعوت پیامبر را رد کرده اند، می گوید: پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، اما بزودی خواهند دانست!

وقتی قرآن در مورد عدالت و برابری صحبت می کند، این مفهومی کلی و عمومی است که فقط محدود به مسلمانان نیست و به عنوان مثال در آیه ۶۲ سوره بقره وعده نجات و رستگاری یهودیان، مسیحیان و هر کسی که به خدا ایمان دارد مطرح و گفته می شود: کسانی که (به

واقع در استان لاذقیه سوریه) نوشته شد و داستان های آن شباهت زیادی به داستان زندگی ابراهیم پیامبر و دیگر شخصیت های داستانی یهود مانند طالوت، سلیمان، داوود و کسانی داشت که می گفتند رابطه نزدیکی با خدا دارند. در تاریخ ما نیز داریوش و کورش خود را نمایندگان اهورامزدا معرفی می کردند. در سنگ نبشته بیستون نیز داریوش بزرگ می گوید: «به یاری اهورامزدا، من پادشاه هستم و اهورا مزدا به من امپراطوری را ارزانی داشت و به من کمک کرده تا این مقام پادشاهی را بدست آورم و به یاری اهورا مزدا من این امپراطوری را مصون نگه خواهم داشت.»

در «بهبود گیتا» نیز کرشنا خود را به عنوان «ارچونا» و یک خدا معرفی می کند.

براین اساس از سپیده دم تاریخ، دین و سیاست دست به دست هم و در کنار هم بوده‌اند و بیشتر قواعد و قوانین نوشته شده بدست بشر تلاش داشتند تا از مذهب برای الهی نشان دادن و توجیه مشروعیت خود استفاده کنند.

### پس براساس آن چه شما گفتید، آیا همیشه دین و سیاست باید همراه هم باشند؟

این موضوع بستگی به این دارد که ما دین را چگونه تعریف کنیم. برخی مذاهب بطور کامل به مسائل معنوی انسان پس از مرگ توجه می کنند و برخی دیگر به مسائل جاری زندگی دنیوی می پردازند. به عنوان مثال آموزه های بودا در هند یا لاتوتسه به عنوان بنیان گذار آئین تائو در چین که هر دو آن ها متعلق به قرن ششم پیش از میلاد هستند، بیشتر به مسائل روحی و عرفانی توجه دارد تا مسائل مادی.

مثلاً در همین ارتباط لاتوتسه معتقد به محدود کردن و به حداقل رساندن نقش دولت و در مقابل ایفای نقش بیشتر فرد در اجتماع برای بهترین دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی است. در عین حال لاتوتسه بیشتر به توسعه و پیشرفت درونی فرد در مقایسه با ایفای نقش فرد در اجتماع تاکید دارد و همین باعث شده تا برخی لاتوتسه

پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [= پیروان یحیی] هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست. (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده‌اند، مآجور و رستگارند.)

**|| برخی اندیشمندان از جمله «مایکل آلن گلسپی» در کتابش با عنوان «ریشه های الهیاتی مدرنیته» معتقدند که مدرنیته در ابتدا در برابر و مقابل دین نبود بلکه سالها بعد در نتیجه شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این مدرنیته منجر به سکولاریسم شد و بر این اساس مذهب در تضاد با مدرنیته نیست. بنابراین آیا می توان گفت که مفهوم مذهب در تقابل با تئوری های مدرن روابط بین الملل قرار نمی گیرد؟**

خیلی از اندیشمندان هستند که معتقدند مذهب نقش مهمی را در ساخت جهان مدرن ایفا می کند. اندیشمند متأخر، «اون چادویک» در کتابش با عنوان «سکولاریزاسیون»

اندیشه اروپایی در قرن نوزدهم» معتقد است که مفاهیم دموکراسی و حقوق بشر از دل اختلافات و مشاجرات مذهبی قرون شانزدهم و هفدهم میلادی سرآورده است. به نظرم او فقط یک جنبه قضیه را نگاه کرده و در واقع اشاره ای به نقش تاریخی که مذهب در مسیر مدرنیسم ایفا کرده نداشته است و توجه به این نقش این معنا را خواهد داشت که مذهب باید در سیاست دخالت داشته باشد.

به گفته چادویک، در مقطعی از تاریخ، مشاجرات و اختلافات مذهبی به رنسانس و اصلاح طلبی منجر شد که در نهایت راه را برای تغییرات اساسی در نظرات سیاسی و اجتماعی هموار کرد و بنابراین دین در شکل دهی به جهان مدرن نقش قابل توجهی دارد.

**|| اگر دین در روابط بین الملل نقش ایفا می کند، آیا دین می تواند مسائل و مشکلات حل نشده بین المللی را حل کند؟**

باز هم این مسئله بستگی دارد که دین چگونه تفسیر و تحلیل می شود. گروه های طرفدار صلح، از دین برای توجیه سیاست ها و رویکردهای مسالمت آمیز و آشتی جویانه خود استفاده می کنند در حالی که برخی گروه های

مذهبی بنیادگرا و افراطی مانند داعش در توجیه عقاید افراطی و متعصبانه خود از دین استفاده می کنند. به نظرم اگر کسی به ماهیت دین مراجعه کند که در آن بر اتحاد، مدارا، بخشش، نیکوکاری و عدالت تأکید دارد، در این شرایط دین می تواند نقش بسیار سازنده ای را در نزدیک سازی ملت ها به هم ایفا کند. در عین حال اگر کسی تفسیری متعصبانه و سطحی را از دین برداشت کند، در این شرایط ممکن است آن فرد نفرت پرانی، خشونت و جنگ را از نگاه خودش توجیه کند. علاوه بر این ها، برخی از جنگ های چه در تاریخ و چه حتی در زمان ما بنام دین اتفاق افتاده اند.

آن چه در حال حاضر جهان نیاز دارد، تفسیری فراگیر و مداراگر از دین است که همه انسان ها را شامل شود نه آن که مردم را به گروه ها و دسته های مذهبی مختلف تقسیم کند. مذهب نیروی قدرتمندی است که هم می تواند خوب و هم بد باشد.

اگر از این نیرو به درستی استفاده شود، این نیرو می تواند منبع اتحاد و انسجام مردم و ملل مختلف باشد، اما اگر با تفسیرهای ناصحیح از مذهب سواستفاده شود، این موضوع می تواند عامل اختلافات، دشمنی و در نهایت جنگ باشد.

### مامور سابق سیا در گفتگو با مهر:

## عربستان در موضوع خاشقجی در محاصره بدی گرفتار شده است

جواد حیران نیا

افسر سابق سازمان سیا با اشاره به اینکه قضیه خاشقجی می تواند انتخابات آمریکا را متأثر کند گفت: عربستان در موضوع خاشقجی در محاصره بدی گرفتار شده است.

خبر ناپدید شدن «جمال خاشقجی» نویسنده و منتقد سرشناس سعودی بعد از مراجعه به کنسولگری عربستان در استانبول و بعد از آن انتشار خبر ترور وی توسط عناصر رژیم آل سعود موجی از واکنشها را در قبال سیاستهای سرکوب گرانه محمد بن سلمان ولیعهد عربستان به دنبال داشته است؛ ولیعهدی که هیچ گونه انتقادی را علیه سیاستهایش بر نمی تابد و به بدترین شکل ممکن به هرگونه انتقادی واکنش نشان می دهد.

روزنامه «ای» چاپ انگلیس در مقاله ای تحت عنوان «شتباه محاسباتی سعودی ها درباره خاشقجی» نوشت: توطئه کشتن جمال خاشقجی روزنامه نگار مخالف عربستانی نشان دهنده اقدامات و سیاست وحشیانه ای است که ریاض برای ساکت کردن افراد جدا شده از نظام این کشور و ترساندن تمام مخالفان در پیش گرفته است. هدف از این گونه اقدامات این است که عربستان نشان دهد هرگونه نقد حتی به صورت غیر مستقیم شدیدترین درجات خشونت را به دنبال خواهد داشت. این همان ویژگی های یک حکومت دیکتاتوری است که صدای مخالفان در آن شنیده نمی شود.

«ایریت دیوید استیل» افسر پیشین اطلاعاتی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) در خصوص چرایی گستردگی موضوع مفقود شدن «جمال خاشقجی» نویسنده عربستانی به خبرنگار مهر گفت: عربستان در این قضیه واقعا اشتباه

بزرگ و بدی را مرتکب شده است.

وی افزود: عربستان سعودی در واقع در بحران به سر برده و ممکن است یارانه های مالیات دهندگان آمریکایی را در معاملات تسلیحاتی از دست بدهد.

بنیانگذار مؤسسه «فعالیت اطلاعاتی سپاه دریائی» آمریکا در ادامه یادآور شد: این به نظر من موضوع مهمی در امر انتخابات به شمار می آید؛ در واقع قضیه خاشقجی انتخابات آمریکا را می تواند متأثر کند.

وی تأکید کرد: بر این اساس، دموکرات ها قصد نهایت استفاده از این موضوع را داشته و از سوی دیگر ترامپ می خواهد از رژیم حمایت کند که حامی اصلی و مهمی

برای ترور بسم دولتی است.

استیل در ادامه یادآور شد: ترامپ از رژیمی حمایت می کند که زنان را سرکوب می کند و روزنامه نگاران و سایر افراد دارای مصونیت را به قتل می رساند.

نامزد جایزه صلح نوبل با اشاره به اینکه عربستان باعث خلق داعش شد گفت: باید توجه کرد که خلق داعش توسط آن ها خیلی موجب برانگیخته شدن عصبانیت ها نشد؛ البته این موضوع برای رأی دهندگان آمریکائی یک مسأله شخصی است.

وی در پایان گفت: عربستان در موضوع خاشقجی در محاصره بدی گرفتار شده است.



استاد دانشگاه لندن در گفتگو با مهر:

## بن سلمان شبیه ترامپ است / عربستان بدون تحریم هم منزوی می شود



منتشر می کند، حتی زمانی که دولت ها وظیفه خود را انجام نمی دهند.

**|| برخی کشورهای غربی از جمله آمریکا، عربستان را تهدید به تحریم کرده اند. در مقابل عربستان نیز سخن از واکنش مقتضی در صورت تحریم سخن رانده است. به نظر شما تقابل با عربستان در خصوص موضوع خاشقچی تا کجا پیش خواهد رفت؟**

عربستان سعودی حتی بدون تحریم ها منزوی می شود و این انزوا نتیجه حرکت های تاکتیکی اشتباهی است که تاکنون انجام داده است. جنگ یمن یک فاجعه است، متحدان سیاسی عربستان سعودی در لبنان، عراق و سوریه به حاشیه رانده شده اند و کشور های عضو کمیون PR که جهت ترفیع درجه و قدرت یابی محمد بن سلمان به عنوان یک فرد مدرن تلاش می کردند، اکنون به عقب رانده شده اند.

باید گفت اینجا یک درس برای دولتهای منطقه و فراتر از آن وجود دارد: شما واقعا نمی توانید حقیقت را تغییر دهید. یک حقیقت وجود دارد که در کل به دلایل سیاسی نمی تواند محقق شود: مطمئنا در طول تاریخ جهان قلم همیشه قدرتمندتر از شمشیر خواهد بود.

**|| موضوع خاشقچی چه آثاری بر آینده قدرت محمد بن سلمان خواهد گذاشت؟**

هرگز محمد بن سلمان را به عنوان یک رهبر معقول ندیده ام. رویکرد او به سیاست، یکجانبه، سختگیرانه و فاقد مهارت دیپلماتیک لازم است. در این رابطه، او شبیه رئیس جمهور ترامپ است، با این تفاوت عمده که در نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا، نظارت کامل بر دولت توسط یک جامعه مدنی فعال وجود دارد.

در عربستان سعودی و بیشتر کشورهای دیگر منطقه چنین نظامی وجود ندارد از این رو، مردم همچنان در چنین شرایط فیجیعی کشته می شوند.

این کشور از سوی دیگر، نوعی اغماض و چشم پوشی در خصوص عربستان همیشه رکن سیاست خارجی این کشورها بوده است. ولی در قضیه خاشقچی این موضوع متفاوت است. دلیل آن چیست؟

دلیل اصلی این است که این مورد، قتل خشن مردی است که نظر خود را به سادگی در مورد کشورش بیان می کرد.

متأسفانه، کشورهای آسیای غربی و شمال آفریقا، با توجه به فرهنگ و مذهب خود، از این جنایات خجالت نمی کشند. اروپا، حتی ایالات متحده، ممکن است استانداردهای دوگانه در برخی مکاتب فکری داشته باشند، اما هنگامی که چنین نقض آشکاری از کرامت انسانی مشاهده می شود، همیشه خشم و نفرت عمومی نسبت به آن وجود خواهد داشت.

از دیدگاه دولتها، واقعیت این است که کشتن غیرنظامیان در یک وضعیت جنگی - البته به نظر من - با ارسال جوخه های ضربت به اطراف برای کشتن مخالفان تفاوت دارد. باز هم باید بگویم که برخی دولتهای های آن منطقه، در این رابطه تاریخچه ای شطرنجی و شرم آور دارند و هیچکدام از آنها نمی توانند ادعای جایگاه اخلاقی داشته باشند تا زمانی که نهادهای آشتی ملی یا کمیسیون حقیقت را تشکیل ندهند.

**|| برخی معتقد هستند از آنجایی که عربستان قیمت نفت را بنا به درخواست ترامپ پایین نیاورد، آمریکا از طریق موضوع خاشقچی در صدد اعمال فشار به عربستان است. نظر شما چیست؟**

من فکر نمی کنم این قضیه صحت داشته باشد. همانطور که اشاره شد، حتی دولت ترامپ نمی تواند بر قتل یک مخالف سرپوش بگذارد. علاوه بر این، جامعه مدنی جهانی نیز وجود دارد که بر وقایعی مانند این قتل تمرکز نموده و اخبار مربوط به نقض حقوق بشر در مقیاس جهانی را

«آرشین ادیب مقدم» معتقد است که عربستان سعودی حتی بدون تحریم احتمالی در خصوص قضیه خاشقچی منزوی می شود و این انزوا نتیجه حرکت های اشتباهی است که تاکنون انجام داده است.

خبر ناپدید شدن «جمال خاشقچی» نویسنده و منتقد سرشناس سعودی بعد از مراجعه به کنسولگری عربستان در استانبول و بعد از آن انتشار خبر ترور وی توسط عناصر رژیم آل سعود موجی از واکنشها را در قبال سیاستهای سرکوبگرانه محمد بن سلمان ولیعهد عربستان به دنبال داشته است؛ ولیعهدی که هیچ گونه انتقادی را علیه سیاستهایش بر نمی تابد و به بدترین شکل ممکن به هر گونه انتقادی واکنش نشان می دهد.

روزنامه «آی» چاپ انگلیس در مقاله ای تحت عنوان «اشتباه محاسباتی سعودی ها درباره خاشقچی» نوشت: توطئه کشتن جمال خاشقچی روزنامه نگار مخالف عربستانی نشان دهنده اقدامات و سیاست وحشیانه ای است که ریاض برای ساکت کردن افراد جدا شده از نظام این کشور و ترساندن تمام مخالفان در پیش گرفته است. هدف از این گونه اقدامات این است که عربستان نشان دهد هرگونه نقد حتی به صورت غیر مستقیم شدیدترین درجات خشونت را به دنبال خواهد داشت. این همان ویژگی های یک حکومت دیکتاتوری است که صدای مخالفان در آن شنیده نمی شود.

در همین راستا، خبرنگار مهر مصاحبه ای با پرفسور آرشین ادیب مقدم، رئیس مرکز مطالعات ایرانی مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) دانشگاه لندن انجام داده که در ادامه می آید.

**|| با توجه به روابط غرب و به ویژه آمریکا با عربستان، چرا موضوع جمال خاشقچی ابعاد گسترده پیدا کرد؟ معمولا در موارد نقض حقوق بشر به خاطر بحث خریدهای تسلیحاتی عربستان از یک سو و فروش نفت از سوی**

نماینده پارلمان سوریه در گفتگو با مهر:

## خروج ترامپ از سوریه کار کرد انتخاباتی دارد



«محمد ماهر موقع» تاکید کرد عقب نشینی آمریکایی از سوریه حاکی از آن است که دولت ترامپ تلاش می کند با به کارگیری شیوه های جدید رضایت جریان های داخل آمریکا را برای انتخابات آینده کسب کند.

تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای خارج کردن نظامیان آمریکا از سوریه و افغانستان واکنش های بسیاری را در پی داشته است از جمله این واکنش ها استغای جیمز ماتیس وزیر دفاع ایالات متحده بود که در پی اعلام این خبر از سوی ترامپ صورت گرفت؛ اما خروج نیروهای آمریکایی از سوریه می تواند پیامدهای بسیاری برای منطقه در بر داشته باشد.

بر همین اساس خبرنگار مهر برای بررسی بیشتر این موضوع و ابعاد آن با «محمد ماهر موقع» نماینده پارلمان سوریه گفتگو کرده است که شرح آن از نظر می گذرد.

### || به نظر شما دلیل اعلام خروج نظامیان آمریکایی از سوریه و منطقه توسط ترامپ رئیس جمهور این کشور چیست؟

این عقب نشینی در وهله نخست نشانگر شکست پروژه ای است که آمریکا و متحدان اروپایی آن برای تجزیه منطقه به بخش های فرقه ای و مذهبی درگیر باهم در دستور کار داشته و برای محقق کردنش تلاش کردند.

علت شکست این پروژه تجزیه طلبی، پیروزی های سوریه بود که موجب درهم شکستن ابزارهای این پروژه یعنی گروه های تروریستی با هر اسمی از داعش و جبهه النصره گرفته تا گروه های تکفیری وهابی جنایتکار شد.

همچنین باید به این مورد، وحدت محور مقاومت را هم افزود که تجلی آن در حمایت کشور دوستان ایران و گروه های مقاومت عراقی و حزب الله لبنان از دولت مردم سوریه در مبارزه با تروریست ها بود.

این تروریست ها از کشورهای جهان به سوریه آمده بودند تا پروژه غربی ها برای تجزیه منطقه و هدف قرار دادن قدرت های آزادی بخش آن را که به دنبال آزادسازی فلسطین و بازپس گیری قدس به عنوان شهری مقدس و پایتخت فلسطین بودند، اجرا کنند.

از سوی دیگر عقب نشینی آمریکا از سوریه یا افغانستان و یا هر منطقه مورد تنازع در جهان حاکی از آن است که دولت ترامپ تلاش می کند وسایل و شیوه های

جدیدی را در پیش گیرد تا علاوه بر کسب رضایت جریان های داخل آمریکا، در میان مردم این کشور نیز اقبالی به سیاست های خود ایجاد کند و بدین صورت شرایط را برای پیروزی در انتخابات پیش رو فراهم نماید؛ به ویژه اینکه جریان های داخلی آمریکا با ورود این کشور به جنگ های خارجی و افزایش رنج های مردم آمریکا مخالف هستند.

### || به صورت کلی سیاست های ترامپ در قبال منطقه به ویژه سوریه طی مدت روی کار آمدنش را چگونه تحلیل می کنید؟ آیا وی فقط از منظر اقتصادی و هزینه های موجود برای آمریکا به این مسائل نگاه می کند یا اهداف دیگری پشت پرده دارد؟

ترامپ به هزینه حضور نظامیان خود در منطقه فکر نمی کند. زیرا این هزینه را بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه سعودی ها پرداخت کرده اند. سعودی ها هزینه تمام جنگ های منطقه را متقبل می شوند.

خروج نظامیان آمریکایی نیز دلیلی برای شکست سیاست های این کشور به ویژه پس از افزایش قدرت محور مقاومت ممتد از ایران تا عراق و سوریه و فلسطین و یمن و هر نقطه ای که شایستگی خود را در برابر سلطه آمریکا و صهیونیست ها و پیروان آنها در منطقه نشان داده است، می باشد.

پیروان آمریکا و صهیونیست ها در منطقه، نقشی منفی را علیه ملت های خود و منافع شان از طریق توطئه و حرکت در راستای پروژه تجزیه منطقه و خدمت به رژیم صهیونیستی ایفا کرده اند.

### || پس از اعلام تصمیم خروج آمریکا از سوریه، صهیونیست ها و مقامات اسرائیل، ایران را به تشدید حملات در سوریه تهدید کردند. این موضوع تا چه قدر امکان تحقق دارد؟

معتقدم که رژیم صهیونیستی با توجه به تغییرات منطقه و افزایش قدرت محور مقاومت، قادر به ماجراجویی نیست. زیرا این ماجراجویی ها احتمالاً وجود صهیونیست ها را در منطقه ما تهدید خواهد کرد.

تهدیدات نتانیاهو نیز با اهداف داخلی مطرح می شود. به این دلیل که در داخل اسرائیل، ترس و نگرانی از افزایش قدرت مواجهه فلسطینی ها با سیاست های دولت اسرائیل وجود دارد.

قدرت فلسطینی ها در غزه و کرانه باختری افزایش یافته و شهروندان فلسطینی همگی با پروژه هایی که در صدد نابودی مسأله فلسطین و لغو حق بازگشت و برپایی کشور فلسطین به پایتختی قدس شریف است، مخالفند.

### || نقش ائتلاف میان روسیه، ایران و سوریه را در عرصه سیاسی و فشار بر آمریکا چگونه ارزیابی می کنید؟

ائتلاف موجود در منطقه ناشی از پیروزی سوریه و پایبندی مردم و ارتش و دولت و حکمت و صلابت و امانتداری بشار اسد رئیس جمهور سوریه و ایستادگی وی در برابر فشارها

و پیشنهادات است و همین موضوع نیز موجب شده ائتلاف میان روسیه و ایران و سوریه در برابر پروژه حمله به سوریه ایجاد گردد.

همین امر نیز موجب عقب نشینی آمریکا و کشورهای اروپایی در برابر محور مقاومت و پیروزی های آن شده است. در خصوص حقیقت نقش ترکیه نیز باید توجه داشت که این کشور علیه سوریه توطئه کرده و در کشتار سوری ها و چپاول ثروت های سوریه و تسهیل عبور و مرور تروریست ها و انتقال تسلیحات به داخل سوریه مشارکت داشته است.

ما در سوریه معتقد نیستیم که ترکیه فشاری بر آمریکا وارد کرده است بلکه مطمئیم آنکارا جایگزین واشنگتن محسوب می شود منتها روش جدیدی برای اجرای بقیه پروژه آنها دارد. زیرا پیروزی سوری ها موجب اسقاط این پروژه و ناامیدی رویاهای اردوغان برای خلافت بر مسلمین شد.

ائتلاف روسیه، سوریه و ایران به همراه نیروهای مقاومت در عراق و لبنان و فلسطین و یمن و نیروهای آزادی بخش در جهان همگی فشاری واقعی در برابر سیاست های برتری جویی آمریکایی ها نه فقط در منطقه ما بلکه در تمام جهان وارد آورد.

### || توان نظامی ارتش سوریه طی سال های اخیر تا چه میزان پیشرفت و افزایش داشته است؟ آیا نیروهای سوری آماده درگیری و نبرد با صهیونیست ها برای بازپس گیری جولان هستند؟

بلاشک ارتش سوریه طی ۸ سال جنگ با تروریست ها توان نظامی و رزمی بالایی کسب کرده است. زیرا این تروریست ها از سوی آمریکا، کشورهای غربی، برخی کشورهای منطقه و متاسفانه عربی حمایت های گسترده اطلاعاتی، لجستیکی و مالی می شدند.

علیرغم خنمان سوز و سخت بودن این جنگ و سطح قدرت های شرکت کننده در آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، ارتش قهرمان سوریه توانایی اسطوره ای خود در مقابله با این قدرت ها را اثبات و تجربه های نظامی و تاکتیکی پیشرفته ای کسب کرد. همین امر نیز موجب شد بسیاری از گروه های متخصص بین المللی، ارتش سوریه را در رده ارتش های پیشرفته جهان به حساب آورند.

همچنین تحلیل هایی که رسانه های صهیونیستی درباره گسترش و تقویت قدرت های ارتش سوریه سوریه ارائه می دهند، گواه بر این مطلب است. زیرا صهیونیست ها به دنبال نابودی ارتش سوریه بودند و اسرائیل از طریق گروه های تروریستی مسلح برای این هدف تلاش کرد.

مجموعه این عوامل موید این موضوع است که ارتش سوریه بیش از پیش برای آزادسازی جولان آماده شده است و این کار را بعد از آزادسازی تمام خاک سوریه از لوٹ تروریست ها و اشغالگران انجام خواهد داد. همین امر نیز موجب نگرانی صهیونیست ها از پیروزی های سوریه و محور مقاومت در تمام منطقه شده است.



نایب رییس پارلمان سوریه در گفتگو با مهر:

## پنتاگون و سیاه‌علیه ترامپ هستند/ دلایل خروج آمریکا از سوریه



**در عرصه سیاسی و فشار بر آمریکا چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اتلافی از این نوع وجود ندارد بلکه روسیه و ایران با هم ائتلاف دارند و رابطه با ترکیه فقط در حد تفاهات سیاسی است که ضرورت‌های جغرافیایی و طبیعت چالش‌های مشترک آن را ایجاد می‌کند.

البته این تفاهات‌ها خوب هستند و اساسا با هدف دور کردن منطقه از جنگ‌های گسترده شکل گرفته است؛ امتحان بزرگتر این تفاهات نیز متوقف کردن ترکیه از تجاوز به سوریه است و به جای به کارگیری، به صورت عملی وارد مبارزه با تروریسم گردد.

مرکز این امتحان نیز ادلب و شرق فرات است؛ هرچند این امتحان ساده نیست اما بدون آن همه چیز در معرض تهدید و فقط به صورت تئوریک خواهد بود.

**کارآمدنش را چگونه تحلیل می‌کنید؟ آیا وی فقط از منظر اقتصادی و هزینه‌های موجود برای آمریکا به این مسائل نگاه می‌کند یا اهداف دیگری پشت پرده دارد؟**

ترامپ فقط یک شخص یا فرد نیست بلکه او تعبیر و نشانه‌ای از ناامیدی گسترده و جدی در بازگشت و تجدید بحران‌های سرمایه‌داری جهان با مرکزیت آمریکا است. بر همین اساس نهادهایی مانند پنتاگون و سیا و لابی‌های حاکم کاملاً علیه ترامپ هستند. این مسائل ایجاد می‌کند که به صورت عمیق مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند. زیرا خیلی بر روی بازگشت توازن در جهان به ویژه منطقه ما تأثیر خواهد داشت.

«تجدت انزور» با بیان اینکه محور مقاومت روز به روز قوی‌تر می‌شود و دشمن قادر به متوقف کردن آن نیست تأکید کرد نهادهایی مانند پنتاگون و سیا و لابی‌های حاکم کاملاً علیه ترامپ هستند.

پس از آن که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که نظامیان آمریکا را از سوریه خارج خواهد کرد، عملیات نظامی ترکیه نیز در شمال سوریه و علیه نیروهای کردی به تعویق افتاد.

در حال حاضر نیز بازیگران اصلی در سوریه در حال ارزیابی موقعیت نیروهای خود برای ادامه مبارزه با نیروهای باقی مانده داعش پس از خروج آمریکا از سوریه هستند.

در همین رابطه خبرنگار مهر با «تجدت انزور» نایب رییس پارلمان سوریه گفتگو کرده که شرح آن از نظر می‌گذرد.

**|| توان نظامی ارتش سوریه طی سال‌های اخیر تا چه میزان پیشرفت و افزایش داشته است؟ آیا نیروهای سوریه آماده درگیری و نبرد با صهیونیست‌ها برای بازپس‌گیری جولان هستند؟**

ما به جولان به عنوان قطعه‌ای مقدس از سرزمین‌های اشغال شده توسط صهیونیست‌ها نگاه می‌کنیم و آزادسازی آن فقط به توان ارتش سوریه مربوط نیست. هرچند توان و قدرت ارتش سوریه بسیار پیشرفت کرده است اما فراتر از آن به توان کشور سوریه شامل ارتش و اقتصاد و فرهنگ و همچنین سلطه علم و تمام بخش‌های زندگی بستگی دارد.

تمام این امر باید با هم باشند و هدف از همگی آنها نیز اعتلای سوریه است. تمام این موارد به ویژه ارتش قهرمان ما در حالت افزایش توانایی و خبرگی هستند. علم و شناختن نیز محور تمام اینهاست و با وجود تمام بحران‌هایی که ما را احاطه کرده است، ما به آینده و آزادسازی سرزمین اشغالی خود با استفاده از تمامی ابزارها قطعاً امیدواریم.

**|| پس از اعلام تصمیم خروج آمریکا از سوریه، صهیونیست‌ها و مقامات اسرائیل، ایران را به تشدید حملات در سوریه تهدید کردند. این موضوع تا چه قدر امکان تحقق دارد؟**

تنباهو ترسو تر از آن است که این تهدیدات را عملی کند اما امکان دارد تجاوزات تکرار شود؛ همانند تحولاتی که اخیراً علیه سوریه رخ داد. هر چند در توازن قوا تأثیری ندارد و قابلیت پرداختن در حوزه سیاسی هم ندارد.

از سوی دیگر محور مقاومت نیز روز به روز قوی‌تر می‌شود و دشمن نیز قادر به متوقف کردن توان و قدرت آن نیست. تلاش برای متوقف کردن این قدرت محور مقاومت نیز خطرناک است و احتمال دارد این سحر ساحر هر لحظه به خودش بازگردد.

علیرغم تمام تلاش‌ها برای خویشتن‌داری محور مقاومت، تأکید می‌کنیم که بزرگترین بازنده قطعاً رژیم اشغالگر است. همچنین بحران‌های داخلی رژیم صهیونیستی نیز رو به افزایش است حتی اگر خودشان اظهار به قدرت کنند اما با این حال قادر به جبران اشتباهاتشان نیستند.

**|| به نظر شما دلیل اعلام خروج نظامیان آمریکایی از سوریه و منطقه توسط ترامپ رئیس‌جمهور این کشور چیست؟**

این موضوع را باید در ۴ سطح بررسی کرد؛ اول در بعد محلی به دلیل مقاومت و پیروزی‌های کشور و مردم سوریه، دوم در بعد منطقه‌ای به سبب تقویتی واقعیتهای سوریه، سوم در بعد جهانی به خاطر اعتراف به بازگشت شرق از روسیه تا چین به نقش سیاسی و اقتصادی خود و جایگاه آن در مرکز جهان تا اروپا و آمریکای لاتین و چهارم نیز به دلیل چنددستگی شدید در داخل خود آمریکا و پیامدهای آن بر روی سیاست‌های بین‌المللی و نقش آمریکا در آینده مسائل بین‌الملل. بنابراین تغییراتی واقعی در تمام این موارد ایجاد شده است و همه اینها با هم دلیل خروج و عقب‌نشینی آمریکایی‌هاست.

**|| به صورت کلی سیاست‌های ترامپ در قبال منطقه به ویژه سوریه طی مدت روی**



استاد دانشگاه آلاباما آمریکا در گفتگو با مهر:

## تغییرات کابینه عربستان برای کاهش فشارهای غرب و نمایشی است

جواد حیران نیا

رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما آمریکا گفت: هدف اصلی تغییرات کابینه در عربستان کاستن فشارها، بخصوص فشارهای کشورهای غربی است ولی این تغییرات بنیادی نیستند.

«سلمان بن عبدالعزیز» پادشاه عربستان سعودی فرمان فوری تغییر در کابینه را صادر کرد. به موجب این تغییرات، عادل الجبیر وزیر خارجة سعودی برکنار شد. الجبیر وزیر مشاور دولت در امور خارجة تعیین شده است. الجبیر از آوریل ۲۰۱۵ سه ماه پس از به قدرت رسیدن محمد بن سلمان و وزیر خارجة بود.

«ابراهیم العساف» وزیر امور خارجة جدید عربستان سعودی شد. وزیر خارجة جدید عربستان سعودی، یک سال پیش جزء بازداشتی‌های بن سلمان در هتل «ریتز کارلتون» بود. او از ژانویه ۲۰۱۸ آزاد و به کار خود بازگشته بود.

«محمد بن نواف بن عبدالعزیز آل سعود»، سفیر ریاض در لندن از سمت خود برکنار شد.

به موجب این فرمان، «عبدالله بن بندر بن عبدالعزیز» نیز به عنوان وزیر گارد ملی عربستان سعودی و «ترکی بن عبدالله الشبانة» به عنوان وزیر اطلاع رسانی منصوب شده اند.

همچنین «فیصل بن خالد» برکنار و به جای وی «ترکی بن طلال» به عنوان امیر منطقه عسیر معرفی شده است.

در خصوص این تغییرات خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما آمریکا انجام داده است که در ادامه آمده است. انتصار از اساتید برجسته مطالعات خاورمیانه در سطح بین المللی است و کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» از وی آوازه جهانی دارد.

|| **ملک سلمان تغییراتی را در کابینه عربستان سعودی ایجاد کرد. از جمله این تغییرات**

**تغییر وزیر خارجة عربستان «عادل الجبیر» بود. دلایل این تغییرات چیست؟**

بعد از قتل خاشقجی و ادامه جنایات جنگی عربستان در یمن و جبهه رژیم حاکم در عربستان در غرب صدمه بیشتری دیده است. حتما برخی از دول غربی که پشتیبان عربستان بوده اند به حکام عربستان گفته اند باید تغییراتی که اگر هم ظاهری باشند در ساختار دولتشان ایجاد کنند.

البته این را باید بدانیم که عادل الجبیر تصمیم گیرنده در سیاست خارجی عربستان نبوده و بودن یا نبودن او تغییرات اساسی در سیاست خارجة عربستان ایجاد نخواهد کرد. کارگردان های اصلی سیاست خارجی عربستان هنوز سر جای خود هستند. شخصی مانند عادل الجبیر در عمل پادوی رژیم حاکم در عربستان بود

|| **«ابراهیم العساف» وزیر امور خارجة جدید عربستان سعودی دارای دکتری اقتصاد است و یک سال پیش جزء بازداشتی‌های بن سلمان در هتل «ریتز کارلتون» بود. آیا این تغییر به معنای گذار عربستان از سیاست خارجی تهاجمی به سیاست خارجی اقتصاد محور نمی تواند باشد؟**

سیاست خارجی تهاجمی و سیاست خارجی اقتصاد محور در حقیقت همواره دو روی سکه سیاست خارجی عربستان بوده اند. یعنی بدون سیاست خارجی اقتصاد محور عربستان نمیتواند موفقیت در سیاست خارجی خود داشته باشد.

با انتصاب ابراهیم العساف حکمرانان عربستان شاید بخواهند که نقش اقتصاد و منابع مالی را در سیاست خارجی عربستان پر رنگ تر کنند

|| **آیا تغییرات کابینه در راستای کاستن از فشارها ناشی از قتل خاشقجی و حفظ «محمد**

**بن سلمان» در قدرت نمی تواند تعبیر شود؟** بله همینطور است. هدف اصلی تغییرات کابینه در عربستان کاستن فشارها، بخصوص فشارهای کشورهای غربی است.

ولی این تغییرات بنیادی نیستند چون هنوز محمد بن سلمان و دار و دسته مافیای او در جای خود محکم ایستاده اند و اینها هستند که تصمیم گر اصلی در حکومت عربستان هستند نه وزرای کابینه در دولت عربستان.

|| **تراکم پس از خارج کردن نیروهای امریکایی از سوریه اعلام کرد که عربستان بازسازی سوریه را بر عهده می گیرد. از سوی دیگر نیز گزارش گروه بین المللی بحران خواستار حضور اقتصادی عربستان در عراق است؛ چرا که یگانه راه نفوذ ریاض در عراق را از طریق اقتصاد و سرمایه گذاری اقتصادی در این کشور می داند. با توجه به این موارد آیا نمی توان گفت سیاست خارجی سعودی وارد دوره ای می شود که اهداف اقتصادی هدف اصلی است؟**

در سالهای اخیر منابع مالی و اقتصادی عربستان مهمترین ابزار در گسترش نفوذ این کشور بوده اند.

یعنی از طریق پول حکام عربستان سیاست خارجی خود را در بسیاری از کشورها پیاده کرده اند. برای همین است که آمریکا و یا سازمانهایی مانند گروه بین المللی بحران خواستار حضور اقتصادی عربستان در عراق یا سوریه هستند.

از نظر نظامی یا سیاسی عربستان در عراق یا سوریه یک کارت سوخته ای است، ولی با توجه به احتیاج شدید این دو کشور به منابع مالی و سرمایه گذاری خارجی، عربستان با استفاده از قدرت اقتصادی خود می تواند جایگاه سیاسی خود را در عراق و سوریه بازسازی کند.

عضو شورای اطلاعات ملی آمریکا در گفتگو با مهر:

## ترامپ کردهای سوریه را با سکوت اردوغان در قبال خاشقجی معامله کرد



وفاداری به حکومت اسد در ازاء درجه ای از خودمختاری در شمال شرق سوریه می شوند.

گرچه قطعا اردوغان حکومت اسد را دوست ندارد، اما در مورد گسترش نفوذ حکومت اسد در شمال شرق سوریه نسبت به جنبش جدایی طلبانه کردهای مستقل کمتر نگران خواهد شد. حمله نظامی گسترده ترکیه در منطقه هنوز امکان پذیر است اما اجتناب ناپذیر نیست.

**اسرائیل اعلام کرده علیرغم اعلام خروج آمریکا از سوریه، به تقابل با ایران در سوریه ادامه می دهد. وضعیت میدانی سوریه را در غیاب آمریکا به ویژه وضعیت اسرائیل را چگونه ارزیابی می کنید؟**

اسرائیل همچنان به انجام فعالیت نظامی خود در منطقه ادامه خواهد داد؛ صرف نظر از تصمیمی که ایالات متحده آمریکا در مورد حضور نیروهای خود در منطقه اتخاذ می کند، حضور نیروهای آمریکایی در این منطقه اسرائیل را از راه اندازی حملات هوایی علیه اهداف در سوریه در طی چند سال گذشته باز نداشته است. اسرائیل همچنان به فعالیت نظامی خود ادامه خواهد داد چه سربازان ایالات متحده آمریکا در منطقه باقی بمانند یا منطقه را ترک کنند.

**نشست تشکیل قانون اساسی سوریه با حضور ایران، روسیه، ترکیه و سازمان ملل برگزار شد. اگرچه این نشست در ابتدای راه خود است اما نشان از رسیدن وضعیت سوریه به مرحله تشکیل قانون اساسی است. آیا ارتباطی میان این مرحله از وضعیت سوریه با تصمیم ترامپ وجود دارد؟**

هیچ ارتباطی وجود ندارد. ایالات متحده آمریکا از تلاش های دیپلماتیک امیدوار کننده در مورد سوریه به وضوح غافل شده است. آمریکا نمی خواهد در همان میز می نشسته باشد که ایران مانع بزرگی در مقابل آن است. از این رو، دولتمردان ترامپ به طور کلی با هر نوع دیپلماسی چندجانبه مخالفت کرده اند.

استراتژی بین المللی و ژئوپلیتیک کمتر از سیاست داخلی و شعارهای تبلیغاتی اش تحت تاثیر قرار گرفته است.

**ترامپ در توجیه خروج نیروهایش از سوریه اعلام کرده داعش در سوریه شکست خورده است و به صورت ضمنی دلیل اتخاذ این تصمیم را شکست داعش عنوان کرده است. این در حالی است که برخی منابع از رایزنی اردوغان و ترامپ نیز سخن گفته اند. آیا تصمیم مذکور می تواند به رایزنی ترامپ با اردوغان مرتبط باشد؟ اگر چنین است چه توافقی میان ترامپ و اردوغان در خصوص مناطق کردنشین حاصل شده است؟**

احتمال دارد تصمیم ترامپ به گفتگو با اردوغان مرتبط باشد گرچه این تنها یک گمانه زنی است و به نوع در کی که دو رئیس جمهور ممکن است به آن رسیده باشند بستگی دارد.

یک احتمال که به ذهن می آید این است که در عوض خروج نیروهای آمریکایی از شمال شرقی سوریه اردوغان موافقت کرده است که مسئله دخالت ولیعهد عربستان در قتل جمال خاشقجی را بسط ندهد و کم اهمیت جلوه دهد.

به نظر می رسد که ترامپ مصمم به ماندن در کنار ولیعهد عربستان بوده و از همکاری اردوغان در کمک به کاهش اهمیت این مسئله استقبال کرده است.

**نیروهای دموکراتیک کرد سوریه که مورد حمایت آمریکا هستند ضمن اظهار ناخشنودی از تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از مناطق کردنشین شمال شرق سوریه، آنرا خنجری از پشت از سوی آمریکا تعبیر کرده اند. وضعیت این نیروها به چه صورت خواهد شد و آیا وجه المصلحه ترامپ و اردوغان شده اند؟**

ممکن است دیپلماسی و مذاکرات از اقدام نظامی در مورد این موضوع پیشی گیرند. کردهای سوریه در حال حاضر انگیزه قویتری نسبت به گذشته دارند تا به نوعی درک با حکومت اسد دست یابند - به احتمال زیاد آنها متعهد به

«پل پیلار» با بیان اینکه آمریکا نمی خواهد در همان میز می نشسته باشد که ایران مانع بزرگی در مقابل آن است گفت: دولتمردان ترامپ به طور کلی با هر نوع دیپلماسی چندجانبه در مورد سوریه مخالفت می کنند. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز چهارشنبه در پیامی تویتری درباره خروج نیروهای این کشور از سوریه نوشت: ما داعش را در سوریه شکست دادیم، این تنها دلیل ما در دوران ریاست جمهوری ترامپ برای ماندن در آنجا بود.

یک مقام آمریکایی گفته است که تمام نیروهای آمریکا نیز بین ۶۰ تا ۱۰۰ روز آینده از سوریه خارج می شوند. سارا سندرز سخنگوی کاخ سفید نیز در خصوص انتشار اخباری دال بر خروج نیروهای آمریکا از سوریه ادعا کرد: پیروزی ما بر داعش در سوریه به معنی پایان ائتلاف در مبارزه مذکور نیست.

سخنگوی کاخ سفید در این خصوص گفت: هم زمان با مرحله جدیدی از این مبارزه، ما بازگشت نظامیان آمریکایی از سوریه را آغاز کرده ایم.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «پل پیلار» رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) انجام داده که در ادامه می آید.

پیلار از اساتید دانشگاه «جرج تاون» است و تاکنون مسئولیت های متعددی را بر عهده داشته که از جمله آنها می توان به ریاست واحد تحلیل عملیات های سیا در شرق نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار سابقه حضور در شورای اطلاعات ملی آمریکا را به عنوان یکی از اعضای اصلی آن نیز دارد.

**آمریکا اعلام کرده فوراً از شمال شرق سوریه خارج می شود و ظرف ۶۰ تا ۱۰۰ روز آینده نیز از کل سوریه خارج می شود. دلایل این تصمیم چیست؟**

این تصمیم کاملاً به رئیس جمهور ترامپ مربوط است زیرا می خواهد به وعده مبارزات انتخاباتی خود عمل کند. گرچه دلایل استراتژیک قانونی نیز برای این اقدام وجود دارد، اما ترامپ بارها نشان داده است که از طرف

استاد دانشگاه کتیکت آمریکا در گفتگو با مهر:

## قطر به ترکیه به عنوان متعادل کننده رابطه با آمریکا می نگرد

فاطمه محمدی پور



«جفری لفور» معتقد است که قطر تمایل دارد از ترکیه به عنوان «متعادل کننده» علیه آمریکا و کشورهای دیگر در منطقه خلیج فارس استفاده کند.

چند هفته قبل بود که سخنان «سعد الکعبی» وزیر انرژی قطر در خصوص اینکه دوحه از ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی از اوپک خارج می شود موجی از واکنشها را در محافل بین المللی به دنبال داشت.

گرچه مقامات قطری اعلام کردند که این تصمیم کاملاً فنی بوده و در دائره تحلیل های سیاسی نمی گنجد اما مشخص است که خروج قطر از اوپک در سایه ادامه دار شدن بحران دوحه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از یک سو و حرف و حدیثها در خصوص احتمال خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس از سوی دیگر ثابت می کند که هدف دوحه از کنار گذاشتن این سازمانها چیز دیگری است. منابع عربی حوزه خلیج فارس در گفتگو با روزنامه الرأی کویت گزارش دادند که مقامات قطر مسأله خروج از شورای همکاری خلیج فارس و یا باقی ماندن در آن را بررسی می کنند.

در همین حین، سی و نهمین نشست شورای همکاری خلیج فارس در حالی در ریاض برگزار شد که سران قطر و عمان به عنوان ۲ عضو این شورا از مجموع ۶ عضو، در آن در سطح امیر و سلطان شرکت نکردند و بحران قطر به عنوان برجسته ترین اختلاف بین اعضای شورا، بر این نشست سایه افکنده بود.

علی رغم تلاش های امارات و عربستان برای القای این مطلب که شورای همکاری خلیج فارس همچنان به قوت خود باقی است اما اختلافات بین کشورهای عضو این شورا به حدی شدت گرفته که احتمال فروپاشی این شورا را قوت بخشیده است همچنانکه قطر بارها به خروج از این شورا تهدید کرده است و علاوه بر آن عدم حضور سران شش کشور عضو این شورا در نشستهای آن حاکی از عمق اختلافات در این شورا است به گونه ای که در نشست سال گذشته نیز که به میزبانی کویت برگزار شد سران عربستان، امارات و بحرین در آن شرکت نکردند. اکنون این سوال مطرح می شود که آینده شورای همکاری خلیج فارس چگونه خواهد بود؟

جهت پاسخ به این سوال خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «جفری لفور»، استاد علوم سیاسی دانشگاه کتیکت آمریکا انجام داده است که در ادامه می آید.

**اجلاس سالانه شورای همکاری خلیج فارس در حالی در ریاض برگزار شد که امیر قطر و سلطان عمان از شرکت در آن خودداری کردند. دلایل امتناع این کشورها از شرکت در اجلاس چه بود؟**

عدم حضور امیر قطر در نشست دسامبر ۲۰۱۸ شورای همکاری خلیج فارس در ریاض ادامه بن بست سیاسی بین عربستان سعودی/امارات متحده عربی و قطر و عدم پذیرش دوحه جهت حل مسائل مختلف سیاسی که روابط بین دو طرف را از زمان محاصره قطر - حدود هجده ماه پیش - تاکنون پیچیده کرده است، نشان می دهد. پس از آنکه امیر قطر در نشست شورای همکاری خلیج فارس حضور یافت، اختلاف هشت ماهه میان عربستان

همکاری خلیج فارس با توجه به ترتیبات شش نفره حاضر آن با مسائل قبلی این شورا متفاوت باشد؛ با توجه به این که این اختلافات چقدر طول خواهد کشید و مسائل متعددی که ادامه این اختلافات در بر دارد، از جمله روابط قطر با ایران، حمایت از اخوان المسلمین و میزبانی شبکه الجزیره.

اما بیش از سی سال از زمان تاسیس شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ می گذرد و این شورا همچنان به حیات خود ادامه می دهد. شورای همکاری خلیج فارس موفق شد جنگ ایران و عراق در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۸، حمله ۱۹۹۰ عراق به کویت و جنگ ۱۹۹۱ برای آزاد سازی کویت، رژیم تحریم های سازمان ملل متحد علیه عراق در دهه ۱۹۹۰، حمله ۲۰۰۳ ایالات متحده به عراق و فوران بهار عربی در سال ۲۰۱۱ را هدایت کند. بنابراین پیش بینی نابودی شورای همکاری خلیج فارس قابل پذیرش نیست.

**در صورت خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس، آیا احتمال وجود یک اتحاد جدید میان قطر و ترکیه وجود دارد؟**

رابطه نظامی قطر با ترکیه واقعیتی است که دیگر کشورهای منطقه و همچنین ایالات متحده آمریکا باید بپذیرد. واقعیتی که بر اساس آن قطر تمایل دارد از ترکیه به عنوان «متعادل کننده» علیه کشورهای دیگر در منطقه خلیج فارس استفاده کند.

درست همانطور که عمان در طی سالها دارای یک رابطه سیاسی ویژه نظامی با قدرت بزرگ خارجی بوده است -نخست بریتانیا و در حال حاضر برای تقریباً چهار دهه (از سال ۱۹۸۰) ایالات متحده- دوحه از اوایل دهه ۱۹۹۰ این رابطه را با ایالات متحده آمریکا حفظ کرده است. اگر چه مقرر فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۲ در قطر واقع شده است، دوحه ترکیه را بعنوان «دریچه ایمنی» انتخاب نموده است. این در حالی است که شاهد روابط نزدیک واشنگتن با ریاض، به خصوص با توجه به گزارش هایی که از اظهارات رئیس جمهور دونالد ترامپ در سفر مه ۲۰۱۷ وی به عربستان سعودی منتشر شد که ممکن است ریاض را به انجام اقدامات تنبیهی علیه قطر تشویق کرده باشد هستیم.

سعودی و قطر در سال ۲۰۱۴ حل و فصل شد. با این وجود، نماینده قطر در نشست شورای همکاری خلیج فارس وزیر خارجه آن بود.

غیاب سلطان قابوس پادشاه عمان در این نشست با توجه به مسائل مربوط به سلامتی اش در طی چند سال اخیر تعجب آور نیست. از این رو معاون نخست وزیر عمان در طی چند سال اخیر در نشست های شورای همکاری خلیج فارس شرکت کرده است. بنابراین من فکر نمی کنم که عدم حضور پادشاه عمان در اجلاس سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دلیل خاصی داشته باشد.

**قطر از اوپک خارج شد و با توجه به برخی گزارش ها، در صدد است از شورای همکاری خلیج فارس نیز خارج شود. آیا فکر می کنید قطر شورای همکاری خلیج فارس را ترک خواهد کرد؟**

من از مبالغه گویی در مورد خروج قطر از اوپک اجتناب می کنم. قطر تولید کننده عمده نفت نیست و بنابراین نفوذ کمی در سازمان اوپک دارد. به نظر می رسد که دوحه یک تصمیم بسیار عملی و منطقی برای تمرکز بر تولید و صادرات گاز طبیعی اتخاذ می کند که پایه اقتصاد قطر است.

**شورای همکاری خلیج فارس موفق به یافتن یک راه حل جامع داخلی برای حل بحران قطر نشد. با توجه به این شکست، آینده شورای همکاری خلیج فارس را چگونه ارزیابی می کنید؟**

شورای همکاری خلیج فارس در گذشته شکافهای داخلی بین کشورهای عضو را تجربه کرده است با این وجود سازمان همچنان به حیات خود ادامه داده و از بین نرفته است. در اجلاس ماه دسامبر ۲۰۱۳ شورای همکاری خلیج فارس، عمان با تلاش های عربستان سعودی برای ایجاد شورای همکاری خلیج فارس متحد بیشتر سیاسی که احتمالاً عربستان سعودی بر آن مسلط باشد، مخالفت کرد. روابط بین عربستان سعودی و کویت به علت اختلاف در مورد میزان تولید نفت از دو میدان نفتی مشترک، تضعیف شده است. مسئله قطر ممکن است برای بقای شورای

کارشناس لبنانی با مهر مطرح کرد؛

# دلایل تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه / فرانسه هم عقب نشینی می کند

رامین حسین آبادیان



«امین حطیط» تحلیلگر مسائل سیاسی - نظامی با تشریح علل و عوامل تصمیم ترامپ برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه تأکید کرد که فرانسه نیز همین تصمیم را اتخاذ خواهد کرد.

چهارشنبه هفته گذشته بود که به یکباره آمریکا از تصمیم برای خروج نیروهایش از سوریه خبر داد. این اقدام، تحولی ناگهانی در راهبرد آمریکا محسوب می شود و پایانی بر فرضیه های حضور نظامی بلند مدت آمریکا از سوریه که جیمز ماتیس وزیر دفاع مستعفی و مسئولان آمریکایی ارشد از حامیان آن بودند، محسوب می شود.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز چهارشنبه در پیامی تویتری درباره خروج نیروهای این کشور از سوریه نوشت: «ما داعش را در سوریه شکست دادیم، این تنها

دلیل ما در دوران ریاست جمهوری ترامپ برای ماندن در آنجا بود». «گاوین ویلیامسون» وزیر دفاع انگلیس به دنبال تأیید اخبار منتشره درباره خروج نیروهای اشغالگر آمریکا از سوریه از سوی کاخ سفید گفت: قویاً با تصمیم ترامپ درباره شکست داعش در سوریه مخالفم.

تصمیم ترامپ برای خارج کردن نیروهایش از سوریه از ابعاد مختلف قابل بررسی است. نیروهای آمریکایی بدون خواست دمشق در سوریه حضور داشتند و به مثابه نیروهای اشغالگری بودند که دولت سوریه همواره خواهان خروج این نیروها و دیگر نیروهایی که بدون مجوز در سوریه حضور دارند، شده بود و از این حیث بازهم می توان نوعی پیروزی برای دمشق در این زمینه قائل شد. در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی را با «امین حطیط» کارشناس لبنانی مسائل سیاسی - نظامی ترتیب داده است که مشروح آن از نظر می گذرد؛

## «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از تصمیم کشورش برای خروج نیروهای نظامی از سوریه خبر داده است.

### دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

این اولین باری نیست که «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از تصمیم واشنگتن برای خارج کردن نیروهای نظامی آن از سوریه سخن می گوید. ترامپ اول بار هنگام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد که تصمیم دارد نیروهای نظامی آمریکا را از سوریه خارج کند.

پس از آن اظهار نظر پیش از روی کار آمدن در آمریکا، ترامپ در اوایل سال جاری میلادی تأکید کرد که طی شش ماه نیروهای آمریکایی را از سوریه خارج خواهد کرد. اما سلسله اتفاقاتی که پس از این اظهار نظر مجدد وی در خصوص خروج از سوریه اتفاق افتاد، موجب شد تا ترامپ تصمیمش در این زمینه را به تعویق بیندازد.

در آن هنگام، این فشارهای رژیم صهیونیستی و همچنین کشورهای غربی و در رأس آنها فرانسه بود که موجب شد تا ترامپ از تصمیمش برای خروج از سوریه به صورت موقت صرف نظر کند. از سوی دیگر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز مبالغه هنگفتی را به عنوان باج به ایالات متحده پرداخت کردند تا این کشور به حضورش در سوریه ادامه دهد.

ترکیه اعلام کرد که آنکارا عملیات شرق فرات را کلید خواهد زد. به نظر شما ارتباطی میان دو مسأله خروج آمریکا از سوریه و عملیات ترکیه در شرق فرات وجود دارد؟

هر دو مسأله به صورت کاملاً پیچیده با یکدیگر در ارتباط هستند. پیش از اعلام تصمیم آمریکا برای خارج کردن نیروهای نظامی از سوریه، ترامپ با اردوغان همتای ترکیه ای خود گفتگو کرده بود و به خوبی می دانست که آنکارا تصمیم خود برای انجام عملیات نظامی در خاک سوریه را گرفته است. لذا ترامپ خود را بر سر دو راهی سختی دید که اگر با عملیات ترکیه مخالفت می کرد، قاعدتاً باید به مقابله نظامی با آن در سوریه می پرداخت و این برخلاف مصالح واشنگتن بود؛ و اگر با آنکارا موافقت می کرد، به نوعی به ژست حقوق بشری که طی سالهای گذشته در سوریه گرفته بود از بین می رفت و نقاب از چهره واشنگتن کنار می رفت.

ترامپ در جریان تماس تلفنی با اردوغان صراحتاً به وی گفت: «ما از سوریه می رویم و آن را برای تو رها می کنیم!» ترامپ این پیام را به ترکیه رساند که می تواند پس از عقب نشینی آمریکا، عملیات خود در شرق فرات را کلید بزند. اردوغان نیز عملیات شرق فرات را به تعویق انداخت. علت آن هم کاملاً مشخص است و آن، فرا رسیدن زمان عقب نشینی نیروهای آمریکایی است.

## فرانسوی ها اعلام کرده اند که علیرغم اعلام آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی از سوریه، پاریس به حضور نظامی در این کشور ادامه می دهد. دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

گمان نمی کنم که پس از این، فرانسه بتواند حضور فعال و مؤثری در سوریه داشته باشد. اعلام فرانسوی ها مبنی بر بقاء در سوریه حتی در صورت عقب نشینی آمریکا نوعی اقدام تاکتیکی برای تحریک واشنگتن به عقب نشینی از تصمیمش است.

بدون شک، بدون حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در سوریه فرانسه نیز قادر به تداوم حضور نظامی در این کشور نخواهد بود. فرانسه نیز راه انگلیس و آلمان را خواهد رفت و به محض عقب نشینی آمریکا از سوریه، مقامات پاریس نیز از این کشور عقب نشینی می کند. آنها تنها زمان اعلام عقب نشینی خود را نکرده اند اما بدون شک این کار را خواهند کرد.

## به نظر شما علل و عوامل مهمی که موجب شده تا رئیس جمهوری آمریکا تصمیم به خارج کردن نیروهای نظامی این کشور از سوریه بگیرد، چیست؟

با این حال، امروز شاهد آن هستیم که ترامپ برای سومین بار اعلام کرده که نیروهای نظامی آمریکا از سوریه خارج خواهند شد و تصمیمش در این زمینه را اتخاذ کرده است. به نظر می رسد که این تصمیم رئیس جمهوری آمریکا، علل و عوامل مهمی داشته باشد. یکی از این علل و عوامل، به روند تحولات میدانی سوریه باز می گردد.

واقعیت این است که سلسله دستاوردهای میدانی نیروهای مقاومت سوری که با حمایتها و کمکهای متحدان منطقه ای و فرا منطقه ای آنها حاصل شد، ادامه کار آمریکایی ها در سوریه را با مشکلات و پیچیدگی های زیادی فراهم کرده است. از سوی دیگر، این تصمیم می تواند یک بُعد داخلی داشته باشد؛ به این معنا که ترامپ با اتخاذ چنین تصمیم بزرگی قصد دارد به افکار عمومی در آمریکا القاء کند که او تصمیم گیرنده نهایی در هر موضوعی است و هیچکس نمی تواند چیزی را به او تحمیل و یا دیکته کند. ترامپ با این اقدام می خواهد که از درگیری های سیاسی داخلی با احزاب و جریان های مخالف، بیرون بیرون شود.

این فرضیه آنجا بیش از پیش رنگ واقعیت به خود می گیرد که می بینیم ترامپ، خود به تنهایی و بدون توجه به نظرات و دیدگاه های فرمانده هان ارشدش چنین تصمیمی را گرفته است. استعفای وزیر دفاع آمریکا و فرستاده این کشور در ائتلاف بین المللی به اصطلاح ضد داعش، گواهِ بر این مدعا است.

دلیل دیگری که می توان برای تصمیم ترامپ در خصوص خروج نیروهای آمریکایی از سوریه ذکر کرد این است که ترامپ بیش از یک سیاستمدار، یک فرد تاجر است. ترامپ به این نتیجه رسیده است که آمریکا پس از سال ها حضور در سوریه نه تنها هیچ عاید مالی نداشته، بلکه خسارت های مالی فراوانی را نیز متحمل شده است و وفق روشنی برای جبران این خسارت مالی در سوریه برای واشنگتن وجود ندارد.

## بلافاصله پس از اعلام تصمیم ایالات متحده آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی از سوریه «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری

عضو شورای روابط خارجی امریکا  
در گفتگو با مهر:

## خروج امریکا از سوریه وعده انتخاباتی ترامپ و چیز عجیبی نبود



جواد حیران نیا

نماینده پیشین کنگره امریکا با اشاره به اینکه تصمیم ترامپ برای خارج کردن نیروهایش از سوریه و افغانستان عجیب نبود گفت: این اقدام در راستای دکترین ترامپ مبنی بر فروش امنیت با قیمت بالاتر است.

«جیمز چارلز اسلتری» نماینده سابق کنگره و عضو شورای روابط خارجی امریکا در خصوص تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده امریکا برای خروج از سوریه و کاستن از نیروهای نظامی در افغانستان به خبرنگار مهر گفت: این تصمیم پرزیدنت ترامپ چیزی عجیب نبود. او در کمپینهای انتخاباتی نیز اعلام کرده بود در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا از برخی مناطق حساس خارج خواهد شد. وی افزود: از جمله این مناطق حساس، مناطقی در خاورمیانه است که افغانستان و سوریه از جمله آنهاست. اسلتری افزود: بر این اساس وقتی این خبر را شنیدم «سورپرایز» شدم.

وی افزود: علاوه بر روسیه او همچنین شمار نیروهای امریکایی در افغانستان را نیز کاهش خواهد داد.

نماینده سابق کنگره امریکا گفت: اینکه در خصوص سوریه، معامله ای میان ترامپ و اردوغان صورت گرفته باشد از آن بی اطلاع هستم. وی یادآور شد: باید توجه داشت که رئیس جمهور امریکا قدرت زیادی برای فراخوانی نظامیان امریکا از مناطق مختلف دارد و برای این امر نیز نیازی به مجوز کنگره ندارد.

اسلتری در ادامه یادآور شد: اینکه چه فرایندهایی منجر به این تصمیم در مقطع کنونی شده تا الان نامشخص است.

وی گفت: ولی با توجه به رویکرد پرزیدنت ترامپ در خصوص فروش امنیت او حاضر نیست امنیت برخی کشورها را با هزینه ناچیز تأمین کند و بدین وسیله خواهان گرفتن امتیازات خاص است.

عضو شورای روابط خارجی امریکا یادآور شد: ضمن اینکه قرار نیست در مناطقی که امریکا خارج می شود اوضاع از دستش خارج شود و امنیت این مناطق توسط متحدان تأمین خواهد شد.

وی در پایان گفت: این تصمیم کارکردهای انتخاباتی نیز خواهد داشت.

سفیر سابق امریکا در عربستان در گفتگو با مهر:

## عربستان پیروزی در جنگ یمن به دست نیآورد/دلایل حصول توافق استکھلم

جواد حیران نیا



سفیر سابق امریکا در عربستان با تشریح دلایل حصول توافق استکھلم میان گروههای یمنی گفت: عربستان در جنگ یمن پیروزی کسب نکرد. آتش بس الحدیده که در نتیجه مذاکرات استکھلم سوئد حاصل شده از روز سه شنبه پیش به اجرا درآمده و این در حالی است که گزارش هایی از نقض آتش بس از سوی ائتلاف عربستان سعودی در رسانه ها منتشر شده است.

مذاکرات استکھلم با حضور «مارتین گریفیتس» نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن

و طرف های دیگر یمنی برگزار شد. طرف های یمنی شرکت کننده در مذاکرات صلح سوئد روز پنجشنبه از توافق بر سر آتش بس در استان الحدیده و شهر تعز و رسیدن کمک به این شهرها خبر دادند.

بر اساس این توافق؛ در الحدیده، و بنادر الحدیده، الصلیف و رأس عیسی آتش بس فوری برقرار می شود. همچنین کمیته هماهنگی درباره بحث استقرار مجدد مشترک و مورد توافق به ریاست سازمان ملل تشکیل می شود.

بر اساس توافق، مسئولیت امنیت الحدیده و بنادر الحدیده، الصلیف و راس عیسی بر عهده نیروهای امنیت داخلی طبق قانون یمن است و باید به روند قانون گذاشته شود و هر مانعی از بین برود.

در همین راستا، خبرنگار مهر مصاحبه ای با «ریچارد مورفی» دیپلمات پیشین و کهنه کار امریکا انجام داده است که در ادامه می آید.

«ریچارد مورفی» دیپلمات پیشین و کهنه کار آمریکایی با ۳۴ سال فعالیت در حوزه خاورمیانه و کشورهای عربی، در سال های جنگ ایران و عراق سفیر امریکا در عربستان سعودی بود و سپس معاون وزیر خارجه امریکا در امور خاورمیانه شد. مورفی اینک با شرکت در شبکه های «بی بی سی»، «سی ان ان»، «فاکس نیوز» به تحلیل درباره رویدادهای جهان به ویژه خاورمیانه می پردازد. وی عضو هیئت امنای دانشگاه آمریکایی «بیروت» در لبنان نیز هست.

ریچارد مورفی در خصوص توافق اخیر گروههای یمنی در سوئد با میانجیگری سازمان ملل به خبرنگار مهر گفت: توافقی که با میانجیگری سازمان ملل در سوئد و در خصوص یمن حاصل شد یک توافق دلگرم کننده و البته دیر هنگام و اولین گام برای این جنگ ظالمانه است.

وی افزود: عربستان مدعی است که حوثی های یمن حکومت یمن را ساقط کردند و باعث طولانی شدن جنگ حوثی ها هستند که کمک ایران در این زمینه از دلایل این موضوع بوده است. معاون وزیر خارجه پیشین امریکا در ادامه گفت: اما باید توجه داشت که عربستان نتوانست آنچه را که در یمن می خواست محقق کند و پیروز جنگ شود. در واقع عربستان هیچ پیروزی مشخص نظامی از جنگ یمن به دست نیآورد.

وی افزود: مصائب و فجایع انسانی و بشری نیز این روزها در یمن گسترش یافته است. همین مسأله باعث شد تا سازمان ملل وارد عمل شود و به طرفین فشار وارد آورد تا سریعتر به آتش بس دست یابند.

مورفی در ادامه تأکید کرد: از طریق توافق حاصل شده در سوئد کمکهای بین المللی قادر خواهند بود تا به دست مردم یمن برسند.

سفیر پیشین امریکا در عربستان در ادامه گفت: یکی از دلایل تحقق آتش بس اخیر در یمن فشارهای امریکا به عربستان متعاقب قتل خاشقجی و تصویب عدم کمک امریکا به عربستان در جنگ یمن و مسئول دانستن محمد بن سلمان در قتل خاشقجی است.

مورفی در پایان افزود: اما به هر حال توفیق اخیر سازمان ملل در خصوص آتش بس یمن در استکھلم سوئد بیش از هر چیز به فرسایشی شدن جنگ و خواست آنها برای آتش بس بر می گردد.

کمیتر سابق حقوق بشر سازمان ملل در گفتگو با مهر:

## هراس از آبروریزی بیشتر عربستان را پای میز مذاکره استکھلم آورد

فاطمه محمدی

پیش بینی با اعتماد به نفس هر گونه پیشرفت در رابطه با یمن دشوار است، اما اگر توافق نامه استکھلم متوقف شود، پس انتظار می رود که همان استدلال های بشردوستانه منجر به بازگشایی فرودگاه صنعا در آینده نزدیک شود.

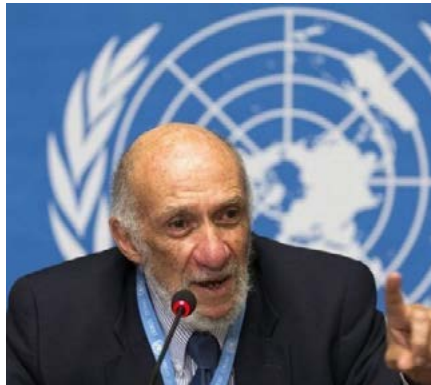
### || چه عاملی باعث شد تا کشورهای دخیل در جنگ یمن پای میز مذاکره حاضر شوند؟

پاسخ به این سوال نیز دشوار است زیرا دولتها در چنین موقعیت هایی انگیزه های واقعی خود را در ملاء عام بیان نمی کنند. اگر بندرها بسته باقی بمانند، احتمال دارد که ریاض، به ویژه پس از قتل خاشقجی، نگرانی های جدی در مورد محکوم شدن به دلیل یکی دیگر از فجایع انسانی بزرگ دولت سعودی داشته باشد.

به دلایل مشابه، ممکن است واشنگتن در حال حاضر از ابزار فشار برای مذاکره با هدف اصلی کاهش تنش های منطقه ای استفاده کند. چنین گمانه زنی هایی معتبر می شوند هنگامی که جنبش ضد ترامپ در مجلس جدید سنای ایالات متحده امریکا با بودجه بیشتر و دخالت در جنگ یمن مخالفت کند.

### || با توجه به جنایتهای جنگی مکرر ائتلاف عربستان در یمن، آیا سازمان ملل و دیوان کیفری بین المللی در این خصوص ورود پیدا خواهد کرد؟

پاسخ این سوال بستگی به زمینه سیاسی دارد و اینکه آیا جنگ با دیپلماسی سریعتر به پایان می رسد یا خیر. اگر جنگ با دیپلماسی سریعتر خاتمه یابد، ممکن است فشارهای زیادی بر طرفین مختلف ذینفع ایجاد شود تا از ابتکارهایی که باعث واکنش خصمانه و اتهامات متقابل می شود، خودداری کنند.



### || مذاکرات استکھلم سوئد منجر به توافق آتش بس در الحدیده و توافقات دیگر شد. نظر شما در مورد این توافقات چیست؟

باید گفت فضای مناسبی برای حفظ توافق ها نیست زیرا برخی هستند که ممکن است به دنبال اختلال در توافق نامه باشند و حوادث نگران کننده در امتداد این خطوط وجود داشته است.

در عین حال، از دیدگاه بشردوستانه، حتی کاهش جزئی از رنج مردم یمن بسیار مهم است. با باز کردن شهرهای بندری الحدیده و صنعا، طبق توافقنامه استکھلم، ۸۰ درصد از واردات مواد غذایی و دارو مدیریت می شود و به مردم یمن تحویل داده می شود. در حال حاضر، بر اساس منابع معتبر بین المللی، ۱۷۸ میلیون یمنی از جمعیت ۲۲.۲ میلیون نفری آن در معرض گرسنگی قرار دارند.

### || آیا این توافق می تواند به حصول توافق در خصوص فرودگاه صنعا و سایر موارد اختلافی منجر شود؟

«ریچارد فالدک» با بیان اینکه اکثر مردم یمن در معرض گرسنگی قرار دارند گفت: آتش بس الحدیده از این نظر مهم است که باعث کاهش درد و رنج مردم یمن می شود.

آتش بس الحدیده که در نتیجه مذاکرات استکھلم سوئد حاصل شده از روز سه شنبه به اجرا درآمده و این در حالی است که گزارش هایی از نقض آتش بس از سوی ائتلاف عربستان سعودی در رسانه ها منتشر شده است.

مذاکرات استکھلم با حضور «مارتین گریفیتس» نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن و طرف های درگیر یمنی برگزار شد. طرف های یمنی شرکت کننده در مذاکرات صلح سوئد روز پنجشنبه از توافق بر سر آتش بس در استان الحدیده و شهر تعز و رسیدن کمک به این شهرها خبر دادند.

بر اساس این توافق؛ در الحدیده، و بنادر الحدیده، الصلیف و رأس عیسی آتش بس فوری برقرار می شود. همچنین کمیته هماهنگی درباره بحث استقرار مجدد مشترک و مورد توافق به ریاست سازمان ملل تشکیل می شود. بر اساس توافق، مسئولیت امنیت الحدیده و بنادر الحدیده، الصلیف و رأس عیسی بر عهده نیروهای امنیت داخلی طبق قانون یمن است و باید به روند قانون احترام گذاشته شود و هر مانعی از بین برود.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «ریچارد فالدک»، استاد حقوق بین الملل دانشگاه پرینستون امریکا تنظیم نموده که در ادامه می آید. «ریچارد فالدک» گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در فلسطین در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ نیز بوده و بالغ بر ۲۰ کتاب از وی منتشر شده است.

رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق در گفتگو با مهر:

## پایان دادن به سلطه دلار بر اقتصاد جهان لازم است

بر اقتصاد کشورهای اسلامی و همچنین تقویت محور مقاومت به خبرنگار مهر گفت: در این کنفرانس کمیته ای برای بررسی مسائل اقتصادی وجود داشت که جلساتی در آن برگزار شد.

وی افزود: ما در شرایطی به سر می بریم که همیشه و سلطه آمریکا بر اقتصاد جهان وجود دارد و برخی کشورها را تحریم می کند. به همین دلیل نیز باید موضعی رسمی در قبال این چالش و مشکل اتخاذ شود.

رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق در ادامه یادآور شد: اجتماع و نشست کشورهای اسلامی در خصوص اقتصاد باید منجر به بحث و پژوهشی عمیق و ارائه طرحی برای پایان دادن به سلطه دلار بر اقتصاد جهان شود.

وی در ادامه در خصوص نقشه های صهیونیست ها برای منطقه نیز گفت: اسرائیل از ایجاد وحدت در منطقه هراس دارد. رژیم صهیونیستی تلاش می کند، با کمک برخی رژیم های عربی و استفاده از شعارهای طایفه ای ثبات در منطقه را از میان ببرد.



شیخ «همام حمودی» بیان داشت که اجتماع و نشست کشورهای اسلامی در خصوص اقتصاد باید منجر به بحث و پژوهشی عمیق و ارائه طرحی برای پایان دادن به سلطه دلار بر اقتصاد جهان شود.

سی و دومین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی امسال با شعار «قدس؛ محور وحدت امت» صبح شنبه ۳ آذر ماه با سخنرانی آیت الله محسن اراکی دبیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی آغاز شد. در این کنفرانس بیش از ۳۰۰ اندیشمند، سیاستمدار و هنرمند برجسته از ۱۰۰ کشور جهان حضور دارند. یکی از ویژه برنامه های این کنفرانس تبیین

دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته است. امسال ۳ کمیسیون در خصوص فلسطین با عناوین، «فلسطین و معامله قرن»، «فلسطین و قدس شریف» و «فلسطین و حق بازگشت»، برگزار خواهد شد.

شیخ «همام حمودی» رئیس مجلس اعلای عراق درباره تاثیر برگزاری کنفرانس وحدت

استاد دانشگاه آلاباما امریکا در گفتگو با مهر:

## تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه شوک به بدنه سیاست خارجی امریکا است

جواد حیران نیا



استاد دانشگاه آلاباما گفت: خروج امریکا از سوریه به خودی خود نیروهای کرد سوری مورد حمایت واشنگتن را از بین نخواهد برد و آینده آنها بستگی به معامله ترامپ و اردوغان خواهد داشت.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا امروز چهارشنبه در پیامی تویتری درباره خروج نیروهای این کشور از سوریه نوشت: ما داعش را در سوریه شکست دادیم، این تنها دلیل ما در دوران ریاست جمهوری ترامپ برای ماندن در آنجا بود.

یک مقام امریکایی امروز چهارشنبه اعلام کرد که همه کارکنان وزارت خارجه این کشور ظرف ۲۴ ساعت از سوریه خارج می شوند.

این مقام امریکایی در ادامه گفته است که تمام نیروهای امریکا نیز بین ۶۰ تا ۱۰۰ روز آینده از سوریه خارج می شوند.

سارا سندرز سخنگوی کاخ سفید در خصوص انتشار اخباری دال بر خروج نیروهای امریکا از سوریه ادعا کرد: پیروزی ها بر داعش در سوریه به معنی پایان ائتلاف در مبارزه مذکور نیست.

سخنگوی کاخ سفید در این خصوص گفت: هم زمان با مرحله جدیدی از این مبارزه، ما بازگشت نظامیان امریکایی از سوریه را آغاز کرده ایم.

در گفتگو با پروفیسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی امریکا به دلایل تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا در خروج نیروهای امریکایی از سوریه پرداخته ایم که در ادامه می آید. انتصار از اساتید صاحب نام بین المللی مطالعات خاورمیانه است. کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» از جمله آثار انتصار در حوزه مطالعات کردی است که آوازه جهانی دارد.

**|| امریکا اعلام کرده فوراً از شمال شرق سوریه خارج می شود و ظرف ۶۰ تا ۱۰۰ روز آینده نیز از کل سوریه خارج می شود. دلایل این تصمیم چیست؟**

این تصمیم امریکا یا بهتر بگوییم تصمیم شخص ترامپ، کاملاً در زمان کنونی غیر منتظره بود و یک شوک در بدنه سیاست خارجی امریکا ایجاد کرده است. این تصمیم ترامپ ممکن است سه دلیل داشته باشد. در دوران ریاست جمهوری خود ترامپ چند بار تصمیمات غیر منتظره گرفته است. اعلام گفتگو با رهبر کره شمالی یک نوع از این گونه تصمیمات بود. البته ترامپ برخی از تصمیمات غیر منتظره خود را انجام نمی دهد.

در مورد سوریه هم ما باید منتظر بمانیم تا ببینیم که آیا ترامپ یک چرخش ۱۸۰ درجه ای خواهد داشت یا اینکه خروج نیروهای امریکا از سوریه را انجام خواهد داد.

دلیل دیگر در مورد تصمیم ترامپ ممکن است این باشد که برخی از مشاوران نظامی او احتمالاً به ترامپ گفته اند که در آینده نزدیک امریکا قادر به تغییر توازن قوا در سوریه بدون پرداخت هزینه های بسیار سنگین نخواهد بود و به نفع امریکا است که خود را از

باتلاق سوریه بیرون بکشد.

دلیل سوم ممکن است این باشد که امریکا به متحدان منطقه ای خود بخصوص ترکیه چراغ سبز داده که مداخلات نظامی خود در سوریه را تشدید کنند. به هر حال هنوز زود است که دلایل اصلی این تصمیم ترامپ را بدانیم.

**|| ترامپ در توجیه خروج نیروهایش از سوریه اعلام کرده داعش در سوریه شکست خورده است و به صورت ضمنی دلیل اتخاذ این تصمیم را شکست داعش عنوان کرده است. این در حالی است که برخی منابع از رایزنی اردوغان و ترامپ نیز سخن گفته اند. آیا تصمیم مذکور می تواند به رایزنی ترامپ با اردوغان مرتبط باشد؟ اگر چنین است چه توافقی میان ترامپ و اردوغان در خصوص مناطق کردنشین حاصل شده است؟**

این دلیل را ترامپ برای عوام فریبی گفته است. به نظر من رایزنی اردوغان و ترامپ اهمیت بیشتری از آنچه ترامپ شکست داعش اعلام کرده در تصمیم او تاثیر داشته است. همه من جمله امریکا می دانند که گروه های تروریستی هنوز فعالیت گسترده ای در سوریه دارند و داعش در سوریه هنوز شکست نخورده است.

**|| نیروهای دموکراتیک کرد سوریه که مورد حمایت امریکا هستند ضمن اظهار ناخشنودی از تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از مناطق کردنشین شمال شرق سوریه، آنها را خنجری از پشت از سوی امریکا تعبیر کرده اند. وضعیت این نیروها به چه صورت خواهد شد و آیا**

**وجه المصلحه ترامپ و اردوغان شده اند؟**

وضعیت این گروه ها بستگی به این خواهد داشت که تا چه مقدار کشورهای منطقه کمک مالی و نظامی خود را به آنها ادامه دهند.

خروج امریکا از سوریه به خودی خود این نیروها را از بین نخواهد برد و آینده آنها بستگی به وجه المصلحه ترامپ و اردوغان خواهد داشت.

**|| اسرائیل اعلام کرده علیرغم اعلام خروج امریکا از سوریه، به تقابل با ایران در سوریه ادامه می دهد. وضعیت میدانی سوریه را در غیاب امریکا به ویژه وضعیت اسرائیل را چگونه ارزیابی می کنید؟**

به نظر من گرچه تغییراتی در وضعیت میدانی سوریه در غیاب امریکا ایجاد خواهد شد ولی این تغییرات اثرات بنیادی در برنامه های اسرائیل در سوریه نخواهد داشت. یعنی اسرائیل مداخله نظامی و جنگجویانه خود را در سوریه ادامه خواهد داد.

**|| دیروز نشست تشکیل قانون اساسی سوریه با حضور ایران، روسیه، ترکیه و سازمان ملل برگزار شد. اگر چه این نشست در ابتدای راه خود است اما نشان از رسیدن وضعیت سوریه به مرحله تشکیل قانون اساسی است. آیا ارتباطی میان این مرحله از وضعیت سوریه با تصمیم ترامپ وجود دارد؟**

با توجه به اینکه نشست تشکیل قانون اساسی سوریه با حضور ایران، روسیه، ترکیه و سازمان ملل دیروز برگزار شد و نتایج این نشست هنوز معلوم نیست، من ارتباط مستقیمی بین تصمیم ترامپ و نشست دیروز که به آن اشاره کردید نمی بینم.



سخنگوی نماینده سازمان ملل در امور یمن در گفتگو با مهر:

## آتش بس الحدیده نقطه آغاز برای پایان جنگ یمن است

عبدالحمید بیاتی - جواد حیران نیا



سخنگوی نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن توافق حاصل شده برای برقراری آتش بس در الحدیده را نقطه آغازی برای رسیدن به صلح در یمن می داند. آتش بس الحدیده که در نتیجه مذاکرات استکهلم سوئد حاصل شده از امروز سه شنبه به اجرا درآمده و این در حالی است که گزارش هایی از نقض آتش بس از سوی ائتلاف عربستان سعودی در رسانه ها منتشر شده است. مذاکرات استکهلم با حضور «مارتین گریفیتس» نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن و طرف های درگیر یمنی برگزار شد.

طرف های یمنی شرکت کننده در مذاکرات صلح سوئد روز پنجشنبه از توافق بر سر آتش بس در استان الحدیده و شهر تعز و رسیدن کمک به این شهرها خبر دادند. بر اساس این توافق؛ در الحدیده، و بنادر الحدیده، الصلیف و رأس عیسی آتش بس فوری برقرار می شود. نیروها از بنادر الحدیده و الصلیف و رأس عیسی به مواضع مورد توافق درباره آن می روند.

طبق این توافق؛ هیچ تقویت نظامی از سوی طرفین در این استان رخ نمی دهد و طرفین به آن پایبند هستند. بر اساس این توافق؛ کمیته هماهنگی درباره بحث استقرار مجدد مشترک و مورد توافق به ریاست سازمان ملل تشکیل می شود.

طبق این توافق؛ رئیس کمیته هماهنگی گزارش هفتگی از طریق دبیر کل به شورای امنیت درباره اجرا شدن آن توافق می دهد.

نقش رهبری سازمان ملل در حمایت از اداره و عملیات بازرسی بنادر دریای سرخ یمن تقویت حضور سازمان ملل در الحدیده طرفین پایبند به تسهیل کار سازمان ملل در الحدیده هستند.

همه طرفها بر تسهیل حرکت غیرنظامیان و کالاها به الحدیده و بنادر آن متعهد هستند.

همه درآمدهای بنادر الحدیده، الصلیف و رأس عیسی در بانک مرکزی یمنی از طریق شعبه موجود در الحدیده قرار داده می شود تا صرف حقوق غیرنظامیان در الحدیده و سراسر یمن شود.

مسئولیت امنیت الحدیده و بنادر الحدیده، الصلیف و رأس عیسی بر عهده نیروهای امنیت داخلی طبق قانون یمن است و باید به روند قانون احترام گذاشته شود و هر مانعی از بین برود.

نظر به تأثیراتی که آتش بس الحدیده بر تحولات یمن دارد با «حنان البداوی» سخنگوی «مارتین گریفیتس» نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن به گفتگو نشستیم که متن این مصاحبه به شرح زیر است:

### مذاکرات استکهلم سوئد منجر به توافقی برای آتش بس در الحدیده شد. نظر شما در خصوص این توافق چیست؟

با توجه به آتش بس برقرار شده در الحدیده فکر می کنیم این توافق یک پیشرفت است. امیدواریم که هر دو طرف توافق هم به روح و هم در عمل به این توافق

تصور است. امیدواریم جوی که در زمان مذاکرات سوئد شاهد آن بودیم و همچنین توافق الحدیده و تأثیر زیادی بر پایان جنگ داشته باشد و در تمامی یمن شاهد آتش بس باشیم.

### چه عاملی باعث شد تا طرف های درگیر در جنگ یمن به پای میز مذاکره بیایند؟

هیچ کشوری در مذاکرات یمن حضور نداشت و ما بارها اعلام کرده ایم که این مذاکرات میان گروه های یمنی است و هیات های رسمی آنها در این مذاکرات حضور دارند. ما نمایندگان یا همان سفرای کشورها را دعوت کردیم تا در مورد یمن رایزنی کنیم و همکاری هایی میان آنها انجام شد؛ میان برخی گروه ها و برخی سفرا همکاری هایی انجام شد و این کاری بود که دیپلماسی انجام داد. طبیعتاً شما با نمایندگان جامعه جهانی گفتگو می کنید و ما می دانیم که برای حل بحران یمن حضور بازیگران مختلف و نمایندگان مختلف جامعه جهانی لازم است. برای حل بحران یمن حضور بازیگران مختلف جامعه جهانی ضروری است اما در مرحله اول مذاکرات فقط میان گروه های یمنی انجام شد.

### نظر شما در مورد تداوم حملات عربستان به یمن چیست؟

ما اکنون در الحدیده آتش بس داریم. امیدواریم که این آتش بس یک فرصت بزرگ برای حل بحران یمن و پایان جنگ در این کشور بوجود بیاورد. این آتش بس دستاوردی برای پایان جنگ در یمن است. ما مطمئن هستیم که تمامی کشورهای منطقه اهمیت برقراری صلح در یمن را می دانند. این برای ثبات منطقه و منافع کشورهای مختلف منطقه مهم است.

پایبند باشند. این توافق از ساعات ابتدایی سه شنبه به اجرا گذاشته شده و با وجود برخی خبرها، گزارش هایی که ما از نمایندگان سازمان ملل دریافت کرده ایم حکایت از اجرای کامل این توافق دارد.

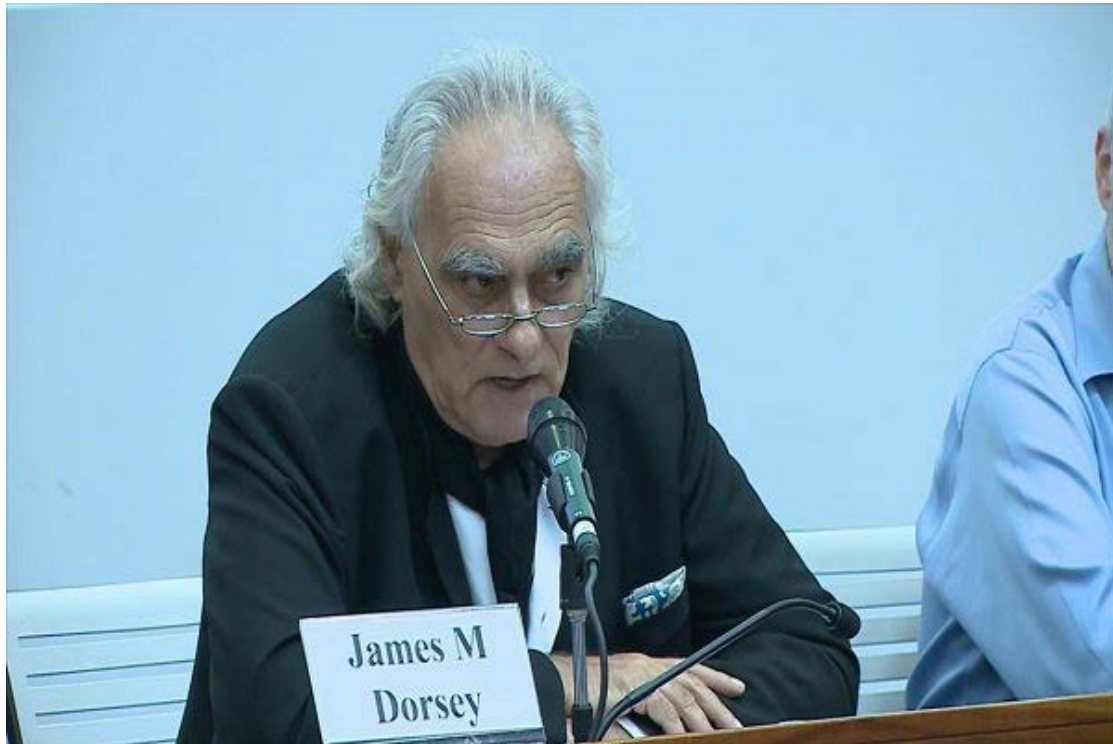
بر اساس گزارشاتی که تا کنون از نمایندگان سازمان ملل دریافت کرده ایم این آتش بس اجرا شده است. کمیته همکاری های مشترک (RCC) که یک کمیته مشترک با مسئولیت اجرای توافق است به تازگی کار خود را آغاز کرده است. ما اطمینان داریم که این کمیته می تواند توافق الحدیده را به نحو موثری اجرا کند.

### آیا این توافق می تواند موجب گشایشی در خصوص صنعا شده و مقدمه ای برای پایان این جنگ وحشتناک باشد؟

در طول مذاکرات سوئد ما درباره پیش نویس توافقی درباره بازگشایی فرودگاه صنعا گفتگو کردیم. ما متعهد به ادامه کار با هر دو طرف برای رسیدن به توافقی در خصوص بازگشایی فرودگاه صنعا و دیگر موارد هستیم. امیدواریم که این توافق پیش از آغاز دور جدید گفتگوها که در اواخر ژانویه خواهد بود بدست بیاید.

### آیا این امکان وجود دارد که شاهد برقراری آتش بس کامل و دائمی در یمن باشیم؟

آنچه ما درباره آتش بس دائمی فکر می کنیم در حقیقت رسیدن به پایانی صلح آمیز میان طرفین درگیری و پایان جنگ است. امیدواریم که مذاکرات سوئد ما را در مسیری برای پایان دادن به این جنگ قرار دهد. آنچه ما می بینیم آن است که برای پایان جنگ ما در آغاز راه هستیم. با توجه به شرایط موجود رسیدن به آتش بس در سراسر این کشور غیر قابل



محقق موسسه مطالعات خاورمیانه آمریکا در گفتگو با مهر:

## تحولات منطقه موجب چنددستگی در شورای همکاری خلیج فارس شده است

عبدالحمیدیاتی

محقق موسسه مطالعات خاورمیانه آمریکا معتقد است که عدم شرکت امیر قطر و پادشاه عمان در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس به دلیل اختلاف نظر آنها با سیاست های عربستان سعودی بوده است. نشست شورای همکاری خلیج فارس در ریاض برگزار شد. این سی و نهمین باری است که سران کشورهای عضو این شورا گردهم می آیند اما اجلاس اخیر با سایر دوره ها یک تفاوت اساسی دارد و آن حضور نداشتن امیر قطر و پادشاه عمان در این اجلاس است.

نشست سران شورای همکاری خلیج فارس در حالی برگزار شد که روابط برخی کشورهای عربی با قطر هنوز تیره است. پادشاه عربستان در آستانه نشست شورای همکاری خلیج فارس از شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر قطر، برای حضور در نشست ریاض دعوت کرده بود، اما امیر قطر در این نشست شرکت نکرد. قطر از بیانیه پایانی نشست اخیر هم انتقاد کرد و راهکارهای مطرح در آن را به رسمیت نشناخت.

پادشاه عربستان نیز در سخنرانی افتتاحیه خود در باره بحران قطر و عدم حضور امیر قطر سخنی نگفت ولی شیخ خالد بن احمد، وزیر امور خارجه بحرین، با اشاره به عدم حضور امیر قطر گفت: «بهتر بود امیر قطر در اجلاس ریاض شرکت می کرد.»

در خصوص وضعیت موجود در شورای همکاری خلیج فارس و تاثیر اختلافات درونی بر آینده این شورا با دکتر «جیمز دورسی» به گفتگو نشستیم. دورسی محقق ارشد موسسه مطالعات خاورمیانه آمریکا و استاد مدرسه مطالعات بین المللی دانشگاه فنی نایانگ سنگاپور است. متن این گفتگو به شرح زیر است:

**|| نشست شورای همکاری خلیج فارس در ریاض برگزار شد و همانطور که مطلع هستید امیر قطر و پادشاه عمان در این اجلاس شرکت نکردند. شما خودداری این مقامات سرشناس از حضور در نشست شورای همکاری خلیج فارس را چطور ارزیابی می کنید؟**

در خصوص قطر که موضوع تقریباً روشن است و می شد حضور نیافتن امیر این کشور در نشست ریاض را پیش بینی کرد. هر چند امیر قطر به این نشست دعوت شده اما اختلافات میان دو کشور همچنان باقی است.

در مورد عمان اما موضوع پیچیده تر است. عمان با سیاست های عربستان در خصوص یمن، بحرین و قطر همراه نیست. فشارهایی بر عمان وجود دارد تا با سیاست های ریاض همراه تر باشد. این حرکت ها عمان را عصبی کرده و به نظر می رسد همین اختلاف نظرها موجب شرکت نکردن سلطان قابوس در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس شده است.

**|| پیش از آغاز اجلاس شورای همکاری خلیج فارس قطر از تصمیم خود برای خروج از اوپک خبر داده بود؛ این کار قطر ممکن است با واکنش هایی در شورای همکاری مواجه شود به نظر شما آیا احتمال خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد؟**

وضعیت اوپک با شورای همکاری خلیج فارس تفاوت دارد. اوپک سازمان کشورهای تولید کننده نفت است. بازیگران اصلی بازار نفت عربستان، روسیه و آمریکا هستند. قطر در بازار نفت بازیگر چندان مطرحی نیست و گاز نقطه قوت این کشور است. به همین دلیل خروج این کشور از اوپک تاثیر چندانی بر سیاست های این سازمان نخواهد داشت.

اما موضوع شورای همکاری خلیج فارس کاملاً متفاوت است. عربستان تلاش زیادی دارد تا تحولات خلیج فارس را به نفع خود خاتمه داده و نظم جدیدی را بوجود بیاورد. بحران قطر، بحرین و جنگ یمن مواردی هستند که موجب اختلاف نظر میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس شده اند. خروج از این شورا تبعاتی را به دنبال دارد و منطقی نیست که قطر از آن خارج شود.

**|| با توجه به آنکه شورای همکاری خلیج فارس نتوانست راه حلی را برای بحران قطر بیابد، شما آینده این سازمان را چطور ارزیابی می کنید؟**

شورای همکاری خلیج فارس یک سازمان خیلی ضعیف است و نتوانست یک راه حل برای بحران قطر بیابد. این موضوع موجب ادامه دار شدن بحران قطر شد و شورای همکاری خلیج فارس نتوانست قطعنامه ای در مورد آن داشته باشد. همانطور که «انور قرقاش» وزیر مشاور اماراتی، در اظهاراتی به صراحت اعلام کرده شورای همکاری خلیج فارس فاقد وحدت است و اختلافات عربستان با قطر همچنان ادامه دارد.

**|| در صورت خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس آیا امکان شکل گیری ائتلاف جدیدی میان قطر و ترکیه وجود دارد؟**

همین حالا هم میان قطر و ترکیه ائتلاف وجود دارد. ترکیه قصد ایجاد پایگاه نظامی در قطر را دارد. سیاست های قطر و ترکیه با یکدیگر همخوانی دارد. همانطور که اشاره کردم اختلافاتی در شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد اما فکر نمی کنم قطر قصد خروج از این سازمان را داشته باشد.

مشاور پادشاه پیشین عربستان در گفتگو با مهر:

## زیاده خواهی بن سلمان شورای همکاری را به زباله دان تاریخ می اندازد



«حسین عسکری» معتقد است که با زیاده خواهی های محمد بن سلمان شورای همکاری خلیج فارس محکوم به پیوستن به زباله دان تاریخ است.

چند روز قبل بود که سخنان «سعد الکعبی» وزیر انرژی قطر در خصوص اینکه دوحه از ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی از اوپک خارج می شود موجی از واکنشها را در محافل بین المللی به دنبال داشت.

گرچه مقامات قطری اعلام کردند که این تصمیم کاملا فنی بوده و در دائره تحلیل های سیاسی نمی گنجد اما مشخص است که خروج قطر از اوپک در سایه ادامه دار شدن بحران دوحه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از یک سو و حرف و حدیثها در خصوص احتمال خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس از سوی دیگر ثابت می کند که هدف دوحه از کنار گذاشتن این سازمانها چیز دیگری است. منابع عربی حوزه خلیج فارس در گفتگو با روزنامه الرأی کویت گزارش دادند که مقامات قطر مسأله خروج از شورای همکاری خلیج فارس و یا باقی ماندن در آن را بررسی می کنند.

در همین حین، سی و نهمین نشست شورای همکاری خلیج فارس دیروز در حالی در ریاض برگزار شد که سران قطر و عمان به عنوان ۲ عضو این شورا از مجموع ۶ عضو، در آن در سطح امیر و سلطان شرکت نکردند و بحران قطر به عنوان برجسته ترین اختلاف بین اعضای شورا، بر این نشست سایه افکنده بود. علی رغم تلاش های امارات و عربستان برای القای این مطلب که شورای همکاری خلیج فارس همچنان به قوت خود باقی است اما اختلافات بین کشورهای عضو این شورا به حدی شدت گرفته که احتمال فروپاشی این شورا را قوت بخشیده است همچنانکه قطر بارها به خروج از این شورا تهدید کرده است و علاوه بر آن عدم حضور سران شش کشور عضو این شورا در نشست های آن حاکی از عمق اختلافات در این شورا است به گونه ای که در نشست سال گذشته نیز که به میزبانی کویت برگزار شد سران عربستان، امارات و بحرین در آن شرکت نکردند.

اکنون این سوال مطرح می شود که آینده شورای همکاری خلیج فارس چگونه خواهد بود؟

جهت پاسخ به این سوال خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «حسین عسکری» استاد دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا و مشاور پیشین وزارت دارایی عربستان سعودی تنظیم نموده که در ادامه می آید.

حسین عسکری مشاور وزیر دارایی (۱۹۷۸ میلادی) و مشاور پادشاه عربستان (ملک عبدالله) بوده و از او به عنوان معمار اقتصاد عربستان نیز یاد می کنند. عسکری استاد تجارت بین الملل و امور بین المللی دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا و رئیس مؤسسه تحقیقات و مدیریت جهانی است و رئیس پیشین دپارتمان تجارت بین الملل دانشگاه جرج واشنگتن بوده است. زمینه تخصصی و بحث های او در دانشگاه جرج واشنگتن بر اقتصاد، توسعه سیاسی و انسانی در خاورمیانه، اختلافات و جنگها در خاورمیانه، اقتصاد سیاسی نفت و اقتصاد اسلامی متمرکز است.

**|| اجلاس سالانه شورای همکاری خلیج فارس در ریاض در حالی برگزار شد که امیر قطر و سلطان عمان از شرکت در آن خودداری کردند. دلایل امتناع این کشورها از شرکت در اجلاس چیست؟**

در مورد قطر، دلیل مشخص است. امیر قطر نمی توانست به راحتی در این اجلاس شرکت کند چرا که تحریم عربستان سعودی مشابه اعلامیه جنگ است. عربستان سعودی باید مذاکرات را جهت لغو تحریم ها از قبل آغاز می کرد تا قطری می توانست در نشست شورای همکاری خلیج فارس شرکت کند.

سلطان عمان تا حدی از عربستان سعودی جدا شده است. این کشور تلاش کرده واسطه ای میان قطر و عربستان باشد. سلطان با تحریم قطر و سیاست های محمد بن سلمان موافق نیست. این نشستی بود که سلطان عمان نمی توانست در آن حاضر شود.

**|| قطر از اوپک خارج شد و با توجه به برخی گزارش ها، در صدد است از شورای همکاری خلیج فارس نیز خارج شود. آیا فکر می کنید**

**قطر شورای همکاری خلیج فارس را ترک خواهد کرد؟**

نه. قطر این اقدام را انجام نخواهد داد. قطر منتظر است تا ببیند محمد بن سلمان چه اقدامی انجام خواهد داد. فشار زیادی بر روی محمد بن سلمان از طرف ایالات متحده آمریکا و اروپا وجود دارد.

امیر قطر صبر کرده تا ببیند محمد بن سلمان تحت فشارهای بین المللی و فشارهای ترکیه تسلیم شده و تحریم را لغو خواهد کرد. اگر قطر از شورای همکاری خلیج فارس خارج شود، یک بهانه و یک پاس گل رایگان به محمد بن سلمان خواهد داد.

**|| شورای همکاری خلیج فارس موفق به یافتن یک راه حل جامع داخلی برای حل بحران قطر نشد. با توجه به این شکست، آینده شورای همکاری خلیج فارس را چگونه ارزیابی می کنید؟**

شورای همکاری خلیج فارس در واقع ابزاری برای عربستان سعودی با شماری از کشورهایی که به سادگی آن را متوقف می کنند است. این شورا چیزی بیشتر از این نیست. اما اکنون به سرعت در حال تبدیل شدن به یک ابزار عربستان-امارات است.

قطر و عمان در حال خروج از آن هستند و من معتقدم که کویت ممکن است شروع به فاصله گرفتن آرام از این نهاد کند. اما با زیاده خواهی های محمد بن سلمان، این نهاد محکوم به پیوستن به زباله دان تاریخ است. محمد بن سلمان سعی خواهد کرد آن را حفظ کند تا چهره خود را نجات دهد اما شورای همکاری خلیج فارس در سراسیمی پر پیچ و خم قرار دارد.

**|| در صورت خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس، آیا احتمال وجود یک اتحاد جدید میان قطر و ترکیه وجود دارد؟**

اگر قطر از شورای همکاری خلیج فارس خارج شود، احتمال ایجاد اتحاد قوی تر قطر با ترکیه وجود دارد. قطر می تواند یک اتحاد کامل با ایران داشته باشد.

رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا در گفتگو با مهر:

# قتل خاشقجی و دشواری تصویب توافق هسته‌ای با عربستان در کنگره



«محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی در راستای سیاست خود مبنی بر حرکت به سمت هسته‌ای شدن، اخیراً در شهر «ملک عبدالعزیز» هفت پروژه استراتژیک از جمله یک راکتور هسته‌ای را مورد بهره برداری قرار داد. افتتاح اولین راکتور تحقیقاتی در عربستان سعودی توسط «محمد بن سلمان» در شرایطی اتفاق افتاد که هنوز هیچ توافقی میان واشنگتن و ریاض در خصوص ماهیت فعالیت های هسته‌ای عربستان سعودی به امضاء نرسیده است. لذا سعودیها با افتتاح این راکتور به واشنگتن این پیام را مخابره کردند که فارغ از هرگونه نتیجه‌ای که مذاکرات دو طرف بدان منجر شود، در اجرای تصمیم اتخاذ شده خود مصر هستند. این در شرایطی است که آمریکایی‌ها به شدت اصرار دارند تا عربستان سعودی تمامی تکنولوژی هسته‌ای مورد نیاز خود را از شرکت های آمریکایی تهیه کند. در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «داریل کیمبال» رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا تنظیم نموده که در ادامه می آید.

کیمبال از سال ۲۰۰۱ تا کنون مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکا است و در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط نشنال ژورنال به عنوان یکی از ۱۰ چهره تاثیرگذاری که نظریات آنها به شکل گیری سیاست های آتی در مورد آینده تسلیحات هسته‌ای کمک می کند معرفی شده است.

**|| عربستان سعودی، راکتور هسته‌ای تحقیقاتی خود را در شهر عبدالعزیز افتتاح کرد. این در حالی بود که عربستان در مورد فعالیت های هسته‌ای هنوز با ایالات متحده آمریکا به توافق نرسیده است. برخی معتقدند که این یک پیام از سوی عربستان سعودی به ایالات متحده آمریکا است مبنی بر این که فعالیت های هسته‌ای خود را حتی بدون آمریکا ادامه خواهد داد. نظر شما چیست؟**

عربستان سعودی اخیراً موافقت نامه های همکاری هسته‌ای با فرانسه، آرژانتین، کره جنوبی و قزاقستان را تصویب کرده است. برخی از این کشورها به این توافق نیاز دارند، اما از ایالات متحده آمریکا برای انتقال خدمات، فن آوری یا کمک های هسته‌ای به عربستان سعودی مجوز ندارند. عربستان سعودی در حال حاضر دارای توافق جامع پادمان با آژانس بین المللی انرژی اتمی است اما پروتکل الحاقی با آژانس را پذیرفته است. برای انجام این کار، عربستان سعودی باید مذاکرات خود را در مورد توافقنامه همکاری های هسته‌ای غیر نظامی دوجانبه با ایالات متحده آمریکا تحت شرایط قانون انرژی اتمی ایالات متحده آمریکا که کنگره می تواند آن را مسدود کند اگر با شرایط قانون مطابقت نکند، آغاز کند.

**|| عربستان سعودی اصرار دارد غنی سازی اورانیوم و باز تولید آن را خود انجام دهد در حالی که ایالات متحده آمریکا «استاندارد طلایی» را در توافق با ریاض می خواهد که شامل غنی سازی و باز فرآوری نمی شود. بر اساس قرارداد ۱۲۳ آیا ایالات متحده آمریکا در نهایت تقاضای ریاض را رد خواهد کرد؟** مذاکرات ایالات متحده و عربستان سعودی به خوبی پیش نمی رود. «ریک پری»، وزیر انرژی ایالات متحده آمریکا،

از سوی بسیاری از اعضای کنگره تحت فشار قرار گرفته تا اطمینان حاصل شود که عربستان تکنولوژی غنی سازی اورانیوم یا فن آوری جداسازی پلوتونیوم را دنبال نکند - قانونی که به «استاندارد طلایی» معروف است. با توجه به منابع ما، سعودی ها به طور جدی مخالف هر گونه محدودیت در این خطوط هستند و آنها نمی خواهند مجوز بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی را تحت شرایط پروتکل الحاقی به این سازمان دهند.

در سال گذشته چندین بیانیه نگران کننده از سوی کنگره منتشر شده است اما اخیراً منافع کشور که شامل گزارشات قانونی است توسط نماینده دمکرات معرفی می شود. لایحه قانونی «براد شرم» دولت آمریکا را ملزم می سازد تا به کنگره گزارش دهد که عربستان سعودی به «استاندارد طلایی» توافقنامه و نیز توافقنامه مربوط به بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی پایبند خواهد بود. همچنین این لایحه روند تصویب توافقنامه های همکاری های هسته‌ای غیر نظامی را تغییر خواهد داد تا تصویب توسط کنگره را دشوار کند.

علاوه بر این، برخی از اعضای کنگره خواستار لغو مذاکرات ایالات متحده و عربستان سعودی شده اند. پنج سناتور جمهوریخواه با ارسال نامه ای به رئیس جمهور ترامپ در ۳۱ اکتبر خواستار لغو مذاکرات هسته‌ای با عربستان شدند. امضاء کنندگان این نامه عبارتند از: مارکو روبیو، تاد یانگ، کوری گاردنر، رند پال و دین هلر. یک نامه مشابه توسط سناتور دمکرات «ادوارد مارکی» ارسال شد که وی در این نامه خواستار تعلیق تمام همکاریهای هسته‌ای غیر نظامی با عربستان سعودی شده و پیشنهاد لغو مذاکرات را می دهد. در هفته های اخیر با قتل «جمال خاشقجی» روزنامه نگار منتقد سعودی موافقت با انعقاد هر نوع توافق هسته‌ای با عربستان در کنگره سخت شده است - به ویژه توافقی که اجازه انتقال تکنولوژی غنی سازی حساس یا باز فرآوری را به عربستان سعودی می دهد.

**|| آیا عربستان سعودی موافقت نامه هسته‌ای با آمریکا شبیه توافق نامه ای که واشنگتن با امارات متحده عربی (توافقنامه ای شامل استانداردها طلایی) امضا کرده است را می پذیرد؟**

احتمالاً نه. طبق این توافق نامه دولت های مسئول باید متعهد شوند که غنی سازی اورانیوم و باز فرآوری پلوتونیوم را دنبال نکنند و پروتکل الحاقی را تصویب کنند، همانطور که امارات متحده عربی پذیرفته است. عربستان سعودی خواهان غنی سازی اورانیوم برای تولید برق هسته‌ای است. باید گفت که غنی سازی اورانیوم داخلی برای بهره برداری از تولید انرژی هسته‌ای ضروری نیست. پلوتونیوم برای اهداف هسته‌ای غیر نظامی مورد

نیاز نیست و برای سلاح های هسته‌ای مناسب است. ما و بسیاری دیگر از سیاستمداران و اندیشمندان، با توافقنامه همکاری هسته‌ای ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی مخالفت خواهیم کرد اگر موافقت نامه شامل «استاندارد طلایی» و برخی پادمان های اضافی منع اشاعه نباشد.

**|| آمریکا به خوبی می داند که اگر سعی در تعریف شرایط محکم و سخت در توافق احتمالی با عربستان سعودی داشته باشد، ممکن است ریاض متمایل به همکاری هسته‌ای با روسیه و چین یا کره جنوبی شود. واشنگتن چگونه این مشکل را حل خواهد کرد؟**

حتی اگر عربستان سعودی تصمیم به همکاری با یک شرکت کره جنوبی داشته باشد، هنوز هم نیاز به رضایت ایالات متحده برای انتقال فن آوری های مختلف هسته‌ای دارد. همچنین روسیه و چین ممکن است برای عربستان سعودی شرکای جذابی نباشند چرا که تکنولوژی ایالات متحده دارای ایمنی و قابلیت اطمینان بیشتری نسبت به آنچه که روسیه و چین برای صادرات فراهم کرده اند، است. دلیل دیگر این که عربستان ممکن است سیستم های روسیه را دوست نداشته باشد زیرا آنها تامین کننده اصلی راکتورهای هسته‌ای ایران هستند. علاوه بر این، گروه تامین کنندگان هسته‌ای (شامل روسیه و کره جنوبی) دارای مجموعه ای از رهنمودهای داوطلبانه است که کشور های عضو را از انتقال غنی سازی اورانیوم حساس یا تکنولوژی باز تولید پلوتونیوم به هر کشوری که در منطقه ای بحرانی واقع شده، مانند عربستان سعودی منع می کند.

**|| ایالات متحده همیشه نگرانی های خود را در رابطه با موضوع عدم گسترش سلاح های هسته‌ای ایبراز می دارد که این مهم با توافق احتمالی واشنگتن با غنی سازی عربستان سعودی متناقض خواهد بود. اگر دولت ترامپ با درخواست سعودی موافقت کند، آیا کنگره آن را تایید خواهد کرد؟**

من باور ندارم که کنگره توافقنامه همکاری هسته‌ای با عربستان سعودی را تصویب کند، اگر «استاندارد طلایی» در این موافقت نامه جایی نداشته باشد.

**|| برخی می گویند که ایالات متحده هرگز با اعطای یک امتیاز استراتژیک مانند غنی سازی به عربستان سعودی که می تواند تعادل قدرت را علیه اسرائیل تغییر دهد، موافقت نخواهد کرد. نظر شما در این مورد چیست؟**

اسرائیلی ها در مورد نگرانی های خود در رابطه با گسترش برنامه هسته‌ای عربستان سعودی بارها سخن گفته اند و نگرانی های خود را چند بار با دولت ایالات متحده مطرح کرده اند. با این حال اسرائیل درک کرده است که توانایی آن برای توقف توافق هسته‌ای عربستان با آمریکا محدود است و پارامترهای مورد نظر خود را برای یک معامله به دولت آمریکا ارائه داده است.

در حالی که بسیاری از اعضای کنگره در مورد حفظ توافق نامه ۱۲۳ که به استانداردهای عدم گسترش سلاح هسته‌ای پایبند است بسیار سخن گفته اند به مقدار کمی از توازن قدرت علیه اسرائیل به عنوان توجیه اعتقادات خود استفاده کرده اند.

معاون اسبق کاخ سفید در گفتگو با مهر:

## عربستان برخی فعالیت‌های هسته‌ای خود را پنهان می‌کند

ملیتی تبدیل کند که عربستان سعودی و دیگر کشورها می‌توانند به آن ملحق شوند. من این موضوع را در ایالات متحده نیز مطرح کرده‌ام. از آنجایی که برنامه غنی سازی ملی ما خصوصی شد و پس از آن ورشکسته شد، اکنون تنها کارخانه غنی سازی در ایالات متحده آمریکا متعلق به شرکت اورنکو Urenco است.

**|| آمریکا به خوبی می‌داند که اگر سعی در تعریف شرایط محکم و جدی در توافق احتمالی با عربستان سعودی داشته باشد، ممکن است ریاض متمایل به همکاری هسته‌ای با روسیه و چین یا کره جنوبی شود. واشنگتن چگونه این مشکل را حل خواهد کرد؟**

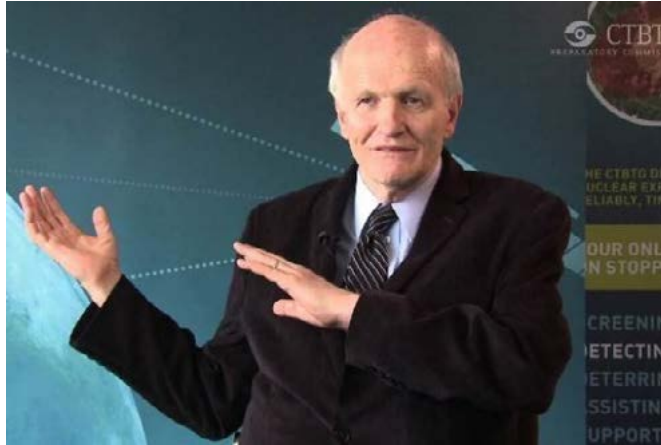
من کارشناس نیستم اما فکر نمی‌کنم که کره جنوبی بتواند نیروگاه‌های هسته‌ای خود را به عربستان سعودی بفروشد اگر عربستان سعودی قرارداد ۱۲۳ با آمریکا را امضاء نکند. این مهم به دلیل طراحی بسیاری از راکتورهای هسته‌ای کره جنوبی توسط ایالات متحده آمریکا است. ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند مانع روسیه یا چین شود - همانطور که قادر نبود روسیه را از ساخت راکتورهای بوشهر در ایران منع کند.

من شک دارم که چین یا روسیه بتوانند عربستان سعودی را با فناوری غنی سازی یا بازفرآوری تجهیز کنند، اما اگر کره شمالی بتواند از این کشورها استفاده کند، عربستان سعودی نیز احتمالاً می‌تواند استفاده کند. این یکی از دلایلی است که من از امتناع عربستان سعودی برای موافقت با پروتکل الحاقی ناراحت هستم. این مهم نشان می‌دهد که ممکن است عربستان سعی کند برخی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را پنهان کند.

**|| برخی می‌گویند که ایالات متحده هرگز با اعطای یک امتیاز استراتژیک مانند غنی سازی به عربستان سعودی که می‌تواند تعادل قدرت را علیه اسرائیل تغییر دهد، موافقت نخواهد کرد. نظر شما در این مورد چیست؟**

اسرائیل به طور آشکار علیه برنامه غنی سازی ایران مبارزه کرده است. من به این موضوع نزدیک نیستم تا از این موضوع آگاه باشم که آیا اسرائیل برای توافقنامه ۱۲۳ «استاندارد طلایی» عربستان سعودی مبارزه می‌کند یا خیر.

البته، من فکر نمی‌کنم که سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل یا ایالات متحده آمریکا توسط رهبران معقول، قابل استفاده باشند. با این حال، نگران رهبرانی هستیم که کاملاً منطقی نیستند. در ایالات متحده و روسیه، جایی که برخی از سلاح‌های هسته‌ای بر روی ماشه قرار دارند، واقعا نگرانی وجود دارد. من همچنین در مورد هشدارهای دروغین حمله‌های ناخواسته و به طور فزاینده‌ای در مورد هکرها نگران هستم.



هسته‌ای ناشی از این واقعیت باشد که برخی از فناوری‌های هسته‌ای می‌تواند استفاده دوگانه داشته باشد. این فناوری‌ها گزینه سلاح هسته‌ای را مطرح می‌کنند.

**|| عربستان سعودی اصرار دارد غنی سازی اورانیوم و بازتولید آن را خود انجام دهد در حالی که ایالات متحده آمریکا «استاندارد طلایی» را در این توافق ریاض می‌خواهد که غنی سازی و بازفرآوری را شامل نمی‌شود. بر اساس معاهده ۱۲۳ آیا ایالات متحده در نهایت تقاضای ریاض را رد خواهد کرد؟**

دولت ترامپ در این مورد تقسیم شده است. برخی افراد در وزارت امور خارجه به شدت به عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای اعتقاد دارند و از «استاندارد طلایی» [عدم غنی سازی اورانیوم و بازفرآوری] حمایت می‌کنند. برخی افراد در وزارت انرژی بیشتر نگران این موضوع هستند که آنچه از صنعت راکتور هسته‌ای ایالات متحده باقی می‌ماند، می‌تواند فرصت مالی نادر را برای فروش راکتور به عربستان سعودی فراهم کند.

اگر کسانی که علاقمند حمایت از صنعت هسته‌ای آمریکا هستند در دولت حاکم شوند من فکر می‌کنم که چالش بزرگی برای انعقاد یک توافق ۱۲۳ غیر استاندارد طلایی در مجلس نمایندگان وجود خواهد داشت - مجلسی که توسط دموکراتها در آغاز ماه ژانویه کنترل خواهد شد. اینکه آیا مجلس سنا به مجلس نمایندگان در مورد این موضوع ملحق خواهد شد یا نه را نمی‌دانم.

**|| آیا عربستان سعودی توافق هسته‌ای با آمریکا شبیه توافقی که واشنگتن با امارات متحده عربی امضا کرده است را می‌پذیرد؟** عربستان سعودی به طرق مختلف نشان می‌دهد که این نوع توافق را نمی‌خواهد. در عربستان سعودی بحث سازش مطرح است به این معنی که تا زمانی که ایران توسط برجام محدود می‌شود، عربستان سعودی موافقت می‌کند محدود شود.

عدم توانایی انجام آنچه ایران به طور طبیعی می‌تواند انجام دهد باعث ایجاد نارضایتی در عربستان سعودی می‌شود. این یکی از دلایلی است که من ترجیح می‌دهم ایران برنامه غنی سازی ملی خود را به یک برنامه چند

«فرانک فن هیپل» با بیان اینکه عربستان از پذیرش پروتکل الحاقی امتناع می‌کند، گفت: این مهم نشان می‌دهد عربستان برخی فعالیت‌های هسته‌ای خود را پنهان می‌کند.

«محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی در راستای سیاست خود مبنی بر حرکت به سمت هسته‌ای شدن، اخیراً در شهر «ملک عبدالعزیز» هفت پروژه استراتژیک از جمله یک راکتور هسته‌ای را مورد بهره‌برداری قرار داد.

افتتاح اولین راکتور تحقیقاتی در عربستان سعودی توسط «محمد بن سلمان» در شرایطی اتفاق افتاد که هنوز هیچ توافقی میان واشنگتن و ریاض در خصوص ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای عربستان سعودی

به امضاء نرسیده است. لذا سعودیها با افتتاح این راکتور به واشنگتن این پیام را مخابره کردند که فارغ از هرگونه نتیجه‌ای که مذاکرات دو طرف به آن منجر شود، در اجرای تصمیم اتخاذ شده خود مصر هستند. این در شرایطی است که آمریکایی‌ها به شدت اصرار دارند تا عربستان سعودی تمامی تکنولوژی هسته‌ای مورد نیاز خود را از شرکت‌های آمریکایی تهیه کند.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «فرانک فن هیپل» انجام داده که در ادامه آمده است.

حوزه تحقیقاتی «فن هیپل» معاون اسبق امنیت ملی کاخ سفید در زمینه علوم و فناوری شامل مواردی چون کنترل تسلیحات اتمی و منع اشاعه هسته‌ای، انرژی و توازن سیاست‌گذاری در عرصه‌های تکنولوژی است. وی، پیش از پیوستن به دانشگاه «پرینستون»، به مدت ۱۰ سال مشغول تحقیق در زمینه فیزیک نظری ذرات بنیادی بود و به طور خاص به نگارش آثاری با موضوع پایه و اساس فنی منع اشاعه هسته‌ای و راهکارهای خلع سلاح، آینده انرژی اتمی و بهینه‌سازی اقتصاد سوخت خودرو علاقه دارد. هیپل در سال ۱۹۹۳ به پاس تحقیقات ارزشمندش، موفق به دریافت فلوشیپ موسسه «مک آرتور» شد. وی که دارای مدرک دکتری از دانشگاه آکسفورد است، در حال حاضر عضو هیئت مدیره پنل بین‌المللی درباره مواد شکافت پذیر است.

**|| عربستان سعودی، راکتور هسته‌ای تحقیقاتی خود را در شهر عبدالعزیز راه اندازی کرد، در حالیکه هنوز در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا به توافق نرسیده است. برخی معتقدند که این یک پیام از سوی عربستان سعودی به ایالات متحده آمریکا است مبنی بر این که فعالیت‌های هسته‌ای خود را حتی بدون آمریکا ادامه خواهد داد. نظر شما چیست؟**

من نگران علاقه عربستان سعودی به فناوری هسته‌ای هستم. بخشی از علاقه آن ممکن است به تولید برق مربوط باشد. اما امروزه راه‌های ارزان‌تر زیادی برای انجام این کار وجود دارد - به ویژه استفاده از انرژی خورشیدی در عربستان سعودی.

من فکر می‌کنم بخشی از علاقه عربستان به قدرت



اروپا

## خرید زمان به سبک موگرینی / اروپا خود متهم است

محمد قادری

پروژه مهار ایالات متحده آمریکا در دوران پسابرجام، وظیفه ای بود که موگرینی و دیگر مقامات اروپایی نه تنها از عهده آن بر نیامدند، که به بازی خود در این پازل ادامه دادند.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنان تاکتیک خرید زمان در قبال برجام را در پیش گرفته است. این در حالی است که علاوه بر «فدریکا موگرینی»، «ژان ایو لودریان» وزیر خارجه فرانسه نیز چنین تاکتیکی را دنبال می کند.

تاخیر هدفمند مقامات اروپایی در قبال انعقاد و راه اندازی ساز و کار مالی ویژه اروپا معلول مذاکرات و لابی های پشت پرده ای است که میان تروییکای اروپایی و وزارت خارجه آمریکا صورت گرفته است.

در چنین شرایطی موگرینی از راه اندازی ساز و کار مالی ویژه اروپا در هفته های آتی خبر می دهد در حالی که وی در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۸ میلادی وعده داده بود که ساز و کار مالی ویژه اروپا در آینده ای نزدیک و قبل از پایان سال ۲۰۱۸ اجرایی خواهد شد. هم اکنون اما سال ۲۰۱۹ میلادی فرا رسیده و این موضوع همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد.

واقعیت امر این است که کارنامه تروییکای اروپایی در خصوص حفظ توافق هسته ای، کارنامه ای سیاه و مملوء از خطاهای گوناگون است. اصلی ترین خطای اروپاییان زمانی رخ داد که تروییکای اروپایی از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی بر سر آنچه اصلاح توافق هسته ای (و در حقیقت تغییر برجام) می خواند با دولت ترامپ وارد مذاکره شد. در آن زمان مقامات اروپایی با دولت ترامپ توافق کردند تا مواردی مانند توان موشکی ایران، توان منطقه



اروپایی نیز خود از اصلی ترین متهمان خروج واشنگتن از برجام محسوب می شدند، چه، پس از خروج دولت ترامپ از توافق هسته ای، مقامات اروپایی وعده حفظ برجام را دادند اما در این خصوص هیچ اقدامی صورت نپذیرفت.

کارشکنی های سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه و به طور کلی اتحادیه اروپا در این پروسه زمانی دو ساله کاملاً مشهود بوده و واقعیت امر این است که فدریکا موگرینی به عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و فراتر از آن، به عنوان مسئول کمیته بررسی برجام، نقش به سزایی در عهد شکنی های ایالات متحده در قبال توافق هسته ای داشته است.

عدم موضع گیری صریح اتحادیه اروپا و شخص موگرینی در برابر نقض عهده های آشکار واشنگتن (هم در دوران ترامپ و هم در دوران اوباما) سبب شد تا مقامات کاخ سفید در این خصوص گستاخ تر شوند.

پروژه مهار ایالات متحده آمریکا در دوران پسابرجام، وظیفه ای بود که موگرینی و دیگر مقامات اروپایی نه تنها از عهده آن بر نیامدند، که به بازی خود در این پازل ادامه دادند.

همگان به یاد دارند که در دوران ریاست جمهوری اوباما نیز اتحادیه اروپا از عهده این آزمون (مواجهه با آمریکا بر سر برجام) بر نیامد. حتی در مواردی که جمهوری اسلامی ایران نسبت به نقض برجام و ممانعت وزارت خزانه داری ایالات متحده نسبت به عادی سازی روابط بانکی با ایران اعتراض کرد، موگرینی و همراهانش نسبت به این اعتراض هیچ واکنشی نشان ندادند.

حال با توجه به آنچه گفته شد؛ موگرینی دوباره از «آینده نزدیک» سخن می گوید! سخنی که مسلماً هیچ کس آن را باور نخواهد کرد.

ای ایران، بازرسی نامحدود از اماکن نظامی ایران و اعمال تحریم های فرازمانی علیه برنامه هسته ای کشورمان را در برجام گنجانده و خواسته های کاخ سفید را در این خصوص تامین کنند.

در همین راستا و در آستانه خروج رسمی آمریکا از توافق هسته ای بود که فدریکا موگرینی در مصاحبه با شبکه پی بی اس بار دیگر لغو توافق هسته ای از طرف آمریکا را اشتباه خواند. موگرینی در این خصوص عنوان کرد: «در صورت خروج آمریکا از برجام، پیامی که برای دنیا مخابره می شود این است که واشنگتن قابل اعتماد نیست چون توافقی را رد می کند که همین کشور (آمریکا) دو سال پیش در شورای امنیت در حمایت از آن رأی داد و قطعنامه مربوط به توافق هسته ای به اتفاق آرا به تصویب رسید».

این اظهارات اما در حالی مطرح شد که مقامات

## اولین سند رسمی مدیریت مهاجرت در دنیا در معرض رأی گیری

شقایق لامع زاده

اعتراض هایی نیز در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا روبرو شد. «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا ضمن مخالفت با پیمان مهاجرتی سازمان ملل آن را با سیاست های مهاجرتی دولت خود مغایر دانست.

شروع مخالفت کشورهای اروپایی با پیمان مهاجرتی سازمان ملل با اعلام مواضع «بوکتور اوربان» نخست وزیر مجارستان بود. اوربان که سیاست های ضد مهاجرتی را دنبال می کند در واکنش به درخواست سازمان ملل مبنی بر تصویب و اجرایی شدن این پیمان تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی اعلام کرد که چنین معاهده ای را امضا نمی کند.

کشورهای مخالف پیمان مهاجرتی سازمان ملل معتقدند که این پیمان حاکمیت ملی آنها را خدشه دار می کند. در حالی که واقعیت این پیمان اینگونه نیست. مفاد مندرج در پیمان مهاجرتی سازمان ملل به هیچ وجه حاکی از زیرسوال بردن حاکمیت ملی کشورها نبوده و بیش از هر چیز دیگر روی حقوق مهاجران و وظایف کشورهای میزبان تأکید دارد. این پیمان امکان پیگیری و ارزیابی بهتر کشورها بر اساس اهداف از پیش تعیین شده آنها را فراهم می آورد.

در بخش هایی از این پیمان متذکر شده است که مهاجران و پناهجویان باید با کلمات مثبت مورد خطاب قرار گرفته و توصیف شوند، چرا که بر اساس این پیمان مهاجران می توانند برای کشور پذیرنده به عنوان «منبع رونق، نوآوری و توسعه پایدار» تبدیل شوند. آنچه که با مرور اسامی کشورهای مخالف با پیمان مهاجرتی سازمان ملل حاصل می شود این است که اغلب آنها بر اساس سیاست های ملی گرایانه، مواضع مهاجرتی دارند.



سند ۳۴ صفحه ای پیمان مهاجرتی سازمان ملل که از فردا در نشست دو روزه در مراکش مورد بررسی و رأی گیری قرار می گیرد حاوی ۲۳ هدف برای کنترل و بهبود پدیده جهانی مهاجرت است.

سند ۳۴ صفحه ای پیمان مهاجرتی سازمان ملل که از فردا در نشست دو روزه در مراکش مورد بررسی و رأی گیری قرار می گیرد حاوی ۲۳ هدف برای کنترل و بهبود پدیده جهانی مهاجرت است.

چندی پیش سازمان ملل با انتشار گزارشی درباره مهاجرت و ذکر این نکته که ۲۵۰ میلیون تن از ساکنان جهان در پی یافتن محل جدیدی برای زندگی خود هستند بر لزوم تبیین یک سیاست جامع و کلی تأکید کرد.

پذیرش و عدم پذیرش پیمان مهاجرتی سازمان ملل از سوی کشورهای مختلف بخصوص کشورهای اروپایی به موضوعی بحث برانگیز در محافل سیاسی بین الملل بدل شد. مقامات سازمان ملل و شمار زیادی از کشورها بر این باورند که این نخستین سند رسمی بین المللی است که با هدف آغاز رویکرد و چشم اندازهای جدید در قبال موضوع مهاجرت تهیه و تبیین شده است.

این سند بین المللی اگر چه به لحاظ قانونی الزام آور نیست، اما می تواند در سایه همکاری کشورها در زمینه مهاجرت، امنیت و ثبات را برای کشورها به ارمان بیاورد. پیمان مهاجرتی سازمان ملل پس از انتقادهای آمریکا که منجر به خروج این کشور از آن شد با

## سه دلیل بی توجهی ترامپ به اروپایی ها / افول جایگاه سیاسی قاره سبز



رضاعموئی

همزمان با ادامه اختلاف نظرها میان اتحادیه اروپا و آمریکا، دولت ترامپ موقعیت و جایگاه سیاسی دیپلمات‌های اروپایی شاغل در ایالات متحده را کاهش داده است.

در حالی که دیپلمات‌های خارجی در همه کشورها مراتب و موقعیت‌های مختلفی را دارا می‌باشند، به تازگی برای رهبران اروپایی مشخص شده که موقعیت دیپلمات‌های شاغل این اتحادیه در آمریکا در مقایسه با گذشته تنزل یافته است.

این خبر را به تازگی رویترز در گزارشی عنوان کرده و گفته است که رهبران اتحادیه اروپا دریافته‌اند که موقعیت دیپلمات‌های اروپایی در پروتکل‌های دیپلماتیک وزارت خارجه دولت ترامپ کاهش قابل توجهی داشته است.

این موضوع ابتدا در جریان مراسم خاکسپاری جرج بوش، رئیس‌جمهور سابق آمریکا برای رهبران اروپایی مشخص شد، چون برخلاف گذشته نام دیپلمات‌ها و سفیرای اروپایی در کنار دیگر کشورهای غربی مانند کانادا و استرالیا در ابتدای فهرست اعلام تسلیت قرار نداشت و وزارت خارجه آمریکا در اقدامی معنا دار نام دیپلمات‌های اروپایی را انتهای فهرست اعلام پیام‌های تسلیت قرار داده بود و همین موضوع تغییر موقعیت سفیرای اتحادیه اروپا را در پروتکل سیاسی وزارت خارجه نشان داد. در همان زمان دوپچه وله آلمان نیز با تأیید همین موضوع اعلام کرد پیام سفیر اتحادیه اروپا جزء آخرین پیام‌های تسلیت بود که در مراسم جرج بوش اعلام شد.

با این حال رویترز به نقل از منابع دیپلماتیک اتحادیه اروپا گفته است که وزارت خارجه آمریکا آن‌ها را در جریان این تغییر پروتکل قرار نداده است.

اما این نخستین بار نیست که دولت ترامپ بی‌علاقگی خود را به متحد قدیمی آمریکا، یعنی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد.

طی دو سالی که از عمر دولت ترامپ می‌گذرد، واشنگتن بی‌سابقه‌ترین اختلاف نظرها را با اروپایی‌ها از خود نشان داده است و اقدامات ترامپ بطور عمده با مخالفت متحدان اروپایی آمریکا روبرو شده است.

خروج آمریکا از پیمان آب و هوایی پاریس، توافق‌نامه چندجانبه برجام، پیمان تجارت آزاد دو سوی اقیانوس آرام موسوم به پیمان ترانس پاسیفیک و اخیراً نیز خروج از پیمان منع کاربرد تسلیحات هسته‌ای میانبرد همگی اقداماتی بوده است که دولت ترامپ در سیاست خارجی خود طی دو سال گذشته دنبال کرده و همواره اتحادیه اروپا مخالف سرسخت این تصمیمات ترامپ بوده است.

از سوی دیگر ترامپ آشکارا از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا استقبال کرده است و در جریان سفر سال گذشته‌اش به لندن در گفتگو با ترمزای، نخست‌وزیر انگلیس از او خواسته بود در مواجهه با بن بست موجود برای خروج از اروپا از این اتحادیه شکایت کند. این موضوع را ترزا می یک روز پس از سفر ترامپ در مصاحبه با بی بی سی تأیید کرد.

این که چرا ساز دولت ترامپ برخلاف دولت‌های پیشین آمریکا تا به این اندازه با اتحادیه اروپا ناکوک است، ناشی از چند دلیل عمده به نظر می‌رسد:

رقیب اقتصادی بالقوه: یکی از شعارهای محوری ترامپ چه در دوران قبل و چه بعد از انتخابات، شعار «اول آمریکا» بوده است. این شعار محور بسیاری از رفتارهای ترامپ چه در حوزه سیاسی و چه اقتصادی است.

ترامپ در حوزه اقتصادی با دل بستن به همین شعار به شدت نسبت به قدرت‌گیری هرگونه رقیب احتمالی برای آینده آمریکا نگران است و از همین رو طبیعی است که به اتحادیه اروپا با جمعیت ۵۰۷ میلیونی و متشکل از ۲۷ کشوری که در مجموع توانسته‌اند مقام دوم بزرگترین اقتصاد جهانی را بدست آورند، بدبین است و لذا از هیچ اقدامی برای تضعیف رقیب احتمالی خود فروگذار نیست.

به عبارت دیگر همان نگرانی که آمریکا نسبت به رشد اقتصادی چین دارد، به همان میزان نیز نسبت به اتحادیه اروپا از خود نشان می‌دهد و از آن‌جا که اتحادیه اروپا در برنامه ایده‌آلی خود برنامه تبدیل شدن به ایالت متحده اروپا را بجای اتحادیه فعلی دارد، لذا دولت به شدت راست‌گرای ترامپ بدنبال مقابله با آن و تضعیف این اتحادیه به عنوان رقیب اقتصادی بالقوه است.

تلاش برای حفظ نظام تک قطبی: در حال حاضر با

وجود آن که میان بسیاری از کارشناسان در ارتباط با شکل ساختاری نظام بین‌الملل اختلاف نظر وجود دارد اما تقریباً بسیاری از آن‌ها در این موضوع اتفاق نظر دارند که نظم تک قطبی تحت هژمونی آمریکا دچار چالش شده و ساختار بین‌المللی متمایل به ساختاری چندقطبی است. با این حال ترامپ بر مبنای همان شعار «اول آمریکا» در تلاش است تا محوریت بین‌المللی آمریکا را در نظام بین‌الملل حفظ کند. از سوی دیگر در نگاه ترامپ، توسعه و تقویت اتحادیه اروپا حتی ممکن است رهبری آمریکا را نه تنها در نظام بین‌الملل، بلکه در جهان غرب نیز با چالش روبرو سازد و براین اساس تضعیف هرچه بیشتر این اتحادیه همسو با منافع دولت فعلی واشنگتن برای حفظ جایگاه برتر است.

نگاه تجاری محور ترامپ: از سوی دیگر به اعتقاد ترامپ، آمریکا این روزها پدر عیال‌واری شده که هزینه فرزندان بزرگسال و ثروتمند خود را بی دلیل و بی جهت پرداخت می‌کند. رئیس‌جمهور جنجالی آمریکا نه بدنبال هزینه‌های بیشتر نظامی در خارج از مرزهای کشورش است و نه علاقه‌ای به پرداخت هزینه برای شرکای سنتی خود دارد.

از همین رو چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا، روابط نزدیک با اتحادیه اروپا را به منزله سوءاستفاده اروپایی‌ها برای بهره‌برداری اقتصادی از آمریکا می‌داند و در تلاش است تا هرچه بیشتر پیوندهای سنتی میان کشورهای غربی دو سوی اقیانوس اطلس را تضعیف کند.

در سیاست خارجی دولت فعلی آمریکا، اتحاد استراتژیک با سایر کشورهای خارجی از جمله متحدان قدیمی مانند اروپا چیزی جز به معنای بار مالی بیشتر برای واشنگتن نیست و از همین رو رهبران فعلی کاخ سفید ترجیح می‌دهند برخلاف دولت‌های گذشته فاصله خود را با متحدانشان افزایش دهند، تا به اعتقادشان سایر کشورها با قرار گرفتن در پشت آمریکا، از موقعیت این کشور سوءاستفاده نکنند.

براین اساس است که ترامپ برخلاف اسلاف خود از جمله اوباما و یا جرج بوش، وقتی برای روابط استراتژیک آمریکا و اروپا قائل نمی‌شود و آشکارا نیز از آن‌ها خواسته هزینه امنیت خود را از جمله در موضوع سهمیه بودجه ناتو بپردازند، تا آمریکا بیش از ناگزیر نشود برای متحدان سنتی خود هزینه کند.



گزارش تحلیلی؛

# صادرات سلاح انگلیس به عربستان / تجاوز به یمن و ترور خاشقجی نیز مانع نشد

فاطمه صالحی



انگلیس که بعد از آمریکا بزرگترین صادر کننده سلاح به ریاض به شمار می رود برای تحقق منافع مالی خود بدون در نظر گرفتن نقض حقوق بشر در عربستان صادرات سلاح به این کشور را افزایش می دهد. انگلیس که بعد از آمریکا بزرگترین صادر کننده سلاح به ریاض به شمار می رود برای تحقق منافع مالی خود بدون در نظر گرفتن نقض حقوق بشر در عربستان نه تنها صادرات به این کشور را کم نکرده بلکه بعد از پرونده ترور خاشقجی آن را افزایش داده است. روزنامه ایندپندنت در گزارشی نوشت: انگلیس در هفته های پس از ترور جمال خاشقجی همچنان به امضای قراردادهای تسلیحاتی با عربستان ادامه داد در حالی که دولت لندن ترور خاشقجی را محکوم کرده بود.

چند مقام وزارت بازرگانی انگلیس که مسئول امضای قراردادهای تسلیحاتی هستند، همچنان به نشست های عالی رتبه خود با همتایان سعودی برای امضای قراردادهای فروش تسلیحات و مهمات ادامه داده اند. در این گزارش آمده است: هیئتی از دفتر دفاعی و امنیتی که وابسته به وزارت بازرگانی و مسئول صادرات سلاح است بین روزهای ۱۴ و ۲۲ اکتبر به صورت محرمانه به ریاض پایتخت عربستان سفر کرده است. «جرمی هانت» وزیر خارجه انگلیس با کلماتی شدید اللحن در پارلمان ترور خاشقجی را محکوم کرده بود ولی دولت متبوعش با عربستان قراردادهای تسلیحاتی امضاء می کند.

هانت در پارلمان گفته بود: ما در حال بررسی نحوه واکنش نشان دادن به ترور خاشقجی هستیم. داستان های وحشتناکی که می خوانیم (ترور خاشقجی)، اگر درست باشد؛ با ارزش های ما تعارض و تضاد دارد و ما طبق ارزش هایمان برخورد خواهیم کرد.

وی هم چنین اعلام کرده بود که «لیام فاکس» وزیر بازرگانی انگلیس سفر خود به ریاض را در واکنش به ترور خاشقجی لغو کرده است ولی نشست های دوجانبه برای امضای قراردادهای تسلیحاتی برگزار شد.

ایندپندنت همچنین گزارش داد: قیل از مرگ خاشقجی نیز دولت انگلیس به علت فروش تسلیحات و مهمات به عربستان برای جنگ افروزی در یمن شدیداً مورد انتقاد بود. از زمان آغاز جنگ یمن قیمت صادرات تسلیحات ساخت انگلیس به عربستان به حدود ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون پوند (حدود ۶ میلیارد دلار) رسیده است و بدین ترتیب عربستان به بزرگترین مشتری و خریدار تسلیحات انگلیسی تبدیل شده است.

انگلیس در حالی صادرات سلاح خود را به عربستان افزایش داده که نخست وزیر ایتالیا اخیراً اعلام کرده که کشورش قصد دارد فروش اسلحه به عربستان سعودی را متوقف و موضعی رسمی در این زمینه اتخاذ کند. «جوزپه کونته» نخست وزیر ایتالیا این سخنان را در یک کنفرانس مطبوعاتی و در پاسخ به پرسشی در مورد صادرات اسلحه ایتالیا به عربستان سعودی به دنبال مشارکت این کشور در جنگ یمن و قتل «جمال خاشقجی» روزنامه نگار منتقد مطرح کرد.

وی گفت: «ما رفتارهای عربستان را طی هفته های آینده به دقت کنترل کرده و سپس تصمیم های لازم را اتخاذ خواهیم کرد.» کونته تأکید کرد که موضوع توقف فروش اسلحه به عربستان دور از ذهن نیست و این موضوع به

بریتانیا روابط نظامی خود را تنها به عربستان محصور نکرده است. انگلیس برای نخستین بار که از سال ۱۹۷۱ میلادی آب های خلیج فارس را ترک کرده با افتتاح پایگاه نظامی در بحرین در سال ۲۰۱۸ به این منطقه بازگشت و با تأسیس پایگاههای نظامی در کشورهای بحرین و عمان حضور گسترده مجدد را شروع کرده است. پس از چند ماه گفت و گو در رابطه با همکاری نظامی کویت و انگلیس، خبرهایی مبنی بر توافق دو طرف برای تأسیس یک پایگاه دریایی نظامی به منظور آموزش نظامیان کویتی منتشر شد. اما بعداً اعلام شد رایزنی ها برای چنین اقدامی در جریان است.

از جمله اهداف انگلیس برای تقویت حضور نظامی منطقه ای می توان به فروش سلاح های انگلیسی بیشتر به اعراب بدون در نظر گرفتن مبنای حقوق بشری و استفاده از این سلاح ها برای کشتار غیر نظامیان به ویژه در یمن، تأمین منافع اقتصادی در سایه خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و تلاش برای ایجاد نظم نوین منطقه ای که با مداخله بیگانگان هرگز محقق نمیشود اشاره کرد. بر اساس هدفگذاری انگلیس برای دهه آینده (۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰م) این کشور به دنبال تجارت و سرمایه گذاری به میزان ۲ تریلیون دلار در این منطقه است.

مسئله ای که باید در خصوص اهداف خروج انگلیس از اتحادیه اروپا به آن توجه داشت این است کشورهای اروپایی برای فروش اسلحه به کشورهای استبدادی و ناقضین حقوق بشر برای خود قوانین و هنجارهایی ایجاد کرده اند به عنوان مثال آلمان در فروش سلاح به عربستان با احتیاط بیشتری عمل می کند یا قطعات با کاربردهای دو گانه را به راحتی در اختیار دیگران قرار نمی دهد. بنابراین انگلیس برای رها شدن از اینگونه قوانین دست و پا گیر برای خروج از اتحادیه اروپا تلاش می کند تا یکی از مهم ترین منافع خود یعنی افزایش صادرات سلاح به کشورهای عربی منطقه خاورمیانه را تحقق بخشد.

در هر حال باید گفت که انگلیس کسب درآمدهای حاصل از افزایش صادرات سلاح به کشورهای ناقض حقوق بشر و به ویژه عربستان را در رأس اولویت های خود قرار داده و هیچ مسأله ای حتی سنگین تر شدن پرونده سیاه ریاض در زمینه تجاوز به حقوق دیگر ملتها مانند تجاوز به یمن و یا ترور شخصیت های مخالف نظام مانند جمال خاشقجی نمی تواند خللی در این روند ایجاد کند.

اتخاذ یک موضع رسمی و ارزیابی نتایج و تصمیم گیری بر اساس آن نیاز دارد. وزارت خارجه ایتالیا در اکتبر گذشته اعلام کرد که گزینه توقف فروش سلاح به عربستان به دنبال قتل خاشقجی را بررسی می کند. ایتالیا در سال ۱۹۹۰ میلادی قانون منع صادرات سلاح به کشورهای درگیر جنگ که حقوق بشر را نقض کنند، تصویب کرد. دولت انگلیس از ده سال پیش تاکنون ۱۲ میلیارد پوند سلاح به کشورهای فروخته است که نگرانی هایی جدی در خصوص اوضاع حقوق بشر در آنها وجود دارد. روزنامه گاردین در این خصوص نوشت: آمارها نشان می دهد حدود یک سوم از تسلیحاتی که انگلیس در ده سال گذشته مجوز صادرات آنها را داده است به کشورهای فروخته شده اند که از نظر خود دولت انگلیس دارای بدترین کارنامه حقوق بشری هستند. بررسی های سازمان «قدم علیه خشونت های مسلحانه» نشان می دهد انگلیس در فاصله سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ میلادی، قراردادهای تسلیحاتی به ارزش حدود ۳۹ میلیارد پوند را تصویب کرده است که دوازده میلیارد پوند از این جنگ افزارها به کشورهای فرستاده شده اند که در فهرست «کشورهای اولویت دار» وزارت امور خارجه انگلیس (از نظر اوضاع بد حقوق بشر) قرار دارند.

«پوش مبارزه با رقابت تسلیحاتی» با استفاده از داده های مربوط به کنترل صادرات در وزارت تجارت بین الملل انگلیس، آمارهایی گردآوری کرده است که تحلیل آنها نشان می دهد این کشور به شکل فزاینده ای فروش تسلیحات به کشورهای تحت نظر (به لحاظ نقض حقوق بشر) را تصویب کرده است. بر اساس آمار منتشر شده در این خصوص، در سال ۲۰۱۷، ۸۵۵ مجوز (صادرات اقلام) نظامی به عربستان به ارزش یک میلیارد و سیصد میلیون پوند تصویب شد؛ در حالیکه تعداد مجوزهای مشابه در سال ۲۰۱۶ میلادی، ۳۳۱ مورد به ارزش ۶۸۰ میلیون پوند بود.

انگلیس پس از آمریکا بزرگترین فروشنده سلاح به عربستان است و ارزش صادرات نظامی آن (به عربستان) در طول یک دهه گذشته به ده میلیارد و سیصد میلیون پوند می رسد. این در حالی است استفاده عربستان از تسلیحات انگلیس برای مبارزان یمن همواره محکوم شده است. نهادهای سازمان ملل می گویند ائتلاف سعودی در یمن معیارهای انسانی بین الملل را با اقدامات مختلف نظیر حملات گسترده و نظام یافته به اهداف غیرنظامی نقض کرده است.

## راهبرد بریتانیا در ایندوپاسیفیک: فتح جهان از عرشه کشتی

مریم خرماتی



بریتانیای پسابرگزیت به دنبال راهبردی که قدرت این کشور در عرصه جهانی را احیاء کند؛ از پهنه آبی ایندوپاسیفیک به عنوان پنجره‌ای برای ورود به معادلات بین‌الملل، سود خواهد برد.

دامنه تعامل بریتانیا با منطقه آسیای جنوب شرقی از حوزه امنیتی- نظامی تا اقتصادی- آموزشی کشیده می‌شود و آن گونه که پیش‌بینی می‌شود این مسئله در دنیای پسابرگزیت شدت بیشتری به خود خواهد گرفت. حضور بریتانیا در معاهده (FPDA) به عنوان تنها پیمان امنیتی جنوب شرق آسیا، پایبندی به استقرار و حفظ بخشی از سخت‌افزارهای نظامی بریتانیا در منطقه برای مشارکت در رزمایش‌های مشترک با کشورهای طرف معاهده، حضور دوره‌ای ناوهای انگلیسی در منطقه و این حقیقت که رؤسای ارتش سنگاپور، مالزی، تایلند و برونی در بریتانیا تحصیل کرده‌اند؛ نشان از عمق رابطه لندن با کشورهای آسیای جنوب شرقی دارد. کمک بریتانیا در راستای مبارزه با تروریسم و حملات سایبری، اینکه سنگاپور به تنهایی ۵ هزار شرکت بریتانیایی را در خود جای داده است، برنامه چند میلیون پوندی لندن برای ایجاد اصلاحات اقتصادی در تایلند، فیلیپین، مالزی، ویتنام، اندونزی و میانمار، سرمایه‌گذاری بریتانیا در بخش تامین امنیت انرژی منطقه و در نهایت سرمایه‌گذاری در بخش آموزش کشورهای آسیای جنوب شرقی، نشانه جایگاه رفیع بریتانیا در این بخش از جهان است.

اما با خروج از اتحادیه اروپا، لندن رویایی به مراتب بزرگ‌تر از همپیمانی ساده با کشورهای آسیای جنوب شرقی در سر می‌پروراند و به گونه‌ای مستقل، به دنبال راهبردی است که قدرت بریتانیا در عرصه جهانی را احیا کند.

بنابراین، بریتانیای پسابرگزیت برای تحقق رویای خود به دنبال جولان‌گاهی به مراتب وسیع‌تر از منطقه آسیای جنوب شرقی است که پهنه آبی ۲ اقیانوس را پوشش می‌دهد و با ضرب کلمه «ایندوپاسیفیک» واژه‌ای جدید به دایره‌المعارف سیاسی جهان می‌افزاید.

پیشتر، در ترسیم دورنمایی از آینده تجاری- ژئوپولیتیک جهانی به سیاست «چرخش به پاسیفیک» آمریکا استناد می‌شد که در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما (۲۰۰۸-۲۰۱۶)، جریان قدرت در عرصه بین‌الملل را به سمت توازن قوا در سطح آسیا سوق می‌داد. اما، دونالد ترامپ رئیس جمهوری فعلی آمریکا در سفری که در نوامبر ۲۰۱۷ به هند داشت؛ برای نخستین بار به جای تک‌واژه «پاسیفیک» از واژه ترکیبی «ایندو-پاسیفیک» استفاده کرد.

در بریتانیا نیز زمزمه «چرخش به ایندوپاسیفیک» از همان اوایل سال ۲۰۱۷ شنیده شد تا آنجا که بوریس جانسون وزیر خارجه سابق این کشور در سفری که در جولای همان سال به استرالیا داشت، گفت: برای استحکام رابطه، هیچ جا بهتر از اینجا

یعنی ایندوپاسیفیک نیست؛ منطقه‌ای که به لحاظ اقتصادی در جایگاه سوم جهانی ایستاده و دو سوم جمعیت دنیا را در خود جای داده است.

در جولای ۲۰۱۸، «گاوین ویلیامسون» وزیر دفاع بریتانیا از اتخاذ رویکردی چندجانبه و راهبردی در اقیانوس هند خبر داد تا مقدمه‌ای باشد بر توافق به رسمیت شناختن ایندوپاسیفیک که همزمان با سفر ترزا می نخست وزیر بریتانیا به دهلی در ۱۸ آوریل ۲۰۱۸، میان وی و «نانندرا مودی» همتای هندی حاصل شد. در این تاریخ برای نخستین بار، طرفین رسماً در بیانیه‌ای مشترک به جای واژه اقیانوس هند از «ایندوپاسیفیک» استفاده کردند.

به این ترتیب علاوه بر پاسیفیک، اقیانوس هند در مقایسه با گذشته بار معنایی سنگین‌تری را در معادلات بین‌المللی به خود اختصاص می‌دهد. این پهنه آبی ۶۳ بندر را در خود جای داده که با دسترسی به ۳ تنگه شامل هرمز (از مجرای دریای مکران)، تنگه مالاکا (نقطه اتصال دریای اندامان در اقیانوس هند به دریای چین جنوبی در اقیانوس آرام) و تنگه باب‌المندب (که اقیانوس هند را از راه دریای سرخ به کانال سوئز و دریای مدیترانه متصل می‌کند)؛ نزدیک به ۸۰ درصد از ترانزیت نفت جهان را از خود عبور می‌دهد.

همچنین اقیانوس هند مشرف به اغلب کانون‌های درگیری جهان از جمله فلسطین، یمن، عراق و افغانستان است.

به این ترتیب، با توجه به موقعیت راهبردی که اقیانوس هند در آینده تجاری-امنیتی (انرژی) جهان ایفا می‌کند؛ شاهد حاکمیت استراتژی ماهان (Mahanian strategy) بر رویکرد قدرتهای جهانی بوده‌ایم- استراتژی که در صورت وقوع جنگ، کنترل بر دریا را لازمه کنترل تجارت و دیگر منابع ضروری تلقی می‌کند. اصلی‌ترین دلیل تحول به وجود آمده در عرصه ایندوپاسیفیک، اصرار

پکن به گسترش دامنه نفوذ نیروی دریایی خود در اقیانوس هند و فراتر از آن، مدیترانه است که این کار را با توسعه توانمندی‌های خود در گستره آب‌های عمیق و تقویت راهبردی بنادر انجام می‌دهد تا در نهایت کنترل بر راه‌های تجاری و خطوط انرژی را که از خاورمیانه نشات می‌گیرد، تضمین کند. در این میان، بریتانیا نیز که با خروج از اتحادیه اروپا، به گونه‌ای مستقل، راهبرد احیاء قدرت در عرصه جهانی را پیش گرفته، به عنوان بخشی از اتحاد امنیتی آمریکا-بریتانیا و به بهانه حمایت از نظم قانون‌محوری که فراگیر حال همه باشد پا به عرصه ایندوپاسیفیک گذاشته است. اعزام ۳ ناو در طول سال گذشته با هدف رصد اجرای تحریم‌های کره شمالی و حمایت از حق کشتیرانی در آب‌های آزاد، افشاگر نقشی است که نیروی دریایی بریتانیا در راهبرد بریتانیای جهانی ایفا می‌کند.

اینکه بریتانیا برای حفظ جزایر «چائوس» در قلب اقیانوس هند به تهدید جمهوری کوچک موریس روی آورده، حاکی از اهمیت منطقه و عزم لندن برای حفظ جایگاه راهبردی خود در آن است. چائوس در حال حاضر میزبان پایگاه نظامی «دیه‌گو گارسیا» آمریکا است و بریتانیا زمانی مدعی بود هرگاه این جزیره دیگر کاربرد نظامی نداشته باشد؛ آن را به موریس باز خواهد گرداند. وعده‌ای که با توجه به رویکرد چرخش به ایندوپاسیفیک حتی‌الامکان به تعویق خواهد افتاد.

از جمله اقدامات اخیر بریتانیا که در راستای سهم‌خواهی در عرصه ایندوپاسیفیک انجام می‌شود، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

\* در ماه میلادی آگوست، منابع آگاه از تصمیم بریتانیا، استرالیا، فرانسه و آمریکا برای افتتاح سفارت‌خانه‌های جدید در منطقه پاسیفیک خبر داد که این به منزله افزایش شمار دیپلمات‌های کشورهای یادشده و تعامل هرچه بیشتر با سران

چین به فکر بسط دامنه نفوذ خود باشد؛ بریتانیا از حمایت ائتلاف هند-ژاپن-استرالیا-آمریکا ابایی نخواهد داشت. حتی انتظار می‌رود ائتلاف سه‌گانه‌ای میان بریتانیا-استرالیا-فرانسه تشکیل شود. حال آنکه ائتلاف پنج‌گانه FPDA نیز میان بریتانیا، نیوزیلند، استرالیا، سنگاپور و مالزی نیز برقرار است. پس راهبرد نهایی مبتنی بر مهار چین از راه تعامل و درعین‌حال، حفظ اتحاد با دوستان است.

اما بازگشت بریتانیا به «شرق کانال سوئز» قطعاً با دشواری‌هایی همراه خواهد بود. بریتانیا حدود ۵۰ سال پیش، همزمان با افول امپراتوری خود و استقلال مستعمراتی نظیر سنگاپور و هند، تصمیمی تاریخی مبنی بر خروج از آسیای شرقی و خلیج فارس اتخاذ کرد. اما در سال ۲۰۱۳، اندیشکده «نیروهای یکپارچه سلطنتی انگلیس» (RUSI) در گزارشی از بازگشت دوباره این کشور به شرق کانال سوئز خبر داد. در واقع، بازگشت به «شرق کانال سوئز» رویکردی نظامی مبنی بر بسط قدرت بریتانیا از قاره اروپا به خاور دور و خلیج فارس است و از نشانه‌های تاسی به آن می‌توان به بازگشایی پایگاه دریایی بحرین و ایجاد پایگاه نظامی عمان اشاره کرد.

اینکه بریتانیای پسارگزیت برای خود ۲ اولویت مبنی بر التزام به تامین امنیت اروپا و همچنین بسط قدرت به فراسوی اروپا را در نظر گرفته با چالش‌هایی مواجه است که نخستین مورد آن ناشی از ابعاد جغرافیایی بریتانیا و کمبود نیروی انسانی است چراکه تنها یک قدرت برتر از توانایی حضور همزمان در چند منطقه جهانی برخوردار است. از سوی دیگر، تشدید تنش‌ها با مسکو مانع از آن خواهد شد که بریتانیا نیروی زمینی خود را به شرق کانال سوئز اعزام کند چراکه علیرغم خروج از اتحادیه اروپا، حفظ امنیت قاره سبز همچنان در اولویت لندن قرار دارد حال آنکه همزمان، افزایش نیرو در افغانستان نیز مانع از تحقق این بلندپروازی می‌شود. با این حساب، تنها راه بسط قدرت در شرق کانال سوئز از طریق نیروی دریایی است - طرحی که مورد حمایت گاوین ویلیامسون وزیر دفاع بریتانیا نیز هست و فرضیه اعزام ناوگان کوئین الیزابت به ایندوپاسیفیک در دهه ۲۰۲۰ نیز از همینجا ناشی می‌شود. این درحالی است که بریتانیا به دلیل کاستی نیروی انسانی و همچنین نیاز به نگهداری و تعمیر نمی‌تواند همزمان ۲ ناو هواپیمابر این ناوگان را در محدوده ایندوپاسیفیک نگه دارد مگر اینکه از کشتی‌های امداد رسان متحدین خود کمک بگیرد.

به این ترتیب، نقصان در میزان تعهدپذیری بریتانیا در قبال اروپا، بزرگترین چالشی است که بریتانیا برای صرف هزینه و نیرو در شرق کانال سوئز با آن مواجه خواهد شد.

با این همه، در سند وزارت خارجه بریتانیا مورخ مارس ۲۰۱۸ پیرامون راهبرد بریتانیای جهانی تنظیم شده است، از آمریکا، اروپا و ایندوپاسیفیک به عنوان ۳ مرکز اصلی اقتصاد جهانی و تاثیرگذاری سیاسی برای بریتانیای پسارگزیت یاد شده و لندن باید در ادامه مسیر خود، چالش اولویت‌بندی با توجه به مسائل جاری در هر منطقه را بپذیرد.

رزمایش پرداختند. این اولین بار بود که نیروی خارجی دیگری غیر از آمریکا در خاک ژاپن حضور می‌یافت. این مانور یک سال بعد از سفر ترزا می نخست‌وزیر و حدود ۲ هفته بعد از سفر جرمی هانت وزیر خارجه بریتانیا به ژاپن انجام و هدف از آن همکاری راهبردی در پهنه آسیا-پاسیفیک در راستای مهار چین و رویارویی با تهدیدهای کره شمالی عنوان شد.

اما بریتانیا در مطالبه سهمی که به ازای مشارکت در مهار چین می‌خواهد، جانب احتیاط را رعایت کرده و همزمان، راه تعامل با چین را هم می‌پیماید. به عنوان مثال، چندی پیش، «ایان لوی» (Ian Levy) رئیس مرکز امنیت سایبری ستاد ارتباطات دولت بریتانیا (GCHQ) در اظهاراتی نادر، از متحدین لندن خواست تا درباب امنیت سایبری با چین نیز تعامل و همکاری داشته باشند. وی دلیل این تغییر رویکرد آشکار را سرعت نفوذ آنلاین و توسعه فناوری چین عنوان کرد.

این درحالی است که بریتانیا مایل به همکاری با

آنها در راستای مهار قدرت‌یابی چین است. گفتنی است رای هریک از این کشورهای کوچک کم‌جمعیت به منزله وزنه‌های سیاسی در سازمان ملل محسوب می‌شود حال آنکه کنترل بخش عظیمی از اقیانوس را نیز به دست دارند.

\* در ماه میلادی سپتامبر، ناو «آلبیون» بریتانیا با نزدیک شدن به جزیره «شیشا» (Xisha) در دریای چین جنوبی، خط قرمز پکن را شکست. این درحالی است که «سر فیلیپ جونز» مقام ارشد نیروی دریایی بریتانیا می‌گوید این کشور موظف به حمایت نظامی از متحدین خود در منطقه دریای چین جنوبی است - اظهارنظری که نشان از کشتیرانی مجدد بریتانیا در حوالی جزایر مصنوعی چین در منطقه مورد مناقشه دارد.

\* در همین ماه (سپتامبر)، بزرگترین رزم‌ناو ژاپن که «کاگا» نام دارد و یک ناو بالگرد است با پیوستن به ناو «چاماس آرگیل» انگلیس که در اقیانوس هند به سر می‌برد؛ به رزمایشی ملحق شد که در منطقه مورد



CGN بزرگترین شرکت هسته‌ای چین، در حوزه ساخت تعدادی نیروگاه برق جدید نیز هست حال آنکه آمریکا مدعی است این شرکت چینی با هدف استفاده از فناوری هسته‌ای غیرنظامی برای مقاصد نظامی، به سرقت اطلاعات از شرکای خود می‌پردازد.

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر شاهد همکاری میان نیروهای دریایی بریتانیا و چین بوده‌ایم که از آن میان می‌توان به سفر دو ناوچه چینی به بریتانیا و پهلو گرفتن آنها در بندر لندن در اکتبر سال میلادی ۲۰۱۷ اشاره کرد. مبارزه با دزدان دریایی و مواجهه با بلایای طبیعی از دیگر حوزه‌های همکاری بریتانیا و چین می‌تواند باشد.

پس راهبرد بریتانیا در ایندوپاسیفیک حفظ همکاری نزدیک با نیروی دریایی همه کشورهای حاضر در صحنه است که میزان این همکاری با توجه به منافع لندن تغییر می‌کند. اما چنانچه

مناقشه دریای چین جنوبی در جریان بود. این درحالی است که در ماه میلادی سپتامبر، بریتانیا برای حضور در ائتلافی متشکل از ۷ کشور دیگر شامل آمریکا، استرالیا، بریتانیا، کانادا، نیوزیلند، فرانسه، کره جنوبی و ژاپن هم اعلام آمادگی کرد. هدف این ائتلاف شناسایی کشتی‌هایی است که تحریم‌های سازمان ملل در رابطه با کره شمالی را نقض می‌کنند.

\* مجدداً در همان ماه (سپتامبر)، بریتانیا از قصد خود برای ارسال نخستین ماهواره راداری تمام بومی به مدار زمین با استفاده از یک موشک هندی خبر داد. این ماهواره راداری که نوواسار (NovaSAR) نام دارد؛ قادر به ایفای نقش‌های متعددی است اما اصلی‌ترین نقش آن رصد فعالیت‌های مشکوک کشتیرانی در بستر وسیعی از اقیانوس عنوان می‌شود.

\* در ماه میلادی اکتبر، نیروهای بریتانیایی برای نخستین بار در طول تاریخ، در خاک ژاپن به انجام

استاد دانشگاه جورج تاون امریکا:

## ایران روی تضمین‌های موگرینی بیش از اندازه حساب باز کرده است

و اتحادیه اروپا با شکست مواجه شود، سرنوشت توافق هسته ای ایران (برجام) چه خواهد بود؟

اگر ایران متقاعد شود که اروپا نمی تواند بخشی از تعهدات خود را تحت برجام انجام دهد، با یک معمای جدی مواجه خواهد شد.

در حال حاضر، دولت ترامپ یک عضو از شورای امنیت ملی (ریچارد گلدبرگ) را برای نظارت بر مسئله سلاح های کشتار جمعی ایران منصوب کرده است.

**|| ایران همچنین اعلام کرده است که فقط بر مکانسیم مالی با اتحادیه اروپا تمرکز ندارد. تهران معتقد است که علاوه بر اروپا، قادر به ادامه تجارت با کشورهای دیگر، از جمله روسیه، چین و هند خواهد بود. آیا همکاری اقتصادی و مالی ایران با کشورهای غیر اروپایی اهداف تهران از برجام را محقق می سازد؟**

هر سه کشور با ایران تجارت خواهند کرد فقط تا زمانی که منافع آنها تهدید نشود. به طور خاص، چین در حال حاضر تا حدودی کاهش رشد اقتصادی را به دلیل اختلافات تجاری خود با آمریکا تجربه کرده است.

بعید است که چین روابط خود را با ایالات متحده آمریکا بیشتر به خطر اندازد. شرایط اقتصادی روسیه کاملاً بی ثبات است. هند نیز تا زمانی با ایران تجارت خواهد کرد که آمریکا از برخی شرایط تحریم های ایران برای دهلی چشم پوشی کند.

در شرایط کنونی همسایگان و رقبای ایران سعی خواهند کرد آن را با شرکای تجاری اش جایگزین کنند. علاوه بر این، سه کشوری که ایران امیدوار است به آن کمک کنند، دارای منافع منطقه ای متفاوت هستند.

مثلاً هند و چین رقبای اقتصادی و سیاسی در آسیای جنوبی و آسیای مرکزی هستند. چگونگی راضی کردن این دو کشور توسط ایران مشکل است.



از همان ابتدا واضح بود که ایجاد یک کانال ویژه و جداگانه برای معاملات تجاری بین ایران و اروپا آسان نخواهد بود. مخالفت ایالات متحده آمریکا دلیل عمده است. به طور کلی، دور زدن کانال های جهانی مبادلات تجاری و مالی مستقر حتی با بهترین نیت ها آسان نیست.

در ضمن، همه اعضای اتحادیه اروپا از این اقدامات حمایت نمی کنند. بسیاری از آنها بر این باورند که فشار بر ایران منجر به نتیجه مطلوب در مناطق دیگر می شود که فراتر از برجام است، هر چند هنوز به این موافقت نامه پایبند هستند.

ایران بر تضمین های فدیریکا موگرینی بیش از حد متکی است، اما باید گفت که نفوذ او محدود می شود.

**|| بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اخیراً اظهار داشت که کشورهای اروپایی به علت فشار ایالات متحده آمریکا قادر به اجرای SPV نیستند. از سوی دیگر، شکست اجرای SPV و شکست مکانسیم مالی بین ایران و اتحادیه اروپا ممکن است منجر به نتایج نامناسب در روابط ایران و اتحادیه اروپا شود. اگر مکانسیم مالی ایران**

«شیرین هانتر» معتقد است که ایران روی تضمین های موگرینی بیش از حد حساب باز کرده و این در حالی است که نفوذ او محدود است.

فدیریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، چند هفته پیش اعلام کرده بود که قبل از پایان سال ۲۰۱۸، سازوکار ویژه اتحادیه اروپا برای تسهیل دادوستد با ایران اجرایی خواهد شد.

دسامبر تمام شد و سال نو فرا رسید، اما سازوکار ویژه اروپا برای جبران خسارت های خروج یکجانبه آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) همچنان در حاله ای از ابهام قرار دارد. از زمان اعلام آن طی جلسه ای در نیویورک در اواخر سپتامبر ۲۰۱۸، SPV فرار و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشت. موانع متعددی، از تهدیدات آمریکا گرفته تا عدم تمایل کشورهای اروپایی به میزبانی از آن، سر راه SPV قرار گرفته و اجرایی شدن آن را به تاخیر انداخته است.

از سوی دیگر، مقامات ایران به طور فزاینده ای بی عملی اتحادیه اروپا انتقاد می کنند. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، به اروپا گفته که نمی تواند بدون خیس شدن شنا کند، یعنی اروپا برای جبران خسارت خروج کاخ سفید از برجام، باید هزینه پردازد.

پیمان سعادت، سفیر ایران در اتحادیه اروپا، هم همین هشدار را طی یادداشتی در وبگاه یورونیوز تکرار کرده و گفته اروپا باید از بیانیه های سیاسی فراتر رود و اقدامات عملی انجام دهد. در غیر این صورت، صبر ایران بی نهایت نخواهد بود.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «شیرین هانتر»، استاد دانشگاه «جورج تاون» آمریکا داشته است که در ادامه می آید.

**|| با توجه به اینکه آمریکا مخالف مکانسیم مالی بین اروپا و ایران است و کشورهای اروپایی را جهت جلوگیری از اجرای کانال مالی تحت عنوان SPV با ایران تحت فشار قرار می دهد، آیا مکانسیم مالی (SPV) بین ایران و اروپا اجرایی می شود؟**

با هدف دور زدن تحریم های آمریکا؛

## فرانسه برای میزبانی از مکانسیم مالی اروپا و ایران آمادگی دارد

لازم به ذکر است، «ماجا کاسیانچیک» سخنگوی «فدیریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ۱۸ دی ماه سال جاری میلادی اعلام کرد که این اتحادیه همچنان مشغول تلاش در راستای ایجاد مکانسیم پرداختی است که فرایند تجارت با ایران را علیرغم تحریم های آمریکا تسهیل کند کاسیانچیک حتی از این نیز پیشتر رفت و گفت بر این باور است که این مکانسیم ظرف هفته های پیش رو در راستای تقویت تجارت مشروع با ایران، راه اندازی خواهد شد.

به گفته وی، مادامی که ایران به تعهدات هسته ای خود پایبند باشد، این بخشی از تلاش گسترده اتحادیه اروپا برای حفظ برجام خواهد بود.

گفتنی است به دنبال خروج یکجانبه آمریکا از برجام در ماه می سال میلادی گذشته، اتحادیه اروپا در راستای برخورداری ایران از مزایای اقتصادی توافق هسته ای سال ۲۰۱۵ موسوم به «برجام»، برای ایجاد چنین ساز و کاری قول مساعد داده بود.



منبع آگاه در بروکسل اعلام کرد: فرانسه برای میزبانی از مکانسیم مالی اروپا و ایران با هدف دور زدن تحریم های آمریکا آمادگی دارد. فرانسه احتمالاً درصدد است تا یک نهاد حقوقی را در راستای مکانسیم مالی ویژه به منظور دور زدن تحریم های آمریکا علیه ایران ایجاد کند.

یک منبع آگاه در بروکسل در این باره اعلام کرد: تا آنجا که اطلاع دارم، یک نهاد حقوقی به منظور میزبانی از مکانسیم مالی اروپا و ایران موسوم به «SPV» ایجاد خواهد شد.

این منبع آگاه در این باره گفت: این نهاد حقوقی در فرانسه تا پیش از پایان ماه میلادی جاری به ثبت خواهد رسید.

این درحالی است که چند روز قبل هم خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال خبر مشابهی را در این باره اطلاع رسانی کرده بود.

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا:

## ناراحتی اروپا از ترامپ می تواند اوضاع را تغییر بدهد

عبدالحمیدیاتی

جمهور آمریکا، و آنچه که وی انجام می دهد ممکن است موجب تغییر اوضاع شود. ولی در هر صورت شرکت های بزرگ اروپایی از ترس از دست دادن بازار آمریکا ریسک نخواهند کرد.

**|| بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه ایران، اخیراً اعلام کرده که کشورهای اروپایی به دلیل فشارهای آمریکا قادر به اجرای SPV نیستند و شکست در استفاده از کانال مالی میان ایران و اروپا ممکن است منجر به نتایج نامناسبی در روابط آنها شود. به نظر شما اگر مکانیسم مالی ایران و اروپا شکست بخورد چه آینده ای در انتظار برجام خواهد بود؟**

این بستگی به ایران دارد. اگر ایران به حضور در برجام پایان دهد موجب خواهد شد تا اروپایی ها به آغوش آمریکا رفته و بدین ترتیب احتمال حمله نظامی آمریکا و یا اسرائیل افزایش می یابد. البته باید توجه داشت این امریکا بوده که با خروج از برجام آنرا نقض کرده است و ایران به تعهدات خود ذیل برجام عمل کرده است.

**|| ایران همواره اعلام کرده که صرفاً بر مکانیسم مالی اروپا تمرکز نکرده و علاوه بر اروپا قادر است تجارت خود با سایر کشورها از جمله روسیه، چین و هند را ادامه بدهد. آیا همکاری های اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای غیر اروپایی منافع ایران را در برجام تامین می کند؟**

این موضوع اهداف ایران را که شامل دسترسی به فناوری و سرمایه گذاری های آمریکا و اروپاست را برآورده نمی کند اما ممکن است به این امر کمک کند که ایران به عضویت «بلوک شرقی» که یک بلوک حمایتی و مفید است، در آمده و آن را تقویت کند.



در ادامه آمده است.

پروفیسور سرور مشاور اسبق کاخ سفید بود. وی از معروف ترین کارشناسان حاضر در مبحث مدیریت جنگ و از کارشناسان ارشد موسسه «روابط دو سوی ائتلاف» و از اساتید دانشگاه «جان هاپکینز» است که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و کروات های یوگسلاوی سابق فعالیت کرده است.

**|| با توجه به مخالفت آمریکا با مکانیسم مالی اروپا با ایران (SPV) و فشار واشنگتن بر کشورهای اروپایی برای خودداری از اجرای کانال مالی با ایران آیا امکان اجرایی شدن SPV میان ایران و اروپا وجود دارد؟**

واقعا نمی دانم چه اتفاقی می افتد. به دلیل افزایش فشارها بر ایران نمی توان به اروپا برای حفظ برجام امید داشت؛ هر چند آنها می خواهند برجام را حفظ کنند. تجربیات گذشته می گویند که اروپا تسلیم آمریکا می شود اما اختلافات و ناراحتی آنها از «دونالد ترامپ» رئیس

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا معتقد است که روابط ایران با کشورهای چین، روسیه، هند و چین موجب تقویت بلوک شرق شده و عصبانیت اروپاییها از ترامپ می تواند به دنباله روی آنها از آمریکا پایان بدهد.

بدعهدی های اروپا در قبال ایران در خصوص تامین منافع ایران از برجام با خروج آمریکا از این توافق موجب واکنش شدید ایران شده است.

اتحادیه اروپا قرار بود تا قبل از آغاز سال ۲۰۱۹ ساز و کار مالی ویژه خود برای تداوم روابط تجاری با ایران را اجرایی کند اما تا این لحظه این اقدام انجام نشده است. در همین رابطه «بهرام قاسمی» سخنگوی وزارت خارجه ایران در واکنش به بدقولی طرف اروپایی گفت: اگر چه هنوز امیدواریم اروپا به تعهدات خود عمل کند، تهران گزینه های دیگری را بدون آنکه بر روی آنها تبلیغ کند با کشورهای مختلف از جمله چین، روسیه، هند و ترکیه دنبال کرده است. ایران الزاماً از یک کانال و ساز و کار پیروی نکرده و اقدام های مختلفی انجام داده و خوشبختانه ما در شرایط مطلوبی قرار داریم.

وی ادامه داد: امیدواریم اروپا به رغم اینکه نتوانسته در موعد مقرر بسته خود یا همان کانال ویژه مالی را رسماً اعلام نماید، بتواند همچنان در این مسیر حرکت و به تعهدات خود عمل کند. مقامات ایران در حوزه های سیاست و اقتصاد اهل گفت و گو و مذاکره است اما به هیچ فرمول مشخصی دل نبسته و سرنوشت کشور را با تجربه چهل ساله انقلاب به این مسائل گره نمی زند. قاسمی گفت: احساس ما این است که اروپا در شرایط کنونی در قبال آمریکا و فشارهای آن تا حد زیادی ناتوان است و توانایی لازم برای دفاع از هویت اروپایی، مؤسسات مالی و اقتصادی خود را ندارد.

این اظهارات قاسمی با واکنش هایی همراه بود اما با این وجود اقدام خاصی از سوی اتحادیه اروپا برای جدی تر شدن مشاهده نشد. در همین رابطه و برای تحلیل بهتر موضوع با پروفیسور «دانیل سرور» به گفتگو نشستیم که

## موگرینی عدم شرکت در نشست ضد ایرانی ورشو را تأیید کرد

برگزار شود شرکت کنند. مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده، در جریان سفر اخیر خود به خاورمیانه از برگزاری این کنفرانس در سطح وزرا با عنوان «پیشبرد آینده ای با صلح و ثبات در خاورمیانه» خبر داد. این کنفرانس در روزهای ۲۴ و ۲۵ بهمن برگزار خواهد شد. دیپلمات هایی که در بروکسل با خبرگزاری آسوشیتدپرس صحبت کرده اند تردیدهایی درباره موضوع اصلی این نشست دارند و می گویند «زمان کافی برای برنامه ریزی آن نبوده و به نظر می آید ایران نیز به آن دعوت نشده است».



یک روز قبل روزنامه وال استریت ژورنال هم در گزارشی نوشت: «انتخاب لهستان، برای میزبانی این نشست از سوی برخی دیپلمات های اروپایی تلاش برای ایجاد شکاف در اتحادیه اروپا در مورد ایران ارزیابی شده است». لهستان از اعضای اتحادیه اروپا است. این اتحادیه همچنان در تلاش برای حفظ ایران در برجام است و می خواهد ساز و کاری ویژه برای ادامه تجارت مشروع با ایران برقرار کند. در گزارش های خبرگزاری آسوشیتدپرس و وال استریت ژورنال مشخص نشده کدام کشورهای اروپایی درباره شرکت در کنفرانس ورشو تردید دارند.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا عدم حضور خود در نشست ضد ایرانی ورشو را تأیید کرد.

برخی از رسانه ها از پاسخ «فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به پرسشی در خصوص برنامه خود برای شرکت در نشست ورشو و اینکه آیا وی در این نشست شرکت خواهد کرد یا نه گزارش می دهند.

بر اساس این گزارش ها موگرینی در پاسخ به این پرسش گفته است: در آن تاریخ در نشستی در آفریقا شرکت می کنم و فکر نمی کنم که در نشست ورشو حضور داشته باشم.

موگرینی در ادامه گفت: در زمان برگزاری کنفرانس ورشو، من در نشست اتحادیه آفریقا خواهم بود و سپس در برنامه هایی که در آدیس آبابا برگزار می شود شرکت می کنم. علاوه بر آن من دیدارهای دیگری در شاخ آفریقا خواهم داشت. نگران آن هستم که در آن تاریخ نه در بروکسل باشم و نه در اروپا.

پیشتر آسوشیتدپرس به نقل از دیپلمات های اروپایی در بروکسل گزارش داد که به نظر می آید کشورهای اروپایی نمی خواهند در نشست ورشو که قرار است ماه آینده میلادی به ابتکار آمریکا



عضو تیم هسته‌ای امریکا:

## اروپا وعده خود درباره SPV را عملی نکرد / دشواری توجیه تداوم برجام

جواد حیران نیا

من همچنان بر این باور هستم که وضعیت ایران بسیار دشوار خواهد شد اگر به اجرای مفاد برجام ادامه دهد در حالی که هیچ کمک و امتیاز مالی یا اقتصادی دریافت نکند.

من فکر می‌کنم که فشار تحریم‌هایی که بر ایران در سال ۲۰۱۹ اعمال خواهد شد - احتمالاً همراه با شکست SPV - باعث خواهد شد رهبران ایران به طور جدی از برجام خارج شده یا اهمیت چندانی برای آن قائل نشوند. معتقدم تصمیم دولت ترامپ برای خروج از برجام قابل تأسف و خطرناک بود.

**|| ایران همچنین اعلام کرده است که فقط برمکانسیم مالی با اتحادیه اروپا تمرکز ندارد. تهران معتقد است که علاوه بر اروپا، قادر به ادامه تجارت با کشورهای دیگر، از جمله روسیه، چین و هند خواهد بود. آیا همکاری اقتصادی و مالی ایران با کشورهای غیر اروپایی اهداف تهران از برجام را محقق می‌سازد؟**

من به شدت در این مورد تردید دارم. مجموعه تجارت‌هایی که ایران با هند و چین و بویژه روسیه انجام می‌دهد، با آنچه در اروپا انجام شده و برنامه ریزی شده برابر نیست. من فکر می‌کنم که اهداف ایران از تجارت با اروپا بسیار قوی و گسترده بود از جمله انواع پروژه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین تجارت.

برای هر کشوری سخت خواهد بود تا در زمینه تجارت جایگزین اروپا برای ایران شود. گفته می‌شود که بخشی از هدف ایران حل مسئله هسته‌ای یک بار و برای همه بود. ایران هنوز هم می‌تواند این کار را انجام دهد اگر با وجود فشار اعمال تحریم‌ها مفاد برجام را رعایت کند.

ممکن است به طور کلی توجیه ادامه برجام و رعایت مفاد آن از لحاظ سیاسی برای رئیس‌جمهور روحانی و دولت ایران دشوار باشد.

زیر آمده است. از نفیو به عنوان طراح اصلی تحریم‌های ایران در دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده آمریکا یاد می‌شود.

**|| با توجه به اینکه آمریکا مخالف مکانسیم مالی بین اروپا و ایران است و کشورهای اروپایی را جهت جلوگیری از اجرای کانال مالی تحت عنوان SPV با ایران تحت فشار قرار می‌دهد، آیا شما فکر می‌کنید این مکانسیم مالی (SPV) بین ایران و اروپا اجرایی شود؟**

من فکر می‌کنم که کانالی شبیه SPV جهت تسهیل تجارت بین اروپا و ایران در نهایت ایجاد خواهد شد. اما من فکر نمی‌کنم این کانال همان کانال SPV باشد که در ماه سپتامبر اعلام شد و زمینه‌های وسیع تجارت بین ایران و اروپا را پوشش دهد.

من فکر می‌کنم که پیامدهای تحریم‌ها برای اکثر بانک‌ها و شرکت‌های ایرانی بسیار شدید خواهد بود و در نتیجه اروپا به مکانسیم مالی با ایران به طور دقیق نگاه خواهد کرد و آن را به کانالی قابل کنترل تر، مانند تجارت مرتبط با فعالیتهای بشردوستانه، تبدیل خواهد کرد.

**|| بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اخیراً اظهار داشت که کشورهای اروپایی به علت فشار ایالات متحده آمریکا قادر به اجرای SPV نیستند، از سوی دیگر، شکست اجرای SPV و شکست مکانسیم مالی بین ایران و اتحادیه اروپا ممکن است منجر به نتایج نامناسب در روابط بین ایران و اتحادیه اروپا شود. به نظر شما، اگر مکانسیم مالی ایران و اتحادیه اروپا با شکست مواجه شود، سرنوشت توافق هسته‌ای ایران (برجام) چه خواهد بود؟**

«ریچارد نفیو» معتقد است اگر SPV اجرا نشود و همین منافع حداقلی ایران از برجام محقق نشود ایران ممکن است از برجام خارج شود.

فدریکا موگرتینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، چند هفته پیش اعلام کرده بود که قبل از پایان سال ۲۰۱۸، سازوکار ویژه اتحادیه اروپا برای تسهیل دادوستد با ایران اجرایی خواهد شد.

دسامبر تمام شد و سال نو فرا رسید، اما سازوکار ویژه اروپا برای جبران خسارت‌های خروج یکجانبه آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. از زمان اعلام آن طی جلسه‌ای در نیویورک در اواخر سپتامبر ۲۰۱۸، SPV فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. موانع متعددی، از تهدیدات آمریکا گرفته تا عدم تمایل کشورهای اروپایی به میزبانی از آن، سر راه SPV قرار گرفته و اجرایی شدن آن را به تأخیر انداخته است.

از سوی دیگر، مقامات ایران به طور فزاینده‌ای بی‌عملی اتحادیه اروپا انتقاد می‌کنند. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، به اروپا گفته که نمی‌تواند بدون خیس شدن شنا کند. یعنی اروپا برای جبران خسارت خروج کاخ سفید از برجام، باید هزینه بپردازد.

پیمان سعادت، سفیر ایران در اتحادیه اروپا، هم همین هشدار را طی یادداشتی در وبگاه یورونیوز تکرار کرده و گفته اروپا باید از بیانه‌های سیاسی فراتر رود و اقدامات عملی انجام دهد. در غیر این صورت، صبر ایران بی‌نهایت نخواهد بود.

در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «ریچارد نفیو» عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای آمریکا و کارشناس امور تحریم‌ها و امنیت بین الملل و عدم اشاعه تسلیحات در وزارت خارجه آمریکا و محقق دانشگاه کلمبیا آمریکا انجام داده است که متن این گفتگو در

استاد دانشگاه بوستون امریکا:

## جلیقه زردها در فرانسه مخالف نابرابری ها هستند



MEHR NEWSAGENCY  
Photo: Received

فاطمه محمدی پور

قدرت رسیدن احزاب راستگرای افراطی در فرانسه را فراهم کند؟ (فراموش نکنیم جریان راست افراطی در فرانسه در انتخابات گذشته به پیروزی مهم و قابل توجهی هم رسیده بود)

بر خلاف طرفداران برگزیت در انگلیس که خواهان ترک اتحادیه اروپا هستند، معترضان فرانسوی، قدرت دادگاه های اروپایی یا مهاجران اروپای شرقی و یا مهاجران خارج از اتحادیه اروپا را هدف قرار نمی دهند. برخی از آنها ممکن است به جبهه ملی ضد مهاجر رای داده باشند اما هیچ یک از معترضان ضد مهاجر یا ضد اتحادیه اروپا نیستند. مارین لوپن ممکن است تلاش کرده باشد از معترضان جلیقه زرد جهت تقویت حزب خود استفاده کند اما او تاکنون موفق نشده است. او آخرین انتخابات در فرانسه را از دست داد. جلیقه زردها ممکن است از ماکرون ناراضی باشند اما به نظر نمی رسد که به مارین لوپن و جبهه ملی به عنوان رهبر و نماینده خود نگاه کنند.

**|| اعتراضات فرانسه به کشورهایی چون هلند و بلژیک نیز تسری یافته است. آیا این موضوع اعتراضی می تواند عمده کشورهای اروپایی را تحت تاثیر خود قرار دهد؟**

پاسخ من به این سوال بدان معنا نیست که احزاب ضد مهاجر و ضد اتحادیه اروپا در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی ناپدید خواهند شد. آنها در لهستان و مجارستان قدرت دارند، در دولت های ائتلافی در ایتالیا و اتریش سهم دارند و همچنان سهم قابل توجهی از آراء را در چندین کشور دیگر به خود اختصاص داده اند. با این حال، بسیار بعید است که قدرت سیاسی آنها منجر به پایان اتحادیه اروپا شود.

آنها افزایش مالیات برای طبقه متوسط و فقیر خیلی سنگین و برای طبقه ثروتمند و شرکت ها ناچیز است. آنها همچنین آنچه را که فکر می کنند سبک نخبگان ماکرون است نمی پذیرند و برخی دیگر سیاست های نتولیبرال او را دوست ندارند. آنها همچنین از رشد اقتصادی ناراضی هستند که به نفع پاریس و دیگر شهرهای بزرگ در فرانسه بوده و تاثیری بر مناطق روستایی نداشته است.

**|| اعتراضات فرانسه نوعی اعتراض به سیاستهای نتولیبرالی اتحادیه اروپا که به اعضا دیکته می شود نیز محسوب می شود. با توجه به این موضوع آینده اتحادیه اروپا را چگونه ارزیابی می کنید و آیا جریانهایی راست می توانند با سوار شدن بر موج این اعتراضات قدرت را در دست بگیرند؟**

تظاهرات جلیقه زردها در مورد سیاست های فرانسه و نه سیاست های اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا در مورد سیاست مالیات فرانسه یا اکثر سیاست های دیگر که بر نابرابری درآمد تاثیر می گذارد، تصمیم نمی گیرد. بخش بزرگی از بودجه اتحادیه اروپا به تامین یارانه کشاورزی در فرانسه و کشورهای عضو دیگر اختصاص می یابد و قوانین تجارت اتحادیه اروپا از کشاورزان در بازار و عرصه واردات حمایت می کند. هدف از سیاست های اتحادیه اروپا در واقع کاهش تفاوت درآمد شهری و روستایی، که جلیقه زردها خواهان آن هستند می باشد.

**|| با توجه به اینکه اعتراضات فرانسه به نفع جریانهایی راست این کشور تمام می شود، آیا این موج اعتراضی می تواند زمینه به**

استاد دانشگاه بوستون گفت که جلیقه زردها در فرانسه مخالف نابرابری درآمد و مالیات هستند زیرا افزایش مالیات برای طبقه متوسط و فقیر خیلی سنگین و برای طبقه ثروتمند و شرکت ها ناچیز است.

معترضین فرانسوی همچنان به اعتراضات خیابانی گسترده خود علیه سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کاخ الیزه ادامه می دهند و «مانوئل ماکرون» رئیس جمهوری جوان فرانسه تا کنون سه بار در مقابل معترضین عقب نشینی کرده است.

او در گام اول افزایش مالیات بر سوخت را به صورت موقت تعلیق کرد، سپس در گام بعدی به صورت کامل آن را از بین برد و از ردیف بودجه سال آینده فرانسه حذف کرد. در گام سوم نیز ماکرون وعده داد مالیات بر درآمد بازنشستگی که تا ۲ هزار یورو در ماه مستمرا دارند را حذف کرده و حداقل حقوق را افزایش دهد.

با این حال جلیقه زردها این اصلاحات را ناکافی دانسته و بر استمرار اعتراضات خود تاکید دارند. به راستی چه اتفاقی در فرانسه رخ داده است؟ جهت پاسخ به این سوال، خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «جفری کارلینر» استاد دانشگاه بوستون آمریکا انجام داده که در ادامه می آید.

**|| دلایل اصلی اعتراضات فرانسه موسوم به جلیقه زردها چیست و تا چه میزان سیاستهای نتولیبرالی «مانوئل ماکرون» در این زمینه موثر است؟**

پیشنهاد ماکرون برای افزایش مالیات بر سوخت باعث اعتراضات در فرانسه شد، اما دلایل اعتراضات بسیار وسیع تر است. معترضان جلیقه زرد مخالف افزایش نابرابری درآمد و مالیات هستند که به اعتقاد

## سفير سابق آمريکا در جمهوری آذربایجان:

# نظام سیاسی فرانسه تمایلی به شنیدن صدای مردم خارج از پاریس ندارد

فاطمه محمدی پور

که کشورهای عضو توجه کمتری به مسائل اتحادیه اروپا داشته و توجه بیشتری به بازسازی سیاسی در کشورهای خود دارند.

**|| با توجه به اینکه اعتراضات فرانسه به نفع جریانهای راست این کشور تمام می شود، آیا این موج اعتراضی می تواند زمینه به قدرت رسیدن احزاب راستگرای افراطی در فرانسه را فراهم کند(فراموش نکنیم جریان راست افراطی در فرانسه در انتخابات گذشته به پیروزی مهم و قابل توجهی هم رسیده بود)؟**

مشخص نیست که ناآرامی های فرانسه فقط محصول سیاست های جناح راست افراطی در فرانسه یا نیروهای سیاسی چپگرا که برخی از آنها بسیار رادیکال هستند و تلاش می کنند از ناراضی های اصلی در مورد رکود درآمد برای دستیابی به اهداف خود بهره برداری کنند- باشد.

بنابراین در برخی از این اعتراضات، شاهد هستیم چپ افراطی و راست افراطی در کنار هم قرار گرفته اند، واقعا نمی دانم چگونه این تحولات بر انتخابات آینده فرانسه تاثیر خواهد گذاشت.

**|| اعتراضات فرانسه به کشورهای چپ چون هلند و بلژیک نیز تسری یافته است، آیا این موج اعتراضی می تواند عمده کشورهای اروپایی را تحت تاثیر خود قرار دهد؟**

من تظاهرات را در بلژیک و هلند به اندازه کافی دنبال نکردم تا بدانم که آیا این تظاهرات نیز ناشی از همان فشارهای اجتماعی و اقتصادی همانند تظاهرات فرانسه است یا خیر.



**نولیبرالی «امانوئل ماکرون» در این زمینه موثر است؟**

دلایل تظاهرات فرانسوی ها ترکیبی از عدم افزایش درآمد طبقه متوسط به سرعتی که مالیات افزایش می یابد و ایجاد حسی که تشکیلات سیاسی تمایلی به گوش دادن به نگرانی های کل مردم به ویژه مردم خارج از پاریس ندارد می باشد.

**|| اعتراضات فرانسه نوعی اعتراض به سیاستهای نولیبرالی اتحادیه اروپا که به اعضا دیکته می شود نیز محسوب می شود. با توجه به این موضوع آینده اتحادیه اروپا را چگونه ارزیابی می کنید و آیا جریانهای راست می توانند با سوار شدن بر موج این اعتراضات قدرت را در دست بگیرند؟**

اعتقاد بر این است که اتحادیه اروپا تحت تاثیر عواقب ناآرامی های سیاسی در بسیاری از کشورهای عضو آن خواهد بود. اعتراضات فرانسه، برگزیت، مجارستان، و تغییر رهبری در حزب سیاسی اصلی آلمان به این معنی است

«ریچارد کوزلاریچ» معتقد است که اعتراضات فرانسه نمایانگر این است که کشورهای عضو توجه کمتری به مسائل اتحادیه اروپا داشته و توجه بیشتری به بازسازی سیاسی در کشورهای خود دارند.

معتزین فرانسوی همچنان به اعتراضات خیابانی گسترده خود علیه سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کاخ الیزه ادامه می دهند و «امانوئل ماکرون» رئیس جمهور جوان فرانسه تا کنون سه بار در مقابل معتزین عقب نشینی کرده است.

او در گام اول افزایش مالیات بر سوخت را به صورت موقت تعلیق کرد، سپس در گام بعدی به صورت کامل آن را از بین برد و از ردیف بودجه سال آینده فرانسه حذف کرد. در گام سوم نیز ماکرون وعده داد مالیات بر درآمد بازنشستگی که تا ۲ هزار یورو در ماه مستمرا دارند را حذف کرده و حداقل حقوق را افزایش دهد.

با این حال جلیقه زردها این اصلاحات را ناکافی دانسته و بر استمرار اعتراضات خود تاکید دارند. به راستی چه اتفاقی در فرانسه رخ داده است؟

جهت پاسخ به این سوال خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «ریچارد کوزلاریچ» استاد دانشگاه جرج میسون آمریکا ترتیب داده که در ادامه می آید.

ریچارد کوزلاریچ مدیر اندیشکده علوم و سیاست گذاری انرژی در دانشگاه جرج میسون، مدیر موقت برنامه سیاست عملیات صلح (POPP) و سفیر پیشین آمریکا در جمهوری آذربایجان (۱۹۹۴-۱۹۹۷) و بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۷-۱۹۹۹) بوده است.

**|| دلایل اصلی اعتراضات فرانسه موسوم به جلیقه زردها چیست و تا چه میزان سیاستهای**

## گفتگوی اختصاصی با وزیر خارجه آلمان:

# کمک مالی آلمان به عراق ۱/۵ میلیارد یورو است

شقایق لامع زاده



همچنین ضمن یادآوری تداوم حمایت برلین از روند بازسازی عراق یادآور شد که باید از گسترش شبکه های زیرزمینی تروریسم شکست

خورده در عراق، اروپا یا مناطق دیگری از جهان ممانعت بعمل آورده شود. «ماس» در ادامه سخنانش با همتای عراقی خود اظهار داشت: برلین بر این باور است که یک عراق متحد، دموکرات و مستقل می تواند نقش پایدارتری در خاورمیانه از خود به نمایش بگذارد. «هایکو ماس» در گفتگوی کوتاه با خبرنگار مهر در خصوص رویکرد برلین در قبال بازسازی عراق گفت: آلمان اقدامات گسترده و زیادی در عراق انجام داده است. وی در ادامه این گفتگو یادآور شد: آلمان در ۴ سال گذشته در پروژه های مختلف به عراق کمک کرده است. وزیر خارجه آلمان با اشاره به کمکهای آلمان به عراق یادآور شد: کمک های آلمان به عراق شامل کمک های بشردوستانه به مردم آسیب دیده بوده است. وی تأکید کرد: علاوه بر کمکهای مذکور آلمان، برلین در ارائه مشاوره و اجرای پروژه های مختلف به بغداد کمک کرده و با این کشور همکاری دارد. ماس کمک به مدیریت کارآمد و موثر در عراق را از جمله دیگر همکاری های آلمان و عراق برشمرد. وزیر خارجه آلمان ارزش مالی کمک های این کشور به عراق را ۵/۱ میلیارد یورو عنوان کرد.

«هایکو ماس» وزیر خارجه آلمان در حالی در واپسین روزهای سال ۲۰۱۸ میلادی راهی عراق شده که یکسال از پیروزی ارتش این کشور بر گروه تروریستی داعش می گذرد. «حیدر العبادی» نخست وزیر سابق عراق روز ۱۰ دسامبر سال ۲۰۱۷ پیروزی نظامی ارتش این کشور بر داعش را اعلام کرد.

آلمان نیروهای پیشمرگه در عراق را آموزش می دهد و به آنها اسلحه می دهد. برلین با استقرار هوایمای سوخت رسان و هوایمهای تورنادو در اردن در عملیات ائتلاف ضد داعش مشارکت داشت. ارتش آلمان نیز در کنار این اقدامات به آموزش نیروهای نظامی عراق پرداخت.

آلمان از زمان آغاز جنگ و درگیری های عراق میزبان شمار زیادی از مردم عراق بوده و هست. گزارش های منتشر شده از سازمان ها و نهادهای دولتی آلمان حاکی از ثبت حضور حدود ۲۴۵ هزار عراقی در شهرهای مختلف این کشور است.

«محمدعلی الحکیم» وزیر خارجه عراق در دیدار با همتای آلمانی خود تأکید کرد که کشورش از امنیت کامل برخوردار بوده و از شهروندان عراقی ساکن در آلمان خواست تا داوطلبانه به کشور خود بازگردند.

وزیر خارجه آلمان نیز در جریان این دیدار تأکید کرد که کشورش به عنوان دوست و شریکی قابل اعتماد به تداوم حضور خود در کنار دولت و ملت عراق ادامه خواهد داد. ماس



گفتگوی اختصاصی نظریه پرداز امریکایی:

## اعتراضات فرانسه فراتر از مالیات بر سوخت است

فاطمه محمدی پور



«استفن لندمن» با بیان اینکه تغییر در خانه شروع می شود گفت: فعالان در فرانسه دوباره فرصتی برای تغییر تاریخی دارند و فقط با مقاومت متعهدانه، می توانند به عدالت اجتماعی برسند.

معترضین فرانسوی همچنان به اعتراضات خیابانی گسترده خود علیه سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کاخ الیزه ادامه می دهند و «امانوئل ماکرون» رئیس جمهور جوان فرانسه تا کنون سه بار در مقابل معترضین عقب نشینی کرده است.

او در گام اول افزایش مالیات بر سوخت را به صورت موقت تعلیق کرد، سپس در گام بعدی به صورت کامل آن را از بین برد و از ردیف بودجه سال آینده فرانسه حذف کرد. در گام سوم نیز ماکرون وعده داد مالیات بر درآمد بازنشستگانی که تا ۲ هزار یورو در ماه مستمری دارند را حذف کرده و حداقل حقوق را افزایش دهد.

با این حال جلیقه زردها این اصلاحات را ناکافی دانسته و بر استمرار اعتراضات خود تاکید دارند. به راستی چه اتفاقی در فرانسه رخ داده است؟

جهت پاسخ به این سوال خبرنگار مهر گفتگویی با «استفن لندمن» نظریه پرداز امریکایی و دانش آموخته دانشگاه هاروارد انجام داده که در ادامه می آید.

«دلایل اصلی اعتراضات فرانسه موسوم به جلیقه زردها چیست و تا چه میزان سیاستهای نتولیبرالی «مانوئل ماکرون» در این زمینه موثر است؟

بی عدالتی اجتماعی شدید نتولیبرال تحت حمایت دولت، علت اصلی تظاهرات جلیقه زردها در فرانسه است - مالیات غیر قابل قبول بالای سوخت بخش نمادین این موضوع مهم است. فعالان فرانسوی خواهان آزادی و برابری هستند نه یک ژست سیاسی بی معنی که آنها آن را رد می کنند.

رهبران اعتراضی قصد دارند بر دولت ماکرون اعمال فشار کنند. تقاضاهای فراتر از بحث مالیات بالای سوخت است. خشم عمومی در سراسر فرانسه در مورد بی عدالتی اجتماعی است. اعتراضات جلیقه زرد در اواسط ماه نوامبر برای بهبود استانداردهای زندگی، پایان دادن به ریاضت اقتصادی، شفافیت دولت و پاسخگویی به مردم عادی، همراه با خواستار استعفای ماکرون و دولت غیرمردمی او آغاز شد. رضایت عمومی او از ۶۲ درصد پس از انتخابات به ۲۳ درصد کاهش یافته است.

**اعتراضات فرانسه نوعی اعتراض به سیاستهای نتولیبرالی اتحادیه اروپا که به اعضای عضو دیکته می شود نیز محسوب می شود. با توجه به این موضوع آینده اتحادیه اروپا را چگونه ارزیابی می کنید؟**

مقاومت در برابر استبداد یک حق جهانی است، نافرمانی مدنی یک راه حیاتی برای جلب توجه طبقه حاکمه، هنگامی که روش های دیگر شکست می خورد است. عناصری که در قدرت هستند، تقریباً هیچ وقت کاری انجام نمی دهند مگر آنکه مجبور شوند.

فرد عادی در آمریکا، فرانسه، کشورهای دیگر اتحادیه اروپا و دیگر نقاط جهان استثمار می شوند. مقاومت پایدار

عضو اتحادیه اروپا و کانادا به علت عدم پرداخت دستمزدها جهت کنترل تورم، کاهش امتیازات مهم، کاهش هزینه های اجتماعی، افزایش خصوصی سازی منابع دولتی، کاهش هزینه ها، کاهش مالیات برای شرکت ها و نخبگان غول پیکر، همراه با سرکوب شدید علیه مقاومت کنندگان به کشورهای جهان سوم تبدیل شده اند.

میلیون ها نفر از مردم در این کشورها از فقر، بیکاری، بی کفایتی، بی خانمانی، گرسنگی و ناامیدی رنج می برند. رهبران غربی نسبت به آنچه که برای مردم عادی مهم است بی تفاوت هستند. اولویت های امپریالیسم اهمیت دارد. بنابراین ثروت بین بانکداران، سایر شرکت ها و نخبگان فوق العاده غنی بازتوزیع می شود.

**برخی معتقدند که روسیه در این اعتراضات نقش دارد. نظر شما چیست؟**

مسکو توسط ایالات متحده آمریکا، انگلستان و سایر کشورهای غربی بدون ارائه هیچ گونه شواهدی متهم شده است. اتهامات و ادعاهای بدون شواهد بی اساس هستند. هیچ چیزی نشان نمی دهد که کرملین از اعتراضات جلیقه زردها در فرانسه حمایت کرده باشد. رئیس جمهور فرانسه، مانند همتایان غربی او در جنگ عدالت اجتماعی قرار دارد.

سخنگوی کرملین، ادعاهای دخالت روسیه در اعتراضات جلیقه زردها را ادعاهای دروغین و بی اساس نامید. وی گفته است که روسیه این مسائل را جزو امور داخلی فرانسه می داند. ما هرگز در امور داخلی کشورهای دیگر، از جمله فرانسه، دخالت نکرده ایم.

در واقع این اتهامات دروغی بزرگ است که توسط غرب علیه روسیه و دشمنان آمریکا مورد استفاده قرار می گیرد. روسیه باید بداند که عدم توانایی واکنش شدید به اقدامات خصمانه توسط ایالات متحده آمریکا، انگلستان و سایر کشورها نشان دهنده ضعف و نه قدرت است.

هیچ کشوری نباید اجازه دهد کشورهای دیگر از آن سوء استفاده کنند. اگر مسکو نتواند در مقابل این اتهامات واکنش مناسبی داشته باشد در واقع به منافع خود آسیب می زند.

برای تغییر انقلابی تنها گزینه قابل قبول است. صدها هزار نفر در فرانسه در اعتراضات جلیقه زردها مشارکت داشته و مبارزه طبقاتی در جاهای دیگر اروپا ادامه دارد. درخواست برای استعفای ماکرون در فرانسه در حال افزایش است و شعارهایی چون «نه به رئیس جمهور ثروتمندان» در خیابان های پاریس شنیده می شود. نظرسنجی ها حاکی از حمایت عمومی مردم از اعتراضات بدون هیچ نشانه ای از فروکش شدن اعتراضات است. صدها نفر از افرادی که دستگیر شده اند خواستار مقاومت در برابر بی عدالتی های اجتماعی شده اند.

دانشجویان و تمامی اقشار به اعتراضات علیه ماکرون پیوسته اند. تظاهرات در فرانسه بزرگتر و گسترده تر از تظاهرات ماه مه و ژوئن ۱۹۶۸ است. فعالان در فرانسه دوباره فرصتی برای تغییر تاریخی دارند - فقط با مقاومت متعهدانه، می توانند به عدالت اجتماعی برسند. تغییر رژیم در خانه شروع می شود. مردم قدرت دارند زمانی که از آن جهت به چالش کشیدن قدرت حاکمه استفاده می کنند.

فعالیت مردم قدرتمند است هنگامی که به صورت جمعی باشد. حاکمان را به مبارزه بطلبد و خواهان تغییر وضع موجود باشد. سختی ها مردم را به اقدام جمعی هدایت می کند. اینکه آیا تظاهرات در فرانسه یک لحظه تعیین کننده خواهد بود یا آنها دستاوردی جز دستیابی به وعده های خالی نخواهد داشت هنوز مشخص نیست و جواب این سوالات را زمان خواهد داد.

**اعتراضات فرانسه به کشورهای دیگر هلند و بلژیک نیز تسری یافته است. آیا این موج اعتراضی می تواند عمده کشورهای اروپایی را تحت تاثیر خود قرار دهد؟**

بله، نابرابری اجتماعی در آمریکا، بریتانیا، فرانسه و دیگر کشورهای غربی نهادینه شده است. رژیم های حکومتی این کشورها ثروت، قدرت و امتیازات شخصی را بر حقوق بشر بنیادی، نیازها و شایستگی های عمومی ترجیح می دهند.

مردم عادی برای رسیدن به آن تلاش می کنند اما شرایط بدتر شده و بهبود نمی یابد. آمریکا، کشورهای

استاد دانشگاه کالیفرنیا بر کلی:

# ارتش مشترک اروپایی پاسخی به تصمیمات ترامپ است

مریم خرمایی



استاد دانشگاه کالیفرنیا- بر کلی معتقد است با توجه به نقصان انسجام سیاسی در اتحادیه اروپا، ایده ارتش اروپایی واحد و معتبر برای آنکه جانشین ناتو شود با احتمال شکست مواجه خواهد بود.

نخستین زمره های ایجاد ارتش واحد اروپایی اندکی پس از جنگ جهانی دوم در میان کشورهای درگیر آغاز شد. شماری از کشورهای اروپایی بر این باور بوده و هستند که ایجاد ارتش واحد اروپایی می تواند به مثابه دیواره امنیتی محکمی برای آنها عمل کرده و می تواند بواسطه آن ثبات، آرامش و صلح را برای مردم خود به ارمان بیاورند.

اکنون با گذشت بیش از نیم قرن از جنگ جهانی دوم بار دیگر داعیه تاسیس «ارتش اروپایی واقعی» در میان قدرتهای اروپایی از سر گرفته شده است.

هفته گذشته همزمان با گفتگوی «امانوئل ماکرون» رئیس جمهور فرانسه با «رادو اوپا ۱» موج جدیدی از ایجاد ارتش واحد اروپایی در میان رهبران و مقامات اروپایی به راه افتاد. ماکرون با اشاره به این نکته که اروپا بواسطه هم مرزی با روسیه می تواند مورد تهدیدهای احتمالی این کشور قرار بگیرد، اظهار داشت که اروپا باید تا جایی توان دفاعی خود را بالا ببرد که بدون هرگونه وابستگی به آمریکا قادر به دفاع از خود باشد.

وی در توضیح و توجیه خود برای لزوم تاسیس و راه اندازی «ارتش واقعی اروپایی» با اشاره به موضع اخیر «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا درباره خروج از پیمان منع موشک های هسته ای دور برد گفت که هدف از چنین برنامه ای حفاظت اروپا در مقابل چین، روسیه و حتی آمریکا است.

پروفیسور «محمود منشی پوری» استاد دانشگاه کالیفرنیا بر کلی و استاد دانشگاه سانفرانسیسکو آمریکا در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص چرایی طرح مجدد ایده تشکیل ارتش مشترک اروپایی گفت: این روزها، مناظره راهبردی جدیدی نه تنها قاره اروپا بلکه دیگر قدرت های بزرگ جهان را فرا گرفته است. ایده دفاع جمعی اتحادیه اروپا که در حال حاضر با نام «ارتش یکپارچه اتحادیه اروپا» شناخته می شود، موضوع تازه ای نیست چرا که در گذشته نیز به اختصار از سوی «سیلیویو برلوسکونی» نخست وزیر سابق ایتالیا مطرح شده بود حال آنکه اخیراً نیز «ژان کلود یونکر» رئیس کمیسیون اروپا به آن پرداخته است. احیاء ایده ارتش اروپایی پاسخی به تصمیم دولت دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر تشدید انتقاد از اعضای اتحادیه اروپا است

وی افزود: هر چند، امروزه، احیاء ایده ارتش اروپایی پاسخی به تصمیم دولت دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر تشدید انتقاد از اعضای اتحادیه اروپا است که متهم به ناکامی در ادای دین خود از بابت پرداخت حق السهم هزینه های مالی ناتو هستند. تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از پیمان موشک های هسته ای میان برد (INF) نیز موجب بروز چنین واکنشی از سوی فرانسه

استناد به داده های واقعی است. استاد دانشگاه کالیفرنیا بر کلی یادآور شد: پیچ در این باره افزود: بنابراین، چرا باید خواهان نسخه برداری یا تکثیر قوا در قالب اتحاد قوی باشید که در حال حاضر هم وجود دارد. به همین ترتیب، دونالد ترامپ در یک سلسله توییت، واکنش منفی به اظهارات همتای فرانسوی نشان داد و آن را «بسیار توهین آمیز» توصیف کرد.

وی تأکید کرد: انتقاد مشابهی نیز از جانب «ینس استولتنبرگ» دبیر کل ناتو مطرح شد. وی تأکید کرد «این تصمیم عاقلانه ای نیست که همه ملت های که همزمان عضو ناتو و اتحادیه اروپا هستند؛ خواهان ایجاد ۲ نوع ساختار فرماندهی باشند یا از روی آنچه که ناتو انجام می دهد؛ نسخه برداری کنند».

منشی پوری گفت: «مارک روت» نخست وزیر هلند نیز در اقدامی مشابه، ایده ارتش واحد اروپایی را زیر سوال برده و گفت: امنیت قاره اروپا تنها در سایه ناتو تضمین می شود. در عوض، ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه به چنین پیشنهادی روی خوش نشان داد و آن را پیشرفتی «مثبت» ارزیابی کرد.

جالب آنکه حاکمان محافظه کاری که به اتحادیه اروپا اطمینان چندانی ندارند و رویکردشان در قبال ارتش اروپایی به گونه ای متفاوت پیش بینی می شد نیز در اقدامی نسبتاً دور از انتظار، از آن حمایت کردند

وی یادآور شد: جالب آنکه حاکمان محافظه کاری که به اتحادیه اروپا اطمینان چندانی ندارند و رویکردشان در قبال ارتش اروپایی به گونه ای متفاوت پیش بینی می شد نیز در اقدامی نسبتاً دور از انتظار، از آن حمایت کردند

وی افزود: این نوع از حمایت باید به نوبه خود مایه تردید آنهایی شود که خواهان هرگونه رقابت تسلیحاتی آتی در شبه قاره هستند. ممکن است بعضی ها این گونه استدلال کنند که «ویکتور اوربان» نخست وزیر مجارستان یا «میلوش زمان» رئیس جمهوری چک لزوماً هدف امنیت اروپا را دنبال نمی کنند. خوب است یادی از نقل قولی معروف در اثر کلاسیک «ناهید» کنیم که می گفت: «از یونانی ها حتی وقتی با هدایا به سراغمان می آیند، بیم دارم». حمایت ملی گراهای ستیزه جو از اقتدار نظامی، تأملی دوراندیشانه را می طلبد.

استاد دانشگاه کالیفرنیا در ادامه تصریح کرد: اینکه این ایده نقطه عطفی در سیاست اروپا باشد، همچنان جای بحث و بررسی دارد. خوب است بدانیم که اعضای اتحادیه اروپا انگیزه ها و امیال متفاوتی دارند که حصول اجماع نظر در خصوص قانونی واحد در سیاست دفاع مشترک اتحادیه اروپا را بسیار دشوار می کند.

وی افزود: با توجه به نقصان انسجام سیاسی در اتحادیه اروپا، چه به لحاظ دورنما و چه به لحاظ امکانات لجستیکی، ایده ارتش اروپایی واحد و معتبر برای آنکه جانشین ناتو شود با احتمال شکست روبرو خواهد بود و ممکن است به منزله دعوت برای تسلیح هر چه بیشتر اروپا باشد. با عبرت گرفتن از ۲ جنگ جهانی پیشین، باید با حس دلبهره به این اقدام که در راستای توسعه نظامی انجام می گیرد نگاه کرد.

و آلمان شده است. وی یادآور شد: با در نظر گرفتن رقابت دیرینه فرانسه- آلمان و انتخابات پیش روی پارلمان اروپا، جای تعجب نیست که چرا این ایده که از سوی برخی «ساده لوحانه» و از سوی برخی دیگر «دوراندیشی» تلقی می شود؛ از اجماع نظر قوی و قاطع اعضای اتحادیه اروپا برخوردار نشده است.

استاد دانشگاه سانفرانسیسکو در ادامه گفت: نقصان تفاهم در این خصوص ناشی از درک متفاوتی است که اعضای اتحادیه اروپا از تهدید دارند که شامل تروریسم، بحران مهاجرت، شکست دولت ها، امنیت مرزی، قدرت یابی روسیه و غیره می شود. حال آنکه بررسی مجدد این ایده با این حقیقت گره خورده که نتوانیم سیاسی اتحادیه اروپا احساس می کنند اروپا دیگر نمی تواند بیش از این روی آمریکا برای تحقق الزامات دفاعی متقابل، حساب باز کند.

وی افزود: اعضای اتحادیه اروپا اغلب با آمریکا، چین و روسیه در پارهای از موارد اختلاف نظر دارند. در آشکارترین نمونه، تصمیم کشورهای اتحادیه اروپا برای حمایت از توافق هسته ای ایران، آنها را در موضع مخالف آمریکا مبنی بر خروج از این توافق قرار داد. «مانوئل ماکرون» رئیس جمهوری فرانسه اخیراً از نیاز اروپا به «یک ارتش واقعی اروپایی» سخن گفته تا قادر به حفاظت از خود در برابر چین، روسیه و آمریکا در برابر خطرات روزافزون ناشی از حملات سایبری، مداخله در روند انتخاباتی کشورهای مختلف و تصمیم آمریکا برای خروج از معاهده موشکی باشد.

منشی پوری تأکید کرد: «انگلا مرکل» صدراعظم آلمان نیز با حمایت از خواست رئیس جمهوری فرانسه مبنی بر ایجاد ارتش اروپایی، بیش از پیش این ایده را تقویت کرده و خطاب به پارلمان اتحادیه اروپا گفت که چنین ارتشی نه تنها موجب تضعیف پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به رهبری آمریکا نخواهد شد؛ بلکه از بسیاری جهات نیز مکمل آن خواهد بود.

وی افزود: این ایده یک سلسله واکنش هایی را در اروپا و آمریکای شمالی موجب شد. «سر استوارت پیچ» ارتشبد نیروی هوایی انگلیس و رئیس کمیته نظامی ناتو این ایده را «نامعقول» عنوان کرد و در مقابل، قدرت ناتو را در مقام یک شبکه فرماندهی و کنترل بی بدیل ستود. وی در این باره گفت: این لفاظی نیست بلکه بر مبنای واقعیت و با

## گفتگوی اختصاصی با استاد دانشگاه آلاباما آمریکا: ارتش مشترک اروپایی تهدیدی برای آینده ناتو است

فاطمه محمدی یور



نادر انتصار» گفت: پیروزی ترامپ و انتقاد شدید و متناوب او از ناتو در حال حاضر به مفهوم ایجاد یک ارتش اروپایی مشترک اهمیت تازه داده و بدون ترامپ، این ایده به احتمال زیاد مسکوت باقی می ماند. نخستین زمره های ایجاد ارتش واحد اروپایی اندکی پس از جنگ جهانی دوم در میان کشورهای درگیر آغاز شد. شماری از کشورهای اروپایی بر این باور بوده و هستند که ایجاد ارتش واحد اروپایی می تواند به مثابه دیواره امنیتی محکمی برای آنها عمل کرده و می تواند بواسطه آن ثبات، آرامش و صلح را برای مردم خود به ارمغان بیاورند.

اکنون با گذشت بیش از نیم قرن از جنگ جهانی دوم بار دیگر داعیه تاسیس «ارتش اروپایی واقعی» در میان قدرتهای اروپایی از سر گرفته شده است.

هفته گذشته همزمان با گفتگوی «مانوئل ماکرون» رئیس جمهور فرانسه با «راديو اروپا ۱» موج جدیدی از ایجاد ارتش واحد اروپایی در میان رهبران و مقامات اروپایی به راه افتاد. ماکرون با اشاره به این نکته که اروپا بواسطه هم مرزی با روسیه می تواند مورد تهدیدهای احتمالی این کشور قرار بگیرد، اظهار داشت که اروپا باید تا جایی توان دفاعی خود را بالا ببرد که بدون هرگونه وابستگی به آمریکا قادر به دفاع از خود باشد.

وی در توضیح و توجیه خود برای لزوم تاسیس و راه اندازی «ارتش واقعی اروپایی» با اشاره به موضع اخیر «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا درباره خروج از پیمان منع موشک های هسته ای دور برد گفت که هدف از چنین برنامه ای حفاظت اروپا در مقابل چین، روسیه و حتی آمریکا است.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «نادر انتصار» استاد و رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی آمریکا تنظیم نموده که در ادامه می آید. کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» از جمله آثار انتصار است که شهرت جهانی دارد.

**|| طرح تشکیل ارتش مشترک اروپایی اگر چه ایده جدیدی نیست ولی در روزهای اخیر با اظهار نظرهای ماکرون و آنگلا مرکل و واکنش ترامپ ابعاد جدیدی به خود گرفته است. دلایل جدی شدن پیشبرد این طرح از سوی کشورهای چوون فرانسه و آلمان چیست؟**

این ایده ابتدا در اوایل دهه ۱۹۵۰ و پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. اما، به دلایل مختلف، هرگز تحقق نیافت، ولی هرگز فراموش نشد. باید گفت که پیروزی دونالد ترامپ و انتقاد شدید و متناوب او از ناتو در حال حاضر به مفهوم ایجاد یک ارتش اروپایی مشترک اهمیت تازه داده است. بدون ترامپ، این ایده به احتمال زیاد مسکوت باقی می ماند.

**|| مانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه چند روز پیش در گفتگو با شبکه رادیویی**

**«Europe 1» خواستار تشکیل ارتش اروپایی واقعی برای مقابله با تهدیدات روسیه و همچنین عدم وابستگی به آمریکا شد. رئیس جمهوری فرانسه در این مصاحبه گفت: باید از خود در برابر روسیه، چین و حتی آمریکا دفاع کنیم. چرا فرانسه در حال حاضر از آمریکا در کنار چین و روسیه به عنوان تهدید نام می برد؟ این اظهارات از آنجا محل تامل است که فرانسه و آمریکا عضو ناتو هستند و اینکه یک عضو دیگری را تهدید بدانند مانع از همکاری در ناتو می شود. با توجه به این اظهارات آینده ناتو را چگونه ارزیابی می کنید؟**

با وجود اظهارات ریاست جمهوری فرانسه و شمول آمریکا در رده تهدیدات بالقوه اروپا، اظهارات مکرون بیشتر واکنشی به ناامیدی او از رفتار دمدمی مزاج ترامپ نسبت به متحدان عمده اروپایی واشنگتن است تا اینکه دلیلی دیگر داشته باشد. در میان برخی از رهبران اروپایی، این تمایل رو به افزایش است که موضع دفاعی و سیاست خارجی بیشتر مستقل در برابر ایالات متحده ترسیم کنند اما من فکر نمی کنم که اروپای امروز در موقعیتی قرار داشته باشد که بتواند اصول واقعی مستقل از اوامر دیکتاتوروار واشنگتن را اتخاذ کند.

**|| ترامپ در مخالفت با این طرح و در واکنش به اظهارات ماکرون تشکیل این ارتش را توهین آمیز خواند. با توجه به واکنش ترامپ و اینکه وی مجدد خواستار دادن پول از سوی اروپایی ها به ناتو شد آیا این اختلافات می تواند آینده ناتو را با تهدید مواجه سازد؟**

همانطور که برای رئیس جمهور ترامپ معمول است، او همیشه می خواهد کیک خود را داشته باشد و آن را نیز بخورد. بنابراین، واکنش ترامپ به

اظهارات مکرون در راستای بدزبانی معمول او وقتی که چیزی را دوست ندارد و یا زمانی که به چالش کشیده می شود بود.

ترامپ و مشاوران سیاست خارجی او به خوبی از اهمیت ناتو برای واشنگتن و برای حفظ همونی جهانی خود آگاه هستند. جنگ کلمات متناوب ترامپ با برخی از رهبران اروپایی، آینده ناتو را تهدید نمی کند. با وجود ناامیدی آنها از رفتار ترامپ، اروپا به طرز ناخوشایندی در عملیات ترامپ مورد استفاده قرار می گیرد.

**|| «اورزلا فون در لاین» وزیر دفاع آلمان اخیرا اظهار داشته است که تاسیس ارتش اروپایی و فعالیت های آتی آن می تواند نه تنها در خصوص افزایش امنیت کشورهای اروپایی بلکه در حل بحران های بین المللی نیز تاثیر بسزایی برجای بگذارد. اگر قرار باشد ارتش مشترک اروپایی علاوه بر ماموریت های درون اروپا مبادرت به ماموریت در خارج از اروپا داشته باشد در این صورت آیا نوعی موازی کاری با ناتو نیست؟**

من با ارزیابی وزیر دفاع آلمان در مورد نقش ارتش اروپا در ارتقاء امنیت کشورهای اروپایی موافقم. اما، همانطور که من در پاسخ به سوال اول ذکر کردم فکر نمی کنم اروپا دارای سیاستی باشد که به وسیله آن بتواند ایالات متحده آمریکا را به چالش بکشد.

علاوه بر این، اروپا بیش از حد تقسیم شده است تا بتواند بلوک منسجمی را تشکیل دهد که برای ایجاد یک نیروی نظامی مستقل و متحد ضروری است. اما اگر اروپا به طرز باورنکردنی قادر به ایجاد یک نیروی دفاع اروپایی مستقل باشد که از خواسته های واشنگتن بکاهد، سپس آینده ناتو در معرض خطر خواهد بود.



آمریکا

## گراهام آلیسون بررسی کرد؛

# احتمال معامله بزرگ ترامپ و چین / چین بلد است چگونه او را دور بزند



گراهام آلیسون معتقد است که ترامپ پیش از پایان موعدها آتش بس جنگ تجاری، پیروزی خود را در این نبرد اقتصادی اعلام خواهد کرد.

جنگ تجاری میان چین و آمریکا تا کنون مورد توجه بسیاری از کارشناسان و نویسندگان روابط بین‌الملل بوده است. در این ارتباط نیز «گراهام آلیسون»، استاد علوم سیاسی مدرسه کندی دانشگاه هاروارد، در یادداشتی که در پایگاه «تشنال اینترست» منتشر شده، ضمن کم اهمیت دانستن این جنگ تجاری در آینده رو به رشد چین، پیش بینی کرده که ترامپ به هر قیمتی می‌خواهد خود را پیروز این جنگ معرفی کند و این اتفاق نیز بزودی خواهد افتاد.

ترجمه این یادداشت در ادامه آمده است:

با پایان دور نخست گفتگوها میان چین و آمریکا در پکن، انتظار می‌رود که دو طرف بصورت موقت از تشدید یک جنگ تجاری تمام عیار خودداری کنند. با توجه این که حدود پنجاه روز دیگر تا پایان موعدها آتش بس اعلام شده از سوی ترامپ و شی جینپینگ در ارتباط با تعلیق افزایش تعرفه از ۱۰ درصد به ۲۵ درصد بر روی ۲۰۰ میلیارد دلار کالای چینی از سوی آمریکا زمان باقی مانده، به احتمال زیادی گفتگوهای فعلی میان دو طرف تا همان زمان نیز ادامه خواهد داشت. اما پیش از پایان این سرسید، انتظار می‌رود که ترامپ پیشاپیش پیروزی خود را در این مرحله از جنگ تجاری اعلام کند تا آتش بس فعلی را برای شش ماه دیگر تمدید کرده و در دوره دوم مسائل پرچالش بیشتری را مورد بحث و بررسی با چین قرار دهد.

ارزیابی من براساس تحلیل چالش‌های سیاسی و اقتصادی است که در حال حاضر شی جینپینگ و ترامپ با آن مواجه هستند. این ارزیابی همچنین براساس گفتگو با برخی اعضای کلیدی تیم مذاکره‌ای ترامپ و شی جینپینگ صورت می‌گیرد که در سفر اخیر به پکن با آن‌ها دیدار کردم.

در دیدار اخیرم از پکن، متوجه شدم که اگر بخواهیم چین را خوب بفهمیم، باید آن را بیشتر به عنوان یک شرکت در نظر بگیریم تا یک دولت. هر سال در ماه دسامبر، تیم‌های اقتصادی دولت اهداف خودشان را برای سال آینده ترسیم می‌کنند. درست مثل مدیر شرکت اپل یا آمازون، آن‌ها ارزیابی می‌کنند که جریان‌های غالب در اقتصاد از جمله رشد اقتصادی، طرح‌های پرچمدار رشد اقتصاد جهانی و یا مسائل غیرقابل پیش بینی در جنگ تجاری چه چیزهایی هستند. براساس همین ارزیابی‌ها آن‌ها درباره چگونگی رسیدن به رشد اقتصادی که به سهامداران شرکت‌ها قول داده‌اند، تصمیم گیری می‌کنند. مثلاً ۶.۵ درصد نرخ رشد اقتصادی.

در یک نشست دوستانه شی جینپینگ، رئیس‌جمهور چین در ماه دسامبر، او به اعضای کلیدی دولت گفت در شرایط فعلی حفظ رشد اقتصادی در سطح فعلی کمی دشوار به نظر می‌رسد و بهتر است آن‌ها در مورد وضعیت محتمل‌تر و واقعی‌تری تصمیم گیری کنند. بعد از آن در جریان جشن چهل سالگی «درب‌های باز» چین که ۱۸ دسامبر سال گذشته (کمتر از یک ماه پیش) برگزار شد، شی به مردم کشورش یا همان سهامداران شرکت چین، گفت که طی چهل سال گذشته کشورش

به رهبری حزب حاکم، توانسته هر سال حداقل ۱۰ رشد اقتصادی بدست آورد که رقم واقعا شگفت‌انگیزی در میان کشورهای جهان است.

اما سخنرانی شی جینپینگ انتقاد بسیاری تندی هم داشت. آن‌جا که او خیلی با قاطعیت گفت که کسی نمی‌تواند ارباب وار چیزی را به مردم چین دیکته کند. برای من این طرز بیان عجیب بود، اما همکاران چینی من توضیح دادند که شی تلاش دارد تا با این گونه موضع‌گیری از برخی انتقادات درون حزبی‌اش از او در ارتباط با انعطاف زیاد در برابر آمریکایی‌ها جلوگیری کند و نشان دهد که همچنان چین بر سرنوشت خودش حاکم است و چیزی را که به نفعش هست انجام می‌دهد.

سوالاتی که خیلی وقت‌ها سیاستمداران چینی از من می‌پرسند این است که آیا دولت فعلی آمریکا تا کنون توانسته به یک سوال پاسخ بدهد؟ به تازگی در جلسه‌ای که منوچین، وزیر خزانه‌داری آمریکا با لویه، معاون نخست‌وزیر چین داشت، توافق شد تا عدم توازن تجاری دو طرف در سال ۲۰۱۹ به میزان ۷۰ میلیارد دلار کاهش یابد. هر دو طرف در حالی میز مذاکره و چانه‌زنی را ترک کردند که فکر می‌کردند که آن‌چه را خواستند انجام داده‌اند، اما بعد از آن‌ها دیگر اعضای تیم ترامپ از جمله رابرت لایتیزر، نماینده تجاری و پیترو ناوارو، دستیار کاخ سفید این توافق را دنبال کردند.

لایتیزر رهبری مذاکرات اخیر آمریکا و چین را برعهده داشت. چینی‌ها هم به دقت مذاکرات اخیر نفتا میان آمریکا، کانادا و مکزیک و موفقیت آن‌ها را که درست چند ماه پیش برگزار شده بود، مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها متوجه شدند که توافق قدیم نفتا با توافق فعلی حداکثر بین ۱۰ تا ۱۵ درصد اختلاف دارد. پس آن‌ها متوجه شدند که کار سختی برای تبدیل چیزی که ترامپ آن را «بدترین معامله تجاری منعقد شده» به یک «معامله بزرگ» می‌خواند، ندارند و در این شرایط شی جینپینگ هم خیالش راحت خواهد بود که برای مدت‌ها بدون نگرانی می‌تواند به بازی خود ادامه دهد. پس چینی‌ها فهمیده‌اند با حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد تغییر در وضعیت تجاری فعلی می‌توانند دل ترامپ را بدست آورده و او را خوشحال کنند. یک دوست چینی به من یکبار گفت که چینی‌ها مدت‌ها قبل از این که کریستف کلمب آمریکا را کشف کند؛ دورو بازی و نیرنگ‌زنی را بلد بودند.

مذاکره‌کنندگان چینی جزئیاتی از توافق اخیر شی

جینپینگ و ترامپ را در مورد توافق آتش بس اخیر در اجلاس جی ۲۰ اعلام کردند. براساس این توافق قرار شده تا شکاف و اختلاف حجم مبادلات تجاری دو طرف کمتر شود، موانع غیر تعرفه‌ای بر کالاهای چینی کمتر شود، شرکت‌های آمریکایی سهم بیشتری در بازارهای کلیدی چین بدست آورند و بر سرقت مالکیت معنوی محدودیت‌های زیادی اعمال شود. با این حال در مذاکرات اخیر در مورد موضوعات پرچالش‌تر و سخت‌تری مانند سیاست‌های صنعتی و نقش دولت چین در اقتصاد و بازار سخنی به میان نیامده است.

تیم مذاکره‌ای چین همچنین به حساسیت بسیار زیاد ترامپ نسبت به بازار سهام آمریکا اشاره کردند. چشم‌انداز جنگ تجاری گسترده شرکت‌های آمریکایی را که بویژه رشدشان طی چند ماه گذشته به شدت افول کرده، دچار چالش‌های بیشتری خواهد کرد. رهبران چینی می‌دانند که وضعیت ترامپ در ادامه کار دولتشان چندان مساعد و مناسب نیست و او در حالت مرگ و زندگی در مقابل تنش با رهبران دموکرات کنگره قرار خواهد گرفت. چین همچنین می‌داند که ترامپ هر آن چ‌را که لازم است انجام خواهد داد تا از سقوط بازارهای آمریکا جلوگیری کند. چون این سقوط می‌تواند به بحران اقتصادی منجر شده و شکست ترامپ را در انتخابات ۲۰۲۰ قطعی کند.

پس قبل از ۱ مارس، یعنی پایان ضرب‌العجل آتش بس در جنگ تجاری، انتظار می‌رود که ترامپ پیروزی خود را به عنوان دستیابی به یک «معامله تجاری بزرگ» اعلام کند، معامله‌ای که به معنای فروش بیشتر یک تریلیون دلار کالاهای آمریکایی به چین است. علاوه بر خرید گاز، نفت و محصولات آمریکایی، انتظار می‌رود توافق با هدف افزایش سهم شرکت‌های آمریکایی در بانک، صنعت بیمه و بازار باشد. از آن جایی که تولیدکنندگان آمریکایی در حال حاضر دارای ۶ درصد واردات گاز فعلی چین، ۳ درصد واردات نفت چین و ۱۴ درصد از واردات محصولات کشاورزی این کشور هستند و در مقابل شرکت‌های چینی بر ۹۸ درصد بازار بانکی، ۹۵ درصد اقتصاد بنگاهی و ۹۱ درصد صنعت بیمه هستند، لذا افزایش جزئی سهم مشارکت شرکت‌های آمریکایی برای چینی‌ها کار چندان دشواری نیست و فاز دوم مذاکرات به احتمال بیشتری بر مسائل چالش‌سازتری از جمله مسئله مالکیت معنوی و سیاست‌های صنعتی دولت همراه خواهد بود.

در صفحه شطرنج ژئوپلیتیک، جنگ تجاری موضوع به نسبت کم اهمیتی است. در واقع شرایط حل و فصل این جنگ تجاری، تأثیری بر مسیر رقابت‌آمیز و توسعیدوار (توسعید تاریخ نگار یونان باستان) چین در حال رشد و آمریکای حاکم نخواهد گذاشت، حتی اگر چین همه چیزهایی را که ترامپ در جنگ تجاری فهرست کرده قبول کند، اما همچنان اقتصاد چین با رشد اقتصادی دو برابری نسبت به آمریکا ادامه می‌یابد. حال نتایج توافق بر روی بازارهای آمریکا یا چشم‌انداز سیاسی ریاست جمهوری ترامپ چه خواهد بود، خودش موضوع قابل بحث دیگری است.

با وجود این که خیلی‌ها نصیحت کردند که از پیش بینی کردن پرهیز کنیم، اما در هر صورت من اعلام یک معامله بزرگ توسط ترامپ را در جریان مذاکرات با چین بسیار محتمل می‌دانم.

## اهداف سفر منطقه‌ای پمپئو / صحنه گردانی امریکادر غیاب شورای همکاری



سیده مهدیه قرشی

سفر وزیر خارجه امریکا به کشورهای منطقه با هدف کاستن از اختلافات آنها متعاقب بحران قطر را می‌توان در راستای بازگرداندن نقش ضد ایرانی شورای همکاری خلیج فارس دانست.

مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا در حالی از میزبانی این کشور برای برگزاری اجلاس بین‌المللی با هدف مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران در ماه آینده خبر داد که پیش از این، گمان می‌رفت، تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر خروج نیروهای نظامی آمریکایی از سوریه، عقب‌گردی کامل از مواضع قبلی این کشور در منطقه است.

اما تلاقی زمانی مشارکت امریکا در آزمایش‌های نظامی شمال کویت با حضور بیش از ۲۵ هزار نیروی نظامی با سفر خاورمیانه‌ای پمپئو، از بهره‌گیری امریکا از زمین کویت برای تداوم حضور نظامی این کشور در غرب آسیا و رصد وضعیت سوریه از طریق کویت و کشور هم‌مرز آن، عراق و تمایل این کشور برای تداوم سیاست‌های مداخله‌گرانه‌اش در منطقه خبر می‌دهد.

ارسال تجهیزات نظامی پیشرفته آمریکایی به پایگاه هوایی «عین‌الاسد» در غرب استان «الانبار» در عراق نیز از دیگر اقداماتی است که شاهدهی بر همین مدعا است.

ضعف مواضع دیپلماتیک واشنگتن در منطقه خصوصا در قبال مسأله سوریه و واگذاری زمین بازی سوریه به ایران، روسیه و ترکیه موجب شد تا این کشور گزینه‌های دیگری را مورد توجه قرار داده و در صدد زمین‌گیر کردن محور مقاومت و در رأس آن، ایران باشد و در این زمینه توجه ویژه به اعضای شورای همکاری خلیج فارس در دستور کار این کشور قرار گرفته است.

اگرچه شورای همکاری خلیج فارس که تاکنون کارنامه قابل توجهی در تقابل با ایران داشته و به اقداماتی نظیر کمک سیاسی، اقتصادی و نظامی به

رژیم صدام در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق، تکرار ادعاها در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی و حمایت بقیه اعضا از این ادعاها و حتی حمایت عربستان از جریان تکفیری در تقابل با ایران و جریان مقاومت در عراق، یمن و سوریه با پشتیبانی شورای همکاری خلیج فارس دست زده، اما در حال حاضر، به دلیل بیرون زدن اختلافات در میان اعضای شورا که در خروج احتمالی کویت از آن نمود یافته، نمی‌توان این شورا را در دستیابی به اهداف ضد ایرانی‌اش موفق دانست.

لذا در این شرایط، برگزاری اجلاس بین‌المللی از سوی امریکا نشان می‌دهد که این کشور به دنبال پر کردن خلا ناشی از عدم اجماع و همکاری کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و استفاده از پتانسیل این کشورها در مقابله با ایران ذیل اعمال سیاست همکاری نظامی بیشتر با متحدان و دوستان در سطح جهان و منطقه است.

در واقع پس از ناکامی شورای همکاری خلیج فارس در از میان برداشتن دولت بشار اسد و عدم توانایی در مهار قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و دولت سوریه در اولویت برنامه‌های راهبردی این شورا قرار گرفت.

چراکه در یک دهه اخیر، رابطه با رژیم صهیونیستی به عنوان هدفی برای تقویت وضعیت و افزایش قدرت چانه‌زنی کشورهای عربی منطقه، مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که کشورهای عضو این شورا در این خصوص با چالش جدی روبه‌رو هستند.

به طوری که در مورد تفویض اختیار تام به رژیم صهیونیستی در مقابله با ایران دچار تشتت آرا بوده و حتی از بروز شرایطی که منجر به تقابل مستقیم با ایران شود اجتناب می‌کنند. در واقع برخی از این کشورها نسبت به رژیم صهیونیستی بی‌اعتماد هستند.

حمله اخیر جنگنده‌های صهیونیستی به فرودگاه دمشق پس از گذشت چندی از سفر عمر البشیر،

رئیس‌جمهور سودان به دمشق به عنوان نماینده عربستان سعودی که به منظور برقراری روابط دیپلماتیک با حکومت دمشق انجام شده بود و از تغییر در سیاست‌های راهبردی کشورهای عربی منطقه در قبال سوریه خبر می‌داد از جمله مواردی است که زمینه بی‌اعتمادی به رژیم صهیونیستی را فراهم می‌کند.

در عین حال، با توجه به اینکه از منظر رژیم صهیونیستی همکاری با شورای خلیج فارس پیامدهای عمیق امنیتی برایش داشته و زمینه تغییر موازنه قدرت ژئوپلیتیکی در غرب آسیا را فراهم می‌کند، لذا رژیم صهیونیستی تا زمانی به همکاری با شورا ادامه خواهد داد که با در نظر گرفتن منافع خودش که شامل دستیابی به منابع نفت، گاز و معدن منطقه و همچنین ضدیت با ایران است، بتواند رابطه با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را در این راستا تقویت کند.

اما از آنجا که روند مقابله با ایران در شورا به کندی پیش می‌رود، واشنگتن دست به ابتکار عمل زده تا بتواند دولت‌های ضد ایرانی اعم از رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس را گرد هم آورد تا از طریق شورای همکاری خلیج فارس منافع خود را در منطقه تامین کرده و ضمن اعمال فشار بر ایران، به تقویت حوزه دیپلماتیک‌اش که بعد از ماجرای سوریه، تضعیف شده بپردازد.

از سوی دیگر از منظر امریکا، این امر در کنار تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران و همچنین غبارآلود کردن فضای همکاری میان روسیه، ایران و ترکیه در سوریه می‌تواند تهران را به عقب‌نشینی در سیاست‌های منطقه‌ای‌اش وا دارد و تسلیم شود.

این در حالی است که تهران، تلاش کرده همواره در جهت گسترش روابط با کشورهای همسایه و ایجاد نظام امنیت دسته‌جمعی در منطقه گام بردارد و اساسا برخلاف رویه امریکا و اعمال سیاست‌های مداخله‌گرانه، تمایلی به دخالت در امور کشورها ندارد.

گراهام فولر بررسی کرد؛

## ترامپ و چرخش ناگهانی به سمت سیاست خارجی جدید



«گراهام فولر» مقام پیشین سازمان سیا در یادداشتی با تأکید بر لزوم کنار گذاردن سیاست مداخله گرایی از سوی آمریکا، تقسیم مسئولیتهای بین المللی در جهان پیچیده امروزی را امری ضروری خواند.

«گراهام ای. فولر» از مقامات بلندپایه و پیشین سازمان سیا آمریکا در یادداشتی در تارنمای «لابلگ» ضمن اشاره به دلایل زوال قدرت ژئوپلیتیکی آمریکا در عرصه جهانی و استدلال نخ نمای نخبگان آمریکایی در توجیه نقش هژمونیک آمریکا، بر ضرورت تقسیم مسئولیتهای بین المللی در جهان پیچیده کنونی و لزوم کنار گذاردن سیاست مداخله گرایی واکنشی از سوی واشنگتن تأکید کرد. در این یادداشت می خوانید:

«اگر ظهور قدرتهای جدید و نیرومندی همچون چین برای نظم ژئوپلیتیکی و تحت سیطره آمریکا یک چالش به شمار می رود، عکس این قضیه چطور خواهد بود؟ آیا یک قدرت بزرگ رو به زوال و غیرقابل پیش بینی که - حتی بدون حضور ترامپ - با یک نظم جدید و در حال ظهور در تقابل قرار دارد، چالشی علیه نظم بین المللی است؟

هر روز عناوین اخبار گویای زوال قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی آمریکا است. بخشی از این زوال ناشی از ظهور متعارف سایر کشورها مانند روسیه، چین، هند، ترکیه و برزیل به عنوان بازیگران مهم و جدید است. اما بخش اعظم آن از فروپاشی منطق نهفته در امپراتوری آمریکا، اشتباهات فاحش در حوزه سیاست خارجی این کشور ظرف سی سال گذشته و محرومیت های ظالمانه ای که شکست در جنگها بر نظم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا تحمیل کرده است، نشأت می گیرد.

ماهیت متغیر و خطرناک بسیاری از سیاستهای دولت ترامپ به سرپوش گذاردن بر ریشه های عمیق تر این زوال خودساخته گرایش دارد. بسیار راحت و البته خطرناک است که شخص دونالد ترامپ را مسئول این روند رو به زوال بدانیم. تمرکز بر نقاط ضعف شخصی ترامپ این توهم را تقویت می کند که ترامپ شخصا مشکل اساسی است و اینکه رفتن وی از کاخ سفید باعث حل این مشکلات خواهد شد.

اما این اتفاق روی نخواهد داد. ریشه های این مشکلات عمیق تر از آن است که تصور می شود. در حوزه سیاست خارجی، این مشکلات دست کم به دوران فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و «دوران تک قطبی» بر می گردد؛ زمانی که آمریکا با آغوش باز پذیرای این ایده شد که یگانه ابرقدرت جهان و یک هژمون جهانی بلامنازع و دیرپاست. هنوز بسیاری از نخبگان عرصه سیاست خارجی آمریکا این مفاهیم و نظریات را تکرار می کنند. این نخبگان هژمونی آمریکا را یک وضعیت طبیعی و شاید حتی عطیه ای از جانب خدا می دانند؛ هر دیدگاه متناقض با این باورها را دیدگاهی ناسازگار و ساده لوحانه نسبت به سرشت جهان، غیرقابل پذیرش به لحاظ ایدئولوژیکی و یا حتی نوعی پیمان شکنی تلقی می کنند.

زمانی که ترامپ با کیم جونگ اون در اوایل سال ۲۰۱۸ دیدار کرد، ما از طریق رسانه های جریان اصلی شاهد طرح مجدد این مفاهیم در دیدگاههای نخبگان بودیم. ما در غریب فریادهای بیمناک و برخاسته از تشکیلات سیاسی علیه تصمیم ترامپ برای خروج نیروها از سوریه یا در

هر تلاشی برای چیرگی بر روابط رو به زوال واشنگتن - مسکو شاهد طرح این مفاهیم بودیم.

من در کنار بسیاری دیگر از نقاط ضعف ترامپ، به جهل و نادانی وی در حوزه روابط خارجی کاملاً آگاه هستم. به عنوان نمونه، تاکنون دیدار وی با رهبر کره شمالی به طور گسترده ای به عنوان اقدامی بیهوده و خام دستانه محکوم شده است. فعلاً تا آینده ای نزدیک خلع سلاح هسته ای کره شمالی محقق نمی شود، اما شبه جزیره کره در حال حاضر نیز به شکل محسوس دستخوش تغییر شده است. روابط میان کره شمالی و کره جنوبی نسبت به یک سال پیش تفاوت چشمگیری یافته؛ گزاره گویی ها و تهدیدات هسته ای اکنون جای خود را به روابط حسنه و در عین حال محتاطانه داده است. کره جنوبی در مسیر این فرآیند دست به ریسکهای سنجیده ای زده است. شبه جزیره کره رو به آرامش پیش می رود. اما مضرات آن؟ اگر امور همچنان میان دو کره به خوبی پیش برود، حضور نظامی آمریکا در کره جنوبی به یقین خاتمه می یابد. یک پایگاه ژئواستراتژیک آمریکا در آسیای شرقی از دست خواهد رفت. اما برای دو کره، و در واقع برای بخش اعظمی از جهان، آیا گامهای کره به سمت عادی سازی روابط و حتی اتحاد مجدد و نهایی به منزله یک گام منفی خواهد بود؟ شاید این نگاه نخبگان سیاست آمریکا است که هنوز در توهم مباشرت دائمی آمریکا در عرصه ژئوپلیتیک جهان بسر می برند.

البته یک فاکتور ژاپنی نیز وجود دارد. این امکان وجود دارد که توکیو دست کم به این نتیجه برسد که به جای وابستگی به پنهان شدن در پشت حفاظ استراتژیکی آمریکا طی دهه های آینده، به بهبود و تمیق روابط دوجانبه خود با چین نیاز خواهد داشت. اما آیا ژاپن، یک کشور به شخصه قدرتمند، مقدر نیست که بر طبق معیارهای خود با واقعیت چین کنار بیاید؟ آیا آمریکا باید همواره در گیر فعالیتهایی علیه سیر تکاملی روابط «متعارف» تر این قدرت منطقه ای (چین) در شرق آسیا باشد؟ آیا سیاست خارجی آمریکا همواره به حفظ و دستکاری

منازعات بین المللی پایبند است؟

سوریه نیز تازه ترین موضوع مهم در واشنگتن است و به نظر می رسد محافظه کاران، اکثریت لیبرال ها و متخصصان حوزه سیاست خارجی در محکوم کردن تصمیم ترامپ برای خروج شمار اندکی از نیروهای آمریکا از باتلاق سوریه متفق القولند. اما آیا حضور نظامی آمریکا در سوریه عملاً اعاده تدریجی صلح در سوریه را - که نقطه پایانی بر کشتار و سیل مهاجران است - تسهیل می کند؟ تا آن زمان ما شاهد چه اخبار مهمی خواهیم بود؟ «هدیه کریسمس ترامپ به پوتین»، «آمریکا موقعیت خود را در سوریه از دست می دهد»، «چه کسی بازنده [مناقشه] سوریه است؟»، «ایران و روسیه برندگان بزرگ [مناقشه] سوریه» و سایر روایتیهای این چنینی که به عنوان تفسیر و شرح ماوقع در رسانه های جریان اصلی آمریکا مطرح می شوند.

متأسفانه بخش اعظم ضدیت ها با خروج آمریکا از سوریه به مخالفت سیاسی و غیرارادی با هرگونه اقدام ترامپ مربوط می شود که هدف از آن، تضعیف رئیس جمهوری آمریکا است. سایر مخالفتها نیز از این افسوس سرچشمه می گیرد که این خروج، دور شدن از منطقه ای است که زمانی پایگاه اصلی آمریکا در خاورمیانه به شمار می رفته است. در عین حال ما باید از خود پرسیم که آیا استیلای آمریکا بر خاورمیانه - مشتت بر حمایت قدرتمند از حاکمان مستبد، تجاوزهای نظامی، بمباران، عملیتهای ویژه، انهدام زیرساختها، مرگ و میر بالای یک میلیون مسلمان - ظرف چند دهه گذشته برای این منطقه ثمربخش بوده است؟ در بهترین حالت ممکن، این سیاستها اکنون در خدمت اهداف سیاسی و ناشیانه اسرائیل و عربستان سعودی است. آیا ما واقعاً بر این باور هستیم که کشورهای همسایه ای همچون ایران و ترکیه، یا روسیه و چین می توانند برای همیشه از عرصه نقش آفرینی به عنوان بازیگران بزرگ منطقه ای کنار گذاشته شوند؟ آیا همه چیز باید به صورت یک جنگ نیابتی باشد؟

خب شاید افغانستان صحنه بعدی خروج نیروها باشد:

پولانی ترین جنگ در تاریخ آمریکا که ثمری نداشت. آیا آمریکا واقعا یک رسالت ملی برای پاسداری ابدی از افغانستان در سر می پروراند؟ به خاطر داشته باشیم، هر چند که دلیل ظاهری برای تجاوز به افغانستان از میان بردن القاعده بود- امری که هرگز بطور کامل محقق نشد- هدف اصلی و ژئوپلیتیکی ایجاد پایگاههای نظامی آمریکا در قلب آسیا و در مجاورت روسیه و چین بود. (در مقابل، آیا می توان تصور کرد که واکنش آمریکا به تلاش چین یا روسیه برای ایجاد پایگاههای نظامی در کشورهای همجوار آمریکا چه بود؟)

برخی افراد دیدگاههای من را به چالش خواهند کشید. آنها اعتقاد دارند که آمریکا به عنوان یک «کشور استثنایی» دارای این حق، و نه وظیفه، است که به مثابه یک عامل انتظام بخش بطور نامحدود و بی چون و چرایی به جهان خدمت کند. («ترویج دموکراسی در جهان» مشخصه ممتاز آن است).

اما با این حال، برای ادای حق این منتقدان به راستی یک پرسش ژئوپلیتیکی منطقی و عمیق تر در این جا مطرح می شود- که مستلزم فهم و درک افراد از ماهیت سیاست بین الملل است. آیا نظم جهانی واقعا نیازمند حضور دائمی یک عامل انتظام بخش است؟ اگر پاسخ آری است، پس در صورت کناره گیری یا ناتوانی آمریکا برای خدمت رسانی به عنوان عامل انتظام بخش جهانی، آیا باید کشور دیگری بنا به ضرورت این مسئولیت را برعهده گیرد؟ یا اینکه باید به هر حال یک عامل انتظام بخش جهانی وجود داشته باشد؟ در واقع، آیا سیر تکاملی [به سمت] یک نظم بین المللی چندقطبی، آینده محتوم

و مطلوب نظام بین الملل است؟

من به رویگردانی آمریکا از نقش خودخوانده خود به عنوان عامل انتظام بخش جهان در آینده ای نه چندان نزدیک، امید چندانی ندارم. جای بسی تأسف است، اما به نظر می رسد که آمریکا در حال وارد کردن لطمات سنگینی به خود است؛ همان کاری که روم و بریتانیا و سایر امپراتوریهای پیشین جهان با خشکاندن منابع ثروت و نیروی حیات بخش خود در مداخلات نظامی بی فایده بین المللی- که همه آنها حیاتی اعلان می شد!- انجام دادند.

این موقعیت به بهای بودجه نظامی آمریکا تمام می شود- که بزرگتر از مجموع بودجه نظامی پنج کشور بعدی است- و منابع مالی که باید صرف زیرساختهای رو به اضمحلال، حمل و نقل عمومی، توزیع بایات درآمد، کاهش جدی قدرت سیاسی «مجتمع صنعتی نظامی»، نظام خدمات درمانی ورشکسته، پایه گذاری علوم غیرنظامی، تحصیلات عالیه رایگان و پرورش هماهنگی اجتماعی در آمریکا شود. به نظر می رسد که چین در بسیاری از این حوزه های مولد اجتماعی به طور قابل ملاحظه ای در حال سرمایه گذاری است؛ آنهم در شرایطی که آمریکا ترجیح می دهد پول خود را به سمت تشکیل اتلافهای ژئوپلیتیکی و آماده سازی برای منازعه روانه سازد.

چرا تنها عده بسیار قلیلی در داخل آمریکا این دیدگاه را که رسالت این کشور در جهان مداخله در هرجا، همه جا و همیشه- و اصولا به نفع حراست از هژمونی بین المللی آمریکا- است، به چالش می کشند؟ به نظر می رسد ما

تمایل چندانی به تصدیق این [واقعیت] نداریم که زندگی در جهان پیچیده کنونی مستلزم تقسیم مسئولیتهای بین المللی است. آیا واقعا می توانیم بر این باور باشیم که آینده سپهر سیاسی افغانستان بیش از آنکه برای کشورهای همجوار آن یعنی روسیه، چین، پاکستان، ایران و هندوستان دارای اهمیت باشد، برای آمریکا موضوعی قابل توجه است؟ آیا «جنگ دائمی» و مداخله نظامی دائمی راه حفظ عظمت آمریکا است؟

ما می توانیم در مورد جزئیات و برنامه زمانی برای خروج تدریجی از بسیاری از مناقشات بین المللی بحث و گفتگو کنیم. با این حال، هر قدر هم که دولت ترامپ و شیوه کاری آن سست و بی اثر باشد، شاید بد نباشد به دقت به این نکته توجه کنیم که آیا دست کم شم غریزی ترامپ- برای خروج تدریجی آمریکا از تعهدات نظامی خارجی و بی پایان این کشور- ممکن است مزایایی در پی داشته باشد. سیاست خارجی باید متضمن اموری بیش از شناسایی دائمی دشمنان و درک «تهدیدات» باشد.

از قضای روزگار، گاهی اوقات شم غریزی و خام دستانه ترامپ در حوزه سیاست خارجی در چارچوب آنچه که «چپ آمریکایی» قلمداد می گردد، به اشتراک گذارده می شود. صرف نظر از اقدامات ترامپ در این حوزه؛ خواه به واسطه بوروکراسی قوام یافته سیاست خارجی «مجاز» به انجام آن باشد یا نه؛ این احتمال وجود دارد که کنار گذاردن سیاست مداخله گرایی واکنشی آمریکا از سوی این تشکیلات قدرتمند یا «دولت پنهان» بیش از یک نسل به طول انجامد. اما شاید ما صرفا شاهد یک آغاز هستیم.

## مقام ارشد سابق سازمان سیا:

# فشار امریکا به ایران هیچ دستاوردی نداشته است



«پل پیلار» تحلیلگر ارشد سابق سازمان سیا معتقد است که ترامپ تمام سیاست خارجی خود را به موضوع ایران خلاصه کرده که جای تعجب دارد.

«پل پیلار» تحلیلگر ارشد سابق سازمان سیا در تحلیلی که در سایت «شنال اینترست» نوشته به بررسی سخنرانی «مایک پمپئو» وزیر خارجه امریکا و تمرکز غیرعادی و غیر موجه سیاست خارجی ترامپ بر موضوع ایران پرداخته است.

سخنرانی وزیر امور خارجه امریکا مایک پمپئو در قاهره به نظر می رسد در راستای سیاست داخلی که ظاهرا تعیین کننده ادبیات ترامپ است بود و ظاهرا این سخنرانی تنها برای خوشحال کردن یک نفر ایراد شد، برای خوشحالی دونالد ترامپ.

موضوع اصلی، یک موضوع آشنا یعنی سیاست امریکا پیش از رییس جمهوری ترامپ بود که فرض بر این است که به کلی وحشتناک بوده و بعد از آن دولت جدید آن را درست کرده است.

دیگر موضوع آشنایان بود که همه چیز در سیاست خارجی امریکا باید پیرو مساله مقابله با ایران باشد. هر هدف یا اهدافی که این سخنرانی ممکن است دنبال کرده باشد برای مخاطب های آن در خاورمیانه مطلب تازه ای نداشت.

این سخنرانی در مقایسه با سخنرانی که باراک اوباما در همین شهر در اولین سال ریاست جمهوری خود ایراد کرد این تفاوت را داشت که آن سخنرانی به دقت مخاطب خود از خاورمیانه را مورد توجه قرار داد.

پیام اوباما این بود که جهان اسلام و غرب می توانند رابطه ای بهتر از آنچه تاریخ پیشیندا داده است تجربه کنند

ولی لازمه بهبود آن این است که هر دو طرف به طور شفاف رویکردهای مثبت و کمبودهایی که هر کدام از دو طرف وارد این رابطه خواهند کرد را بشناسند.

اوباما درباره ارزش های مثبتی که امریکا به خاورمیانه آورده است صحبت کرد ضمن اینکه صادقانه به اشتباهاتی که غرب در مواجهه با جهان اسلام مرتکب شده اعتراف کرد؛ اشتباهاتی از زمان جنگ های صلیبی تا اشتباهات کنونی که به اسلام هراسی منجر شده اند. او همچنین

دستورالعمل جامع مثبتی را برای برقراری ارتباط عنوان کرد که موضوعاتی از کنترل سلاح های هسته ای تا گستراندن دموکراسی، آزادی دینی، حقوق زنان و توسعه اقتصادی را پوشش می داد. سخنرانی اوباما به خوبی پذیرفته شد و به عنوان یک بیانیه مهم تلقی گردید.

پمپئو سخنرانی خود را با سخنرانی اوباما مقایسه کرد و گفت ده سال برای مردم کافی است تا آنچه را اوباما گفته بود فراموش کنند و آن را به عنوان یک سخنرانی «پیر از سوءتفاهم های بنیادی» که نتایج هولناکی داشته است مورد انتقاد قرار داد.

پمپئو گفت که اوباما به شما گفت که تروریسم برخاسته از ایدئولوژی نیست. نه، اوباما این را نگفت او فاکتورهای اصلی را مورد بحث قرار داد مانند سرکوب سیاسی و برخی پیامدهای اقتصادی جهانی شدن که در اینکه چنین ایدئولوژی به وجود آید موثر است.

نظر «بروس ریدل» از موسسه بروکینگز درباره سخنرانی اوباما این بود که از مهمترین وجوه آن سخنرانی حمله مستقیم به ایدئولوژی القاعده بود. مدتها بود که القاعده به عنوان یک جنگ ایدئولوژیکی مطرح بود. با توضیح

دیدگاه خود از اسلام و صلح اعراب و اسرائیل و دیگر مسائل کلیدی، رئیس جمهور دلایل خود درباره علت تروریست بودن القاعده را ارائه داد.

همچنین طبق گفته پمپئو پیش از روی کار آمدن دولت کنونی «سرسختی و خشونت اسلام گراهای افراطی دست کم گرفته می شد». این بیانیه مطمئنا سخنرانی اوباما در قاهره را که در آن اوباما با جدیت «نامربوط بودن خشونت اسلام گراهای افراطی را که تهدیدی خطرناک برای امنیت ما هستند» را منعکس نمی کرد.

مانند سخنرانی های معمول، سخنان پمپئو بدون داشتن پایه و اساسی حتی پیش از آنکه به طور رسمی شروع به کار کند می خواست نتیجه هر اقدام مثبت انجام شده ای توسط هر شخصی را متعلق به دستگاه مدیریتی خود بداند. ضمن صحبت

درباره مبارزه علیه داعش، همزمان پمپئو درباره چیزی که «همین سال پیش» انجام گرفته به عنوان منبعی برای آنکه ۹۹ درصد اراضی در دست داعش آزاد شده اند به کار برد، بدون اینکه اشاره کند که بیشتر این آزادسازی مربوط به زمان وزارت

وزیر خارجه پیشین است.



## تحرکات مشکوک آمریکایی هادر عراق؛ دست مقاومت روی ماشه پیروزی است

رامین حسین آبادیان



آمریکایی ها در حالی تحرکات مشکوک خود در عراق و مرزهای این کشور را کلید زده اند که گروه های مقاومت این کشور از آمادگی بالایی جهت مقابله با هرگونه اشغالگری جدید ایالات متحده آماده هستند.

ایالات متحده آمریکا به تازگی تحرکات جدیدی را در داخل خاک عراق و در مرزهای این کشور کلید زده است که صدای اکثر گروه های سیاسی و گروه های مقاومت نظامی این کشور را درآورده است. تحرکات کنونی این شائبه را ایجاد کرده که آمریکایی ها قصد دارند فصل جدیدی از اقدامات خصمانه خود در عراق را آغاز کنند.

حرف و حدیث ها درباره تحرکات مشکوک نیروهای آمریکایی در خاک عراق و مرزهای این کشور در حالی مطرح می شود که اخیراً «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری این کشور در اقدامی غیر اخلاقی و خارج از موازین دیپلماتیک بدون اطلاع قبلی به «الانبار» عراق سفر کرد و مستقیماً به پایگاه های نیروهای آمریکایی در این استان، رفت.

همین سفر خارج از موازین دیپلماتیک بود که موجب شد تا احزاب و جریان های مختلف عراقی بر لزوم اتخاذ مواضع قاطعانه در قبال تحرکات آمریکایی ها تأکید دوچندان داشته باشند و تحرکات آنها در کشور خود را بیش از پیش رصد کرده و آن را تحت نظر داشته باشند.

### استقرار نیروهای خارج شده از سوریه در «عین الاسد»

برخی اخبار حاکی از آن هستند که بخشی از نیروهای آمریکایی خارج شده از سوریه در پایگاه عین الاسد عراق مستقر شده اند. منابع امنیتی عراق نیز ضمن تأیید این مطلب تأکید کرده اند: آنچه درباره خروج نیروهای آمریکایی از سوریه به اربیل گفته می شود همه حقیقت نیست بلکه بخش اعظم آنها در پایگاه عین الاسد در استان الانبار و در پادگاه های نظامی دیگر در این استان مستقر شده اند.

این در حالی است که گروه های سیاسی عراق ورود نیروهای آمریکایی از سوریه به عراق را بسیار خطرناک دانسته و اعلام کرده اند که پارلمان به دنبال تصویب مصوبه ای برای بیرون کردن نیروهای خارجی در اسرع وقت است. منصور البیجی نماینده پارلمان عراق گفت: ائتلاف البناء بدون درنگ به خروج نیروهای خارجی از اراضی عراق اگر مصوبه ای در مجلس در این باره به رای گذاشته شود، رای خواهد داد.

وی افزود: این نیروها حاکمیت عراق را نقض کرده اند و در اراضی ما مأمولوب محسوب می شوند. خروج نیروهای آمریکایی از سوریه و ورود آنها به عراق بسیار خطرناک است و نمی توان در قبال آن سکوت کرد از این رو ما در پارلمان به نفع قانون خروج نیروهای خارجی در اسرع وقت رای خواهیم داد.

البیجی تأکید کرد: عراق پایگاهی برای نیروهای آمریکایی برای هدف قرار دادن دیگر کشورها نخواهد

بود و آنچه دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا بیان کرده؛ موضوعی بسیار خطرناک است و عراق نمی پذیرد که عرصه کشمکش یا نقطه عملیات آمریکا آنگونه که ترامپ اشاره کرده، باشد.

### تأسیس پایگاه جدید در «صلاح الدین» و «الانبار»

علاوه بر آنچه که در خصوص پایگاه عین الاسد و استقرار نیروهای خارج شده از سوریه در این پایگاه گفته شد، آمریکایی ها تحرکات دیگری را نیز در عراق انجام می دهند. از جمله این تحرکات می توان به اقدام آنها در تأسیس پایگاه جدید در «صلاح الدین» و «الانبار» اشاره کرد؛ اقدامی که بدون شک حاکمیت ملی عراق را تحت الشعاع قرار می دهد. به نظر می رسد که ایالات متحده آمریکا پس از شکست در پروژه تأثیرگذاری بر روند سیاسی عراق به منظور به قدرت رساندن عناصر مزدور در این کشور، پروژه ای را در پیش گرفته تا طی آن حضور نظامی خود در عراق را بیش از پیش تقویت کند. درست به همین دلیل است که خبرهای زیادی حاکی از اقدام آمریکایی ها در تأسیس پایگاه های جدید در الانبار و صلاح الدین است.

در همین ارتباط، «قاسم مصلح» فرمانده عملیات حشد شعبی در استان الانبار در سخنانی تأکید کرد: خبرهایی در خصوص احداث پایگاه های جدید آمریکایی در الانبار و صلاح الدین به گوش می رسد که نقض حاکمیت ملی عراق محسوب می شود. وی گفت: امیدواریم که دولت عراق موضع قاطعانه ای را در قبال اقدامات تحریک کننده آمریکایی ها در کشور اتخاذ کند.

وی اظهار داشت: ما خود به تنهایی قادر به حمایت و حفاظت از خاک و مرزهایمان هستیم و نیازی به وجود نیروهای بیگانه نیست. این فرمانده حشد شعبی همچنین سفر محرمانه ترامپ به الانبار را نشأت گرفته از ترس و وحشت او اعلام کرد و گفت: گشت زنی فرمانده نظامی آمریکایی در بغداد اقدامی تحریک آمیز بود.

### گشت و گذار ژنرال آمریکایی در بغداد

از سوی دیگر، تحرکات آمریکایی ها به آنچه که پیشتر گفته شد، محدود و محصور نمی شود. اخیراً یکی از ژنرال های آمریکایی در گامی عجیب، اقدام به گشت و گذار در خیابان های بغداد کرده است؛ مسأله ای که خشم بسیاری از گروه های سیاسی و گروه های مقاومت عراق را به

دنبال داشت و حتی مردم این کشور نیز در شبکه های اجتماعی واکنش های تند را نسبت به این اقدام از خود نشان دادند. ماجرا از این قرار بود که «آستین رینفورت» جانشین فرماندهی ارتش آمریکا در عراق چندی پیش در خیابان المنتبی (مرکز فرهنگی بغداد) اقدام به گشت و گذار کرد. این فرمانده آمریکایی به همراه شماری از افسران ارتش آمریکا و جلیل الربیعی فرمانده عملیات بغداد و برخی افسران عراقی به این خیابان فرهنگی بغداد رفته بود.

این اقدام مشکوک واکنش گروه های سیاسی و گروه های مقاومت عراق را به دنبال داشت. گردان حزب الله عراق از همراهی فرمانده عملیات بغداد با افسران آمریکایی که در خیابان المنتبی بغداد حضور یافته بودند انتقاد کرد و این اقدام را اهانت به خون شهدایی دانست که با اشغالگران مبارزه کردند. «محمد محیی» سخنگوی گردان حزب الله از پارلمان عراق خواست در برابر دخالت های آمریکا و برای مجازات مسئولان این حادثه، به وظیفه خود عمل کند.

وی با اشاره به اینکه عراقی ها اجازه نمی دهند بار دیگر کشورشان اشغال شود، گفت: دیدار مخفیانه دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا به عراق و گشت و گذار افسران آمریکایی در خیابان های بغداد بر خلاف استقلال و حاکمیت عراق است. از سوی دیگر «بدر الزیادی» عضو کمیته امنیت و دفاع پارلمان عراق از رئیس پارلمان خواست با دعوت از جلیل الربیعی فرمانده عملیات بغداد از آنها در مورد گشت زنی افسران آمریکایی در خیابان های بغداد توضیح بخواهد.

### دست گروه های مقاومت روی ماشه است

این در حالی است که گروه های مقاومت واکنش شدیدالحنی به تحرکات اخیر آمریکایی ها در عراق نشان داده اند. گردان های حزب الله و جنبش عصائب اهل الحق عراق تهدید شدید الحزنی را علیه آمریکایی ها مطرح کردند. این دو گروه مقاومت عراق با صدور بیانیه هایی اعلام کردند که تحرکات جدید نیروهای آمریکایی در این کشور را به دقت رصد می کنند. این گروه های مقاومت عراق تأکید کردند که گشت زنی معاون فرماندهی عملیات ارتش آمریکا در خیابان های بغداد نقض آشکار حاکمیت ملی عراق بوده و توهینی وقیحانه به مردم این کشور به شمار می رود. این گروه ها همچنین تصریح کردند: ما به شدت از اتفاقی که رخ داده عصبانی هستیم و تحرکات آمریکایی ها در تعدادی از استان های عراق را با دقت تمام زیر نظر داریم.

حزب الله و عصائب اهل الحق عراق تأکید کردند: در حال حاضر اتخاذ یک موضع قاطعانه در قبال اتفاق اخیر و همچنین تحرکات جدیدی آمریکایی ها در عراق را به دستگاه دیپلماسی، نخست وزیر و پارلمان عراق واگذار می کنیم اما در صورتی که دیپلماسی نتیجه ندهد، مقاومت عراق برای مقابله با اشغالگری های مستقیم و غیر مستقیم آمریکایی ها در این کشور آماده است تا ماشه پیروزی را به روی آنها بچکاند.

گزارش خبری - تحلیلی؛

# اولین نشست کابینه ترامپ در سال ۲۰۱۹؛ نمایش پوستر ضد ایرانی

جواد حیران نیا



اولین نشست کابینه ترامپ در سال نو میلادی در حالی برگزار شد که یک پوستر ضد ایرانی نیز بر روی میز رییس جمهور آمریکا خودنمایی می کرد. «دونالد ترامپ» رییس جمهوری ایالات متحده آمریکا در اولین نشست کابینه دولت در سال جدید میلادی (۲۰۱۹) مواضع خود در خصوص موضوعات مختلف را بار دیگر تکرار کرد.

شاید مهمترین نکته ای که ترامپ در این نشست بیان کرد سخنانش درباره هند و شخص نخست وزیر هند بود. با روی کار آمدن ترامپ رابطه واشنگتن با اسلام آباد که رقیب منطقه ای هند است شکر آب شد. ترامپ معتقد بود که اسلام آباد به آمریکا در خصوص مبارزه با طالبان و گروههای تروریستی دروغ می گوید و این گروهها از داخل خاک پاکستان مورد پشتیبانی قرار می گیرند و منافع آمریکا را تهدید می کنند.

ترامپ در نشست کابینه نیز بار دیگر به اسلام آباد تاخت و گفت: می خواهیم رابطه ای عالی با پاکستان داشته باشیم اما آنها به دشمن پناه می دهند و از آنها مراقبت می کنند. ترامپ ادامه داد: پس نمی توانیم آن (رابطه خوب) را داشته باشیم. بنابراین، من چشم انتظار دیدار با همکاران پاکستانی و رهبران جدید این کشور می مانم و این اتفاق در آینده ای نه چندان دور خواهد افتاد.

ترامپ پیشتر کمک ۱.۳ میلیارد دلاری به پاکستان را به اتهام حمایت این کشور از طالبان قطع کرد. اما بعدها، عمران خان نخست وزیر پاکستان با رد ادعاهای آمریکا مبنی بر وجود پناهگاه های طالبان در خاک پاکستان، گفت: بارها از طرف آمریکایی خواسته ایم اگر مدرکی دال بر وجود این پناهگاه ها در پاکستان در اختیار دارند، آن را ارائه دهند. نوار مرزی پاکستان و افغانستان از بیشترین میزان نظارت برخوردار است.

این در حالی است که بعدها ترامپ خواستار مشارکت اسلام آباد در روند صلح افغانستان شد. به دنبال این درخواست، پاکستان در ماه آذر، میزبان یک دوره مذاکره میان نمایندگان طالبان و آمریکا بود. در همان ماه، امارات نشست دیگری میان طالبان و آمریکا برگزار کرد. اما دوری ترامپ از پاکستان با نزدیکی به هند تحلیل می شد. هند یکی از متحدین منطقه ای مهم دولت آمریکا به شمار می رود.

اهمیت این موضوع زمانی درک می شود که بسیاری از استراتژیستها مهمترین و یگانه ترین تهدید آینده آمریکا را «چین» می دانند و دلمشغولی آمریکا در خاورمیانه را امری بیهوده می دانند که مانع از اقدام جدی برای مهار چین شده است. لذا مهار چین نه تنها در دولت ترامپ بلکه در دول قبلی آمریکا نیز مورد توجه جدی بوده است. دکتربین «چرخش به سوی آسیا» دولت اوباما و نگاه ترامپ به تحولات چین و جنگ تجاری با این کشور از منظر مهار چین قابل ارزیابی است.

بر همین اساس کاخ سفید از امضای مصوبه ای از سوی دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا خبر داد که با اتکا به

کرد و از آزادی عمل ایران برای ادامه حضور در سوریه خبر داد اما مدعی شد که همزمان با خروج نظامیان آمریکایی از این کشور، ایران نیز دیگر به دنبال تقویت حضور خود در آنجا نیست.

وی در این باره مدعی شد: ایران دیگر همان کشور سابق نیست. ایران در حال خروج نیروهایش از سوریه است. صادقانه بگویم؛ آنها هر کاری که بخواهند می توانند آنجا انجام دهند. اما دارند نیروهایشان را بیرون می برند. آنها در حال خروج از یمن نیز هستند. ترامپ در ادامه ادعای خود افزود: اکنون تنها چیزی که ایران می خواهد این است که دوام بیاورد!

وی همچنین مدعی شد خروج آمریکا از برجام موجب تغییر محاسبات تهران و مانع از نفوذ ایران در منطقه شده است.

رئیس جمهوری آمریکا ادعای خود را این گونه ادامه داد: ایران به دنبال تسلط بر همه چیز و نابودی اسرائیل بود اما اکنون کشوری بسیار متفاوت تر از قبل است. دوست دارم با ایران مذاکره کنم.

ترامپ در حالی از تمایل به گفتگو با ایران سخن می گفت که مقابل او بر روی میز پوستر یکی از فیلم «تاج و تخت» طراحی شده بود که در زمان اعمال تحریمهای نفتی علیه ایران از آن در تویتر خود رونمایی کرده بود!

## عربستان

ترامپ در این نشست مدعی شد ایران پس از خروج آمریکا از توافق هسته ای کشوری کاملاً متفاوت شده است. وی افزود: زمانی که رئیس جمهور شد هر منطقه از خاورمیانه به خاطر ایران تحت حمله بود. سوریه، یمن و هر جای دیگر و عربستان تحت محاصره ایران قرار داشت. در واقع همه جا تحت محاصره بود.

تکیه و تأکید ترامپ در ایران هراسی امر جدیدی نیست اما آنچه در این میان حائز اهمیت است منافع مالی است که از رهگذر این هراسی از کشورهای حاشیه خلیج فارس نصیب خود کرده است.

رابطه ترامپ با عربستان چنان برای او امری حیاتی است که منتقدان داخلی او هم به این امر وقوف کامل دارند. در قضیه قتل قاشقچی ترامپ تمام تلاش خود را برای مبرا کردن «محمد بن سلمان» از این قتل و وارد معامله شدن با ترکیه برای سکوت در مقابل این موضوع را انجام داد.

منتقدان داخلی ترامپ هم می دانستند که اهمیت قراردادهای تسلیحاتی ترامپ با عربستان چقدر برای او و دولتش و آینده سیاسی او حائز اهمیت است. لذا فشار حداکثری در این زمینه اعمال شد و حتی سازمان سیا و مجلس سنا نیز «محمد بن سلمان» را عامل قتل قاشقچی اعلام کردند. اما به هر روی ترامپ با آخرین معامله ای که با اردوغان و ترکیه کرد سعی کرد حد و مرز موضوع قاشقچی تا همین اندازه باقی بماند و مدرک «تهابایی و کاری» توسط آنکارا رو نشود.

عربستان هم در جهت توجیه افکار عمومی دادگاه متهمان قتل قاشقچی را برگزار کرد تا مرهمی بر بی ابرویی «بن سلمان» در افکار عمومی جهانیان باشد.

راهبردی چندجانبه، برای پیشبرد منافع واشنگتن در منطقه ایندو-پاسیفیک، ارائه شده است.

کاخ سفید در این باره گفت: ترامپ قانون «اطمینان از آسیا» را که پایه گذار راهبردی چندجانبه برای افزایش امنیت آمریکا، منافع تجاری و ارزش ها در منطقه ایندو پاسیفیک است؛ امضا کرد.

این مصوبه ماه میلادی گذشته در کنگره آمریکا تصویب شد و مبلغ ۱.۵ میلیارد دلار را به مواردی چون مبارزه با نفوذ راهبردی چین در سراسر جهان از جمله تلاش ادعایی یکن برای به چالش کشیدن نظم بین الملل، اختصاص داد.

این قانون همچنین رئیس جمهوری آمریکا را به توسعه راهبردی دیپلماتیک ملزم می کند که شامل همکاری با متحدین برای انجام عملیات های مشترک کشتیرانی در دریای چین جنوبی و شرقی باشد.

این در حالی است که ترامپ علیرغم امضای این قانون، حدود ۲۰ ماده را مشمول استثنائاتی کرده تا دست وی را برای اعمال تصمیم گیری های آتی در منطقه ایندو پاسیفیک به ویژه در رابطه با کره شمالی، باز بگذارد. علیرغم اینکه هند نقش مهمی در راستای مهار چین و دکتربین «اطمینان از آسیا» خواهد داشت اما سخنان ترامپ در خصوص هند و چراغ سبز به پاکستان در نشست کابینه دیرروز حاوی پیامهایی برای دهللی نو است.

ترامپ در نشست دیرروز کابینه گفته بود بسیاری از کشورها از آمریکا پول دریافت می کنند، اما در موقع نیاز واشنگتن از جمله در سازمان ملل، از ایالات متحده حمایت نمی کنند. او همچنین مدعی شد که کشورهایی هم که در مواردی از آمریکا حمایت می کنند، کمک های خود را به رخ واشنگتن می کشند و بابت آن میلیاردها دلار از آمریکا پول می گیرند.

ترامپ سپس با لحنی تمسخرآمیز گفت: بگذارید مثالی بزنم. من با هند و نخست وزیر مودی رابطه خوبی دارم، اما، او مدام به من می گوید که در افغانستان یک کتابخانه ساخته. یک کتابخانه!

وی افزود: می دانید یعنی چی؟ در مقایسه با هزینه ای که ما کرده ایم، اندازه [دستمزد] پنج ساعت کار هم نیست. خوب، او خیلی باهوش است. چون ما باید بگوییم بابت کتابخانه ممنونیم. نمی دانم هم که چه کسی در افغانستان از آن کتابخانه استفاده می کند.

## ایران

ترامپ در نشست کابینه در خصوص ایران هم صحبت

## میشله و جولی رقیبان جدی ترامپ؛

# احتمال رقابت ۲ زن با ترامپ برای حضور در کاخ سفید



در حالی که دو چهره سرشناس حزب دموکرات آمریکا تلاش خود را برای رقابت با «ترامپ» در انتخابات ۲۰۲۰ آغاز کرده اند گمانه زنی‌ها از احتمال حضور دستکم دو زن معروف در این رقابت‌ها حکایت دارند. ستاتور «برنی سندرز» و «جو بایدن» چهره‌های سرشناس حزب دموکرات از ماه گذشته تلاش خود را برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا آغاز کرده اند اما در این میان صحبت از حضور «میشله اوباما» بانوی اول سابق آمریکا و «آنجلینا جولی» هنرپیشه معروف آمریکایی در این رقابت‌ها است.

### آنجلینا جولی

آنجلینا جولی هنرپیشه ۴۳ ساله سرشناس هالیوود در اظهاراتی احتمال حضور در سیاست را رد نکرد و گفت: هدف من کمک به مردم است. احتمال نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد. هر جا احساس کنم به من نیاز است حضور دارم.

او که فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور پناهندگان است، روز جمعه گفت که برای ایجاد تغییر شاید وارد دنیای سیاست شود.

جولی که مهمان ویژه شبکه چهار رادیوی بی بی سی بود، در مورد مسائل پناهجویان در خاورمیانه نیز صحبت کرد.

جولی تاکنون توانسته چهار بار جایزه گلدن گلوب، دو بار جایزه اتحادیه بازیگران سینما و یک بار جایزه اسکار را ببرد. وی در سالهای اخیر فعالیت‌های عام المنفعه را دنبال می‌کند و به عنوان سفیر آمریکا در امور پناهندگان به کشورهای دچار بحران سفر می‌کند.

### میشله اوباما

هر چند بانوی اول سابق آمریکا در گذشته اعلام کرده که تمایلی برای حضور در عرصه سیاست ندارد اما نتایج یک نظر سنجی جدید که در «واشنگتن اگزامینر» منتشر شده نشان می‌دهد که میشله در صورت ورود به این عرصه رقابتی بسیار نزدیک با بایدن و سندرز خواهد داشت و

اخیرا گروهی از رای دهندگان دموکرات در یک نظرسنجی موسسه مک لافن به این سوال که در انتخابات آتی به چه کسی رای می‌دهید؟ جواب داده‌اند و جو بایدن و میشله اوباما با اختلافی اندک در راس این فهرست قرار دارند.

میشله اوباما دو سال پیش و از زمان سخنرانی‌های انتخاباتی به نفع هیلاری کلینتون، به چهره‌های شاخص در میان دموکرات‌ها تبدیل شد و همان زمان کسانی از پتانسیل او برای ریاست جمهوری نوشتند. او در این فرصت نشان داد که در سخنوری از همسرش هیچ کم ندارد و می‌تواند با قدرت کلماتش، بر مخاطبانش تاثیر بگذارد.

### روزهای سخت ترامپ

این وضعیت در حالی است که ترامپ به موجب تعطیلی دولت، تحقیقات در مورد ارتباط وی با روسیه و دخالت روس‌ها در انتخابات ۲۰۱۶، پرداخت حق السکوت به زنان، جنگ یمن و حمایت بی قید و شرط از «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان سعودی، به شدت تحت فشار بوده و مجلس نمایندگان آمریکا بعد از تعطیلات سال نو، پرونده‌های ویژه‌ای را علیه ترامپ باز خواهند کرد. در این شرایط حتی صحبت از استیضاح ترامپ به میان آمده و امروز شنبه هیل بر اساس نتایج یک نظرسنجی جدید از تمایل مردم آمریکا برای استیضاح ترامپ گزارش داده است.

البته حمایت مردمی از وی بیشتر خواهد بود. میشله به تازگی کتاب خاطرات خود را منتشر کرده و برخی معتقدند که این کار برای آماده‌سازی مقدمات جهت نامزد شدن در انتخابات ۲۰۲۰ است. بی بی سی در این رابطه می‌نویسد: در برنامه معرفی و تبلیغ کتاب زندگینامه میشله اوباما در واشنگتن که اخیرا منتشر شده، باراک اوباما رئیس جمهوری پیشین آمریکا با دسته‌گلی صورتی روی صحنه آمد تا همسرش را غافلگیر کند. یک تور فشرده برای معرفی کتاب، گفتگوهای داغ درباره سیاست و زندگی مردم آمریکا و البته هر بار حرف به دونالد ترامپ هم می‌کشد.

این می‌تواند حضور یک چهره سرشناس برای کمک به فروش بیشتر یک کتاب یا بخشی از شروع نمایش بزرگ انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ آمریکا باشد.

«میشله اوباما شدن» عنوان کتاب خاطرات بانوی اول پیشین آمریکا است که به تازگی منتشر شده است. میشله اوباما این روزها سخت مشغول برنامه‌ها تور معرفی کتابش است و شهر به شهر سفر می‌کند.

اکثر بلیت‌های برنامه معرفی کتاب وی در شهرهای نیویورک، بوستون، واشنگتن، سن خوزه و... فروخته شده و در مواردی تنها بلیت‌های اندکی با قیمت‌های ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار باقی مانده‌اند.

## با شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی؛

# گراهام: ترامپ بانخست وزیر پاکستان دیدار کند



افغانستان به بحث و تبادل نظر پرداخت. گفتگو در مورد مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین گسترش روابط تجاری و اقتصادی بین طرفین از دیگر موضوعات مورد بحث در این دیدار بوده است.

لازم به ذکر است که گراهام در حالی به پاکستان سفر کرده است که هم‌اکنون «زلمای خلیل زاد» نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان طی دور چهارم سفرهای منطقه‌ای خود در پاکستان بسر می‌برد.

خلیل زاد طی ۲ روز گذشته با وزیر خارجه و نخست وزیر پاکستان دیدار و در مورد روند مذاکرات صلح افغانستان با آنها به بحث و تبادل نظر پرداخت.

پس از دیدار خلیل زاد با مقامات پاکستانی، روز گذشته وزیر خارجه پاکستان اعلام کرد که امکان مذاکرات نمایندگان طالبان با مقامات آمریکایی در پاکستان وجود دارد.

پس از اعلام این خبر اما «ذبیح‌الله مجاهد» سخنگوی گروه طالبان با رد این خبر آن را شایعه و نادرست خواند.

سناتور جمهوریخواه آمریکایی با شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: ترامپ باید با نخست‌وزیر پاکستان دیدار کند.

«لیندسی گراهام» سناتور جمهوریخواه آمریکایی که به پاکستان سفر کرده است، امروز یکشنبه در اظهاراتی از ترامپ رئیس جمهوری کشورش خواست تا با عمران خان نخست وزیر پاکستان دیدار کند.

سناتور جمهوریخواه آمریکایی با شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی در این خصوص گفت که رئیس جمهوری کشورش باید هرچه زودتر با عمران خان دیدار کرده تا از این طریق روابط پیشین دو کشور بهبود یافته و همچنین تلاش‌های اسلام‌آباد و واشنگتن برای دست‌یابی به صلح در افغانستان بیشتر شود.

سناتور ایالت کارولینای جنوبی در ادامه افزود: با روی کار آمدن عمران خان، فرصت خوبی برای بهبود روابط با اسلام‌آباد ایجاد شده است. روابط پیشین دو کشور بر اساس پاداش در ازای خدمات ارائه شده باید جایگزین روابط کنونی شود.

این درحالیست که «لیندسی گراهام» که در پاکستان به سر می‌برد ساعتی پیش در دیدار با «شاه محمود قریشی» وزیر خارجه این کشور با وی در مورد روند صلح

# استیضاح ترامپ و نقره داغ کردن بن سلمان؛ سر نوشت دست کنگره است

عبد الحمید بیاتی



کنگره آمریکا خواسته یا ناخواسته در مسیری قرار گرفته که شاید بتواند در انتهای آن انتقام ملت های مظلوم را از عاملان جنایت های چند سال اخیر جهان بگیرد. شاید «محمد بن سلمان» به هیچ وجه تصور نمی کرد که روزی اعتبار و آبروی وی و خاندان سلطنتی عربستان در دستان نمایندگان کنگره آمریکا قرار بگیرد و سنای ایالات متحده تبدیل به کابوس شبانه وی شود. بن سلمان که به مدد ثروت آل سعود و حمایت های بی چون چرای آمریکا از وی در خصوص جنگ یمن، سرکوب مخالفان داخلی، به گروگان گرفتن نخست وزیر لبنان، سرکوب گسترده شیعیان قطیف و ... گمان می کرد قدرتمندترین فرد جهان است اکنون در وضعیتی گرفتار شده که شاید هیچ راه فراری از آن وجود نداشته باشد.

## از تمسخر ترامپ تا حملات گزنده سنا

ماه عسل بن سلمان با آمریکا از ماه اکتبر و بعد از ماجرای قتل «جمال خاشقچی» روزنامه نگار منتقد عربستانی، در کنسولگری عربستان در استانبول ترکیه به پایان رسید. در این میان هر چند ریاض هزینه های زیادی کرد تا به هر نحو ممکن شخص بن سلمان را از پرونده قتل خاشقچی دور کند اما اسناد و مدارکی درباره این جنایت وجود دارد و سناتورهای آمریکا در جریان آنها قرار گرفتند همگی بر نقش انکار ناپذیر ولیعهد جوان در این قتل تاکید دارند. سناتورهای آمریکا با تکیه بر این اسناد بر لزوم برخورد با بن سلمان تاکید دارند. بن سلمان که به دلیل خریدهای گسترده نظامی از آمریکا زمانی نه چندان دور از سوی ترامپ به سخره گرفته شده بود.

در همین رابطه در آخرین دور از حملات لفظی به عربستان، «لیندسی گراهام» سناتور جمهوریخواه ایالت کارولینای جنوبی در مصاحبه با شبکه خبری فاکس نیوز ادعا کرد: اگر آمریکا نبود، طرف یک هفته همه در عربستان، فارسی حرف می زدند. نیاز ما به آن ها (سعودی ها) به مراتب کمتر از نیاز آنها به ما است. همکاری آمریکا با محمد بن سلمان (MBS) و رژیم قاتل وی به آمریکا ضربه می زند. ارتش آن ها (سعودی ها) توان جنگیدن ندارد.

علاوه بر گراهام، سناتور جمهوریخواه «باب کورکر» رئیس کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرده در نظر دارد طرح قطعنامه ای را ارائه دهد که «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان را مسئول قتل «جمال خاشقچی» معرفی خواهد کرد.

رئیس کمیته روابط خارجی سنا اظهار داشت: این قطعنامه محمد بن سلمان را مسئول آن قتل معرفی می کند و این یک بیانیه قوی از سوی جمهوریخواهان است. این یک محکومیت قوی یک ولیعهد است و آنها را مسئول قتل یک روزنامه نگار می داند.

کورکر امیدوار است که امروز سهشنبه بتواند با کنار گذاشتن روال معمول کمیته روابط خارجی، قطعنامه را مستقیماً به صحن سنا ببرد. این سناتور ایالت تنسی اظهار داشت: امیدوارم که سنا حمایت

گسترده ای از آن به عمل آورد. تصور می کنم که این اتفاق خواهد افتاد.

وی در پاسخ به سؤالی درباره مفاد این قطعنامه تصریح کرد: این قطعنامه رسماً محمد بن سلمان را مسئول قتل خاشقچی معرفی می کند. این یک بیانیه قاطع از سوی سناتورهای جمهوریخواه است. یک محکومیت مستحکم و قاطع علیه ولیعهد سعودی و مسئول دانستن وی به خاطر قتل یک روزنامه نگار. این یک بیانیه قاطع از سوی سنا ایالات متحده است و تصور می کنیم این قطعنامه تصویب شود.

هفته گذشته سناتور جمهوریخواه «لیندسی گراهام» نیز از سوی شماری از سناتورهای جمهوریخواه و دموکرات قطعنامه ای را ارائه کرد که بن سلمان را در قتل خاشقچی «همدست» معرفی می کند.

«کریس مورفی» سناتور دموکرات، «مایکل لی» سناتور دموکرات و «برنی سندرز» سناتور مستقل هم قطعنامه مشترکی ارائه کرده اند که هدف آن پایان دادن به حمایت آمریکا از تجاوز سعودی ها و ائتلاف عربی تحت سرکردگی ریاض به یمن است. انتظار می رود سنا روز چهارشنبه این قطعنامه را بررسی کند.

در خصوص این قطعنامه واشنگتن پست گزارش داد که سنای آمریکا تا پیش از پایان سال ۲۰۱۸ به صورت رسمی محمد بن سلمان ولیعهد عربستان را به دلیل قتل جمال خاشقچی روزنامه نگار منتقد سعودی محکوم خواهد کرد.

همچنین بر اساس این طرح، از ولیعهد عربستان خواسته خواهد شد تا دیگر سیاست های خصمانه در خلیج فارس را متوقف کند.

علاوه بر آن، گزینه توییح ترامپ به دلیل حمایت از بن سلمان در این طرح گنجانده شده است.

## هراس ترامپ از استیضاح

کنگره آمریکا فقط درصدد نقره داغ کردن بن سلمان نیست بلکه برنامه ویژه ای را نیز برای دونالد ترامپ در نظر گرفته است. در همین رابطه یک منبع آگاه به شبکه خبری «سی ان ان» گفته «دونالد ترامپ»، رئیس جمهوری

آمریکا درباره اینکه نمایندگان دموکرات در مجلس نمایندگان ممکن است او را استیضاح کنند ابراز نگرانی کرده است.

این منبع همچنین به سی ان ان گفته ترامپ استیضاح را یک احتمال واقع می داند ولی مطمئن نیست که اتفاق بیفتد. یک منبع دیگر در کاخ سفید به سی ان ان گفته دستیاران ترامپ معتقدند تنها مسئله ای که ممکن است موجب آغاز روند استیضاح شود، تخلفات مالی و کیل شخصی ترامپ، «مایکل کوهن» و پرداخت پول توسط او به زنانی است که ترامپ با آنها رابطه غیر اخلاقی داشته است.

صحت از احتمال استیضاح ترامپ در روزهای اخیر، بعد از شکایتی که دادستان ها از او در منطقه جنوبی نیویورک تنظیم کرده اند شدت گرفته است. در آن شکایت نامه، دادستان ها برای اولین بار به طور مستقیم ادعا کرده اند که اقدامات غیرقانونی و کیل ترامپ به دستور شخص او انجام شده است.

دموکرات ها در روزهای اخیر گفته اند که اقدامی که ترامپ انجام داده جزو «جرائم قابل استیضاح» است و او حتی ممکن است بعد از اتمام دوره اول ریاست جمهوری روانه زندان شود.

«جری ندر»، رئیس آتی کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا گفته که این ادعاها، در صورت اثبات مصداق جرم قابل استیضاح هستند.

مایکل کوهن برای اولین بار در ماه سپتامبر ادعا کرد که ترامپ به او دستور داده این وجوه غیرقانونی را به عنوان حق السکوت به «استومی دنیلز»، بازیگر فیلم های مستهجن و «کارن مک دوگال»، مدل نشریه «پلی بوی» پرداخت کند.

دادستان ها در یک سند اتهام که جمعه برای کوهن تنظیم کرده اند ادعاهای او علیه ترامپ را تأیید کرده و خواستار در نظر گرفتن مجازات حبس برای کوهن شده اند.

## روند استیضاح و شناس موفقیات آن

در خصوص امکان استیضاح ترامپ بی بی سی در

۱۹۹۸، میزان محبوبیت کلینتون در نظرسنجی‌ها ۷۲ درصد بود. وقتی مقصود استیضاح در سال ۱۹۹۹ به سنا رسید، رای‌های حتی نزدیک به دوسوم لازم برای برکناری او هم به دست نیامد و کلینتون رئیس‌جمهور ماند.

تنها رئیس‌جمهور دیگری که در تاریخ ایالات متحده استیضاح شده است «اندرو جانسون» بود که به عنوان هفدهمین رئیس‌جمهور آمریکا از سال ۱۸۶۵ به مدت چهار سال این مقام را بر عهده داشت. مجلس نمایندگان در سال ۱۸۶۸ استیضاح او را تصویب کرد. استیضاح جانسون، تنها ۱۱ روز بعد از برکناری ادوین استنتون، وزیر جنگ او به رای گذاشته شد. این وزیر با سیاست‌های رئیس‌جمهور موافق نبود.

تشابه اخراج استنتون در آن زمان و جیمز کومی، رئیس سابق اف‌بی‌آی، در زمان حاضر از چشم رسانه‌های آمریکایی پنهان نمانده است. با وجود این، بر خلاف کلینتون، اندرو جانسون با اختلاف بسیار کمی از رای‌گیری سنا جان سالم به در برد و اکثریت دوسوم تنها با یک رای شکسته شد.

روند استیضاح باید از مجلس نمایندگان شروع شود و به جریان افتادن آن به رای اکثریت نمایندگان (نصف به علاوه یک) نیاز دارد. در صورت کسب این رای، محاکمه در سنا برگزار خواهد شد.

در این مرحله رای دوسوم نمایندگان سنا برای برکناری رئیس‌جمهور لازم است. در تاریخ ایالات متحده آمریکا هرگز چنین اتفاقی نیفتاده است.

با آن که تهدید به استیضاح در موارد متعددی مطرح بوده، تنها دو رئیس‌جمهور آمریکا واقعا استیضاح شده‌اند.

بیل کلینتون، چهل و دومین رئیس‌جمهور آمریکا، به دلیل شهادت دروغ در مقابل هیئت منصفه و ممانعت از اجرای عدالت، استیضاح شد. کلینتون درباره ماهیت رابطه‌اش با مونیکا لونیسکی دروغ گفته بود و ظاهرا از او هم خواسته بود که دروغ بگوید.

مجلس نمایندگان با ۲۲۸ رای مثبت در برابر ۲۰۶ رای منفی برای اتهام اول و ۲۲۱ در برابر ۲۱۲ برای اتهام دوم، استیضاح بیل کلینتون را کلید زد.

باید در نظر داشت که در آن زمان، یعنی دسامبر

گزارشی می‌نویسد: اگر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور نبود، ادعاهای مطرح شده در دادگاه مایکل کوهن، وکیل سابق او، می‌توانست به باز شدن پرونده‌ای قضایی علیه وی منجر شود.

حقوقدان‌ها می‌گویند که پیگرد قضایی ترامپ در زمان ریاست جمهوری او امکان‌پذیر نیست و تنها راه برکناری او از این مقام، استیضاح او است.

اما آیا چنین کاری امکان‌پذیر است؟ کدام روسای جمهوری آمریکا تا کنون استیضاح شده‌اند و نتیجه آن چه بوده؟ جواب این سوال‌ها ممکن است غیرمنتظره باشد.

در شرایط فعلی استیضاح به معنای وارد کردن اتهاماتی از سوی کنگره آمریکا است که می‌تواند مقدمه‌ای برای محاکمه رئیس‌جمهور باشد. قانون پیش‌بینی کرده که رئیس‌جمهوری، معاون رئیس‌جمهوری و مقامات کشوری ایالات متحده را می‌توان پس از استیضاح به خاطر خیانت به کشور، رشوه‌خواری و سایر جرایم و جنبه‌های مرتبط با مناصب اصلی دولتی و محکومیت به خاطر این جرایم از سمت هایشان برکنار کرد.



با سقوط شاخص‌ها کار خود را آغاز کرد و در زمان بسته شدن در ساعت شش عصر به وقت لندن، دو درصد ارزش خود را از دست داد.

### پیش‌بینی آینده

ترامپ از زمان آغاز به کار دولتش، مانور زیادی روی بهبود شاخص‌های اقتصادی داده است؛ بهبودی که کارشناسان آن را نتیجه سیاست‌های سال‌های پایانی دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری پیشین این کشور می‌دانند.

وی به پشتوانه همین سیاست، تعرفه‌های سنگین تجاری روی واردات برخی محصولات کشورهای اروپایی و آسیایی وضع کرده و یک جنگ بزرگ تجاری را کلید زده است. صندوق بین‌المللی پول پیشتر هشدار داده بود که سیاست یکجانبه‌گرایی دولت این کشور و افزایش موانع تجاری، ضربه‌ای به اقتصاد آمریکا و جهان خواهد بود.

در این میان روز گذشته اعلام شده بود که تعطیلی دولت در سال ۲۰۱۹ طول می‌کشد و همین امر مشکلات زیادی را برای اقتصاد آمریکا به وجود می‌آورد. دولت فدرال آمریکا آخرین بار در ماه اکتبر سال ۲۰۱۳ میلادی تعطیل شد. بنا به اعلام آژانس اعتبارسنجی «استاندارد اند پورز» تعطیلی سال ۲۰۱۳ دولت فدرال ۲۴ میلیارد دلار به اقتصاد آمریکا لطمه زد.

## همزمانی بحران اقتصادی و سیاسی برای پرزیدنت؛ در دسرهای ناتمام ترامپ در کریسمس

هدفمند داشته باشد و امتیاز کسب کند!

رسانه‌های آمریکایی در روزهای گذشته به نقل از منابع آگاه از نارضایتی ترامپ از مقام‌های بانک مرکزی این کشور و رایزنی‌های وی برای جایگزینی «جروم پاول» رئیس این بانک خبر داده بودند.

مشاوران ترامپ به او هشدار داده‌اند که اخراج پاول، می‌تواند اقدامی دسرساز برای اقتصاد آمریکا در سال آینده میلادی باشد.

### شدیدترین سقوط وال استریت در ایام کریسمس

اما این وضعیت موجب افت شدید شاخص سهام در بازار وال استریت شده به طوری که برخی از آن‌ها عنوان شدیدترین افت شاخص در ایام کریسمس یاد می‌کنند.

بر همین اساس همزمان با نگرانی از کند شدن رشد اقتصادی، تعطیلی بخشی از دولت و گزارش‌ها مبنی بر احتمال اخراج رئیس‌فدرال رزرو (بانک مرکزی) توسط ترامپ، بازار سهام شاهد سقوط مجدد بود.

روز دوشنبه، دو شاخص مهم وال استریت بدترین شب کریسمس تاریخ خود را ثبت کردند؛ داو جونز ۵۰۰ واحد ریزش کرد و به زیر ۲۲۰۰۰ واحد سقوط کرد، اس‌اند‌پی ۵۰۰ هم با سقوط ۲۰ درصدی نسبت به رکوردهای اخیر، به آستانه تحمل فنی خود رسید. بورس نیویورک در هفته‌های اخیر به دلیل نگرانی از کندی رشد اقتصادی سقوط زیادی داشته است، به طوری که ماه دسامبر در این زمینه بدترین ماه از زمان «بحران بزرگ» در ۱۹۲۱ بوده است.

بازار سهام نیویورک روز دوشنبه در آستانه کریسمس

اختلافات رئیس‌جمهوری آمریکا با حزب دموکرات این کشور بر سر تعطیلی دولت همچنان ادامه دارد و این امر موجب شده تا وضعیت اقتصادی ایالات متحده بسیار متلاطم شود.

چندی پیش «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا میزبان رهبران حزب دموکرات در مجلس سنا و مجلس نمایندگان بود. سناتور «چاک شومر» و «نانسی پلوسی» در دیدار با ترامپ بر مواضع حزب خود در خصوص بودجه پیشنهاد شده از سوی کاخ سفید پافشاری کردند و رئیس‌جمهوری آمریکا نیز از مواضع قبلی خود در این خصوص کوتاه نیامد. بعد از این دیدار، چاک شومر و نانسی پلوسی ترامپ را متهم کردند که تحت تاثیر محافظه‌کاران حاضر در کاخ سفید قرار دارد.

اما در این میان ترامپ با حمله به بانک مرکزی آمریکا سعی کرد تا به نحوی خود را در مشکلات به وجود آمده در نتیجه تعطیلی دولت بیگناه نشان دهد. ترامپ در روزهای گذشته نیز دموکرات‌ها را مسئول اصلی تعطیلی دولت خطاب کرده بود. این در حالی است که مجلس نمایندگان آمریکا در نظر دارد در سال جدید میلادی پرونده‌های ویژه‌ای را علیه ترامپ به جریان بیندازد.

### حمله به بانک مرکزی

ترامپ دیروز دوشنبه در صفحه توییتر خود با انتقاد از سیاست‌های بانک مرکزی کشورش، آن را «تنها مشکل اقتصاد آمریکا» خواند و نوشت: مقامات این بانک در کی از بازار ندارند. آنها متوجه اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ‌های تجاری، تقویت ارزش دلار یا حتی تعطیلی دولت به دست دموکرات‌ها به علت (عدم تأمین بودجه) امور مرزی نیستند.

ترامپ افزود: «فدرال رزرو» مانند گلف‌باز قدرتمند ولی بی‌استعدادی است که نمی‌تواند ضربه‌ای

# واکاوی دعوت سفارت آمریکا در ریاض به برگزاری تظاهرات در عربستان

با اجماع صادر شد و ولیعهد را مسئول ترور جمال خاشقچی دانست و بر ضرورت همه اشکال همکاری با آن تاکید کرد از جمله جنگ یمن و فروش سلاح و مهمات گرفته است؛ یا واکنش به اعتراض رسمی و شدید سعودی به مصوبه مجلس سناست؟

## واکنش ریاض چگونه خواهد بود؟

این رسانه آورده است: سؤالی که مطرح می شود، چگونگی واکنش مقامات سعودی به این توییت خطرناک و خارج از عرف از سوی سفارت آمریکا در ریاض است که بر تظاهرات در کشوری که تظاهرات در آن جرم و مجازاتش اعدام است، تاکید کرده است. آیا واکنش تند از سوی نظام سعودی می شود؟ پاسخ این سؤال سخت است زیرا اولاً آمریکا، کانادا نیست و هرگونه واکنش شدید با واکنش شدیدتر و موثرتر از سوی آمریکا روبرو شود و در ثانی عربستان بازنده بزرگترین از حیث سیاسی، اقتصادی و نظامی در صورت روبرویی است. باید صبر کرد اما آنچه تقریباً به شکل قطعی می توان گفت این است که این توییت به مثابه دخالت در امور داخلی کشور دوست و متحد آمریکاست که دارای بازتاب هایی در محافل حاکم بر ریاض به طور حتم خواهد شد و شاید موجب بحران در روابط میان دو کشور متحد شود به ویژه که در چارچوب راهبردی جدید و عامدانه آمریکاست.

قدر مسلم آن است که در باب روابط عربستان و سعودی، نگاه دولت آمریکا و به ویژه دونالد ترامپ همانطور که بیشتر ناظران امور عربستان بر آن تاکید دارند، نگاه باج گیری از ریاض است و برای اینکه بتواند پول بیشتر و امتیازات بیشتری از سعودی ها بگیرد از هیچ تحرکی دریغ نمی کند. اما جدای از آن مصوبه اخیر مجلس سنا و نیز طرحی که در کنگره از سوی جمهوریخواهان و دموکراتها به منظور منع اعطای نوعی از تکنولوژی به عربستان در زمینه هسته ای در دست بررسی است گواه ماجراهایی است. اما نکته قابل توجه این است که آنچه سفارت آمریکا در ریاض طلب کرده است یعنی برگزاری تظاهرات خط قرمز نظام سعودی است که هرگز آنرا بر نمی تابد اما از سویی نمی تواند که واکنش آنچنانی انجام دهد زیرا هر واکنشی با واکنش شدید آمریکا روبرو خواهد شد. «ریچارد لویبارن» سفیر سابق آمریکا در کویت و کارشناس ارشد شورای آتلانتیک در این باره بر این باور است که ریاض راه های گوناگونی برای واکنش نشان دادن دارد اما هیچ یک از آن ها در کوتاه یا بلند مدت به آنان کمک نخواهد کرد.

همچنین از نگاه برخی ناظران؛ توقف فروش های تسلیحاتی آمریکا به عربستان از سوی کنگره ممکن است ریاض را بر آن دارد که به روسیه روی بیاورد اما وابستگی فعلی عربستان به سیستم های تسلیحاتی آمریکا به دلیل مشکلات جدی در زمینه قطعات یدکی به زودی آن را آسیب پذیر خواهد کرد.

دیدگاه کارشناسان اندیشکده «سوفان» آمریکا ضمن انتقاد از رویکرد ترامپ، بر این است که روابط عربستان و آمریکا از زمان ولیعهدی بن سلمان نشان دهنده مشکلات روابط مبتنی بر اشخاص به جای روابط بر مبنای ضوابط است.

قدر مسلم آن است که زوایای آنچه میان عربستان و آمریکا می گذرد، هنوز مشخص نیست.



شاهدوا الفيديو: اكتشفوا كيف يمكن أن تؤدي الاحتجاجات السلمية إلى تغييرات اجتماعية وسياسية إيجابية. تشير الأبحاث إلى أنه في الفترة ما بين العام 1900 والعام 2006، كانت الاحتجاجات السلمية الخالية من العنف فعالة بأكبر من ضعف فعالية الاحتجاجات العنيفة.



علیه حکومت به اعدام محکوم کرد.

رای الیوم در مطلبی در این باره آورده است: «زمان انتشار این توییت و صدور آن از سوی سفارت آمریکا در ریاض و نیز کنسولگری های آن در جدّه و ظهران که به زبان های انگلیسی و عربی منتشر شد؛ نمی تواند اتفاقی باشد بلکه اقدامی عمدی است که نمایانگر سیاست جدید آمریکاست که سرفصل آن تحریک مردم عربستان برای برگزاری تظاهرات به شکل گسترده برای فشار بر حاکمان سعودی برای انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی و آزادی صدها فعال سیاسی که در پشت میله های زندان به سر می برند، است.

این روزنامه می نویسد: در اگوست گذشته سفارت کانادا در ریاض اقدام به انتشار توییت «کریستیا فرلند» وزیر امور خارجه کانادا کرد که در آن به شدت از اقدامات مقامات سعودی در زمینه حقوق بشر انتقاد کرد و خواهان آزادی فعالانی که در زندان های عربستان هستند، شد. این واکنش و خشم سعودی ها را به دنبال داشت. در واقع سعودی ها با خشم و اقداماتی که علیه کانادا انجام دادند به دنبال ارائه این پیام به دیگر کشورها بودند که این کار را تکرار نکنند زیرا امور داخلی خود را خط قرمزی می دانند که به شدت واکنش نشان خواهند داد.

رای الیوم نوشت: به نظر می رسد که سفارت آمریکا در ریاض به این پیام واقعی ننهاده و تصمیم به اتخاذ اقدامی فراتر مینی بر تظاهرات مسالمت آمیز در شهر های عربستان برای انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی و اعتراض به گرانی و بالا رفتن سطح معیشت و افزایش بیکاری جوانان شده است.

این رسانه می نویسد: ملک سلمان به خوبی این خواسته ها که نمایانگر دردهای سعودی هاست را می داند و از همین رو چند روز قبل همزمان با تصویب بودجه سالانه عربستان که بزرگترین بودجه تاریخ این کشور است و از تریلیون ریال سعودی فراتر می رود؛ تصمیم به تمديد بسته حمایتی معیشتی کرد اما این اقدامات برای مقابله با گرانی و بالا رفتن هزینه های زندگی از نگاه کارشناسان غربی چندان موثر نیست.

رای الیوم نوشت: ما هنوز علت این اقدام سفارت آمریکا در ریاض که بزرگترین در منطقه خاورمیانه و شاید در جهان به دلیل شکستن پروتکل و عرف دیپلماتیک باشد را نمی دانیم. آیا دولت آمریکا تصمیم به افزایش فشارهایش بر نظام سعودی و محمد بن سلمان ولیعهد برای انجام تغییرات به ویژه پس از تصمیم مجلس سنا که اخیراً

سفارت آمریکا در عربستان به تازگی ویدیویی در حساب توییتری خود منتشر کرد که علاوه بر اینکه با واکنش هایی از سوی سعودی ها روبرو شد، توجه تحلیلگران را نیز به خود مشغول کرد.

سفارت آمریکا در عربستان روز چهارشنبه با انتشار ویدیویی در حساب رسمی توییتری خود ظاهراً مردم عربستان را به تظاهرات علیه حکومت این کشور تشویق می کند تا تغییرات سیاسی و اجتماعی مثبت حاصل شود. این ویدئو ضمن حمایت از تظاهرات مسالمت آمیز به مخاطبان خود آموزش می دهد چگونه می توانند با شرکت در این گونه حرکات خواستار تغییرات شوند.

گوینده در بخشی از این ویدئو ضمن بیان اینکه معترضان حتی در شرایط سرکوب و استبداد نیز می توانند اعتراض های خود را با موفقیت انجام دهند، اعلام کرده است: «تحقیقات نشان می دهد در بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶، سودمندی و تأثیر اعتراضات مسالمت آمیز دوبرابر اعتراض های خشونت آمیز بوده است.»

## خشم کاربران سعودی

روزنامه القدس العربی درباره این توییت می نویسد: «انتشار این ویدئو در بحبوحه تیره شدن روابط واشنگتن و ریاض بر سر قتل جمال خاشقچی، روزنامه نگار سعودی، در سفارت عربستان در شهر استانبول ترکیه منتشر می شود. مجلس سناي آمریکا هفته گذشته با تصویب دو قطعنامه جداگانه محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، را مسئول خاشقچی اعلام کرد و همچنین رأی به پایان حمایت نظامی آمریکا از ائتلاف سعودی در جنگ یمن داد. ریاض ضمن محکوم کردن این دو قطعنامه، آنها را دخالت آشکار در امور داخلی خود دانست.

این روزنامه آورده است: انتشار چنین توییتی در حساب رسمی سفارت آمریکا در ریاض موجب خشم و عصبانیت کاربران سعودی شده است.

کاربری عربستانی با محکوم کردن این اقدام سفارت آمریکا نوشته است: «این (توییت) خطرناک است و تأثیر معکوس خواهد داشت. ما خواستار حذف آن هستیم چرا که موجب آشوب و تظاهرات می شود». کاربران دیگر نیز این اقدام را تحریک کننده خواندند و هدف آن را ایجاد ناآرامی در این کشور دانستند.

این روزنامه به نقل از «مبارک آل عاتی» نویسنده و تحلیلگر سعودی آورده است: «این توییت خطرناک و غیرقابل توجیه و دارای تأثیر معکوس است و ما خواستار حذف آن هستیم». یک کاربر دیگر سعودی از آن به عنوان سم در غسل نام برده است.

## دعوت به تظاهرات آن هم در کشوری که برگزاری تظاهرات مجازاتش اعدام است

تاکنون سفارت آمریکا به جنجال ایجاد شده و خشم کاربران سعودی واکنشی نشان نداده است و سعودی ها هم واکنش رسمی به آن نداشته اند اما آنچه در عربستان طی سالیان اخیر یک واقعیت مسلم بوده این است که در پادشاهی استبدادی عربستان تظاهرات به شدت ممنوع است و افرادی که دست به تظاهرات بزنند اعدام می شوند. به عنوان مثال حکومت سعودی در سال ۲۰۱۶ دست کم ۲۱ شیعه مذهب را به اتهام شرکت در تظاهرات

## پایان عصر نولیبرال هادر مکزیک / آغاز رقص دشوار با ترامپ



عبد الحمید بیاتی

آغاز ماه دسامبر در مکزیک را به دلیل شروع به کار رئیس جمهور جدید و رویکرد سیاسی وی می توان به عنوان پایان کار «نولیبرال» ها در این کشور دانست. با آغاز ماه دسامبر «آندرس مانوئل لویز اوبرادور» رئیس جمهور جدید مکزیک، نیز کار خود را آغاز کرد. وی کار خود را با وعده برقراری بیشتر برابری برای مردم مکزیک و همچنین مبارزه جدی تر با فساد و خشونت آغاز کرده است.

رئیس جمهوری جدید ۶۵ ساله مکزیک در روز اول دسامبر در کنگره سوگند یاد کرد و به تولد دوباره و فوری مکزیک برای مقابله با آنچه میراث فاجعه بار چندین دهه دولت های نولیبرال توصیف کرد، متعهد شد. در خصوص پایان عصر نولیبرال ها در مکزیک، در مراسم تحلیف او ۱۶ بار به سیاست های نولیبرال اشاره کرد و گفت رژیم وی که ایجاد شده بود، از بین می برد.

### چپ گرایی و نزدیک شدن به مردم

رئیس جمهور جدید مکزیک برای آنکه خود را به مردم این کشور نزدیک کند عنوان کرده که از جت مخصوص ریاست جمهوری استفاده نکرده و این هواپیمای اختصاصی را به فروش گذاشته است.

بسیاری از شهروندان مکزیک، انتخابات اخیر را فرصتی برای تغییر دولت این کشور می دانند که مکزیک را به عرصه فساد گسترده، آمار بالای جرم و جنایت و اقتصاد را کند تبدیل کرده است. بیش از ۴۰ درصد جمعیت مکزیک در فقر زندگی می کنند. میزان بالای فساد و جرم و جنایت در این کشور، باعث شده که بسیاری از شرکت های تجاری از مناطق آسیب دیده

خارج شوند.

اوبرادور، در کنار وعده فروش هواپیمای ریاست جمهوری، قول داده است که کاخ ریاست جمهوری را به یک مرکز فرهنگی تبدیل کند و در یک خانه کوچکتر زندگی کند، حقوق و دستمزد ریاست جمهوری را کاهش دهد و با فساد مبارزه کند. علاوه بر این موارد رئیس جمهور جدید مکزیک که وعده تغییرات رادیکال داده است، هیچ کجا بادیگارد نمی خواهد و اجازه می دهد طرفدارانش در کنار او حضور داشته باشند. همین مساله باعث وحشت و انتقاد کارشناسان امنیتی شده است.

لویز اوبرادور اعلام کرده است: بگذارید این مساله کاملاً روشن شود. من بادیگارد نمی خواهم. این بدین معناست که شهروندان کشورم از من محافظت خواهند کرد.

### مبارزه با فساد و خشونت

رئیس جمهور جدید مکزیک وعده مبارزه با فساد و خشونت گسترده موجود در این کشور را نیز داده است.

این خشونت، بیش از هر چیز نتیجه اقدامات باندها و کارتل های قدرتمند مواد مخدر است که در بخش هایی از مکزیک از دولت مرکزی قوی تر هستند و با تهدید یا تطمیع، ماموران دولتی را وادار به همکاری می کنند.

مطابق طرح پیشنهادی رئیس جمهور منتخب، مشخصاً در مناطقی از کشور که بیش از همه در معرض خشونت هستند، شهروندان و صاحب نظران برای مقابله با این مشکل مورد مشورت فعالانه دولت قرار می گیرند.

در همین چارچوب، گروه های حقوق بشری داخلی و بین المللی، نهادهای مذهبی و اعضای جامعه مدنی در تدوین طرح های ملی مقابله با جنایت مشارکت

خواهند کرد. این طرح، شامل مقابله گسترده با فساد و اعلام عفو برای آن گروه از خلافکاران جوان، زنان و کارگران شهری می شود که وادار به همکاری با باندهای مواد مخدر شده اند.

همچنین، ایجاد یک کمیته حقیقت یاب برای رسیدگی به جنایات انجام شده علیه قربانیان باندهای جنایتکار پیش بینی شده است.

### آغاز رقص دشوار با ترامپ

مجله تایم با اشاره به سیاست های آندرس مانوئل لویز اوبرادور و اینکه مکزیک با کشورهایی همسایه است که هر یک از این کشورها مشکلاتی را برای مکزیک بوجود آورده اند رویکرد «اوبرادور» در برابر آمریکا و رئیس جمهور این کشور را به رقص دشوار با ترامپ تشبیه کرده است.

بر اساس این گزارش، مکزیک و آمریکا در خصوص دو موضوع با یکدیگر تنش اساسی دارند: یکی ورود غیر قانونی مهاجران و دیگری تجارت آزاد.

در خصوص مهاجران با توجه به آنکه اغلب این افراد از کشورهای همسایه مکزیک وارد این کشور شده و سپس خود را به مرز آمریکا می رسانند، اوبرادور قصد دارد تا با مشارکت کشورهای همسایه و دادن تسهیلاتی ویژه به آنها روند ورود مهاجران غیرقانونی به مکزیک و عزیمت آنها به سمت آمریکا را کاهش دهد.

در خصوص تجارت آزاد نیز هر چند رئیس جمهور سابق مکزیک در جریان کنفرانس جی بیست در آرژانتین قرارداد تجاری جدیدی را با روسای جمهور آمریکا و کانادا به امضا رساند اما با این وجود روند اختلافات میان مکزیک و ایالات متحده به گونه ای است که امکان عدم موفقیت این پیمان جدید نیز وجود دارد.



### در تحلیلی در لوبلاگ؛

## گری سیک: مقامات نظامی امریکا اسناد مهم را از ترامپ پنهان می کنند

«گری سیک» استاد دانشگاه کلمبیا و از اعضای سابق شورای امنیت ملی آمریکا در مطلبی به نقد و بررسی بیانیه جدید «دونالد ترامپ» در حوزه سیاست خارجی و شیوه کاسب کارانه وی می پردازد.

«گری سیک» استاد دانشگاه کلمبیا و از اعضای سابق شورای امنیت ملی آمریکا در دولتهای جerald فورد، جیمی کارتر و رونالد ریگان و همچنین مشاور عالی کاخ سفید در امور ایران در زمان انقلاب اسلامی و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در مطلبی که بر روی تارنمای «لوبلاگ» آمریکا منتشر شد، با اشاره به دو کتاب «ترس» نوشته «باب وودوارد» و «آتش و خشم: اندرونی کاخ سفید» به قلم «مایکل وولف» می نویسد: «هر دو کتاب، رئیس جمهوری را توصیف می کنند که برغم تکبر فراوان، از نحوه و چرایی کارکردهای حکومت هیچ چیز نمی داند. برای وی تنها سازمانی قابل درک است که به همان شیوه ای که او کسب و کار خانوادگی خود را اداره می کرد (و می کند)، اداره شود.

ترامپ نسبت به واقعیات یا استدلالهایی که با دیدگاه جهانی وی مغایرت دارد، کاملاً غیرقابل نفوذ است؛ دیدگاهی که دهه ها پیش در حین عیاشی و خوشگذرانی هایش در نیویورک شکل گرفته است. از دیدگاه ترامپ، عدم توازن تجاری به معنای اتلاف درآمد است.

این دو کتاب همچنین گروهی از افراد زیرک و توانا را به تصویر می کشد که تلاش می کنند دولت آمریکا را کم و بیش به شیوه ای عادی و بهنجار اداره کنند. آنها با فرمانده کل قوا بحث و جدل می کنند، در اجرای دستوراتش کند و آهسته عمل می کنند، اسناد را از او پنهان می کنند، و حتی دستوراتش را نادیده می گیرند. از آنجا که او [ترامپ] به یک چنین تاکتیکهایی عادت ندارد و فاقد یک شیوه تفکر نظام مند و اصولی است، اغلب متوجه این امور نمی شود یا فراموش می کند.

اما پیام واقعی - و البته هشداردهنده - در این دو کتاب آن است که ترامپ، با احتساب بی مبالایی و ناآگاهی اش در مورد تمامی جنبه های دولت، در نهایت به شماری از عقاید جزمی خود باز می گردد؛ اینکه حکمرانی یک نوع تجارت و داد و ستد است که کاملاً با بحث سود و زیان گره خورده و این که او از نوعی منحصر بفرد در زمینه نحوه کارکرد دولت برخوردار است. با گذشت زمان، ترامپ افرادی را که با او مخالف هستند، حذف می کند و سیستم را وادار می کند تا خود را با چشم انداز یگانه او تطبیق دهد. او در حال پیروزی است.

در هفته جاری، ترامپ برای نخستین بار بیانیه مهم خود در حوزه سیاست خارجی را با الفاظی به دور از آداب و ادب سیاسی منتشر کرد. تا به حال هیچ کس در کاخ سفید سندی این چنینی نگاشته است. آشکار است که ترامپ شخصاً این بیانیه را دیکته کرده و آن را به عنوان: بیانیه ای از جانب رئیس جمهور دونالد ترامپ در حمایت از عربستان سعودی - و نه بیانیه ای از جانب دولت آمریکا - منتشر کرده است.

او پیروز شد. آنها [کارکنان کاخ سفید] نتوانستند او را از این کار بازدارند. ترامپ در حال دیکته کردن تصمیمات مهم در حوزه سیاست خارجی است؛ چیزی که در تاریخ آمریکا بی سابقه است.

آیا محمد بن سلمان دستور قتل وحشیانه روزنامه نگاری را صادر کرده که منتقد جدی اقدامات او بود؟ شاید او این کار را کرده و شاید هم نکرده باشد!

### خب، اکنون موضع دولت آمریکا چیست؟

بیانیه ترامپ: پادشاهی عربستان با سرمایه گذاری ۴۵۰ میلیارد دلاری در آمریکا موافقت کرد. این مبلغ قابل توجهی است. این سرمایه گذاری صدها هزار شغل ایجاد می کند، به توسعه چشمگیر اقتصادی

می انجامد و ثروت بیشتری را برای آمریکا به ارمغان می آورد. از این ۴۵۰ میلیارد دلار، حدود ۱۱۰ میلیارد دلار آن صرف خرید تجهیزات نظامی از شرکتهای بوئینگ، لاکهید مارتین، ریتینون و بسیاری از پیمانکاران بزرگ دفاعی آمریکا می شود... آنها (سعودی ها) متحدی بزرگ در مبارزه بسیار مهم ما علیه ایران به شمار می روند. [دولت] آمریکا برای تضمین منافع کشورمان، اسرائیل و سایر شرکای ما در منطقه قصد دارد شریکی استوار و ثابت قدم برای عربستان سعودی باشد... عربستان سعودی بزرگترین کشور تولیدکننده نفت در جهان است. آنها بطور تنگاتنگی با ما همکاری کرده اند و به درخواستهای من برای حفظ قیمت نفت در سطحی معقول و قابل قبول - که برای جهان بسیار مهم است - بسیار سریع پاسخ دادند.

ترامپ در ادامه این بیانیه می افزاید: روابط ما با عربستان سعودی یک سرمایه گذاری سودآور است و در استراتژی ما برای منزوی سازی و سرنگونی حکومت ایران، این پادشاهی به همراه اسرائیل یک بازیگر کلیدی بشمار می رود. نخست وزیر نتانیاهو موافق است که ولیعهد سعودی باید بخشیده شود و پرونده بسته شود.

محمد بن سلمان، شما می توانید مرتکب قتل شوید، اما همچنان به سفارشات خود ادامه دهید. یک تاجر هرگز مشتری خوب را از خود نمی رنجاند.

ترامپ تفکر و اندیشه خود را پنهان نمی کند. ما تصویری واضح از سیاست خارجی آمریکا در دست داریم. ما سیاست خود را در دستانتان یک فرد قرار داده ایم، حاکم مستبد و قدرت طلب یک کشور نفت خیز در خلیج فارس که مقادیر قابل توجهی از تجهیزات نظامی آمریکا را خریداری می کند.

ما پیش از این نیز این کار را کرده ایم. در دهه ۱۹۷۰ میلادی مَهره ما [در منطقه] شاه ایران بود.



گزارش تحلیلی؛

# راز چشم دوختن ترامپ به منطقه راهبردی شرق فرات



منطقه شرق فرات در سوریه از اهمیت به سزایی برخوردار است و همین موضوع سبب توجه بازیگران مهم منطقه ای و بین المللی به آن شده است.

منطقه شرق فرات پس از اینکه ارتش سوریه بسیاری از مناطق را به آغوش دمشق بازگردانده است؛ هم اکنون در کانون توجه جدی قرار دارد به ویژه که مقامات سوریه همواره بر ضرورت کنترل دمشق بر همه اراضی این کشور تاکید کرده اند و همین موضوع سبب توجه بازیگران مهم منطقه ای و بین المللی به آن شده است. بر اساس گزارشی که چندی قبل سازمان فائو و بانک بین المللی درباره مدیریت منابع آبی منتشر کردند؛ کمبود آب در خاورمیانه و شمال آفریقا ممکن است که عامل بی ثباتی شود.

تحرکات ائتلاف بین المللی و متحدانش برگرفته از اهمیت تسلط بر منابع آبی و انرژی در شرق فرات است. آنها برای بهره کشی بیش از حد منابع آبی سوریه در حوضه فرات گام برداشتند. آنها درست روی مناطقی دست گذاشته اند که دارای منابع آبی قابل ملاحظه است به طوری که الرقه به تنهایی ۷۰ درصد از منابع آبی سوریه را در خود دارد و این منطقه همچنین دارای زمین های حاصلخیز و محل کشت مهم محصولات کشاورزی سوریه است. هدف از تسلط بر مناطق حوضه فرات تحت فشار قرار دادن دولت سوریه است. اصولاً جنگ در سوریه علاوه بر تاثیرات مخرب زیرساختهای سوریه به بخش کشاورزی سوریه آسیب زیادی وارد کرده است و عدم امکان کشت و برداشت محصولات سبب شده است که شمار زیادی از کشاورزان، اراضی کشاورزی را رها کنند که این از نظر جمعیت شناختی نیز آسیب فراوانی به سوریه وارد کرده است.

کشورهایی که جنگ ضد سوریه را به راه انداختند در راستای آلوده کردن منابع آبی، آلوده کردن هوا و از بین بردن خاک حاصلخیز سوریه نیز گام برداشتند و انسان سوری برای آنها ذره ای اهمیت ندارد. آنها هنگامی هم که بحث بازسازی را مطرح می کنند در واقع فقط هدفشان ریختن سم در عسل است زیرا هدفشان کسب تجارت است بدون اینکه در مسیر پیشرفت سوری ها گامی بردارند.

## اهمیت راهبردی منطقه شرق فرات از نگاه آمریکایی ها

این تحرکات آنها با طرح توسعه طلبانه تل آویو مبنی از نیل تا فرات همسو است تا ثروت های منطقه شرق فرات به ویژه منابع آبی را در کنترل بگیرند. آنها روی دیرالزور انگشت گذاشته اند زیرا می دانند که این استان واقع در شرق فرات دومین استان سوریه از حیث مساحت (حدود ۲۳ هزار کیلومتر مربع) محسوب می شود. بیشتر تولید نفت سوریه در این مناطق است و غنی ترین منابع گازی سوریه را داراست. شرق فرات دارای مهمترین و بزرگترین میادین نفتی از حیث مساحت و تولید است به ویژه که میدان نفتی «العمر» قبل از سال ۲۰۱۱ حدود ۳۰۰ بشکه در روز نفت تولید می کرد.

آمریکایی ها به خوبی می دانند که این مناطق به طبع جغرافیای صحرایی مکان مناسبی برای انجام تحرکات آنهاست. آنها می دانند که سیطره بر شرق فرات از بُعد ژئوپلیتیک به آنها کمک می کند که محور مقاومت یعنی دشمن اسرائیل را هدف قرار دهند.

نفوذش در شرق فرات را ادامه دهد اما در دراز مدت نمی تواند کاری از پیش ببرد. از همین رو استراتژی جدید آمریکا برای تحقق منافع موقت شاید مناسب باشد اما برای منافع طولانی مدت خیر و استراتژی آمریکا دیر یا زود با شکست روبرو خواهد شد.

هم اکنون ترکیه و روسیه شرق فرات را به عنوان یک تهدید مشترک می دانند. «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه چندی قبل اعلام کرد: «تهدید اصلی برای تمامیت ارضی سوریه از شرق فرات است که تشکلات مستقلی در این منطقه تحت نظارت مستقیم آمریکا تاسیس می شود ما به تلاش ها خود برای پایان دادن به این تحرکات ادامه می دهیم».

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه نیز در نشست خبری چندی قبل با یوتیوب گفت: «تهدید بزرگ برای آینده سوریه از مراکز تروریستی در شرق فرات است». وی هر چند به طور شفاف از آمریکا سخنی نگفت اما؛ «ابراهیم قره گل» سردبیر روزنامه ینی شفق ترکیه که نزدیک به اردوغان است حضور نیروهای آمریکایی در شرق رود فرات را به مثابه اشغال صلیبی دانست و درباره طرح آمریکا با حمایت سعودی برای ایجاد منطقه ای که میان ترکیه و جهان عرب فاصله اندازد و از شرق فرات تا مرز ایران امتداد یابد، هشدار داد.

این در شرایطی که سعودی ها با قدرت به پرونده شرق فرات وارد شده اند.

با توجه به اینکه مقامات سوری به شرق فرات اهمیت زیادی می دهند و از همین رو می توان نبرد شرق فرات را شدیدترین نبردها از حیث حجم و اهمیت آن در مقایسه با نبردهای غوطه دمشق و جنوب سوریه به مراتب سرنوشت سازتر دانست به ویژه که اخیراً حملات ددمشانه ائتلاف آمریکایی ضد غیرنظامیان در دیرالزور افزایش پیدا کرده است و این عزم دمشق را برای وارد شدن به نبرد سرنوشت ساز جدی تر از قبل می کند.

شرط به دست آوردن استقلال تمام و حاکمیت کامل سوریه استفاده از منابع اقتصادی و آبی اش است و بدون بازپس گیری شرق فرات که منبع اصلی اقتصاد سوریه است این رخ نخواهد داد.

پس از اینکه برگه آمریکایی ها یعنی داعش سوخت آنها به دنبال برگه دیگری هستند. در واقع دولت ترامپ به دنبال برگه دیگری برای ماندن در سوریه است. آمریکایی ها به دنبال سیطره بر منطقه راهبردی شرق فرات که مساحت آن حدود یک سوم اراضی سوریه است و سبب غذایی و اقتصادی سوریه محسوب می شود، هستند. این منطقه ۹۰ درصد از درآمدهای نفتی و گازی سوریه و بیش از نیمی از گندم و پنبه سوریه را در خود دارد که با توجه ویژه ترامپ به سود اقتصادی اهمیت تسلط بر منطقه شرق فرات مشخص می شود. از حیث راهبردی و نظامی نیز منطقه امتداد مناطق نفوذ آمریکا در عراق محسوب می شود که ارتباط آنها با یکدیگر را تسهیل می کند.

## موانع پیش روی واشنگتن

اما آمریکا برای ماندن در این منطقه کار آسانی ندارد زیرا سوریه به عنوان یک کشور مستقل است و قوانین بین المللی اجازه تحرکات آمریکا را نمی دهند و از سوی دیگر در این منطقه عشایر و قبیایلی هستند که ضد طرح های تجزیه طلبانه واشنگتن هستند.

از بُعد بین المللی نیز روسها به دنبال شکستن یکجانبه گرایی آمریکایی ها و پایان دادن به جهان تک قطبی هستند. روسها به دنبال اثبات الگوی مسکو در سوریه هستند و اینکه الگوی آمریکایی که در عراق آزمایش شد و بدون پشتوانه بین المللی رخ داد، را به کنار بزنند. روسها خود را اشغالگر نمی دانند و اعلام کرده اند که به درخواست دمشق در سوریه حضور پیدا کرده اند درست برعکس آمریکایی ها که میهمانان ناخوانده هستند.

همچنین مانع دیگر در برابر تحرکات آمریکایی ها، ترکیه است زیرا واشنگتن از گروههایی حمایت می کند که ترکیه آنها را تروریست می داند و به دنبال نابودی و مهار اقدامات آنهاست و از همین رو زیر بار این راهبرد نمی رود و از هیچ اقدامی برای ایجاد مانع در برابر آن دریغ نخواهد کرد. آمریکا به دنبال تقویت حضور خود در شرق فرات و ایجاد منطقه خودمختار مورد حمایتش است.

آمریکا شاید در کوتاه مدت بتواند نیروهایش را نگه دارد و

## نیروی فضایی آمریکا؛ رقابت با رقیبان یا ایجاد بازار تسلیحاتی جدید

عبدالحمید بیاتی



«دونالد ترامپ» بر تشکیل نیروی فضایی آمریکا اصرار دارد و به نظر می رسد علاوه بر سخنان وی در خصوص لزوم عقب نماندن از روسیه و چین، واشنگتن در پی ایجاد یک بازار تسلیحاتی جدید است.

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا بار دیگر در اظهاراتی بر لزوم تشکیل نیروی فضایی این کشور تاکید کرده و در توجیه اصرار خود گفته که چون روسیه و چین در این زمینه پیشتاز هستند آمریکا نیز باید وارد این حوزه شود. این اظهارات نشان می دهد که هدف اصلی آمریکا از تشکیل نیروی فضایی در درجه اول عقب نماندن از رقیب سنتی خود یعنی روسیه و رقیب نسبتا جدید واشنگتن یعنی چین است.

با دستور تشکیل نیروی فضایی، این نخستین بار پس از تصویب لایحه امنیت ملی در سال ۱۹۴۷ است که یک شاخه جدید به نیروهای مسلح آمریکا افزوده می شود. فرماندهی فضایی نیروی هوایی ایالات متحده (Air Force Space Command) یک فرماندهی ارشد در بخش فرماندهی راهبردی نیروی هوایی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا (AFSPC) است. پایگاه اصلی این فرماندهی در پایگاه هوایی پیترسون کلرادو است. این فرماندهی به اختصار AFSPC نامیده شده و پشتیبان عملیات های نظامی ایالات متحده در سراسر جهان با انواع ماهواره ها، و عملیات سایبری است. تقریبا نزدیک به ۴۷۰۰۰ نفر در ۸۸ پایگاه در سراسر جهان عملیات های AFSPC را به انجام می رسانند.

بر اساس گزارش رسانه ها، شاخه جدید نیروی فضایی جدا از نیروی هوایی، اما برابر با آن خواهد بود. به گفته ترامپ، تنها حضور ایالات متحده در فضا کافی نیست، بلکه این کشور باید بر فضا سلطه داشته باشد. او همچنین گفته که نمی خواهد شاهد سلطه چین و کشورهای دیگر در فضا باشد.

شاخه جدید نیروی فضایی، دارای قدرتی مشابه سایر شاخه های نیروهای مسلح آمریکا خواهد بود و بر عملیات های فضایی و سایبری فضایی، از جمله مدیریت و پرتاب ماهواره ها و همه فعالیت های گروه های نظامی تا پرتاب موشک های بالستیک نظارت خواهد کرد. اما بر خلاف ناسا که عمدتاً روی اکتشافات فضایی و کشف علمی متمرکز است، نیروی فضایی جدید بر جنبه های نظامی و دفاع از فضا تمرکز خواهد کرد.

### رقابت رقیبان

بی بی سی در گزارشی در خصوص دلایل آمریکا برای تشکیل چنین نیرویی می نویسد: در فضا عملیات های نظامی و غیرنظامی انجام می شود که ممکن است با هم تداخل کنند. ناوبری ماهواره از سیستم موقعیت یاب جهانی (GPS) استفاده می کند که ارتش آمریکا اختراع کرد و بعد از مدتها اجازه استفاده غیرنظامی از آن داده شده است.

الکساندرا استیکینز، کارشناس امنیت فضایی در موسسه رویال یونیوتد سرویسز می گوید: مردم احتمالاً هنوز نمی دانند که فضا همین الان هم محیطی نظامی است. این اتفاقی است که در دهه شصت افتاده است. در جریان جنگ سرد، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در

فضا نمی جنگیدند اما از ماهواره های جاسوسی استفاده می کردند. در آن زمان آمریکا یک موشک هسته ای ضد ماهواره را در اقیانوس آرام مستقر کرده بود و اتحاد جماهیر شوروی هم سلاحی در اختیار داشت که می توانست ماهواره در حال گردش را بزند.

بنابر تحقیقات بنیاد «سکیور ورلد» (Secure World) که امکانات نظامی در فضا را ثبت می کند، چین، روسیه و آمریکا سلاح هایی را آزمایش کرده اند که می توانند ماهواره ها را نابود کنند. این تسلیحات موشک هایی هستند که مستقیماً از زمین به سمت یک ماهواره در حال گردش در مدار زمین پرتاب می شوند. این سلاح ها با نام «هم مدار» شناخته می شوند و در واقع ماهواره هایی هستند که با موشک از زمین پرتاب می شوند. ماهواره بعد از جدا شدن موشک، خود را به مدار ماهواره هدف می رساند و به آن متصل می شود یا با آن برخورد می کند.

پیشتر در سال ۲۰۰۷، چین یک موشک ضد ماهواره به فضا فرستاد تا ماهواره های هواشناسی را که در مداری در ۸۰۰ کیلومتری زمین می چرخید ویران کند. این آزمایش با موفقیت انجام شد. علاوه بر این موارد واشنگتن همچنین مدعی است که روسیه در حال طراحی یک سامانه لیزری هوایی است که هدف آن اختلال در سامانه های فضایی آمریکا است. پنتاگون نیز ادعا می کند که روسیه برای نابود کردن ماهواره های آمریکا در حال توسعه موشک هایی است که از هواپیماهای جنگنده پرتاب می شوند.

دریا دار «سیسیل هینی» رییس سابق فرماندهی راهبردی آمریکا می گوید: آمریکا باید روی موضوع ظرفیت های احتمالی دشمنان بیشتر مطالعه کرده و بودجه برنامه های فضایی و آمادگی کلی را بیشتر کند.

### تلاش بی نتیجه برای نظامی زدایی فضا

هر چند آمریکا با این ادعا که چین و روسیه در حال انجام اقدامات نظامی در فضا هستند نیت فضایی خود را پیش می برد اما روسیه و چین در سال ۲۰۰۸ پیش نویس یک توافقنامه بین المللی به منظور جلوگیری از

استقرار تسلیحات در فضا را به کنفرانس خلع سلاح ژنو پیشنهاد کردند که آمریکا تاکنون به بهانه های مختلف آن را مسکوت گذاشته است.

با توجه به این مساله، روسیه در سال ۲۰۱۴ پیش نویس قطعنامه ای برای جلوگیری از استقرار تسلیحات در فضا را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد که بار دیگر با مخالفت های آمریکا و همپیمانان این کشور مواجه شد.

در همین رابطه رویترز در گزارشی می نویسد: شواهد نشان می دهد که دولت ترامپ فضا را در کنار زمین، دریا و هوا به عنوان یک میدان جنگی جدید برای خود تعریف کرده است. مایک پنس در سخنرانی خود در پنتاگون مدعی شد تاریخ به ما می گوید که صلح تنها از طریق قدرت قابل دستیابی است! او همچنین گفت نسل بعدی مردم آمریکا با تهدیدات جدیدی از سمت فضا مواجه خواهند بود و برای مقابله با آنها لباس ارتش ایالات متحده (اشاره به تشکیل نیروی فضایی) را به تن خواهند کرد. معاون ترامپ چند ماه پیش نیز گفته بود آمریکا باید نیروی فضایی خود را در آینده به اندازه نیروی زمینی تقویت کند.

کم نیستند افرادی که مانند پنس معتقدند آمریکا در آینده نه چندان دور با تهدیدات جدیدی در عرصه فضا مواجه خواهد بود. ژنرال دیوید گلدفین، رئیس ستاد نیروی هوایی آمریکا اخیراً در سخنرانی خود در نشست سالانه نیروی هوایی گفت باور دارد که انسان تا چند سال آینده به جنگ فضایی خواهد پرداخت. وی همچنین گفت که ارتش آمریکا برای افزایش قدرت نظامی خود به استفاده از اطلاعات در تمام زمینه های مربوط به جنگ، از جمله هوایی، سایبری، زمینی، دریایی و فضایی احتیاج دارد.

جیمز ماتیس، وزیر دفاع آمریکا نیز اخیراً اعلام کرد پنتاگون با طرح تشکیل نیروی فضایی و در نظر گرفتن فضا به عنوان یک میدان جدید مبارزه موافق است و در نظر دارد تا پیش از شکل گیری نیروی فضایی یک فرماندهی رزمی مربوط به آن را ایجاد کند. متیس اضافه کرد: پنتاگون نگرانی های ترامپ درباره حفاظت از دارایی های آمریکا در فضا را کاملاً درک می کند؛ ما

قصده داریم این مسئله را مورد توجه قرار دهیم زیرا دیگر کشورها نشان داده‌اند توانایی حمله به این درایی‌ها را دارند.

علاوه بر این، مدیر ناسا نیز ماه گذشته در مصاحبه با سی‌بی‌اس نیوز گفت روش زندگی در آمریکا وابسته به فضا است. اگر ما سیگنال‌های جی‌پی‌اس را از دست بدهیم، هیچ انتقال بانکی در داخل صورت نمی‌گیرد و هیچ ماده غذایی در فروشگاه‌ها وجود نخواهد داشت و زندگی ما از بین می‌رود و به همین دلیل است که کشورهای متخاصم در سراسر جهان اقداماتی را برای آسیب زدن به این قابلیت‌های آمریکا در پیش گرفته‌اند.

### مخالفان چه می‌گویند

برخی استدلال می‌کنند که تشکیل نیروی فضایی، نیاز به تشریفات اداری وقت‌گیری دارد. برخی از ناظران سیاسی نیز هشدار داده‌اند که نیروی فضایی، می‌تواند موجب به راه افتادن یک رقابت تسلیحاتی در فضا شود. منتقدان معتقدند تشکیل چنین نیرویی در حالیکه بخش اعظمی از ماموریت‌های تعریف‌شده برای آن هم‌اکنون توسط نیروی هوایی ارتش انجام می‌شود، یک اقدام غیرضروری و هزینه‌بر است.

«دبورا لی جیمز» فرمانده سابق شاخه نیروی هوایی آمریکا چندی پیش اعلام کرد که هیچ یک از فرماندهان ارشد پنتاگون با ایده تشکیل نیروی فضایی موافق نیستند ولی مجبور به اطاعت هستند. رئیس

جمهور ترامپ دستور تشکیل این نیرو را صادر کرده است و آنها هم‌اکنون به دنبال راهی برای مواجهه با آن هستند.

او همچنین گفت در حال حاضر، نزدیک به ۳۵ هزار نفر در بخش ماموریت‌های فضایی نیروی هوایی آمریکا مشغول به کار هستند و تشکیل یک شاخه نظامی جدید تحت عنوان نیروی فضایی موجب اختلال و جابجایی قوانین خواهد شد.

دموکرات‌های کنگره نیز از این طرح ترامپ حمایت نمی‌کنند و همین مسئله ممکن است تشکیل نیروی فضایی آمریکا را با موانع قانونی مواجه کند. به عنوان نمونه، بریان شاتز، سناتور دموکرات و عضو کمیته فرعی امور دفاعی سنای آمریکا، طرح تشکیل نیروی فضایی آمریکا را یک ایده احمقانه خوانده و پیش‌بینی کرده است که این ایده هرگز محقق نخواهد شد.

سناتور برنی سندرز نیز در انتقاد از این طرح گفته است شاید بهتر باشد پیش از آنکه دولت ترامپ میلیاردها دلار را برای نظامی کردن فضا هزینه کند، کمی به فکر بهتر کردن وضعیت بیمه درمانی و مراقبت‌های بهداشتی برای مردم آمریکا باشد.

فرید کریمی در «زومیت» در این رابطه می‌نویسد: آمریکا هم‌اکنون در مجموع بیش از ۸۰۰ ماهواره در فضا دارد اما در حالی که ارتش ایالات متحده، برای تشکیل نیروی فضایی، به هیچ ماهواره جدیدی نیاز نخواهد نداشت، نمی‌تواند این کار (تشکیل نیروی فضایی)

را یک شبه انجام دهد. تشکیل نیروی فضایی باید به تصویب کنگره برسد، درست همانطور که نیروی هوایی با تصویب کنگره از ارتش جدا شد.

با توجه به اینکه شواهدی از به‌خدمت گرفتن قابلیت‌های جدید یا خریدهای عمده در دست نیست، تشکیل شاخه جدید نیروی فضایی در واقع فقط بازنگری و سازماندهی مجدد است. تغییر مدال‌های روی یونیفورم و ماهواره‌ها را جنگنده‌های فضایی نام نهادن، نمی‌تواند موازنه قدرت در مدار زمین را بر هم بزند.

### ایجاد بازار تسلیحاتی جدید

علاوه بر آمریکا، روسیه و چین کشورهای زیاد دیگری در فضا فعالیت داشته و اقدام به پرتاب ماهواره می‌کنند. کشورهای همچون هند، ایران، ژاپن و ... شکی در این مطلب نیست که با نظامی شدن فضا حساسیت کشورهای دیگر برانگیخته شده و آنها نیز تلاش خواهند کرد تا ضریب دفاعی خود را در برابر دشمنانشان در حوزه فضایی توسعه دهند و این یعنی شکل گیری یک مسابقه تسلیحاتی و ایجاد بازار تسلیحاتی جدید.

آمریکا، روسیه و چین هر سه از تولیدکنندگان بزرگ تسلیحات در جهان هستند و بازار تسلیحاتی جهان در قبضه آنهاست بنابراین شکل گرفتن یک بازار تسلیحاتی جدید امری است که سود بیشتری را به جیب تولیدکنندگان جنگ افزارها سرازیر می‌کند و شاید از همین رو باشد که ترامپ بر تشکیل نیروی فضایی آمریکا تاکید دارد.

## معاون حزب جمهوری خلق ترکیه:

# خروج امریکا باعث نزدیکی کردها به دولت دمشق خواهد شد

پیمان یزدانی

سفیر اسبق ترکیه در آمریکا معتقد است پس از خروج آمریکا از سوریه، همکاری ایران، ترکیه و روسیه ضروری است و همچنین باعث نزدیکی گروه‌های کردی با دولت دمشق می‌شود.

پس از آن که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که نظامیان آمریکا را از سوریه خارج خواهد کرد، عملیات نظامی ترکیه نیز در شمال سوریه و علیه نیروهای کردی به تعویق افتاد.

در حال حاضر نیز بازیگران اصلی در سوریه در حال ارزیابی موقعیت نیروهای خود برای ادامه مبارزه با نیروهای باقی مانده داعش پس از خروج آمریکا از سوریه هستند.

«عثمان فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق

ترکیه و سفیر سابق ترکیه در آمریکا در ارتباط با دلایل آمریکا در باره عقب نشینی از سوریه به خبرنگار مهر گفت: در حالی که آمریکا خیلی دیر تصمیم به عقب نشینی از سوریه گرفت، اما خروج آمریکا به تنهایی به معنای شرایط مساعد و مناسب در سوریه نیست، چون کشورهای غربی دیگر همچنان در سوریه حضور دارند.

وی افزود: از طرف دیگر ترامپ می‌خواهد با این اقدامات توجه مردم آمریکا را از مشکلات داخلی منحرف کند و از سوی دیگر با توجه به آغاز فصل تعطیلات در آمریکا با بازگرداندن نظامیان آمریکایی به خانه رضایت بخشی از خانواده‌های آمریکایی را بدست آورد تا از فشار ناشی از هزینه‌های جنگ علیه داعش بکاهد. این کارها در راستای شعار «اول آمریکا» می‌تواند باشد.

فاروق اوغلو در ارتباط با نتایج عقب نشینی نیروهای آمریکایی از سوریه گفت: اگر این عقب نشینی به تقویت فرایند گفتگوهای صلح سازمان ملل در ژنو درباره سوریه منجر شود، می‌تواند به هر حال مزایا و فوایدی را همراه آورد. بنابراین ترکیه می‌تواند خروج آمریکا از سوریه را به یک فرصت تبدیل کند و با فشار برای شکل‌دهی به کمیته قانون اساسی گفتگوها و مذاکرات در این ارتباط را آغاز کند.



عثمان فاروق لوغ اوغلو همچنین اضافه کرد که ترامپ با خروج از سوریه، جنگ علیه داعش را به شرکای بین‌المللی خود و بویژه ترکیه واگذار کرده است، چون در تئوتیت خود هم گفته است که اردوغان کسی است که داعش را شکست خواهد داد.

وی افزود: بنابراین در حال حاضر ترکیه در جنگ علیه تروریست با دو گروه روبروست: یکی داعش و دیگری (PYD/YPG) یگان‌های مدافع خلق که برای آنکارا به عنوان گروه‌های تروریستی و شاخه‌ای از PKK در سوریه شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر تصمیم آمریکا برای خروج از سوریه باعث خواهد شد تا PYD/YPG به دولت سوریه نزدیک‌تر شوند و لذا هرگونه اقدام نظامی ترکیه در شمال سوریه می‌تواند با ائتلاف مشترک ارتش سوریه و نیروهای PYD/YPG روبرو شود.

معاون حزب جمهوری خلق ترکیه همچنین در ارتباط با اهمیت همکاری بیشتر ترکیه، ایران و روسیه پس از تغییر بازی آمریکا در سوریه و خروج از این کشور اظهار داشت: از این به بعد که آمریکا قواعد بازی را در سوریه تغییر داده است همکاری تنگاتنگ میان ترکیه، روسیه و ایران بسیار ضروری است از جمله در ارتباط با نگرانی‌های ترکیه و اقداماتی که پیش از این توسط سه کشور در ارتباط با سوریه انجام شده است.

لوغ اوغلو همچنین درباره نقش عربستان در بازسازی سوریه و نقش مخرب سعودی‌ها و سیاست‌های آنان در مجاورت مرزهای ترکیه بیان داشت: وقتی صلح و ثبات در سوریه برقرار شود، مرحله بازسازی سوریه کار بسیار بزرگی است. البته این بستگی به دولت سوریه دارد که تحت چه شرایطی و چگونه آن را انجام خواهد داد. به مانند دیگر کشورهای عربستان سعودی نیز می‌تواند در بازسازی سوریه نقش ایفا کند و مشکلی ندارد.

وی در پایان گفت: برای ترکیه به هر حال سوریه همیشه با ملت و دولتش یک همسایه خواهد بود. از سوی دیگر ترکیه لازم است تا استراتژی خود را برای دوران پس از جنگ در سوریه توسعه داده و به روز کند و نقشی اصلی را در بازسازی سوریه بدست گیرد.



سفیر سابق آمریکا در جمهوری آذربایجان:

## سخنان ترامپ باعث ایجاد سوءظن نزد اعضای اصلی ناتو شده است

فاطمه محمدی پور

|| ترامپ در مخالفت با این طرح و در واکنش به اظهارات ماکرون تشکیل این ارتش را توهین آمیز خواند. با توجه به واکنش ترامپ و اینکه وی مجدداً خواستار دادن پول از سوی اروپایی ها به ناتو شد. آیا این اختلافات می تواند آینده ناتو را با تهدید مواجه سازد؟

من به این اختلافات به عنوان تهدیدات علیه آینده ناتو نگاه نمی کنم. در عوض اگر این اختلافات عاقلانه مدیریت شوند، نگرانی های ترامپ و ماکرون را به نحوی مسئولانه در چارچوب اتحادیه ناتو نشانده گرفته و ممکن است باعث تقویت ناتو به عنوان یک نهاد دفاع جمعی شوند.

|| «اورزلا فون در لاین» وزیر دفاع آلمان اخیراً اظهار داشته است که تاسیس ارتش اروپایی و فعالیت های آتی آن نه تنها می تواند در خصوص افزایش امنیت کشورهای اروپایی بلکه در حل بحران های بین المللی نیز تاثیر بسزایی برجای بگذارد. اگر قرار باشد ارتش مشترک اروپایی علاوه بر ماموریت های درون اروپا مبادرت به ماموریت در خارج از اروپا داشته باشد در این صورت آیا نوعی موازی کاری با ناتو نیست؟

از آنجایی که ما از جزئیات یا چارچوب ارتش اروپایی اطلاعی نداریم، پاسخ به این سوال سخت است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مجموع در عملیات نظامی هماهنگ شده بسیاری با یکدیگر عمل کرده اند - خارج از ساختار فرماندهی ناتو. نیروهای اتحادیه اروپا در بوسنی و هرزگوین نسبت به نیروی تثبیت کننده (تحکیم) ناتو موفقیت بیشتری داشتند. در آفریقا نیروهای نظامی اتحادیه اروپا (به عنوان مثال عملیات دزدی دریایی از سوی سومالی) عملیات نظامی محدودی انجام داده اند.

در این فرآیند اتحادیه اروپا محدودیت های عملیات را به طور مستقل از ناتو به رسمیت می شناسد. تا زمانی که ما از تصمیمات دولت فرانسه و آلمان اطلاعات کافی نداشته باشیم - هر دو از بزرگترین و مسائل مربوط به سیاست داخلی خود آشفته شده اند - نمی توانیم اظهار نظر کنیم و ما فقط می توانیم صبر کنیم و ببینیم.

نظرهای ماکرون و انگل مکرل و واکنش ترامپ ابعاد جدیدی به خود گرفته است. دلایل جدی شدن پیشبرد این طرح از سوی کشورهای چون فرانسه و آلمان چیست؟

من اعتقاد ندارم که جزئیات این ایده اخیراً بیان شده است. همانطور که شما به شماری از رویدادها در دوره پس از جنگ جهانی دوم اشاره کردید، بحث تشکیل ارتش متحد اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون همواره مطرح بوده است. این بحث ها هرگز به نتیجه نرسیده اند. زیرا ناتو مزایای مشابهی - بدون هزینه اضافی یک سازمان دفاع جداگانه اروپایی - فراهم می آورد (برای کشورهای اروپایی که عضو ناتو هستند).

اکنون با لفاظی های ترامپ وضعیت تا حدودی متفاوت است زیرا لفاظی های او باعث ایجاد سوءظن در فرانسه و آلمان در مورد تعهد آمریکا به امنیت ناتو و ترانس آتلانتیک می شود.

|| امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه اخیراً در گفتگو با شبکه رادیویی «Europe 1» خواستار تشکیل ارتش اروپایی واقعی برای مقابله با تهدیدات روسیه و همچنین عدم وابستگی به آمریکا شد. رئیس جمهوری فرانسه در این مصاحبه گفت: باید از خود در برابر روسیه، چین و حتی آمریکا دفاع کنیم. چرا فرانسه در حال حاضر از آمریکا در کنار چین و روسیه به عنوان تهدید نام می برد؟ این اظهارات از آنجا محل تامل است که فرانسه و آمریکا عضو ناتو هستند و اینکه یک عضو دیگری را تهدید بدانند مانع از همکاری در ناتو می شود. با توجه به این اظهارات آینده ناتو را چگونه ارزیابی می کنید؟

ماکرون پس از بحران اوکراین در دریای آزوف پیامی قوی به مسکو می فرستد. از سوی دیگر، در مورد تهدیدی که آمریکا علیه اروپا در منطقه امنیتی ایجاد می کند مطمئن نبوده و اطلاعی ندارم. به نظر می رسد این سخنان در پی انتقاد رئیس جمهور ترامپ از تلاش های دفاعی اروپا بیان شده باشد.

«ریچارد کوزلاریج» معتقد است که لفاظی های ترامپ باعث ایجاد سوءظن در فرانسه و آلمان در مورد تعهد آمریکا به امنیت ناتو و ترانس آتلانتیک می شود.

نخستین زمره های ایجاد ارتش واحد اروپایی اندکی پس از جنگ جهانی دوم در میان کشورهای درگیر آغاز شد. شماری از کشورهای اروپایی بر این باور بوده و هستند که ایجاد ارتش واحد اروپایی می تواند به مثابه دیواره امنیتی محکمی برای آنها عمل کرده و می تواند بواسطه آن ثبات، آرامش و صلح را برای مردم خود به ارمان بیابند. اکنون با گذشت بیش از نیم قرن از جنگ جهانی دوم بار دیگر داعیه تاسیس «ارتش اروپایی واقعی» در میان قدرتهای اروپایی از سر گرفته شده است.

همزمان با گفتگوی «امانوئل ماکرون» رئیس جمهور فرانسه با «راديو اروپا ۱» موج جدیدی از ایجاد ارتش واحد اروپایی در میان رهبران و مقامات اروپایی به راه افتاد. ماکرون با اشاره به این نکته که اروپا بواسطه هم مرزی با روسیه می تواند مورد تهدیدهای احتمالی این کشور قرار بگیرد، اظهار داشت که اروپا باید تا جایی توان دفاعی خود را بالا ببرد که بدون هرگونه وابستگی به آمریکا قادر به دفاع از خود باشد.

وی در توضیح و توجیه خود برای لزوم تاسیس و راه اندازی «ارتش واقعی اروپایی» با اشاره به موضع اخیر «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا درباره خروج از پیمان منع موشک های هسته ای دور برد گفت که هدف از چنین برنامه ای حفاظت اروپا در مقابل چین، روسیه و حتی آمریکا است. در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «ریچارد کوزلاریج» استاد دانشگاه جرج میسون آمریکا ترتیب داده که در ادامه می آید.

ریچارد کوزلاریج مدیر اندیشکده علوم و سیاست گذاری انرژی در دانشگاه جرج میسون، مدیر موقت برنامه سیاست عملیات صلح (POPP) و سفیر پیشین آمریکا در جمهوری آذربایجان (۱۹۹۴-۱۹۹۷) و بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۷-۱۹۹۹) بوده است.

|| طرح تشکیل ارتش مشترک اروپایی اگر چه ایده جدیدی نیست ولی اخیراً با اظهار

رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا:

## قتل خاشقجی و دشواری تصویب توافق هسته‌ای با عربستان در کنگره



«داریل کیمبال» گفت: در هفته‌های اخیر با قتل روزنامه نگار جمال خاشقجی موافقت با انعقاد هر نوع توافق هسته‌ای با عربستان در کنگره سخت شده است. «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی در راستای سیاست خود مبنی بر حرکت به سمت هسته‌ای شدن، اخیراً در شهر «ملک عبدالعزیز» هفت پروژه استراتژیک از جمله یک راکتور هسته‌ای را مورد بهره‌برداری قرار داد. افتتاح اولین راکتور تحقیقاتی در عربستان سعودی توسط «محمد بن سلمان» در شرایطی اتفاق افتاد که هنوز هیچ توافقی میان واشنگتن و ریاض در خصوص ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای عربستان سعودی به امضاء نرسیده است. لذا سعودیها با افتتاح این راکتور به واشنگتن این پیام را مخابره کردند که فارغ از هرگونه نتیجه‌ای که مذاکرات دو طرف بدان منجر شود، در اجرای تصمیم اتخاذ شده خود مصّر هستند. این در شرایطی است که آمریکایی‌ها به شدت اصرار دارند تا عربستان سعودی تمامی تکنولوژی هسته‌ای مورد نیاز خود را از شرکت‌های آمریکایی تهیه کند.

در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «داریل کیمبال» رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا تنظیم نموده که در ادامه می‌آید.

کیمبال از سال ۲۰۰۱ تا کنون مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکا است و در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط نشنال ژورنال به عنوان یکی از ۱۰ چهره تاثیرگذاری که نظریات آنها به شکل گیری سیاست‌های آتی در مورد آینده تسلیحات هسته‌ای کمک می‌کند معرفی شده است.

**|| عربستان سعودی، راکتور هسته‌ای تحقیقاتی خود را در شهر عبدالعزیز افتتاح کرد. این در حالی بود که عربستان در مورد فعالیت‌های هسته‌ای هنوز با ایالات متحده آمریکا به توافق نرسیده است. برخی معتقدند که این یک پیام از سوی عربستان سعودی به ایالات متحده آمریکا است مبنی بر این که فعالیت‌های هسته‌ای خود را حتی بدون آمریکا ادامه خواهد داد. نظر شما چیست؟**

عربستان سعودی اخیراً موافقت نامه‌های همکاری هسته‌ای با فرانسه، آرژانتین، کره جنوبی و قزاقستان را تصویب کرده است. برخی از این کشورها به این توافق نیاز دارند، اما از ایالات متحده آمریکا برای انتقال خدمات، فن آوری یا کمک‌های هسته‌ای به عربستان سعودی مجوز ندارند.

عربستان سعودی در حال حاضر دارای توافق جامع پادمان با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است اما پروتکل الحاقی با آژانس را نپذیرفته است. برای انجام این کار، عربستان سعودی باید مذاکرات خود را در مورد توافقنامه همکاری‌های هسته‌ای غیر نظامی دوجانبه با ایالات متحده آمریکا تحت شرایط قانون انرژی اتمی ایالات متحده آمریکا که کنگره می‌تواند آن را مسدود کند اگر با شرایط قانون مطابقت نکند، آغاز کند.

**|| عربستان سعودی اصرار دارد غنی‌سازی**

نامه خواستار تعلیق تمام همکاری‌های هسته‌های غیر نظامی با عربستان سعودی شده و پیشنهاد لغو مذاکرات را می‌دهد.

در هفته‌های اخیر با قتل «جمال خاشقجی» روزنامه نگار منتقد سعودی موافقت با انعقاد هر نوع توافق هسته‌ای با عربستان در کنگره سخت شده است - به ویژه توافقی که اجازه انتقال تکنولوژی غنی‌سازی حساس یا بازفرآوری را به عربستان سعودی می‌دهد.

**|| آیا عربستان سعودی موافقت نامه هسته‌ای با آمریکا شبیه توافق نامه‌ای که واشنگتن با امارات متحده عربی (توافقنامه‌ای شامل استاندارد طلایی) امضا کرده است را می‌پذیرد؟**

احتمالاً نه. طبق این توافق نامه دولت‌های مسئول باید متعهد شوند که غنی‌سازی اورانیوم و بازفرآوری پلوتونیوم را دنبال نکنند و پروتکل الحاقی را تصویب کنند، همانطور که امارات متحده عربی پذیرفته است.

عربستان سعودی خواهان غنی‌سازی اورانیوم برای تولید برق هسته‌ای است. باید گفت که غنی‌سازی اورانیوم داخلی برای بهره‌برداری از تولید انرژی هسته‌ای ضروری نیست. پلوتونیوم برای اهداف هسته‌ای غیر نظامی مورد نیاز نیست و برای سلاح‌های هسته‌ای مناسب است.

ما و بسیاری دیگر از سیاستمداران و اندیشمندان، با توافقنامه همکاری هسته‌ای ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی مخالفت خواهیم کرد اگر موافقت نامه شامل «استاندارد طلایی» و برخی پادمان‌های اضافی منع اشاعه نباشد.

**|| آمریکا به خوبی می‌داند که اگر سعی در تعریف شرایط محکم و سخت در توافق احتمالی با عربستان سعودی داشته باشد، ممکن است ریاض متمایل به همکاری هسته‌ای با روسیه و چین یا کره جنوبی شود. واشنگتن چگونه**

**اورانیوم و باز تولید آن را خود انجام دهد در حالی که ایالات متحده آمریکا «استاندارد طلایی» را در توافق با ریاض می‌خواهد که شامل غنی‌سازی و بازفرآوری نمی‌شود. بر اساس قرارداد ۱۲۳۳ آیا ایالات متحده آمریکا در نهایت تقاضای ریاض را رد خواهد کرد؟**

مذاکرات ایالات متحده و عربستان سعودی به خوبی پیش نمی‌رود. «ریک پری»، وزیر انرژی ایالات متحده آمریکا، از سوی بسیاری از اعضای کنگره تحت فشار قرار گرفته تا اطمینان حاصل شود که عربستان تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم یا فن آوری جداسازی پلوتونیوم را دنبال نکند - قانونی که به «استاندارد طلایی» معروف است. با توجه به منابع ما، سعودی‌ها به طور جدی مخالف هر گونه محدودیت در این خطوط هستند و آنها نمی‌خواهند مجوز بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تحت شرایط پروتکل الحاقی به این سازمان دهند.

در سال گذشته چندین بیانیه نگران‌کننده از سوی کنگره منتشر شده است اما اخیراً منافع کشور که شامل گزارشات قانونی است توسط نماینده دمکرات معرفی می‌شود. لایحه قانونی «براد شرم» دولت آمریکا را ملزم می‌سازد تا به کنگره گزارش دهد که عربستان سعودی به «استاندارد طلایی» توافقنامه و نیز توافقنامه مربوط به بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایبند خواهد بود. همچنین این لایحه روند تصویب توافقنامه‌های همکاری‌های هسته‌ای غیر نظامی را تغییر خواهد داد تا تصویب توسط کنگره را دشوار کند.

علاوه بر این، برخی از اعضای کنگره خواستار لغو مذاکرات ایالات متحده و عربستان سعودی شده‌اند. پنج سناتور جمهوریخواه با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور ترامپ در ۳۱ اکتبر خواستار لغومذاکرات هسته‌ای با عربستان شدند.

امضاء کنندگان این نامه عبارتند از: مارکو رابینو، تاد یانگ، کوری گاردنر، رند پال و دین هلر. یک نامه مشابه توسط سناتور دمکرات «ادوارد مارکی» ارسال شد که وی در این

**سازی به عربستان سعودی که می تواند تعادل قدرت را علیه اسرائیل تغییر دهد، موافقت نخواهد کرد. نظر شما در این مورد چیست؟**

اسرائیلی ها در مورد نگرانی های خود در رابطه با گسترش برنامه هسته ای عربستان سعودی بارها سخن گفته اند و نگرانی های خود را چند بار با دولت ایالات متحده مطرح کرده اند. با این حال اسرائیل درک کرده است که توانایی آن برای توقف توافق هسته ای عربستان با امریکا محدود است و پارامترهای مورد نظر خود را برای یک معامله به دولت امریکا ارائه داده است.

در حالی که بسیاری از اعضای کنگره در مورد حفظ توافق نامه ۱۲۳ که به استانداردهای عدم گسترش سلاح هسته ای پایبند است بسیار سخن گفته اند به مقدار کمی از توازن قدرت علیه اسرائیل به عنوان توجیه اعتقادات خود استفاده کرده اند.

ای بحرانی واقع شده، مانند عربستان سعودی منع می کند.

**|| ایالات متحده همیشه نگرانی های خود را در رابطه با موضوع عدم گسترش سلاح های هسته ای ابراز می دارد که این مهم با توافق احتمالی واشنگتن با غنی سازی عربستان سعودی متناقض خواهد بود. اگر دولت ترامپ با درخواست سعودی موافقت کند، آیا کنگره آن را تایید خواهد کرد؟**

من باور ندارم که کنگره موافقتنامه همکاری هسته ای با عربستان سعودی را تصویب کند، اگر «استاندارد طلایی» در این موافقت نامه جایی نداشته باشد.

**|| برخی می گویند که ایالات متحده هرگز با اعطای یک امتیاز استراتژیک مانند غنی**

**این مشکل را حل خواهد کرد؟**

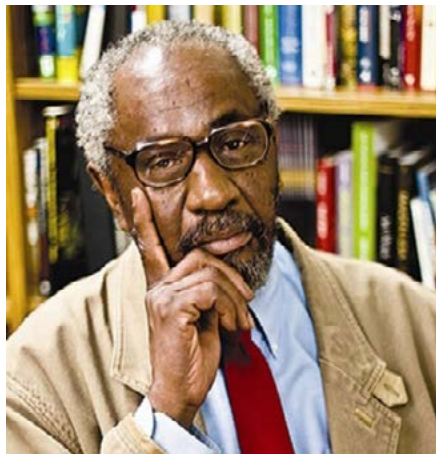
حتی اگر عربستان سعودی تصمیم به همکاری با یک شرکت کره جنوبی داشته باشد، هنوز هم نیاز به رضایت ایالات متحده برای انتقال فن آوری های مختلف هسته ای دارد. همچنین روسیه و چین ممکن است برای عربستان سعودی شرکای جذابی نباشند چرا که تکنولوژی ایالات متحده دارای ایمنی و قابلیت اطمینان بیشتری نسبت به آنچه که روسیه و چین برای صادرات فراهم کرده اند، است.

دلیل دیگر این که عربستان ممکن است سیستم های روسیه را دوست نداشته باشد زیرا آنها تامین کننده اصلی راکتورهای هسته ای ایران هستند. علاوه بر این، گروه تامین کنندگان هسته ای (شامل روسیه و کره جنوبی) دارای مجموعه ای از رهنمودهای داوطلبانه است که کشورهای عضو را از انتقال غنی سازی اورانیوم حساس یا تکنولوژی باز تولید پلوتونیوم به هر کشوری که در منطقه

### استاد دانشگاه سانفرانسیسکو:

## ترامپ دوباره انتخاب شود ناتو از بین می رود

فاطمه محمدی یور



**چه ایده جدیدی نیست ولی اخیرا با اظهار نظرهای ماکرون و انگلار مکرل و واکنش ترامپ ابعاد جدیدی به خود گرفته است. دلایل جدی شدن پیشبرد این طرح از سوی کشورهای چون فرانسه و آلمان چیست؟**

باید گفت که اظهارات ماکرون در پاسخ به لفاظی های ترامپ بیان شده است. گرچه تردید دارم که اکثر اعضای ناتو از ایده ارتش مجزا اروپایی حمایت کنند. واقعیت این است که فرانسه و آلمان حتی در مورد این ایده می اندیشند که ارتش مشترک اروپایی می تواند تهدیدی برای ناتو باشد. قدرت های کوچکتر، به ویژه دولتهای عضو پیمان سابق ورشو، ناتو را به ارتش اروپایی تحت سلطه آلمان و فرانسه ترجیح می دهند.

می توان نتیجه گرفت که اظهارات رهبران اروپایی واکنشی به لفاظی های ترامپ است و زمانی که او در سال ۲۰۲۰ کاخ سفید را ترک کند، پایان خواهند یافت.

**|| امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه ماه گذشته در گفتگو با شبکه رادیویی «Europe 1» خواستار تشکیل ارتش اروپایی واقعی برای مقابله با تهدیدات روسیه و همچنین عدم وابستگی به آمریکا شد. رئیس جمهوری فرانسه در این مصاحبه گفت: باید از خود در برابر روسیه، چین و حتی آمریکا دفاع کنیم. چرا فرانسه در حال حاضر از آمریکا در کنار چین و روسیه به عنوان تهدید نام می برد؟ این اظهارات از آنجا محل تامل است که فرانسه و آمریکا عضو ناتو هستند و اینکه یک عضو دیگری را تهدید بداند مانع از همکاری در ناتو می شود. با توجه به این اظهارات آینده ناتو را چگونه ارزیابی می کنید؟**

سخنان ماکرون نشان می دهد ارتش اروپایی ممکن است نیروی دفاعی حتی علیه ایالات متحده آمریکا باشد، گنج کننده است. چرا او می گوید که اروپا

پروفسور «رابرت اسمیت» معتقد است که اگر ترامپ مجددا انتخاب شود، احتمال مستقل تر شدن اروپا از جهت امنیتی افزایش می یابد و این به معنای نابودی ناتو است.

نخستین زرمه های ایجاد ارتش واحد اروپایی اندکی پس از جنگ جهانی دوم در میان کشورهای درگیر آغاز شد. شماری از کشورهای اروپایی بر این باور بوده و هستند که ایجاد ارتش واحد اروپایی می تواند به مثابه دیواره امنیتی محکمی برای آنها عمل کرده و می تواند بواسطه آن ثبات، آرامش و صلح را برای مردم خود به ارمغان بیاورند.

اکنون با گذشت بیش از نیم قرن از جنگ جهانی دوم بار دیگر داعیه تاسیس «ارتش اروپایی واقعی» در میان قدرتهای اروپایی از سر گرفته شده است.

همزمان با گفتگوی «مانوئل ماکرون» رئیس جمهور فرانسه با «راديو اروپا ۱» موج جدیدی از ایجاد ارتش واحد اروپایی در میان رهبران و مقامات اروپایی به راه افتاد. ماکرون با اشاره به این نکته که اروپا بواسطه هم مرزی با روسیه می تواند مورد تهدیدهای احتمالی این کشور قرار بگیرد، اظهار داشت که اروپا باید تا جایی توان دفاعی خود را بالا ببرد که بدون هرگونه وابستگی به آمریکا قادر به دفاع از خود باشد.

وی در توضیح و توجیه خود برای لزوم تاسیس و راه اندازی «ارتش واقعی اروپایی» با اشاره به موضع اخیر «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا درباره خروج از پیمان منع موشک های هسته ای دور برد گفت که هدف از چنین برنامه ای حفاظت اروپا در مقابل چین، روسیه و حتی آمریکا است.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «رابرت اسمیت» استاد روابط بین الملل دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو تنظیم نموده که در ادامه می آید.

**|| طرح تشکیل ارتش مشترک اروپایی اگر**

ممکن است با تهدید ایالات متحده امریکا یعنی متحد اصلی اروپا، مواجه شود؟ این سخن ممکن است فقط توسط ماکرون در جنگ کلمات با ترامپ مورد استفاده قرار گرفته باشد، اما برای کسانی که در مورد آینده اتحاد ناتو دلواپس هستند، باید نگران کننده باشد.

**|| ترامپ در مخالفت با این طرح و در واکنش به اظهارات ماکرون تشکیل این ارتش را توهین آمیز خواند. با توجه به واکنش ترامپ و اینکه وی مجددا خواستار دادن پول از سوی اروپایی ها به ناتو شد آیا این اختلافات می تواند آینده ناتو را با تهدید مواجه سازد؟**

اکثر رهبران اروپایی به ترامپ بعنوان یک اختلال (انحراف) نگاه می کنند و فکر می کنند که جانشین او آسیب را جبران خواهد کرد. با این حال اگر ترامپ مجددا انتخاب شود، احتمال دارد که فشارها برای حضور متمایز تر و مستقل تر اروپا، از جمله ایده نیروی نظامی جداگانه، افزایش یابد. در نهایت این به معنای نابودی اتحاد ناتو است.



آسیا

گفتگو با پیر محمد ملازهی:

## آمریکا و داعش منافع مشترک در افغانستان دارند

بنفشه اسماعیلی



MEHR NEWSAGENCY  
Photo: Maryam Kamyab

ملازهی معتقد است عدم مذاکره طالبان با کابل موضع نهایی این گروه نیست و طالبان به دنبال آن است که با تضعیف دولت افغانستان، حداکثر امتیاز را از کابل بگیرد و بعد از آن وارد مذاکره با دولت شود.

روند مذاکرات صلح افغانستان با طالبان اخیرا شکل جدی تری به خود گرفته است و چندی پیش نمایندگان طالبان در ابوظبی با نمایندگان کشورهای آمریکا، عربستان و پاکستان دیدار و گفتگو کردند.

افزون بر این نمایندگان این گروه طی سفر به تهران با مقامات ایرانی نیز دیدار و گفتگو داشتند. در راستای تحولات شکل گرفته در مورد روند صلح افغانستان خبرنگار مهر گفتگویی با «پیر محمد ملازهی» کارشناس و تحلیلگر مسائل شبه قاره انجام داده است که در ادامه از نظر می گذرد.

**|| با روی کار آمدن «زلمای خلیل زاد» به عنوان نماینده ویژه آمریکا در افغانستان و نفوذی که وی بر طالبان دارد این گمانه مطرح می شود که مسیر صلح هموار تر می شود، نظر شما در این خصوص چیست؟**

در اینکه آمریکایی ها به دنبال خروج آپرومندان از افغانستان هستند هیچ تردیدی وجود ندارد و این مسئله مربوط به زمان کنونی نیست بلکه اواخر دوران ریاست جمهوری «باراک اوباما» سیاست آمریکا در افغانستان تغییر کرد و آهسته آهسته به سمتی رفت که آمریکایی ها به این نتیجه رسیدند که قادر نیستند از لحاظ نظامی در افغانستان پیروز شوند. به خصوص با گزارش های میدانی که از سوی فرماندهان نظامی آمریکایی حاضر در صحنه جنگ افغانستان ارائه می شد این برداشت شکل گرفت که راه حل نظامی که به وسیله آن بتوان طالبان را به طور کلی از معادله قدرت حذف کرد وجود ندارد.

از طرف دیگر آمریکایی ها این آمادگی را نداشتند و هنوز هم ندارند تا شکست را بپذیرند. بنابراین در اواخر دوران اوباما مجموعه حاکمیت تحت تاثیر گزارش های فرماندهان اصلی حاضر در میدان جنگ به این نتیجه رسیدند که باید استراتژی آمریکا در افغانستان تغییر کند و راه حل نظامی را به راه حل سیاسی تغییر دهند و این امر هم یک شبه امکان پذیر نبود و نیاز به زمان داشت و از دیگر سو دوران رئیس جمهوری باراک اوباما نیز در حال اتمام بود.

اما خط مشی کلی که آمریکایی ها در آن زمان در پیش گرفتند و بعد از آن به ترامپ نیز به ارث رسید این بود که راه حل سیاسی را به جای راه حل نظامی در نظر بگیرند. به همین دلیل هم بود که معاهدات امنیتی را با افغانستان به امضا رساندند البته در دوران ریاست جمهوری «حامد کرزای» این معاهدات به دلیل مخالفت وی امضا نشد اما بلافاصله و دو روز بعد از روی کار آمدن «شرف غنی» رئیس جمهوری افغانستان به امضا رسید و بر آن اساس آمریکایی ها توانستند چندین پایگاه نظامی در افغانستان بدست بیاورند و شکل حضور نظامی آمریکایی ها در افغانستان تغییر کرد.

یعنی به جای برخورد مستقیم نظامیان با طالبان و گروه های مخالف، تعریف جدیدی برای مسئولیت نظامی

آمریکا بشوند شامل چین، عربستان، ایران و روسیه بودند. عربستان از لحاظ مالی، و بقیه کشورها از سایر لحاظ می توانستند به پاکستان کمک کنند. فرماندهان نظامی سطح بالای ارتش پاکستان و «نواز شریف» زمانی که سمت نخست وزیری را به عهده داشت دست به انجام سفر های دوره ای به ایران، روسیه، عربستان و چین زدند یعنی هم بخش سیاسی و دولت پاکستان یعنی شخص نواز شریف و هم فرماندهان ارتش (آی. اس آی) که بخش امنیتی ارتش پاکستان را تشکیل می دادند در این سفرها شرکت داشتند و جمع بندی نهایی که به نظر می رسید در پاکستان صورت گرفت این بود که جایگزین آمریکا به این سادگی امکانپذیر نیست.

یعنی اگر پاکستان خواهد از دنیای غرب دست بکشد، چین گزینه خوبی برای همکاری است اما چینی ها حاضر به کمک بلاعوض نیستند. چینی ها صرفا حاضر به سرمایه گذاری هستند و بر اساس منافع ملی خود عمل می کنند چنانچه در بحث کریدور اقتصادی چین- پاکستان برای اتصال بندر گوادر به کاشغر نیز سرمایه گذاری کردند.

گزینه دیگر برای جایگزینی آمریکا، عربستان بود که ریاض هم در آن زمان خیلی تمایلی برای کمک بلاعوض به پاکستان نداشت و صرفا با ارائه چندین وام و اعطای سوخت می توانست به پاکستان کمک کند. بنابراین پاکستان در نهایت به این نتیجه رسید که نمی تواند به یکباره از آمریکا جدا شود و از این کشور دست بکشد. این ارزیابی که در سطح بالای حکومتی در دوران نواز شریف صورت گرفت. بعد از برکنار شدن شریف و روی کار آمدن «عمران خان» به نظر می رسید که کل دولت پاکستان بر روی یک مسئله به توافق رسیده است و آن این بود که برای به پای میز مذاکره کشاندن طالبان کمک کنند.

از دیگر سو رئیس جمهوری آمریکا «زلمای خلیل زاد» که یک آمریکایی افغان تبار است و همچنین یک پشتون متعصب است را به عنوان میانجیگر صلح و نماینده آمریکا در امور صلح افغانستان انتخاب کرد.

نیروهای آمریکایی در افغانستان ارائه کردند بر این مبنا که نظامیان آمریکایی صرف به آموزش و مشورت دهی به نیروهای افغان بپردازند و تدارکات و تسلیحات در اختیار نظامیان افغان قرار دهند اما زمانی به شکل مستقیم آن هم به صورت هوایی و نه زمینی در جنگ حضور داشته باشند که نیروهای دولتی افغانستان درخواست کنند.

بنابراین استراتژی آمریکایی ها این بود که نظامیان این کشور در پایگاه های مشخصی مستقر بشوند و به صورت مستقیم وارد جنگ نشوند و فقط در صورت نیاز هواییهای آمریکایی و ناتو به درخواست دولت مرکزی افغانستان وارد عمل شوند.

این سیاست بعد از پایان دوران ریاست جمهوری باراک اوباما در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز پیگیری شد. اما بحثی که ترامپ در دوران ریاست جمهوری خود مطرح کرده بود این بود که چرا آمریکا باید در افغانستان، سوریه و عراق و... هزینه کند. مگر آمریکا ژاندارم دنیا است اول باید برای آمریکا هزینه کرد.

بر اساس این سیاست و براساس وعده های انتخاباتی که داده بود ترامپ باید دست به اقداماتی می زد. همانطور که دیدیم رسما اعلام کرد که نیروهای خود را از سوریه خارج می کند و رسما اعلام کرد که ۷ هزار نفر از نیروهای خود را از افغانستان خارج می کند.

در این فاصله اتفاقی که افتاد این بود که آمریکای ترامپ و نه آمریکای اوباما، فشار بسیار سنگینی را به پاکستان وارد کرد تا طالبان را وادار به مذاکره کند چرا که آمریکا می داند که ارتباط پاکستان با طالبان در چه حد است و می داند که شورای رهبری طالبان در «کوئته» مستقر است و شبکه حقانی در «پیشاور» حضور دارند.

این فشار ها در درجه اول به صورتی بود که تمامی کمک های خود به پاکستان را به حالت تعلیق در آورد؛ هم کمک های نظامی هم اقتصادی. بنابراین پاکستان دو راه حل پیش رو داشت اول اینکه تسلیم نظریات آمریکا شود و دوم اینکه جایگزینی برای دریافت کمک ها پیدا می کرد و از آمریکا دست می کشید.

کشورهایی که از دید پاکستان می توانستند جایگزین



افغانستان ادامه پیدا خواهد کرد و فقط جغرافیای جنگ عوض خواهد شد یعنی از منطقه پشتون نشین به شمال افغانستان منتقل خواهد شد که در آن صورت خطر تجزیه افغانستان به وجود خواهد آمد.

بنابراین به نظر می رسد که راه حل نهایی مسئله افغانستان همان راه حل سیاسی است که خلیل زاد به دنبال آن است که در کنار آن بازیگران دیگری از جمله مسکو و تهران و یکن نیز در این مسئله نقش بازی می کنند و هر کدام به دنبال این هستند که منافع خود را در این مسئله داشته باشند و حال اینکه مذاکرات صلح از کدام خط می گذرد و کدام یک از بازیگران می توانند موضع مسلطی در این خصوص بگیرند موضوعی است که در آینده مشخص خواهد شد.

### || طالبان اخیرا اعلام کرده است که حاضر نیست با دولت افغانستان گفتگو کند. این تصمیم در شرایط کنونی چه پیامی دارد؟

طالبان معتقد است که دولت وحدت ملی دولت دست نشانده آمریکاست و از طرفی این گروه در حال جنگ با آمریکا در افغانستان است و طرف اصلی جنگ آمریکاست. بنابراین دلیلی نمی بیند که با دولتی که دست نشانده ارزیابی می کند، وارد مذاکره شود.

طالبان معتقد است که باید مسائل نظامی خود را با آمریکا حل و فصل کند. اما واقعیت این است که این آخرین دیدگاه طالبان نیست و طالبان در یک مرحله به این نتیجه خواهد رسید که یک طرف قضیه در امر صلح دولت افغانستان است. اما به نظر می رسد که استراتژی طالبان به این صورت است که تا جایی که ممکن است دولت افغانستان را نادیده بگیرد برای اینکه دولت کابل را تحقیر کند و در موضع ضعف قرار دهد تا بتواند حداکثر امتیاز لازم را از دولت افغانستان بگیرد و بعد از اینکه حداکثر امتیاز را از دولت گرفت حاضر به مذاکره با کابل خواهد شد.

دولت افغانستان هم وقتی مطرح می کند که قانون اساسی خط قرمز افغانستان است، این هم آخرین موضع دولت افغانستان نیست و بالاخره هر دو طرف باید بر سر میز مذاکره بنشینند و به یک فصل مشترکی که بر اساس منافع افغانستان است دست یابند و در اینجا هست که طرفین می توانند به تفاهم برسند.

اما در نهایت به دلیل اینکه این ذهنیت در قوم پشتون وجود دارد که قدرت حق آنهاست و از سال ۱۹۷۷ که «احمد شاه ابدالی» پادشاهی افغانستان را اعلام کرد و افغانستان را مستقل اعلام کرد تاکنون فقط دو مقطع کوتاه یکی زمان «حبیب الله خان کلکانی» که ۹ ماه بیشتر طول نکشید و دیگری در زمان «ربانی» که به مدت دو سال که به طور دائم در حال جنگ بودند دولت در دست تاجیک ها بوده است و غیر از این دو مقطع زمانی، قدرت در دولت افغانستان در دست تاجیک ها نبوده است. بنابراین این ذهنیت در قوم پشتون وجود دارد که قدرت باید در دست آنان باقی بماند.

همانطور که در انتخابات گذشته همه نشانه ها حکایت از آن داشت که «عبدالله عبدالله» پیروز شده است در حالی عبدالله اصالتا از پدری پشتون و مادری تاجیک است با این وجود با هم پشتون ها پذیرفتند که عبدالله به خاطر دورگه بودنش روی کار بیاید و فرهنگ تاجیک را غالب بر جامعه کند آنچه که در نهایت باعث شد که «جان کری» وزیر خارجه وقت آمریکا فرمول دولت وحدت ملی افغانستان را برای این کشور مطرح کند.

طالبان علاوه بر این خصلت که انحصار طلب قومی

می توان به دو دسته میانه رو و تندرو تقسیم کرد. تندروها از گروه طالبان خارج خواهند شد اما اینکه تندروها خودشان گروه خاص خودشان را تشکیل بدهند یا اینکه به گروه داعش بپیوندند جای بحث دارد.

بنا بر اعتقاد بسیاری از کارشناسان طیفی از طالبان که از این گروه جدا می شوند ظرفیت ورودشان به گروه داعش بسیار زیاد است یعنی در واقع طالب تجزیه شده به سمت گروه داعش گرایش پیدا می کند و از دیگر سو شورای کویته طالبان و سایر احزاب این گروه وارد مذاکرات صلح می شوند و طرحی را آن زمان ژنرال پترانوس مطرح کرد مبنی بر اینکه ۱۳ ولایت افغانستان به اضافه ۴ وزارتخانه اصلی در کابل را نیز در اختیار طالبان قرار دهند را اجرا کنند.

اما به نظر می آید که پاکستان در این زمینه نقش اصلی را ایفا می کند به این معنی که اگر پاکستانی ها احساس کنند که منافع ملی آنها با شکل گرفتن مذاکرات صلح افغانستان تامین می شود، در آن صورت برای انجام این مذاکرات کمک خواهند کرد ولی اگر به این نتیجه برسند



که دولت آمریکا در نهایت بهای زیادی به اسلام آباد نخواهد داد در این صورت پاکستان همچنان ظرفیت آن را دارد که به سیاست دوگانه خود ادامه دهد. از سوی دیگر باید این واقعیت را پذیرفت که نزدیک به ۵۰ درصد از خاک افغانستان در اختیار طالبان است یعنی فقط مناطق شهری بزرگ در دست دولت است و تمام ولایت های کوچک و مناطق عشایری تحت نفوذ طالبان قرار دارند.

اما واقعیتی که وجود دارد این است که طالبان هرگز از طریق نظامی قادر به تصرف دولت و در دست گرفتن حکومت نیست آن هم نه به دلیل اینکه آمریکایی ها در افغانستان حضور دارند بلکه حتی اگر همین امروز هم آمریکا افغانستان را ترک کند باز هم طالبان قادر نخواهد بود کابل را به تصرف خود درآورد.

چرا که نیرویی که هم اکنون در کابل حضور دارند نیرویی است که بدنه اصلی آن از پایگاه شمالی افغانستان تشکیل شده است یعنی نیرویی که شامل تاجیک ها، ازبک ها و هزاره ها هستند نیروهایی که هرگز زیر بار قدرت طالبان در مرکز نخواهند رفت.

بنابراین با در نظر گرفتن این حالت با هم جنگ در

به نظر می آید که مسئولیت اصلی که خلیل زاد بر عهده دارد این است که طالبان را قانع بکند که نمی تواند از طریق نظامی به قدرت برسد و به طالبان بفهماند که این گروه نمی تواند از طریق نظامی کابل را تحت کنترل خود در آورد و زمام حکومت را به دست بگیرد. اما اگر راه حل سیاسی را بپذیرد این امکان برای آنها به وجود می آید که با توجه به پایگاه اجتماعی که در قوم پشتون دارند و با توجه به پایگاه اجتماعی که برخی از علمای تاجیک و ازبک حامی طالبان دارد می تواند تبدیل به یک حزب سیاسی شود و در انتخابات شرکت کند و از این طریق در دولت افغانستان سهم داشته باشند.

به نظر می رسد اگر خط مشی که توسط خلیل زاد در مذاکرات ابوظبی - که در آن پاکستان، امارات متحده، عربستان، طالبان و آمریکا حضور داشتند و ایران حضور نداشت - و آنچه در مذاکرات جده مطرح خواهد شد را طالبان بپذیرند در آن صورت ابتکار عمل در راستای مذاکرات صلح در اختیار آمریکا خواهد بود اما اگر طالبان نپذیرند، طرح آمریکایی ها پیش نخواهد رفت.

اما صرفا مذاکرات ابوظبی و جده تعیین کننده نیست چرا که مذاکراتی در تهران و در مسکو نیز با نمایندگان طالبان صورت گرفته است و هر کدام از این جریان ها یعنی مذاکرات شکل گرفته در ابوظبی، جده، تهران و مسکو به دنبال این هستند که مذاکرات صلح را مطابق با جریان فکری خود پیش ببرند و طالبان را قانع کنند به اینکه دیدگاه آنان پیش برود.

### || در حال حاضر چه طیف و جریانی از طالبان در حال مذاکرات هستند؟

شورای کویته، اما واقعیتی که وجود دارد این است که طالبان یکدست نیست و به احتمال فراوان اگر مذاکرات صلح پیش برود طالبان به دو بخش تجزیه خواهد شد. بخشی از طالبان خط مشی را که از طریق مذاکرات ابوظبی، جده و آمریکا و عربستان سعودی پیش می رود را نخواهند پذیرفت و آن بخش در صورت قطعی شدن مذاکرات به احتمال زیاد از طالبان جدا خواهند شد. جریان های دیگر طالبان نیز قبل از این، از این گروه شده اند که از جمله آنها جریان «ملا رسول» بود.

بنابراین اگر طالبان تجزیه شود در این صورت این گروه را

و قدرت را به دست بگیرد اما در آن سوی قضیه با فشاری که ترامپ به حامیان طالبان از جمله پاکستان و همچنین فشاری که به عربستان بعد از قتل «خاشقچی» وارد کرده است آنها را مجبور کرده است که در ارتباط با افغانستان یک راه حل میانه را بپذیرند.

منبع در آمد طالبان نیز عربستان سعودی و امارات متحده عربی، قطر و پاکستان است و اگر این کشورها این امر را بپذیرفته باشند به شکل طبیعی می توان به یک راه حل سیاسی برای صلح امیدوار بود. فقط اینکه این راه حل سیاسی از مسیر تهران می گذرد یا از مسیر مسکو یا ابوظبی یا جده چیزی است که هنوز مشخص نیست چرا که هر کدام از این جریان ها دیدگاه خود را دارند.

آنچه که خواست ایران است این است که آمریکایی های به هر شکل ممکن از افغانستان خارج شوند و اینجا دیدگاه طالبان و ایران با هم یکی است. آنها می خواهند که به هر شکلی که هست داعش در افغانستان نفوذ نکند که در حال نفوذ هم هست؛ هم ایران هم روسیه و هم طالبان می خواهند که شرایطی به وجود نیاید که چنین اتفاقی بیفتد.

در واقع ایران به دنبال آن است که مذاکرات صلح افغانستان به ابتکار عمل آمریکایی ها صورت نگیرد و در واقع مذاکرات در این راستا بین افغانی یعنی بین دولت افغانستان و طالبان باشد و آنچه بعد از مذاکرات بین نمایندگان طالبان و مقامات ایران در تهران رسماً اعلام شد این بود که تهران به دنبال کمک به برگزاری مذاکرات صلح بین طالبان و دولت افغانستان بدون شرکت سایر کشورهای خارجی است و این سیاستی است که مطابق با دیدگاه های دولت کابل نیز هست.

### || آیا موضع ایران و پاکستان در قبال طالبان یکسان است؟

به عقیده من خیر، چرا که پاکستان هنوز به جمع بندی نهایی نرسیده است یعنی هنوز نمی داند که آیا با ایران و چین و روسیه کار بکند یا با آمریکا و عربستان سعودی و امارات.

اما چیزی که در آینده برای ایران خطرناک است این است که پاکستانی ها به آمریکایی ها کمک کنند تا روند آشتی بین طالبان و دولت افغانستان برگزار شود اما نیروی داعش جایگزین طالبان در افغانستان شود و تنها شکل جنگ در افغانستان عوض شود و نیروهای آن تغییر کند. به این معنا که داعشی که در خاورمیانه شکست خورده است از عراق اخراج شده و در حال اخراج از سوریه نیز هست؛ داعشی که تنها نیروهای عرب ندارد و از همه نقاط دنیا نیرو دارد و بخشی از طالبان که در سطح فرماندهی بودند نیز در آن حضور دارد به افغانستان منتقل شوند که احتمالش بسیار فراوان است.

بنابراین با این احتمال که نیروهای داعش در افغانستان وارد شوند، در مناطقی اجازه فعالیت دارند و آمریکایی ها به آنها کمک خواهند کرد که علیه رقبای آمریکا وارد عمل بشوند رقبای آمریکا نیز در منطقه روس ها، ایرانی ها و چین ها هستند.

نیروهای داعش آموزش دیده هستند و قدرت جنگی بالایی دارند اگر به افغانستان منتقل شوند این ظرفیت را دارند که با آمریکایی ها در افغانستان کنار بیاید. چرا که داعش می خواهد علیه منافع روسیه در آسیای مرکزی و علیه چین در ایالت «سین کیانگ» بجنگد؛ چنانچه بخشی از نیروهایی از داعش هم که در سوریه جنگیدند نیروهای حزب اسلامی ترکستان شرقی بودند.

بنابراین اگر این نیروها در افغانستان فعال شوند به احتمال

مناطق هزاره جات و به تاجیک ها و ازبک ها در مناطق که در آن ساکن هستند، داده شود چرا که غیر از این امکان برقراری صلح وجود ندارد. بنابراین افغانستان آینده یک افغانستان فدرال خواهد بود هر چند که مشکلات خود را هم دارد چرا که پیاده کردن یک نظام فدرالی که متخصص یک جامعه پیشرفته است را در افغانستان جنگ زده ای که اختلافات قومی در صدر مسائل این کشور قرار دارد، دشوار خواهد بود و کار ساده ای نیست.

اما آن چیزی که به نظر می رسد که سرانجام گروه های دیگر را هم مجاب می کند این است که آنها نیز به اندازه پشتون ها سهم داشته باشند یعنی قانون اساسی افغانستان اصلاح شود و نظام ریاستی کنونی تبدیل به نظام پارلمانی شود و نخست وزیر بیفتد و آن به این دلیل است که به دست نخست وزیر بیفتد و آن به این دلیل است که اگر نظام کنونی به نحوی که هست باقی بماند و رئیس جمهور از طریق انتخابات به دست طالبان بیفتد این



احتمال وجود دارد که دولت دست طالبان نیفتد. چرا که هر احتمالی در انتخابات وجود دارد. در انتخابات هر کس که نگاه مثبت تری به جامعه داشته باشد و تبلیغ بیشتری بکند می تواند هوادار پیدا بکند و از دیگر سو اختلاط قومی هم در افغانستان وجود دارد و اینگونه نیست که مثلاً مناطق پشتون نشین صرفاً پشتون نشین باشند. در این مناطق، شیعه، هزاره جات، ازبک و تاجیک هست همچنان که در مناطق دیگر هم، پشتون وجود دارد. علاوه بر گروه های قومی که اکثریت هستند، نزدیک به ۵۴ گروه قومی شناخته شده کوچک نیز در افغانستان وجود دارند و این قومیت ها به عنوان اقلیت در پایگاه کسانی قرار می گیرند که منافع اقلیت ها را تامین می کند و آن پایگاه و جبهه، جبهه ای نیست جز پایگاه شمال و گروهی که «عبدالله عبدالله» و «یونس قانونی» و «محقق» نمایندگی آن را به عهده دارند. بنابراین وقتی همه قومیت ها در یک طرف قرار بگیرند خوششان وزنه ای در مقابل طالبان و قومیت پشتون خواهند شد. بنابراین صرفاً یک نظام فدرالی را می شود با شرایط کنونی تطبیق داد.

بنابراین اگر مصالحه ای صورت بگیرد چنین فرمولی به احتمال قوی پیاده خواهد شد چرا که هنوز طالبان راضی به صلح نشده است و هنوز امیدوار است که بعد از خروج آمریکایی ها از افغانستان ظرف یک هفته کابل را تصرف

در قدرت هستند از لحاظ ایدئولوژیک هم انحصار طلب هستند؛ طالبان دیوبندی هایی هستند که معتقدند قدرت حق آنهاست و دیدگاه اسلامی آنهاست که اسلام واقعی است و دیگران حقی ندارند و بنابراین ترکیب این دو ویژگی انحصار طلبی سبب می شود که طالبان سایر قومیت ها را به عنوان شریک مساوی در قدرت نپذیرد؛ به عنوان کارگزار بلکه اما به عنوان شریک مساوی هرگز.

بنابراین در این فضای حاکم این احتمال وجود دارد که آمریکایی ها، عربستان سعودی و پاکستان به این نتیجه برسند که برای اینکه قدرت در انحصار پشتون ها بماند بین سه جریان پشتون یعنی طالبان، حزب اسلامی حکمتیار و تکنوکرات های حاکم پشتون کنونی - که از سال ۲۰۰۱ یعنی از اجلاس «بن» به بعد روی کار آمدند و وجه غالب آنها پشتون است - ائتلاف به وجود بیاید و این ائتلاف از طریق سیاسی و انتخابات قدرت خود را تثبیت کند و طالبان هم ساز و کارهای دموکراتیک و انتخابات را

بپذیرند و از این طریق قدرت را به دست بگیرند و قدرت در دست پشتون ها باقی بماند.

### || آیا دلیل اینکه کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، انتخابات ریاست جمهوری این کشور را به تعویق انداخت نیز همین بود؟

بله بخشی به این خاطر است. طالبان پیشنهاد دادند که دولت موقتی به وجود بیاید که رهبر این دولت موقت را طالبان انتخاب کند و سپس این دولت موقت به رهبری طالبان انتخابات را برگزار کند. این خواستی است که از طرف طالبان عنوان شده است و در حال کار کردن بر روی این قضیه هستند و از دیگر سو انتخابات به این دلیل به تعویق افتاد که خلیل زاد بتواند طالبان را در این فرمول بگنجانند. در این میان خلیل زاد نقش بسیار مهمی را در این راستا بازی می کند حال اینکه از پس آن بر بیاید یا نه باید ببینیم که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.

در واقع تلاش خلیل زاد بر این است که علاوه بر حفظ قدرت پشتون ها در افغانستان، بقیه قومیت های نیز در ساختار دولت افغانستان بپذیرفته و جای داده شوند و بر این اساس به احتمال فراوان افغانستان بعد از خروج آمریکایی تبدیل به یک افغانستان فدرال خواهد شد.

یعنی همان امتیازاتی را که به طالبان در مناطق پشتون نشین می دهند همان امتیازات را هم باید به هزاره ها در

است داعش در افغانستان به وجود بیاید و مورد حمایت آمریکا قرار بگیرد و بخواهد علیه ایران بجنگد.

یعنی به این معنا که این تفکر در ایران وجود دارد که می توان با طالبان در ارتباط بود برای زمانی که اگر داعش در افغانستان فعال شد و به قدری قدرت گرفت که بتواند علیه ایران بجنگد در آن صورت بتواند از این طریق کنترلش کنند.

### || چندی پیش اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان وزاری دفاع و کشور افغانستان را عزل به جای آنان افراد جدیدی را انتخاب کرد هدف غنی از تغییر بدنه دولت وحدت ملی در شرایط کنونی چه بود؟

این تغییرات بیشتر واکنشی و احساسی بوده است چرا که زمانی که هیئت صلح افغانستان به ابوظبی سفر کرد و طالبان حاضر نشدند با آنان گفتگو کنند و آنان را نادیده گرفتند. این نادیده گرفتن برای اشرف غنی گران تمام شد و به همین دلیل دو چهره کاملاً ضد طالبان و ضد پاکستان را به عنوان وزیر دفاع و وزیر امنیت ملی خود انتخاب کرد که بیشتر واکنش و پیامی بود به طالبان که اگر شما، ما را نادیده بگیرید ما هم شما را نادیده می گیریم و کسانی را روی کار می آوریم که با شما صد صد مخالف هستند.

غربی را از دست داده است به دنبال احیای خلافت شرقی خود است.

خلافت شرقی هم از تمام کشورهای مسلمان نشین آسیای مرکزی می گذرد که از سین کیانگ شروع می شود و تا اندونزی، میانمار، هند، پاکستان، ایران و سایر مسلمانان جهان ادامه خواهد داشت. داعش به دنبال تسلط بر هر کدام از این کشورها و در نهایت تشکیل خلافت به اصطلاح اسلامی خود است.

بنابراین هر چند پاکستان به دنبال توازن بین روابط خود بین ایران و عربستان است اما اینکه بتوان پاکستان را از آمریکا و شرکای غربی خود جدا کرد و به سمت اتحاد با چین، ایران و روسیه آورد مقداری ذهن گرایانه و دور از واقعیت است.

اما اگر چنین معامله ای جوش بخورد و پاکستان در کنار آمریکا، عربستان و اسرائیل قرار بگیرد و آمریکا نیز از دیگر سو به دنبال فضا دادن به داعش در افغانستان باشد در این صورت وضعیت برای ایران مطلوب نیست. چرا که طالبان و داعش بر سر رسیدن به قدرت و مناطق تحت کنترل با یکدیگر جنگ دارند و جذب نیروهای طالبان در بدنه داعش امتیازی برای آنان محسوب می شود.

بنابراین کسانی که در ایران این تفکر را داشتند که می توان از عنصر طالبان علیه داعش در افغانستان استفاده کنند دیدگاه بلند مدتی نسبت به معادلات کلی منطقه داشتند که ممکن

فراروان به سمت مرزهای امنیتی روسیه و چین و همچنین مرزهای غربی افغانستان که در واقع شرق ایران است حرکت می کنند؛ یعنی در مناطق «نیمرز»، «هرات»، «زابل»، «قندهار».

اگر آمریکا سیاستش این باشد که چین را مهار کند که در ظرف ۳۰ سال آینده تبدیل به یک قدرت جهانی نشود و آمریکا را عقب بزند و در روسیه نیز پوتین را مهار کند که در اوکراین یکه تازی نکند و به عنوان یک رقیب به دنبال اتحاد شوروی نباشد، این نیروی داعش در افغانستان بسیار به کار آمریکا خواهد آمد و منافع مشترک بین آمریکایی ها، دنیای غرب و داعش شکل خواهد گرفت. چرا که داعش در افغانستان فعلاً به دنبال آن نیست که حکومت افغانستان را تحت تصرف خود درآورد بلکه به دنبال آن است که سمت ایران و آسیای مرکزی و سین کیانگ حرکت کند بنابراین اتفاقی که در اینجا می افتد و نقش پاکستان در آن بسیار حیاتی خواهد بود این است که عربستان سعودی و امارات، پاکستان را قانع کنند که فرمول آمریکا، اسرائیل و عربستان و امارات را برای حضور داعش در افغانستان بپذیرد و در افغانستان علیه روسیه و چین بجنگد.

کاری هم با طالبان ندارند چرا که طالبان صرفاً به دنبال آزادسازی افغانستان از آمریکا هستند و به دنبال این نیستند که در چین و... بجنگند اما داعش به دلیل اینکه خلافت

### گفتگوی اختصاصی با رئیس پارلمان پاکستان:

## دولت جدید پاکستان برای گسترش رابطه با ایران عزم راسخ دارد

بنفشه اسماعیلی

راسخ دارد. اما در مورد همکاری های ایران و پاکستان در بندر گوادر و چابهار باید گفت که پروژه بندر گوادر یک فرصت بسیار بزرگ برای هر دو کشور است و این خواست و اراده ماست که با همکاری بین این بنادر هم پاکستان و هم ایران از این فرصت و موقعیت بزرگ بهره ببرند. بنابراین در جهت بیشتر موثر واقع شدن کریدور اقتصادی چین-پاکستان (سی پیک) در گوادر و دسترسی آسان به سایر کشورها و برقراری اتصال بین آنها که هدف بنیادی این پروژه است همکاری دو بندر گوادر و

### «حسن روحانی» رئیس جمهوری اسلامی ایران با شما مطرح شد، مکمل یکدیگر باشند؟

در ابتدا و پیش از پاسخ به این سوال باید گفت که ایران کشور اسلامی دوست و برادر ماست و مردم پاکستان از صمیم قلب مردم ایران را دوست دارند و از ایران به عنوان بهترین دوست خود یاد می کنند و خوشبختانه بین دو کشور ایران و پاکستان مشکل عمده ای وجود ندارد. دولت جدید پاکستان برای گسترش و تعمیق بیش از پیش روابط دولت ها و ملت های ایران و پاکستان عزم

رئیس پارلمان پاکستان با تاکید بر همکاری بنادر چابهار و گوادر گفت: هر اندازه همکاری های بین طرفین افزایش یابد به همان اندازه مسائل و مشکلات دو کشور کمتر و راه برای ترقی هموارتر خواهد شد.

از زمان روی کار آمدن نخست وزیر جدید پاکستان، «عمران خان» که در اسلام آباد چهره ای حامی روابط صمیمانه با تهران به شمار می رود، انتظارات درباره گسترش و تعمیق روابط دو کشور همسایه ایران و پاکستان افزایش یافته است.

اگر چه شرایط روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی دو کشور در طول تاریخ با فراز و فرودهایی مواجه بوده است اما در سال های اخیر شاهد روابط رو به رشد تهران-اسلام آباد در بخش های مختلف بوده ایم، اگر این روابط در مسیر صحیحی که اکنون در آن قرار گرفته است، پیش برود، در آینده نه چندان دور شاهد افزایش حجم روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی این دو کشور همسایه خواهیم بود.

در این خصوص خبرنگار مهر گفتگویی با «اسد قیصر» رئیس مجلس ملی پاکستان انجام داده که در ادامه از نظر می گذرد. اسد قیصر از حزب «تحریک انصاف» در مرداده ماه سال جاری با رای نمایندگان مجلس ملی پاکستان به عنوان رئیس پانزدهمین دوره مجلس ملی این کشور انتخاب شد.

### || چه همکاری های مشترکی می تواند بین بندر «چابهار» ایران و «گوادر» پاکستان شکل بگیرد که این دو بندر آنگونه که در دیدار



چاپهار بسیار حائز اهمیت است. خواست دولت پاکستان نیز این است که اقدامات لازم در این راستا صورت بگیرد.

**|| بندر گوادر محل همکاری پاکستان با چین است و بندر چاپهار محل همکاری ایران و هند که رقیب پاکستان است، می باشد. بر همین اساس برخی معتقد هستند که بندر چاپهار رقیب بندر گوادر است. نظر شما چیست؟**

هیچ گونه رقابتی بین این دو بندر وجود ندارد و اساساً نباید چنین رقابتی وجود داشته باشد. در واقع به بنادر چاپهار و گوادر باید به عنوان هدیه بزرگی از جانب خداوند و طبیعت به دو کشور ایران و پاکستان نگاه کرد. از این رو ضروری است که بر مبنای منطق و برنامه مستحکم به گونه ای از آن استفاده کنیم که برای هر دو کشور مفید فایده واقع شود.

در واقع پیشرفت و ترقی هر از یک دو کشور مانعی در راه پیشرفت و ترقی کشور دیگر که مکمل و لازمه آن است، ایجاد نمی کند. لذا هر اندازه همکاری های بین ایران و پاکستان افزایش یابد به همان اندازه مسائل و مشکلات دو کشور کمتر و راه برای پیشرفت هموارتر خواهد شد.

**|| آیا دولت جدید پاکستان برنامه ای برای اجرای هر چه سریع تر خط لوله گازی مشترک ایران-پاکستان موسوم به (آی-پی) دارد؟**

در این رابطه گفتگوهایی با رئیس جمهوری و «علی لاریجانی» رئیس مجلس شورای اسلامی ایران داشته ام و این مذاکرات در آینده نیز در جهت ایجاد یک راهکار اساسی برای ادامه این پروژه مشترک ادامه خواهد یافت. سفارت پاکستان در ایران نیز در این خصوص با دولت ایران در ارتباط است تا بتوان راه حل موثری را در جهت تکمیل این خط لوله گازی مشترک ارائه کرد.

**|| «عمران خان» نخست وزیر پاکستان در سخنرانی خود پس از به عهده گرفتن سمت نخست وزیری گفت که در اولین سفر خارجی خود به ایران سفر خواهیم کرد اما این امر تاکنون محقق نشده است. آیا این سفر در دستور کار دولت پاکستان قرار دارد؟**

ایران یک کشور بسیار مهم در سیاست خارجی پاکستان است و موضع عمران خان در قبال ایران نیز واضح و مشخص است.

«محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران نیز چندی پیش به پاکستان سفر داشت و وزرای خارجه دو کشور با یکدیگر در تماس هستند.

افزون بر این، برای شرکت در کنفرانس «روسای مجالس ۶ کشور آسیایی» هیئت بلند پایه ای از سران احزاب سیاسی پاکستان به تهران سفر کرد و این خود نشان دهنده اهمیت ایران در سیاست خارجی پاکستان است.

سفر نخست وزیر پاکستان به ایران نیز در آینده محقق خواهد شد و خواست دولت جدید پاکستان این است که

روابط دو کشور بیش از پیش مستحکم شود.

**|| موضع پاکستان در قبال مذاکرات صلح افغانستان و آمریکا با طالبان و نشست اخیر مسکو چیست؟**

خواست پاکستان برقراری امنیت و ثبات در تمام کشورهای منطقه از جمله افغانستان است چرا که امنیت و ثبات در افغانستان مترادف با امنیت و ثبات در پاکستان است و محقق شدن این مهم نه تنها به نفع افغانستان که به نفع همه کشورهای منطقه است.

افزون بر این پاکستان سال های زیادی است که قربانی تروریسم بوده و هزاران تن از نظامیان و شهروندان پاکستانی در راه مبارزه با تروریسم جان خود را از دست داده اند.

همچنین در این راستا دولت پاکستان متحمل خسارات فراوانی شده است. بنابراین خواست دولت پاکستان پایان جنگ در منطقه و ریشه کن کردن تمام عناصری است

همکاری تجاری بین کشورهای آسیایی مذکور ارائه گردد.

**|| اخیراً ایران شاهد یک حمله تروریستی در چاپهار بود. متأسفانه برخی گروه های تروریستی از مرزهای مشترک ایران و پاکستان برای اقدامات خود استفاده می کنند و پس از عملیات مجدداً وارد پاکستان می شوند. آیا پاکستان در جهت مقابله جدی با این گروه های تروریستی برنامه ویژه ای را تدارک دیده است؟**

وقوع چنین حوادث تروریستی چه در خاک ایران و چه در خاک پاکستان همواره محکوم بوده است. همانطور که مستحضر هستید این دست حوادث در خاک پاکستان نیز به وقوع پیوسته است و چندی پیش نیز ما شاهد حمله تروریستی به کنسولگری چین در شهر «کراچی» پاکستان بودیم. بنابراین پاکستان نیز خود در معرض تروریسم و حملات تروریستی بوده است.



تروریسم دشمن مشترک دو کشور است و مقامات پاکستان و ایران چه در سطح دولتی و چه در سطح نظامی برای حفاظت از مرزهای مشترک با یکدیگر همکاری های موثر و مناسبی داشته اند.

افزون بر این تلاش بر این است تا از طریق همکاری های پارلمانی بین دو کشور مکانیزم موثری برای حل مسائلی که در مرزهای مشترک بین پاکستان و ایران وجود دارد، ارائه گردد.

**|| پس از سفر اخیر نخست وزیر پاکستان به عربستان سعودی، مقامات پاکستانی اعلام کردند که ریاض موافقت خود را در زمینه سرمایه گذاری در یک پالایشگاه نفتی جدید در بندر گوادر اعلام کرده است. آیا امکان پیوستن عربستان به کریدور اقتصادی چین-پاکستان (سی پیک) وجود دارد؟**

اسلام آباد از سرمایه گذاری و شراکت سایر کشورها از جمله عربستان و ایران در کریدور اقتصادی-چین و پاکستان استقبال می کند.

که منجر به ایجاد بی ثباتی و نا امنی در منطقه شده اند.

**|| کشورهای شرکت کننده در کنفرانس «روسای مجالس ۶ کشور آسیایی» چه همکاری هایی می توانند در خصوص مبارزه با تروریسم داشته باشند؟ همانگونه که مستحضر هستید ریشه کن کردن تروریسم مستلزم توجه به مقوله توسعه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و ... است. در این زمینه کشورهای مشارکت کننده در این کنفرانس چه اقدامات مشترکی اتخاذ کرده یا خواهند کرد؟**

در بیانیه ای که در پایان این نشست صادر شد بر همکاری های کشورهای شرکت کننده در این نشست در راستای مبارزه با تروریسم تأکید شد.

از دیگر سو در راستای قوت بخشیدن به اقتصاد و افزایش روابط تجاری بین ۶ کشور آسیایی مذکور، بر ادامه این نشست ها تأکید شد.

با برگزاری این اجلاس ها تلاش می شود تا دولت ها، پارلمان ها و مردم این ۶ کشور به یکدیگر نزدیکتر شوند و در زمینه تحکیم اقتصاد نیز ساز و کار موثری برای ایجاد



گفتگوی اختصاصی مشاور سابق ناتو در افغانستان:

## تصمیم ترامپ به روند صلح افغانستان ضربه می زند

عبدالحمید بیاتی

مشاور سابق ناتو در افغانستان معتقد است که تصمیم «دونالد ترامپ» برای کاهش شمار نیروهای آمریکایی در افغانستان، به روند صلح این کشور ضربه می زند. تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا برای کاهش نیروهای آمریکایی در افغانستان با واکنش های متعددی مواجه شده و کاخ ریاست جمهوری افغانستان به تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده برای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان واکنش نشان داده و گفته است که خروج نیروهای خارجی بر روند تامین امنیت افغانستان تاثیر نخواهد داشت.

در بیانیه کاخ ریاست جمهوری افغانستان گفته شده که این نگرانی در سال ۲۰۱۴ با شدت بیشتری مطرح و در آن زمان تحلیل این بود که با خروج بیش از صدهزار نیروی خارجی افغانستان به دست شورشیان خواهد افتاد. اما نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان ثابت کردند که این تحلیل غلط است و از تمامیت ارضی و مردم افغانستان به شجاعت دفاع کردند.

ترامپ در حالی این تصمیم را اتخاذ کرده که هنوز مذاکرات صلح با طالبان به نتیجه نرسیده است. طالبان در سال های گذشته خروج نظامیان خارجی از افغانستان را یکی از شروط اصلی خود برای صلح اعلام کرده بود. در شرایط فعلی به نظر می رسد که کابل از تصمیم ترامپ ناراحت است و در همین رابطه روز یکشنبه اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان اقدام به تغییر وزیران کشور و دفاع این کشور کرد. دیروز یکشنبه رئیس جمهوری افغانستان با صدور دو حکم جداگانه «ویس احمد برمک» وزیر کشور و «طارق شاه بهرامی» وزیر دفاع این کشور را برکنار و به جای آنها «امران صالح» و «اسدالله خالد» را معرفی کرد.

اسدالله خالد رئیس سابق امنیت ملی افغانستان به عنوان وزیر دفاع و همچنین امرالله صالح که او نیز قبلا ریاست

امنیت ملی افغانستان را به عهده داشت به عنوان وزیر کشور انتخاب شده اند.

در همین رابطه برای تحلیل بهتر موضع افغانستان در خصوص تصمیم ترامپ برای کاهش شمار نیروهای آمریکایی در افغانستان، با «محمدشفیق همد» به گفتگو نشستیم.

«همد» از کارشناسان امور بین الملل بوده و علاوه بر امر مشاوره با دفتر ریاست جمهوری افغانستان و فرماندهان ناتو در افغانستان سابقه تدریس در دانشگاه مرلیند آمریکا را نیز دارد. متن مصاحبه با وی به شرح زیر است:

**|| دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از تصمیم خود برای کاهش تعداد نظامیان آمریکایی در افغانستان خبر داده است، با توجه به شرایط موجود در افغانستان تحلیل شما درباره این اقدام ترامپ چیست؟**

باوجود اینکه تمهد همکاری های مالی، سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا برای افغانستان طویل المدت و پابرجاست، اما تصمیم کاهش نیروهای این کشور در افغانستان موجب نگرانی است. قبل از حصول توافق صلح، کاهش نیروهای ایالات متحده آمریکا به صورت ناگهانی و بدون دلیل، روند امنیت و مذاکرات صلح افغانستان را می تواند متضرر سازد.

اگر هفت هزار نیروی ایالات متحده آمریکا تا تابستان سال آینده از افغانستان خارج شود، یک خلاء بزرگ به وجود می آید. سیاستورن در واشنگتن برای پر کردن چنین خلایی روی گزینه های متفاوت از جمله ازدیاد قراردادی های شرکت های خصوصی امنیتی و کمک های بیشتر به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان بحث می کنند.

**|| روز گذشته رئیس جمهور افغانستان اقدام به تغییر وزیران کشور و دفاع افغانستان کرد، آیا اصلاحات کابینه در این شرایط دلیل**

### خاصی داشته است؟

تعیین دوباره صالح و خالد در کابینه سه دلیل دارد: ۱- برای تضمین تداوم قدرت و نظام کنونی به هر صورت ممکن. ۲- ایجاد ائتلاف بزرگ ضد مصالحه با طالبان و سوم برای مختل نمودن روند صلح و مذاکرات مستقیم میان طالبان و ایالات متحده آمریکا.

صالح و خالد از جمله مخالفین روند کنونی مذاکرات با طالبان هستند، با وجود اینکه این دو شخص مخالف صلح نیستند، اما کاملا مخالف سبک و روند کنونی مذاکرات هستند. قابل ذکر است که این دو عضو جدید کابینه جمهوری اسلامی افغانستان از جمله مخالفین سرسخت طالبان و پاکستان نیز هستند.

هدف دیگر از این تغییرات، ایجاد یک ائتلاف بزرگتر آقای غنی برای انتخابات سال آینده است که از این طریق آقای صالح و آقای خالد را چون دو نامزد احتمالی و دو رقیب احتمالی هستند، می توان از صحنه برداشت و درعین حال شامل ائتلاف خود ساخت.

**|| بیشتر اعلام شده بود که دولت افغانستان از مذاکرات آمریکا با طالبان حمایت می کند اما اکنون شما معتقد هستید که تغییرات انجام شده در کابینه افغانستان برای ایجاد اختلال در مذاکرات آمریکا و طالبان انجام شده است؛ شما این تغییر سیاست را چگونه توضیح می دهید؟**

حکومت افغانستان تا چند روز قبل از مذاکرات مستقیم میان ایالات متحده آمریکا و طالبان حمایت می کرد. رهبری حکومت وحدت ملی، آقایان محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله بارها پشتیبانی مستقیم خود را از این روند ابراز داشته اند، اما موضع رئیس جمهور غنی تغییر نمود که باعث بن بست مذاکرات صلح شد. این موضوع دقیقا بعد از نشست امارات متحده عربی رخ داد، زمانیکه نماینده های طالبان از ملاقات با هیات افغانی ابا ورزبند.

محمد ایوب بررسی کرد؛

## طالبان و طبیعت در حال تغییر ناسیونالیسم پشتون



در پاکستان در سه دهه اول ظهورش را توجیه می کند. پیش از موفقیت محمد داود خان در سال ۱۹۷۳ که باعث براندازی حکومت سلطنتی شد، رابطه دولت افغانستان با پاکستان خصمانه بود و عمدتاً به رقابت های لفظی محدود می شد. هرچند احزاب پشتون مانند «افغان ملت» به علت الحاق گرا بودن و مسئله «پشتونستان» در رابطه با پاکستان بسیار کمتر از عبارات خصمانه استفاده می کردند. البته دو کشور به ویژه پس از محمد داود خان بارها تا مرز درگیری نظامی پیش رفتند. محمد داود خان در سال ۱۹۷۳ در کابل به قدرت رسید و یک پشتون ناسیونالیست بود.

حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان در دسامبر سال ۱۹۷۹ هم ماهیت ناسیونالیسم پشتون و هم ماهیت رابطه آن با پاکستان را به طور اساسی تغییر داد و باعث حمایت آمریکا و عربستان سعودی از خیزش افغان ها شد و در این میان پاکستان تبدیل به مجرای شد تا کمک ارتش آمریکا به پشتون ها را انتقال دهد و کمک های مالی عربستان را به قبایلی برساند که با اتحاد جماهیر شوروی یا دولتی که در کابل نماینده آن بود می جنگیدند.

حمله شوروی همچنین منجر به ورود ایدئولوژی سعودی وهایی از طریق مدرسه هایی شد که با بودجه سعودی ها برای کودکان پناهجو در مرز افغانستان و پاکستان برپا شده بود. طالبان که از نظر لغوی به معنی دانش آموزان است در واقع تربیت شدگان این مدرسه ها هستند. این مدرسه ها فرقه وهابیت را که به آن ناسیونالیسم پشتون اضافه شده بود آموزش می داد که خود با قرائتی تندرو از اسلام سیاسی و ترس ها و اهداف پشتون ها آمیخته شده بود. این چیزی بود که تا حد زیادی ماهیت ناسیونالیسم پشتون را هم در افغانستان و هم در پاکستان به طور غیر مستقیم تحت تاثیر قرار داده بود.

به طور همزمان حمله اتحاد جماهیر شوروی باعث تغییر ماهیت رابطه ناسیونالیسم پشتون و پاکستان شد و پاکستان را از یک دشمن به یک حامی و پشتیبان تبدیل کرد. پشتیبانی پاکستان از خیزش قومی در برابر شوروی قوم پشتون را وابسته به خوش بینی و تصویر دگرگون شده این کشور از یک دشمن بالقوه به یک دوست قابل اعتماد کرد.

پاکستان هرج و مرج به وجود آمده در افغانستان پس از خروج شوروی را یک فرصت استراتژیک بزرگ می دانست و طالبان پشتون که در سال ۱۹۹۴ در قندهار به وجود آمده بودند را از نظر نظامی تقویت کرد و به آنها از نظر سیاسی کمک رساند که در نهایت این استراتژی منجر به این شد که طالبان با کمک نظامی پاکستان در سال ۱۹۹۶ در کابل شکل بگیرد.

طالبان که اکنون به قدرت رسیده بودند از نظر استراتژیک پاکستان را برای درگیری با هند حمایت می کرد. طالبان همچنین به پاکستان پیشنهاد استفاده از نیروی انسانی و قلمرو افغان ها را برای برپایی و تربیت یک نهاد تروریستی داد تا در مسأله کشمیر که از سال ۱۹۹۰ جنجال برانگیز شده بود به کار گرفته شود. حمایت پاکستان از آشکار شدن ناسیونالیسم پشتون که زمینه های دینی نیز داشت باعث شد اسلام آباد به جای یک سرکوبگر ارزش های قومی پشتون ها به یک متحد مسلم برای رسیدن به اهداف بلند سیاسی آنها به تصویر کشیده شود.

دهند متمدن تر و تحصیل کرده تر از اقوام پشتون هستند و تعداد قابل توجهی از آنان در دیوان سلسله های گذشته که همیشه پشتون بودند مشغول به کار بودند. آنچه که از نظر بیشتر پشتونها نظم طبیعی سیاست در افغانستان بود اولین بار در سال ۱۹۷۹ با حمله اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن در سال ۲۰۰۱ با حمله آمریکا به شکلی اساسی تغییر کرد. این اتفاقات باعث خشم قبایل پشتون و طبقات اجتماعی بالای این قبایل شد که نماینده آنها بودند و تا حدی مسئولیت ظهور طالبان پشتون در سال ۱۹۹۴ را به عهده داشتند. دلایل اصلی ظهور طالبان نگرانی از به قدرت رسیدن تاجیک ها و همچنین نگرانی از «مجاهدین» بود که پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی برای به دست آوردن قدرت می جنگیدند.

طالبان بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ تا حدی اوضاع را سامان داد و تقریباً بر سه چهارم افغانستان حکومت کرد. آنها موفق شدند تا مقام بالایی برای پشتون هایی که بار دیگر کنترل کشور را به دست آورده بودند فراهم کنند. ظهور پشتونها در برابر دخالت بیگانگان که باعث مخالفت آنان با حمله اتحاد جماهیر شوروی شد و امروز دشمنی نسبت به حضور نظامیان آمریکا را باعث شده است تاریخ بلندی دارد و به مقاومت آنها در برابر نیروهای انگلیسی در قرن ۱۹ برمی گردد. این مقاومت با موفقیت انگلیس در تقسیم سرزمین پشتون ها با استفاده از خط مرزی «دیورند» و تقسیم افغانستان شدت گرفت و بخش های زیادی از قلمرو پر جمعیت پشتونها به هند بریتانیایی یعنی پاکستان کنونی تعلق گرفت. این مسأله جایگاه پشتون ها را از نظر آماری به شدت تغییر داد. مخالفت با خط مرزی دیورند دلیل اصلی مخالفت آنها با ورود پاکستان به سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ است.

به طور سنتی ناسیونالیسم در افغانستان بر پایه قومیت گرایی، وفاداری های قبیله ای و پایبندی به اخلاقیات قبیله ای بود و عمدتاً ریشه در باورهای دینی نداشت. این مسأله کینه افغانستان از مسلمان های همانند خود

پروفیسور «محمد ایوب» استاد برجسته روابط بین الملل در مقاله ای در نشریه آمریکایی «نشنال اینترست» به بررسی تاریخی ظهور و قدرت یابی طالبان و روابط آن با پاکستان پرداخته است.

نشریه نشنال اینترست در مقاله ای منتشر شده به قلم «محمد ایوب» به بررسی عوامل ظهور دوباره طالبان و نقش کنونی آن در دستیابی به یک صلح پایدار می پردازد.

«محمد ایوب» پروفیسور بازنشسته دانشگاه میشیگان و عضو ارشد در مرکز مطالعات سیاست جهانی است. از جمله کتاب های او می توان به «چهره های چند گانه اسلام سیاسی» و جدیدترین آنها «خاورمیانه از فروپاشی تا نظم یابی» اشاره کرد.

مطابق مقاله «محمد ایوب» تنها بخشی از ظهور دوباره طالبان ریشه در دین دارد. انگیزه دستیابی به جایگاهی در خور و انتقام به نفع پشتونها نیز اگر محرک قوی تری نباشد حداقل به همان اندازه مهم است.

با خروج آمریکا از افغانستان آنچه به وضوح احساس می شود ضرورت ارزیابی آینده افغانستان با در نظر گرفتن ناسیونالیسم پشتون است که در حال حاضر نماینده اصلی آن - با وجود شیوه نادرستش - طالبان است. آنچه طالبان را برای رسیدن به قدرت در افغانستان توانا ساخته است استفاده از جذابیت بالقوه ادبیات دینی پشتون ها و همچنین نفرت قومی نسبت به دخالت عوامل خارجی در سرزمینشان است. هر دو این عوامل، عوامل همیشگی سیاستمداران افغانی است که دست کم به قرن نوزده برمی گردند. احتمالاً آنها پس از خروج آمریکا نیز خود را با قدرت بالا نشان خواهند داد.

بیشتر پشتونها که بیش از چهل درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند بر این باورند که بر اساس تاریخ سیصد سال گذشته که در بیشتر دوره ها سلسله های پشتون فرمانروایی می کردند آنها فرمانروایان برحق افغانستان هستند. در حالی که تاجیک های فارسی زبان که حدود یک چهارم جمعیت افغانستان را تشکیل می

## کلاف سردرگم روابط استراتژیک آمریکا و پاکستان

بنفشه اسماعیلی



علیرغم روابط استراتژیک اسلام آباد-پاکستان طی دهه های گذشته اما روابط دو کشور چند سالی است که دستخوش تنش شده و با روی کار آمدن ترامپ این تنش ها قوت بیشتری به خود گرفته است.

روابط آمریکا و پاکستان، روابطی محکم و استراتژیکی محسوب می شد؛ پاکستان در تمام دوران جنگ سرد در کنار ایالات متحده و ایالات متحده در کنار پاکستان بود. اشغال افغانستان توسط شوروی در سال ۱۹۷۹ نقطه تحولی در روابط آمریکا و پاکستان بود که باعث تعمیق بیشتر روابط دو جانبه این دو کشور شد. اما شکست شوروی در افغانستان و تحول بعدی آن یعنی پایان جنگ سرد را می توان آغازی بر ایجاد تنش در روابط آمریکا و پاکستان به حساب آورد.

در دوران بعد از جنگ سرد، منافع استراتژیک پاکستان و آمریکا به مرور دستخوش تغییر شد و عمده تغییر و تحول بر سر دو موضوع افغانستان و هند بود. اما در رابطه با افغانستان، حوادث ۱۱ سپتامبر بی تردید نقطه عطفی است که به اعتقاد برخی در آن پاکستان از حمایت از گروه طالبان دست بردارد و در کارزار جهانی آمریکا علیه تروریسم شرکت کند اما در پشت پرده روابط خود را با طالبان حفظ کرده و افغانستان را به عنوان یک ذخیره استراتژیک در مقابل هند و گسترش کیفی وضعیت استراتژیک هند به کار برد.

این امر منجر به شکل گیری تنش در روابط اسلام آباد-واشنگتن شد و در سال های اخیر به دنبال تحولات داخلی در افغانستان و حضور نیروهای خارجی بازی دوگانه پاکستان با مسئله افغانستان از یک سو و تغییر نگرش آمریکا نسبت به تحولات شبه قاره و توجه و تمرکز بر هند به جای پاکستان در این روابط، تنش و شکاف جدی را ایجاد کرد. این تنش ها اما پس از روی کار آمدن «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری افغانستان، قوت بیش تری به خود گرفت.

ترامپ از همان آغاز تبلیغات انتخاباتی خود همواره بر این نکته تاکید می کرد که در صورت به قدرت رسیدن با پاکستان برخورد خواهد کرد و کمک های نظامی و مالی به این کشور را محدود خواهد نمود، چه این که به عقیده ترامپ و تیم وی، اسلام آباد نه تنها در مقابل کمک های مالی واشنگتن همکاری با غرب نداشته است بلکه از این کمک ها برای بازیابی قدرت تروریسم استفاده کرده است.

ترامپ همچنین بر این باور است که پاکستان کشوری تروریسم پرور است و باید با آن مقابله کرد. شاید برخی ها در گفته های ترامپ تردید می کردند اما وی به محض روی کار آمدن دست به عملی کردن شعارهای انتخاباتی خود زد، به همین دلیل هم اکنون روز به روز شاهد اظهارات ضد پاکستانی شدیدی از سوی کاخ سفید هستیم.

ترامپ در نخستین اظهارات تویتری خود در سال ۲۰۱۸، با متهم کردن پاکستان به پناه دادن به افراطیون خشونت طلب و دروغگو، تهدید کرد که کمک های خارجی به اسلام آباد را قطع می کند. وی در نخستین توییت خود در سال جدید میلادی نوشت: آمریکا از روی بی فکری، ظرف ۱۵ سال گذشته بیش از ۳۳ میلیارد دلار

در قالب کمک در اختیار پاکستان قرار داده و آنها با احمق پنداشتن رهبران ایالات متحده، چیزی جز دروغ و فریب تحویل نداده اند. آنها با اندکی کمک، پناهگاه در اختیار تروریست هایی که آمریکایی ها را در افغانستان شکار می کنند، قرار می دهند.

پس از این اظهارات ترامپ «تیکسی هیلی» نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد که واشنگتن به دلیل حمایت پاکستان از گروه های تروریستی کمک های مالی به ارزش ۲۵۵ میلیون دلار را به این کشور را پرداخت نمی کند. به فاصله حدودا چندماه پس از این اقدام آمریکا مجدداً «جیمز ماتیس» وزیر دفاع این کشور دستور لغو کمک ۳۰۰ میلیون دلاری این کشور به پاکستان را به دلیل ناکام بودن اسلام آباد در مبارزه با تروریسم، صادر کرد.

موج جدید این تنش ها چند روز گذشته با جنگ لفظی تویتری بین ترامپ و عمران خان آغاز شد زمانی که رئیس جمهوری آمریکا در پیامی تویتری اعلام کرد: ما می بایست اسامه بن لادن (سرکرده شبکه القاعده) را خیلی بیشتر می گرفتیم. رئیس جمهوری کلینتون از شکار این هدف بازماند. ما میلیاردها دلار به پاکستان پول دادیم ولی آن ها به ما نگفتند که بن لادن در آن کشور زندگی می کرد. اسامه بن لادن در ماه می سال ۲۰۱۱ در جریان عملیات نیروهای ویژه آمریکایی در پاکستان کشته شد. مقامات پاکستان پیشتر تصریح کرده بود که از موجودیت سرکرده القاعده در پاکستان آگاهی نداشته است.

عمران خان در پاسخ به اتهامات ترامپ گفت که اولاً هیچ تبعه پاکستانی در حملات ۱۱ سپتامبر دست نداشت؛ با این وجود پاکستان تصمیم گرفت که در جنگ آمریکا علیه تروریسم با واشنگتن همکاری نکند. نخست وزیر پاکستان در این خصوص نوشت: ثانیاً، پاکستان بیش از ۷۵ هزار نفر در این جنگ تلفات داشت و اقتصاد ما نیز بیش از ۱۲۳ میلیارد دلار زیان دید؛ این در حالیست که کمک های مالی آمریکا تنها حدود ۲۰ میلیارد دلار بود. عمران خان ادامه داد: ثالثاً، مناطق قبایلی پاکستان کاملاً نابود شد و میلیون ها نفر از مردم با از دست دادن خانه های خود آواره شده اند. این جنگ به زندگی مردم پاکستان به شدت آسیب رسانده است. وی در ادامه در پاسخ به حملات لفظی ترامپ افزود: چهارم اینک،

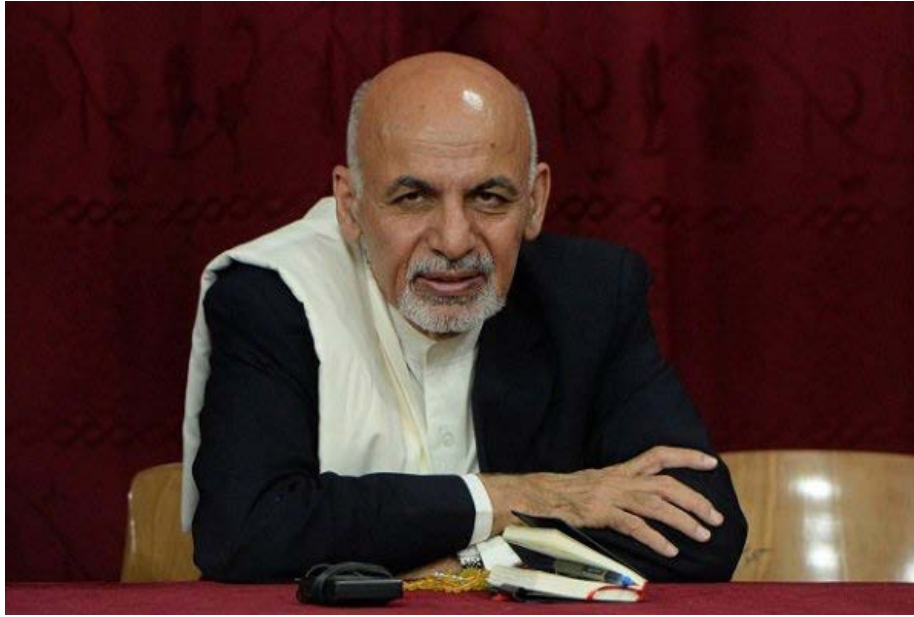
پاکستان کماکان به طور رایگان خطوط هوایی و زمینی خود را در اختیار آمریکا قرار می دهد. آیا آقای ترامپ می تواند نام متحد دیگری را ذکر کند که به اندازه پاکستان فداکاری کرده باشد؟

نخست وزیر پاکستان تصریح کرد: آمریکا به جای اینکه پاکستان را سپر بلای شکست خود در افغانستان کند باید این موضوع را به طور جدی ارزیابی کند که چرا با وجود استقرار ۱۴۰ هزار نیروی ناتو و ۲۵۰ هزار نیروی افغانستانی و صرف بیش از یک تریلیون دلار در افغانستان، امروز طالبان قوی تر از گذشته در منطقه فعالیت دارد؟ متعاقب این تنش ها وزارت دفاع آمریکا امروز از قطع کمک ۱۶۶ میلیارد دلاری به پاکستان در پی بالا گرفتن جنگ تویتری سران ۲ کشور خبر داد. این مبلغ در ازای همکاری های امنیتی واشنگتن-اسلام آباد در اختیار پاکستان قرار می گرفت.

این اولین بار نیست که تعلیق کمک های نظامی رخ می دهد. ایالات متحده بعد از حملات ۱۱ سپتامبر بودجه امنیتی پاکستان را محدود کرد. اما بر خلاف دولت های پیشین، نمایندگان ترامپ در سال جاری به طور دائم به دنبال حذف کمک های نظامی هستند که می تواند بر بودجه دفاعی پاکستان تأثیر بگذارد و بر این کشور فشار وارد کند و پاکستان را از دسترسی به سخت افزار نظامی مطلوب ایالات متحده محروم کند.

امر پوشیده ای نیست که قدرت اصلی در طی بیش از ۷۰ دهه حیات پاکستان از آن ارتش و نیروهای نظامی این کشور بوده و در این پیوستگی، آمریکا عمدتاً در حمایت از نیروهای نظامی در مقابل نیروهای سیاسی عمل کرده است. به عبارت دیگر آمریکا حامی دیکتاتورهای نظامی در پاکستان بوده و از طریق حمایت از نظامی ها، اهداف استراتژیک خود را دنبال کرده است.

در واقع دموکراسی جایی در روابط آمریکا و پاکستان نداشته و معمولاً سیاستمداران پاکستانی قربانی ارتش پاکستان و آمریکا می شدند و روند دموکراتیک در پاکستان در اثر این رابطه دچار خلل و آسیب دائمی بوده است. در سال های اخیر آمریکا به ارتش پاکستان به دلیل نقش آن در افغانستان و مخصوصاً حمایت عناصر اطلاعاتی ارتش پاکستان از طالبان حساس شده و این حساسیت در عین حفظ پیوند با ارتش آمریکا به ایجاد تنش هایی در داخل پاکستان منجر شده است.



## تغییر چینش در بدنه دولت افغانستان؛ اصلاحات یا بهره انتخاباتی؟

بنفشه اسماعیلی

تغییر چینش بدنه دولت افغانستان را می توان تلاش « غنی» برای پیروزی در انتخابات آتی و بهبود شرایط به نفع خود در حالی دانست که مذاکرات آمریکا با طالبان شکل جدی تری به خود گرفته است. «محمد اشرف غنی» رئیس جمهوری افغانستان روز گذشته با صدور دو حکم جداگانه «ویس احمد برمک» وزیر کشور و «طارق شاه بهرامی» وزیر دفاع این کشور را برکنار و به جای آنها «امران صالح» و «اسدالله خالد» را معرفی کرد. اسدالله خالد رئیس سابق امنیت ملی افغانستان به عنوان وزیر دفاع و همچنین امرالله صالح که وی نیز قبلا ریاست امنیت ملی افغانستان را به عهده داشت به عنوان وزیر کشور انتخاب شده اند.

این تغییرات در بدنه دولت وحدت ملی افغانستان در حالی صورت می گیرد که تنها ۵ ماه تا آغاز انتخابات ریاست جمهوری افغانستان باقی مانده است لذا گزینش چهره های سیاسی و سرشناس در پست های دولتی از سوی اشرف غنی تلاش برای جلب حمایت های سیاسی پنداشته می شود. با توجه به اینکه رئیس جمهوری افغانستان با چالش های بزرگی در این کشور روبرو است و ناکامی هایی در زمینه سیاسی و امنیتی داشته است و اکنون با وخیم تر شدن شرایط در افغانستان به نظر می رسد آغاز و مالکیت روند صلح می توانست احمای سیاسی و شاید پیروزی غنی در انتخابات آینده ریاست جمهوری را تضمین کند.

این در حالی است که طالبان در نشست اخیر این گروه در امارات متحده عربی حاضر به گفتگو با تیم مذاکره کننده افغانستان نشد. طالبان بارها نشان داده است که دلیلی برای مذاکره با غنی نمی بیند و ضمن «دست نشانده» خواندن دولت، ترجیح می دهد تا با بازیگران بزرگ بین المللی از جمله آمریکا بطور مستقیم گفتگو کند.

از دیگر سو اقدامات بازیگران بزرگ جامعه جهانی برای ارتباط مستقیم با طالبان و دور زدن دولت غنی نیز از جمله مواردی است که سبب نگرانی رئیس جمهوری افغانستان برای حفظ جایگاه خویش در دولت وحدت ملی افغانستان شده است. بطور مثال روسیه و آمریکا اخیرا بدون مشارکت فعال دولت

افغانستان با طالبان مذاکرات مستقیم داشته اند. آمریکا و روسیه با ارتباط مستقیم با طالبان قادر هستند تا منافع ژئوپلیتیک خود را پیش برند و با برگزاری مذاکرات مستقیم، نشان می دهند که کابل را به عنوان دولتی ضعیف می بینند که قادر به برگزاری روند صلح نیست؛ بنابراین جامعه جهانی، به رهبری آمریکا و روسیه بدون در نظر گرفتن دولت افغانستان رهبری مذاکرات را به جای کابل به عهده می گیرند.

به عبارت دیگر اگر روند صلح با روند کنونی ادامه پیدا کند ضعیف تر شدن دولت افغانستان را در پی خواهد داشت که در نهایت توافق حاصل شده را نیز زیر سوال می برد. از دیگر سو انتخاب «زمای خلیل زاد» به عنوان نماینده آمریکا در امور صلح افغانستان چندان خبر خوشایندی برای دولت وحدت ملی افغانستان نبود. خلیل زاد هنگامی که فرد اول آمریکا در افغانستان بود، بر تقویت دولت مرکزی افغانستان و حفظ نظام سیاسی این کشور چنان متمرکز بود که تقریبا روزانه با «حامد کرزای» رئیس جمهوری وقت افغانستان دیدار می کرد و به وی مشورت می داد.

ایجاد ارتش ملی و مهار جزیره های قدرت، مبارزه علیه تروریسم و حمایت از دموکراسی افغانستان، در صدر برنامه های خلیل زاد قرار داشت. اما وی همچنین مراقب بود که شیرازه سیاسی در افغانستان نشکند.

خلیل زاد در کتاب «فرستاده» درباره آنچه سازندگان در برابر خرابکاران می خواند، با اشاره به تضعیف فرماندهان محلی که مناطق نیمه مستقلی در اختیار خود داشتند، می نویسد: «هیچ جنگ سالاری به اندازه ژنرال دوستم، کرزای را خشمگین نمی ساخت. کرزای چندبار تصمیم گرفت دوستم را بازداشت کند، ولی هر بار به وی مشورت دادم که توازن قدرت در شمال را مد نظر داشته باشد و با احتیاط عمل کند»

به نظر می رسد این «توازن» و این «احتیاط»، با تضعف دولت مرکزی افغانستان پس از انتخابات جنجالی ۲۰۱۴ و تلاش اشرف غنی برای برداشتن دانه درشت های تاثیرگذار (که برخی آنها را جنگ سالار می نامند) از صحنه سیاسی، برهم خورده است. غنی با به حاشیه راندن بسیاری از رهبران سیاسی و جهادی، اختلافات سیاسی

را به اوج خود رسانده؛ به گونه ای که کمتر می توان از چهره های بانفوذ سیاسی کسی را در نزدیکی غنی مشاهده کرد.

برخی معتقدند که حیطه وظایف خلیل زاد در افغانستان شامل «وحدت ملی، انتخابات و روند آشتی ملی» است. این است که معرفی خلیل زاد در چنین شرایطی، به معنای ناکامی دولت افغانستان در تأمین این سه هدف قلمداد می شود. شاید از این روست که کاخ ریاست جمهوری افغانستان بیانیه رسمی برای استقبال از خلیل زاد منتشر نکرد.

دولت وحدت ملی افغانستان به رهبری اشرف غنی در هیچ یک از این زمینه ها دستاورد ملموسی نداشته است. «عبدالله عبدالله» رئیس اجرایی و شریک وی در دولت وحدت ملی، «عطا محمد نور» رئیس اجرایی حزب جمعیت، ژنرال «عبدالرشید دوستم» معاون اول ریاست جمهوری، «احمدضیاء مسعود» معاون پیشین ریاست جمهوری، «حنیف اتمر» مشاور امنیت ملی، «محمد محقق» رهبر حزب وحدت مردم افغانستان و ده ها چهره سیاسی دیگر تا مرز بد و بیراه گفتن به غنی پیش رفته اند و شکاف های قومی و نژادی را بیش از هر وقت دیگر نمایان کرده اند.

بالا گرفتن بی سابقه خشونت ها، کشتار کورکورانه و پیشروی طالبان تا حدی که آمریکا می گوید تقریبا بر نیمی از خاک افغانستان تسلط پیدا کرده اند و تمایل نداشتن طالبان به مذاکرات با دولت، نشان می دهد که باور آمریکا به دولت وحدت ملی افغانستان برای اداره امور، بیش از پیش کم رنگ شده است.

در شرایط کنونی اشرف غنی تلاش می کند تا از افراد متفاوت در دولت استفاده کند و اقدام در تغییر چینش دولت وحدت ملی و عزل برخی مهره ها در ساختار دولت نیز تلاشی است از جانب وی تا بتواند وضعیت را به نفع خود بهبود بخشد.

بسیاری از تحلیلگران نیز معتقدند که اسدالله خالد و امرالله صالح هر چند تجربه خوبی در نهادهای امنیتی دارند اما در سمت های وزارت دفاع و وزیر کشور موفق نخواهند بود، به همین دلیل، این اقدامات بیشتر کاربرد انتخاباتی دارد تا اصلاحات.



## زنگ خطر برای حزب «بهاراتیا جاناتا» در پنج ایالت هند

سلیمان زارع



برخی سیاست‌های غلط حزب حاکم هند سبب شکست سنگین این حزب در انتخابات مجالس ایالتی در ۵ ایالت این کشور شده و زنگ خطر را برای «نارندرا مودی» نخست‌وزیر هند به صدا درآورده است.

شکست سنگین حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) در پنج ایالت هند و پیروزی قطعی حزب کنگره در انتخابات مجالس ایالتی زنگ خطر را برای حزب بی‌جی‌پی به صدا در آورد.

نگاهی اجمالی به نتایج انتخابات مجالس ایالتی نشان می‌دهد که از زمان انتخابات مجالس ایالتی در سال ۲۰۱۳ تا کنون حزب بی‌جی‌پی به این اندازه در مرحله پرتگاه قرار نگرفته بود:

حزب کنگره در ایالت «راجستان» از مجموع ۱۹۸ کرسی مجلس محلی با کسب ۱۰۰ کرسی و حزب بی‌جی‌پی با کسب ۷۳ و تقسیم بقیه کرسی‌های مجلس بین گروه‌ها و احزاب کوچک اکثریت کرسی‌های این ایالت را به دست حزب کنگره سپرد.

همچنین در ایالت «مادیا پرادش» از مجموع ۲۳۰ کرسی مجلس ایالتی پیروزی قطعی حزب کنگره با کسب ۱۱۴ کرسی و حزب بی‌جی‌پی با کسب ۱۰۹ کرسی و بقیه کرسی‌های مجلس بین دیگر گروه‌های کوچکتر تقسیم شد و در این ایالت نیز نشان داد که افکار عمومی از عملکرد حزب بی‌جی‌پی خشنود نبودند و نیز در ایالت «چتیسگر» نیز از مجموع ۹۰ کرسی مجلس محلی ۶۷ کرسی را حزب کنگره و ۱۵ کرسی را حزب بی‌جی‌پی و بقیه کرسی‌های این مجلس در میان احزاب و گروه‌ها کوچکتر تقسیم شد در دو ایالت دیگر هند یعنی «میزورم» و ایالت «تلنگانا» یا همان ایالت «حیدرآباد» اگرچه اکثریت کرسی‌های مجلس ایالتی را احزاب محلی کسب کردند ولی جایگاه حزب کنگره در این دو ایالت نیز به مراتب از جایگاه حزب بی‌جی‌پی بالاتر است و حزب بی‌جی‌پی در آخرین ردیف کسب آرا قرار گرفته است. اکنون زمان آن فرا رسیده است تا حزب بی‌جی‌پی در عملکرد خود تجدید نظر کلی بکند. در اینجا جا دارد نگاهی اجمالی به سیاست‌های غلط حزب بی‌جی‌پی و در راس آن به عملکرد مودی بیندازیم:

نارندرا مودی بعد از پیروزی در انتخابات نخست‌وزیری در سال ۲۰۱۴ اولین نخست‌وزیر هند بود که قدم به سرزمین‌های اشغالی گذاشت و دست دوستی به سوی غاصبان این سرزمین دراز کرد و در بخش نظامی خواستار همکاری‌های نظامی با این رژیم شد که این مسئله به اندازه کافی محبوبیت وی در میان جامعه ۳۰۰ میلیونی مسلمانان هند را تیره کرد و باعث ریزش آرای حزب وی در این انتخابات شد.

همچنین در حرکتی دیگر اقدام به تغییر و چاپ اسکناس جدید در این کشور کرد اگرچه این اقدام در راستای بهبود وضعیت اقتصادی هند بود ولی بخش بزرگی از صاحبان سرمایه متضرر شدند چراکه اعلام شد در زمان محدودی باید تمام اسکناس‌های قدیمی جمع‌آوری شود و کسانی که موفق به تعویض آن نشدند، متضرر شدند. اما باید گفت که یکی از مهم‌ترین دلایل شکست حزب بی‌جی‌پی همان تشدید افراط‌گری مذهبی از سوی این حزب بود. با توجه به سابقه سیاه نارندرا مودی در قضیه کشتار مسلمان «گجرات» در سال ۲۰۰۲ که به قتل عام

بیش از ۲ هزار مسلمان منجر شد این یک اشتباه بزرگ از سوی حزب بی‌جی‌پی بود که باعث درگیری شدید میان هندوهای افراطی و مسلمانان شد. هنوز حزب بی‌جی‌پی این لکه سیاه را از عملکرد خود پاک نکرده بود که بعد از روی کار آمدن مودی در سال ۲۰۱۴ به اقدامات تحریک برانگیز دیگر دست زد. تنها اشاره کوتاه به چند عملکرد افراط‌گری وی می‌تواند صورت مسئله را روشن سازد: هنوز از تغییر نام ایالت حیدرآباد هند که در سال ۲۰۱۴ از نام کهن حیدرآباد این ایالت به نام جدید تلنگانا چیزی نمی‌گذشت و احساسات بیش از ۴ میلیون از مسلمانان این ایالت التیام بخشیده نشده بود که نخست‌وزیر هند در یک اقدام تحریک برانگیز دیگر بزرگترین مجسمه جهان متعلق به «سردار پتل» هندی که مسلمانان مخصوصاً مردم کشمیر از وی در قضیه استقلال هند از استعمار انگلیس خاطره خوشی در ذهن ندارند در ایالت گجرات یعنی ایالتی که بیشترین مسلمانان را به خود جای داده نصب کرد؛ نصب بزرگترین مجسمه جهان با هزینه سنگین بار دیگر احساسات مسلمانان سراسر هند را جریحه دار کرد.

حزب بی‌جی‌پی در ادامه حمایت‌های خود از هندوایزم افراطی و تحریک درگیرهای فرقه‌گرایی اقدام به جایگزینی معبد «جودیا» کرد که در پی تخریب مسجد «بابری» صورت گرفت. اکنون تمام امید و آرزوی نخست‌وزیر هند به دست مردم ایالت اوتار پرادش هند است که بزرگترین ایالت این کشور است و به دلیل اکثریت هندوی این ایالت مودی امیدوار است در انتخابات جولای ۲۰۱۹ پارلمانی لوک سابا و در نهایت نخست‌وزیری مجدد انتخاب شود. ولی آنچه روشن است حزب بی‌جی‌پی در ایالت‌های «پنجاب»، «بیهار»، «بنگال غربی» و ایالت‌های جنوبی همچون تلنگانا (حیدرآباد)، «مادیا پرادش» و «تامیل نادو» شانس کمتری برای بدست گرفتن کرسی نخست‌وزیری را دارد. بعد از ایالت اوتار پرادش دومین امید حزب بی‌جی‌پی همانا در اختیار داشتن اکثر رسانه‌های هند است.

واقعیت این است که اگر کسی که سکان کشتی سیاست و اقتصاد هند را بدست می‌گیرد نباید با تحریک اعتماد بین مردم و ترویج دروغ قدم در راهی بگذارد که نتیجه آن به انتخابات اخیر ختم شود. اکنون مودی در قضیه پرونده خرید ۳۶ هواپیماهای جنگی «رافائل» از فرانسه نیز شدیداً تحت فشار افکار عمومی است و پرونده هزینه‌های هواپیماهای جنگی رافائل به دیوان عالی این کشور نیز کشیده شده است. اگر چنانچه دیوان عالی هند در پرونده خرید هواپیماهای جنگی از فرانسه بر علیه مودی رای دهد مودی در بدست آوردن رای مردم ایالت‌های «اترپرادش» و «هماراشترا» نیز با مشکل مواجه خواهد شد. مخصوصاً که حزب کنگره نیز بر روی این پرونده با فشاری خاص دارد. استفاده از اصطلاح «فیل مست بدون زنجیر» از سوی برخی مطبوعات مستقل برای نشان دادن نا کارآمدی مودی نخست‌وزیر هند بیانگر وخامت هر چه بیشتر اوضاع سیاسی مودی در قدرت دارد. واقعیت این است که سیاست‌های نگاه به شرق حزب کنگره و پرهیز از فرقه‌گرایی محبوبیت این حزب را در مقابل حزب بی‌جی‌پی بیشتر کرده است. حزب کنگره همواره شعارهای اسلاف خود را نصب العین قرار داده است مثلاً در بحث اختلافات هندو و مسلمان، رهبران سیاسی مذهبی بعد از زوال انگلیس و استقلال از استعمار این جمله که هندوستان همانند عروسی است که هندو و مسلمان چشمان این عروس است، توجه کرده‌اند. اکنون اکثر طبقات جامعه هند از عملکرد سیاستمداران خود ناخشنود هستند و عقیده دارند اکثر احزاب برای نجات خود تلاش می‌کنند، در این میان بیش از همه، مسلمانان از وضعیت موجود رنج می‌برند. در نهایت آنچه روشن است رهبری «راهول گاندی» فرزند نخست وزیر فقید «راجیو گاندی» و «سونیا گاندی» بر حزب کنگره باعث اتحاد در بین دیگر مقامات این حزب شده است و ادامه روند کنونی بیانگر آن است که پیروزی حزب کنگره را رقم خواهد زد و چنانچه اکثریت کرسی مجلس لوک سابا در انتخابات ماه جولای ۲۰۱۹ را نیز کسب نکند با تشکیل ائتلاف با دیگر احزاب راه را برای انتخاب نخست‌وزیر از سوی این حزب، هموار می‌کند.

## نشست ژنو؛ طرح صلح کابل و شکست راهبرد ترامپ در افغانستان



نشست ژنو درباره افغانستان در حالی از روز گذشته شروع شده است که این کشور با چالشهای عمده ای از جمله خشکسالی و حملات گسترده طالبان و شکست راهبرد واشنگتن روبرو است.

رهبران و مقامهای بلندپایه افغانستان و وزیران و نمایندگان جامعه جهانی، ۲۷ و ۲۸ نوامبر در ژنو سوئیس گرد هم آمده اند تا نتایج کمک ۲/۱۵ میلیارد دلاری تعهد شده به افغانستان در کنفرانس بروکسل در سال ۲۰۱۶ را ارزیابی کنند. کنفرانس ژنو توسط سازمان ملل متحد در مقر اروپایی این سازمان برگزار شده و ریاست کنفرانس را افغانستان و ملل متحد به صورت مشترک برعهده دارند. این کنفرانس با سخنرانی آنتونیو گوتیش، دبیر کل سازمان ملل متحد و صلاح الدین ربانی، وزیر خارجه افغانستان افتتاح شد. وزیر خارجه افغانستان درباره پیشرفت‌های کشورش به کشورهای شرکت کننده گزارش داد.

اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان در کنفرانس ژنو جزئیات طرح جدید دولتش با گروه طالبان را اعلام کرد. غنی در سخنرانی‌اش در آغاز این کنفرانس، طرح صلح جدید را «نقشه راه صلح» برای «حرکت به جلو» نامید و گفت این طرح را پس از مشورت با نمایندگان اقصای مختلف مردم تهیه کرده است.

رئیس جمهوری افغانستان به شرکت کنندگان کنفرانس ژنو گفت که کشورش اکنون وارد دومین مرحله از صلح خواهد شد. او تاکید کرد که نقشه راه مورد نظر او، به دنبال صلحی است که طالبان شامل یک جامعه فراگیر و مردم‌سالار شوند.

وی گفت گام اول در این راه، پایبندی به حقوق پیش بینی شده در قانون اساسی افغانستان برای همه شهروندان کشور، به ویژه زنان است. او در عین حالی که تاکید کرد طالبان باید قانون اساسی را بپذیرند، از امکان تعدیل قانون اساسی بر اساس مواد خود قانون سخن گفت.

در طرح صلح جدید دولت افغانستان، که دفتر ریاست جمهوری جزئیات بیشتر آن را منتشر کرده، آمده است که به هیچ‌یک از گروه‌های مسلحی که با شبکه‌های تروریستی خارجی، سازمان‌های مخرب خارجی، نهادهای دولتی یا غیر دولتی رابطه داشته باشند و در جستجوی نفوذ در افغانستان باشند، اجازه فعالیت داده نمی‌شود.

«اشرف غنی» رئیس جمهوری افغانستان اسامی هیئت ۱۲ نفره مذاکره کننده با گروه طالبان را در این نشست اعلام کرد. اسامی این افراد عبارتند از: «عبدالسلام رحیمی» رئیس دفتر کاخ ریاست جمهوری، «محمد میرویس بلخی» وزیر آموزش و پرورش، «حسینه صافی» وزیر اطلاعات و فرهنگ، «عبدالنواب بالاکری» معاون وزارت تحصیلات عالی، دکتر عالمه، معاون وزارت مهاجرین، ژنرال «عبادالله عباد» معاون ریاست عمومی امنیت ملی، «شاه گل رضایی» عضو ولسی جرگه، «عطالله لودین» عضو شورای علماء، «شمیم خان کنوازی» والی «پکتیا»، «عبدالله عطایی» عضو دیوان عالی قضایی، «توربالی عبائی» رئیس امور فرهنگی وزارت امور خارجه، «عبدالحکیم منیب» معاون وزارت حج و اوقاف افغانستان. هیئت مشورتی نیز متشکل از کمیته‌هایی شامل؛ کمیته رهبران سیاسی، کمیته احزاب سیاسی، کمیته امور جوانان، کمیته امور زنان، کمیته علماء، کمیته رهبران ولایتی، کمیته جامعه مدنی و فرهنگی، کمیته بخش خصوصی و کمیته مهاجرین است.

این هیئت پس از آن معرفی می‌شود که تلاش‌ها برای

به عبارت دیگر خود مقامات سازمان ملل و غربی‌ها هم مایلند که خوش بین باشند اما در عین حال بر این باورند که احتمال پیشرفت چشمگیری را نمی‌توانند در ظرف مدت کوتاه داشت و این زمانبر است از نگاه تحلیلگران؛ قرار نیست در کنفرانس ژنو تعهد مالی جدیدی انجام شود. این کنفرانس ابزار همبستگی جامعه جهانی و ارزیابی تاثیر کمک‌ها و شنیدن گزارش حکومت افغانستان درباره پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی این کشور است.

### چرا کنفرانس‌های بین‌المللی؟

نظام سیاسی جدید در افغانستان با کنفرانس بن (۲۰۰۱) آغاز شد و پس از آن هر چند سال، برای هماهنگی کمک‌های کشورهای کمک‌کننده به بازسازی و نوسازی افغانستان کنفرانس‌هایی در یکی از پایتخت‌های کشورهای کمک کننده برگزار شده است. کنفرانس‌های بین‌المللی چارچوب‌های کمک و همکاری جامعه بین‌المللی با افغانستان را شکل می‌بخشند.

به طور کلی در این کنفرانس‌ها یک هدف عمده جلب کمک‌ها و تعهدات مالی جدید، ارزیابی پیشرفت‌های افغانستان و تعهدات سیاسی متقابل برگزار است. در این کنفرانس‌ها گزارش پیشرفت‌های افغانستان در زمینه حکومت‌داری، بازسازی، مبارزه با فساد، صلح و همکاری‌های منطقه‌ای با جامعه جهانی در میان گذاشته می‌شود و چارچوب‌های سیاست‌های آینده مورد بحث قرار می‌گیرد.

### دهه تحول افغانستان چیست؟

کنفرانس بین‌المللی موسوم به «بن دوم» در شهر بن آلمان در ۵ دسامبر ۲۰۱۱ که یک دهه پس از بنیادگذاری نظام سیاسی جدید افغانستان برگزار شد، یک چارچوب زمانی برای دهه تحول تعریف شد که افغانستان تا سال ۲۰۲۴ به خودکفایی و خودتکلیبی اقتصادی برسد.

دهه تحول همزمان با خروج زمان‌بندی شده نیروهای بین‌المللی از افغانستان در نظر گرفته شد که در واقع، ناتو ماموریت نبرد با طالبان و مخالفان مسلح را به نیروهای امنیتی

آغاز مذاکرات مستقیم صلح بین افغانستان و گروه طالبان افزایش یافته است و «زلمای خلیل‌زاد» نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان نیز دو بار به کشورهای دخیل در روند مذاکرات صلح این کشور سفر کرده و همچنین با نمایندگان طالبان دیدار و گفت‌گو کرده است. به گفته دفتر ریاست جمهوری، سه شرط تاکید بر اهمیت و اعتبار قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۴، شراکت اساسی افغانستان با جامعه جهانی، رهبری روند صلح توسط حکومت افغانستان در نتیجه مشورت با مردم به طرح صلح اضافه شده است.

در طرح صلح جدید دولت افغانستان تاکید شده است که انتخابات ریاست جمهوری کشور در سال ۲۰۱۹، تماماً باید برگزار شود؛ زیرا افغان‌ها برای تصویب موافقتنامه صلح، عملی ساختن آن و رهبری مصالحه اجتماعی، به یک حکومت منتخب نیاز دارند.

اما درباره شورای عالی افغانستان؛ از زمان تشکیل شورای عالی صلح افغانستان در سال ۲۰۱۰، این شورا مسؤل پیشبرد تلاش‌ها برای انجام مذاکرات صلح با گروه‌های مسلح مخالف، به ویژه طالبان بوده است. در طرح صلح جدید دولت افغانستان گفته شده که در ساختار شورای عالی صلح تجدید نظر می‌شود. قرار است این شورا پس از تجدید ساختار، بر آگاهی‌دهی به مردم، پس از توافق صلح، تمرکز کند.

در حالی که دوره ریاست جمهوری اشرف غنی (در دور اول) رو به پایان است و او برای ادامه حکومت، نیاز به انتخاب مجدد دارد، در طرح صلح جدید تاکید شده که اجرای این طرح، پنج سال زمان خواهد برد.

همزمان با این نشست منابع وابسته به سازمان ملل فرصت صلح در افغانستان را بیش از سایرین قیل با وجود ادامه اقدامات خشونت آمیز و رنج‌های انسانی می‌دانند. این منابع با وجود خشکسالی، اوضاع را آنگذر هم تیره و تار نمی‌دانند و بر این باورند که هماهنگی میان جامعه جهانی بیش از قبل وجود دارد. اشرف غنی و دیپلمات‌های غربی امید به پیشرفت در گفتگوها با طالبان دارند اما این در شرايطی که بر اساس گزارش رسانه‌ها طالبان بر بخش اعظمی از افغانستان تسلط دارد.

افغانستان واگذار کرده و تنها در امور آموزش، مشورت‌دهی و تربیت نیروهای امنیتی افغانستان فعالیت دارد.

### آیا کمک به نیروهای امنیتی افغانستان نیز شامل برنامه نشست ژنو است؟

کمک‌های ناتو و آمریکا به بودجه نیروهای امنیتی افغانستان، آموزش و تجهیز ارتش و پلیس و نیروهای امنیتی این کشور در نشست‌های ناتو صورت می‌گیرد.

### کنفرانس‌های بین‌المللی در مورد افغانستان چه دستاوردهایی داشته است؟

در کنفرانس بن دوم (۲۰۱۱) برنامه زمانی تعریف شد تا هر چهار سال افغانستان و جامعه جهانی برای تعهدات مالی برای افغانستان در یک کنفرانس بین‌المللی گردهم آیند. کنفرانس‌های تعهدات و حمایت مالی در سطح وزیران خارجه در توکیو (۲۰۱۲)، لندن (۲۰۱۴) و بروکسل (۲۰۱۶) برگزار شدند که افغانستان در این کنفرانس‌ها بیش از ۱۶ میلیارد دلار در توکیو و ۱۵ میلیارد دلار در بروکسل تعهد حمایت مالی از جامعه جهانی دریافت کرد. کنفرانس بعدی تعهدات مالی در سال ۲۰۲۰ برگزار خواهد شد.

در کنفرانس توکیو (۲۰۱۴) یک چارچوب حساب‌دهی متقابل میان افغانستان و جامعه جهانی تعریف شد که براساس آن نشست‌های دوره‌ای در هر دو ساله در سطح وزیران خارجه در خارج از افغانستان و نشست مقام‌های ارشد در سال‌های میانی در کابل پیشرفت‌ها و دستاوردهای افغانستان را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند.

رهبران افغانستان از طریق نشست ژنو به دنبال حمایت مالی و سیاسی از خارج برای مقابله با حملات طالبان هستند و اوضاع بحرانی داخلی افغانستان هستند و نشست‌های آنها با مقامات خارجی در این نشست در همین راستاست. بحران آوارگان افغانی موضوع توجه در این نشست است.

این نشست در شرایطی برگزار می‌شود که دولت افغانستان به دنبال سیطره بر مناطقی است که تحت کنترل طالبان است و موجی خشکسالی نیز مناطق گسترده‌ای از افغانستان را درنوردیده است و بیش از ۲۰۰ هزار نفر مجبور به ترک منازل خود و رفتن به مناطق دیگر شده‌اند.

### موضع ایران

محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران که برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی افغانستان در ژنو حضور دارد، در این کنفرانس به سخنرانی پرداخت و آمادگی کشورمان را برای کمک به افغانستان در مسیر دست‌یابی به صلح اعلام کرد.

متن کامل سخنرانی ظریف در این کنفرانس بین‌المللی به شرح زیر است:

این نشست وزارتی بسیار بموقع بوده و در زمانی صورت می‌گیرد که با فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی در افغانستان مواجه هستیم. از تلاش‌های هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) و رئیس‌جمهور غنی و نیز آقای عبدالله رئیس‌اجرای این کشور برای رهبری شجاعانه و ارائه روشنگری قدردانی می‌کنیم. رویکرد آشتی‌طلبانه آن‌ها ما را دلگرم می‌کند. اجازه دهید به چند نکته کوتاه اشاره کنم:

۱. اجماع ملی، منطقه‌ای و جهانی بر این قرار دارد که راه‌حل نظامی در افغانستان راه به جایی نبرده و زمان برای آشتی ملی و راه‌حل سیاسی فراگیر با حضور و رهبری دولت و مردم افغانستان فرار رسیده است. این نشست وزیران و نشست‌های تکمیلی آن در کابل، تاشکند و مسکو،



موید فضایی است که بایستی از آن بهره جست.

۲. چالش‌ها به دو نوع قدیم و جدید تقسیم می‌شود. حضور نیروهای خارجی هرگز در منطقه ما ایجاد ثبات نکرده و از لحاظ تاریخی زمینه را برای جذب افراط‌گرایان فراهم کرده است. یکی از چالش‌های تازه، حضور داعش در افغانستان است که به خونریزی بیشتر منجر شده و گرایش‌های فرقه‌های خطرناکی را سبب شده است. خطرناک‌تر این که گروه‌های مسلح محلی را در رقابت برای جذب افراد و پیروان افراطی‌تر کرده است. باور کنید هیچ طرفی از معرفی و حمایت از داعش و سایر افراط‌گرایان در سوریه و عراق طرفی نیست و هیچ طرفی از معرفی آن‌ها به افغانستان و آسیای مرکزی بهره‌مند نخواهد شد. این روند وحشتناک باید پیش از رسیدن به مقیاس فاجعه‌بار متوقف شود.

۳. تروریسم و قاچاق مواد مخدر همواره در افغانستان همدیگر را تقویت کرده‌اند. برای مقابله با تهدید مواد مخدر، به استراتژی جامعی نیاز داریم که باید شامل توسعه اقتصادی در این کشور ثروتمند به لحاظ منابع باشد. راه‌های ارتباطی حائز اهمیت بوده و شبکه دریایی و ریلی ایران از جمله بندر چابهار برای توسعه افغانستان ضروری است. مایه تأسف است که تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی مانع از همکاری می‌شوند.

۴. همه ما بایستی از طریق کشاندن طالبان بر سر میز مذاکره با دولت برای گفتگوهای جامع و فراگیر و مذاکرات درون‌افغانی را تسهیل کنیم. تعامل با طرفین داخلی و منطقه‌ای کلید موفقیت است.

۵. دستاوردهای مردم افغانستان طی دو دهه گذشته، به ویژه تدوین قانون اساسی و حرکت در مسیر دموکراتیک، پایه‌های صلح و ثبات را در این کشور فراهم کرده است. از انتخابات اخیر پارلمانی استقبال کرده و منتظر انتخابات آزاد و منصفانه ریاست‌جمهوری در ماه آوریل هستیم. ایران آماده است هم‌چنان به مردم و دولت افغانستان در پویا به سمت صلح یاری رسانده و با همه طرف‌ها با همین هدف‌گذاری همکاری کند.

### آمریکایی‌ها چه می‌گویند؟

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای کنفرانس ژنو را فرصتی برای حکومت افغانستان دانسته است تا گزارش

پیشرفت‌های خود را به شرکای بین‌المللی‌اش ارائه کند. این بیانیه این گردهمایی را تعهد و پیام جامعه جهانی به آوردن صلح و خوداتکایی و پایان دادن به دهه‌ها منازعه در این کشور دانسته است.

موضع گیری واشنگتن در حالی است که سیاست‌های آمریکا در افغانستان با شکست روبرو شده است.

رای الیوم در این باره نوشته است: «دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با شکست تقریباً قطعی در افغانستان با توجه به وجود شواهدی که گواهی دهنده افزایش آمار کشته و زخمی شدگان نیروهای آمریکا بر اثر شدت حملات طالبان است و نیز افول فعالیت نیروهای پلیس افغانستان مورد حمایت ناتو و دولت آمریکاست، روبروست.

فرماندهی نیروهای آمریکایی در افغانستان روز سه شنبه از کشته شدن سه نظامی آمریکایی و زخمی شدن سه نظامی دیگر در انفجار بمب کارگذاشته شده از سوی افراد طالبان در غزنه خبر داد و شمار آمریکایی‌های کشته شده از ابتدا سال جاری میلادی تاکنون به ۱۲ نظامی افزایش یافت.

شاید این رقم در مقایسه با آمار ۲۲۰۰ نظامی آمریکایی که قبل از سال ۲۰۱۵ کشته شده‌اند کم باشد اما اگر آمار ۳۰ هزار نیروی افغانی کشته شده طی سه سال گذشته در درگیری با طالبان کشته شده‌اند و نیز تلفات جدید نیروهای آمریکایی را در نظر بگیریم قابل توجه است به ویژه که این آمار در فصل بهار که حملات طالبان تشدید می‌شود، قابل افزایش است.

### ترامپ و گزینه‌های دشوار در افغانستان

ترامپ دو گزینه پیش روی دارد: نخست اینکه بر تعداد نیروهای آمریکایی به منظور معانعت از پیشروی طالبان که بر ۱۴ استان یعنی حدود ۵۶ درصد از افغانستان سیطره دارد و اوضاع بی ثبات مناطقی که به شکل اسمی تحت کنترل نیروهای دولت افغانستان بیافزاید یا به گفتگوهای صلح با طالبان روی آورد تا به راهکار سیاسی مقبول برسد.

ترامپ گزینه دوم یعنی گفتگو با طالبان را برگزیده است و برای همین است که زلمای خلیل زاد افغانی الاصل را به برای دیدار با نمایندگان طالبان در دوحه جایی که طالبان با موافقت آمریکا در آن سفارت تاسیس کرده، فرستاده است. پنج جلسه گفتگو طی دو ماه گذشته منجر به پیشرفت‌هایی شده است و این نشان دهنده دشواری اوضاع و وجود شکاف میان طرفین است. آمریکا خواهان راهکار سیاسی است که طالبان در دولتی با گروه‌های افغانی مورد حمایت آمریکا حضور داشته باشد اما طالبان خواهان گفتگو برای خروج نیروهای به شکل کامل از افغانستان و اینکه قدرت به طور کامل به آن سپرده شود و شرایط مشابه قبل از حمله آمریکا به افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱ شود.

آمریکا در افغانستان شکست خواهد خورد همانگونه که در عراق شکست خورد و نیروهایش را به منظور کاهش تلفات و خسارات بیشتر خارج خواهد کرد. طرح‌های آمریکا در این کشور سخت از حیث سیاسی و جغرافیایی فروپاشیده است و ترامپ گزینه‌ای غیر از تن دادن به شکست ندارد و مطمئن هستیم که وی در نهایت این کار را انجام خواهد داد خواه زمان به درازا بکشد یا کوتاه باشد. دو کشور در دنیا هستند که متجاوزان از آن پیروز خارج نشده‌اند: افغانستان و یمن. هر که به این شک دارد به حقایق تاریخی مراجعه کند.

به هر حال امید می‌رود که نشست ژنو درباره افغانستان برای مردم افغانستان مثمرتر باشد و این کشور را از مشکلات بی شمار به ویژه بی ثباتی برهاند هر چند که ریشه این مشکلات به حضور و دخالت خارجی به ویژه آمریکایی‌ها مربوط می‌شود.

## گراهام آلیسون بررسی کرد؛

# احتمال معامله بزرگ ترامپ و چین / چین بلد است چگونه او را دور بزند

گراهام آلیسون معتقد است که ترامپ پیش از پایان موعده آتش بس جنگ تجاری، پیروزی خود را در این نبرد اقتصادی اعلام خواهد کرد.

جنگ تجاری میان چین و آمریکا تا کنون مورد توجه بسیاری از کارشناسان و نویسندگان روابط بین الملل بوده است. در این ارتباط نیز «گراهام آلیسون»، استاد علوم سیاسی مدرسه کندی دانشگاه هاروارد، در یادداشتی که در پایگاه «شنال اینترست» منتشر شده، ضمن کم اهمیت دانستن این جنگ تجاری در آینده رو به رشد چین، پیش بینی کرده که ترامپ به هر قیمتی می خواهد خود را پیروز این جنگ معرفی کند و این اتفاق نیز بزودی خواهد افتاد.

ترجمه این یادداشت در ادامه آمده است:

با پایان دور نخست گفتگوها میان چین و آمریکا در پکن، انتظار می رود که دو طرف بصورت موقت از تشدید یک جنگ تجاری تمام عیار خودداری کنند. با توجه این که حدود پنجاه روز دیگر تا پایان موعده آتش بس اعلام شده از سوی ترامپ و شی جینپینگ در ارتباط با تعلیق افزایش تعرفه از ۱۰ درصد به ۲۵ درصد بر روی ۲۰۰ میلیارد دلار کالای چینی از سوی آمریکا زمان باقی مانده، به احتمال زیادی گفتگوهای فعلی میان دو طرف تا همان زمان نیز ادامه خواهد داشت. اما پیش از پایان این سر رسید، انتظار می رود که ترامپ پیشاپیش پیروزی خود را در این مرحله از جنگ تجاری اعلام کند تا آتش بس فعلی را برای شش ماه دیگر تمدید کرده و در دوره دوم مسائل پرچالش بیشتری را مورد بحث و بررسی با چین قرار دهد.

ارزیابی من براساس تحلیل چالش های سیاسی و اقتصادی است که در حال حاضر شی جینپینگ و ترامپ با آن مواجه هستند. این ارزیابی همچنین براساس گفتگو با برخی اعضای کلیدی تیم مذاکره ای ترامپ و شی جینپینگ صورت می گیرد که در سفر اخیر به پکن با آن ها دیدار کردم.

در دیدار اخیرم از پکن، متوجه شدم که اگر بخواهیم چین را خوب بفهمیم، باید آن را بیشتر به عنوان یک شرکت در نظر بگیریم تا یک دولت. هر سال در ماه دسامبر، تیم های اقتصادی دولت اهداف خودشان را برای سال آینده ترسیم می کنند. درست مثل مدیر شرکت اپل یا آمازون، آن ها ارزیابی می کنند که جریان های غالب در اقتصاد از جمله رشد اقتصادی، طرح های پرچم دار رشد اقتصاد جهانی و یا مسائل غیر قابل پیش بینی در جنگ تجاری چه چیزهایی هستند. براساس همین ارزیابی ها آن ها درباره چگونگی رسیدن به رشد اقتصادی که به سهامداران شرکت ها قبول داده اند، تصمیم گیری می کنند؛ مثلاً ۶.۵ درصد نرخ رشد اقتصادی.

در یک نشست دوستانه شی جینپینگ، رئیس جمهور چین در ماه دسامبر، او به اعضای کلیدی دولت گفت در شرایط فعلی حفظ رشد اقتصادی در سطح فعلی کمی دشوار به نظر می رسد و بهتر است آن ها در مورد وضعیت محتمل تر و واقعی تری تصمیم گیری کنند. بعد از آن در جریان جشن چهل سالگی «درب های باز» چین که ۱۸ دسامبر سال گذشته (کمتر از یک ماه پیش) برگزار شد، شی به مردم کشورش یا همان سهامداران شرکت چین، گفت که طی چهل سال گذشته کشورش به رهبری



حزب حاکم، توانسته هر سال حداقل ۱۰ رشد اقتصادی بدست آورد که رقم واقعا شگفت انگیزی در میان کشورهای جهان است.

اما سخنرانی شی جینپینگ انتقاد بسیاری تندی هم داشت. آن جا که او خیلی با قاطعیت گفت که کسی نمی تواند ارباب وار چیزی را به مردم چین دیکته کند. برای من این طرز بیان عجیب بود، اما همکاران چینی من توضیح دادند که شی تلاش دارد تا با این گونه موضع گیری از برخی انتقادات درون حزبی از او در ارتباط با انعطاف زیاد در برابر آمریکایی ها جلوگیری کند و نشان دهد که همچنان چین بر سرنوشت خودش حاکم است و چیزی را که به نفعش هست انجام می دهد.

سوالی که خیلی وقت ها سیاستمداران چینی از من می پرسند این است که آیا دولت فعلی آمریکا تا کنون توانسته به یک سوال پاسخ بدهد؟ به تازگی در جلسه ای که منوچین، وزیر خزانه داری آمریکا با لیو هه، معاون نخست وزیر چین داشت، توافق شد تا عدم توازن تجاری دو طرف در سال ۲۰۱۹ به میزان ۷۰ میلیارد دلار کاهش یابد. هر دو طرف در حالی میز مذاکره و چانه زنی را ترک کردند که فکر می کردند که آن چه را خواستند انجام داده اند، اما بعد از آن ها دیگر اعضای تیم ترامپ از جمله رابرت لایتیزر، نماینده تجاری و پیترو نارو، دستیار کاخ سفید این توافق را دنبال کردند.

لایتیزر رهبری مذاکرات اخیر آمریکا و چین را برعهده داشت. چینی ها هم به دقت مذاکرات اخیر نفتا میان آمریکا، کانادا و مکزیک) و موفقیت آن را که در دست چند ماه پیش برگزار شده بود، مورد بررسی قرار دادند. آن ها متوجه شدند که توافق قدیم نفتا با توافق فعلی حداکثر بین ۱۰ تا ۱۵ درصد اختلاف دارد. پس آن ها متوجه شدند که کار سختی برای تبدیل چیزی که ترامپ آن را «بدترین معامله تجاری منعقد شده» به یک «معامله بزرگ» می خواند، ندارند و در این شرایط شی جینپینگ هم خیالش راحت خواهد بود که برای مدت ها بدون نگرانی می تواند به بازی خود ادامه دهد. پس چینی ها فهمیده اند با حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد تغییر در وضعیت تجاری فعلی می توانند دل ترامپ را بدست آورده و او را خوشحال کنند. یک دوست چینی به من یکبار گفت که چینی ها مدت ها قبل از این که کریستف کلمب آمریکا را کشف کند؛ دوربازی و نیرنگ زنی را بلد بودند.

مذاکره کنندگان چینی جزئیاتی از این توافق اخیر شی

جینپینگ و ترامپ را در مورد توافق آتش بس اخیر در اجلاس جی ۲۰ اعلام کردند. براساس این توافق قرار شده تا شکاف و اختلاف حجم مبادلات تجاری دو طرف کمتر شود، موانع غیر تعرفه ای بر کالاهای چینی کمتر شود، شرکت های آمریکایی سهم بیشتری در بازارهای کلیدی چین بدست آورند و بر سرقت مالکیت معنوی محدودیت های زیادی اعمال شود. با این حال در مذاکرات اخیر در مورد موضوعات پرچالش تر و سخت تری مانند سیاست های صنعتی و نقش دولت چین در اقتصاد و بازار سخنی به میان نیامده است.

تیم مذاکره ای چین همچنین به حساسیت بسیار زیاد ترامپ نسبت به بازار سهام آمریکا اشاره کردند. چشم انداز جنگ تجاری گسترده شرکت های آمریکایی را که بویژه رشدشان طی چند ماه گذشته به شدت افول کرده، دچار چالش های بیشتری خواهد کرد. رهبران چینی می دانند که وضعیت ترامپ در ادامه کار دولتشان چندان مساعد و مناسب نیست و او در حالت مرگ و زندگی در مقابل تنش با رهبران دموکرات کنگره قرار خواهد گرفت. چین همچنین می داند که ترامپ هر آن چه را که لازم است انجام خواهد داد تا از سقوط بازارهای آمریکا جلوگیری کند. چون این سقوط می تواند به بحران اقتصادی منجر شده و شکست ترامپ را در انتخابات ۲۰۲۰ قطعی کند.

پس قبل از ۱ مارس، یعنی پایان ضرب الاجل آتش بس در جنگ تجاری، انتظار می رود که ترامپ پیروزی خود را به عنوان دستیابی به یک «معامله تجاری بزرگ» اعلام کند، معامله ای که به معنای فروش بیشتر یک تریلیون دلار کالاهای آمریکایی به چین است. علاوه بر خرید گاز، نفت و محصولات آمریکایی، انتظار می رود توافق با هدف افزایش سهم شرکت های آمریکایی در بانک، صنعت بیمه و بازار باشد. از آن جایی که تولیدکنندگان آمریکایی در حال حاضر دارای ۶ درصد واردات گاز فعلی چین، ۳ درصد واردات نفت چین و ۱۴ درصد از واردات محصولات کشاورزی این کشور هستند و در مقابل شرکت های چینی بر ۹۸ درصد بازار بانکی، ۹۵ درصد اقتصاد بنگاه ای و ۹۱ درصد صنعت بیمه هستند، لذا افزایش جزئی سهم مشارکت شرکت های آمریکایی برای چینی ها کار چندان دشواری نیست و فاز دوم مذاکرات به احتمال بیشتری بر مسائل چالش سازتری از جمله مسئله مالکیت معنوی و سیاست های صنعتی دولت همراه خواهد بود.

در صفحه شطرنج ژئوپلیتیک، جنگ تجاری موضوع به نسبت کم اهمیتی است. در واقع شرایط حل و فصل این جنگ تجاری، تأثیری بر مسیر رقابت آمیز و توسعیدوار (توسعیدید تاریخ نگار یونان باستان) چین در حال رشد و آمریکای حاکم نخواهد گذاشت. حتی اگر چین همه چیزهایی را که ترامپ در جنگ تجاری فهرست کرده قبول کند، اما همچنان اقتصاد چین با رشد اقتصادی دو برابری نسبت به آمریکا ادامه می یابد. حال نتایج توافق بر روی بازارهای آمریکا یا چشم انداز سیاسی ریاست جمهوری ترامپ چه خواهد بود، خودش موضوع قابل بحث دیگری است.

با وجود این که خیلی ها نصیحت کردند که از پیش بینی کردن پرهیز کنیم، اما در هر صورت من اعلام یک معامله بزرگ توسط ترامپ را در جریان مذاکرات با چین بسیار محتمل می دانم.

# چهل سال پس از درهای باز؛ تفاوت نظم چینی و آمریکایی

رضاعومنی



چین چهار دهه پس از آغاز اصلاحاتش، امروز بازار مصرفی لیبرال غربی را قبضه کرده و از سال ۲۰۱۶ به بعد به رتبه دومین اقتصاد بزرگ جهان پس از آمریکا تبدیل شده است.

پکن، پایتخت چین چند روز پیش چهلمین سالگرد اصلاحات اقتصادی این کشور موسوم به اصلاحات درهای باز را برگزار کرد. اصلاحاتی که از آن تحت عنوان درهای باز یاد می‌شود و از زمان اجرای آن در سال ۱۹۷۸، چهل سال می‌گذرد. پس از همین اصلاحات بود که چین از کشوری فقیر به دومین جامعه اقتصادی، بزرگ‌ترین تولیدکننده، صاحب بیشترین روابط تجاری و خرید و فروش کالا در جهان تبدیل شد و سهمش در ارزش تولید ناخالص جهان از ۱.۸ درصد به ۵.۲ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش پیدا کرد و ۳۰ درصد از کل آمار رشد جهانی متعلق به چین شد. اگر کمی روشن‌تر بخواهیم این ۳۰ درصد را توضیح دهیم باید بگوئیم یک سوم از رشد اقتصاد جهانی طی حداقل یک دهه گذشته در نتیجه رشد اقتصاد چین صورت گرفته است.

منابع خارجی را باز گذاشت، به گونه‌ای که در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ قوانین جذب سرمایه از یک استان به استان دیگر به مانند دو کشور متفاوت بود که هر کدام امتیازات و مزایای خاص خود را داشتند. گفته می‌شود همزمان با تمرکز زدایی اداری در چین، استان‌های این کشور مانند شبه دولت‌هایی بودند که هر کدام به نحوی در رقابت برای جذب سرمایه خارجی و ایجاد کسب و کار بودند.

انگیزه سازی: از دیگر موارد مهمی که اصلاحات اقتصادی چین را موفق ساخت، انگیزه سازی برای رشد بود به گونه‌ای که ترقی و ارتقای اعضای حزب که از میان استانداران بودند براساس میزان جذب سرمایه و رشد اقتصادی بود و استان‌هایی که سرمایه بیشتری را بدست آورده بودند تا سطوح عالی کمیته رهبری حزب کمونیسم نفوذ پیدا می‌کردند.

عملگرایی و حذف ایدئولوژی: یک در شرایطی که نظام اقتصادی کمونیسم چین تا پیش از آغاز اصلاحات، قیمت اجناس، کالا و خدمات را تعیین می‌کرد، با گسترش تمرکز زدایی اداری و به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی، قیمت کالا و خدمات نیز به بازار آزاد واگذار شد و دولت سیستم کشف قیمت میان عرضه و تقاضای بدون محدودیت را به رسمیت شناخت. این تغییر نگاه دولت به بازار علاوه بر آن که بازدهی سود برای بخش خصوصی را تضمین کرد، از سوی دیگر پراگماتیسم و عملگرایی حزب کمونیسم و حذف نگاه ایدئولوژیک به بازار را ثابت کرد.

## تلاش چین برای ارتقای جایگاه سیاسی بین‌المللی

چین چهار دهه پس از آغاز اصلاحاتش، امروز بازار مصرفی لیبرال غربی را قبضه کرده و از سال ۲۰۱۶ به بعد به رتبه دومین اقتصاد بزرگ جهان پس از آمریکا تبدیل شده است.

براساس آمار، یک دهه گذشته یعنی از سال ۲۰۰۸ تا امسال، دهه انفجار اقتصادی چین بوده است، چون میزان سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور که در سال ۲۰۰۸ به

بودند. اما بسیاری گفته‌اند اصلاحات چین بدون «دنگ ژیاوپینگ» هیچ‌گاه نمی‌توانست به درهای باز برسد. این گفته چندان هم بی‌ربط نیست چون دنگ تا قبل از آن که در سال ۱۹۷۸ به قدرت برسد و رهبری اصلاحات را بدست گیرد، در دو نوبت از جمله در جریان انقلاب فرهنگی دهه ۱۹۶۰ از کار برکنار شده بود و تنها پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ بود که توانست با بازگشت به حزب به تدریج رهبری کمونیسم چین را بدست گیرد.

او در سال ۱۹۷۹ یعنی یک سال پس از به قدرت رسیدن، منطقه ویژه صادرات کالا را برای نخستین بار در بندر گوانگجو تاسیس کرد تا نشان دهد که درهای چین برای تجارت به روی جهان باز است. الگوی بندر گوانگجو تا سال ۱۹۸۸ حداقل در ۱۴ شهر دیگر چین اجرا شد.

## رازهای موفقیت اصلاحات چین

برت هافمن، نویسنده مقاله‌ای تحت عنوان بازتاب اصلاحات اقتصادی چین پس از چهل سال، چهار ویژگی اساسی را در ارتباط با موفقیت اصلاحات اقتصادی چین عنوان کرده است:

حرکت گام به گام: گفته شده یکی از دلایل موفقیت اصلاحات درهای باز چین، ویژگی گام به گام بودن آن بوده است. در واقع درهای چین به تدریج به روی اقتصاد جهانی باز شد. نخستین مرحله اصلاحات فقط از یک روستا آغاز شد و یک سال بعد روستاهای دیگری شامل قانون خصوصی سازی زمین‌های کشاورزی شدند. این رویه گام به گام برخلاف روند رایج در بسیاری از کشورهای جهان سومی است که اصلاحات و تغییرات مورد نظر در بخش‌های مختلف را با قوانین کلی در همان ابتدای کار همگانی و سراسری اعلام می‌کنند.

تمرکز زدایی: دنگ ژیاوپینگ با وجود علاقه‌ای که به تمرکزگرایی در حزب کمونیسم داشت، اما در اعطای برخی اختیارات به مقامات استانی چندان سخت‌گیری نداشت و دست شهرداران و استانداران برای جذب

## درهای چین چگونه باز شد؟

وقتی کمیته یازدهمین حزب کمونیسم چین در ۱۸ تا ۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ پلنوم خود را با دعوت از اعضای و سایر کمیته‌های حزبی برگزار کرد، شاید هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد که این جلسه مقدمه تغییرات دانه‌دار در چین شود.

در این جلسه اعلام شد که حزب بعد از این تمرکز خود را از تحولات سیاسی بر توسعه اقتصادی قرار خواهد داد و برای دستیابی به این هدف همه ابزارهای موجود را بکار خواهد گرفت.

در زمستان همان سال برای نخستین بار از زمان تاسیس سیستم کمونیستی چین، زمین‌های اشتراکی روستای به شدت فقیر شیائوانگ در استان آن‌هوئی به ساکنان آن واگذار و دولت مقرر کرد که محصولات آنان را خواهد خرید.

یک سال بعد این روستا که پیش از این دچار فقر و قحطی بود، توانست پیشگام فروش محصولات کشاورزی بخش خصوصی در چین شود و همین الگوی خصوصی سازی در دیگر مناطق روستایی و کشاورزی چین گسترش یافت. حزب کمونیسم نیز در اجلاس بعدی در سال ۱۹۷۹ به سمت تغییر قوانین مالکیت زمین روی آورد.

از سوی دیگر اصلاحات قانونی صورت گرفته در ارتباط با به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی بر زمین‌های کشاورزی، مسیر چین را برای عضویت در سازمان تجارت جهانی هموار کرد و از سال ۱۹۸۶ چین پس از گذشت هشت سال از خصوصی سازی زمین‌های کشاورزی به موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) که در سال ۲۰۰۱ به سازمان تجارت جهانی تغییر نام یافت، پیوست. همچنین فراوانی و ارزانی نیروی کار در چین از یک سو و تغییر قوانین حق مالکیت به منظور تسهیل ورود شرکت‌های خارجی در دهه ۱۹۸۰ باعث شد دروازه‌های چین به روی جهان به یکباره باز شود و مبادی ورودی چین شاهد صف ورود کارفرمایان آمریکایی و اروپایی باشد که هم بدنبال نیروی کار ارزان و هم سود بدون مالیات

میزان ۵۵ میلیارد دلار بود در سال ۲۰۱۸ به ۱۹۶.۲ میلیارد دلار رسیده است.

همه این آمارها به همان میزان که ارتقای جایگاه جهانی چین را نشان می‌دهد، به میزان بیشتری تهدید جایگاه اقتصادهای قدرتمند بویژه آمریکا به شمار می‌رود. با این حال و علی‌رغم اقتصاد بسیار بزرگ چین، اما این کشور همچنان در گروه هفت کشور صنعتی و بزرگ اقتصادی جایگاهی ندارد. همین وضعیت نشان می‌دهد گروه‌های اقتصادی شکل گرفته با مبدا غربی بیش از کارکرد اقتصادی بیشتر ماهیتی سیاسی دارند.

در واقع چین با وجود ارتقای غیرقابل انکار جایگاه اقتصادی خود، اما در فضای سیاسی بین‌المللی با چالش رقبای غربی روبروست و چینی‌ها نیز در این حوزه دست بسته نمانده‌اند و با هدف ارتقای جایگاه سیاسی خود اقداماتی را دنبال می‌کنند.

نهادسازی بین‌المللی: چین کمتر از پانزده سال پس از آغاز اصلاحات اقتصادی خود، تحرکات در فضای سیاسی نظام بین‌الملل را آغاز کرد و با ابتکار تاسیس سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۰۱ نشان داد دنبال نهادسازی بین‌المللی و غیرغربی است.

در واقع سازمان همکاری‌های شانگهای به عنوان سازمانی بین‌المللی در حوزه امنیتی و اقتصادی همراه با عضویت روسیه و کشورهای آسیایی بیش از هر چیز دارای کارکردی سیاسی در مقابل نهادهای امنیتی و سیاسی غرب از جمله گروه هفت است و چشم انداز آتی آن توسعه همکاری‌های اعضا به حوزه‌های امنیتی و نظامی به شکلی است که بتواند به عنوان بدیل شرقی در مقابل ناتو به شمار رود، هرچند تا دستیابی به این هدف راهی طولانی در پیش است.

نظم سیاسی غیرمداخله گر چینی: رهبران چین بر خلاف رهبران غرب هیچگاه ادعای تحمیل هنجارهای مورد نظر سیاسی خود بر شرکای سیاسی و حتی راهبردی خود نداشته‌اند. برخلاف رهبران غربی در واشنگتن، لندن و یا پاریس که با طرح شعارهای حقوق بشری همواره به انتقاد از سایر کشورهای مخالف خود پرداخته‌اند، چین هیچ‌گاه در تعمیق روابط با شرکای خود بر هنجارهای سیاسی تاکید نداشته است.

شاید بهترین توصیف این ویژگی در اظهارات رئیس‌جمهور چین در مراسم چهلمین سالگرد اصلاحات این کشور تجلی یابد که گفته بود چین بدنبال هژمونی و تحمیل قدرت خود در نظام بین‌المللی نیست. به واقع چین در تلاش است تا نظمی غیرمداخله جویانه از رفتار سیاسی خود را نشان دهد و این برخلاف رویکرد دستوری غرب در سیاست خارجی است که در آن نسبت به تحولات سیاسی دیگر کشورها تحت عنوان حقوق بشر و یا سایر هنجارهای لیبرالی حساسیت نشان داده می‌شود.

تعمیق نفوذ سیاسی در پرتو چینی شدن بازار جهانی: براساس آمار منتشر شده توسط سازمان ملل که در بلومبرگ منتشر یافته، در سال ۲۰۱۵، آمریکا ۵۰۲۶ میلیارد دلار واردات از چین و ۱۱۶.۲ میلیارد دلار صادرات به این کشور داشته است، هرچند با روی کار آمدن ترامپ از میزان واردات اجناس چینی به بازار آمریکا کاسته شده، اما همچنان ورود کالاها چینی به بازار آمریکا چند برابر صادرات آمریکا به چین است.

همین وضعیت با کمی تغییر در روابط تجاری چین با دیگر کشورهای غربی و اروپایی، آسیایی و آفریقایی نیز دیده می‌شود و شرايطی که از آن چینی شدن بازار جهانی

نامیده می‌شود، بدلیل همین جایگاه گسترده کالاها چینی در بازارهای جهانی است، بویژه آن که در سایر بازارها از جمله در غرب و جنوب آسیا و حتی آفریقا نقش اقتصادی چین بسیار پررنگ‌تر و با محدودیت کمتری روبروست.

«شی جین پینگ» رئیس‌جمهور چین در سپتامبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که کشورش شصت میلیارد دلار کمک مالی را به آفریقا بدون دریافت هیچگونه امتیاز سیاسی خواهد داد. چین در منطقه جنوب آسیا، هم در پاکستان و همزمان در افغانستان در حال سرمایه‌گذاری‌های بسیار گسترده است و در حال تبدیل شدن به شرکای اقتصادی این کشورهاست. در آسیای میانه و خاورمیانه نیز میدان کار برای چینی‌ها تا کنون محدود نبوده و به استثنای حضور چین در بندر حیفا رژیم صهیونیستی که با واکنش آمریکا روبرو شده، اما حضور چین در سایر مناطق از جمله کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به سرعت در حال گسترش است.

این چنین پیوند اقتصادی گسترده چین در مناطق مختلف بطور طبیعی بدون ارزش‌گذاری سیاسی و تعمیق نفوذ برای این کشور نیست و تردیدی در این موضوع نیست که تعمیق نفوذ اقتصادی چین، تعمیق نفوذ سیاسی برای این کشور را نیز به همراه خواهد آورد.

براین اساس در حال حاضر و در سال ۲۰۱۸ یعنی چهل سال پس از آغاز اصلاحات اقتصادی درهای باز چین، این کشور بدلیل توسعه پیوندهای اقتصادی خود با بازارهای جهانی توانسته است نفوذ سیاسی خود را در مناطق مختلفی تعمیق بخشد. حتی اگر این توسعه سیاسی چین در پرتو رشد اقتصادی آن برای غرب قابل پذیرش نباشد.

### رویترز خبر داد؛

## هند تمامی بدهی نفتی خود به ایران را می‌پردازد



تحریم‌ها ایران تنها اجازه داشت از موجودی روپیه خود برای خرید کالا از بازار هند استفاده کند.

با این وجود دولت هند امیدوار است تا با اجرای این توافق، تراز تجاری خود با ایران را به نفع خود مثبت کند.

البته معافیت مالیاتی دولت هند تنها مشمول درآمد حاصل از فروش نفت خام می‌شود و عایدی صادرات سایر کالاها از جمله فرآورده‌های نفتی و گاز را در بر نمی‌گیرد.

هند پس از چین دومین مشتری عمده نفت ایران است که برای ادامه خرید نفت ایران معافیتی شش ماهه را از آمریکا اخذ کرده است. با این وجود به دلیل بازگشت تحریم‌های بانکی علیه ایران از ماه نوامبر گذشته امکان نقل و انتقال پولی میان بانک‌های هندی و ایرانی از میان رفته بود.

یک رسانه غربی از حل شدن مشکل پرداخت بدهی نفتی هند به ایران با تصمیم جدید دولت «نارندرا مودی» خبر داد.

وزارت دارایی هند پول نفت خام خریداری شده از شرکت ملی نفت ایران به صورت روپیه را از مالیات معاف کرد. با این اقدام وزارت دارایی هند، این کشور بدهی ۱۵ میلیارد دلاری خود تا پیش از ۲۸ دسامبر را به صورت روپیه به شرکت ملی نفت ایران پرداخت خواهد کرد.

در پی معافیت هند از تحریم نفتی ایران، مبادله طلای سیاه میان دو کشور همچنان ادامه دارد و مطابق توافق دو طرف نقل و انتقال مالی از طریق بانک دولتی «یو سی او» و بر اساس روپیه هند صورت می‌گیرد.

پیش از این مطابق قانون، درآمد شرکت‌های خارجی نزد بانک‌های هندی افزون بر کارمزدها و عوارض متعلقه، مشمول اخذ مالیات ۴۰ درصدی نیز می‌شود. در مجموع حساب شرکت ملی نفت ایران نزد بانک یو سی او مشمول ۴۲.۵ درصد مالیات و عوارض می‌شود.

این قانون موجب شده بود تا اجرای توافق دریافت پول نفت از طریق روپیه برای ایران ناممکن شود و پرداختی پالایشگاه‌های هندی در حساب شرکت ملی نفت ایران بلوکه شود.

بر اساس توافق صورت گرفته میان دو دولت، موجودی حساب ایران می‌تواند صرف خرید کالا از هند یا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعتی این کشور شود. همچنین ایران اجازه دارد از محل روپیه‌های حاصل از صادرات نفت برای خرید اوراق قرضه دولت هند یا پرداخت هزینه تحصیل دانشجویان ایرانی هزینه کند.

در همین رابطه روز گذشته نیز در دیدار سفیر هند با «عبدالناصر همتی» رئیس کل بانک مرکزی، سفیر هند اعلام کرد مکانیزم مالی بین دو کشور آماده شده و دو کشور بر اساس معافیت دریافتی دولت هند، فعالیت تجاری و بانکی خود را طی روزهای آتی انجام خواهند داد.

به گفته مقام‌های وزارت دارایی هند، در مقایسه دور نخست تحریم‌های نفتی ایران، ظرفیت استفاده ایران از حساب بانک یو سی او افزایش یافته است. چرا که در دور پیشین

## تحریم ایران یا جنگ تجاری؛ بهانه مجازات «هوآوی» در آمریکا چیست؟



تحریم‌ها علیه ایران این بار پای یک شرکت چینی فعال در آمریکا را به میان آورده و باعث بازداشت یکی از مدیران ارشد این شرکت مخابراتی معروف شده است.

کانادا بنا به درخواست مقام‌های آمریکایی یکی از مدیران ارشد شرکت فناوری «هوآوی» را که متهم به نقض تحریم‌ها علیه ایران است، دستگیر کرده است. «وانژو منگ» که از اعضای هیئت رئیسه هوآوی و دختر بنیانگذار شرکت هوآوی است بنا به درخواست مقام‌های آمریکایی در ونکوور دستگیر شده است. در این ارتباط نیز سخنگوی وزارت دادگستری کانادا در بیانیه‌ای به پایگاه «گلوب اند میل» گفت: «وانژو برای استرداد به آمریکا تحت پیگرد است.»

در عین حال با توجه به تابعیت چینی مدیران شرکت هوآوی، بازداشت یکی از مدیران ارشد این شرکت با واکنش چین روبرو شد و چین در بیانیه‌ای بازداشت مدیر هوآوی را محکوم کرد و خواستار آزادی او شده است. سخنگوی سفارت چین در کانادا در بیانیه‌ای گفت: «کانادا بنا به درخواست آمریکا یک شهروند چین که هیچ‌یک از قوانین آمریکا یا کانادا را نقض نکرده، دستگیر کرده است.»

بازداشت مدیر هوآوی در کانادا حتی به تنش در روابط چین و کانادا نیز منجر گردید و روز شنبه پس از دفاع مقامات کانادایی از بازداشت صورت گرفته، وزارت خارجه چین به منظور اعلام «اعتراض شدید» در مورد بازداشت مدیر ارشد شرکت فناوری دیجیتال «هوآوی»، سفیر کانادا در این کشور را احضار کرد.

اما چرا بازداشت مدیر ارشد هوآوی در کانادا مهم شده است و آیا دلیل بازداشت او مرتبط با تحریم‌های آمریکا علیه ایران است؟ برای پاسخ به این سوال نگاهی به سابقه فعالیت هوآوی کارگشا به نظر می‌رسد.

### هوآوی از پکن تا واشنگتن

شرکت هوآوی از اواسط دهه ۱۹۸۰ فعالیت خود را در چین به عنوان شرکتی در زمینه فناوری‌های مخابراتی آغاز کرد، اما از همان ابتدا هدف خود را بر تولید دانش بومی بجای واردات تکنولوژی متمرکز کرد.

این موضوع را «پلین فن» نویسنده مقاله‌ای در ارتباط با تکنولوژی چین در مجله «تکنویشن» تأیید کرده و گفته است که «زن ژنگفی» موسس هوآوی به جای تکیه بر سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های خارجی و غربی برای تضمین انتقال تکنولوژی، با تحقیق و تکیه بر توسعه بومی توانست شرکت خود را بدون کمک شرکت‌های خارجی توسعه دهد.

براین اساس هوآوی به عنوان شرکتی با دارا بودن تکنولوژی بومی طی دهه ۱۹۹۰ بازارهای جهانی را هدف قرار داد و در سال ۲۰۰۱ نخستین حضور خود را در آمریکا و سپس در سال ۲۰۰۸ در کانادا توسعه داد. بنا به گزارشی که بلومبرگ در سال ۲۰۱۱ منتشر نمود، حداقل تا آن سال، ۴۵ شرکت از ۵۰ شرکت اپراتور مخابراتی بزرگ جهان از تجهیزات هوآوی استفاده کرده‌اند.

براین اساس نخستین نگاه به شرکت چینی هوآوی، آن را رقیبی به شدت سرسخت و ابرقدرت در برابر شرکت‌های غربی و آمریکایی نشان می‌دهد که طی چند سال گذشته با گسترش فعالیت خود بودیژه در آمریکا و کانادا توانسته است جای محکمی را ایجاد کند.

### بهانه مجازات هوآوی، تحریم ایران یا جنگ تجاری

با این حال خبر بازداشت منگ وانژو، مدیر ارشد شرکت هوآوی در کانادا که البته به گفته منابع رسمی دادستانی اتاوا با درخواست آمریکایی‌ها صورت گرفته نشان می‌دهد هوآوی بعد از این مسیر همواری را برای فعالیت‌های خود در آمریکای شمالی نخواهد داشت.

دادگاه استانی بریتیش کلمبیا در کانادا روز جمعه در جریان نخستین جلسه بازداشت مدیر ارشد هوآوی اعلام کرد که منگ وانژو با تاسیس شرکت «اسکای کامکس» از زیرمجموعه‌های هوآوی طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ تلاش داشته تا تحریم‌های آمریکا علیه ایران را دور بزند. با این حال در این جلسه دادگاه اشاره‌ای به تحریم‌های فعلی علیه ایران نشد و نماینده دادستانی تنها نقض تحریم‌ها تا سال ۲۰۱۴ را مورد تأکید قرار داد، اما حتی اگر اتهامات علیه اسکای کامکس به فعالیت اخیر و جاری این شرکت تسری یابد، باز هم بازداشت مدیر این شرکت بسیار پرابهام است.

در واقع شرکت اسکای کامکس در حالی متهم به نقض قانون تحریم ایران شده که اساسا هوآوی این شرکت را در امارات متحده عربی و در شهر دبی ثبت کرده و شرکتی غیرآمریکایی به شمار می‌رود. براین اساس برخورد واشنگتن با این شرکت بدلیل نقض تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران می‌توانست در شرایط عادی با اعمال محدودیت برای فعالیت آن در خاک آمریکا و یا حداکثر اخراج آن همراه شود، اما بازداشت مدیر آن و انتشار برخی اخبار مبنی بر احتمال حبس طولانی مدت او نشان می‌دهد مسئله شرکت چینی هوآوی بسیار فراتر از نقض تحریم‌ها علیه ایران است.

از سوی دیگر با نگاه به رویکردهای ملی‌گرایی افراط گرانه دولت ترامپ در حوزه بازارهای تجاری، مشخص است که کاخ سفید با شعار «اول آمریکا»ی ترامپ تا چه حد بدنبال مانع‌گذاری در برابر فعالیت شرکت‌های غیرآمریکایی در این کشور است. آن هم شرکتی مانند هوآوی که بدون نیاز به تکنولوژی شرکت‌های غربی، رقیب جدی در مقابل آن‌ها شده است.

لذا در شرایط فعلی نقض تحریم‌ها علیه ایران بهانه

مناسبی برای وزارت خزانه‌داری آمریکا است تا یکی از رقبای قدرتمند شرکت‌های آمریکایی را از صحنه خارج کند.

اما از طرف دیگر فشار بر شرکت چینی هوآوی در زمانی انجام شده که به تازگی پکن و واشنگتن بر سر یک آتش بس ۹۰ روزه در جریان جنگ تجاری خود به توافق رسیده‌اند، قرار شده است در این ۹۰ روز طرفین هیچ گونه افزایش تعرفه‌ای را علیه بازار صادراتی یکدیگر تحمیل نکنند. با این حال اگرچه در حال حاضر خبری از اعمال تعرفه‌های جدید بر کالاهای چینی در آمریکا نیست، اما بازداشت مدیر ارشد یک شرکت چینی در آمریکا نشان می‌دهد، واشنگتن همچنان علاقه‌مند به تداوم تنش تجاری با پکن است.

به عبارت دیگر آمریکا بسیار علاقه‌مند است که مسئله بازداشت مدیر هوآوی را بی‌ارتباط با تنش تجاری خود با چین نشان دهد و در همین ارتباط نیز ری کودلو، مشاور اقتصادی کاخ سفید گفته است که ماجرای دستگیری مسئول شرکت هوآوی ارتباطی با گفتگوهای تجاری این کشور با چین ندارد. اما چه کسی است که نداند بازداشت مدیر هوآوی تا چه میزان زیادی می‌تواند به عنوان یک برگ بازی در دست کاخ سفید برای مذاکرات تجاری آتی با پکن و فشار بیشتر بر چین مورد استفاده قرار گیرد؟

در واقع اگر بخواهیم بی‌ارتباطی بازداشت مدیر هوآوی را با مسئله تحریم ایران بیان کنیم، فقط کافی است به فشار چند ماهه گذشته آمریکا به متحدان خود از جمله در اروپا و حتی شرق آسیا اشاره کنیم که از آن‌ها خواسته بود تا از ادامه همکاری با شرکت چینی هوآوی خودداری کنند. فشاری که به نظر می‌رسد تا حدودی جواب داده و تا کنون مقامات ژاپنی و انگلیسی نیز به تبعیت از واشنگتن فعالیت شرکت چینی مذکور را در کشورهایشان منع کرده‌اند.

براین اساس بازداشت مدیر ارشد یک شرکت چینی در آمریکا بیش از آن که بتوان مرتبط با تحریم ایران عنوان کرد، می‌توان موضوعی در راستای ادامه جنگ تجاری واشنگتن با رقیب اقتصادی خود، یعنی پکن دانست که طی یک سال گذشته همچنان جریان داشته است.